
ناصر الدین
شاه
قاجار


وقایع پانزده ساله
سلطنت جاوید مدت اعلیحضرت اقدس
همایون شاهنشاه جمجاه خسرو
صاحبقران السلطان بن السلطان
ابن السلطان


خلد الله
ملکه و سلطانه
سنه ۱۲۹۵


LIBRARY
AUG 19 1964
UNIVERSITY OF TORONTO

هو

فهرست نماند و قصد [illegible]

این بنده مؤلف را [illegible] سلطنت و صدارت [illegible]

و اراده جازم این بود که تمام وقایع [illegible] اعلیحضرت [illegible] در دولت [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] حکایت [illegible] لهم [illegible]

شهریار [illegible] صلة الله تعالی [illegible] دوله [illegible] سال [illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] الدولة [illegible] الملک [illegible] صحیفه [illegible]

در [illegible] آن [illegible] تحقیق [illegible] کامل [illegible] ضبط [illegible] و تفصیل [illegible]

تألیف و تحریر [illegible] تاریخ عصر [illegible] شرح حال [illegible] اولاد و احفاد [illegible]

[illegible] نگارش [illegible] حالات [illegible] و اطوار [illegible] سلطان [illegible]

و اخبار ضبط [illegible] که [illegible] حالات [illegible] خارجه [illegible] ازین [illegible]

شرح حال [illegible] اطلاعات [illegible] بسیار [illegible] صحیحه [illegible]

بر صحت [illegible] قیاس [illegible] و ملاحظات [illegible] تاریخ قاجاریه [illegible]

علم [illegible] اعلی الله مقامه [illegible] ارواح الله روحه [illegible] ناسخ التواریخ [illegible]

مرحوم مبرور [illegible] خلد آشیان [illegible] صاحب [illegible] جناب [illegible] ایشان [illegible]

قدوة الفضلاء زبدة الفصحاء [illegible] دانشمند [illegible] و دولتی [illegible] مدت [illegible]

[illegible] و عهد [illegible] در [illegible] تمام [illegible] سال [illegible]

[illegible] شروع [illegible] شروط [illegible] وقایع [illegible]

و بعد [illegible] شروع [illegible] و مبین [illegible] و الفارق [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] قاجاریه [illegible] سال [illegible] وقایع

۲ خاصه شرح هر سالی مذیل است بوقایع و حوادث عظیمه تمام اقطار عالم و کلیه دول روی زمین

خواجه نصیر [illegible] ...

اگر در دیگر القاب [illegible] ...

و چون القاب [illegible] ... ملاحظه اختصار [illegible] ...

لقب [illegible] ... که [illegible] ...

روزنامه [illegible] ... که در این عصر همایون [illegible] ... عالیه [illegible] ...

و همچنین اگر بعضی [illegible] ... که در این [illegible] ...

کرده ان بسلطنت [illegible] ...

نکات و در روزنامه [illegible] ...

تا بمقام ترقی نایل و واصل شود چنانکه در بسیاری از امثال و شرح حال متقدمین مذکور و مسطور است که [illegible]

مسبوق بخدمت و معروف حضرت سلاطین نموده و در زوایای خمول خفته بوده‌اند عاقبت بوفور عقل و دانش

و حصافت رای و علو همت و جلال خدمت بمقام منیع وزارت

رسیده‌اند [illegible] که حکیم [illegible]

فرعصه [illegible] هنر بهتر از گوهر نامدار

العبد الفانی محمد حسن ابن علی المراغه‌ای

الملقب بصنیع الدوله

ربیع الاول

۱۲۹۵

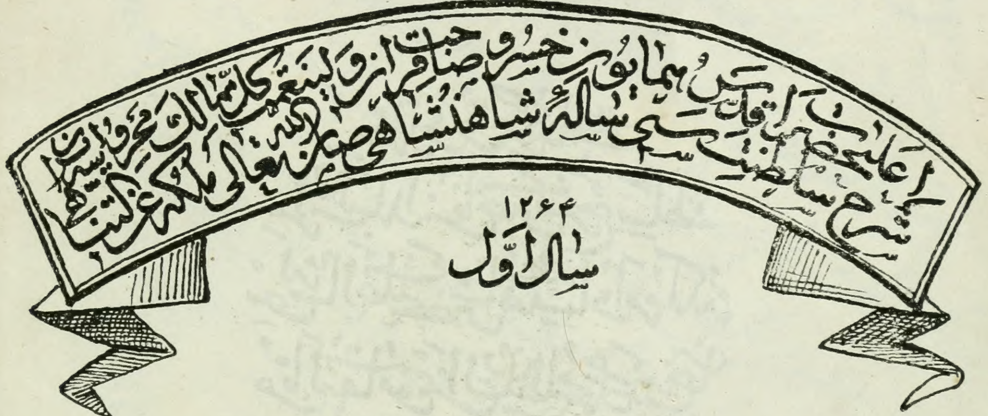
هو الله تعالی شأنه العزیز
در دار الطباعه

جلد دوم کتاب
مرآت البلدان ناصری شرح سلطنت
سی و سه ساله اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه
من تألیفات مؤتمن السلطان محمد حسن خان
صنیع الدوله ابن مرحوم حاجی علی خان
اعتماد السلطنه غفر تربته

دولتی سمت
انطباع پذیرفت
فی سنه ۱۲۹۵







بسم الله الرحمن الرحیم

جلوس ابد مأنوس همایون اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران شهریار عادل باذل ظل الله الممدود السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه قاجار** ادام الله تعالی ایام ملکه ومتعنا الله وجمیع المسلمین بطول بقائه بر تختگاه سلطنت وسریر پادشاهی آبای بزرگوار واجداد امجاد تاجدار خود در دار الخلافه باهره در شب شنبه بیست و دوم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری اتفاق افتاد شکوه سلطنت افزود و دولت علیه علیه عظمت دیگر نمود و روز یکه تاج خلافت خسروی تبارک مبارک مزین و مفتخر گردید سال عمر همایون که امتداد آن شرف دوام و قرون باد بهجده رسیده با رای پیر و بخت جوان پایه سریر گردون مسیر را بر روی مبانی معدلت و دعائم نصفت قرار داده قواعد ارکان

آنرا

آنرا استحکامی زاید آماکان عنایت و مرحمت فرمود

شب ششم شهر صفر المظفر هزار و دویست و چهل و هفت هجری شب عید ولادت با سعادت شاهنشاه جمجاه
اسلام پناه است که همه ساله جشن این عید سعید مقرر و موجب سرور عموم اهل مملکت و کشور میباشد و چون
درین سال فیروزی مآل سنین ملک و سلطنت شهریار کامکار بمبارکی و سعادت بسی رسیده و در یکقرن
پادشاهی مآثر و نتایج خاطر الهام ذخایر که لا تعد و لا تحصی است ممالک را در زیور آراستگی و کمال معموری نموده
و باصابت رای عالم آرا بلاد و عباد را مرفه و معمور فرموده این جمله را اقتضا اینست که مجلدی خاص جمع
و موجب روشنی و بهجت بصر و سمع مطالعه کنندکان حال و استقبال نماید و آنرا نازل منزله شکر نعمای الهی
و ادای حقوق عظیمه ولینعمت خود و کل اهالی ممالک محروسه ایران شید الله تعالی دعایم ملکه و دولته
قرار دهد لهذا شروع بشرح سلطنت سی ساله نموده هر سالی را با بیانی وافی خالی از اطناب ممل و عاری از
ایجاز مخل مینگارد و در ذیل احوال هر سال وقایع و سوانح بزرگی که در کل روی زمین سانح شده توقیم آن
تکمیل حظ و استیفای نصیب ناظرین مینماید بعون الله تعالی و حسن توفیقه

شرح سلطنت سی ساله اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه روحنا فداه

سال اول

چون شهریار مبرور و ماضی انار الله تعالی برهانه شب ششم شوال هزار و دویست و شصت و چهار از قصر محمدیه
شمیران بملاء اعلی و ریاض قدس رسید و پیوست نوبت خسروی این خدیو یگانه و پادشاه عادل فرزانه آمد
قبل از انتقال شهریار مبرور اسکنه الله تعالی فی دار السرور ذات ملکوتی صفات مقدس که ولایت‌عهد آنحضرت
رضوان جایگاه داشتند در دار السلطنه تبریز در انتظام امور مملکت آذربایجان و تکمیل موجبات آسایش
اهالی و رعایای آن سامان تجشم میفرمودند و در زمان اشتداد مرض شهریار فردوس قرار از جانب امنا و وزرای
دولت و حضرت عرایض و چاپارهای پی در پی روانه تبریز میشد و بعد از وقوع غائله هائله شهریار ماضی طاب الله ثراه
نیز مسرعی از طرف نواب مهد علیا طیب الله تربته اعلام را بآذربایجان شتافت (نواب مهد علیا دخترزاده
خاقان مغفور فتحعلیشاه و فرزند امیر محمد قاسم خان بن سلیمانخان قاجار قوانلو و والده اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه
روحنا فداه بودند) و نواب معظم الیها بنظم شهر و توابع دار الخلافه و تمهید مقدمات جلوس ابد مانوس پادشاهی
دام ملکه رای و تدابیر صائبه فرموده نواب والا شاهزاده علیقلی میرزا را که زیور فضل و دانش داشته و دارند
بوزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند نیز در هشتم شهر شوال سنه مسطوره نوشته

حاجی میرزا آقاسی بعلیخان ماکوئی سردار آذربایجان رسید که بحرکت موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی اهتمام نموده بود و وزرای مختار روس و انکلیس هم بقونسولهای خود این مطلب را نکاشته و ابتدا نامه را لغورکی وزیر مختار روس بانیکوف که در تبریز قونسول بود رسید و او نیم شبی بسمع اقدس رسانید بالاخره مطلب معلوم خواص کردید و پس از اقدام کارکذاران باتمام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سواره وغیره شب چهاردهم شوال المکرم و بروایتی شب هجدهم ماه مسطور ولیعهد کامکار در تبریز جلوس همایونی فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت کفتند و از شاهزادکان بزرک حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بتقبیل عتبه علیه سربلند کردیدند و میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام و میرزا جعفرخان مشیرالدوله بتجهیز لشکر و تهیه سفر و روانکی موکب همایون بدارالخلافه باهره پرداختند و فرمان صادر شد که میرزا جعفرخان متوقف تبریز و مامور امور دول خارجه باشد بالجمله موکب اعلی روز نوزدهم شوال سنه هزار و دویست و شصت و چهار با اردوی مرکب از ده هزار نفر لشکری و خدام آسمان احتشام از شهر تبریز نهضت فرموده بباسمنج نزول اجلال کرده و از آنجا شد رحال و قطع منازل سفر نمودند و همراه چهارده عراده توپ با قورخانه از پیش روی لشکر میرفت و دو عراده توپ سبک وزن همراه موکب منصور بود و چون مردم تبریز و طهران از طایفه ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی رنجیدکی داشتند علیخان ماکوئی را که بسردار آذربایجان معروف بود دخلی در این خدمت ندادند و میرزا فضل الله خان نصیرالملک به پیشکاری مشغول بود و میرزا تقیخان وزیر نظام برتق و فتق امور لشکر میپرداخت و چون محمدخان زنکنه امیرنظام در این وقت درکذشت میرزا تقیخان منصب امیرنظامی یافت

و از اینطرف خیالات حکام و امرا مشتت بود و حاجی میرزا آقاسی که بزرکان ایران را از خود رنجیده خاطر میدید و از همه مایوس بود بعد از آنکه فضان اقای سرتیپ توپخانه که در آنوقت وجود او را در امور مملکتی درست بود برای او پیغام داد که من از حکم نواب مهد علیا و صوابدید او بیرون نشوم و با تو موافقت نکنم بامامزاده عبدالعظیم حسنی پناه برده بستی شد و هرجا که یکی از بزرکان ماکوئی حاکم بود مردم بران بشوریدند و امرای ایران که قابل مقامی بودند ظاهرا با هم موافق و باطنا جز نفاق نداشتند و در خفا هر یک براه مصلحت خویش میرفتند و منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیانا اکر فسادی در داخل و خارج میدیدند بقدر قوه در اصلاح آن میکوشیدند و قطع و فصل احکام بدست نواب مهد علیا طاب تربتها بود و اصابت رای معظم الیها و مساعی ایشان دخل و فایده عظیم در کار مملکت و تشیید مبانی دولت و سلطنت داشت و مردم را استظهاری کامل بخصایل معدلت شمایل شاهنشاه اسلام پناه میداد منشورها مرقوم فرمودند

و ملاحظات منظور شد حاجی علی خان والد مؤلف را که در ینوقت از زیارت بیت الله الحرام مراجعت کرده بود
برای نظم و حکومت بگیلان فرستادند و عباسقلی خان جوانشیر بضبط قرای خالصه پرداخت تا در غله
وحبوبات بواسطهٔ حیف و میلی نشود و چون خزانه از اصفهان بدار الخلافه می آمد جعفرقلیخان قراجه داغی را با صد و
پنجاه سوار جلو فرستادند که آنرا بسلامت بطهران آرند و در ینوقت میرزا آقاخان وزیر لشکر که برادرخود میرزا
فضل الله نوری امیر دیوان تبوقف دار الامان قم و کاشان محکوم بودند بعد از اطمینان از التفات
نواب مهد علیا و بفرمودهٔ ایشان بدار الخلافه طهران آمده در عمارت خورشید
منزل یافت و کارگذاران نواب معظم الیها او را مهمان پذیر شدند و با بزرگان مازندران دست اتحاد داده مردم را
بریاست و وزارت خود خواندند و دولا از دخامی یل بدآمد میرزا نظر علی قزوینی حکیمباشی که نیز در قم ساکن بود
بقزوین رفت که تقبیل رکاب علی نماید بالجمله موکب همایون کوچ برکوچ بسلطانیه رسید و در هر منزل
بزرگان و وجوه اهل مملکت باردوی معلی پیوستند از جمله در میانه زنجان و سلطانیه خسروخان کرجی با تفاق
علیخان سرتیپ قراکوزلو و دو فوج سرباز بتقبیل رکاب مبارک سرافراز گردیدند و روز ورود زنجان دو
فوج قدیم و جدید خمسه با هزار و پانصد سوار نیز پانصد سوار شاهسون از راه رسیده از نشان نظر مهر اثر
گذشته فوج خمسه مامور توقف زنجان و فوج قراکوزلو مرخص خانه شدند که تهیه سفر خراسان کنند نواب
عبدالله میرزا عم شاهنشاه ایران بوزارت میرزا شفیع تویسرکانی حکومت خمسه یافت هنگام ورود بقزوین میرزا
نظر علی حکیمباشی باستقبال موکب منصور مستعد آمد و میرزا تقیخان امیرنظام بیرخصت آمدن او را نیز و ورود
میرزا آقاخان وزیر لشکر را بدار الخلافه بی اذن جسارتی شمرده هر دو را از ین مبادرت منع و مورد مواخذه داشت
میرزا نظر علی را بقم بردند و میرزا آقاخان ببعضی از امنا و رجال دولت متوسل شده مقرر کردید که در خانهٔ
خود نشسته بیرون نیاید هم بمحمد حسن خان سردار ماکوئی که سمت مصاهرت شهریار مبرور داشت تهدیدی
رفت که در خانه خود نشیند تا موکب اعلی بدار الخلافه نزول اجلال کزیند و در ین ایام میرزا نصرالله اردبیلی
صدر الممالک خود را صدر اعظم دولت میشمرد و چنان می پنداشت که بمجرد وصول اردوی معلی این منصب بلا تفویض
خواهد شد نیز در ین اوان سیف الملک میرزا ولد اکبر ظل السلطان که در قزوین موقوف بود و سادوس نفسانی
بر او غالب شده بهمان تبایل که در نواحی قزوین ساکن بود رفته بنای سرکشی گذارده بهوس پادشاهی افتاد و ارقام
باطراف فرستاد ولی سلیمانخان افشار او را در بقعهٔ امامزاده معروف بکاز سنگ دریافت و دستگیر نموده
واعوان او متفرق و خود او را بدار الخلافه آورد هم در ین ایام میرزا محمد علیخان شیرازی از سفارت پاریس مراجعت
کرده در دار الخلافه بود تا اردوی همایون در منزل یافت آباد از ابنیهٔ حاجی میرزا آقاسی که قریب بدار الخلافه است

قرار گرفت شاهزادگان و بزرگان درگاه بخاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند درین محل پیشکاری میرزا تقیخان امیرنظام معلوم همه کس گردید و میرزا محمد سعید انصاری کاتب اسرار مکتوبه و منشی رسایل خاصه گردید

ذکر ورود موکب منصور بدار الخلافه و جلوس همایون بر سریر سلطنت ابد دولت روزافزون و بعضی وقایع دیگر

روز بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسه با فر و شکوهی فراوان دار الخلافه طهران را بقدوم سعادت لزوم مبارک مزین فرمودند سروری عام و نشاطی خاص عموم اهل این مملکت را دست داد و بلوازم شکرگذاری کوشیدند و از زیارت جمال مهر مثال مقدس قرین حصول آمال آمدند و در شب شنبه بیست و دویم همین ماه در سرای سلطنتی پیش روی کلاه فرنگی هفت ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و درین جلوس میرزا تقیخان بلقب اتابکی و منصب صدارت عظمی نایل گردید و بخلعتی فاخر مخلع آمد

روز شنبه بیست و چهارم این ماه سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و بزرگان ایران بشرف حضور باهر النور اعلی مشرف شده تهنیت گفتند قلوب آسایش و نفوس تسلیت یافت و هم از آن روز میرزا تقیخان اتابک اعظم بنظم امور ممالک محروسه و تعدیل دخل و خرج دولت و مخصوصا بفکر نظم خراسان افتاد و بپرداخت و هر منصبی را بشخصی شایسته واگذار کرد و با میرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالک دیگر بصیرتی داشت راه اتحاد گرفت اسکندر میرزا بوزارت میرزا موسی تفرشی مستوفی بحکومت قزوین رفت شاهرخ میرزا ولد فرمانفرمای مرحوم حاکم کاشان شد و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت در دوازدهم ذیحجه نعش شهریار مبرور طاب الله ثراه را بدار الایمان قم نقل و تحویل دادند و چون اغلب بلاد و ایالات بی شایبه غایله و فتنه نبود گماشتگان و کارگذاران آستان آسمان جاه همایون بتصفیه مشارب و حسم مواد طغیان پرداختند

ذکر توجه قشون ظفر نمون بنظم بلاد خراسان

از جمله اشخاص که بنظم و انتظام بلاد مامور شدند حاجی نور محمد خان سردار و سلیمانخان افشار بودند که باصلاح امور خراسان روانه شدند و چون بسبزوار رسیدند اطمینان نامه نوشته برای سالار و جعفرقلیخان فرستادند (اسم سالار حسنخان ولد آصف الدوله اللهیارخان قاجار دولو است و اللهیارخان خال شهریار مبرور ماضی طاب الله ثراه بوده) ولی سالار در دوران فترت قوتی گرفته و نواب والا حمزه میرزا را ضعف حاصل شده بود تا یارمحمدخان از ظاهر مشهد مقدس بهرات شده بود و بلاد خراسان بحکوم سالار گردید لهذا آن نوشته را وقعی

نواب معظم الیه الان ملقب بحشمة الدوله و الان حکمران عربستان و لرستان میباشند

ننهاد

نهاد اما چون سالار را تسلط ترتیب حیدر بیگ رفت جعفرقلیخان بجانب نیشابور آمد و در ورود او سلیمانخان
او را پذیرائی کرده سخنها با او در میان آورده روی دل او را بجانب دولت گردانید و از او عریضه گرفته
بدار الخلافه فرستاد ولی چون سالار بسبزوار آمد سخنان عم خود نور محمد خان را نشنید و در این وقت سلیمانخان
ایلخانی ابن رضاقلیخان زعفرانلو که در طهران مقیم و موقوف بود موقعی درست برای خدمت این دولت
جاوید شوکت و طلب نام نیک و حسن مقام بدست آورده از دار الخلافه فرار بجانب خبوشان رفته نواب
شاهزاده سلطانمراد میرزا که بلقب حسام السلطنه اختصاص یافته نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مأمور
خراسان شده و مصمم تسخیر بجنورد و تخریب اسفراین بود نور محمد خان و سلیمانخان در چهارشنبه سلخ
صفر باردوی نواب والا حسام السلطنه آمده و جعفرقلیخان بهانه حفظ خانه خود از سالار اذن خواسته بمنزل
رویین دز در آمد و مجدداً با سلیمانخان ملاقات و مقالات نموده در عزیمت دار الخلافه یکدل... و در غره
ربیع الاول روانه طهران شد و پس از ورود معفو و مورد مرحمت شاهانه گردید و از جانب نواب دولت سلطانمراد
میرزا با لشکری جرار در پنجم ذی حجه راه خراسان گرفته بسبزوار رسید و لشکر را بمحاصره شهر فرمان داد
و در این زمان سامخان زعفرانلو با ششصد سوار کرد از خبوشان باردوی والا آمدند و لطفعلیخان
بغایری و اللهیارخان و امیر حیدرخان طالش و کوچک آقای برادرزاده سلیمانخان در چزی با جمعی
سواران بموافقت سامخان باردو آمده مورد لطف شدند و در این ایام برفهای شدید میبارید و آذوقه
قشون نایاب و کار تنگ بود لهذا بخیال ترک محاصره و عزم شاهرود افتادند اما سامخان منع این خیال نموده
نواب والا و سپاه را بخبوشان میل داد و متعهد آذوقه و علوفه اردو شد و از عهده عهد بواجبی برآمد و
هنگام عبور بجانب خبوشان از راه سر ولایت نیشابور شاهان دز نام قلعه که در میان راه بود از شلیک
توپ متزلزل گردید و صاحب قلعه محمد خان بغایری فرار کرده بمحال بام و جهان ارغیان گریخت و اهالی قلعه
امان یافته بیرون آمدند و آذوقه و علوفه که در آنجا انبار بود بتصرف عساکر منصوره درآمد و صفی آباد نیز
مفتوح گردید و محمد خان بغایری بشفاعت سامخان بخدمت آمد و نواب حسام السلطنه باراضی اسفراین
رفتند و در اینوقت حیدرقلیخان برادر جعفرقلیخان در قلعه میان آباد بود و از این قلعه برویین دز نزد
جعفرقلیخان شتافت و جعفرقلیخان هنوز بدار الخلافه نرفته بود از اینجا مطمئن شده رو بطهران نهاد
و نواب والا آهنگ جوین و قلعه جغتای کرد و سالار بجانب اللهیارخان جوینی باردوی والا نزدیک
شده روزی که اهالی اردو در مراتع جوین بطلب آذوقه متفرق بودند سالار خبر شده با هزار سوار و
سیصد نفر سرباز که با دو عراده توپ در آنجا بودند فرستاد چون صدای توپ بلند شد سواران

عراقی از هر طرف بلشکر خود پیوستند و سالار نیز سواران خود را امر بتاختن کرد و خود نیز بر اندیمین قلیها سرباز مدت شش ساعت با سپاه خراسان جنگ میکردند تا نوّاب حسام السلطنه آگاه شده بالشکر برزمگاه آمد و جنگی بزرک درگرفت و دویست تن از سپاه سالار مقتول شد و خود او فرار کرد و چهار فرسنگ پس نشست و نوّاب والا آن قلعه را محصور و مسخر نموده قلعه جغتای نیز بتصرف درآمد سلیمان اقای قلیچی بسالار پیوست و محمد ابراهیمخان قاجار از جانب نوّاب والا حسام السلطنه حکومت جوین یافت و نوّاب معظم الیه قصد تسخیر سبزوار کرد امّا سالار مبادرت نموده بسبزوار شد و میرزا محمدخان برادر خود و امیر اصلان خان پسر خود را در آنجا گذاشته جمعی را گروی گرفته بنشابور رفت و نوّاب حسام السلطنه در نیم فرسخی شهر سبزوار در قلعه خسروگرد خیمه زده ده روز با سواران سالار زد و خورد میکردند در این وقت یحیی خان تبریزی از دار الخلافه با دو سه هزار سوار و سه عرّاده توپ و خزانه در خور و نشانهای التفات برای سالار خان و دیگران که خدمتی کرده بودند در رسید و جعفر قلیخان ترشیزی باظهار خدمتگذاری عریضه فرستاد و خبر رسید که یعقوبعلی خان تربتی را اهل تربت محاصره کرده و مستدعی اند که اسکندرخان قاجار را که سابقاً سرتیپ افواج آنها بوده روانه دارید تا تربت را با او سپارم نوّاب حسام السلطنه او را با شش عرّاده توپ و قشون روانه کرده او بترشیز رفت و ترشیز را مسخر کرده سرباز مراغه را برداشته و صد و پنجاه تن از طایفه عرب و عجم را بحفظ ترشیز گذاشته و جعفر قلیخان ترشیزی را با خود همراه برد چون بتربت رسید یعقوبعلیخان بجولانت رفته هم آخر او را اطمینان داده باخود باز آورد بعد از اسکندرخان نوّاب حسام السلطنه از خسروگرد کوچ کرده بسبزوار آمد و دروازه های شهر را بر سپاه تقسیم کرده ببر آوردن سنگر و حفر مارپیچ و مورچال و لوازم محاصره فرمان داد در اینوقت مصطفی قلیخان تربتی برادر یعقوبعلی خان تربتی با دویست نفر سرباز تربتی بمحارست ارک سبزوار مخصوص بود و قبیله او قبول خدمت کرد و با اسکندرخان بساخت نامه برادر خود نوشت که من قبول خدمت دیوان اعلی کرده ام تو نیز با من موافقت کن و ارک سبزوار را تسلیم کماشتگان نوّاب والا حسام السلطنه نمای مصطفی قلیخان این نوشته را با عریضه خود خدمت نوّاب حسام السلطنه فرستاد و استدعا کرد شخصی را مامور کنند تا ارک مزبور را بدانشخص سپارد نوّاب والا فرج الله خان عرب را با تبعه او مامور کردند و او بسرعت روانه شده روز چهاردهم ارک سبزوار را گرفتند و مردم شهر سراسیمه شدند امیر اصلان خان تمل دروازه را شکسته بدر رفت و میرزا محمد خان بیگلربیگی و شاهزاده محمد یوسف افغان هراتی و سلیمان اقای قلیچی گرفتار شدند و ایشان را بیحیی خان تبریزی سپردند که مغلولا بدار الخلافه آورد و نوّاب والا حسام السلطنه بعد از فتح سبزوار در بیستم شهر ربیع الثانی عزیمت نشابور کرد و امام وبردیخان بیات

که از جانب نواب والا حشمة الدوله حسن میرزا حکومت نیشابور داشت و در این مدت بنا را خدمت و انقیاد نکرده بود در این موقع باستقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور در آمده شهر را بایشان سپارم در این ایام که عید نوروز فیروز بود نیشابور را نیز تصرف کردند

ذکر بعض وقایع دیگر که در این سال خیر مآل واقع گردید

هم از وقایع این سال الهزار و دویست و شصت و چهار ماموریت میرزا جعفر خان مشیر الدوله است بسرحد بغداد که باتفاق وکلای دولت روس و انگلیس و عثمانی از انجا بمحمره رفته حدود اراضی دولتین را تشخیص دهند و این فقره طولانی بود که حاصل آن در ضمن نگارش احوال مراجعت سفیر مزبور مسطور خواهد شد

نیز در این سال حکام بلاد را تجدید نمودند و اصقاع ممالک غالباً از شوائب آشوب مصفی گردید و برای دفع آشفتگی کرمان نواب والا مؤید الدوله طهماسب میرزا را بحکومت آنسامان فرستادند و فضلعلیخان را از آنجا طلبیدند و دوستعلیخان حاکم یزد بدار الخلافه آمد و محمد عبدالله نامی از اشرار آن ولایت داخل در کار حکومت میکرد تا اعلیحضرت شاهنشاه بر سریر گردون مسیر مستقل گردیدند و حاجی بیژن خان گرجی را که در پیش سفید عمله خلوت بود بحکومت یزد فرستادند و نواب والا معز الدوله بهرام میرزا بایالت فارس و نواب والا رکن الدوله اردشیر میرزا بلرستان و خوزستان بحکمرانی رفتند و خان خانان سلیمانخان حاکم اصفهان شد و چون حاجی بیژن خان متابعت رای محمد عبدالله مینمود بزودی از حکومت معزول شد

و در این سال نواب والا خانلر میرزا را از مازندران خواسته ببروجرد فرستادند و مازندران را بنواب برادرش محمد قلی میرزا سپردند و در زمان او فتنهٔ طایفهٔ بابیه در مازندران موجب هلاکت جمعی کثیر شد شرح فتنهٔ این طایفه با سرانجام در ذیل نگاشته خواهد شد

هم در این سال در اوایل جلوس بد مانوس همایون میرزا تقیخان صدر اعظم بمناصب علیحضرت شاهنشاه سرافراز گردیده توقیعات فوق العاده او مورث رنجش بعضی امرای درباری گردید و بعضی افواج را بر او بشورانیدند و او ناچار از ادارات خانه حاجی میرزا آقاسی بشهر نقل مکان کرد و بسعی بعضی از امنای دولت خاصه عباسقلیخان جوانشیر و عیسی خان بیگلربیگی افواج شوریده آرمیدند و میرزا تقیخان از خانه میرزا آقاخان که اعتماد الدوله لقب یافته بود بمکان خود بازگشت و از نو بمنصب خود مستقل گردید و در این نوبت حاجی علیخان والد مؤلف بمنصب فراشباشیگری یافت

هم در این سال فیمابین علمای تبریز اختلافی پدید آمد و مریدها مادهٔ خلاف را غلیظ کرده بمصاف کشیدند و نواب ملک قاسم میرزا حکمران تبریز باصلاح پرداخت و عوام آرام گرفتند و در این سال میرزا احمد شاملوی خوشنویس در گذشت

نیز در این سال حاجی میرزا آقاسی که چهارده سال صدارت شهریار مبرور طاب الله ثراه را داشت استدعا و استیذان زیارت عتبات عالیات طلب نموده نصرالله خان یوزباشی لک با پنجاه سوار مامور شدند که او را حافظ و همراه باشند

و در سیم ذیحجة الحرام غائله منفصل شد اهل مقصود گردید   و میرزا نصرالله صدر الممالک اردبیلی که بعد از شورش افواج سمیرمی متهم بود به قم رفت و از آنجا او را روانه کرمانشاه کردند و آغا بهرام قراباغی را نیز مجذوب و لا بکرمانشاهان برده و سپردند و جمعی از مردم که موجب فتنه و شورش و بر ضد میرزا تقی خان بودند تنبیه شدند

شرح فتنهٔ طایفهٔ بابیه

اگرچه تمامی فتنهٔ طایفهٔ مزبوره متعلّق باین سال نیست بلکه بعضی بسالهای سابق و برخی لاحق تعلّق دارد ولی محض اینکه رشتهٔ مطلب گسسته نشود اینجا یکجا را باسرها در این نمره مینگارد و هی هذا

سیّد علی محمّد معروف بباب پسر میرزا رضا از سادات شیراز که آبا و اعمام او بتجارت و بزّازی در شیراز و یزد مغازها داشتند بعد از آنکه چندی در عتبات عالیات در حوزهٔ درس علما خاصه حاجی سید کاظم رشتی شیخی بوده به بندر بوشهر آمده مدّتی در این بندر سر برهنه در آفتاب ریاضت کشیده رطوبت دماغش تمام شده ابتدا مدّعی بابیّت امام غایب عجّل الله تعالی فرجه شد و بعدها کم کم بر زبان دعوی صعود نموده ادّعای صاحب الامری کرده آخر الامر خود را از حضرت خاتم الانبیا برتر میخواند و نوشته جات سخیف خود را از قرآن کریم افصح و ابلغ میشمرد حسین خان اجودان باشی حاکم فارس در سال هزار و دویست و شصت و دو او را از بوشهر بشیراز طلبیده در خلوت با او نشست و در دروغ با او اظهار ارادت کرده و او را بر آن داشت که در مجلس علما عقاید و دعاوی خود را آشکار کند و او در روز نوزدهم رمضان در مجلس علما باعتماد بر حسین خان آنچه در دل داشت بر زبان آورد و اختلال حواس او معلوم شده بحرمت سیادتش بجای سیاست کلّی چوب بپاهای او زدند و روی او را سیاه کرده بمسجد وکیل بردند او اظهار ندامت و توبه کرده بخود لعن نمود آنگاه او را حبس کردند و شش ماه در حبس بود تا منوچهرخان معتمد الدّوله از اصفهان سواران بطلب او فرستاده او را باصفهان آوردند و منوچهرخان باو گمانها میبرد و او را در اصفهان پنهان داشت تا سال هزار و دویست و شصت و سه که منوچهرخان در اصفهان درگذشت و سید علی محمد را از اصفهان احضار و بچهریق آذربایجان برده و در آن قلعه گذاشتند و جمعی نگاهبان بر او گماشتند و سید یحیی پسر آقا سید جعفر معروف بکشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای او بود بیزد رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرّق و بنای دعوت عوام و فریب نهادند از جمله ملّا حسین بشرویه که از علما و بامید ریاست تابع او شده بود در مشهد مقدّس در میان هنگامهٔ سالاری بازار آشفته دید مشغول فریب جمعی بود که سام خان سرتیپ روسی که در خدمت این دولت جاوید شوکت بود مطلع شده عریضه خدمت نوّاب والا حشمة الدّوله والی خراسان که در چمن رادکان بمدافعهٔ سالار میپرداختند نوشته اظهار داشت که عنقریب فریب خوردگان ملّا حسین فتنه برپا خواهند کرد والی خراسان حکم کرد ملّا حسین را با قراول باردو آوردند و حبس کردند بعد از چندی در حرکت اردو فرار کرده بمازندران رفت و سیصد چهارصد تن از فریب خوردگان

باو وصل

باو وصل شدند که بآذربایجان ببادی سید علی محمد روند چون حبس باب در چهریق مایه گفتگوی عوام شده در
وقتیکه بحکم شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) طاب الله ثراه حضرت ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران
(شاهنشاه جمجاه دام ملکه) بحکمرانی آذربایجان ومضافات مامور بودند مقرر شد سید را از چهریق
به تبریز آورند و در حضور حضرت معظم ولیعهد علما حاضر شوند و با سید گفتگو نمایند تا اباطیل او مشهود
عالمیان گردد هم در این سال که سال هزار و دویست و شصت و سه باشد بر حسب امر اقدس در حضور حضرت
ولیعهد گردون مهد مجلسی منعقد شد و علمای اعلام حاضر شدند آخوند ملا محمد ممقانی و حاجی مرتضی قلی مرندی
ملقب بعلم الهدی و حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام و حاجی میرزا محمود نظام العلما سید علی محمد را محترما بمجلس آوردند
سؤال و جواب در هر باب با او نمودند اصلا رایحه از علم و معرفت از او استشمام نشد و بطلان دعاوی او بر خاص
و عام ظاهر گردید پس از چندی توقف در تبریز و بکرات چوب خوردن بامر اقدس حضرت ولیعهد و فتوای علما
باز او را بچهریق برده حبس کردند و تابعین او در هرجا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گذاردند از جمله دختر حاجی
صالح برقانی پیرو این طایفه شد عم خود مرحوم حاجی ملا تقی برقانی را که از علما و منکر این طایفه بود بدست دو سه
تن بابیه بقتل رسانید و بقرة العین ملقب و مشهور شد و حاجی محمد علی نام بارفروشی که در مکه سید علی محمد را
دیده و حسن ظنی باو حاصل نموده او نیز یکی از مشاهیر این طایفه گردید و در انتقال شهریار مبرور انار الله برهانه
ملا حسین بشرویه که بوضع مسطور از خراسان بسمت مازندران گریخت با جمعی ورود ببارفروش نموده
خارج شهر در حوالی مزار معروف بسبز میدان اقامت کردند و ظاهرا مشغول معاملات و باطنا بفریب مردم پرداختند
سعید العلما خبر شده امر باخراج آنها نمود و کار بمنازعه کشید سعید العلما عباسقلیخان سردار لاریجانی را اطلاع
داده وی محمد بیک یاور فوج را با سیصد نفر تفنگچی لاریجانی بدفع فرقه مبتدعه فرستاد و در این نزاع دوازده
نفر از بابیه کشته شد و چند نفر نیز از آنطرف زخمدار گردیدند و بابیه در سبز میدان متحصن گشتند و بعد
از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند و چون در راه مورد دست اندازی گردیدند
در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف فضلای محدثین و مشایخ طبرستان است متحصن جستند و در آنجا قلعه
بشکل مثمن از خشت بنا کردند و بروج عالیه در آن وضع نمودند و لوازم حصانت را بآن دادند و گاو و گوسفند
و شلتوک و هرگونه ماکولات غارت کرده بقلعه بردند و جمعیت متابعان بدو هزار رسید و باکسان که از پیشگاه
خلافت بدفع این فتنه مامور میشدند بنزاع بر میخاستند و ملا حسین بنفسه رشادتی میکرد لهذا نواب
مهدیقلی میرزا و عباسقلیخان سردار لاریجانی و میرزا کریمخان اشرفی و محسن خان هزارجریبی و بعضی خوانین و سرکردگان
دیگر مازندران بدفع این غایله مامور شدند و بدور قلعه مزبور آمدند شبی سه ساعت بطلوع فجر مانده فرقه

مطرودین باردوی مامورین شبیخون آورده هنگامه برپا شد وچون جنگهای نفت برا اماکن چوبی سپاهیان ریخته
آتش میزدند صحرا شعله زاری بنظر آمد و ملا حسین بشرویه که اسم خود را سید علی اعظم نهاده بود در میان جنگ
با عمامه سبز و لباس سفید اتباع خود را ترغیب بجنگ میکرد هدف گلوله شده بعد از وصول بقلعه درگذشت و جسد
او را اتباع او در بین دیوار از مقبره شیخ طبرسی بخاک کردند و مریدهای او را گمان اینکه تن او در خلوتخانه با امانت
وبزودی دوباره زنده خواهد شد و بعد از او حاجی محمد علی که بقول ملا حسین علی اعلی نام گرفته در مقام عصیان
ثبات قدم بخرج میداد و مدتی خونها بناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمان خان افشار قاسملو از دربار معدلت
مدار بمامور مازندران شده بدفع این طایفه پرداخت و قشون دار المرز بغلبه قلعه را گرفته بابیه را مقهور و جمیع
از آنها را که شرعاً و عقلاً واجب القتل بودند بکشتند و حاجی محمد علی رئیس آنجماعت را بخواهش جناب سعید العلما
وسایر فضلا ببار فروش بردند و پس از سؤال و جواب وعدهای ناصواب برخر نشانده در شهر بگردانیدند
و ازدحام عام شده او را با شمشیر ریز ریز کردند و قلعه جدید شیخ طبرسی را با خاک یکسان نمودند نیز از فتنه‌های
اینقوم مطرود یکی خروج ملا محمد علی زنجانی بود این مرد از تلامذه مرحوم شریف العلما و بعد از چندی تحصیل میل
او بریاست فوق العاده و مشاجره با علما معلوم در زمان فتنه بابیه او نیز موقع را مناسب دیده با سید علی محمد
مکاتبات نمود و بدل نموده طریقه او را قبول کرد و مردم را باو دعوت نمود و جمعی کثیر دور او گرد آمدند و
بریاست او پا در راه تمرد نهادند و سید علیخان سرتیپ فیروزکوهی با جمعی دیگر به تنبیه این طایفه مامور شدند
و چون استعداد ملا محمد علی در زنجان از هر جهت زیاد شده بود چندی محاصره زنجان امتداد یافت و خونها
ریخته شد محمد خان بیگلربیگی بن فتحعلی خان ابن هدایت الله خان گیلانی بتسخیر زنجان و دفع آن طغیان روانه شد
یازده ماه شهر در بند محاصره بود و از جانبین بر شمار کشتگان میافزود تا وقتیکه بضرب گلوله دست ملا محمد علی شکسته
و پس از هفته بمرد و فرقه مردوده بی سردار ماندند و لاجرم از در استیمان در آمدند و آنها که راه عصیان رفته و
قاتل مقتولین اردو بودند بقتل و قصاص رسیدند و معلوم اولیای دولت شد که اصل شعب فساد وجود
سید علی محمد است لهذا بفتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدهای او از چهریق بتبریز آوردند و بیکدسته
از فوج بهادران نصاری سپرده بدار بستند و افواج دیگر نیز حاضر شده خلق باجماع او را تیرباران کردند چون در اثنا
بضرب تیر او را بکشتند و جسد او را در خندق انداختند تا شب هنگام طعمه کلاب شد و این واقعه در هزار و دویست
و شصت و شش روی نمود   فتنه دیگر خروج سید یحیی پسر آقا سید جعفر اصطهباناتی بود که بر خلاف طریقه پدر
بسبب میل بریاست بسید علی محمد گرویده و در نیریز فارس خروج نمود و چون وقتی او به نیریز آمد و مردم را بفریفت
که اهالی نیریز از حاکم خود حاجی زین العابدین خان بن محمد حسین خان رنجیده و او را از نیریز بیرون کرده

و از خوف

واز خوف او جوهای ملانی بودند این موقع برای سید یحیی مناسب و مساعد بود و مردم باو رغبتی کردند و علی
اصغرخان برادر کوچک حاجی زین العابدین خان که با سید یحیی از در مخالفت درآمد با چند تن از اقوام و عشایر و اولاد
و بنابر باشاره سید یحیی کشته شدند لهذا دیوان بیکی محمد علی خان بن حاجی شکرالله خان نوری و مصطفی قلی خان
قراگوزلوی سرتیپ بحکم نواب والا نصرة الدوله فیروز میرزا حکمران فارس بدفع سید یحیی و اتباع او مامور شدند
و به نیریز آمده بعد از مقابله و مقاتله بر ایشان غلبه کرده و سید یحیی را دستگیر نموده بشیراز آوردند و در
شیراز ورثه مقتولین سابق الذکر او را بحکم قصاص بکشتند و زین العابدین خان در نیریز بحکومت خود
استقلال بهم رسانید و هم در اواخر پس از چندی او را در کرمان بکشتند

تذییل

مؤلف گوید محض استیفای کامل مطالعه کنندگان از جلد دوم کتاب مرآت البلدان ناصری شرح وقایع هر
سالی از سلطنت سی ساله اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه ادام الله ایام ملکه و سلطنته را مذیل مینماید
بحوادث عمده و سوانح و مطالب عمده که در آن سال در تمام روی زمین اتفاق افتاده و بترتیب حروف تهجی نیز از روی
درجات و شأن و عظمت اسامی ممالک دول را نگاشته معظمات مقاصد تاریخی آنرا در ذیل بطور اختصار ایراد
مینماید بعون الله تعالی و حسن توفیقه

و چون این وقایع مورخ بتاریخ مسیحی است و سنوات تاریخ مسیحی شمسی در تطبیق آن با سنین تاریخ هجری که قمری است
بقدر مقدور جهد و سعی میشود ولی از اینجا که این مطابقه طابق النعل بالنعل امکان نداشت و شاید که در مدت
سی سال تفاوت و اختلافی غیر عمده پیدا شود و ملحوظ ملاحظه کنندگان گردد خود اقدام و مبادرت بمعذرت نمود
(جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی صان الله تعالی ملکه عن التناهی روز ششم ماه سپتامبر
سنه هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی است مطابق با چهاردهم شهر شوال هزار و دویست و شصت و چهار هجری)

اتازونی ینگی دنیا

۱۲۶۴
در اینسال مابین اتازونی و مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتازونی مکزیکه پای تخت مکزیک را فتح کرد

اسپانیول

۱۲۶۴
هم در اینسال در داخله اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد

اطریش

۱۲۶۴
دخل دولت اطریش در اینسال سیصد و سی و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار فلورن و خرج سیصد و سی
و هفت کرور و دویست و نود و هشت فلورن بود (فلورن معادل دو هزار و پانصد دینار پول ایران است)

المان

دراینسال (۱۲۶۴) اشرار قسمتی از لهستان که در تصرف پروس است بواسطه شورشی که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند

انگلیس

دراینسال (۱۲۶۴) حبوبات در انگلیس تسعیری بهم رسانید پنبه از ینکی دنیا نیامد پول کم شد اکنل که از معارف ایرلند بود وفات نمود ابتدا انگلیس در افغانستان و لاهور رو بترقی نهاد میانه دولت چین و انگلیس مجادله در گرفته و این دولت چین را بتصرف کانتن که بندر چین است تهدید کرد و بعضی امتیازات از دولت چین بجهة دخول مال التجاره خود حاصل نمود

ایطالیا

ورود اول سفیر دولت عثمانی بدربار پاپ دراینسال (۱۲۶۴) بود و همچنین بطبع رسانیدن خرج و دخل دولت پاپ اول دفعه

پرتوغال

عجز دولت پرتوغال از نظم و رفع شورش داخله مملکت و استعانت نمودن از دولت انگلیس دراینسال (۱۲۶۴) بود

روس

دراینسال (۱۲۶۴) قحط و غلا در فرنگستان نمودار شده غلات و حبوبات دولت روس در آن ممالک بقیمت و مبالغ گزاف بفروش رسید و اینفقره موجب مکنت و آبادی روس شد طلای زیادی نیز از معادن کوههای اورال عاید روس گردید

سویس

دراینسال (۱۲۶۳) هفت ایالت سویس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع بمذهب است با وکلای تمام ایالت ممالک سویس که در برن پای تخت مجتمع شده مخالفت نمودند دول اطریش و فرانسه هم در باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرک و تقویت میکنند لیکن دولت جمهوری سویس ژنرال دفور را با پنجاه هزار نفر بجنگ اهالی این هفت ایالت مامور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود

فرانسه

دراینسال (۱۲۶۴) در فرانسه قحطی حبوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد اما گندم روس که از بندر ادسا حمل بکشتیهای فرانسه شد افاقه کلی بحال اهالی مملکت فرانسه نمود مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود مسیو گیزو منصب صدارت یافت پرنسس ادلائید خواهر لوی فلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد امیر عبد القادر بمراکش فرار نمود دوک دومال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید در مراکش امیر عبد القادر را بحکم سلطان مراکش گرفته بسردار فرانسه تسلیم نمودند دخل دولت فرانسه دراینسال دویست و هفتاد و

هفتکرور و بیست و شصت و هشت تومان و پنجهزار [پنجهزار و] دخل ایران و خرج سیصد و بیست و یک کرور و
و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنجهزار بوده افتتاح راه آهن از امین به بولن هم در اینسال شد

هایتی ینکی دنیا

در اینسال ۱۲۶۴ رئیس جمهوریه وفات یافت و سلوک که از جنس سیاهان بود بر ریاست برقرار گردید

وقایع سال دویم سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه امر ملکه و عز نصره مطابق سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری تخاقوی ئیل ترکی

شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی دو ساعت و دوازده دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب
از برج حوت بحمل تحویل نمود شرایط سلام خاص و عام در این تحویل و عید فیروزی دلیل در دربار معدلت مدار
بعمل آمد در این ایام مطلبی که در انظار اولیای دولت گردون اقتدار اهمیت داشت دفع فتنه خراسان و محمد
حسن خان سالار بود و همت بر اصلاح آن مفاسد میگماشتند و چنانکه در وقایع سنه هزار و دویست و
شصت و چهار مسطور شد نواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا عم شاهنشاه جمجاه با یار محمد خان افغان حکمران
هرات بهرات میشد و در بند فرمون (قلعه فرمون) از جلوس همایون آگاهی یافته و زیارت دستخط
مبارک موجب سرافرازی و اطمینان نواب معظم الیه گردید ولی عساکر ایران اشتیاق شرفیابی خاکپای فرقدسا
و هوای وطن مالوف متوزع البال نموده رو بطرف نیشابور و عراق نهادند خلاصه نواب حشمة الدوله متوجه
هرات گردیده در دو فرسخی غوریان در ارض شبش لشکرگاه قشلاق اختیار نموده زیرا که در آن زمستان نزدیکی
جنگل و درختان سبب راحت اهل اردو بود از نیمه محرم تا اواخر ربیع الثانی اوتراق کردند و یار محمد خان نقدا
جنسا تقدیم خدمات نموده چون نواب حشمة الدوله از ماموریت نواب والا حسام السلطنه خبردار شد بجانب نیشابور
آمده با برادر دیدار تازه کرده در این محل فرمان احضار نواب معظم الیه و حکمرانی نواب والا حسام السلطنه بشرف
وصول یافت و نواب والا حشمة الدوله روانه دار الخلافه شده غره ماه رجب وارد و پس از شرفیابی از حضور باهر
النور اقدس بحکمرانی آذربایجان مامور گردیده میرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوام الدوله بوزارت ایشان

احتشام

اختصاص یافت و درین ایام چراغعلیخان را برای کشف امور خراسان و استمالت سالار بدانصاحب روانه نمودند
و او بی نیل مرام مراجعت کرد چنانکه ذکر آن بیاید بالجمله نواب حسام السلطنه سلیمانخان دزده جزی را فرمان
داد تا کلات را تصرف نماید و خود از راه سر ولایت نیشابور رو بمشهد مقدس کرد درینوقت عبدالجبارخان
افغان از جانب یارمحمدخان با هزار سوار افغان باردوی سالار پیوست و بچناران رفتند و در اینجا معلوم شد
که سواران تراکمه در تربت و قرائی نهب و غارت نموده اند لهذا هزار و دویست نفر فوج قرائی که در رکاب سالار بودند
برای حراست متعلقین بخانمان خود رفتند تفرقه این فوج و رفتن نواب حشمة الدوله بدارالخلافه اهل خراسان را
دل قوی کرد درین ایام نواب حسام السلطنه مراسله بحاجی میرزا هاشم و حاجی میرزا حسن که از علما بودند بمشهد مرقوم
نموده مضمون اینکه چراغعلیخان زنگنه از جانب اولیای دولت علیه بملاقات شما مأمور است اگر از شرارت جهال
در امان است نزد شما آید ایشان ایمنی او را متقبل شدند و روز هجدهم جمادی الاولی با پنج سوار بمشهد مقدس
رفت سالار برای اینکه استعداد خود را باو بنماید حکم کرد پنجهزار نفر سواره و پنج هزار پیاده با نه عراده توپ
و توپچیان مکمل همراه اعیان و بزرگان بلد تا نیم فرسخی شهر او را استقبال کنند چراغعلیخان وارد شده در خانه
سالار منزل کرد و با سالار و علمای مذکور دو سه مجلس گفتگو نمود و پیغامهای امیرنظام را که مبتنی بر وعد و وعید
بود تبلیغ کرد و سودمند نیفتاد پس از آن روزی جمعی از اشرار بقصد قتل چراغعلیخان هجوم آوردند رجب
مروی مهماندار او خواست منع کند از عهده برنیامد و برخی زخمی شدند آخرالامر سالار و حاجی میرزا هاشم دفع
این غائله کردند و این قضیه موجب هراس چراغعلیخان شده خدعه و تدبیری اندیشید برجب مروی گفت اگر
سالار عریضه چاکرانه بدربار شاهنشاهی فرستد من این لشکر را از چناران کوچ دهم و در خدمت امیرنظام
عرضه دارم که یکسال حکومت خراسان را بسالار واگذار نماید و او را مورد تلطفات خسروانه کرده بعد از یکسال
بدارالخلافه بخواند رجب مروی همانشب مراتب را بسالار اظهار کرده موافق طبع او آمده گفت ابتدا اردو را
حرکت دهد وی قبول کرد وقت صبحی چند تن از رؤسای قبایل را با پانزده سوار بهمراهی چراغعلیخان روانه ساختند
که سالما بمقصد رسد همراهان فرسخی با او رفته باز گشتند جز یکنفر سوار که با خود باردو برد و بصحابت او
نوشته برای سالار فرستاد که من دروغ نگفتم که چون باردو رسیدم اردو را کوچ دهم حسب الوعده فردا کوچ میکنند
اینها بطرف شهر میایند شما مستعد حرب باشید بالجمله بعد از روانه کردن چراغعلیخان بمشهد نواب والا
حسام السلطنه چند روز در چمن کوباغ اطراق کردند که شاید فتح شاهان دز بدون خونریزی میسر شود
و یکنفر را بنصیحت بقلعه فرستادند اهالی او را کشته و سر او را برای سالار فرستادند و مهیای مقاتله گردیدند
ناچار نواب والا فرمان داده جعفرقلیخان بن اسکندرخان سردار قاجار با فوج نصرت و سه عراده توپ و سواران

شاهسون دوه‌کزی پیاده‌کان را در بقعه خود ساخته تا دروازه شاهان دز راندند ولکن الوس لو مشغول
مجادله شدند مجموعاً چهارصد تن از اهل شهر مشهد و شاهان دز و صد تن از سربازان در این جدال بقتل رسیدند
سکنه قلعه منهزم و افواج برجی را که در ظاهر قلعه بود تصرف نمودند و بیست و شش نفر شمخالچی را که در آنجا بودند
سر بریدند و توپچیها را بقلعه بستند قلعه‌گیان از در استیمان درآمدند و شب سیم رجب از قلعه بیرون
و افواج داخل شهر گشتند و یوزباشی حسن و یوزباشی هادی سرکرده شمخالچیان را بحکم نواب والا بدهن توپ
بسته هر دو را در هوا متلاشی کردند و اردو از شاهان دز بچمن قهقهه نزول کرد و در اینجا خبر تصرف سلیمانخان
در کلات رسید و نواب والا جراغعلی خان را روانه دار الخلافه نمودند و خود از چمن قهقهه بخارج مشهد مقدس
رفتند هم در زمان ورود قشون ظفر نمون ده هزار نفر از شهر بیرون آمده و با مقدمه لشکر جنگ درپیوستند
چون نواب والا از خبر که شهریان خبر شده فرمان دادند که دو هزار نفر مقدمه را با توپ و قشون امداد نمایند و این
رزم چهار ساعت امتداد یافت آخر الامر طوری شهریان را عقب نشاندند که جمعی بخندق ریختند و مجال بستن
دروازه ننمودند و لشکر منصور دویست نفر تفنکچی را دستگیر کرده زنده بحضور نواب والا آوردند و نواب معظم الیه
برای دفع وحشت خلایق آنها را مرخص نموده بشهر رفتند و نواب والا در میان شمال و مغرب شهر منزل نموده سران
سپاه در اطراف شهر برابر دروازه‌ها سنگر بستند و اردو زدند و همه روزه نایره قتال از طرفین اشتعال
داشت در اوایل شهر شعبان سه هزار سوار ترکمان سرخسی بکمک سالار رسیدند و با جمعیت شهری از دروازه
پایین خیابان بطرف شرقی سنگر سامخان زعفرانلو تاختند ابو الفیض خان برادر سامخان و میر محسن خان تیموری
که قراول سنگر او بودند بمحاربه سواران پرداختند سالار مشغول بودی انهارا با یکدیگر موقع و فوزی عظیم
دانسته با تمام جمعیت شهری بسنگر سامخان یورش برد و از بالای برج نیز شمخالچیان و توپچیان و تفنکچیان مشغول
تیراندازی شدند و از جمله اول سالار فوج ترشیزی از سنگر سامخان عقب نشست چون سامخان از دور این
بدید شمشیر برکشیده بمنع فوج مزبور پرداخت از طرف دیگر نواب والا افواج و توپخانه در رسیدند ولی آن روز
کاری از پیش نرفته فقط در انتظام امور لشکر اهتمام کردند روز دیگر پانزده هزار نفر از سپاهی و ارباب حرف
از شهر با سالار بیرون آمدند و بجانب سنگر بالا خیابان و سراب راندند کم کم پیش میرفتند و تفنگ میانداختند
مردم سنگر که مجرب بودند دستگاه داشتند تا مردم و قشون شهری بجای تیررس رسیدند فوج فخران و ماکوئی
بترتیب مشغول شلیک توپ و تفنگ شدند در شلیک اول صد نفر از پا درآمده و شهریان راه هزیمت پیش گرفتند
و چون بسیاری از انها کشته شد دیگر تا ده روز از شهر بیرون نیامدند شب سیزدهم رمضان قصد شبیخون زدن
باردو نمود و سلطانخان افغان را برای تفحص و تحقیق حال اهل اردو فرستاد تا منازل اشخاص را مشخص نماید چون

او بار و بنه نزدیک شد پیش قراولان او را مدتی طول نمودند همراهان او جسد او را برداشته نزد سالار بردند
سالار که این بدید فسخ عزیمت شبیخون کرده بشهر رفت و با سپاه خود معاهده نمود که جنگ بزرگی نماید و کار را یکطرفه
سازد صبحگاهی با لشکر و توپ از شهر بیرون آمده در برابر سپاه منصور تا هنگام غروب کارزار کرده جمعی از طرفین
کشته شدند وقت شب که عزم معاودت کرد لشکر او را تعاقب کرده او را شکسته داخل شهر نمودند باز روز دیگر پیش
از طلوع آفتاب از شهر خارج شده و تا شام نبرد کرده شبانگاه باز بشهر رفتند روز سیم عهد نمود که تا اردو را متفرق
نماید دست از قتال نکشد و راه معاودت نپیماید بدانروز مصافی سخت دادند پیادگان سنگرها را بمدد اردو
خواندند سالار حکم داد پیاده ها از جانب جنوب لشکرگاه و سواران از طرف شمال بر سنگرها یورش برند حسام السلطنه
مقرر داشتند که سوار با سواره و پیاده با پیاده روبرو شوند سربازان فوج مخبران بر میسره سالار حمله بردند و
سربازان دیگر غیرت کرده با فوج مخبران همدستنه شده بر تفنگچیان شهری تاختند و آنها را منهزم کردند سواران نیز
بر سوارهای سالار غالب آمده سیل خون جاری شد مقارن غروب آفتاب سپاه سالار را منهزم ساختند و عساکر
منصوره پانصد نفر از ایشان را دستگیر و اسیر نموده به سنگرها عود کردند و در پنجشنبه بحکم نواب والا حسام السلطنه
حسین پاشاخان با افواج مراغه در کنار باغستان شهر سنگری در معبر سپاه سالار بساخت روز دیگر که سالار
بیرون آمد توپ از سنگر حسین پاشاخان خالی شده سوار را برد سالار فسخ عزیمت کرده بشهر بازگشت
و تا پنجم ذیحجه بعزم رزم از شهر بیرون نیامد و محصور بتن در داد و برای مخارج سپاه تنگدستی دامنگیر او
شد و بخیال تصرف خزانه حرم حضرت رضوی علیه السلام افتاده مردی شریر معروف بباقر نازک را که در این وقت باقر سردار
میگفتند بخواست و باین خدمت مامور نمود او با زمره فرومایه گرد و در بقعه تبعیت خود داشت بحرم محترم رفت
و بملازم خود گفت این در را بشکن ملازم انکار بلیغ نمود وی خنجری بر سینه ملازم زده از پشتش بدر آمد
و جان بداد و باقر خود بضرب لگد در را شکسته هرچه در آنجا بود برداشته نزد سالار برد و بر بالای باره رفته
که تماشای اردو نماید ناگاه توپی از لشکرگاه رها شده و بر سینه او آمد و نیم تن او را بهوا برد و سالار با مشاهده
آن کرامت باهره پند نگرفته نادم نشد اما در این عمل از علما و خدام ضریح مقدس اندیشه داشت و در کار ایشان
کاوش میکرد دراینحال مکتوبی از حاجی میرزا عسکری امام جمعه بدست نواب والا افتاد که بحسام السلطنه نوشته بود
لهذا اولا امام جمعه را گرفته بمیربدها سپرد که چهار هزار تومان از او مصادره بگیرند و حاجی میرزا
هاشم را بلشکر جاجی داد و میرزا صادق ناظر حضرت رضوی را با حاجی میرزا عبدالوهاب مشرف و حاجی میرزا کریم
وکیل و میرزا تقی متولی بولیخان دهجزی سپرد که در مجلس دارد و قنادیل طلا و نقره بقعه مبارکه را برداشته بضرابخانه
فرستاده تا مسکوک کردند و چوبات ابنیه خاصه حرم را بجای علوفه بلشکریان داد و بیست و دو هزار تومان زر

مسکوک

مسکوک از اشیاء طلا و نقره بدست آمد و بسیاری از اثاث و اسباب حرمخانه و خزانه بغارت رفت و معتبر آنکه چون
از مال حضرت و خزینه حرم برمیداشتند یا آنها را ابر کردن علمای محبوس میگذاشت و از ایشان تمسکی بمهر و خط
آنها میگرفت و بمتولی و خدام میسپرد و اینکار را از بیم میشمرد و غافل که روزی بدان حرم محترم پناه آورد و خدام
او را قبول نکنند خلاصه فقره سنگر سالار خان بعرض خدام آستان سپهر نشان رسیده لشکری از نو بخراسان فرستادند
که معاون اردو و متابع صمصام خان سرتیپ باشند و آن لشکر عبارت بود از عباسقلی خان بن ابراهیم خان
بادکوبه و فوج خوئی و علیخان قراگوزلو و فوج همدانی و حسنعلی خان سرتیپ که الحال وزیر فواید است با فوج
گروسی و جمعی از سواران کرد و ترک آذربایجان و عبدالعلی خان سرهنگ میرآخور توپخانه با چهار عراده توپ
و برخی دیگر از قشون ظفر نمون خلاصه این اردو منزل راه پیموده تا بچمن تهمتهمر رسیدند و در پنجم ذیقعده
در نیم فرسخی شهر بکوه سنگی نزول کردند و در آنروز سالار با سپاه از شهر بیرون آمده ولی بدون محاربه
بازگشت بعد از چند روز که صمصام خان و لشکریان از کوه سنگی کوچ کرده برابر دروازه منزل گرفتند
سالار با سپاهی فراوان و چند عراده توپ از دروازه نوقان بیرون آمده و در برابر صمصام خان و عساکر
نصرت اقتران صف کشیده و از دو جانب محاربتی عظیم در گرفت گلوله شمخال و توپ مثل تگرگ بر ایشان میبارید
و کار چنان شده بود که از لشکری که در رکاب نواب والا حسام السلطنه بودند امداد قشون تازه رسیده
در حیز اشکال بود با اینکه قورخانه این لشکر در عقب و هنوز نرسیده بود ثبات قدمی سخت نمودند و از
وقت ظهر تا دو ساعت از غروب گذشته جنگ امتداد داشت آخر شهریان عقب کشیدند و لشکر نصرت اثر
از دنبال سالار تا کنار خندق قتال کنان همی رفتند چون آنسپاه از خندق بگذشت بازگشتند و شب را ماندند
روز بلشکرگاه نواب والا حسام السلطنه پیوسته بطرفی از آن اردو منزل گرفتند پس از چند روز سالار دیگر
باره با پیاده و سواره از دروازه نوقان بیرون آمده طرح جنگ ریخت لشکر حسام السلطنه و سپاه صمصام خان
موافقت کرده سالار و همراهان و جمعیت او را هزیمت دادند و تا کنار دروازه تعاقب کردند هم در شب نهم
ذیقعده چهار هزار کس بچناران بتاخت و یغما رفتند قراولان که در دروازه سراب بودند خبر باردو رسانیدند
سام خان با سوار جرار از قفای تراکمه و سپاه شهری رفت و در دو فرسنگی دو قریه را تاخته و صد و پنجاه نفر
مرد و زن اسیر ساخته بودند بایشان تلاقی نموده دو لشکر درهم افتادند و تنور قتال گرم شد آخر الامر سام خان
ظفر یافته سپاه سالار بگریختند اسیران آزاد و بجای ایشان هفتصد نفر از طرف مقابل اسیر شده ۲۱۰
باردو آوردند نواب والا حسام السلطنه حکم نمودند سلاح و حربه شهریان را گرفته خود آنها را رها نمودند و
دویست نفر از اسرا را که اکثر ترکمان بودند در حضور والا سیاست نمودند و بعد از این سانحه سواران سالار

قدرت

قدرت بیرون آمدن از شهر و با لشکر حسام السلطنه رزم کردن نماند ولی از بالای باره و برج بواسطهٔ توپ و
تفنگ معارضتی میکردند و گاه گاهی اینها از فرصتی نموده بر سنگرها یورش میاوردند و حاصلی جز انهزام نمیبافتند
ولی از کار بیکار روزی آسوده نبودند و شبی بدون این فکر و اندیشه نمی غنودند و زیاده از یکسال بود که سالار
با عساکر دولت دم از مبارزت میزد و هنوز پا میفشرد و جنون او را براه ثبات قدم میبرد بالجمله در این ایام
قشون قضا نظام بانتظام امور محاصره پرداختند و در افزودن سنگرها و بستن معبرها سعی وافی بعمل آوردند برجها
بساختند و در آنها تفنگچی و قراول سرباز گذاشتند در اینموقع سه هزار نفر سوار ترکمان مروی بکمک سالار آمده در
میل ایاز شش فرسنگی مشهد مقدس بودند که بحکم نواب والاحسام السلطنه عباسقلیخان سرتیپ با دو کوه باشش
عراده توپ و دو هزار سوار رزم دیده باتفاق سامخان و سواران خراسانی و عراقی و آذربایجانی راه بر گرفتند سحرگاهی
از گرد راه بمحاربه و مضاربه مشغول شدند جنگ بزرگی روی داد محمد شیخ سردار تراکمه منهزم شده سیصد نفر از
تراکمه گرفتار و صد نفر مقتول شدند و امرا مظفر و منصور بار دوبازآمدند خبر این فتح را با عریضهٔ حسام السلطنه
بدار الخلافه بردند هم از دار الخلافه حاجی یوسفخان سرتیپ فوج قراداغی و توکل خان با فوج خمسه و چهارصد نفر
سوار کلباغی و پانصد بار قورخانه و سه عراده توپ باردو ملحق شدند بحکم والا در میانهٔ اردو و سنگر دروازهٔ نوقان
بنیان سنگری جدید کردند و باستیانی رفیع که مشرف بشهر بود بساختند و توپی هجده پوند بالای آن بردند که گلوله
آن بنیان سراهای شهر را ویران میکرد و از جانب سالار نیز برابر هر سنگری از سنگرهای اردو بر کنار خندق برای محافظت
خندق سنگری محکم برپای کردند و تفنگچیان زبردست در آنها نشاندند و همه روزه سالار و پسرش امیر اصلانخان بیرون
آمده با لشکر فیروزی اثر محاربه و مضاربه مینمودند و زیاده از دویست نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود
که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام میبود خلاصه در این ایام از جانب امنای دولت قوی شوکت اسکندرخان قاجار
که در خراسان بود بدار الخلافه احضار شد و محمد ناصرخان (که الحال ظهیر الدوله است) دولو ابن ابراهیم خان سردار ابن
حاجی جان محمد خان بسرداری سپاه خراسان اختصاص یافت و عباسقلیخان بن محمد زکی خان نوری که در اینوقت
سرتیپ افواج بود و حیدر علیخان سرهنگ فوج ششم تبریزی با چند عراده توپ روانهٔ مشهد مقدس شدند روز
چهاردهم ماه صفر وارد عسکریه گردیده   دو هفدهم جمعی از جانب نواب والا باستقبال رفته سردار را باردو آورده
باشند دیگر بن خط وقتی بسردار رسید که از منزل کوچ کرده و راه میسپرد سالار دید که از جانب عسکریه لشکری در حرکت است

نوشته نیز برای انجام اینمطلب بسردار فرستادند

وار اردو سپاهی بدو برای پذیره نیز پیوسته این امر را فوزی عظیم دانسته با توپخانه و سوار و پیاده از شهر بیرون
رفته راه را بر سردار بسته از دو طرف صدای شلیک توپ بلند شد نواب حسام السلطنه از استماع بانک توپ بر
قضیه واقف گردیدند و فرمان دادند که سوار و توپخانه از اردو بمعاونت سردار حرکت کنند علیخان قراگوزلو و عبدالعلیخان

با چهار عراده توپ برفتند و خود نواب والا نیز دنبال ایشان را گرفتند و وقتی سپاه و توپ رسید که سواره شهری
و پیاده افواج حمله برده و داخل شده بودند از پشت سر سالار نعره توپ و تفنگ سربازان بلند شد و سپاه
سالار یکمرتبه بمجادله بر در آمدند و روی بدین سو کردند امیر اصلانخان پسر سالار و عباسقلیخان حمزه جوزی از غایت
جلادت پیاده شده پیشاپیش لشکر اقدام بجنگ میکردند درین اثنا نواب والا حسام السلطنه هم رسید و جنگ
بزرگ شد از دو جانب اسب و سوار را گلوله توپ با خاک یکسان میکرد آخر الامر سپاه سالار منهزم نموده و تا اول ضحی
با قدرت تعاقب کردند و اینوقت سه ساعت از شب رفته بود سالار بشهر داخل شد و سردار بماند و نواب والا
چنان مصلحت دیدند که سردار بعد از سه روز باردو آید و در عسکریه بماند و حسب الحکم در اردوی سردار سنگرها
محکم ببستند چون سه روز بگذشت قرار شد که لشکر عسکریه سردار از حرکت نموده از جانب کوه سنگی گذشته بطرف دروازه
آمده رو بروی ارک را محاصره نمایند از زمان حرکت سردار تا زمان ورود بمیانه شهری و سردار گیرودار و کارزار بود
و اسماع بر سبیل استمرار استماع صدای شلیک توپ و تفنگ مینمودند تا بکوه سنگی رسیدند و نزول کردند و بعد
از ورود سردار بکوه سنگی نواب والا حسام السلطنه سردار را باردوی خود برده عباسقلیخان سرتیپ را بحفظ
و حراست اردوی کوه سنگی مامور نمودند و از آن پس مصلحت دیدند که اردوی سردار بمحاصره اطراف ارک و
دروازه ارک مشغول باشند لهذا آنرا از کوه سنگی حرکت داده در یکمیدانی ارک که توپ رس نبود مقام دادند و
بنای سنگر گذاشتند و سالار نیز در برابر سنگرهای ایشان یکی دو سنگر خاکی بساختند که آمد و شد مابین مردم سنگر
سردار را بسنگر ارک مانع شوند و روز بروز از طرفین در تقویت کار خود سنگر و سیبه و برج و باستیان محکم می
کردند و عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت محاربه و محاصره ملول گردید

از وقایع اینسال ۱۲۶۵ نیز یکی فتنه ملا محمد علی مجتهد زنجانی بود که بطریقه بابیه رفته و ما تفصیل آن از ابتدا تا انتها در ذیل نگارش
سال قبل درج نموده ایم

هم درین سال در تبریز شورشی برخاست و تفصیل آن اینکه در شهر تبریز میدانی است که آنرا میدان صاحب الزمان
میگویند و در آخر آن میدان بقعه ایست معروف ببقعه صاحب الامر علیه السلام عقیده اهالی این است که در سوابق
ایام یکی از مشایخ طریقت در عالم رؤیا بامر و اشارت آنحضرت عجل الله تعالی فرجه را در آنمحل مشغول نماز دیده بنا بر این
مردم تبریز آنمحل را محترم میدارند و موسوم باسم مسطور نموده اند و جعفرقلیخان دنبلی در آنجا بقعه بنا کرده
و خادم و متولی برای آن قرار داده اند و طلب حاجت از آن مینمایند درین اوان قصابی گاوی بمذبح کرد از میدان گذشت
برده که ذبح نماید گاو خود را از دست قصاب رهانیده و بدهلیز بقعه صاحب الامر علیه السلام رفت قصاب در پی گاو شتافته خواست
در همان دهلیز او را ذبح کند از قرار مذکور همان وقت از پا افتاده چند قطره خون از بینی او برفت و بمرد گاو

نیز

نیز از آنجا فرار کرده بخانه میرزا حسن متولی آن بقعه آمد مردم از این واقعه در عجب شده نقاره خانه شهر را بآنجا برده بنواختند وجشنی گرفتند وقربانی ونذورات تقدیم نمودند واز دهات وقصبات دور ونزدیک بزیارت آمدند وغوغای عوام وازدحام مردم مورث شور وشر وموهم فتنه وخطر گردید محمد رضا خان فراهانی که در اینوقت وزارت آذربایجان داشت بدستیاری چند نفر از علمای تهران آن غوغا را فرو نشاند

نیز از وقایع این سال رفتن عزیزخان آجودان باشی است بایروان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس تبیین آنکه چون دراین اوان حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر پسر مرحوم امپراطور نیکلا که الحال اعلیحضرت امپراطور الکساندر دویم هستند برای نظم حدود قفقاز ومملکت گرجستان بایروان میآمدند بنا بر مصافاتی که بین دولتین علیتین بود بصوابدید میرزا تقی خان امیرنظام عزیزخان آجودانباشی را که بعدها بمنصب سرداری کل عساکر منصورة نایل گردید از دربار اعلیحضرت اقدس همایون مأمور شده نامه مودت ختامه با تمثال بی مثال مرصع ومکلل بالماسهای قیمتی با یکرشته حمایل آسمان رنگ بهمراهی معزی الیه برای حضرت ولیعهد مزبور انفاذ فرمودند واسمعیل خان خزانه دار نظام نایب اول سفیر دولت شده حامل هدیه وتحف امیرنظام برای فرمان فرمای گرجستان گردید خلاصه عزیزخان از دار الخلافه بزنجان شد وچند روزی در آنجا بدفع ملا محمد علی مشغول بود بعدها بکنار رود ارس رفت واز جانب کارگذاران دولت روس نیز مهمانداری از برای او در رسیده شرایط پذیرائی او را کاملاً معمول داشتند واز آنجا روانه شده هشت روز قبل از ورود حضرت ولیعهد بایروان وی بدان بلد رسید حاکم ایروان باحترام تام وتمام او را با همراهان پذیرفت روز دیگر اسمعیل خان نایب اول سفارت بتفلیس رفته هدایای امیرنظام را بفرمانفرمای گرجستان رسانید شش روزه مأموریت خود را انجام داده مراجعت نمود روز هشتم وصول عزیزخان حضرت ولیعهد دولت روس وارد ایروان شدند ودو ساعت بعد از ورود ایشیک آقاسی وآجودان مخصوص خود را با کالسکه مخصوص نزد عزیزخان فرستاده او را نزد خود خواندند او باتفاق اجزای سفارت بحضور حضرت معظم رفته حمایل وتمثال همایون را تسلیم کرده تبلیغ مراتب وداد ودوجهه مخالصت واتحاد اعلیحضرت شاهنشاهی را نمود حضرت ولیعهد در اخذ اشیا تکریمی منظور نموده عزیزخان وهریک از اجزای سفارت را مورد تفقد وملاطفتی خاص داشتند وبهریک عطیه جداگانه بدادند وجواب منشور خسروانه را نیز با شرحی مبتنی بر کمال مهر وصفاوت نگاشته برسانیدند عزیزخان بعد از انجام مأموریت به تبریز آمده اسمعیل خان را برای بازدید افواج مراغه بدان بلد فرستاد وخود روانه آستان همایون گردید

هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهانست تفصیل این اجمال آنکه چون سلیمان خان خانان از حکومت اصفهان بدربار معدلت مدار احضار فرمودند حکومت اصفهان بغلامحسین خان سپهدار تفویض شد

و او محمد حسین خان خلج را از پیش به نیابت بدان بلد فرستاد تقریباً ماهی بعد از ورود محمد حسین خان باصفهان
روز جمعه مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه اصفهان بمسجد شاه آمده که نماز بگذارد یکی از اصحاب او درب مسجد
با یکنفر سرباز آغاز مخاصمت نمود و برای جانبین مدد رسیده هنگامه در گرفت امام جمعه از مسجد بیرون آمد
که آتش فتنه را بنشاند سربازان چنانکه باید رعایت حرمت او ننمودند امام جمعه هم برآمده بخانه سپهدار رفته
اظهار تشکی نمود قرار شد که فردا سپهدار بمیدان شاه آید و سربازان را تنبیه کند و امام جمعه بخانه خود رفت
مردم هنگامه طلب خاصه احمد میرزا که از طرف مادر نسبش بسلاطین صفویه میرسید قضیه را شنیده بر آن
شدند که هم امام جمعه را بمخالفت اولیای دولت منسوب و هم در امر حکومت سپهدار خللی اندازند لهذا
صبح دیگر عوام و بازاریها را شورانیده در مسجد جامع جمع شدند که ما پاداش توهین امام جمعه را خواهیم نمود
و انتقام خواهیم کشید سپهدار خبر شده محمد حسین خان نایب را باصلاح و دفع اینغائله فرستاد بمسجد جامع بعد
از رسیدن او بمجمع سخنی نگفته احمد میرزا با او بمناقشه برخاسته کار از مناقشه بمعاشره رسید چوبی که در دست
داشت بر سر او زد و اشرار را بکشتن او خواند امام جمعه منع نتوانست نمود و اشرار چند زخم باو زدند او را
در حوض مسجد انداختند آخر الامر امام جمعه محمد حسین خان را از حوض بیرون آورده بخانه یکی از خویشان خود برده
و بمداوای او پرداخت روز دیگر سپهدار کس فرستاده او را بدار الحکومه آورد بعد از دو روز درگذشت احمد میرزا
که باعث عمده قتل محمد حسین خان بود با میرزا عبد الحسین مستوفی و محمد علیخان و ابرهیمخان در خفیه هم عهد شده
مخالفت سپهدار را اختیار نمودند و جمعی از اشرار دور خود جمع کردند سپهدار حسن آقای سرهنگ را با دسته
سرباز بدفع احمد میرزا فرستاد وی چون قوت مقابلی نداشت با اهل و عیال و اموال بمسجد جامع پناه برد سربازان
بخانه او رفته آنخانه را نهب و خراب کردند از آنطرف امام جمعه که باطناً با احمد میرزا از قدیم صفائی نداشت از او حمایت
نکرد لابد احمد میرزا از آنجا بخانه میرزا زین العابدین پسر مرحوم حاجی سید محمد باقر اعلی الله مقامه نقل نمود و در آنجا
جمعیتی بهم بسته همه روزه تا حوالی میدان شاه میتاخت و سربازان و توپچیان بمدافعه پرداخته ایشانرا تا مسجد
مرحوم سید رحمه الله باز پس میبردند و در این هنگام میرزا عبد الحسین نیز میرزا ابو القاسم طغیان خود را
آشکار کردند سپهدار که این بدید حاجی سید اسد الله ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر رحمهما الله و آقا محمد مهدی
ولد مرحوم حاجی محمد ابرهیم کرباسی و سایر علما را دعوت کرده با ایشان سخن نمود ایشان گفتند هر کس بر خلاف
پادشاه اسلام باشد خون او مباح است و ما این قوم را واجب القتل شناخته ایم و بر طبق این گفته خطی نوشته مهر کرده
بسپهدار دادند و بمنازل خود معاودت نمودند و حاجی سید اسد الله بعد از مراجعت برادر خود میرزا زین العابدین را
از حمایت اشرار منع بلیغ کرد و او نپذیرفت لهذا حاجی سید اسد الله سر خویش گرفته با جماعتی رو به عتبات عالیات

وماده شرارت اشرار غلظت یافت و سپهدار بدفع آنها پرداخته بنای زد و خورد گذاشتند و شمخالچیان با جمعی
بحکم سپهدار راه کوچه عباس آباد گرفته سنگرها که اشرار در کوچه ها داشتند بگرفتند تا بخانه میرزا عبد الحسین
رسیدند و داخل خانه شدند و سربازان بنهب پرداختند میرزا زین العابدین که جانی اشرار بود خبر شده دسته تفنگچی
بخانه میرزا عبد الحسین فرستاده شمخالچیان و سربازان را هدف گلوله نمودند و او را با چند تن سرباز بقتل رسانیدند
و چون کار بدینجا کشید سپهدار مراتب را بعرض اولیای دولت علیه رسانید و جمعی مامور دفع اینغایله شدند و
حاجی سید اسد الله که روانه عتبات شده بخواهش امنای دولت از گلپایگان باصفهان مراجعت فرمود و پس از ورود بانجا
دیا در قتل نفوس بر اشرار معلوم شد که طغیان ایشانرا جز خذلان نتیجه نیست لهذا آرا براین اتفاق نمود که مقصرین
در خدمت آقای حاجی سید اسد الله بدربار معدلت مدار آیند و بشفاعت جناب معظم تقصیرات ایشان معفو شود
و چون از شهر خارج شدند و بمورچه خورت رسیدند حاجی کیکاوس میرزا که در اصفهان بجهت ضبط پتول و سیورغال
خود جای داشت اخذ مقصرین را داوطلب شده با جمعی سپاهی و توپ بمورچه خورت بر سر آنها رسید احمد میرزا و میرزا
عبد الحسین و بعضی دیگر باز بنای جدال گذاشتند ولی چون صدای توپ بلند شد هر کس که اسبی داشت سوار شده
فرار کرد و بسیاری از اشرار دستگیر شدند احمد میرزا و برادرانش بدار الامان قم پناه بردند و در آنجا پسرهای محمد
حسینخان خلج بقصاص خون پدر یکشب در صحن مقدس ایشانرا هدف گلوله کردند و پسر حبیب میرزا برادر بزرگ
احمد میرزا مقتول شد میرزا عبد الحسین که باراضی کاشان کوچکتر بود چندی در قریه قمصر پنهان بود از آنجا بکاشان رفته
بر آقا سید محمد پسر حاجی سید تقی پشت مشهدی پناه برد معظم الیه فرمود من مخالف پادشاه اسلام را حامی نشوم بهر جا
که خواهی برو میرزا عبد الحسین دیگر باره بطرف اصفهان رفت و در قریه ده نو بخانه علی نام که ملازم او بود منزل نمود
علی ملازمان سپهدار را از اینمطلب خبر داده رفتند میرزا عبد الحسین را گرفته بشهر بردند و پس از چند روز
بحکم اولیای دولت کبری او را دیگر روانه نمودند و بعد از دفع اینغایله چراغعلیخان بحکومت اصفهان مامور شد
هم در اینسال نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسروخان گرجی را گرفته
مغلولاً بدار الخلافه فرستاد. و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت اردبیل و مشکین مامور شد و آنصفحات را انتظام داد
و از حادثات اینسال وفات شاهنشاهزاده سلطان محمود میرزا بود که بولیعهدی منصوب میبود و در صغر سن رحلت
کرد و در اینسال حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدر اعظم شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) طاب الله ثراه که در
عتبات عالیات اقامت داشت در شب جمعه دوازدهم ماه رمضان المبارک بعالم باقی روانه شد گویند با وجود
صحت یکهفته قبل از فوت خود خبر داده بود تغمده الله

۱۲۶۵ هم در اینسال محمد حسن خان سردار ایروانی حکومت یزد یافت و آقاخان ایروانی که از اقارب او بود بنیابت حکومت او

بیزد آمد و محمد عبدالله که در ین وقت بازدم از خودسری میزد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمیکرد
بلکه گاهی قصد مقابلت و مقاتلت مینمود و چیزی نگذشت که سید یحیی که شرح حالش در وقایع سال قبل مسطور
شد بیزد آمد و محمد عبدالله از احزاب او شد و بنای شرارت و فتنه گذاشت اما کاری از پیش سید یحیی نرفت و از
یزد راه شیراز گرفت و همچنین اقاخان از نیابت یزد معزول و شیخعلیخان عمزاده محمد حسن خان میرزا بجای
او منصوب شد و بیزد آمد محمد عبدالله را بخواند و بنواخت و خلعتی داد چون خواست از منزل شیخعلیخان بیرون
رود یکی از ملازمان شیخعلیخان او را دعوت کرد و در منزل او محمد اسمعیل نام غلام ابروانی خنجری بر شانه او
زد و دیگری نیز او را هدف گلوله تفنگ کرد و اهل یزد از شر محمد عبدالله آسوده و شهر نظم گرفت
هم در این سال ۱۲۶۵ بصوابدید میرزا تقیخان امیر نظام ابراهیم خلیل خان از دار الخلافه با هره باد دبیل کوچ دادند

وقایعی که در این سال ۱۲۶۵ در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

در ین سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی مهندسی
از اهالی ینکی دنیا معدن طلائی در سواحل رودخانه‌های (سارمانتو و سان ژواکین) در ایالت کالیفرنی
انکشاف نمود) (جنرال تیلور بریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید) (فیما بین اتازونی و مکزیک عهد صلح
منعقد گشت) (بول کالیفرنی را مکزیک بمبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد با تازونی

اسپانیول

در ین سال شورشی در مادرید پای تخت اسپانیول بر پا نمودند) (الوزاگا که یکی از شورشیان بود محبوس شد)
(میان دولت اسپانیول و دولت انگلیس بجهه تفتین سفیر انگلیس قطع مراوده شد) (اول خط راه آهن در
اسپانیول بمسافت بیست و پنج هزار ذرع که از بارسلون الی ملترا باشد ایجاد و ابداع شد)

اطریش از ممالک المان

در ین سال ۱۲۶۵ تعیین وزرای مجارستان شده و معین گردید که از وزرای مملکت اطریش مجزی باشند) (در
وین پای تخت اطریش شورشی برپا و سپو مترنیخ وزیر اعظم معزول شد) (امپراطور اطریش بسبب شورش
اهالی وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبروک را غیر لازم دانسته از انجا مهاجرت کرد) (عساکر
اطریش که در خاک ایطالیا بودند شهر فرارکه جزو روم و در تصرف پاپ بود بغلبه متصرف شدند) (امپراطور اطریش
بعد از چندی وارد وین شد) (مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است بدولت شوریده کونت لامبرک
سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش مامور بود بقتل رسانیدند) (و نیز در وین کونت لاتور وزیر جنگ را

شورشیان کشتند) (امپراطور مجبوراً از وین باُلموتز فرار کرد و سه روز بر سبیل استمرار قشون دولتی شهر وین کا کوله توپ و نارنجک میانداختند تا روز سیم شهر تسلیم شد) (امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف را که برادرزاده خود او را که در آنوقت هجده ساله بود بجای خود منصوب نمودند

انگلیس

۱۲۶۵ در اینسال در بعضی از شهرهای ایرلاند شورشی پدیدار آمد) (لورد بایرن تنک که از معارف رجال دولت بود در گذشت

ایطالیا

۱۲۶۵ در اینسال در جزیره سیسیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا شد) (فیما بین دولت اطریش و ساردین و لمباردی منازعه در گرفت) (سفاین جنگی پادشاهان ناپل و ساردین به بندر طریست از بنادر اطریش وارد شد) (اهالی ساردین و لمباردی یکی شده سلطنت شارل البر پادشاه پیمن را اختیار کردند) (شهر میلان که بتصرف شارل البر در آمده بود و از تصرف اطریش خارج کرده بواسطه نفاق جمهوری طلبان برپا ستاد و بنی از تصرف شارل البر بیرون شد و مجدداً بتصرف اطریش در آمد) (شهر ونیز و توابع اعلان جمهوری نمودند) (پاپ بعد از قتل مسیو روسی صدراعظم خود از اهالی روم سوءظن حاصل کرده بناپل رفت

باویر از ممالک المان

۱۲۶۵ در اینسال لوی پادشاه باویر از سلطنت استعفا کرده ولد خود ماکسیملین دویم را بجای خود نصب کرد

پروس از ممالک المان

۱۲۶۵ در اینسال در برلن پای تخت پروس مختصر شورشی بظهور رسید

دانمارک

۱۲۶۵ در اینسال کریستیان هشتم پادشاه دانمارک در گذشت و سلطنت بفردریک هفتم ولد او شد او رسید) (ایالات اسلسویک و هولستن شورش نمودند قشون پروس باین ایالات وارد و رانژل سردار پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرف کرد) (دولت فرانسه و انگلیس و روس در این جنگ مداخله نموده حمایت از دولت دانمارک کردند

روس

۱۲۶۵ در اینسال در اغلب بلاد ممالک روس وبای شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشکسالی سبب مشقت اهالی گردید

سوئد

۱۲۶۵ در اینسال سلاطین سوئد و دانمارک با یکدیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات با غیره سلطان سوئد امداد نمود) (برزیلیوس شیمیست معروف در گذشت)

سویس

۱۲۶۵
درا ینسال شهر برن پای تخت دولت دنزکو جمهود کردید و مقرر شد موقونات کلیسا با طلاع رجال دولت جمهور بمخارج مقرره برسد

عثمانی

۱۲۶۵
درا ینسال رشید پاشا صدراعظم عثمانی بمقدمه از صدارت عظمی عزل و صادم پاشا نصب کردید (مجددا بعد از پنجماه نصب رشید پاشا در داوائل بغداد شورش نمودند و قشون روش نظم این دو ایالت آمد تا بوکارست پای تخت رفت

فرانسه

۱۲۶۵
درا ینسال لوی نایب پادشاه فرانسه بواسطه شورش مردم خود را از سلطنت خلع نموده پسرزاده خود را بجای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده بشورش افزودند لوی فلیپ غفلة فرار بمملکت انگلیز نمود اهالی شهر بهم ریخته خون ریزی شد بدی در حوالی عمارت سلطنتی شد عمارت سلطنتی که موسوم بتویلری بود غارت کردند انگاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل مملکت جمهوری طلب شدند لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول که در مملکت انکلیس فراری بود وارد پاریس شد دوسر ایالت او را بسمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند) (آرشوک پاریس که اعظم قسیسین آنشهر بود با چند نفر جنرال در یکی از جنکها که اهالی شهر باهم میکردند کشته شدند) (آخرالامر لوی ناپلیون برپا چهار ساله جمهوری برقرار شد) (راه آهن از پاریس الی بندر دیپ درا ینسال کشیده شد) (شاتوبریاند که شاعر معروف و نویسنده مشهور فرانسه بود و بسن هشتاد سالکی درا ینسال درکذشت

مصر

۱۲۶۵
درین سال مرض محمد علی پاشای مصری اشتداد یافت وابرهیم پاشا والی شد و چیزی نکذشت که درکذشت (ابن محمد علی پاشا) و عباس پاشا برادرزاده محمد علی پاشا بوالیکری رسید

هولاند

درین سال در مملکت هولاند قرار آزادی ادیان شد باینمعنی که هرکس در هر مذهبی باشد در کمال آسودکی و رفاهیت میتواند در این مملکت زیست و زندکی نماید

وقایع سال سیم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران ادام الله ایام ملکه و سنین سلطنته مطابق سال هزار و دویست و شصت و شش هجری ایت ایل ترکی

تحویل نیر اعظم از برج حوت بحمل در این سال خرم مآل هشت ساعت و یکدقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی گذشته بود مراسم جشن و سلام عید تحویل بوجهی شایان با شکوهی نمایان بعمل آمد نظم ممالک در این سال بدرجه کمال رسید عمده اختلالی که در کار کشور بنظر میآمد فتنه سالار و اغتشاش کار خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید نظام مبدل بانتظام شده صورت اختتام یافت تبیین این مقال آنکه چون محمد ناصر خان ظهیر الدوله چند روزی در ظاهر مشهد مقدس بماند و نواب والا احتشام السلطنه بمشاورت وی کار محاصره را منظم نمود و چند بار با شهریان کارزار کردند و شهریان را هزیمت داده بشهر در راندند و منافذ خندق را برای یورش بردن شهر و تسخیر قلعه بینباشتند کار بر سالار و اتباع او بنهایت دشوار شد و رای مصالحت و مسالمت نیز قوت نگرفت بنا بر این ابتدا حسین پاشا خان متعهد گرفتن دو سنگر خاکی که در برابر سنگر نوقان بود گردید نواب والا احتشام السلطنه باو نوع وعده های لایق نمودند حسین پاشا خان سرتیپ شبی بسه ساعت از غروب گذشته با جلادت و رشادتی تمام بران دو سنگر یورش برده هر دو سنگر را با صد و پنجاه نفر از تفنگچیان سالار متصرف و دستگیر نمود جمعی از شهر بمدافعه سرتیپ مزبور آمدند محمد ناصر خان با دسته قشون کاری بکمک سرتیپ مزبور فرستاده در محافظت

سنگر

سنگر تا روز کوشیدند و صاحب‌منصبان لشکر هر یک بفکر خدمتی افتادند و بزحمتی تن در دادند و موافقان
سالار را رعب غالب آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب والا حسام السلطنه کردند عباسقلیخان دره‌جزی
نامه بسامخان ایلخانی نوشته اظهار خیرخواهی دولت علیه نمود و روز دیگر ایلخانی بدروازهٔ نوقان رفته با عباسقلیخان
مکالمات کرد و او را آسوده خاطر ساخت و روز بعد از آن روز سامخان ایلخانی و صمصام‌خان روسی و چراغعلیخان و
عباسقلیخان کرد جهانبیکلو و حسین پاشاخان بدروازهٔ شهر رفتند و عباسقلیخان دره‌جزی و بهادرخان جامی
و آقابابا خان فراشباشی و کریمداد خان هزاره و اراض خان سرخسی در حوالی دروازهٔ نوقان مجلس مصالحه آراستند
و پس از هر گونه گفتگو اطمینان خواستند نواب حسام السلطنه ایشانرا امان دادند و قرار بر این شد که از
گذشته درگذرند و جان و مال شهریان در امان باشد و سالار را بدست دهند و اگر این شرط را بزرگان اردو
قبول نکرده گفتند با سالار بدار الخلافه رود یا بهرات یار محمدخان را شفیع قرار دهد یا رو بهر طرف که خواهد نهد
اما عیال و اولاد او را که منتسبان دولت‌اند با خود نبرد و هر روز بالاچیق ترکمانی بطور خواری نزول نماید
بالاخره اکابر مسطور در فوق باردوی والا آمدند و دستخطی مبنی بر این شروط گرفتند و مخلع بشهر باز شدند
عباسقلیخان دره‌جزی قرار داد که فردا صبح علی الطلیعه صمصام‌خان و چراغعلیخان بدروازه آیند تا دروازه را بتصرف
دهند و چنان کردند و چهارصد نفر سرباز قرائی را بدروازه راه و در بالای برج جای دادند و دهان توپخانه که بجانب
اردو بود بطرف شهر نمودند و صد نفر تفنگچی سامخان بر کنار دروازه صف کشیدند و عباسقلیخان صمصامخان را
بدروازهٔ بالاخیابان برده و سامخان بدروازهٔ پایین خیابان رفتند سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر
بدرون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شدند و هر یک بطرفی رفتند و شهر مشهد در نهم جمادی الاولی
امسال بتصرف عساکر منصوره آمد و جمعی روی با سامخان باردوی ایلخانی رفته خود را در آنمحل بکشت
میرزا عسکری امام جمعه و علما و متولیان بقعه و روضهٔ مبارکه نزد سالار آمده او را از جسارتهای دفتر ملامت
کردند و گفتند تو برای این روضهٔ مقدسه حرمتی باقی نگذاشتی که اکنون پناه بدان آورده چه جماعتی از سربازان اثنی
عشری که باین مقام کریم پناه آورده بودند بزور بیرون بردی و بظلم هلاک کردی و چندین هزار مسلمان را بتراکمه
مرو و سرخس بخشیدی برخیز و بهر جای روی که تو را در اینجا پناهی نخواهد بود او لختی سخنان سربسته بگفت و
سودی نکرد علما برخاستند و تنها ماند امیر اصلان‌خان پسر سالار گفت در شب پیشتر نگفتم در توقف بشهر و محصور
ماندن خیری نیست بهتر آنست که بیرون رویم و راه بیابان گیریم تا چه پیش آید از من نپذیرفتی و اکنون ما را بر بند نهند
و بکسان حسام السلطنه سپارند در این گفتگو بودند که چراغعلیخان از جانب نواب والا حسام السلطنه نزد سالار
آمد و با او سخنها گفت و او را با دو پسرش امیر اصلان‌خان و یزدان‌بخش میرزا و محمد علیخان برادرش بر چهار اسب پالانی

نشانده بلشکرگاه برد و بعد از چهار روز بحکم نواب والا حسام السلطنه حسین پاشا خان آن چهار تن را بمنزل خود
برده جمعی را مستحفظ ایشان قرار داد و اعلام را چاپاری وارد دار الخلافه کرد و توپهای شهر را باردو آوردند و محاصره را
ترک نمودند راه آمد و شد مفتوح و ابواب مخالفت مسدود گردید نواب والا با اهالی هر سنگر انعام و اکرام زیاد
نمودند و بعزم زیارت وارد شهر شدند و بتقبیل آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی علیه السلام و علی آبائه الطاهرین
و ابنائه المعصومین نمودند و در باغ آصف الدوله منزل کردند و هر چند متی را بر عهده شخصی مناسب معین و مقرر
داشتند و از هفتصد خانوار مروی که در مشهد مقدس متوقف بودند بحکم والا سامخان سیصد خانوار را
کوچ داده در خبوشان ساکن کرد و دویست خانوار را بمهدیقلیخان قرائی بتربت برد و دویست خانوار دیگر هم در اراضی
و قرای ارض اقدس پراکنده مکان یافتند آنگاه مجلس شورای عسکریه در اردو تشکیل یافت و خیانت سالار بدین
دولت ثابت گردید و خود بجرایم خود اقرار نمود بنابراین اجزای شوری حکم بسیاست سالار نمودند و نواب والا
حسام السلطنه بر طبق آرای بزرگان اردو و سران سپاه ظفر همراه سیاست سالار را بحسین پاشا خان محول داشتند
حسین پاشا خان سالار و محمد علیخان برادر سالار و امیر اصلانخان پسر او را که مادرش ترکمان بود بسزا رسانید
و یزدان بخش میرزا پسر دیگر سالار برای حفظ عیال او باقی ماند و اینقضیه در عصر یکشنبه پانزدهم شهر جمادی الثانیه
هزار و دویست و شصت و شش اتفاق افتاد و موجب عبرت ناظرین و سامعین شد و میرزا محمد خان برادر دیگر
سالار که در سبزوار گرفتار شده بود بدار الخلافه بردند و در شب چهارشنبه نهم رجب او نیز برحمت خدائی در
گذشت بعد از انجام این خدمت نواب حسام السلطنه بنشان تمثال بیمثال همایون و شمشیر مرصع و همین لقب مفتخر
و نایل گردید و محمد ناصر خان سردار نشان الماس یافت و هریک از چاکران خدمتگذار باندازه لیاقت و خدمت مورد
مرحمت شاهنشاهی و خلعت و نشان گردیدند و بعضی از توپها و افواج را روانه دار الخلافه نمودند و چراغعلیخان
بعد از ورود قوللر آقاسی گشت و نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد

۱۲۶۶ نیز درینسال فتنه سید یحیی رفع و بانتها رسید و شرح آن در ذیل وقایع سال اول نگاشته شد

۱۲۶۶ و درینسال نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس شیخ نصرخان پسر شیخ عبدالرسول خان دریابیگی را که حکومت
بندر بوشهر داشت معزولاً بدار الخلافه فرستادند و میرزا حسنعلیخان ولد حاجی قوام الملک را بجای او حکومت
دادند شیخ حسینخان عم شیخ نصرخان بترسید که این حکومت موروثه از این سلسله بیرون رود و از اعراب امداد
خواست و راه آمد و شد را بست و در بندر بوشهر نشست چون این خبر بشیراز رسید مصطفی قلیخان قرا
گوزلوی سرتیپ با افواج خود بمعاونت میرزا حسنعلیخان و مدافعت شیخ حسینخان رفت و مخالفت او را ظاهر
دید نامه بتجار و متوطنین بندر بوشهر نوشت و بوعده و وعید و امید و تهدید مردم را از دور شیخ حسینخان

پناکنده نمود شیخ حسینخان که موافقت با استقرار ندید او هم در کشتی نشسته بدریا راند و سرتیپ با میرزا حسنعلیخان
دریابیگی بزحمت قتال و جدال وارد بوشهر شدند مصطفی قلیخان سرتیپ بازای این حسن خدمت بمنصب میر
پنجگی نایل و میرزا حسنعلیخان سالها در آن ولایت باسبکی پسندیده و سلوکی خوش بماند

هم از وقایع این سال طغیان میرزا قوام الدین بهبهانی برادر میرزا منصور خان طباطبائی است که سالها در کوه کیلویه
حکومت داشتند و برا حکومت بهبهان بجهة بی مبالاتی منافی نکشت بود نکاری نزد معتمد الدوله منوچهر خان
و پیش از آن در خدمت امین الدوله عبدالله خان بسر میبرد چون حکمرانی فارس بنواب والا بهرام میرزا (معز الدوله)
و سید محمد کریم خان قاجار اهالت کوه کیلویه یافت امور آن صفحات نظمی نگرفت و الوار سکنه آن بلاد در کرده
گزیدند میرزا قوام بدانجانب رفته بمعاونت اعراب و موافقت بعضی دیگر دست تصرف در اموال و اثقال خلایق
دراز کرده و قلعه های محکم گل و گلاب را تعمیر کرده راه خود سری پیش گرفت و بقطع طرق و راهزنی قوافل پرداخت
و بر قرابت با اعراب افزوده و وقتیکه نواب والا اردشیر میرزا بحکومت لرستان و عربستان مامور بود و اشرار
قبایل را بدار الخلافه میفرستاد سلیمانخان کرجی ملقب بسهام الدوله را با توپخانه و لشکر منظم امور رامهرمز و تنبیه اعراب آن
سرحد مامور داشت و خود دنبال او عزیمت آنحدود کرد و بر سهام الدوله روشن شد که فتنه آن ولایت از میرزا قوام است
و دیگران تبعه او هستند و دیه براو دارند لهذا با لشکر بر سر او رفت و او در قلعه چم ملا بود و اعراب اتفاق کرده
شیخ حاکم و حداد شاه و شیخ قادر و شیخ جابر و شیخ عبدالله خان جمعیت خود را برداشته بکنار لشکرگاه سهام الدوله
آمدند و میرزا رضای پسر میرزا قوام هم روز دیگر با جمعیتی بدو فرسنگی اردوی سهام الدوله آمده در دو تپه اطراق
کردند و فی الحقیقه دور سهام الدوله را گرفتند چون نواب والا اردشیر میرزا این بدانست شیخ سلمان را با ناصر
عربی که بخط خود نواب والا بود باعراب فرستاد و شیخ مشار الیه بوعد و وعید هر یک را بخدمت سرکار والا استمالت
بکرد اینند و هر یک مورد مرحمت و خلعتی شده بمساکن خود رفتند و از جانب میرزا قوام و خدمت نواب والا هر یک
بعذری معتذر گردیدند و روی بایلات خود کردند لاجرم سهام الدوله دنبال آنها رفته و حداد شاه و شیخ حاکم
و شیخ جابر را گرفته نزد نواب والا فرستاد و در قلعه سلاسل شوشتر حبس شدند و سهام الدوله با پسر میرزا قوام
محاربتی در داده او را بشکست و میرزا قوام بعد دو پسر از قلعه بیرون آمد و بدو پیوست و شب هنگام بامر والا علیرضا خان
بختیاری و توشمالخان فیلی با هشتصد نفر از آب رود عبور کرده بر قلعه یورش بردند و قلعه را بتصرف درآوردند
و خراب کردند و توپهای آنجا را بهبهان آوردند و توپ بزرگ نادر شاهی در آن قلعه بود آنرا خرد و درهم شکستند
و میرزا قوام را چون این قلعه از دست برفت کارش را قوامی نماند و راه بهبهان گرفت و پسرش بقبایل الوار ممسنی
گریخت غضنبا خان که از خصمای میرزا قوام بود بحکومت آن محال مامور و سهام الدوله عزیمت بهبهان کرد و چها

ماه بهادر و عاصر گذشت و برادرزادگان میرزا قوام میرزا سلطان محمد خان و میرزا کمال پسران میرزا منصور خان
که در شهر بودند ناچار بدست سهام الدوله افتاده و میرزا قوام از آنجا بقلعه گل و گلاب که در چهار فرسنگی بهبهان
و از قلاع مشهوره است گریخت و متحصن شد مراد علی نام که مقدم مستحفظین قلعه بود در مراجعت از بهبهان
الوار ممسنی گرفتار سهام الدوله شد و اهل و عیال او را بعنوان گروی بازدو خواند و او را بگرفتن قلعه و تسلیم
نمودن بگماشتگان دیوان راضی ساخت و او بقلعه رفت و بنابر مواضعه مسطوره شبی در قلعه را بگشاد و بتصرف
داد میرزا قوام از گل و گلاب گریخت و در اینوقت از جانب نواب فیروز میرزای نصرة الدوله حکمران فارس عباسقلی خان
سردار لاریجانی بنظم کوه کیلویه و اخذ میرزا قوام مامور شده که از قلعه گل بقلعه گلاب میرود و بستند میرزا قوام از
بی آبی از قلعه فرار کرده که خود را بمعقلی رساند در راه بدست کسان عباسقلیخان سردار گرفتار شد و او را بشیراز
و از شیراز بدار الخلافه آوردند و در بیست و دوم ربیع الثانی حسب الامر محبوس گردید و محمد باقر خان نوری نیز بدست
سردار مزبور افتاده مغلول شد

هم در این اوقات نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا در بلاد عراق سفری نموده جمعی از اشرار را دستگیر و معاقل
ایشان را خراب نموده ببروجرد بازگشت

هم در این اوان نواب والا مؤید الدوله طهماسب میرزا حکمران کرمان عبدالله خان صارم الدوله قراگوزلو را بنظم و
انتظام بلوچستان فرستاد و او امور آنحدود را منظم کرد

هم از وقایع اینسال ۱۲۶۶ مراجعت سام خان ایلخانی و عباسقلیخان میرپنج و میرزا عبدالباقی متولیباشی آستان خراسان
که از دار الخلافه رخصت یافتند و در روز بیستم ربیع الثانی بمشهد مقدس وارد گردیدند و برحسب امر همایون
شاهنشاهی در آن بلد سی چادر قراولخانه‌ها بنیاد نهادند و بتسخیر سرخس تصمیم نیت دادند

هم در اینسال سلیمانخان دنبلی بحکومت تربت رفت و محمد تقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید و مرتضی قلیخان
عرب معزول شد و محمد رضا خان قاجار بحکومت اردبیل و محمد حسین خان نوری بکارپردازی مشکین نایل شد
و قاسم خان قاجار عجار چیباشی حکومت قراچه داغ یافت و حکمرانی ارومی بنواب مصطفی قلی میرزا مفوض شد
و محمد سلیمانخان ناکری منصب میرپنجگی یافت

محمد علی بیک ناظر شاهنشاه مبرور بسر تهیه ایلات قزوین رفت ولی اجل او را مهلت نداد
نظارت اعلیحضرت اقدس همایون بنصرالله خان ولد امیر کبیر قاسم خان خال شاهنشاه مفوض شد
فوج مصطفی قلی خان بپاشاخان مکری (مظفر الدوله) سپرده آمد
موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند

در خاتمت این سال از آنجا که اقطاع ممالک محروسه بالنسبه بزیور امن و امان آراسته و مشارب صافی از کدورات گردیده بود خیال امنای دولت علیه متوجه حصول ترقیات و تمهید قواعد متقنه و تاسیس قوانین محکمه برای آسایش رعایا و مزید انتظام بلاد و موجبات امنیت طرق و شوارع و اطمینان قوافل و معابر و ترویج صنایع مملکتی گردید و شرح این جمله در وقایع سال آینده هر یک در محل خود نگاشته خواهد یافت بعون الله تعالی و حسن توفیقه

وقایعی که در اینسال ١٢٦٦ در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتازونی ینکی دنیا

در این سال ١٢٦٦ در ممالک اتازونی گفتگو در باب آزادی سیاهان کردند بعضی از ایالات این ممالک برده بودند نمودند و صیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنی باطراف رسید از هر طرف جمعیتی و بکالیفرنی آوردند اول وقتیکه استعمار چین مستقیما علی الخصوص چای بیا ناما وارد شد این سال بود در ایالت کارولین اتازونی شروع بزراعت چای نمودند

اطریش

در اینسال ١٢٦٦ اهالی مجارستان بدولت اطریش یاغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت و اندیشکراتز مامور بنظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون بمجارستان کشیده وارد شهر (بود) پای تخت آنمملکت گردید عساکر روس که در والاشی بودند بکمک امپراطور اطریش وارد مجارستان شدند ولی اهالی مجارستان بعضی شهرها را که بتصرف قشون دولت بود متصرف شده (کوسوت) نام را رئیس جمهور قرار داده اتفاق کرده مجارستان را از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر پست که در حوالی شهر (بود) پای تخت میباشد بتصرف یاغیان در آمد اعلیحضرت امپراطور اطریش بشخصه سرداری عساکر خود را متقبل و اردوی خود را در شهر پرسبورک قرار داد عساکر روس که در افلاق بغدان بودند بملاحظه اینکه مبادا شورش اهالی مجارستان امتدادی یافته بسمت لهستان و روس سرایت نماید مجددا مصمم حمایت امپراطور اطریش شده قشون بکمک امپراطور اطریش بمجارستان فرستادند (نیز در اینسال لشکر اطریش در ایطالیا فتح نموده و قلعه میلان را متصرف شد) (سردار بزرگ اطریش (رادتزکی) نام در نوار پادشاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را بسلطنت انتخاب برقرار داشت) (سردار مذکور

شهرهای ایطالیا حتی فلورانس وغیره را متصرف شد و مملکت لومباردی را که از ممالک ایطالیاست بعلاوه ونیز کلیة بتصرف اطریش در آوردند (یکدسته از قشون فرانسه وارد بندر سیویتاویشیا بند را بالت روم شد بعد از فتوحات مذکوره در ایطالیا جراتعسا کر اطریش در مجارستان زیاد شده در دفع اشرار انجا طرق قریب بیقین حاصل نمودند) (یکصد هزار قشون از روس مجدداً وارد مجارستان شده بکمک امپراطور اطریش آمدند اعلیحضرت امپراطور روس نیکلا مرحوم بشخصه بعزکوکوی بکمک امپراطور اطریش آمد) (یاغیهای مجارستان مستاصل شده فرار برقرار اختیار کردند و پناه بخاک عثمانی بردند بالاخره بعد از یکسال یاغیگری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد

المان

هم در ینسال اجزاء پارلمان که در شهر فرانکفور جلوس مینمودند ریاست دول متعاهده المان که تا آن زمان با دولت اطریش بود مسترد ساختند وکلای پارلمان متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهد المان خلع نمودند این ریاست را بپادشاه پروس که در آنوقت فردریک گیوم بود تسلیم کردند پادشاه پروس جواب صریح در رد یا قبول این شغل نداده اما از انطرف امپراطور اطریش مجلس وکلای پارلمان المان اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را که جزو سایر وکلا در این پارلمان بودند احضار بوین نمود) (دولتین ورتمبورک و باویر که از دول معظم المان میباشند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروس باشد پادشاه پروس هم بالطبع مایل اینکار نبود و قبول نفرمود بواسطه عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول المان را که خلل با حکام مجلس فرانکفور وارد آمده در مملکت هانوور که نیز از دول المان است و در بعضی ممالک دیگر المان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت ساکس از دول المان شورش سختی کردند مردم بر ضد خانواده سلطنت شدند (قشون پروس تا (درزد) پای تخت آن دولت حمله برده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود در ایالت بادنیز بنای شورش شد بعد از چندی پادشاه پروس بریاست دول المان راضی شد مشروط که بواسطه عهدنامه سلاطین ساکس و هانوور قبول اینفقره نمایند و بر عهده گرفت که داخله مملکت المان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک المان کوتاه نماید) (سردار پروس جنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ داد در پائیز این سال سلاطین اطریش و پروس و ساکس باهم ملاقات نمودند و ما بین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر طرف دو نفر بجهة ریاست ممالک المان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیه از آن بعد میان دولت اطریش و پروس مشترک باشد

انکلیس

هم در اینسال ۱۲۶۶ بندر عدن در عربستان که متعلق بدولت انکلیس است بجهة تجارت تمام روی زمین بار شد ایالت گینه را که در افریقاست انکلیس از پورتغال ابتیاع نمود (نیز جنک انکلیس با افاغنه و هندیهای لاهور منتهی بسبک و فتح ملتان و حمله افاغنه بر پنجاب و فتح پنجاب بدست عساکر انکلیس و تصرف انجا از وقایع این سال است هم در اینسال بجهة عبور کالسکه راه آهن بر روی دریاد بوغاز منی پل بستند که جزیره انکلیز و وصل بکادتادن شد) (جمعیت انکلیس در اینسال پنجاه و هشت کرور بوده

ایطالیا

نیز در اینسال ۱۲۶۶ اعلان جمهوری در شهر روم و ضبط موقوفات کلیسا بدست جمهوریان اتفاق افتاد) (جلوس ویکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین و شورش اهالی ژن بپادشاه تازه از وقایع این سال است) (والی سابق دو پارم باعانت اطریش مستقل شد) (دول اطریش و فرانسه و اسپانیول و ناپل پاپ را اعانت نمودند که از شر جمهوریان روم محروس باشد) (چهار هزار قشون اسپانیول بسرداری جنرال کوردوا بکمک پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با قشون فرانسه کذاردند روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد) (ریاست جمهوریان با کاری بالدی و مازینی بود) (سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم بتوسط فرانسه استقلال یافت) (شارل البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال در کذشت) (مابین پادشاه ساردین و ویکتور امانوئل و امپراطور اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد) (پاپ از کائیت که انجا را مامن خود قرار داده بود بروم مراجعت کرد

دانمارک

هم در اینسال ۱۲۶۶ مابین دانمارک و عساکر المان که بکمک شورشیان اسلسویک هولستن آمده بودند شروع بمنازعه شد دو کشتی جنکی دانمارک را غرق کردند قشون دانمارک عساکر پروس را که بکمک یاغیها آمده بودند شکست دادند و شش ماهه مابین یاغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد نیز در اینسال بوساطت دولت انکلیس مابین دانمارک و پروس و سایر دول المان انعقاد مصالحه شد

روس

و در اینسال ۱۲۶۶ دولت روس با طریش در شورش مجارستان کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد در اینسال اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه یهود که در ممالک روس متوقف اند یا باید بلباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هر سال مبلغی مالیات بدهند جمعیت جهل و نه ایالت مملکت وسیعه روس در اینسال یکصد و هشت کرور و نود و دو هزار و سیصد نفر بود

سال ششم

هم از وقایع اینسال اینست که جمعی که در صدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بوده‌اند بدست آمدند و بعضی آنها را که از عدالتخانه حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها گذشته حبس مؤبد میکنند

سویس

هم در اینسال (۱۲۶۶) در مملکت سویس اوزان و مقادیر فرانسه قبول میشود

عثمانی

در اینسال (۱۲۶۶) دولت عثمانی با دولت روس در خصوص افلاق بغدان معاهده میبندد در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغدان را عثمانی معین خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال (پرنس شبکا والی افلاق بغدان گردید) (نیز در اینسال دولت اطریش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نمود که چرا فراریهای لهستانی و مجارستان را که پناه بخاک او برده بودند پس نمیدهد و دولتین انگلیس و فرانسه رفع این کدورت را توسط نمودند) (امیرال انگلیس پارکر با کشتیهای جنگی انگلیس بخاک عثمانی وارد دار دانل شد

فرانسه

در اوایل اینسال (۱۲۶۶) لویی ناپلیون برادرزاده ناپلیون بزرگ که در چهارده کرور منتخبین یازده کرور و یکصد هزار نفر او را بریاست جمهوری منتخب نموده‌اند باین شغل برقرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند) (هم در اینسال در فرانسه مدت دو ماه وبای شدیدی بروز کرده و مارشال بوژو از این مرض درگذشت) (سرداران فرانسه جنرال اودینو جنرال والیان روم را مسخر نمودند) (فوت مارشال مولیتور که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در اینسال اتفاق افتاد

مصر

در اینسال (۱۲۶۵) محمد علی پاشای مصری درگذشت

هلاند

در اینسال (۱۲۶۶) گیلیوم دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او گیلیوم سیم در اوایل بهار بجای او جلوس نمود

ینکی دنیای جنوبی

در اینسال (۱۲۶۶) جنرال روزاس در ریاست جمهور ایالت بونوز دراستقلال تام و تمام بهمرسانید و این ایالت

با انگلیس بهمان قرار که با فرانسه عهد

تجارت و دوستی بسته است

معاهده نمود

وقایع سال چهارم سلطنت جاوید عدت اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران عز نصره مطابق هزار و دویست و شصت و هفت هجری سنه تنگوز ئیل ترکی

تحویل آفتاب جهانتاب از حوت بحمل در اینسال سعادت مآل روز جمعه هفدهم جمادی الاولی یکساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب گذشته بود

چون ترکمن سرخس بعضی از محال مشهد مقدس را گاهی غارت و دستبردی میزدند و در این باب محمد امین خان والی خیوق نیز ایشان را محرک بود بنا براین در آغاز این سال حسب الحکم همایون شرف صدور یافت که نواب والا حسام السلطنه والی خراسان بتدمیر فرقه مزبوره پردازد و نواب معظم الیه با جماعتی از عساکر منصوره دو ماه بعد از عید نوروز از راه دهنه مزدوران که راهی بنهایت صعب است وارد سرخس شدند و بقدر امکان در دفع غائله مسطوره کوشیده آن نواحی را مصفا نموده مراجعت بارض اقدس نمودند

هم در اینسال چراغعلی خان زنگنه قوللر آقاسی (که بعد لقب سراج الملکی یافت) مامور نظم اصفهان شد و بعد از چندی نایل بحکومت آن بلد گردیده بقیة السیف اشرار آنسامان را دستگیر و بتدمیر ایشان پرداخت

هم در ایام حکومت چراغعلی خان در اصفهان جماعتی از پیروان میرزا علی محمد باب در هم جمع شده دوازده نفر را از میان خود انتخاب کرده ایشانرا ائمه اثنی عشر نامیدند و مهیای شورش و فتنه بودند که چراغعلی خان خبر شده ایشان را دستگیر نمود و پس از آنکه عقاید فاسده ایشان معلوم علما گردید بفتوای شرع بسزای خود رسیدند

هم در اینسال محمد امین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوارزمشاه میخواند آتانیاز محرم را که از نزدیکان او بود بسفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مامور کرد مشار الیه روز یکشنبه هفتم ربیع الثانی وارد دار الخلافه شد روز بیست و یکم شرفاندوز حضور مبارک گردید و هدایائی که حامل بود از پایه سریر اعلی گذرانید و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان سپهر نشان بهمراهی او بخوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد بر حسب امر همایون مرحوم رضاقلیخان لله باشی را که یکی از اعیان کاردانان خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نگارنده فاضل و بی نظیر بود انتخاب نمودند و او عازم این سفر شده وقایع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته چون حاوی مهمات مطالب جغرافی و تاریخ است ما آنرا نخبه نموده در این مورد ایراد مینمائیم

محرم باصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است

شرح مسافرت مرحوم رضاقلیخان لله باشی بخوارزم

روز پنجم ماه جمادی الاخری بباغ جنت که در خارج شهر طهران است نقل مکان نمودیم آتانیاز محرم نیز با من قصد مراجعت کرد

مسافرت مرحوم رضاقلیخان روح الله روحه بخوارزم

روز نهم از قریه فیروزکوه و سواری قصد استراباد و خوارزم نمودیم از رود جاجرود عبور و بشلال البرز رسیدیم
(در ذکر کوه عام مشهور بقاف و معروف البرز) کوهی که در حدود ری و مازندران است از اجبل عام و البرز خوانند
کوهی عظیم و ممتد است و آنرا کوه قارن و کوه قاف نیز گفته اند و پیوسته از بسیاری سبزه چون قطعه ایست از زمرد
واقع در وسط مایل بجنوبی طبرستان کویند ابتدای اینکوه از جبل القمر است در مملکت سنار از بلاد سودان و زنگبار
در اواسط خط استوا و منبع رود نیل از آنجاست پس دو شعبه میگردد یکی بطرف شمال ممتد شده از ممالک سودان
گذشته باقلیم صعید مصر آید از اقلیم دویم و سیم گذشته از وسط اقلیم چهارم بجانب مغرب کشیده بدریای
محیط منتهی میشود و دیگری بطرف جنوب امتداد یافته از بلاد سودان گذشته نزدیک قاهره مصر مایل بسمت مشرق
شده قریب بهشت منزل طی کرده بعد بجانب شمال ممتد میشود و قریب بچهار راه طی مینماید آنگاه بارمینیه کبری و قرامان
و اناطولی آمده چون بوسط اقلیم رابع میرسد بجانب شرق ممتد میگردد و از بلاد داغستان و کرجستان و آذربایجان
و شیروان و گیلان گذشته از شمالی دار الملک طهران مرور کرده از جنوب دیار طبرستان و خراسان و کابل و زابل
و سیاه پوشان میگذرد و جنوبی بلاد ترکستان و بدخشان قطع مینماید و تمام بلاد کشمیر و تبت میگذرد آنگاه از جنوبی
ممالک تنکتاش ختا و ختن و چین گذشته از شرقی هندوستان و نیپال و بنگاله مرور کرده بدریای محیط منتهی میشود
طول این کوه را هزار و پانصد فرسخ دانسته اند و دوازده هزار شهر و ولایت در قرب و جوانب آن آباد میباشد
و بسبب قرب هر ولایت باسمی جداگانه موسوم شده است و سیاحان نوشته اند نزدیک هفتاد لغت اسم این کوه را
شنیده ایم و زیاده بر دویست طایفه اطراف آن دیده ایم که بلغات و لسان مختلفه تکلم میکرده اند و نزدیک سیصد
فرقه دیده ایم که هر یک مذهبی علیحده داشته اند الحاصل از جلکای ری داخل اینکوه شدیم و از رودخانه جاجرود که رودی
معروف است و نیز با تندی آب و سیل موصوف از راه پل عبور نمودیم بعد از طی هشت فرسنگ در نشیب و فراز بقریه
اسک رسیدیم یکشنبه دهم قصد منزل آئینه ورزان کردیم در بین راه باریدن گرفت هوا سرد شد برود بومهن
رسیدیم پل را سیل برده بود ناچار بآب زده عبور کردیم گاهی در زمین هموار زمانی در قلل کوهسار با وحشت
یاران از باران بقلعه کیلان نزدیک شدیم و بمیل رفیقان در آن قلعه منزل کردیم روز دوازدهم از قلعه کیلارد
روانه شده بعد از طی دو فرسنگ راه قریه آئینه ورزان نمایان شد و بر طرف شمال راه باغستانها و اشجار و بیوتات و انهار
پدیدار آمد آئینه ورزان در دامنه کوهی واقع و طرف یمینش زمینی واسع و از نوادر آنکه از قله کوه رفیع دائما
نهری آب صافی روان و برود دهور کوه را تراشیده چنانکه کوئی جوئی تراشیده اند در کنار آن جویبار درختان
بلند سایه افکن است از اینجا بقریه سربندان که از توابع دماوند و شکارگاهی بی مانند است رفتیم

ذکر کوه دماوند و بلوکات بطور اجمال

کوه دماوند کوهی است مشهور واقع در دو منزلی ری در طرف شرقی ری واصل آن دنباوند است یعنی طرف
دنبا زیرا که در پارسی آوند بمعنی طرف است گویند ارتفاع آن کوه از زمین چهار فرسنگ است و بلند ترین
کوههای عراق میباشد و از مسافت بعیده مسافرین از مشاهده مینمایند در قله آن سی جریب زمین هموار است
از آن در شبی تابد گویند چاهی است که از آن روشنی از آن برآید و شبها آن روشنی از خیلی راه نمایان است و روز
دود از آن متصاعد شود مشهور است که حضرت سلیمان ع صخره جنی را در آن حبس فرموده و گویند فریدون
ضحاک مار را آن بند کرده و بعضی گویند آنجا معدن گوگرد است و بشب آتش نماید و روز دود از ان برآید
آنچه از قراین خارجه معلوم میشود کوه آتش فشان است که آتش آن را شکافته متصاعد شده است و چاه بنظر میاید
و چنین کوه در فرنگستان و ینگی دنیا بسیار است و جمعی دیده اند صاحب تاریخ طبرستان گوید سی سوراخ چاه مانند
بر سر این کوه است که از آن آتش کبریت برآید و هیچ حیوان بران قرار نتواند گرفت از سختی باد هاکرده و بر جوانب
او برف باشد و ظاهر است در حوالی آن کوه آباد و خرم و بنام آن کوه معروف و سبب آن قریب به صفت خوبی موصوف
خلاصه از سر بندان پیشتر رفته در پهلوی باغ شاه که از بناهای شاه شهید (آقا محمد شاه) طاب الله ثراه است و مخصوص
توقف ایام شکار بنیاد نهاده خیمه برپا کردیم

ذکر باغ شاه

باغی است وسیع با عمارت فوقانی و رفیع خیابانی عریض از دروازه تا منتهای باغ آراسته مشتمل بر بید و صنوبر
از وسط باغ نیز خیابانی دیگر و چهار طرف خیابان اشجار مثمر است تخمینا نیم فرسنگ کمتر دور دیوار آن باغ میباشد
میوه های ان در کمال حلاوت و لطافت شاه شهید طاب الله ثراه از ابنا نموده دور طرف شکارگاه ولیعهد
توجه و شب را در آن باغ بسر میبرده اند شکار کبک و بز و میش در آن صحرا و کوه از اندازه بیش است
روز دوازدهم از این منزل حرکت و روانه فیروزکوه شدیم بعد از طی دو فرسنگ راه شکارگاه مزبور رسیدیم
دامن کوهی است با فسحت و صحرائی با وسعت و کوه از دو کنار و چنابین مکان شکار بعد از نیم فرسنگ راه فاصله
دو کوه کم و تنگ میشود انگاه سراشیب در حوالی چای قریب رودخانه ولیچای رو بفراز نهادیم و از ان رود گذشته
قدم بپیشه گذاشتیم تل و جبل و پست و بلند طی کرده برباط امین آباد آمدیم از انجا هم تجاوز و رو بده موسوم
به بند نمودیم از آن نیز تعدی جسته بلب رودخانه موسوم بغازان چای فرود آمدیم و پس از آسایش بقصبه
فیروزکوه راندیم طرف دست راست کوهی تا فیروزکوه کشیده قلل آن بلند و بوازات سنگ برج و باره
از هم فرو ریخته قریب بقصبه فیروزکوه پشته بلند بود که اوقاتی که حضرت خاقان انار الله برهانه شکار آن کوهها
میپرداختند از شاخ گوزنان آن پشته بلند را کوئی جنگلی پر از شاخهای درختان کرده بود و وقتی شاخها شمردند
از پنج هزار افزون بود هم در آنحوالی چمنی است که بقدر صد چشمه بزرگ و کوچک آب در آن جریان دارد و با آب

رود واشی پیوندد و داخل تنگ فیروزکوه شده از طرف همین نقطه با آب موسوم بگور سفید یکی شده بجلرود
واز آنجا بورامین میرود

در ذکر چمن موسوم بواشی

دو فرسنگی طرف شمالی فیروزکوه چمنی و تنگی و دره ایست با کمال صفا و لطافت با آبی بغایت خوب و گوارا
چنانکه از همه آبها بوزن سبکتر است واز آن دره راهی است که دو طرف کوه است واز میان آن دره و آب معبر
وبعد از عبور از آن تنگ چمنی است دلگشا که محل سراپرده خاقان مغفور بوده و در آن کوه تمثال مبارک خود را امر
فرموده در سنگ نقاری کرده اند (وچون بالای آن کوه روند) تمام جنگل مازندران و دریای خزر در نظر است

ذکر قصبهٔ فیروزکوه

فیروزکوه از قصبات قدیمه و اکنون نیز معمور است و آن برزخ عراق و طبرستان میباشد و قرای آن بعضی قریب
بسمنان کوهی بلند است و بر قله آن کوه آثار عمارات کهنه غریبه قدیمه هنوز باقی آسیابهای بادی و حمام و دو قلعه
و چاه سنگی داشته که از فراز کوه تراشیده اند تا بزمین که قریب پانصد ذرع است رسیده بود و آب از دو رودی
که بطرف کوه است بچاه میرفته واز شیب چاه بفراز کوه میکشیده اند و با سلاطین عهد بحصن و تمرد میکردند
قلعه قدیمی در دامن کوه بوده و هنوز بعض رعایا در آن ساکن اند اکنون طرف رودی که از این کوه میگذرد آباد
کرده اند و بیوتات و عمارات و گرمابه ها ساخته اند و چهارصد مرد در آنجا متوطن شده آثار قدیمه در آنحوالی
بسیار است تفصیل حال آنها در تاریخ مازندران مشهور بتاریخ طبری که یکی از سادات نوشته مسطور است
واز توابع این بلوک قریب چهل قریه است و در اواخر دولت شاه شهید آقامحمد شاه رضوان جایگاه چندی ضبط
وحکومت آن با این غلام بود روز چهارشنبه سیزدهم از فیروزکوه روانه شده قریب سه فرسخ رانده برباط
پای گدوک مازندران رسیدیم واز آنجا فرسخی رانده برباط سر گدوک آمدیم (گدوک باصطلاح اهل آنولایت
بلندی را گویند که از آنجا راه سرازیر میشود و چنین موضعی را تنگ نیز گویند) از آنجا راه تنگ شد و سراشیب
عبور نمودیم چون از دهنه آن تنگ که بعباس آباد معروف است و گویند دیو سفید راهدار در زمان مازندران
در اینمقام بوده است عبور نمودیم قومی قریب الخلقه دیدیم که بارو های سیاه پس از تحقیق معلوم شد اینجماعت
جنگل را بریده هیزم میکنند و سوزانیده زغال میسازند و سیاهی روی و اندام ایشان از گرد زغال است
الحاصل میان آن دره آبی اندک بود که هرچه پیش میرفت زیاد میشد تخمیناً هشت فرسخ سراشیب راه پیمودیم
از دو طرف کوه و آب در میان واز این حد اول بلوک سوادکوه و ابتدای خاک مازندران است همه راه پر آب
و درخت و جنگلهای سخت و گلها و شکوفه ها و ریاحین رنگین زیاده از حد و مرغان نغمه سنج نیز بسیار اند

خلاصه

خلاصه از قرای سوادکوه گذشته بسرخ رباط رسیدیم و از اینجا عبور کرده در تنگی که بدوآب موسوم است درآمدیم
و شب در سبید توقف کردیم همانا ده فرسنگ راه بریده بودیم شب را آسودیم پنجشنبه چهاردهم از منزل ما
دوآب پنج فرسنگ راه طی کرده بمکان موسوم بزیرآب رسیدیم جوی کوچکی که از اول دره تنگ از اطراف میزاید
و سرازیر میشود از تداخل چشمه‌سار و تقاطر امطار در این چند منزل رودی عظیم میشود و نامش تالار است و
از آن بشتوان گذشت پلی وسیع و محکم بر آن بسته و موسوم بپل سفید است از آن عبور کرده بامامزاده ابوطالب
آمدیم و شب جمعه را در آن محل آسودیم و دعا و زیارت نمودیم جمعه پانزدهم قصد منزل شیرگاه کردیم راه پر
جوی و جدول و چشمه و رود و نشیب و فراز و جنگل و بیشه بود درختهای شمشاد و نارون بسیار بلند و سبزه‌های
با صفا دیدیم چون در راه باتلاق و جای فرو رفتن مال و مواشی بسیار بوده شاه عباس صفوی که از این راه گذشته
از حدود شیرکوه الی ساری و بارفروش و از اینجا تا اشرف و استراباد حکم نموده درختان را بریده خیابانی
از سنگ و گچ راست ساخته‌اند از راه خیابان عزم ساری کردیم قریب هفت فرسنگ راههای سخت و جنگلهای
پر درخت قطع نمودیم و در بیشه شیرگاه آسودیم الحق جای بدی بود شب تشنگی کشیدیم وقت سحر باز روانه شدیم
شنبه شانزدهم بفضای دلگشای علی‌آباد رسیدیم و بمقبره شیخ طبرسی نزدیک و از حوالی آن گذشتیم در امامزاده
خارج علی‌آباد منزل کردیم از این محل نیز روانه شده از راه خیابان شاهی بساری رسیدیم از شیرگاه تا شهر
هفت فرسنگ مسافت داشت امیرزاده مهدیقلی میرزا حاکم مازندران در سواحل خزر مشغول انتظام بود و گماشتگان
اونایذ برقسمند هم مکتبان سابق را که بواسطه چهل سال توطن در شیراز ملاقات نکرده بودیم دیده از صحبت
و دیدار هم خورسندی حاصل کردیم

در ذکر مجملی از ولایت طبرستان و مازندران

طبرستان ولایتی است مشتمل بر بلاد قدیمه و قصبات عظیمه جبال سخت و بیشه‌های پر درخت بکثرت آب و رطوبت
هوا مشهور و تمام آن بلاد از اقلیم چهارم است هوای بعضی بلاد آن مایل بگرمی و بیشتر شهرهای آن را هوائی
معتدل میوه‌های گرمسیری و سردسیری. و آن بسیار بزعم بعضی طهمورث در آن بنای آبادی نهاده آمل و ساری
و قلعه مور از قدیم بوده و در عهد افراسیاب و کیقباد همین نام داشته و این مملکت را از آن مازندران گویند
که ماز نام کوهی است و در آن منوچهری گفته (بر آمد ز کوه ابر مازندران چو مار شکنجی و ماز اندر آن) سابقا
از این بیشه مازون نیز گفته‌اند محمد بن حسن بن اسفندیار صاحب تاریخ مازندران گوید در سنه ششصد و شش
بوده نوشته مازندران شهری بوده بحد مغرب و نامی که اکنون بر مازندران استعمال کنند جدید است و کوه اینجا را
موز و ماز خوانند یعنی در درون آن کوه است موز اندرون گویند و آن کوه از حد گیلان کشیده تا بلاد

قصران تا جاجرم را آنچه را طبرستان خوانند از دهنار جانب شرقی تا ایلام باشد و این مواضع در قدیم جنگل بوده بیشه را تبر شیبه و در آن شهرها ساختند و قدیم‌ترین شهران لاریجان مهیا شد و فریدون در آنجا تربیت یافت و دار الملک وی بعد از سلطنت تمیشه بود و از آن بیشه مازندران میخوانند و بمرور دهور بهیئت چهار شهر مشهور در مازندران معمور شد که حالا غالبا ویران است شیخ محمد بن حسن سابق الذکر گوید در قدیم از لاریجان و اهار و گیل و دیلم و ری و قومس و دامغان و گرگان را طبرستان میگفته‌اند وجه تسمیه آنکه حربه ایشان تبر بوده و الان کمان و طبر معرب تبر است و تحقیق من بنده اینست که تبر و تبرک در لغت پهلوی مازندرانی و فارسی بمعنی پشته و تل و کوه است چنانکه قلعه بر تل شهر اصفهان بوده و از آن تبرک میخوانده‌اند قلعه دیگر در حوالی شهر ری کهنه بر بالای کوه بوده که از آن طبرک مینامیده‌اند و تبرستان بنای فارسی بمعنی کوهستانست و دخلی بحربه تبر ندارد چنانکه وقتی یکی از خلفا شخصی را بتفحص بلاد طبرستان فرستاد وی بعد از ملاحظه امتعه و وفور نعمای آن ولایت مراجعت نموده بخلیفه گفت طبرستان را برای کثرت ارتفاعات و صعوبت فراوان تبرستان باید خواند بکسر تاء و سکون با بمعنی زرستان یعنی معدن زر نه تبرستان بفتح تا و با على ای حال حمدالله مستوفی و جمعی گفته‌اند مازندران هفت بلوک است (جرجان) (موردستان) (استراباد) (آمل) (رستمدار و رویان) (دعد) (سیاه رستاق) و چنانکه گذشت گویند طبرستان ولایت چند است از جمله بسطام و سمنان و دامغان و فیروزکوه و خرقان و چون مدتی در تصرف ملوک خراسان بوده لهذا داخل خراسان میشمارند مانند مملکت قهستان و سیستان و مفازه که ولایتی جداگانه بوده و اکنون داخل خراسان شده و اهالی مازندران و طبرستان در بدو دولت ابد مدت قاجار بیش از اندازه خدمت کرده‌اند و حضرت شاه شهید و خاقان مغفور طاب الله ثراهما با اهالی و ادانی ایشان بیشتر سیورغالات عطا و مناصب عالیه تفویض کرده‌اند

ذکر شهر ساروبه مشهور بساری

ساری از بلاد قدیمه است گویند طوس نوذر بنیاد نهاد و طوسان نام کرد چون خراب شد ثانیا ساختند و ساری نامیدند فرخان بزرگ و مازیار در آبادی آن کوشیدند شهریست دلنشین مشتمل بر بیوتات و عمارات پادشاهی حمام و بازار و مساجد و مدارس آبادانی این بلده در عهد اعلیحضرت شاه شهید و خاقان مغفور و مبرور است و ملک آرا ولد او بر آن افزوده اند

شهر بارفروش

در قدیم دهی بوده و پادشاهانیکه با کشتی از حاجی ترخان به بندر مشهد سر میآوردند بار در آن ده حمل نموده و میفروختند لهذا اینقریه موسوم ببارفروش ده شده تدریج جماعتی از تجار در آن ساکن شدند و آباد شد

ودر آنوقت آبادی زیاد داشته و در تاریخ مازندران مسطور است که در زمان خلفای ثلثه حضرت
امام حسن بن علی علیهما التحیه بمازندران تشریف آورده در یکی از اماکن متنزهه آن که آبگیرها و شکوفه‌ها
و گلها و مرغها و بقعه مرتفع داشت فرمود بقعة طیبة ماء و طیر و در آنوقت آبادانی آن مختصر بود و در عهد
محمد بن خالد بازار و عمارت یافت در سال صد و شصت مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد کرد و عمانا
که بارفروش اکنون آنمحل است که شهری آباد شده و چون اطرافش جنگل است باره و برج بر او نیست ابنیه‌اش مشتمل
بر مساجد و عمارات و مدارس و دکاکین و سراها و بیوتات جمعیت آن زیاد و از ساری بدریا نزدیکتر است
و این بنده مدت هشت سال در ایام طفولیت در اینشهر میزیستم الخلاصه در خارج شهر میدانیست اخضر
موسوم به سبزه میدان و مردابی وسیع در آنجا واقع و در وسط مرداب زمینی مشتمل بر عمارات عالیه رفیع و بدیع
معروف به بحر ارم اصل بنای آن از سلاطین صفویه و آبادیش از پادشاهان قاجاریه است

بندر مشهد سر

مکانیست برلب دریای خضر و محل عبور و مرور سفاین

آمل

از شهرهای قدیم مازندران بوده طهمورث او را بنا کرده و فریدون دار الملک ساخت حالا چندان آباد
نیست حکما و فضلا و شعرای زیاد از آنجا برخاسته‌اند از جمله سید حیدر آملی قدس سره و محمد بن جریر طبری مشهور
صاحب تاریخ از آنجا بوده و لایت مازندران سالها در حکم سادات زیدیه بوده و با سلاطین عهد مخالفت نموده‌اند
و بزحمت بسیار سلاطین بر آنجا غلبه نموده و سیاحان انگلیس گفته‌اند که در همه عالم جزیره و ملکی محکمتر
از مازندران ندیده‌ایم والله اعلم

باز رجوع نمائیم بشرح مسافرت روز بیستم ماه جمادی الثانیه با سفیر خان خوارزم عزم اشرف کردیم ابتدا از رود
پل پادشاهی عبور کرده درگذشتیم و بار دیگر وارد جنگل و خیابان گشتیم بعضی از جاهای خیابان شکسته و از پهلوی
آن معبر شده بعضی معابر دیگر را درختان گرفته چنانکه باید بر روی اسب خم شد و عبور کرد فرسخی چند راه طی کردیم
چون از روز خیلی بر آمده بود و بار و بنه عقب مانده و جمعی مردم خوارزم و اهالی خوقند که از مکه مراجعت کرده مزید
همراهان شده دعایت جانب ایشان را در منزل نکا ماندیم چهار فرسخ راه آمده و پنج دیگر تا اشرف باقیست و تمام راه در نهایت
صفا آب و سبزه و درختان بزرگ نارون و شمشاد و آزاد چندان که احصا نتوانکرد روز بیست و یکم از راهی بس صفا
مسطور راه نوردیده باشرف آمدیم اشرف بر کوهی بلند واقع و دریا در برابر پیداست شاه عباس در آنجا باغ و عمارات
بیرونی و اندرونی ساخته حوضی بزرگ داشته مشهور است که آب آنرا از دماوند همه جا از فراز کوهها آورده‌اند

حق اینست که اشرف جائی باصفا و هوای آن در زمستان و پائیز مفرح است اما باغ اشرف آنچه بیش از ده بیست
سال برقرار است اینست که نخست چون داخل باغ شوند جوئی در وسط باغ ذرع کف و هر دو طرف آن از سنگ
صافی تا منتهای باغ تخمینا چهار صد قدم است جاری بود دو طرف آن نهر دو خیابان که روی به وسط باغ داخل
عمارت میرود و در هر دو طرف خیابان و نهر دو دو رده سروهای ممتاز است که از بیست الی سی ذرع بلندی
دارند و پشت سر آنها درختهای نارنج صف بصف و اغلب بلند تر از نارون و عقب آنها تا دیوار باغ درختهای
مرکبات دیگر اما غالبا نارنگی و لیمو بوده است در وسط باغ تالار مرتفع دو رویه و در پهلوی آن دو اطاق
مطبوع قرینه و دو بالاخانه که بهر طرف باغ نظر دارد و باغ و کوه و صحرا و دریا تماما پیداست ارتفاع تالار دو ازده
سیزده ذرع و در هر طرفش پنج ستون بزرگ محکم برپاست حوض بزرگی در پیش تالار و زمین باغ شش
هفت مرتبه و طبقه میشود و در زیر هر آبشاری حوضه وسط پر از آب که از طرف بالای باغ آب روان شده و هر
حوضه پر گشتی و جاری آمده تا مرتبه بمرتبه بحوض و دریاچه بزرگ وسط تالار رسیده و از آن حوض لبریز شده
از سینه عمارت تالار لبریز سرازیر کردیده بحوض پیش عمارت ریختی و از آن نهرها رفتی تا از باغ بیرون شدی
در پهن و بنا را این باغ قلعه مستحکم مشتمل بر بیوتات و اشجار و باغستان و نارنجستان و سایر فواکه مطبوع و نور
همانا یکی از آن دو حرمخانه خاص پادشاه بوده و در اطراف این باغ و عمارات امرا و امنا منازل داشته و آثار
بعضی برقرار است وقت رسیدن بنده بدین باغ هنوز نارنجها بر درختان بود و میپد رخشید افسوس خوردم
که بنیاد خیابان شاه عباسی و باغ اشرف روی بویرانی نهاده

روز بیست و دویم از اشرف روانه شدیم در عرصه کلباد راندیم همه راه فالیز و بوستان و گلهای خودروی
خوش رنگ نیز بسیار بود بحوالی خانه میرزا محمد خان کلبادی که حاکم آنجا بود رسیدیم در طرف یمین راهی بود
که بکوهی بلند صعود مینمود در زیر کوه پشته و جریبی زمین مسطح واقع و اطرافش از بلندی ایمن که آنرا مانع عمارت
و اندرونی و اصطبل و مطبخ و مهمانخانه و غیره هر چه باید در آنجا ساخته اند قلعه ایست خدا آفرین و منظر آن دشت
و سبزه و درخت و دریا و صفای نجومی نیز مشهود است چون صاحبخانه غایب بود در آنجا توقف ننمودیم
و از میان جنگلستان سخت و عرصه های پر درخت بجفره کنده که موسوم بجر کلباد و از بناهای صفویه است
رسیدیم (جر کلباد) جر در لغت فارسی جائی دریده و بریده و کنده را گویند در زمان سلاطین صفویه
طایفه ترکمه از سمت گرگان و استراباد بحوالی اشرف بدزدی میآمدند شاه عباس فرمان داد از حد کوه تا لب
دریا خندقی عمیق طولانی چهار فرسخ و عمقا ده ذرع کندند و راهی با دیل از معبر خیابان که دو طرفش جنگل است
گذاشتند و در آنجا مستحفظین داشت در واقع سد طرق ترکمه بود و سواره و پیاده بجمعیت نمیتوانستند

از انجا

از آنجانب باسترآباد و کلباد و اشرف وغیرهم ترکتاز آرند حالا بمرور دهور آن جر انباشته شده و اشجار رسته مع ذلک عبور از آن بصعوبت ممکن میشود الحاصل از بلوک انزان گذشته وارد نوکنده گشتیم

بیست و سیم در نوکنده که اصل انزان است بسر بردیم و فردای آن روز علی الصباح روانه گردیده محله شدیم همه جا در خیابان شاه عباس عبور نموده بخانه رضاقلیخان سدن رستاقی آمدیم با امداد از آنجا راه استرآباد گرفتیم چون چند فرسخ راه طی کردیم بامامزاده رسیده فرود آمدیم و دو ناهار آشنایی نموده بعد از نماز عصر بجانب استراباد رفتیم خانه و آلاچیقهای ترکمان از دور نمایان بود جنگل و درخت کم شد و زمینها سبز و چمنها زیاد بالاخره وارد استراباد شده در وسط باغی در عمارت کلاه فرنگی که از بناهای بدیع الزمان میرزا ولد مرحوم ملک آرا و برفراز آن عمارتی چهار فصل ساخته بودند منزل نمودیم برای فرستاده خان خوارزم نیز قریب بهمین محل اطاق تحتانی معین شده بود

ذکر شهر استراباد

استراباد شهریست از اقلیم چهارم بجرجان و قاعده آن ملک است چون گرگین میلاد شهر گرگان آباد کرد مساحت دایره او چهار فرسنگ بود و آنرا نشستنگاه خود قرار داد خربندگان و استران او بمرتعی چراخوری آمدند و در آنجا متوقف شدند و بطول مدت خانه‌ها ساختند و آنرا استراباد خواندند و بمرور آباد شد و گرگان آباد ماند الحاصل استراباد گاهی بواسطه همسایگی مورد زحمت و خرابی و زمانی رو برونق و آبادی مینهاده در دولت آل قابوس نهایت معمور بوده در زمان نادرشاه آق قلعه عمارت یافته و بعضی از قاجاریه در آن متمکن بوده اند اکنون آنمحله ویران و استراباد را حالت متوسط است فرضه دریای خزر که روس و تراکمه را معبر و همگذر است در نزدیکی استراباد واقع میباشد و بندرگاه آن قریه گز است و آبسکون اسم رودیست که از سه فرسخی استراباد از جانب خوارزم آمده بدریای خزر میریزد و محل ریختن آنرا نیز آبسکون گویند و جزیره در آنحوالی است باین اسم موسوم و آسکون مخفف آبسکون میباشد در بعضی کتب قدیمه نوشته اند جرجان معرب گرگان است و قصبه آن آبسکون بوده اکنون استراباد است

روز هشتم رجب بنه و ملازمان را بر لب رود گرگان روانه کرده خود بعد از فاصله بیرون آمدیم باتفاق قراخان اتابای که ایل و اوبه او بر لب رود گرگان منزل نشسته اند بسیاه بالا رسیدیم و وارد اردو و آلاچیق بیگلربیگی استراباد شدیم مشارالیه شرایط مهمانی بجای آورده و کوچه بای جعفربای را بهمراهی و بلدیت معین کرده و لوازم سفارش و اهتمام در باب سفر خوارزم بجای آورد آنگاه وداع نموده و راهی گرگان شدیم در قریب بغروب وارد اوبه قراخان شدیم در راه قلیجان و بعضی از ریش سفیدان ترکمان استقبال نمودند

نهم رجب بر لب رود گرگان اقامت داشتیم زنان و اطفال ایل روزی دو سه مرتبه از اوبه برود میآمدند و آب بازی میکنند عجب تر اینکه اطفال شش هفت ساله ایشان از فراز رود که آب شش هفت ذرع بود خود را بآب پرتاب

میکردند و مرغابی وار در روی آب بودند

(ذکر رود گرگان)

چون این رود در زمین گرگان واقع شده بنام آن موسوم است و رودی عمیق باشد وسیع پهنای آن کمابیش تفاوت
معابر پانزده ذرع الی بیست ذرع از طرف کوکلان بجانب دریای استراباد (خزر) جاریست در زمستان عبور
از آن بالطاف و خیلک و ناوه های بزرگ و کوچک و در تابستان بشنا از آن عبور میکنند و در آن ماهیان بزرگ
دیده اند در بهار چنان مملو شود که آب قریب شش ذرع از دیوار لب رود بالا آید گاهی بصحرا افتد الحق صحرای گرگان
بهترین اراضی است از وفور آب و قوهٔ زمین و استعداد خاک و حاصل آن تا کمال ربیع است ولی ترکمانان احیانا
بقدر احتیاج زراعتی نمایند و اگر رعایای زارع در اینجا نشینند و زراعت کنند حاصل آن ولایت مملکتی را کفایت
کند چنانکه در زمان سلطان محمود و مسعود غزنوی آبادی و ازدحام گرگان ضرب المثل بود و امیر قابوس وشمگیر
و اولاد او بحکومت گرگان دم از سروری میزدند و گنبد قابوس در صحرای ترکمان هنوز در نهایت استحکام است
و آن مقبرهٔ اوست که پسرش منوچهر برای او ساخته و تاریخ آن قریب بهشتصد سال است باری تراکمهٔ اتابای
که رئیس ایشان قراخان است بر لب گرگان سکنی دارند و طایفهٔ جعفربای در طرف دریای استراباد بسر میبرند

ذکر دریای استراباد مشهور ببحر خزر

خزر نام پسر یافث بن نوح علیه السلام است که در هنگام سیاحت بر شمال آن دریا عبور کرد و بکنار رود اتل رسید
در آبادی آنجا کوشید و شهری بنام خود در آنجا بنا نمود و دریا باسم آن شهر مشهور شد بعد از آن گرگان و جیلان
و بلاد دیگر در اطراف آن آباد گشته دریا را باسم هر یک خواندند چنانکه آمویه شهریست بر لب جیحون و جیحون را
نیز باسم آن شهر خوانده اند طولش از مشرق بمغرب دویست و شصت فرسنگ و عرض دویست فرسنگ و بسیار رودها
در آن ریزد از جمله نهر گرگان و جیحون و ارس و کر و اتل است و این دریا را جزر و مد نیست زیرا که ببحر محیط
متصل نیست و گرداب عظیم دارد و تلاطم و موج آن بسیار است و بر طرف شرقی این دریا خوارزم و بلغار و
سقسین و بر شمالی آن قبچاق و دشت خزر و بر غربی قزلر و شیروان و الان و بر جنوبی گیلان و طالش و مازندران
و استراباد و بعضی از طوایف تراکمه بر این کنار فرضه واقع شده اند

دهم رجب از لب رود گرگان حرکت
کرده تقریبا دو فرسنگ کردیم باق قلعه رسیدیم از این شهر قلیل آثاری مانده است ولی آثار دروازه و جای
عمارات و حمامات و اصطبل و ابنیه بزرگ و بازار از قرینه و قیاس معلوم میشود این بلد در زمین خود قریب برود
گرگان بوده از میان شهر عبور کرده بلب گرگان که محل عبور بود رسیدیم از آب گذشتیم با حاجیان خوقندی
و سایر همراهان زیاده بر دویست سواره و شتر و پیاده بودیم تخمینا فرسخی نیز از آن طرف رود راه پیموده فرود آمدیم
روز یازدهم رجب خواتین ترکمان که با ما بدین سوی گرگان آمده بودند و بقدر قوه خدمت کرده با آنها قباهای زری داده

ایشان را باز کرده ایم حسن جبقان نیز بدر رسید با قلیچخان آق و جمعی دیگر شب در خیمه ما آسودند و صبح روانه
مقصد شدند و قاضی تراکمه که خود را از اولاد مغول و چنگیزخان میشمرد نیز وداع کرده باو به خود رفت تا نیز
راه بیابان کوفتیم کوه استراباد در دنبال سر ماند روز دیگر تا بدید شد و همره قبله در پشت سر ماند و رو بشمال
همی آمدیم در راه پای اسب علیقلی فرزند من بنده بسوراخ موشی فرو شده بناگاه اسب بسر در آمد و او در زیر اسب
کوفته شد و صدمه رسید بگردن و گردن و پای او وارد آمد بعد از آنکه از بیخودی بخود آمد از سواری اسب معذور
بود تا چادر شتر کجاوه که خالی رفتی میخواستم و او را در کجاوه نشاندم مومیائی که احتیاطاً همراه بود باو خورانیدم
چون شب هنگام شد فرود آمدیم (علیقلی اشاره است بجناب مخبر الدوله علیقلیخان که اکنون وزیر تلگرافخانهای کل
ممالک محروسه ایران و دارای نشان تمثال بیمثال همایون و لقب جنابی میباشند)

(ذکر طایفه تراکمه یموت) تراکمه طایفه بیحساب اند تعداد ایشان مشکل است زیرا که شهری ندارند که در آن محصور
شوند و در خانه دایم و قایم باشند که کسی تخمین کند در دشت گرگان و خوارزم که صحرای بیست کنار متفرق بعضی
ایشان را صد هزار دانند و بعضی کمتر و بیشتر خوانند و از استراباد تا خیوق که بعرض صحرا بیست روز پیاده شبانه
روزی دو منزل اند و در حقیقت چهل منزل و سیصد فرسنگ است نشسته اند و بسمت دیگر استراباد طوایف
کوکلان که با این طایفه عداوت و دشمنی دارند متوقف اند و اگر شعبه و تیره های این طایفه را بخواهیم ذکر کنیم
مایه تطویل است هر طایفه خود سرانند و اطاعت طایفه دیگر نمینمایند بلکه اینها شترهاشان هیچ ایلی بریش و خان
ایل خود اعتنا نمینمایند بنیاد شبیه اند باعراب بادیه و از هر حیثیت مناسبت باین طایفه دارند الا اینکه لسان آنها
عربی است و زبان اینها ترکی و بعضی گفته اند ترکمان ترک نشستند ترک مینامند و مفهوم این اسم نیز همین است مدار
معاش ایشان بسرقت و غارت و شترداری و شتربانی و شیر شتر و گوشت شتر است و بعضی گوسفند دارند
و شال و غالی و نمد و توبره بافتن مخصوص زنان این طایفه است در اصل حنفی مذهب ولی از آن نیز خبری ندارند
دوازدهم رجب از این منزل که تراکمه این چکر مینامیدند شب هنگام بار بستیم و همی رفتیم در وقت ظهر
برود اترک رسیدیم آبی تلخ و شور داشت و رودی بزرگ بود از رود گذشتیم و بر آنسوی رود فرود آمدیم
روسای ترکمان که همراه ما آمده بودند و قریب پنجاه سوار بودند توقعی که داشتند بعمل آورده آنها را معاودت دادیم
و نوشته به بیگلربیگی استراباد نوشته او را از سلامتی خود و گذارش آگاه نمودیم آنگاه مجدداً سوار شده قریب
بغروب بصحرای غریبی رسیدیم تراکمه آن زمین را کوه کی مینامند   مخفی نماند که این صحرای بیکنار را نیز آبادی
نه شجر و حجر و علامتی است فراسخ آن نیز معین نمیباشد شب و روز در حرکت بودیم و بزمینی که میرسیدیم بعضی
دو رود اسباب حرکت فراهم بود و هر زمینی را بنامی میخواندند چاه های آب شیرین را در هر جا هست خود میدانند

در حقیقت هر روز سه منزل قطع کردیم و در مدت بیست و دو روز بجبوق رسیدیم و آنچه رنج و سختی بود در راه دیدیم
سیزدهم رجب از منزل کوه کی حرکت کرده صبح بآله رسیدیم از آنجا گذشته بکیسان منار آمدیم و آن مناری بوده
سرش افکنده در طرف دست چپ آن آثار شهری نشان میدادند که او را مشهد مصریان مینامیدند حالا ویران است
در حوالی منار پاره آجر بسیار بود و دلالت میکرد که سابقاً جائی آباد بوده   چهاردهم شب رفتیم و صبح بسر چاه سوم
بلاش وردی فرود آمدیم و از اینجا تا ابیز بجرد راهی است که به پنج منزل میروند و کوه بلخان که محل طوایف یموت است
در دست چپ افتاده در این منزل قریب سی چاه بود که آب شیرین متوسط   ولی در نظرها جلوه کوثر و تسنیم
داشت خیکهای بزرگ و کوچک پر کرده روانه شدیم   پانزدهم از سر این چاه تا چهار منزل راندیم و بیابان شوره زار
و ریگ زار قطع نموده بچشمه موسوم باودون آتا رسیدیم

(ذکر حال اودون آتا)

اودون آتا از مشایخ اتراک بوده و مرید زنگی آتاست و زنگی آتا مرید حکیم آتا و ایشان در میان تراکمه شأن عالی دارند
و قبور ایشان در صحرای خوارزم زیارتگاه این طایفه است بجز نامی از ایشان نمیدانند چون قبر اودون آتا در این منزل است
چشمه بنام او شهرت یافته و در دست راست این منزل کوهی بود مذکور نمودند که بوزنجرد که معروف بجبوق است
پشت این کوه واقع میباشد   هفدهم و هجدهم چهار منزل بریده بچشمه موسوم بقرانکلان رسیدیم چهار فرسخ
بمنزل مانده رودخانه آب شوری دیدیم که اول خاک خوارزم بود و مردابی ایستاده بود همراهان خوارزمی اظهار نمودند
که سابقاً رود جیحون از اینجا میگذشته و بعد از آنکه مغول راه آنرا گردانیدند هرچه در این زمین شوره زار مقعر
آب باقی مانده بواسطه زمین شوراب شده قریب دو فرسخ از اطراف و جوانب این آبرا پیمودیم تا این رود در
طرف دست چپ ماند و از او گذشته باصل منزل که قرانکلان بود رسیدیم چشمه بزرگ و آب ایستاده و آب آن شیرین
بود کارسازی کرده طرف عصر از آن گذشتیم در این راه بیابانی بود مذکور شد که توپها از توپهای محمدرحیم خان خوارزمی
حین مراجعت از سفر گرگان و استراباد مانده است چون توپچی خان خوارزم عرض کرد توپ یاتدی (یعنی خوابید)
آن زمین باین اسم موسوم شده در این منزل اتالیاز محرم سواری بخوارزم فرستاده از آمدن من بنده و خود شرحی
عرض داشت و پیغامی داد و اخباری کرده همانا خان حرکت کرده بود و سوار در عرض راه باو رسید   نوزدهم
و بیستم بمنزل بل ارسلان که کوهی بلند بود رفتیم و از آنجا بقومبت آتا شدیم در این منزل نیز چشمه آب شیرین و
و تلخ بود   بیست و یکم بمنزل قربان آتا نام که صحرائی بیگیاه بود رسیدیم همان آب تلخ در آنجا هم میرسید و بشیرینی
خوردیم   بیست و دویم بمنزل کوکلان قوئی رسیدیم و آب تلخی در آن سرزمین دیدیم   بیست و سیم چهار
منزل قطع کردیم و از کوه قاپلان قیری بوفراز آمدیم کوهی بلند بود و تنگنائی صعب داشت بزیر کوه نشستیم
و تمام بار و استران و کاروان را بکنار راندیم و در بوجوشی وارد شدیم در این منزل آب شیرین بود.

بیست و چهارم

بیست و چهارم در عرض راه چند نفر ترکمان یموت دیدیم که از اوبهی با وبهی میرفتند صحرائی شوره زار دیدیم
که خار تری داشت از دیدن سبزه مسرتی حاصل شد آب تلخ قلیلی نیز در انجا بود و نام انجا را اغنغر چاشکن
میخواندند بیست و پنجم بیابان خشکی طی کردیم که همه ریگ بود بجائی فرود آمدیم که انرا شاه صنم میخواندند
همانا سابقا قلعه آبادی بوده است از ان نام زیبا خوب و از ان زمین ریگ بد حیرتی کردیم و معنی اسم را بهیچ
دانستیم آبی تلخ تر از شیره حنظل در آنجا بهم رسید بیست و ششم دشتی شوره زار و کوهی سفید انرا قطع کرده
از زمین پست بصحرائی بلند رسیدیم مذکور شد که از این دشت بجانب روس راهی است که خوارزمیان آب
و آذوقه برداشته عبور میکنند شب بادی تند وزید و هر چه رمل و ریگ در صحرا بود بر سر ما ریخت طناب
خیمه ما گسیخت و چراغ خاموش شد ستونها شکست گفتم نام این صحرا چیست گفتند سقرچیک تصدیق کردم که
در سقر بهتر از این نخواهد گذشت بیست و هفتم از کثرت جمعیت همراهان و رغبت آن تشنگان آب شیرین
خوراکی من بنده باتمام رسید رفیق راه و فرستاده خوارزمشاه اگاه شده کوزه آب شیرین که از آب گرگان ذخیره
کرده بود بجهت من هدیه فرستاد الحق چنان بود که بمن عالی عطا کرده باشند بعد از قطع مسافت بسیار بمنزلی رسیدیم
که انرا اوشاق توبی میخواندند در انجا آب شیرین تحصیل شد بیست و هشتم منزل ابوتام نام داشت درین منزل
اسب عربی من بنده فرو ماند جلوداری که او را میاورد شب در صحرا گم شد علی بای ترکمان را با آب شیرین فرستادیم
او را در وقتیکه مشرف بهلاکت بود دریافته آب داده آورده در منزل قراقلاغ با اسب بما رسانیدند قبائی زری
و شالی کرمانی بان ترکمان خلعت دادم بیست و نهم بما مژده دادند که درین منزل اول آبادی خیوقاست جوئی آب
از جیحون بدینجا میاید و ایلات نشسته اند هر چه لازم شود مهیاست چون بدانجائی که بشغری نام داشت رسیدیم
جوئی خشک دیدیم معلوم شد که آن آب را بو کرده بسته اند و بدانجا نمیاید چند الاچیق دیدیم چیزی بهم نرسید
سلخ شهر رجب باول خیوق رسیدیم نهرهای آب و درختان بید و سفیدار بیشمار از دور پدیدار شد گفتم این
کجاست گفتند منزل قراقلاغ و ابتدای آبادی این سمت است تا اینجا از محرم پیش رفته بمنزلی بجهت من بنده
و خود نمود و جمعی را باستقبال من فرستاد بمنزلی با صفا رسیدیم که خانه وسیع و حوضی عمیق و درختان نارون
بلند و بید گرداگرد حوض سایه انداخته بود در برابر رواق باغی طویل و عریض در نهایت قاعده و قانون و صفا
پرداخت صاحب این خانه یموتی بود موسوم بملا پیر نفس مردی مکرم و مطعم بود روز بعد از انجا روانه شده
روز غره شعبان یوسفجان اقا از بزرگزادگان ملازمان خان خوارزم باشاره معظم الیه با سواران باستقبال
من بنده آمد و پرسش و اکرام کرده بطریق مهمانداری همراه بنده می بود از نزدیکی منزل و باغ پیشتر رفته چون
بدروازه باغ رسیدیم دیدیم آنجا ایستاده اظهار شرمساری میکند و عذر میخواهد بعد از ورود قند دو سر

وچای ونقل که از شهر آورده بودند با بعضی میوه‌های نورس ونارس آن باغ بمجلس آورده پس از صرف چای
ونقل ومیوه محقق شد که خان جلیل الشأن خیوه قریب هفته ایست که بسفر مرو رفته‌اند علی الصباح در راه
نهادیم از بیابانی که نهاد واشجار خشکی بیابان فراموش شد نهرها بریدیم تا بحوالی خیوق رسیدیم جمعی باستقبال
آمدند داخل دروازه شده اجمالا تماشائی از شهر نمودیم واز دروازه دیگر بیرون شدیم ودر باغ وخانه که
معین کرده بودند نزول کردیم رحمت الله دیوان خال سرکار مهتر که مستوفی خان خیوق است بانا ظر مهتر آقا شرط
مهمانداری وخدمتگذاری بجای آوردند ولی چون منزل چندان باصفا نبود شکایتی رفت وانرا برای سرکار
خان در عرض راه حکایت کردند از آنجا حکم شد بباغ وعمارت شاهانه مرحوم محمد رحیم خان که در خارج شهر در
زمین موسوم بکندم کان است نقل نمائیم

(ذکر عمارت خانی ومنزل ثانی)

نخست فضائی دارد که حوضه در آن است درختان نارون بلند انبوه پس دروازه رفیع که در دو جنب دو برج
وسیع دارد وچون از دالان پیش آیند فضائی دیگر ودری دیگر است پس در دیگر ودر راستش خلوتی وسط
مشتمل بر اطاق بزرگ وبالاخانه منقح که منسوب بمهتر آقای وزیر سابق بوده است پس دالانی دیگر ودری دیگر
واطاقی در دالان بجهت منزل چاکران ودری دیگر که از آن داخل بعمارت خانی میشوند مشتمل بر اطاقهای بزرگ
بیمثال واطاقها در اطاقها ساخته که در زمستان گرم ودر تابستان خنک خواهد بود ودر پیش هر اطاقی ایوانی
وسیع وسقفی رفیع ودر زیر هر ایوانی ستونی تراشیده بترکیب سرو وپای هر ستونی بر سنگ تراشیده بزرگ
مخروطی امرودی ترکیب گذاشته ودر دو طرف آن دیوانخانه اطاقهای دیگر وبر فراز هر اطاقی بالاخانه‌های
طولانی ودر پیش هر بالاخانه ستونهای بلند نصب کرده ودر میان فضا حوضه آبی وبر گرد آن درختان نارون
بقد چنار ودر زیر سایه آنها باطراف حوض تختی بسته پس از این فضا دری دیگر بخلوت دیگران نیز مشتمل بر
دو اطاق منقش تودرتو در پیش اطاق اول ایوانی افراشته وستونی سطبر دراز بترکیب سرو وتمام ستون
منبت کرده وپای ستون بر سنگی بزرگ سفید منبت کرده نهاده ودو ستون دیگر بهمین طور در زیر دو سقف
دو اطاق جنبین نهاده زمین فضا آجر فرش ودر وسط باغچه پر درختان میوه دار وصنوبرهای بسیار
بلند واز آنجا راهی بباغچه دیگر وحوض دیگر نیز بر گرد حوض نارونهای بزرگ بلند وبر یکسو عمارتچه بادگیر
موسوم بکوشک وبر سه طرف آن ستونهای چوبی بر زبر سنگ تراشیده نهاده سرها در زیر سقف محکم نموده
وزمینی بقدر دو ذرع ساخته وتخت کرده بر اطراف آن سنگ گذاشته از دو طرف پنج پله از آجر وگچ بجهت بالا رفتن
این تخت مهیا کرده قطر دیوار یک ذرع واصل بنای اطاق از کل وارتفاع آن پنج ذرع واطاق دیگر بر بالای آن از
همین قرار بنا کرده اند واز چهار سوی آن چهار در که باغچه وحوض زیرین پیدا پیداست واطاق دیگر بهمین وضع

بالای

بالای طاق دوم که بام اطراف آن سقف تختگاه طاق زیرین است و بر پهلوی طاق سیمین نردبانی بلند
و پله‌های پیچ نهاده که از این نردبان به بالای بام سیمین بر آیند و از تحت تا فوق بیست و چهار پله تا بالای
بام آخرین بیست و هشت ذرع و فراز بام محل خوابگاه نیز آن سقف و نیز دیگر بدون سقف که از آنجا تمام صحرا
و بناها و باغها و کشت‌زارهای اطراف شهر و بیوتات اغلب شهر در نظر پیداست و بر سر جاده این کوشک
باغی است وسیع و در وسط آن نیز حوض و عمارتهای چهار دری بزرگ و در وسیع تخمینا سی جریب باغ است قطارهای
نارون بیک اندازه از بیست ذرع الی چهل ذرع و همچنین درختهای صنوبر که سفیدار و تبریزی گویند در
کمال راستی و بلندی و درختان میوه‌دار از انجیر و انار و توت و انگور و هلو و شفتالو و شلیل و سیب و به
ممتاز است باری در این عمارت منزل کردیم و از خستگی راه آسودیم

ذکر بعضی از وقایع ایام شهر شعبان

رفیق راه آتابای محرم که از دنبال خان خیوق رفته بود باز آمد و چون در طهران روزی او را ضیافت کرده بودم
او هم با اذن خان مرا بمهمانی بخانه خود خواند سوار شده بشهر و بخانه او رفتم نهایت اعزاز کرد و قریب سی تن از
علمای شهر و عالیجناب آخوند آقاجان ملقب باعلم که در بخارا تحصیل کرده و هم بروس رفته و زبان فارسی را
نیکو میدانست اجزای مجلس بودند با مولانا اعلم از هر جا صحبتی نموده بقاعده پس از آن مجلس در شهر من بنده نادان
بدانائی مشهور شدم و در این ایام گاهی سوار شده بتماشای بناهای خارج شهر میرفتم از جمله روزی بتفرج صحرا
رفته بودم گفتند باغ محمد امین بهادرخان خوارزمشاه در همین حوالی است بتماشای آن باغ رفتم خارج باغ جای
باصفای پر آب و سبزه‌ایست عمارت این باغ کمتر از باغ گندمکان است ولی روحی در این باغ است که در باغهای دیگر
نیست خیابانهای وسیع منظم درختهای با ترتیب آبگیرهای متعدد باصفا نارون و سفیدارهای بلند مشرف
و باغبان شرط تکریم بجا آورده زردآلو و گیلاس زیاد آوردند الحق این باغ با روح و شباهتی بباغهای ایران دارد
در این ایام تنگری قلی توره از اولاد محمد رحیم خان بحکم نیابت در خیوق مانده هم در این اوان فرستاده خان خوقند
خدایارخان بخیوق آمد و چون خان بسفر رفته بود او نیز ناچار توقف نمود هم در این اوقات یکی از اسرا شنیدم
که مدعی است که از شاهزادگان ایرانم حالش معلوم کردم چون صرف دروغگو و شیاد بود دروغ او وا نمودم و کذب او
بر همه کس واضح شد نیز در این اوان نور مهدی نام بخارائی که از جانب امیر نصرالله خان حاکم بخارا بروم رفته بود و در مراجعت
بدار الخلافه طهران آمده و از آنجا عازم مقصد شده بود همانا در راه خراسان بدره جز آمد و آتابای محرم بخان خیوق
اظهار کرد که نور مهدی از روم آمده و انفیه دانی مرصع از خوندکار روم با میر بخارا برسم نشان همی برد و امیر بخارا
و خان خیوق اگرچه هر دو از امرای ازبکند ولی با هم عداوت دارند بنابراین باشاره سرکار خان طایفه تکه

بهمراه دیگر بخشند و اموال او را غارت کردند و او را اسیروار بخیوق آوردند و با صعب احوال در خیوق
میزیست مگر خان ایلچی که می آن کار را گشاید بالجمله روز دهم شوال سرکار خان از مرو مراجعت کرده وارد خیوق
شد بعضی چاکران نواب شاهزاده فهم وضع و عدّت فرستادم و خان نیز بعد از ورود آتانیاز محرم را که با من همسفر
و در آن اوقات مباشر معاملات کهنه گنج بود طلبید و پس از چند روز در باغ انگوربیک مشهور بانگوربیک
با آتانیاز و ترجمان و دیلماج بخدمت خان رسیدیم سلام کردم جواب داد پرسش نمود مکالمات رفت از حال
اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه و اوضاع ممالک محروسه سؤالات وافی نمود و جوابهای کافی شنید بعد بمنزل معاودت
کردیم روزی نیز بنا ز دید مهتر یعقوب وزیر رفتم ملا محمد نظر دیوان که قاضی جان بود و آتانیاز محرم و یک دو
تن دیگر صحبت کردیم نهار آوردند اما طعام ایشان برنج با روغن کنجد بجوشانند و گوشت گوسفند را نیم پخته بادنند
و فراشباشی طعام چیند و پیشخدمت با کاردی که در طرف چپ بکمر بسته و آن نیم پخته گوشتها را از استخوانها برید
بر روی طعام نهد و کله گوسفند با پاچه مودار سم دار نیم پخته در ظرفی کرده بگذارند و آشی از برنج پخته بقدر
شیره روغن کنجد روی آن ریزند و در میان آن زردآلوی خشک و آلوبخارا و امثال آن کنند و گوشتی نیز ناپخته
دارد و خربزه و انگور و انجیر یا زردآلو از هر میوه که باشد بر خوان نهند و قند روسی و دست و نبات سفید
و گلاب در ظرفی کرده در میان سفره نهند و گوشت را با پیاز پخته آنرا چلاو نامند و بهترین خورشهای ایشان آنست
و چون فراغت از خوردن یابند دست خود را با سفره پاک کنند آفتابه لگن همراه من بنده بود بیاوردند دست
شستیم اسباب قهوه خوری همراه بود قهوه پخته آوردند فنجانی بهر یک دادند چون معمول آنجا نیست از بی خبری
ملا محمد نظر یکدفعه در دهان ریخت دهن او بسوخت نیز از تلخی قهوه متاذی شد قلیان بلور با نی پیچ که
همراه داشتیم آوردند نهایت اسباب تعجب حضار شد بعد از رفع مجلس قند خشک و نبات و گلاب و شیرینی که در
سفره حاضر بود بگماشتگان خود داده بمنزل من آوردند پس از یک دو روز بیک نیاز محرم دیوان بیگی که او را وزیر
دولتخانه نیز خوانند و زکوة رعایای آن ولایت ابوالجمع اوست و محمد شریف بای برادر کهتر او بنیابت وی در
ولایت دفتر تحصیل نماید بهیچشی مهتر آقا وزیر خان مرا دعوت کرد چون برادر را و مامور بهمراهی من بود اجابت
کردم در سه روز دیگر مهتر نیاز محرم و ملا محمد نظر دیوان و آتانیاز محرم را بمهمانی طلبیدم و گفتم خورشهای
گوناگون ایرانی و اغذیه لذیذه و اطعمه انواع و اقسام حاضر کردند بعد از آن مهمانی دیگر کسی اقدام بدعوت و ضیافت
من نکرد بلکه از دعوت سابق خجل بودند روزی کاروان باشی که در آن ولایت بمنزله ملک التجار است و در
معاملات دیوانی دخیل و نهایت معتبر با دو نفر دیگر آمده بقچه و کیسه نزد من گذاشت که این خلعت و انعام
خوارزمشاه است و عذرخواهی بسیار نمود در قبول آن مسامحه و او را اصرار بود سر بقچه بگشود قبائی اطلس

مشجر

مشجر و جبه زری اعلی بود مرا خنده آمد و او را تجبر و با برام خلعت را بدوش من افکنده گفت تنخواه را نیز
تصرف کنید گفتم چاکران بر گیرند زر نقد پانصد تومان بود بیش از پنجاه تومان بحاملین انعام دادم
الحاصل بعد از کشف مطالب و درک مسائل موقع معاودت از سفر خوارزم شد در اینوقت خان خیوق
پیام داد که سید احمد نقیب بخارائی منسوب امیر بخارا اراده مکه معظمه است او را با جمعی از علما و فضلای
کاشغر و فرغانه و خوقند و خیوق بطهران برده روانه نماید قبول نمودم خواجه سید احمد پسر عم امیر نصر الله خان
بخارائی است و از نجبای آنولایت و منصب نقابت در بخارا نازل منزله امارتست چون اینشخص با وجود
احترام زیاد در سواری و شکار زبردستی و تهور دارد و آثار نجابت از ناصیه او ظاهر است و امیر بخارا
مردی با سوء ظن با وی دل بد کرده او را محبوس خواست وی فرار کرده بخوارزم آمد اینک بعد از چندی
مجالست با خان خیوق دو پسر خود را برداشته با من بنده روانه ری شده در بیت دنیا با مکنت از تواریخ
باخبر و در موسیقی ماهر خلاصه روزی چند تدارک سفر پرداختیم دوازده شتر خریدیم و ده نیز از ساربانان
کاروان یموت کرایه کردیم و آب و آذوقه پانزده اسب و بیست و دو شتر و بیست و پنج آدم تهیه کرده دیگر باره
خان خیوق را ملاقات نموده وداع کردیم و باز آمده از خیوق که دار الملک خوانین خوارزم است مصمم منازل
راه اورگنج الحال و اورگنج کهنه شدیم که شهر قدیم آنجا بوده و سپاه مغول انجا را ویران نمودند و در اینمحل برکه
مختصری از بلاد و قلاع و قواعد و رسوم آنولایت بنگاریم و مشهودات را مزید معلومات نمائیم

ذکر خوارزم

خوارزم را قلعه‌ها و شهرها بوده و هست وجه تسمیهٔ این ملک بخوارزم اینکه در زمان کیخسرو بن سیاوش
ابن کیکاوس که با جد خود افراسیاب دعوی خونخواهی پدر خود سیاوش همی کرد و مکرر در میان ایرانی
و تورانی جنگهای بزرگ شد از جمله وقتی افراسیاب لشکری بسرداری شیده پسر خود که خال کیخسرو بود بجنگ
ایران فرستاد کیخسرو نیز با لشکر بسیار حرکت کرده بر لب جیحون در زمینی وسیع و صاف تلاقی دو لشکر
شده چون شیده بشجاعت خود مستظهر بود خواهش کرد کیخسرو بنفسه با او جنگ کند هر کدام کشته شدند
بقیه لشکر در امان باشند و بی نزاع برگردند کیخسرو پسندیده در این باب عهد کرد امرا و پهلوانان ایران چون
از شجاعت کیخسرو بیخبر بودند از اینکار تشویش داشتند و هرچه منع کردند کیخسرو نپذیرفت خلاصه هر دو
بشخصه باهم رزم کردند و کیخسرو بر شیده غالب شده او را بکشت و پس از قتل عزاداری کرده سپاه ترکستانرا
معاف از مصاف نموده و رخصت انصراف داد چون در لغت فارسی خوار بمعنی سهل و کم و آسان و کار بیمایه و رزمت
آمده لهذا کیخسرو گفت در این زمین خوار رزمی شد بنا بر قاعده پارسیان که چون یکحرف مکرر در پهلوی هم

یکی را حذف و بیکی اقتصار نمایند آن زمین بخوارزم موسوم شد و بواسطهٔ قرب باب جیحون بمرور دهور مردم
در آنجا جمع و خانه بساختند و هر جا قلعه و شهری بنا کردند تا آباد شد خوارزم را از اقلیم پنجم گرفته اند در عهد سلاطین
خوارزمیه خاصه سلطان محمد خوارزمشاه که ایران و توران در حکم او در آمده بود آن ملک در نهایت آبادانی و معموریت
بود در زمان مغول خراب شد بعد باز بتدریج رو بآبادانی نهاد و اکنون آباد است قرای خوب و قلاع مرغوب
دارد و پنج قلعه حاکم نشین خیوق و هزاراسب و اورگنج و کات و خانقاه از بلاد قدیم آن مملکت بوده است

ذکر هزاراسب

از شهرهای مشهور خوارزم و معرب هزاراسف از قلاع محکم و در بلندی واقع شده دو دروازه دارد و قریب
ده هزار کس در آن ساکن اند در عهد سلطان محمود غزنوی خوارزمشاه با وی معارضه کرده سلطان لشکر بخوارزم
کشید و هزاراسب را مفتوح نمود و حکیم ابو الحسن فرخی سیستانی در مدح سلطان محمود گفته

هزاراسب فزون از دو هزاراسب گرفت ❊ همه را تو شد از خون خداوندان تنگ

در عهد سلاجقه خوارزمشاهیه که از اولاد نوشتکین غرچه غلام ملکانکین از ممالیک سلطان ملکشاه سلجوقی
بوده ترقی نموده اند و اتسز بن قطب الدین محمد بن نوشتکین از سنجر یاغی شد سلطان سنجر از مرو قصد خوارزم
کرده اتسز در هزاراسب متحصن شد انوری ابیوردی در اردوی سلطان سنجر بود این رباعی در مدح سنجر
گفته نوشته بتیری بسته در قلعه هزاراسب انداختند

ای شاه همه ملک جهان حسب تو راست   وز دولت و اقبال شهی کسب تو راست
امروز بیک حمله هزاراسب بگیر   فردا خوارزم و صد هزار اسب تو راست

چون اتسز این بشنید رشید الدین وطواط بلخی حکم نمود جواب گفته باردوی سنجر انداختند رباعی

ای شاه که جامت می صافست نه درد   اعدای تو را ز غصه خون باید خورد
گر خصم تو ای شاه شود رستم گرد   یک خر ز هزاراسب نتواند برد

سلطان سنجر قسم خورد که چون قلعه مفتوح شود وطواط را بهفت پاره کنم و بعد از گریختن اتسز و گرفتن قلعه
وطواط بشفاعت بدیع منشی خلاص شد الحاصل از مرو بهزاراسب راهی است کم آب و چاههای آب در بعضی
بیابان است که اهل آن مملکت اطلاع دارند و ده دوازده روز راه زیاده تا مرو نمیباشد و تا خیوق سه منزلست
و تا لب رود جیحون چهار فرسنگ سیب هزاراسب در همه عالم نظیر ندارد و سایر میوه هایش نیز نیکو است

ذکر قلعهٔ خوانقاه

از قلاع خمسه خوارزم و در میانه هزاراسب مذکور و خیوق است هنگامی که نادرشاه از بخارا بجانب ایلبارس خان

والی خوارزم لشکر کشید اول بهزار اسب آمد چون قلعه محکم و آب جیحون اطراف او را داشت نادرشاه بفتح آن
نپرداخت و بخیوق راند ایلبارس خان از هزار اسب بیرون آمده سواره یموت و تکه بلشکر نادری کشید نادر
مشغول جنگ شده ایلبارس منهزماً بقلعه خوانگاه رفت روز دیگر جنگ در انداختند ایلبارس و بیست نفر از اعاظم بدست
آمده مقتول شدند و از آنجا بخیوق آمد چهار روز توپ بقلعه زدند قلعگیان امان خواستند دوازده هزار
کس از اسرای خراسان که در خیوق بودند نجات یافتند و ده هزار خوارزمی کشته شد و خاک خیوق را در چهار
فرسخی ابیورد برده قلعه خیوه آباد ساخت (دار الملک خیوه) خیوق معرب آنست بنا بقاگر کر کانج مشهور باورگنج
معمور و دار الملک خوارزمشاهیه بود خیوه قلعه از قلاع خمسه خوارزم محسوب میشد بعد از خرابی اورگنج خیوه
رو بآبادانی نهاد گویند بحساب هندسه تاریخ بنای او نام اوست ششصد هفتصد سال است که ساخته شده
اکنون در همه خوارزم از خیوه معمورتری نیست و دار الملک خوانین اوزبکیه است و از ایام محمد رحیم خان تاکنون
خوانین در آبادی آن کوشیده مساجد و مدارس و عمارات عالیه در آن ساخته شهریست که حصار آن در کمال متانت
ولی خندقی بر گرد آن نیست و با وجود نهرهای بسیار از آب جیحون که در اطراف آن شهر است حاجت بخندق ندارد دور آن
شهر تخمیناً یکفرسخ است و ارکی در یکطرف آن ساخته اند پنج دروازه دارد بعد از عبور از مقداری راه بدروازه
ارک رسند و بر شهر قدیم آن شهر جدیدی ساخته اند و عمارات عالیه در آن بنیاد نموده اند دکاکین و بازار دارد
و قریب ده هزار کس در آن متوطن اند که غالباً اوزبک اند و هوای شهر بنهایت گرم است و توقف در آن بصعوبت
ممکن است لهذا بزرگان این شهر بیشتر در خارج شهر که صحرائیست پر آب و سبزه و انهار و اشجار باغها و خانه‌ها
وسیع ساخته در آنجا بسر میبرند و در این شهر بیکطرف باغی از بناهای الله قلیخان است که رفینک خوانند
و ابنیه عالیه فوقانی و تحتانی زیاد دارد و در خیوه بهتر از آن باغی نیست بلکه نظیر باغهای خوب ایران میتواند بود
و در طرف دیگر رفینک نیز باغی تازه از بناهای محمد امین خان بن الله قلیخان خان حالیه خوارزم است که در آن
عمارات تحتانی و فوقانی بلند ساخته اند و از میان عمارت و زیر آن نهری بزرگ از آب جیحون همیشه در آن است
و قوشخانه سرکاری نیز در این باغ است و در شهر خیوق میدان در اطراف دروازه بسیار است و از میدانهای
بسیار بزرگ میدانیست که محل اجتماع عراده کشان است و زیاده از دو هزار عراده با اسب بسته در آن جمع است که
هر کس بخواهد بجهت بارکشی و سواری کرایه میکند عراده کشان ایرانی اند میدان و بازار وسیع دیگری است که اسب
فروشند هم در جائی معین است که شتر فروشند و نیز در بازاری معین اسیر فروشند و معامله بازار آن
ولایت در روز دوشنبه و جمعه است و در سایر ایام هفته بیشتر کسبه بباغها روند و عشرت کنند و در هر قوبه
روزی معین بازار و معامله دارند تا کهنه اورگنج از این قرار مقرر است

وازمزارهای خیوق یکی مقبرهٔ پهلوان محمود خوارزمی پیر بوریای ولی است و پهلوان محمود را از اولیا دانسته
وحضرت پهلوان خوانند دیگر چهار شهباز که از اجزا اولیا دانسته زیارت کنند واغلب اوقات فقرای بخارا و
خیوق وغربای هر دیار دران دو مزار بسر برند

ذکر مراجعت از خیوق بخارج جانب مشهور بکرکانج

روز پنجشنبه شانزدهم ذیقعدة الحرام ازمنزل مقرره بخلوت دیگر نقل مکان کرده روز جمعه باتفاق محمد شریف بای
روانه شده چند فرسخ طی کردیم و بمنزل شاه آباد نزول اتفاق افتاد شب در منزل یوره اتالیغ که باغ باصفا داشت
بمهمانی گذشت شنبه هجدهم بمنزل موسوم بتاش حوض رفتیم باغ وعمارتی وسیع و رفیع ازبناهای خوانین
خوارزم در انجاهست یکشنبه نوزدهم بهلالین راندیم اینجا نیز باغ وعمارتی از بناهای خان دیدیم که الحق
در خور توصیف بود دوشنبه بیستم باق یته امدیم و در باغی از ابنیه خوانین خوارزم آسودیم سه شنبه بیست و یکم
بمنزل خان اباد در باغ خان که حوضه منزل نمودیم در همه منازل باغی بدین نزهت واسلوب دیده نشده زمین
ان یکصد جریب و بر اطراف خیابان ان سپیدارها صف کشیده از هر خیابانی بحوضه راه واز هر حوضه بخیابانی
معبر دیگر با چهار خیابان بچهار سو آراسته نام آن باغ چهار چمن بود چندان گنجشک بر شاخ درختان نشسته
بودند که چون رمیده و بر خواستندی اواز و بانکی غریب از پرواز ایشان بگوش رسیدی چهارشنبه بیست و دوم
روانه کهنه اورکنج شدیم نهری بزرگ از جیحون بصحرا افتاده در زمینهای پست تا دو سه منزل رفتی و جمعی از ترکمن
یموت در زمینهای ان سکونت کرفته زراعت میکرده اند کار بجائی میرسید که طاغی شده زکات بخان خیوق
نمیدادند واز کثرت جمعیت دم از خودسری میزدند کارگذاران این نهر را بر کردانیده بعد از دو سه سال آن
طایفه بستوه آمده در دهات خوارزم متفرق کردیدند خلاصه از پهلوی کرکانج که دار الملک سلاطین خوارزم
شاهیه بوده و لشکر مغول خراب کرده گذشتیم و بکهنه اورکنج نو وارد گشتیم اتالیق محرم که متصدی انجاست
استقبال کرده در باغی تازه منزل داد دو سه روز توقف کردیم تا همسفران از عقب رسیدند پنجشنبه
بیست و سیم قصد تماشای کهنه اورکنج و اثار قدیمه و زیارت مزار قطب المحققین شیخ ابو الجناب طامة الکبری نجم الدین
احمد بن عمر الخیوقی که از مشاهیر مشایخ بوده نمودیم قاضی عبد الله خوقندی که با من سابقه آشنائی داشت و
در اورکنج امامت میکرد با محمد شریف بای همراه بمرقد شیخ نجم الدین کبری قدس سره رفتیم فاتحه خواندیم یاد
سلطان محمد خوارزمشاه و چنگیز نمودیم و از تصاریف روزگار عبرت گرفتیم

کفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک ... زایشان شکم خاک است آبستن جاویدان

ذکر شیخ نجم الدین کبری

اصل

اصل او از جنوق بوده درجوانی از کثرت علم با هر کس مباحثه کردی بر او فایق آمدی لهذا او را طامة الکبری خواندند بعد از آن طامه را حذف و او را فقط کبری گفتند و بجهة اجتناب از دنیا ابو الجناب نیز نامیدند گویند این لقب را در خواب از حضرت رسول صلی الله علیه واله یافته بعد از مسافرت بسیار و درك صحبت مشایخ عصر کرده تکمیل شده بخوارزم آمد و ده نفر از مریدان او بدرجه ارشاد رسیدند چون بحکم سلطان محمد خوارزمشاه مجد الدین بغدادی را که از مریدهای نجم الدین بود در رود جیحون انداختند شیخ خوارزمشاه را نفرین کرد ولشکر تاتار بخوارزم آمدند وقتل وغارت میکردند از جمله شصت نفر بکر کانج بخانقاه شیخ ریختند و شیخ نیز جهاد کرده تا شهید شد از مزار شیخ گذشته مزار خواجه علی رامتینی معروف بعزیزان رسیدیم اصل خواجه از قریه رامتین از اعمال بخارا است و از مریدان خواجه محمود تغنوی و بوطریق اکابر نقشبندیه است از آنجا بخوارزم آمده ساکن شد بعد از آن مزار دیگر نمودند که بامام فخر رازی منسوب بود

ذکر امام فخر رازی

فخر الدین ابو عبدالله محمد بن حسن القرشی التیمی البکری از مشاهیر فضلا و حکمای عهد خود بوده ولادت او در سنه پانصد و چهل و چهار و رحلتش در سال ششصد و شصت اتفاق افتاده است مزارش در کهنه اورکنج صاحب تصنیفات و تالیفات معروفه گاهی نظم فارسی نیز داده و این رباعی از آنجمله است

هرگز دل من ز علم محروم نشد　　کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد

هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز　　معلوم شد که هیچ معلوم نشد

بعضی گویند این قبر از فخر الدین رازی نیست قبر ابن حاجب را نیز در آنجا نشان دادند و غیبتی بدیدن آن نشد در حوالی آثار بناهای عالی بسیار بود از جمله مناری که قریب بشصت ذرع ارتفاع داشت و قطر آن چهل ذرع بود گویند وقتی لشکر مغول آن منار را از دو سه منزلی دیدند راه نزدیك فرض کرده بغارت گرگانج و خوارزم تاختند بعد از دو سه روز بدانجا رسیدند لهذا خشمناك شده منار را خراب نمودند و آنچه هست بقیه منار است نیز تمام آن چند مزار دیگر که یکی شیخ شرف نام و دیگری را قرا قاچه میخواندند دیده شد نیز از آثار قدیمه گنبدی مرتفع کاشی کاری در کمال متانت و علو و صفا و استحکام دیده شد مذکور نمودند قبر توره بای خانم دختر قتلغ تیمور بوده است کهنه اورکنج در اینوقت باهتمام محمد امین خان روی بآبادانی نهاده است بعضی از سواران قزاق و قراقلپاق با لباس غریب و کلاه عجیب در آنجا دیده شد بالجمله در آن حدود قرا و قلاع معروف و غیر معروف بسیار است

ذکر کات

از شهرهای خوارزم و از قلاع حسنه آن بوده سابقا آبادی تمام داشته اکنون حد وسط است مقبره یعقوب بیر

مهتر یوسف وزیر خوانین خیوق از آنجاست محمد رحیم خان در آنجا عمارتها نموده (زمخشر) قریه و قلعه بوده
در قدیم آباد فاضل زمخشری از آن قریه میباشد (قنقرات) شهری و قلعه ایست از بلاد خوارزم و طایفه قنقرات
از طوایف اوزبک مدتها در آنجا سکنی دارند و اصل خوانین خیوق از آن ایل بکیه قنقرات بوده و طایفه قیات نیز در آنجا سکونت
دارند (حکیم آتا) نام محلی است بر لب رود جیحون که حکیم در آن مدفون شده و او از مشایخ ترک و متعلقین
سلسله نقشبندیه بوده است آبادی ولایت خوارزم و قرای آن اغلب بر لب رود جیحون واقع شده تا لب
جیحون سه فرسخ چهار فرسخ کما بیش فاصله است و حکیم آتا انتهای آبادی خوارزم است (بحیره جند خوارزم)
دور آن یکصد فرسخ و قطرش سی و دو فرسخ و جیحون خوارزم و سیحون چاچ و فرغانه در این بحیره میریزد

ذکر خوانین خیوق

بعد از نادرشاه هرج و مرج در اوضاع سلطنت اغلب سلاطین روی داد ترکمانیه یموت دست استیلا بر
بقاع و قلاع خوارزم بگشادند و مدتی بر این منوال بود تا از اولاد مغول طایفه اوزبک کرد قنقرات سکنی داشتند
لوای حکمرانی برافراشتند اول آنها التذر بن عوض ایناق بن محمد امین ایناق بن فاضل ایناق قنقرات بن ابو الغازی
ابن اسفندیار بن عرب محمد سلطان معاصر صفویه ابن حاجم خان بن یونس خان که از جانب صفویه بحکومت خراسان
رسیده اند و سلسله ایشان منتهی بچنگیز بوده اند اول التذرخان در هزار و دویست و یازده در قنقرات
خروج کرد و طایفه یموت را از کرکانج و خوارزم بیرون نمود و در هزار و دویست و سیزده بر مسند خانی نشست
و مدت ملکش دو سال بود دویم محمد رحیم خان برادر کهتر التذرخان او کمر همت برای نظم خوارزم بست با بخارا
و یموت و تکه نزاعها کرد و بر همه غالب شد بعد از بیست و هفت سال حکمرانی در هزار و دویست و چهل درگذشت
سیم الله قلیخان بن محمد رحیم خان بجای پدر نشست و هجده سال بعیش حکمرانی کرد و در هزار و دویست و
پنجاه و هشت درگذشت چهارم رحیم قلیخان بن الله قلیخان بخانی رسید در حین قلی توره در مقام ایناقی یعنی
مرتبه وزارت و امارت یافت مدت ملک رحیمقلیخان پنج سال بوده بعد از آن برادر کهتر او محمد امین خان بن الله
قلیخان منصب خانی یافت و تاکنون که سال هزار و دویست و شصت و هشت است شش سال میباشد که حکمرانی
مینماید و از اولاد محمد رحیم خان و الله قلیخان جمعی هستند که توره یعنی شاهزاده اند از جمله پسری است دوازده ساله
بفربهی و بزرگی پهلوانی سی ساله و اسب از سنگینی پیکر او بستوه است

شنبه بیست و پنجم ذیقعده الحرام از کهنه ارگنج متصمم شده خیکها از آب جیحون پر کرده تدارکات دیگر دیده بعد
از طی چهار فرسنگ بمنزل غانقره رسیدیم اینجا نیز باغی تازه مغروس از مستحدثات خان خیوق دیده شد ملّا اخناز
فرستاده مهتر آقای وزیر خوارزم که از خیوق با من همراه بود و مهماندار عرض راه او را با دلی خوش از آنجا معاودت دادم

ازهمان راهی که از استراباد آمده بودیم مراجعت کرده منزل میسپردیم در چرشی مسموع شد که طایفه یموت گرگان
نشین استراباد بر محمد ولیخان بیگلربیگی قاجار خاکر خود طغیان نموده اند ازین خبر دغدغه در خاطرها رو نمود
چیزی نگذشت که آشفتگی راه گرگان محقق شد بالجمله در خوف و رجا راه میسپردیم تا بمنزل موسوم بکسک منار
و مشهد مصریان رسیدیم مخفی نماند که از گرکانج تا گرگان آثار شهرهای ویران بسیار است و معلوم میشود
که غالبا در فتنه مغول از آبادی افتاده از جمله آثار شهر عظیمی در اینمحل در کنار راه است که عمارات و بقاع و گنبدهای
بزرگ و کوچک و متوسط از آجر و گچ در آن مشهود میشود در گنبدی عظیم که نهایت مرتفع بود داخل شده آثار خطی
برگرد طاق دیدم که بخط کوفی شبیه بود و در پهلوی آن اطاقی دیدم که دری کوچک داشت خواستیم داخل شویم
از غرایب اتفاقات آنکه ماری بزرگ در آن اطاق رفته در میان در حلقه زده نشست چندان که های و هوی کردیم
نرفت ما در او و او در ما مینگریست چون بسیار نزدیک میشدیم سر بر میداشت و مستعد جستن میگشت
در میان در بود تا قدری واپس آمدیم او هم از میان در پشت در رفت باز نزدیک آمدیم مار هم از پشت در بیرون
آمده در میان در نشست او را بحال خود گذاشته روانه شدیم و بمنزل آمدیم القصه هم خبر در راه طغیان یموت میرسید
و معلوم شد که انتظار ما میکشند که از رفتن ممانعت کنند   باری بعد از وصول بحوالی رود اترک که غالب
تراکمه در آن حدود سکنی دارند شب غذائی خورده و خواب را نامناسب شمرده سوار شده راندیم چون اندکی راه رفتیم
نشان سم اسب سواران ظاهر شد معلوم شد که عده کثیری و از حوالی ما گذشته وارد رود اترک شدیم از دست چپ
راه که زمینی نمکزار بود عبور کرده خائفا راه طی مینمودیم چون هنگام رفتن در لب رود گرگان با و بر قراخان یموت
آتابای که آباعن جد خدمتگذار این دولت بودند منزل کرده و نان و نمک خورده بودیم و با بعضی از ریش سفیدان ایلات
آق و قاضی یموت آتابای آشنا شده بودیم انسب دانستیم که بخانه قراخان و قلیجخان یا خانه قاضی منزل کنیم و خبر از
کار استراباد نداشتیم در این اثنا که از دست راست بطرف راه میرفتیم قاصدی از برابر آمد از قصه پرسیدند گفت قراخان را
بیگلربیگی گرفته حبس نموده و هزار سوار یاغی اکنون در پیش روی شما بجزایر رود گرگان رفته اند فرستاده خان خیوه
و دیگران ازین خبر هم برآمده متحیر شدند یکی گفت از دست چپ که راه متداول نیست رفتن اولیست زیرا که
سواران در پیش رو بما نرسند و دردی قلیج خان نیز درین طرف او بر دارد و ورود ما را مغتنم میشمارد و اگر لازم
شود در رفتن باستراباد خود با سواران همراهی کند چند آوبه و الاچیق از دور نمودار شد بیگانگان را آشنا
گمان کرده رو بدانها همی رفتیم بعد معلوم شد که الاچیقها از تراکمه یاغی است گفتند قانون تراکمه آنست که هر که بخانه
آنها وارد و ایمن بود ناچار بر ایشان وارد شدیم نانی بیاوردند و اظهار خدمتی کردند از آنجا بزودی حرکت کردیم
آنها خبر بدشمنان ما دادند و خود با ما براه افتادند ناگاه غبار از دست چپ بلند و سوار متوالی در رسیدند

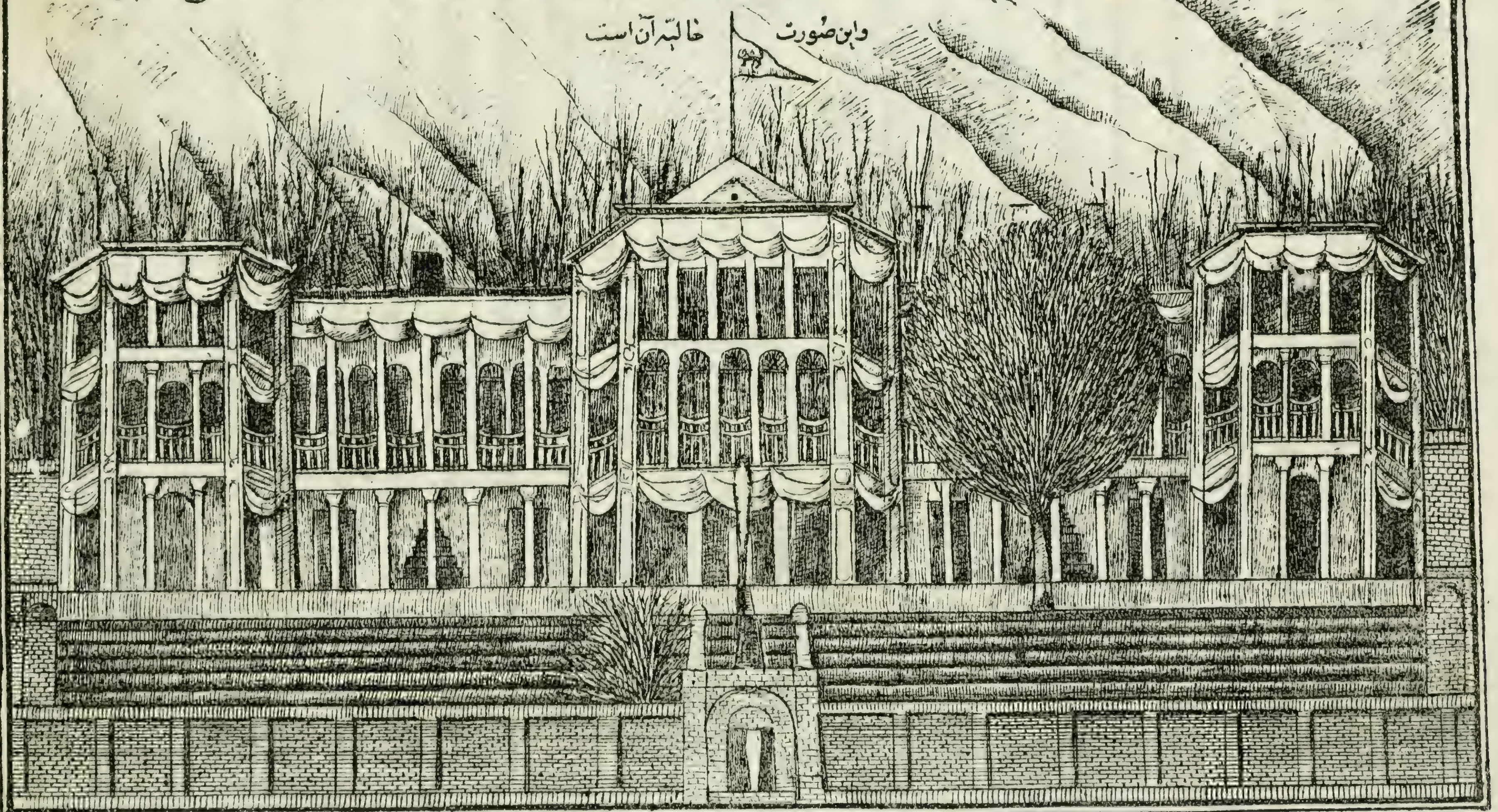
مسافرت مرحوم رضاقلیخان روح الله روحه بخوارزم

بر بنه ما حمله کردند و از هر چادرستشان بچیزی رسید بردند من خواستم اسب بجانب آنها تازم رفقا گفتند این همه
برای تو است بپای خود چرا بطرف هلاک روی ناچار قدری باز پس راندم ملازمان را نیز بمدافعه تحریص میکردم وخود
در انجام کار متحیر آخر الامر نام مرا برده گفتند فلان را بما بسپارید و باقی آسوده بگذرید چون بزرگان ما را گرفته اند
و گوسفند ما را برده او را نگاه میداریم تا آنها مستخلص کردند رفقا بمن همدست شده باینمعنی رضا ندادند
و شتران را بخسبانیدند و زنان و پیران را در میان بداشتند و جوانان و دلیران در اطراف با اسلحه مهیای
مدافعه شدند زد و خورد میکردند و دمادم از اطراف سواران طوایف ترکمان بموافقت و حمایت ایشان میرسیدند
قدری از ظهر گذشته بود معلوم شد که چون شب در رسد دوست از دشمن شناخته نگردد و از هر سوی بتازند
و کار ما را بسازند خلاصه در میان آنجماعت با خوف و هراس حرکت مذبوح میکردیم

چونکه عادت کرده بود این بوالعجب   در هزیمت رخت بردن سوی غیب

پناه بذات اقدس بیچون برده طریق توسل میپیمودم که خادم آمده گفت قاضی یموت که هنگام رفتن با شما در
خانه قراخان بلکه تا اترک همراه بود آمده با شما ملاقات میخواهد دانستم که بفضل از خداست گفتم بیاید قاضی باز آمد
و سلام کرد گفتم ایها القاضی شما هم چشم از دوستی سابق و سابقه پوشیده با ترکمانان بگرفتن من آمده گفت لا والله
من از این ماجرا بیخبر و در لب رود گرگان در اوبه خود بودم این خبر موحش شنیده آمدم حال هر چه این طاغیان را نصیحت
میکنم اثر نمیکند گفتم هر جا سخن عاقلان را وقعی نیست اجتماع جهال را اثر خواهد بود اگر راستگوئی آدمی با اهل و
اوبه خود دو قراخان و قلیجخان آق که با من الفت و میثاق داشتند بفرست و برهان من سواران اتابای و آق را
بجوان قاضی فوراً برادر خود را فرستاد و باوبه پیامی داد خواهر قراخان اتابای که در حباله علیخان یموت بنی عم
او بود بعد از گرفتاری قراخان و اولاد او در استراباد و گرگان در اوبه برادر مختار بود چون شنید که من بخیال دیدن
قراخان حرکت کرده ام جمعی را برانگیزانیده سوار شدند و نزد ما آمده گفتند در توقف مصلحت نیست و اگر
شب در اینجا بمانید صبح از کثرت تراکمه مجال رستن نیست لهذا حرکت کردیم و سواران ترکمان از همه طوایف
بو کردنا و بنه ما همی رفتند و منتهز فرصت بودند ولی مجال ترکتازی نکردند و هر وقت نزدیک میشدند
سواران اتابای بر ایشان دشنام میدادند و نام خود را میگفتند آنها میرمیدند و تا فرسخی با ما براه آمدند
و حاصلی ندیدند اندک اندک دور شدند و متفرق گشتند نیمی از شب گذشته باوبه قراخان آمدیم اهل اوبه
خاصه زن مسطوره پذیرائی و مهمانی کردند شب چیزی خورده بخفتیم صبح برخاسته بزرگان یموت بدیدن
آمدند بعد از دو شب و یکروز از اوبه قراخان حرکت کردیم محمد قلیجخان و قلیجخان والتذ سردار و سایر خوانین
اتابای و آق و منسوبان قاضی با سواد زیادی با ما همی آمدند و چون بحوالی گرگان رسیدیم خوانین جعفربای

صورت قصر نیاوران



بطپانچه و قمه مسلح شده در ذی مستظلین و عارضین دد هی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماماً بهم نپیوسته جلو اسب سوادی همایون رواه آمده چند طپانچه خالی کردند ولی بترها خطا کرده　　مگر یکی از انها که چهار داشت چند ساچمه آن بعض از قطعات بدن مبارک را خراشید چاکران از قبیل اسد الله خان امیراخور و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعاظم و معارف دو نفر از آن سه نفر مطرود ملحد را گرفته و یکی را در میان هنکامه بضرب تیغ و سنگ و چوب وانجهنم نمودند بعد از آن سرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه عزیمت شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیزخان اجودان باشی و حاجب الدوله والد مؤلف و کلانتر و کدخدایان بتفحص و جستجوی دوستان فرقه ضاله پرداختند و والد غفرالله فراشان شاهی و غیره را بران داشت که استعلام نمایند و آنها معلوم نمودند که مکمن و مجمع جماعت مطروده خانه حاجی سلیمانخان است بدانجا شتافتند و حاجی سلیمانخان را با دوازده نفر از اشرار دستگیر کردند و از این دوازده نفر سایر رفقای ایشانرا معلوم نمودند و انها را نیز بگرفتند و از خدمات بزرگ که درین وقت والد مؤلف نمود بدست آوردن ملا شیخعلی بود و معلوم شد محمد صادق نامی که خود را باسب سواری همایون رسانید و طپانچه خود را خالی کرد نوکر این ملعون بوده و اسباب و اسلحه حرب را او بآن خبیث داده خلاصه سی و دو نفر از فرقه مطروده گرفتار شدند و شرعاً عرفاً وجوب قتل انها ثابت و عموم اهل ملت کشتن انها را فرض عین و وسیله فوز و فلاح و عین مصلحت و صلاح دانسته ملا شیخعلی که خود را حضرت عظیم مینامید و سر منشاء فتنه بود علما و فضلا او را بسزای خود رسانیدند و باقی را چاکران دربار و اصناف و کسبه و تجار مقتول و بداء والبوار فرستادند و مژده سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران باصقاع بلاد ممالک محروسه رسانیدند و برای انکه ذات ملکوتی صفات همایون از این فتنه و خطر محروس ماند عموم اهالی ایران جشنها کرفتند و شهرها را آئین بسته چراغان کردند و زبان حال جمله از قول مؤلف بدین بیت لطیف که از کریمه کلام الله مجید اقتباسی منیف است رطب اللسان آمد

یریدالمشرکون لیطفؤها　　ویابی الله الا ان یشاء

جبادی از سواره و افواج حکم شد حاضر رکاب اعلی شوند و اسب و اسلحه آنها را با دستبل مواجب ششماهه دستبدکی نمایند　چون مجدداً محمد ولیخان بیکلربیکی و حکمران استراباد و حمزه خان انزانی در تدمیر تراکمه طاغیه شهامت و جلادتی نموده بودند بیکلربیکی بیکشوب جبه ترمه مخلع و حمزه خان باعطای یک قبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شد　روز عید قربان سلام عام منعقد و عموم خدم و حشم و غیره بزیارت جمال همایون مثال مقدس فایز گردیدند　محمد خان صاحب جمع وجوه خارجه ذرع ارده کالسکه‌چیها را سبه خوب با تمام

رسانید

رسانیده و محض کرایه است و هرکس هرجا بخواهد برود ساعتی یک قران کرایه میدهد محمودخان کلانتر بعطای یکثوب جبه ترمه مفتخر گردید محمد باقرخان پسر محمدخان میرپنجه سرهنگ فوج ششم تبریز و مخلّع شد محمدمرادخان سرهنگ فوج بنات زوند بمنصب سرتیپی و خلعت سرافراز شد زنی در تبریز در محله شتربان مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در پیشانی بود و ابرو نداشت و دو دندان در زیر و دو شاخ در پشت گوش و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش هم مثل موی سر گاو و از کمر بپایین سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بینی او کوچک گردی داشته یکساعت بعد از تولد مرده است تراکمه تکه که بسمت ککلان رفته بودند جماعت ککلان آنها را متفرق و مغلوب نموده اند

روز یکشنبه هجدهم ذیحجة الحرام که روز عید غدیر بود سلام عام منعقد گردید میرزا احمدخان ناظم دیوان کرد را ماموریت هرات خدمت کرده بود بیکثوب جبه ترمه مخلّع شد میرزا محمدخان کارپرداز حاجی ترخان چون در مدت ماموریت کفایت خود را ظاهر نموده بعطای یکثوب جبه ترمه مخلّع شد میرزا عبدالوهاب کیلانی بمستوفی گری و سررشته داری کیلان و خلعت همایون نایل گردید عمارات دیوانی یزد را محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان تعمیر مینماید قنات ترکبند میانه یزد و اصفهان را نیز تنقیه میکنند نادری قلعه شیراز را حسب الامر بنا نهادند در کار تمام کردن آن هستند

۱۲۶۸

هم در این سال در شانزدهم رمضان المبارک در محروسه غباری ظاهر و روز بروز در تزاید بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح تا شام آفتاب پیدا نمیشد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که در ده قدم آدم ممکن نبود تشخیص بدهند مکرر باران و صدا اما از دو ساعت از شب گذشته غبار برکنار رفته و در هوا جوهر را اعتدالی نمودار میشد ولی با این غلظت غبار و احتباس چون که هوای زیاد نبود چندان مورث ضرر نشد بجهت اطفال ارامنه تبریز در حیاط کلیسا حکم شد مدرسه بسازند میرزا فضل الله وزیر نظام کرد و عراده توپ سرپوند بلند قد در تبریز ریخته پیشکش کرد و الحق توپهای خوبی بود بیکثوب جبه ترمه مخلّع و سرافراز گردید حسب الامر مقرر شد تومان بندی کل افواج قاهره را نمایند و روی بیرقها اسم و عدد تومان و افواج نقش شود و نیز بعضی از افواج قاهره را بمیرپنجه ها سپردند که در انتظام کار آنها ساعی باشند با آنکه پنجسال است در فارس ملخ خوارگی میشود انواع نعمای الهی در آن مملکت وافر است در جبه خانه شیراز تفنگهای خوب میسازند در کازرون مولودی متولد شده که سر آن بشکل گربه و بدنش تمام مثل پلنگ منقّش و انگشتهایش بهم بافته یک پای او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او یک وجب و نیم دندان هم داشته که گریه میکرده بعد از یکروز مرده است انجام امور قورخانه و جبه خانه و مدرسه دار الفنون و ملبوس

نظام را بعهدهٔ محمد خان بیکلربیکی و میرپنجه محوّل و موکول فرمودند حاجی مبارك بلقب خانی و منصب میرتیپی سواره نانکلی و همدانی و کنکرلو نایل کردید پادری محی پیشوایی عن هم کاتولیکی عیسوی در جلفای اصفهان درکذشت و چون نهایت آدم خوبی بود از منر و مسلمان هم متاسّف شدند

وقایع عمده که در این سال در ممالك خارجه و اقطار عالم اتّفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

١٢٦٧ در این سال ایجاد راه آهن مابین کانادا و نیتن شد کتابخانهٔ دولت در این سال آتش کرفت

اسپانیا

وکلای ملّت در این سال عزل شدند نارواین صدر اعظم دولت اسپانیا استعفا نموده مودی‌لی بجای او منصب شد ژنرال هلیز که بقصد تسخیر جزیره کوبا از متصرّفات ینکی دنیائی اسپانیول با تجار رفته بود کرفتار شده در همانجا در پای تخت جزیره کوبا مقتول شد شاهزاده خانمی از ملکهٔ اسپانیا متولّد شد

المان

١٢٦٨ در اینسال مجسّمهٔ فردریك اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند ایالات مهن ذُلِرن بمملکت پروس الحاق شد طایفهٔ یهود با عیسویان در حقوق و درجهٔ مساوات بهم رسانیدند و حال آنکه تا آنزمان دارای این امتیاز نبودند ارنست اکوست پادشاه هانور در سن هشتاد و یکسالکی درکذشت و ژرژ پسرش با آنکه کور مادرزاد بود بسن سی و دوسالکی بجای او جلوس نمود

انکلیس

١٢٦٨ در اینسال در انکلیس قبول کردن از طایفهٔ یهود را بسمت وکالت در عهد مجلس پارلمان تصدیق کرده بود ولی مجلس لردها قبول نکرده ردّ نمودند اکسپوزیسیون عمومی در لندن در عمارت بلور در هاید پارك که از باغات بزرك عمومی شهر لندن است افتتاح یافت و مدّت پنجماه این اکسپوزیسیون برقرار بود لرد پالمرستن وزیر امور خارجه استعفا نمود در شمال دماغهٔ امید در افریقا که از متصرّفات انکلیس است جنکی سخت مابین حاکم آنجا با طایفهٔ کافر اتّفاق افتاده عهدنامهٔ دوستی و تجارتی با جزایر سندویچ بسته شد معدن طلا در کوهستان شرقی استرالی منکشف کردید تلکراف بحری از انکلیس بفرانسه از زیر دریای مانش که بندر دوور و کاله را بهم وصل میکند امتداد یافت از اهالی ایرلاند مهاجرین زیاد بسمت ینکی دنیا رفتند چنانکه در اینسال شصت و پنجهزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام اهالی خانه‌های مزبوره به ینکی دنیا رفته بودند لنکارد مورّخ فوت شد جمعیّت تمام جزایر انکلیس در اینسال بیست و هفت کرور و دویست و سی و هشت هزار

و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است

پرتغال

۱۲۶۹ در این سال مارشال سالدنا که برحسب رأی پرتغال مسبود بزور اسلحه دولت را مجبور کرد که کنت تماد صدر اعظم را معزول کنند و خود بجای او بصدارت منصوب شد

دانمارک

ایجاد مجلس وکلای رعیت و بنیان قانون جدید از لند که متعلق بدانمارک است

اُرستِت معلم علم طبیعی درگذشت ما بین دولت دانمارک و ایالتین اسلشویک و هلستن صلح شد

روس

در این سال دولت روس مصمم است از دشت قرقیز بسمت خیوه قشون کشی نماید

سوئد و نروج

۱۲۶۹ در این سال در ایالت نروج طایفه یهود را قبول نمودند

عثمانی

۱۲۶۹ در این سال نقاری ما بین دولت عثمانی و اتریش بجهة آزاد کردن کسوت که از اشرار مجارستان بود و پناه بخاک عثمانی برده حاصل شد امیر بشیر از رؤسای لبنان فوت شد در این سال کسوف آفتاب را عثمانیها بفال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که انوا آثری نیست مردم اعتقاد نکردند

فرانسه

۱۲۶۸ زوال در این سال شان گارنیه از سرداری قشون پاریس معزول شد در پاریس و بعضی دیگر بلاد فرانسه شورشی برپا کردید دور شهر پاریس ایجاد راه آهن نمودند برای صاحب منصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی در خارجات اند مرسومات تعیین نمودند برای تنبیه طایفه قبیله که از اعراب الجزایر اند قشون فرستادند مارشال سباستیانی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند راه آهن تور و پواتیه برقرار شد ودایر بنای بازار فروش ماکولات در پاریس نمودند یکصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند وکلای ملت عزل و انتخاب وکلای تازه و تغییر وضع جدید در دولت نمودند بمیل علیه ملت پانزده کرور رعیت فرانسه ملت دیناست لوی ناپلیون رئیس جمهور را ده ساله قرار دادند جمعیت فرانسه در این سال هفتاد و یک کرور و هشتاد و یکهزار و هشتصد و بیست و یکنفر بود

مصر

ایالت مصر قبول تنظیمات جدیده را ننموده اند بتوسط کمپانی انگلیس راه آهن از اسکندریه بقاهره ایجاد شد

مکزیک

شورش و انقلاب در اغلب بلاد این مملکت پدیدار آمد دولت انگلیس با کمال تشدد مطالبه طلب خود را منها الله

ینکی دنیای جنوبی

ژنرال اشینک در پیرو ریاست یافت عهدنامه مابین منتویدو برزیل برقرار کردید

وقایع سال ششم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران روحنا فداه مطابق سال هزار و دویست و شصت و نه هجری

پیچقان ئیل ترکی

توجهات خاطر خیر مظاهر همایون شیدالله تعالی دعائم ملکه و امنای دولت علیه در اینسال خیر مآل ۱۲۶۹ ذا بدا ما کان بفراغت عموم رعایای ممالک محروسه و آسایش عباد و معموریت و رونق بلاد بود

هم در ۱۲۶۹ ادراض خان ترکمان با شصت نفر از روسا و ریش سفیدان تراکمه سرخس برای تعهد خدمتگذاری بمشهد مقدس آمده در خدمت نواب والا احتشام السلطنه والی خراسان با حضور علیقلی خان میرپنجه و سام خان ایلخانی و عباسقلی خان دره جزی بیگلربیگی قرار دادند که اراض خان با پنجاه نفر از ریش سفیدان سرخس علی الدوام در مشهد مقدس باشند و پنجاه نفر دیگر از آنها غلام پیشخدمت و غلام بوده اسبهای خود را داغ کنند و همیشه مشغول خدمت باشند و یکصد نفر دیگر از آنها در قراولخانه های انصفحات مستحفظ و مشغول حراست راهها شوند و از جانب نواب معظم والی خراسان نسبت بآنها هر گونه التفات مبذول شد نوع لوستانی از لحاظ نظر مهر اثر مبارک گذشته مورد تحسین شد اشرار لرستان را نواب والا احتشام الدوله تنبیه نمودند عمارات مرحوم عبدالله میرزا دارا در زنجان همچنین دروازه شهر را که در معقده طایفه ضاله بابیه خراب شده بود حسب الامر امیر اصلانخان حاکم خمسه تعمیر مینماید الات حرب و اسباب نظامی را این اوقات در قورخانه و جبه خانه دار الخلافه بهتر از سابق میسازند نیز در کارخانه بلورسازی و چینی سازی خوب کار میکنند و مصنوع صاف دارد باب این دو کارخانه سفارشات بمحمد خان میرپنجه شد که در ترقی و تشویق عملجات اهتمام نماید صد و پنجاه نفر از تراکمه باطراف خبوشان برای تاخت آمده بودند یزدان وردی خان

وسواران ایشان استقبال کردند وسوران اتابای را رخصت دادیم رفتند

بیان بند کرکان

بتماشای این بند رفتیم پنجاه شصت ذرع طول و پانزده ذرع عرض آن بود الحق خان بیگلربیگی در مدت قلیل بندی محکم برچنان رودی بسته فواید ومنافع ان بند بسیار است چون از بند کرکان گذشتیم سرکردکان استرآباد باستقبال ما امدند اردوی بیکلربیکی در پهلوی جعفرآباد بود من با همسفران در تپه جعفرآباد در نزدیکی اردو منزل کردیم شب با محمد شریف بای مهمان بیکلربیکی بودیم و آنچه باید ولازم بود در امور انصفحات گفتیم وشنودیم علی الصباح حرکت کرده بشهر استرآباد آمدیم چند روزی ماندیم بعد از دفع خستکی از راه خوارزم روز غره محرم از استرآباد حرکت کرده منازل پیموده بیست وهفتم همین ماه باتفاق محمد شریف بای و سید احمد بخارائی نقیب وارد شهر دار الخلافه شدیم پس از چند روز محمد شریف بای باتفاق من بنده بحضور مهر ظهور اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه مشرف شده هدایای محمد امین خان را از لحاظ نظر مبارک گذرانیدند خواجه سید احمد نقیب هم دو بهله قوش طرلان وقزل شکاری بحضور حضرت اقدس همایون برسم پیشکش آورده استدعای مرخصی زیارت مکه معظمه زادالله تعالی شرفاً وتعظیماً نمودند مخلع ومرخص شد واین بنده بعواطف مخصوصه سربلند گردید انتهی

۱۲۶۷
هم در اینسال در این دولت جاوید عدت یعنی دار الخلافه باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله وخارجه وبعضی اعلانات تجارتی وغیره ایجاد شد واول نمره این روزنامه که از طبع خارج گردید مورخ بتاریخ روز جمعه ربیع الثانی سنه هزار ودویست وشصت وهفت بود

نیز در اینسال بواسطه قراولخانه که در هر نقطه شهر دار الخلافه ساخته شده بود بنظم شهر افزود ومقرر شد که در سایر بلاد نیز قراولخانه ها بسازند

۱۲۶۷
نیز در اینسال بواسطه باریدن برف زیاد در دار الخلافه وموجود بودن دوازده هزار خروار غله مال دیوان در انبار دار الخلافه چیزی بر تسعیر جنس نیفزود مصطفی قلیخان قراکوزلو نظر بخدماتیکه کرده بود منصب میرپنجی یافت آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین گردید پاشاخان مکری (حالا مظفر الدوله است) سرتیپ افواج سمنان ودامغان شد سلیمان خان دنبلی حکومت تربت یافت یوسف خان افشار را منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند رضا قلیخان ولد سلیمانخان افشار صاین قلعه بنیابت حکومت صاین قلعه برقرار آمد

۱۲۶۷
هم در اینسال مقرر شد که ماهی دو مرتبه یکی روز غره ومرتبه دیگر در پانزدهم ماه چاپار باذربایجان وفارس

و گیلان و مازندران و کرمان و خراسان و استراباد و کرمانشاهان رفته مراجعت کند　محمد تقی خان بوانتیری حاکم شاهرود و بسطام گردید　نواب والا خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان از بروجرد بمقر حکومت خود روانه گردید　نیز در اینسال ۱۲۶۷ کارگذاران دولت علیه در خوبی شالکرمان اهتمام نمودند　استاد عبد الحمید نامی شال مازندرانرا طوری تصفیه نمود که مثل شال هندوستان شد　شفیع خان نایب اول آجودان باشی مأمور سفارت کبرای [illegible] و اقامت لندن شد　میرزا حسینخان ولد میرزا نبی خان امیر دیوان مأمور بمبئی و کار پردازی [illegible] هندوستان بودند شد (مقصود جناب اشرف حاجی میرزا حسین خان سپهسالار [illegible] و وزیر امور خارجه میباشند جناب معظم الیه از همین وقت که ابتدای مأموریت و خدمات ایشان [illegible] دولت علیه بود همه روزه در مدارج ترقیات کامله صعود نموده آناً فآناً مراتب کفایت و کمال عقل خود را ظاهر و معلوم ساخته سفر و سفارتهای بزرگ و وزیر مختاری کرده بعد از خدمات جلیله باین دولت جاوید شوکت در خارجه و مراجعت بداخله بتفویض وزارت عالیه عظمی نایل و از آن مقام منیع ارتقا جسته سپهسالار اعظم و از سپهسالاری بمسند جلالت صدارت عظمی ایران قعود نمودند هم اکنون سپهسالار اعظم و وزیر جنگ و وزیر امور خارجه میباشند و شرح صدارت ایشان بیاید)

هم در اینسال ۱۲۶۷ بنای کارخانه چینی سازی در طهران و بنای کارخانه بلورسازی در قم نهادند مفتول دوزی در لباس اهل نظام که تا آنوقت در ایران معمول نبود زنی طهرانیه مسماة بخورشید خانم نمونه از آن دوخته بنظر اولیای دولت رسانید و معلوم شد مفتول دوزی سردست به این صاحب منصبان را در ایران بدوزند شال چوخای مازندران نیز در اینسال طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز بسیار بکار میخورد　زمستان اینسال خیلی سرد شد　حکومت اردبیل بمحمد رضا خان قاجار تفویض آمد　محمد حسن خان نوری بحکومت مشکین و ایلات آنجا رفت　قاسم خان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت　میرزا زین العابدین تبریزی مأمور تعدیل مالیات گیلان و مومن بن اعمال گیلان شد　میرزا هدایت الله مستوفی بتعدیل مالیات مابین قلعه و دسبکی بمواجب سوارانجا رفت (جناب میرزا هدایت الله مشار الیه از آنوقت الی الان یوماً فیوماً در مدارج ترقیات کامله بود تا چند سال قبل وزیر لشکر شده اینک وزارت جلیله دفتر با جناب معزی الیه است و یکی از کفات و بزرگان رجال این دولت فیروزی مآل میباشند)　میرزا حسن خان وزیر نظام برادر جناب میرزا تقیخان اتابک اعظم حکمرانی عراق یافت　محب علی خان ماکوئی را منصب میرپنجگی دادند و حسن خان یوزباشی ولد مشار الیه سرهنگ و مأمور شد که از اردبیل و مشکین یکفوج سرباز جدید بگیرد　حسنعلیخان سرهنگ از کروس یکفوج سرباز گرفت (جناب حسنعلیخان از همان زمان بخدمات بزرگ این دولت مأمور و چند سال

از جانب دولت علیه در پای تخت فرانسه بسفارت مقیم و وزیر مختار بودند و بدرجات عالیه نایل شده
اکنون وزیر فواید و از بزرگان رجال این دولت جاوید شوکت اند) از فراهان دو فوج جدید و از
مراغه نیز یکفوج بسرتیپی جعفرقلیخان قاجار و از خلخال یکفوج بسرهنگی محمدعلیخان و از کرمان یکفوج بسرکردگی
اسمعیلخان کوفنی اصلان سلطان از طایفه افشار خرقان منصب یاوری یافت مصطفی قلی میرزا بحکومت اردبیل
رفت نواب والا شاهزاده مؤیدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد حکومت یزد بمحمد حسنخان سردار
و نیابت حکومت معزی الیه بشیخعلیخان ایروانی مقرر شد کلبحسینخان اجودان باشی مأمور سرپرستی
قشون آذربایجان گردید علیقلیخان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد
هم در اینسال ۱۲۶۷ مقرر شد چهارده فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف دارالخلافه باشند و چون پیشتر
از این رسم بود مأمورین بهرجا میرفت از رعیت عنفاً سیورسات میگرفتند حکم شد من بعد باحدی
سیورسات ندهند هرکس بهرجا مأمور است وجه نقد داده هرچه میخواهد ابتیاع نماید آبله کوبیدن اطفال
که در ایران رسم نبود و از این جهة غالب یا تلف میشدند یا معیوب میگردیدند حسب الحکم در تمام بلاد معمول شد
در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زیدر که راه عبور و مرور ترکمان بود و رعیت آنجا متفرق
شده بود بنای قلعه گذاشتند و تفنگچی و مستحفظ قرار دادند و رعایا دوباره بجای خود آمدند ایجاد تذکره
عبور و مرور در جمیع بلاد ایران که مترددین از بلدی ببلدی دیگر بی تذکره عبور و مرور ننمایند نیز در اینسال شد
هم در اینسال ۱۲۶۷ کاروانسرای معروف بکاروانسرای امیر مشتمل بر سیصد و سی و شش حجره تحتانی و فوقانی در
دارالخلافه بنا شد محمد رحیم خان نسقچی باشی بحکومت خوی مأمور و روانه شد (جناب محمد رحیمخان علاءالدوله
هم از آنوقت بواسطه خدمات جلیله این دولت ابد مدت تحصیل مراتب اعتبارات کامله روز بروز بمقامی
منیع و درجه رفیع رسیده تقریباً چهار سال قبل یکی از وزرای سته و بعد از آن منصب وزارت دربار یافتند
اینک نیز از بزرگان و وزرای جلیل الشأن دولت علیه میباشند و شرح ترقیات و افتخارات ایشان بیاید)
هم در اینسال ۱۲۶۷ فوج جدید خلخال با سه فوج دیگر در تبریز همیشه قرار شد حاضر مشق نظامی میباشند امر معادن مس
قراچه داغ نظم گرفت محمد باقرخان نوئی واکر از خوانین متمردین پشت کوه فارس بود در قلعه صعبی متحصن
عباسقلیخان سردار لاریجانی حاکم بهبهان بواسطه نوکر و صاحب منصب لاریجانی او را بچنگ آورده بنزد
خود رسانید شال کرمانی بطوری خوب شد که مشتبه بشال کشمیری گردید نواب والا ایلدرم میرزا برادر کوچک
نواب والا خانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد عبدالله خان صارم الدوله مأمور [illegible]
[illegible] را نظم کلی داد طایفه بلوچ سیستان که شرارت مینمودند با محمدخان ظهیرالدوله بامر اولیای دولت

علیه جمعیتی از هرات بر سر آنها فرستاده آنها تنبیه کرد بسیاری از اهل مملکت بر فایده روزنامه دولتی
خبر شده مشتری آن شدند آقا اسمعیل سرهنگ تحویلدار جبه و ملبوس و چادر کل اهل نظام شد
مطلب بیک تفنگدار سرکرده صد نفر سوار و صد نفر پیاده شده بحراست راه خراسان مامور شد
در مشهد مقدس شروع بساختن قراولخانه نمودند هفتاد باب خانه در لنگرود آتش گرفته از جمله خانه
منجم باشی بود قطران که بجهة مصارف توپخانه از روس میآوردند در رحمت آباد گیلان بقدر کفایت
ساختند یکفوج سرباز جدید از نیشابور بسرهنگی محمود خان کرکری گرفته شد دهم جمادی الاولی در تبریز
زلزله سختی شد ولی چندان خرابی نکرد و بعد از آن برف و بوران شدید کرده هوا باعلی درجه برودت رسید
جواد خان بادکوبه کرد در عربستان و لرستان خدمتها کرده بود سرهنگ فوج جدید بروجرد شد نصرالله خان
ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان سرهنگ فوج کلپایگان گردید (اینک سرتیپ اول افواج قزوین و زنجان و ملقب
بنصر الملک و دارای نشان تمثال همایون است) هاشم خان قراباغی سرهنگ فوج گره شد جبرئیل خان پسر
صمصام خان سرهنگی فوج جدید نصارای ارومی و سلماس یافت ضعیفه در خانه میرزا محمد نائینی از بام بزمین افتاده
عیب نکرد

هم در این سال ۱۲۶۷ موکب همایون عزم سیاحت ولایات عراق و اصفهان فرمود حسنعلیخان سرهنگ گروسی را
بدار الخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند چون اهل دار الخلافه از آب تنگی داشتند مجرای بزرگی
که از بالای نگارستان حفر شده بود که آب از رودخانه کرج بشهر بیاورند و قریب ده سنگ آب کبری دارد و در این
وقت مرمت میخواست مبلغی دیوان اعلی خرج تعمیرات کرده آن نهر را لبالب از آب و ده شبانروز اهالی شهر را
بطور فراوانی سیراب کرد و آب انبارها و حوضهای خانه ها از آب مملو گردید محمد تقی خان جوانشیر حاکم شاهرود
و بسطام و مرحوم حسنعلیخان جوانشیر منسوب و بجای او حکومت یافت کوچه های شهر تبریز را بحکم نواب والا
حشمة الدوله حکمران سنگ فرش کرده نظافت دادند بارندگیهای نافع در دار الخلافه و خراسان و سایر
بلاد شد قانون نظام منقح و برونق آن افزود حکومت کلپایگان و خوانسار از عربستان و لرستان
مجزی و محول بنواب والا احمد میرزا شد بهرامخان برادر کهتر حسنعلیخان سرتیپ سرهنگ فوج گروسی شد
سیصد چهار صد خانوار مشهدی و هراتی که در ایام انقلاب از شهر هرات رفته بواسطه امنیت این بلد عود
نمودند و کار زراعت خراسان نیز منسق شد پسران امام وردیخان نیشابوری که باطمینان قلعه های
نوده حسین آباد و توزنده جان دم از خود سری میزدند اللهقلیخان حاکم نیشابور با معدودی از سپاه
منصور آنها را دستگیر نموده قلاع ایشان را کوبید صد نفر ریش سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس

خدمت نواب والا احتشام السلطنه حکمران خراسان آمده متعهد خدمتگذاری و اطاعت شدند ظهیر الدوله
میرزا محمد علی برادر میرزا نجفخان را از هرات با عریضه بدربار همایون فرستاد اهالی لارستان فارس را
که بواسطهٔ قلاع مستحکم و جبال شامخه راه طغیان میسپردند نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس مقهور و مقطوع
نموده بعد از گرفتن هفت قلعه از آنها باز جمعی در قلعه بهده که چهار هزار ذرع دور آنست و در سر کوهی که هشتصد
ذرع ارتفاع دارد واقع متحصن بودند آن قلعه را نیز بضرب توپ و جلادت فوج سیلاخوری مسخر کرده آن نواحی
کاملاً امن شد

موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه بقصر قاجار نقل مکان فرموده که در ماه رجب تشریف
فرمای صفحات اصفهان شوند محمد حسن خان سرتیپ افواج فراهانی که مامور کردن یکفوج سرباز جدید بود
انفوج را تماماً گرفت میرزا حسن خان وزیر نظام که حاکم عراق بود بانتظام امور قشون آذربایجان رفت
بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان برکاب اعلی بپیوندد سوار و سرباز جدید از خمسه گرفته
مشغول مشق شدند قلعه ارک تازه بمعماری عبدالله خان معمار باشی بنا کردند عمارات دیوانی اصفهان را
برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند شب هفتم ماه جمادی الثانیه در تبریز جزئی زلزله شد بعد از آن
چند روز متوالی بارش آمد و موافق نوشتجات اسلامبول در همین ایام در یونان چند زلزله سخت شد
قریب چهارصد نفر سواره چکنی مامور خراسان شدند پانصد نفر سواره شاهسون بغدادی و دویست
و پنجاه نفر سواره اینانلو که اسب همه را داغ کرده و جمیع مواجب داده بودند در کمال خوبی سان دادند
محمد تقی خان برادر محمد حسن خان سرتیپ فراهانی را سرهنگی فوج جدید فراهان دادند محمد ولیخان حاکم
نهاوند معزول و محمد قلیخان نایب اجودانباشی بجای او حکومت یافت حکام و مباشرین سابق کرمان
در خالصه صیفی کاشته برعایا طرح میکردند این رسم را نواب والا مؤید الدوله برانداخت قلعه ایرندگان را
عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمد علیخان بلوچ خارج کرده بمحمد خان سپرد قلعه ترکنبد و حسین آباد
در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شیخعلیخان نایب الحکومه یزد آب آنجا را بیرون آورده بیست خانوار
در آنجا سکنی داد که عابرین از آنجا بسلامت بگذرند در یکی از قرای زنجان برق زده یکنفر آدم و یک اسب را
کشته و یکنفر را هم سوزانیده ولی هلاک نشده

روز شنبه غرهٔ شهر رجب موکب همایون از مقر خلافت عظمی روانهٔ یافت آباد شده که تشریف فرمای قزوین
شوند و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد بسمت اصفهان نهضت فرمایند ملتزمین رکاب اعلی از شاهزادگان
نواب عباس میرزا و نواب کیومرث میرزای ایلخانی و نواب والا علیقلی میرزا (نواب معظم الیه و الا شاهزاده

اعتضاد السلطنه الان وزیر علوم و معادن میباشند و احکام دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی نیز موکول بصحه و
صوابدید ایشان است) نواب محمد رضا میرزا نواب بهاء الدوله نواب امامقلی میرزا (این شاهزاده ملقب
بعماد الدوله شده زیاده از بیست سال مستمر و مقتدر از جانب اولیای دولت علیه بحکومت کرمانشاهان و سنقر
و کلیائی و سرحدداری عراقین مامور بود و چند سال حکومت نهاوند و لرستان نیز ضمیمهٔ حکومت ایشان
گردید سالی هم در دار الخلافه بوزارت عدلیهٔ عظمی منصوب بودند قریب یکسال و نیم است که بجوار رحمت
الهی رفته) نواب صاحبقران میرزا و از امرا و وزرا جناب اتابیک اعظم امیر نظام و جناب اعتماد الدوله میرزا آقاخان
و میرزا محمد شفیع صاحب دیوان و محمد حسن خان سردار و معیر الممالک و ملک الکتاب و مستوفی الممالک و بعضی از
مستوفیان و فضلعلیخان میرپنجه و محمد خان میرپنجه و فوج گروس ابوابجمعی حسنعلیخان سرتیپ و فوج ناصریه
ابوابجمع محمد آقای سرهنگ و توپخانه با اللهوردیخان سرهنگ و زنبورکخانه با نصر الله خان و از سایر خدم و حشم
نیز بقدر ضرورت بودند عزیزخان اجودانباشی مامور توقف دار الخلافه و اردو و نظم قشون شد
هفتصد و پنجاه و دو نفر سوارهٔ شاهسون که همه بر جمیع ملبوس انها یکرنگ و نهایت خوش اینده بود و در مشق
نظامی نیز درجه امتیاز داشتند بسرکردگی سیف الله خان مامور خراسان گردیدند سوارهٔ چهاردولی عراق
ابوابجمع سلیمانخان سرتیپ افشار شد پانصد نفر سوارهٔ افشار ابوابجمعی سلیمان خان مامور اصفهان گردید
محمود خان کلانتر مواظب تنظیف شهر دار الخلافه شد

موکب همایون روز سیم رجب کوچ در منزل سلیمانیه اطراق نموده روز چهارم بمنزل قاسم آباد نزول اجلال
فرمود و از اینجا منزل بمنزل عازم قزوین شدند وارد و نهایت منظم واحدی از اهل اردو جرات تعدی بادنی
رعیتی نبود میرعلینقی خان پسر میر سعد الله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند هادی خان حاکم ساوجبلاغ
و مکری معزول و عباسقلیخان گروسی بجای او حکومت یافت عباسقلیخان بادکوبه سرتیپ فوج دهم
خوئی میرپنجگی فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاه نایل گردید سوارهٔ یابروند که سیصد نفر بودند و ابوابجمع
قلیخان مامور و روانهٔ خراسان شدند قشونی با جعفرقلیخان میرپنجه مامور گرگان گردید فوج قراجه داغ
ابوابجمع سرخای خان ولد مشار الیه با چهار عراده توپ ضمیمهٔ قشون مزبور شدند سوارهٔ سلیمانخان که
مامور اصفهان بودند مجددا حکم شد سیصد نفر از انها با جعفرقلیخان روانه گرگان شوند اردوی جعفرقلیخان
مرکب است از فوج قراجه داغی و فوج بیات زرند و سوارهٔ قراچورلوی آذربایجان و عراق کرد خوار و ورامین
سکنی دادند با چهار عراده توپ در روز نوزدهم رجب روانه گرگان شدند روز نهم رجب وزیر مختار انکلیس
و سفیر دوم از دار الخلافه روانه اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز بهمان صوب عزم کرد

فرانسه

فرج الله خان سرهنگ یکفوج سرباز از توشیز کوفت اردوی مصطفی قلیخان میر پنجه کرده شتی رفته
با کمال نظم حرکت مینمایند

روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد علما و اشراف و اعیان لازمهٔ تشریفات را بعمل آوردند
کتاب نظام ناصری در علم نظام از مؤلفات نواب والا بهرام میرزا (معزالدوله) که در این علم فرد و ماهر میباشند
تمام و چهارصد جلد از آن در دار الخلافه طبع شده منتشر و موجب بصیرت اهل نظام گردید روز یازدهم
رجب بعد از ظهر تا عصر باد بسیار شدید در دار الخلافه وزید برج و باره شهر دار الخلافه تعمیر شد
موکب همایون اعلی روز هجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای عراق شدند حاجی علیخان فراشباشی والدعوله را
اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند آقا خان سرتیپ سواره قزوین هزار و پانصد نفر
سوار در کمال خوبی سان داد فوج جدید از افشار برکشلوی قدیم گرفته بودند در قزوین سان دادند
در شیراز ملخ خوارگی شده ولی مرغ سفیدی بهم رسید که ملخ را تلف میکرد علی آقای شکاک از اشرار اردوی
بحکم نواب مصطفی قلی میرزا حاکم آنولایت با اتباع گرفته برکاب همایون فرستادند در مراغه سمیکه خرانه صفحه
از آهن ساخت گلوله توپ کار میکرد و مدتی بود که با همین آهن وزنه میساخت که گلوله وا دران آثری نداشت
نسبت دعوی صنایع غریبه نیز باو میدادند

موکب همایون بتاریخ پنجم شعبان در بلوک ساوه تشریف دادند چون سیل در قزوین خرابی کرده بود حکم
شد جلو سیل را سد سدید ببندند و هر چه خرج آن شد از دیوان همایون اعلی محض آسایش رعایا و اهالی
داده شود مهر بلیت دروازه های دار الخلافه بمحمود خان نایب اول اجودانباشی سپرده شده که نوکر و اهل
نظام بتصدیق اجودانباشی و کسبه و رعیت بتصدیق محمود خان کلانتر تذکره از مشار الیه گرفته بروند
و این بلیت مجاناً داده میشد سربازان فوج سوادکوهی را که نواب محمد تقی میرزا فرستاده بود در دار الخلافه سان
دادند محمد ولیخان بیکلربیکی استراباد بقصد تدمیر تراکمه با سه هزار نفر سواره و پیاده در بلوک
کرقره تازه میسازند دفتر اقامت نمود

موکب همایون بتاریخ دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد است نواب والا بهرام میرزا در نظم
دار الخلافه ساعی میباشند عمارات دیوانی بروجرد را با باغ شاه از برای ورود موکب اعلی تعمیر کردند
در بلاد ممالک محروسه عموماً و در دار الخلافه خصوصاً در دایر نمودن جبه خانه و ساختن اسلحه ساعی شدند
شمشیر و تفنگ های خوب ساختند ساختن مهتاب بجهة آتش دادن توپ را تکمیل کردند که در زیر آب هم
میسوزد و خاموش نمیشود بحکم امنای دولت در جبه خانه دار الخلافه شروع بساختن چند عراده کالسکه نمودند

هم دراین اوقات زلزلهٔ خفیفی در مشهد مقدس و زلزلهٔ عظیمی در قوچان شد یکربع از خانهای قوچان بالکل منهدم یا قریب الانهدام شد

موکب همایون روز نهم شعبان وارد بروجرد شده باغ شاه بورود مسعود تزیین کرفت اهل شهر از علما و اعیان استقبال و پذیرائی کامل نمودند وحکام ولایات از کرمانشاه و نهاوند و ملایر و کردستان و همدان بتقبیل آستان مقدس مشرف کردیدند حاجی محمد حسین کاشانی پارچه از پنبه و کج در کاشان ترتیب داده و بافته که صفحهٔ مقتش از ماهوت کمتر نیست و لطافتش بیشتر و دوامش بمراتب زیادتر است امنای دولت این پارچه را پسندیده زاید الوصف توصیف کردند قیمت دوهزار ثوب کلیجه برای اهل نظام برسم علی الحساب بحاج مشار الیه دادند که تمام کند هر ثوب کلیجه چهار هزار و پانصد دینار تمام میشود درهوای دار الخلافه بسبب کثرت و زیاد شدن باغات و اشجار و انهار حوالی نسبت بسابق سلامت و اعتدالی محسوس پدید آمده فوج جدید افشار بسرهنکی یوسف خان بقراولی رکاب ظفر انتساب و فوج جدید خمسه حسب الامر دو ماه در سلطانیه مشغول مشق بود میرزا ابراهیم خان سرتیپ خمسه هشتصد نفر سواره خمسه را سان داده مقرر شد هزار نفر سوار و دو فوج سرباز که هر فوجی هزار و پنجاه نفر باشد از خمسه کرفته مواجب آنها را داده حاضر باشند فوج سربندی در بروجرد مشغول مشق کردید ششصد نفر نوکر دوانکه را مهدیقلی میرزا مواجب و ملبوس داد فوج جدید خواجه وند عبد الملکی تمام کرفته در سان ری حاضر شد خان کشی بیک حاکم اشرف را مهدیقلی میرزا منصب دیکر داده سلطان میرزا ولد مرحوم ملک آرا را بجای او حاکم اشرف کرد

از اتفاقات غریبه اینسال ۱۲۶۷ انکه کاوی در دشت حامله بوده و وضع حملش نمیشده صاحب کاو بتوهم اینکه مبادا بمیرد انرا ذبح نموده شکمش را شکافته کوساله بیرون آمده که دو سر داشته یکی بزرکتر دیکری فی الجمله کوتاه تر تا کردن که چسبیده بشانه است دوتا بوده و دستها و سینه و شکم موافق قاعده یکی و دم آن باز دوتا بود دکتر شلیمر آنکوساله را کرفت که تشریح نماید در پشته انزلی طفلی خواب بوده ماری آمده بروی سینهٔ او میخوابد طفل که بیدار شده مار را می بیند از ترس میمیرد

موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد بعزم اصفهان انهاض فرمود جعبهٔ جواهری در دار الخلافه از حرمخانه کم شده دزد را که دلاله زنی بود پیدا و جعبه را باز پس کرفتند اهالی طهران چون تنکی از آب میکشیدند بحکم دیوان آب از رود کرج بشهر آورده مردم را سیراب و آسوده کردند جبرئیل خان سرهنک فوج نصارای ارومی مامور کرفتن فوج مزبور اینخدمت را بانجام رسانید در سلماس و ارومی تکرک شد پدید باد پدید در مازندران امسال اکثر از سالهای دیکر باران آمد ایضا در مشهد مقدس و قوچان

و ترتیب ذلزله شدید شد کربلائی نور محمد آبله کوب در مازندران بر حسب امر اولیای دولت سیصد و چهار
صد نفر طفل را آبله کوبید همچنین میرزا ابو القاسم آبله کوب در گیلان آبله جمعی اطفال را کوبید
روز بیست و سیم شعبان وقت شام رعد و برق و بارش شدیدی در تبریز شد یکنفر را در محله باغ میشه
برق زده هلاک کرد و از بس بارندگی سیلی برخاسته که در این سنوات نظیر آن دیده نشده بود در کردستان
نیز تکرار زیاد که موجب سیلی عظیم شد آمد آقا باباخان یوزباشی حکومت صاین قلعه یافت سیصد و چهل
نفر سرباز جدید که سر فوج ناصریه را شاه محمد بیک گرفت

موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای چمن قهیز بود دوازده هزار تومان بکرمانشاه و چهار هزار تومان
بملایر تخفیف مرحمت شد اشرار فوج قهرمانیه که چندی قبل بهمراهی فوج دیگر طغیانی نموده بودند در تبریز
هریک باندازه تقصیر خود تنبیه شدند محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد با اردوی معتبری در دشتان طایفه
ترکمان خواجه نفس دفتر آتخدور را مستقیم و تراکمه را مطیع و منقاد نمود سرهنگی فوج جدید کردستان را
بامان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند سواره شاهسون اردبیل بسرکردگی شیخعلیخان روانه
گرگان شد سرکردگی سواره سنجابی و حکومت طایفه مزبوره را بعلاوه منصب سرهنگی با اسد الله خان کوران
دادند در ماه رمضان امسال امامزاده زید را بسته امتعه و اسباب تحفه در آن خرید و فروش نمودند
اردوی مرکب از هشت فوج سرباز و سه هزار سوار در بیرون شهر مشهد تشکیل یافته مهیای روانگی بتنبیه (؟)
تراکمه هستند

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم شهر رمضان شهر اصفهان را بقدوم بهجت لزوم مبارک مزین
فرمود این سفر خیر اثر زاید الوصف متضمن صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و هر جا حسب
الاستحقاق بقدر لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند فوج علیخان بترتیب مأمور و روانه کرمان شد
عبد الله خان صارم الدوله با سرباز ابوابجمعی خود عازم تقبیل آستان معلی گردید اهل مازندران که از بسیاری (؟)
باران مضطرب شده بودند نزول رحمت الهی رفع اضطراب آنها نمود آبله کوبی در یزد متداول شد زوجه آقا بابا
نام شاهرودی بعد از یکسال حمل مولودی آورد که یکچشم نداشت و بجای آن صاف بود و پاهایش برانش
چسبیده و پارچه گوشتی باندازه یک وجب از مغز سر او بیرون آمده چشم مادرش در دیده و درشت و خون آلود
که رؤیت آن موجب وحشت بود اما آن طفل نماند

موقف موکب منصور در اصفهان در عمارت سلطنتی شهر و اعیان و ارکان حضرت در ابنیه نزدیکی دربار
همایون و سایر اهل اردو از اهل نظام وغیره در عمارت هفت دست که در کنار رودخانه زاینده رود و چادر زده

بودند تابستان اصفهان در اینسال فوق العاده گرم بود حاجی علیخان والد مؤلف در خدمات مرجوعه
حسن سلوک و اهتمامی منظور و مشهود نموده مورد مرحمت مخصوص گردید طفلی ده ساله در دار الخلافه خود را
از دیوار بنائی بلندی بر زمین انداخته هیچ عیب نکرد نیز طفلی ده ساله در چاهی سی ذرعی افتاده اینهم سلامت
نمود مطابق دستخط همایون در رمضان اینسال میرزا محمد علیخان بمنصب وزارت دول خارجه نایل گردید
سلام عام روز عید صیام در اصفهان با شکوهی تمام انعقاد یافت عمارات سلطنتی دار الخلافه را برای معاودت
موکب علی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند نواب والا بهرام میرزا (معز الدوله) در این باب و در سایر امور دار
الخلافه جهدی کامل مینمودند در تبریز قراولخانه ساخته سرباز در آن گذاردند مدیر اینکار محمد علیخان جوانشیر
میبود سرحدات طرف ارومی و سلدوز بمراقبت عسکرخان سرتیپ ارومی و افواج و سواره ابواجمعی او امن
و از تعرض طایفه بلباس محفوظ شد محمدولیخان بیگلربیگی استراباد قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان انزانی را
بمستحفظی آنجا گذاشت و بجهة ساختن بند گرگان بسربند آمده بانجام این مقصد مشغول شد و نواحی گرگان
و استراباد نظمی کامل یافت کتابهای معتبری که تا اینسال در ایران طبع شده (تفسیر صافی) (شرح لمعه)
قوانین شرح الزیاره تصریح شاهنامه فردوسی قاموس مجمع البحرین معراج السعاده زبدة المعارف
تاریخ پطر کبیر جامع التمثیل و بعضی کتب مقدماتی بود دوازده سال قبل طایفه بختیاری اسبابی از نواب
امامقلی میرزا بسرقت برده بودند در اینسال قاموسی را که از جمله اسباب مسروقه بود نواب والا خانلر میرزا حکمران
عربستان و لرستان و بختیاری بدست آورده و در صدد تحصیل باقی اسباب است میرزا احمد کارپرداز
ارزنة الروم برکاب علی آمده بنیابت دویم وزارت دول خارجه یافت محمدقلیخان ایلبیگی فارس و ابوالفیض خان
برادر سامخان ایلخانی با دویست نفر سوار غلام خراسانی در اصفهان بتقبیل رکاب علی فایز شدند
مقرر شد سه فوج سرباز از توابع اصفهان بگیرند بنای جبه خانه در اصفهان نموده که در هر ماهی سیصد
قبضه تفنگ و هزار دست فانسقه و اسباب سربازی در آن تمام میشود و نظر برعایت حال صنف نساج
اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود فوج فریدنی از نظر اولیاء
دولت گذشته بسیار با شکوه بودند نظر بلیاقت میرزا احمد وکیل دیوانخانه مبارکه بمنصب ناظم دیوانی و بلقب
خانی او را سرافراز فرمودند نواب محمد تقی میرزا از حکومت مازندران در ماه شوال معزول و جانمحمدخان
قاجار بجای او حاکم گردید عمل زراعت حوالی دار الخلافه طهران و غرس اشجار در باغات ترقی کرد بنای
تریاک کاری گذاردند و تخم و نهال و قلمه از بنادر بلاد آورده بزدن پیوند پرداختند و اغلب میوه ها را بوفور
عمل آوردند یارمحمدخان ظهیر الدوله یکشبانه روز در سبزوار ناخوش شده درگذشت و پسرش سعید محمدخان

بجای او متمکن و عریضه و مطالب خود را خدمت نواب والا احتشام السلطنه فرستاد که عبرت دلهای دولت بود
در نادین قلعه یزد بنای آب انباری بزرگ نمودند محمد علیخان سرکرده جمازه سواران مستحفظ راه دخاله
پشت بادام یزد ان راه را از دست اندازی بلوچ وغیره امن دارد فوج بندپئی شاملو یزد به بنادر خوب حرکت
میکنند سیف الله خان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ خدمت نواب والا مؤید الدوله حکمران کرمان آمده
بلوچستان متعهد خدمتگذاری گردید پرویز خان سرتیپ سواره چهار دولی را در تبریز حاضر کرده اسبهای
آنها را داغ نمودند بسیار سواره خوبی بودند

موکب همایون از اصفهان بمقر خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذیحجه بدار الخلافه باهره نزول
اجلال فرمودند و در همین روز سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید اهل دار الخلافه نیز زیارت جمال مهر
مثال مقدس شاهنشاهی نموده فی الحقیقه عید کردند

چون میل مبارک متوجه تسهیل امور و استراحت عمومی است مقرر فرمودند که هر کس برای سواری خود بتواند
کالسکه راه بیندازد مرخص است و در دار الخلافه و دار السلطنه اصفهان کالسکه ها ساختند که بخوبی کالسکه های
ممتاز فرنگ بود مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم ارومی بود بحکومت مازندران مامور شد میرزا محمد حسین
صدر دیوانخانه با ایلچی گری مخصوص با صاحبمنصبان و اجزا بروس رفت فوج قراگوزلوی همدان ابو الجمع
علیخان سرتیپ که در کرمان بود مامور بسرحدات فارس گردید سه فوج از افواج آذربایجان که فوج خاصه
ابو الجمع محمد علیخان جوانشیر سرتیپ و فوج خلخال ابو الجمع محمد علیخان جوانشیر سرهنگ و فوج حیدر مراغه ابو الجمع
حسین پاشا خان میرپنجه باشد بدار الخلافه طلبیدند که مشغول مشق و قراولی باشند حاجی میرزا علیخان خوئی
بمنصب سرهنگی نایل و در دیوانخانه مبارکه بامور قشون رسیدگی مینماید چهاردهم ذیقعده در اندرون دو
ساعت بغروب مانده خانه میرزا غفارخان اجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و با سه خانه
دیگر در جنب او تمام سوخت اینقدر برای قورخانه موهم خطر بود ولی توپچیان و قورخانه چیان آتش را خاموش
کرده بقورخانه آسیبی نرسید ایضاً از کتابهای طبع شده در ایران تا اینوقت دیوان خواجه مجالس حمله
تحفه حکیم مؤمن معالم خمسه نظامی مطول کشکول حدیقة الشیعه حیاة القلوب جلد سیم زاد المعاد
زینة المجالس فصول خوارزمی تحفة المجالس قصص الانبیاست کوچه های ارک پادشاهی دار الخلافه را شروع
بهموار کردن و سنگ فرش نمودن نمودند که راه کالسکه رو صاف باشد در سمت شرقی میدان ارک تذکره خانه
ساخته و حاجی میرزا جبار را امین تذکره در آنجا نشسته تذکره مرور میدهد میرزا تقی وزیر سابق عراق بمنصب استیفا
و مباشری کل وظایف ممالک محروسه برقرار گردید ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خوئی بمنصب سرتیپی فوج مزبور

و فوج جدید افشار بکشلوی قزوین ناپل کشت محمود خان کلانتر نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت یافت
در اواخر ذیقعده طوایف ترکمانان دشت گرگان متفق شده با قشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفر قلیخان
میرپنجه ایشانرا شکستی فاحش داده متفرق نمود جمعی از طایفه بلوچ متعرض زوّاری که از کرمان بمشهد مقدس
میرفتند شد علیحاجی بیک نخجی با تفنگچی ابوابجمعی خود بدفع آنجمع پرداخته بعضی را مقتول و برخی را گریزانید
محض اشاعه خیر کثیر و نفع اهل مملکت امر همایون شرف انفاذ یافته بود که بند کنار پل شوشتر را ببندند
و سدی هم در نهر مشهور بهاشم بسته شود آن بند و سد در این اوان نزدیک باتمام است عربستان باهتمام
نواب خانلر میرزا والی خیلی منتظم شد در نورآباد از محال خمسه تگرگی بارید بدرشتی تخم مرغ و تا دو روز در کوهها بود
در مشهد باز هم بوقت تگرگ شدید آمد و سیل برخاست

هم در اینسال ۱۲۶۷ در ارک همایون مدرسه مبارکه دار الفنون ساخته شد اگرچه شروع بساختن و اقدام بر بنای
این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال خجسته مآل ساخته آمد طرح این بنا را
میرزا رضای مهندس باشی کرد و بمعماری محمد تقی خان معمار باشی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا باتمام رسانیدند
و معلمین از برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنکستان طلبیدند
و شرح این جمله در وقایع اوایل سال آینده مفصلاً نگاشته خواهد شد

مجار جنرال سر هنری بلون مشهور بلنزی صاحب که خدمات جلیله بدولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمد شاه طاب الله ثراه منصب امیر تومانی یافته روز چهارشنبه هفدهم ربیع الثانی ۱۲۶۷ درگذشته اورا بعزت و احترام تمام برداشتند

وقایعی که در اینسال در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتازونی ینکی دنیا

در اینسال ۱۲۶۷ این دولت با دولت انگلیس بجهت ساختن نهر بحری در پاناما نقطه مرکزی ینکی دنیا که دو محیطرا
بهم وصل مینماید معاهده نمود مسیو تیلور رئیس جمهوری در اواسط تابستان اینسال درگذشت و
مسیو فیلمور بجای او بریاست یافت کلدی نام که یکی از وکلای ملت بود بمجلس اظهار داشت که نگاهداشتن سیاهان
بطور بنده و خرید و فروش ایشان که در بعضی ایالات اتازونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد
و اینظلم بسایر ایالات سرایت نکند و دولت مانع باشد مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف ننمودند لهذا
پرورش نگاهداری غلام و برده زیاده در اتازونی رواج گرفت و شیوع اینعمل در ایالات جنوبی اتازونی مثل
ایالت ویرجینی و کارولین بدرجه رسید که تجارتی بزرگ از خرید و فروش سیاهان دایر گردید تقویت
دولت در رواج و انتشار اینعمل قبیح بحدی بود که احکام اکیده صادر نمودند که اگر از بردگان و سیاهان
که بنده بودند از سوء سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده بایالتی که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست
پناه بجویند حتماً باید آن ایالات آنها را بصاحبان خودشان مسترد نمایند در ایالات شمالی اشخاصیکه بر

ضدّ این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاردند جمعیت اتازونی در اینسال ۱۲۶۷ بچهل و شش کرور و دویست و چهل و شش هزار و سی و یکنفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور بواسطه مهاجرین فرنگ بر جمعیت آنمملکت افزوده و علاوه شده بود ژنرال ارلئیسا در مکزیک بریاست برقرار شد بعضی از مطالعه کنندگان که چندان خبیر و بصیر در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیلی را که ما در باب سیاهها که در ینکی دنیا برده بودند نوشته ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع بما ایراد کنند که مقصود چه بود با اینکه جمعی طالبان علم و اطلاع از تواریخ واقعاً بخواهند بصیرتی حاصل نمایند لهذا لازم بود که قدری از جادّه وقایعنگاری تمام عالم در ضمن اینسال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قلم بیرون گذاشته تاریخ بنده گرفتن و خرید و فروش آنرا که در تمام عالم چه وقت رسم شد و چه شد که در اتازونی ینکی دنیا در سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی مطابق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی زیاد این عمل شنیع را موقوف نمودند بنگاریم اما چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد

اسپانیا

مراوده و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چندی بود مقطوع شده مجدّداً در اینسال ۱۲۶۷ برقرار شد ژنرال لوپز نام جمعی رجّاله و اوباش ینکی دنیا را با خود متفق نموده که جزیرهٔ کوبای ینکی دنیا را که در تصرّف اسپانیول است تصرّف نماید ولی کوشش او بیفایده شده و مثمر ثمری نگشت

المان

در اینسال ۱۲۶۷ در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل راجعه بالمان اشکار اجرات اظهار مینمود و از آن طرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشتی داشت بتبت ایالت از ایالات نمره دویم المان با پروس متحد شدند در شهر فرانکفور مجلس پارلمان تمام ممالک المان بواسطه کونت دتون مامور اطریش مفتوح شد در شهر درشولهستان مجلس کنفرانسی منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس و پرنس شواستن برک وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قراری در اتحاد المان و دوستی بین الدّول این مملکت بدهند دولت پروس خیال فرستادن وکیل در مجلس پارلمان که در شهر فرانکفور منعقد است ندارد نزاع مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که دو دولت بکدیگر مسیو رادویز بوزارت خارجه پروس برقرار شد ملاقات امپراطور اطریش و پرنس شارل پروس و کونت برانلو بور وزیر اول پروس و مرحوم امپراطور نیکلا در پائیز این سال بود استعفای مسیو رادویز پولتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخاصمه با اطریش افتاد وزرای اعظم پروس و اطریش بجهة انعقاد مصالحه در اولموتز

ملاقات کردند بواسطه نزاع ما بین دانمارک و ایالت هولستین در برلن مجلس کنفرانسی بخواهش دولت انکلیس منعقد شد باعیان هولستین از عساکر دانمارک شکست خوردند دول انکلیس و فرانسه و اطریش واسطه اصلاح ما بین دولت دانمارک و باعیان هولستین شدند دولت پروس قبول میانجی‌گری و اصلاح نمیکند جمعیت مملکت پروس در اینسال [۱۲۶۷] بیست و دو کرور و سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید محض قناعت در مخارج دولت در اطریش هشتاد هزار از قشون خود کسر نمودند

انکلیس

لورد پالمرستون که در اینسال [۱۲۶۷] وزارت خارجه این دولت داشت در بعضی مسائل جزئیه بدولت یونان ایراد وارد آورد و یکدسته کشتی جنگی انکلیس تا پیره بندر یونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونانرا تهدید بجنگ نمود دولت فرانسه میانجی شده انکلیس قبول وساطت او را نمود دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولی زیاده از یکماه نشد که میان فرانسه و انکلیس اصلاح شد سر رابرت پیل که از معارف انکلیس بود در تابستان اینسال از اسب بر زمین خورده هلاک شد سیم تلکراف بحری که فرانسه و انکلیس را از کاله و دوور بهم اتصال میدهد ایجاد شد بنای عمارت بلور بجهة اکسپوزیسیون آینده در انکلیس نیز در اینسال شد

ایطالیا

در مجلس شورای ملتی تورن قرار گذاردند که در ممالک ایطالیا که متعلق بویکتور امانوئل است علمای دین بهیچوجه نباید مداخله باجرای قانون و صدور احکام نمایند قانون همان قانون دولتی است و همه مطیع آن هستند نیز بست در معابد و کلیساها موقوف باشد کاردینال انتونی صدر اعظم پوپ بر ضد این قرارداد احکام از طرف پاپ بکشیشان صادر نمود کشیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولاً در قلعه این شهر محبوس شد کونت کاوور که از روزنامه نویسها بود جزو وزرا شد شش هزار نفر از عساکر اطریش در ایالت توسکان بجهة حفظ خانواده والی متوقف هستند پاپ که فرارا از روم مهاجرت کرده بود اوایل بهار وارد روم شد

پورتوغال

دو کشتی جنگی وارد دهنه رودخانه تاج که از وسط لیزبون پای تخت میگذرد شده دولت را تهدید کرد که قرار دو چند مسئله که از قدیم در میان اتازونی و پورتوغال ما به النزاع بود بگذارد پادشاه سوئد و نروژ بین دولتین حکم شد

چین

در اینسال [۱۲۶۷] امپراطور چین تااوکوانگ در چین درگذشت و پسر چهارم او ایشنگ که نوزده ساله بود بجای پدر بر سریر سلطنت چین جلوس نمود

دانمارک

باوجود وساطت فرانسه وانگلیس واطریش وسود و نورژ وحضور سفاین جنگی روس در سواحل دانمارک بجهة کمک این دولت واثبات حقوق او در دو ایالت اسلشویک وهولستین که با او یاغی هستند باز یاغی گری بوجاست واهالی المان علی الخصوص پروس محرک یاغیان است و از فرستادن قشون وآنچه لازمهٔ تقویت برای یاغیان کوتاهی ندارد

روس

در اینسال (۱۲۶۷) دولت روس با طایفهٔ چرکس ولگزی که رئیس ایشان شامیل است منازعه سختی نمود واول وهله شامیل بر عساکر روس غلبه کرد اما بعد مغلوب و بکوههای داغستان فراری شد شورش رعایا با دولت خود در بعضی ایالات در اینسال بود

سوئد

اول بروز وبا در این مملکت در اینسال (۱۲۶۷) بود

سویس

در اینسال (۱۲۶۷) بعضی ازادی طلبان المان وفرانسه درین مملکت پناه یافتند اول صعود بکوه یونگفراو که چهار هزار وپنجاه ودو ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد در اینسال بود تمام جمعیت سویس در این سال چهار کرور وسیصد ونود وسه هزار ونهصد وسی ویکنفر است

عثمانی

درین سال (۱۲۶۷) وبای شدیدی در تونس وطرابلس بروز کرد

فرانسه

ایجاد قانون در تعلیم وتعلم که در هر ایالت باید یک مجمع العلوم باشد در اینسال (۱۲۶۷) بود پرنس لوئی ناپلئون رئیس جمهوری فرانسه با ایالات شرقی ولورماندی مسافرت کرد لوئی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد وهفت سالگی در قصر کلارمون در انگلیس درگذشت بالزاک که از نویسندگان معروف بود درگذشت ژروم بوناپارت که عموی پرنس لوئی ناپلئون بود بمنصب مارشالی فرانسه مامور آمد ودر اینسال مواجب رئیس جمهوری در سال بمبلغ دویست وشانزده هزار تومان معین گردید وورود اول کشتی بخار مستقیما از نیویورک ینکی دنیا به بندر هاور فرانسه در پاییز این سال بود

مکزیک

ژنرال اریستا در این سال [١٢٦٧] بریاست جمهور تعیین و منتخب شد و وبای شدید در مکزیک بروز کرد

مصر

بروز وبای شدید در این مملکت در این سال [١٢٦٧] شد

شرح سال پنجم سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مطابق با سال هزار و دویست و شصت و هشت هجری تنکوز ئیل ترکی

ذات ملکوتی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیر مآل مزید آسایش رعیت ممالک محروسه و نظم بلاد
و تربیت و ترقی عمومی را وجهه همت ملوکانه فرموده بعدل و نصفت متمسک و متقلد اعمال سلطنتی بودند
شفیع خان چاپارچی باشی التزام داد که مکتوبات بلاد بنظم بصاحبان برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند
میرزا مصطفی مستوفی ملقب بامین الملک شد　خبر تنبیه و مخذول کردن سپاه منصور طوایف تراکمه یاغیه را
در صحرای گرگان و استراباد بدار الخلافه رسید　در سمنان زنی مولود ذکوری آورد که دو دهان و دو دماغ
و دو گوش و سه چشم داشت ولی آن مولود نماند　در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران
آمده پس از نزول رحمت ناخوشی بکلی تمام شد　میرزا غفار خان بنیابت دوم وزارت جلیله خارجه برقرار شد
میرزا سعید خان ملقب بمؤتمن الملک نائل و بمراحم مخصوصه سربلند شد　فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته
شده وارد دار الخلافه شد　نور الله خان شاطر انلو نایب جوزان باشی را سرهنگ فوج خواجه وند عبد الملکی فرمودند
سعید محمد خان حاکم هرات پسر ظهیر الدوله که میرزا بزرگ را با پیشکش بدربار معدلت مدار فرستاده بود محض بذل
عاطفت و تسلیت او در فوت ظهیر الدوله میرزا احمد ناظم دیوان را روانه هرات و اسبی براق طلا و کاردی مکلل
و خلعتی فاخر برای سعید محمد خان عنایت و ارسال فرمودند

از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخسی بنهب تربت حیدریه آمده نواب والا حسام السلطنه خبر
شده جمعی را بسر آنها فرستاده جنگی عظیم در گرفته تراکمه را مقهور و بسیاری از ایشان را مقتول و زیاده از دویست
و پنجاه نفر اسیر و سر بدست قشون ظفر نمون افتاده باقی فرار کردند　نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس
با محمد قلیخان ایل بیگی برای نظم و سرکشی بطرف کوه گیلویه و بهبهان رفتند　میرزا باقر خان امیر طبس بیزد
آمد　یکی از کشیشهای ینگی دنیائی ساکن اروپ تخم پنبه ینگی دنیائی در اروپ کاشته حاصل آن بسیار خوب
شد لهذا قرار دادند که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند　برای اینکه مردم بی سر رشته
خود را طبیب قلم ندهند و بطبابت فوج داخل نشوند مقرر شد اطبای فوج در اداره دکتر کازولانی حکیمباشی

نظام

نظام باشند و بتصدیق مشار الیه طبیب هر فوج مشخص شود محمد خان که نایب الحکومه مازندران بود بحکومت
اردوی برقرار کردید ریش سفیدان تراکمه سرخس در خدمت نواب والا حسام السلطنه متقبل انقیاد و خدمتگذاری
شده با عباسقلیخان بیگلربیگی شهر مشهد که مأمور حکومت سرخس کردیده بود روانه آنمحل کردیدند
شب چهارشنبه چهارم محرم در تبریز دو ساعت از شب گذشته زلزله شدید شده نزدیک صبح نیز مجدداً
زلزله میشود قبل از زلزله سه چهار روز برف زیاد آمده و بعد باران بسیار بارید

از وقایع اینسال ۱۲۶۹ آنکه روز بیست پنجم ماه محرم باقتضای رای صوابنمای همایون و نظر بمصالح ملکی میرزا تقی خان
اتابیک اعظم از منصب امارت نظام و وزارت عظمی و لقب اتابیکی و سایر مشاغل و مناصب بکلی خلع و معزول شده
میرزا آقاخان اعتماد الدوله بجای او بتفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر کردید مساعی جمیله برای
نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند این اوقات یکشب سیلی عظیم در تبریز آمد ولی خرابی بشهر وارد نیاورد
و چون اکثر اوقات فیما بین جدید الاسلام ارامنه و یهود و کبرها در باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد که رسیدگی
باینمرافعه مخصوص بدار الخلافه و دیوانخانه بزرگ پادشاهی باشد و احدی از حکام شرع و عرف ولایات ملاحظه
در اینکار نکنند چاپارخانه‌ها خوب منظم شد سیصد نفر ملازم از اهل اشرف و توابع مأمور مستحفظی
دروازه‌های شهر دار الخلافه شدند قراولخانه برای مستحفظین دزراه و معابر تراکمه دشت گرکان و استراباد
ساخته شد

اعتماد الدوله صدر اعظم بعصائی مکلل بالماس و یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع و بند کاغذ شرابه مروارید
نشانه صدارت عظمی نایل کردید محمد حسن خان سردار باعطای یکقبضه نشان تمثال همایون سرافراز کشت
حاجی بیجن خان بمنصب پیشخدمت باشیکری و ریش سفیدی عمله خلوت و تفنکدارباشی کری مفتخر کردیدند
نواب والا خانلر میرزا که حکمرانی عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری و تعمیر پل شوشتر و بستن بند نهر هاشم
و سایر خدمات مساعی جمیله مبذول داشته بود ملقب باحتشام الدوله شد منصب امیر نظامی حسب الامر متروک شد
عزیز خان آجودانباشی در خدمات مرجوعه مستقل و یکقبضه شمشیر باو عطا فرمودند خانه نزول که در [illegible]
رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم شد برای خاکرد و نوکر عمارت دیوانی بنا زنند و نهر آبی از سمت بالای شهر بشهر
بیاورند و بجهت آسایش قوافل از دزفول تا خاک بروجرد در هر منزل قلعه بنا زنند برای تنظیف شهر دار الخلافه
قراری مجدداً گذاردند ساختن تفنک و چخماق در اصفهان ترقی کرد در باب آبله کوبی اطفال قدغن اکید شد
تا برین قلعه حسب الامر در شیراز بنا نمودند اسد الله خان امیر آخور باعطای یکقبضه شمشیر نایل و مورد مراحم
مخصوصه شد میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدر اعظم را لشکرنویس باشی فرمودند و حاجی علیخان والد [illegible]

که از اول دولت بمنصب فراشباشی گری برقرار و بعد مهام خبازخانه و تعمیر و بنائی باغات و عمارات دیوانی دار الخلافه و سایر ممالک محروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام امر مهمات خزانه دولتی بعهده مشار الیه محول شد در جمیع این خدمات نیز در ساختن سربازخانه‌ها و قراولخانه‌های شهر کمال کفایت را بکار برده ملقب بحاجب الدوله شد و یکقبضه قمه مرصع با و مرحمت فرمودند بسیاری از افواج و سواره امور خراسان احضار بدار الخلافه شده بهمه مواجب داده و بذل اهتمام نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند مبلغی وجه نقد بجهة قشون استراباد فرستاده شد برای قشون مامور و متوقف خراسان نیز وجهی فرستاده شد دو دخانه کوهنه که در ولایت جوینه میرفت و چند سال است بهم ریخته افتاده مقرر فرمودند آنرا بواسطه ساختن در مجرای اول جاری کنند عمارت ملکی محمدخان مصلحتگذار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشار الیه بدولت علیه بدوازده هزار تومان فروخته و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مامور دار پای تخت میشوند باشد بندگان اعلیحضرت همایون محض بذل عاطفتی خاص در باره جناب صدر اعظم بخانه معظم الیه تشریف فرما شده جناب صدر اعظم هم تشریفات و احترامات را بعمل آوردند سرتیپی افواج جدید اصفهان را بمصطفی قلیخان قاجار تفویض فرمودند بعضی قلاع صعبه لارستان و گرمسیرات فارس که مسکن طاغیان بود باهتمام نواب الانصرة الدوله مفتوح و خراب شد از آنجمله قلعه سفید معروف بود و قلعه شهریاری که از دروازه آن تا بالای کوه تقریباً ربع فرسخ بود و جمیع آنرا با سنگ و گچ ساخته بودند و چند برج و هر برجی موسوم باسمی چنانکه برج سمت شرقی موسوم بعزاب و برج سمت غربی موسوم بدولاب و برجی در سمت شمال از سارو ج موسوم بلیلی و مجنون و برجی در وسط کوه موسوم ببرج حاکم که شیخ حسین عرب که با میرزا حسنعلیخان حاکم بندر بوشهر از در تمرد بر آمده بجنگ پرداخته و مدتی بود میرزا حسنعلیخان جزیره را متصرف و شیخ حسین فرار بکسیاکه جزو محمره است نموده استاد حسن نام تبریزی دو صندوق خزینه بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای خوب فرنگی بود و یکی بکمر باز و زن داشت عید مولود مسعود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه با کمال شان و شکوه گرفتند بنای افتتاح مدرسه مبارکه دار الفنون شد

تشبیب در بنای مدرسه مبارکه دار الفنون و ابنیه آن

پوشیده نیست که در قرون و اعصار قدیمه بلاد و ممالک محروسه ایران مجمع علوم عالیه و گنجینه صنایع شریفه و مسکن حکمای بزرگوار و موطن فضلای فرهنگ آثار و ملت آن مقدم ملل و دولت آن برسایر دول برتری بوده دلیل بر اینکه متون تواریخ و سیر شاهد این مدعاست کتب حکم و نصایح بعضی سلاطین و بزرگان قدیم این مملکت از قبیل هوشنگ و جاماسب و غیره هنوز باقی و بالسنه مختلفه ترجمه شده محل تمجید و توصیف اکابر دانشمندان

زمان میباشد و آثار باقیه تخت جمشید نیز اقوی دلیل است که در عهد قدیم محترفه عجم دارای صنعت حجاری و
نقاری و علم هندسه و جر اثقال و مناظر و مرایا و بعض علوم و صنایع دیگر را بکمال داشته‌اند و اگر از علمای آن
قرون کتب و نسخ عدیده بدست نیست برخلاف مصنفین لاتین و یونان و مؤلفین هنود و برهمنان و غیرهم
که نتایج افکار آنها و دفاتر مؤلفه ایشان موجود و باقی است اینمعنی را حمل بر خالی بودن ایران از حکما و فضلا و اطبا
و شعرا نمیتوان کرد بلکه اسباب و علل این امر بر مطالعه کنندگان اخبار سلف معلوم و جهت معینی است یکی
آنکه قبل از اسکندر یونانی رؤسای مذهب عجم مقتدر و در کلیه امور مداخله داشتند و حتم بود که ارباب
مناصب از این طبقه باشند چنانکه اطبای سلاطین از مغان و اینمعنی سبب اختلاط علوم عقلیه و نقلیه گردید
هر دو را در یکمدرسه تحصیل میکردند مدارس متعدد نبود و جای کتب جز در معابد نه چون اسکندر بر دارا
غالب آمد معبد چهل مناره اصطخر را بسوخت و تمام کتب علمیه آتش گرفته بر باد فنا رفت و کتابها که در امتداد
زمان سلطنت کیان در آن معبد جمع شده و از عدم اسباب انتشار از قبیل کاغذ و محرر تا چه رسد بآلات آلطبا
و طبع کننده هر نسخه منحصر بفرد بوده نابود شد و پس از اسکندر کار بملوک الطوایف میگذشت و سلطانی مستقل
نبود که مشوق اهل علم شود و فضل و هنر قوت و رواج گیرد و علوم طامسه احیا گردد سلاطین اشکانی اگر
چه اقتداری داشتند و غالباً با قیاصره روم الکبری مقابلی کرده بر آنها غلبه مینمودند اما تمام همت آنها حصر
در حفظ ثغور و حدود خود بود و مجال توجه و اقدام بترتیب علما و نشر علوم و فضایل نکرده ناچار از بیم حمله بر کنار
براه ضرورات دیگر میرفتند چون دور سلطنت بساسانیان رسید مملکت را از سمت عراق عرب و آن نواحی بسط
حاصل و اعراب حیره و شامات را بتدریج استعدادی میباشد و پای تخت قیاصره از روم الکبری منتقل بقسطنطنیه
و قرب جوار موروث زحمت بسیار گردید این طبقه سلاطین نیز دائماً در سرحدات ناتولی با قیاصره در جدال بودند
و بنا بر مصلحت وقت پای تخت و مرکز سلطنت را تغییر داده تارک عراق عجم و عراق عرب را دار الملک خود قرار دادند
و شهر طیسفون را بنا کردند این اتفاق نیز سبب تغییر وضع و تربیت علوم عجم و تفاوت کلی در بنگاه پدید آمد یعنی بقیه
علم این ملت بمعلومات جدیده عرب نیز با علوم یونانی و رومی مختلط و مرکب گردید طرح و سبک حجاری طاق بستان
(و ستام) و تباین آن با وضع تخت جمشید مینماید که استادان این دو صنعت اهل یک مملکت نبوده و کاری
که در طاق بستان شده بصنایع کارکنان یونان بیشتر شبیه است و مؤید این قول روایت یاقوت حموی است که در
معجم البلدان گوید حجار طاق بستان قطوس ابن سنمار بوده همچنین اسامی معماران معروفه معاصر سلاطین
ساسانی از قبیل سنمار و شید که خورنق و سدیر را بنا کردند و بنا بر عقیده آنها که این معروف بشیرین ذوبه
خسرو پرویز را دختر امپراطور روم (مریم) دانند نکیسا و باربد دو نفر معلم علم موسیقی بودند که با شیرین

زبان ایشان در رواج اشعار کوشیدند و بجز تازی در اختلاط عجم با عرب زبان روم و یونان و دیگر السنه
نیز زبان سریانی عرب بزبان عجم حیث کلام الله گفتند شیوع مذکور شد چنانکه ظاهر بود
الیمینین نیز در حرق کتب برای داشت اما ابا عمر بن ارباب ثقات بعضی از خلفاء بنی امیه خاصه
عمر بن عبد العزیز مهیّا و مجدّ در تجدید مراسم علوم گردید و چون دور بنی عباس شد بتخصیص هرون
الرّشید و مأمون جهد کردند و بنشر علوم و فضایل پرداختند کتب علمیه یونانی بعربی ترجمه شد و مدارس
و کتابخانه‌ها در بغداد ساختند و بسعی این دو خلیفه و سایر در عراق عرب بیشتر و در ممالک عجم کمتر مجدّداً علم
رونقی حاصل آمد ولیکن زبان مخصوص بزبان عرب شد و از آن وقت علمای نامی و حکمای بزرگ و
شعرای نامدار مثل معلّم ثانی حکیم فارابی و رئیس الحکما شیخ ابو علی و ابو علی مسکویه و خواجه نصیر الدین
و قطب الدین و اسحق بن حنین و قرشی و فردوسی و مسعود سعد سلمان و انوری و شیخ سعدی و امثالهم
بدرجه کمال رسیدند ولی فقط دو چیز مانع کلی و سبب نقصان بود یکی سرعت زوال ملک طبقه بسبب غلبه
اقتدار طایفه دیگر و قلّت دوام و بقای سلطنت در یک خاندان ثانی ضیق مجال و وقت برای مقارنت
علم و عمل و فی الحقیقه این منقصت نیز راجع بعلّت اولی بود و غرض از علوم که فوز بمنافع و دفع مضار و فواید
عمومی است در حجاب تواری مستور بود و چون این مأمول قرین حصول نمیشد غالباً اهل مملکت محتاج
بمعماران و صنعتگران ممالک خارجه میشدند چنانکه در زمان صفویه معماران ابنیه ایران و نقاشها فرنگی
بودند بلکه بیشتر نقاشی عمارات اصفهان و مازندران را که در آن اوان بنا شده نقاشان هلند و کشمیر کرده‌اند
راه شوسه که در مازندران صفویه ساخته‌اند بکفر مباشر مهندس هلاندی بوده پلها که در راه مشهور مازندران
ساخته بودند از طرز آنها میتوان دانست که کار معماران ایران نیست بالجمله زمان درک این سعادت
و مساعدت اسباب و اقتران نتایج با مقدّمات بنابر حکمت و مشیّت حضرت واهب العطایا مخصوص باوان شهریاری
این خسرو عادل صاحبقران بود که بیمن همت شاهانه آب رفته بجوی آمد و رسوم منطمس را مجدّد نماید اگرچه
اجداد امجاد پادشاهی که تربت ریحان نکهتشان باب رضوان و مغفرت سیراب باد نهال این ثمر نشانده و تخم
این امل افشانده‌اند امّا خواست خداوند که جمع این حاصل و ضبط این محصول را بخصوصیات ملکوتی صفات
مقدّس خواست و این صحیفه بنام همایون او آراست (کاری که خدا کرد یقین مصلحتی داشت) نتیجه
اینکه از اول جلوس ابد مانوس محض استیفا و بهره کامل عموم اهالی ممالک محروسه از فواید و منافع علم
و ترتیب هم همایون بر نشر علوم جدیده ریاضی و طبیعی و شیمی و قواعد متعلقه بنظام سواره و پیاده و توپخانه
و سایر انکشافات علمای فرنگ مقصور آمد و چنانکه در شرح سال قبل ذکر شد بنای مدرسه مبارکه دارالفنون

در ارک

در ارک پادشاهی در محلی که اکنون واقع در میان خیابان ناصریه و خیابان الماسیه است نهاده و معلمین برای هر علمی از دولت استریه طلبیده و مسیو جان داود مترجم اول دولت علیه که باین ماموریت بوینه رفته بود اعلیحضرت امپراطور استریه او را با نیل مرام معاودت داده چند نفر معلم با او همراه نمودند و او را بازای این خدمت بعطای یک رشته حمایل شرح سرتیپی سربلند فرموده اسامی معلمین از اینقرار است (مسیو بارون کومونس معلم پیاده) (مسیو اوگشت کی ژرود معلم توپخانه) (مسیو کولوسطی معلم مهندسی) (مسیو مرین معلم سواره نظام) (دکتر پولاک معلم طب و جراحی) (مسیو چارنوطا معلم علم معدن) (مسیو کوکانی معلم علم دواسازی) بعد از آنکه معلمین مزبور بدار الخلافه رسیدند و طرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه شرفیاب از خاکپای مبارک شده بعد از آن بمدرسه مبارکه آمده بمیمنت شروع بتحصیل کردند و در این روز دار الفنون افتتاح یافت و حسب الرسم تشریفات معمول عمل آمد و ابتدا علی کرسی و هسته مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام و هندسه و طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباس علیحده بپوشند که فقط از وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و قرار دادند مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز علوم جدیده و اکتشافات نافعه ملل فرنگ که در چند ماه بزحمت نسبتا و مشقت بیشمار معلوم شده بود در این مملکت شروع بانتشار نمود و از آنجا که نگارنده اوراق خود در مدرسه فردوس رواق سالها بشرف تحصیل مشرف بوده بر ذمت خود لازم نمود که اسامی اشخاص معروفی که در مدرسه مبارکه تحصیل نموده و تربیت شده و بخدمات بزرگ دولت نایل و بمناصب عالیه فایز شده اند در ذیل ثبت نماید تا بر مطالعه کنندگان معلوم شود که ایجاد این بنا چه مایه سودمند و مثمر ثمر و منتج اثر بوده و خواهد بود

اعتضاد السلطنه

نواب مستطاب والا شاهزاده آزاده علیقلی میرزا ابن خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب الله ثراه که عالمی یگانه و جامع جمیع مراتب علمیه میباشند اگرچه در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو رسما بوزارت علوم و صنایع برقرار شدند ولیکن از ابتدای ایجاد مدرسه هر کس رئیس بود در حل و عقد امور بدستور العمل نواب معظم الیه رفتار میکرد

رضا قلیخان امیر الشعرا متخلص بهدایت هزار جریبی مازندرانی که از امرای زمان شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) طاب الله ثراه بود و شرح مسافرت و سفارت ایشان بخوارزم در ضمن نگارش سنه قبل مسطور شده بعد از مراجعت از خوارزم بنیابت وزارت علوم و ریاست مدرسه مبارکه دار الفنون نایل و مدت هجده سال تمام

تمام و درایتی عالی بمزاولت اینعمل برقرار بود بعد از آن نظر بکمال اعتماد و اطمینان بمراتب عقل و دیانت و فضائل
معظم‌الیه منصب للّه‌باشی‌گری حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران مظفرالدین میرزا
ادام الله تعالی اقباله العالی را بایشان تفویض فرموده که در ادب نفس و درس حضرت مستطاب معظم‌الیه مراقب و
ساعی باشند لهذا بآذربایجان رفته چند سال در آنجا باین خدمت مشغول و بعد بدارالخلافه مراجعت کرده
در سال هزار و دویست و هشتاد و هشت برحمت ایزدی پیوست مرحوم مشارالیه روح الله روحه دائم بتصنیف
کتاب و تالیف دفتری مشغول و مصنفات ایشان بسیار و اسامی آن کتب نفیسه ازین قرار است

انیس العاشقین   بحر الحقایق بوزن حدیقه   گلستان ارم معروف به بکتاش نامه   انوار الولایه بوزن مخزن الاسرار
خرم بهشت بوزن تقارب

لطایف المعارف   مفتاح الکنوز   مظاهر الانوار   رساله مدارج البلاغه   منهج الهدایه   هدایت نامه بوزن رمل
اصول الفصول فی حصول الاصول   تذکره مجمع الفصحا   نژاد نامه   تذکره ریاض العارفین   اجمل التواریخ   فهرست التواریخ
سه جلد روضة الصفای ناصری   فرهنگ انجمن آرای ناصری

از مرحوم رضاقلیخان طاب ثراه دو پسر ماند یکی علیقلیخان ملقب بمخبرالدوله که از متعلمین اول این مدرسه مبارکه
و مدتها بشغل کتابداری و بعد بمنصب آجودانی رسید در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو که شروع
بامتداد سیم تلگراف از طهران بسلطانیه میشد ریاست مامورین اینکار بایشان مفوض و از فرط کفایت در
مدارج ترقی بودند تا اکنون که وزیر تلگرافخانه‌های کل ممالک محروسه ایران گردیده‌اند در عسکر منصوره
سرتیپ اول و در مجمع وزرا وزیر تلگراف و بخطاب جنابی مفتخر و دارای تمثال بیمثال همایون هستند و در سال
هزار و دویست و نود که موکب همایون بسفر فرنگستان تشریف فرما شد ملتزم رکاب اعلی و چندین نشان
از دول فرنگ بایشان داده شد

پسر دویم جعفرقلیخان نیز از شاگردهای اول مدرسه و از متعلمین علم هندسه و ریاضی و در فنون مزبوره
تحصیل کامل نموده و در زبان فرانسه بدرجه رسیده‌اند که در لسان مذکور تحریرات ایشان از درجه لایق و خالی
از اغلاط املائی و غیره است معزی‌الیه نیز پیوسته در طریق ترقی و از روی امتحان و قابلیت ارتقا جسته حاله
رئیس مدرسه دارالفنون و در نظام رتبه سرتیپ اول و حمایل و نشان این رتبه دارا میباشند

محمدحسین خان ولد محمدحسنخان اصفهانی که از اعاظم نجبا و بزرگان اصفهان میباشند بدواً از متعلمین
علم توپخانه بودند پس از مدتی تحصیل و دریافت بهره وافی از مراتب علمیه چون شخصی کافی و مجرب و مردی قابل
و محل اعتماد بود برتبه آجودانی رسیدند و از این مرتبه نیز بعد از چهار سال ارتقا جسته ناظم مدرسه مبارکه

دار الفنون و تاکنون باین مرتبه و بمنصب سرتیپی سیم سرافراز است

محمد تقی میرزا ولد شاهزاده شیر دل میرزا معروف بشاهزاده آخوند که از متعلمین علم نظام بود چون فرط ذکاوت و فطانت و سیاق اطوار پسندیده و رفتار درست او در زمان تحصیل معلوم و مشهود گردید پس از فراغ از تحصیل بمنصب سرهنگی و اجودانی مدرسه مبارکه نایل و برقرار آمد

مؤلف گوید پس از این تشبیب بجهة بسط و اطلاع ناظرین در این فصول جمیع طبقات اهل مدرسه مبارکه را از معلم و متعلم بترتیبی که باید در ذیل مینگاریم و محض تسهیل عمل مطالعه کنندگان در نگارش اسامی هر طبقه رعایت حروف تهجی را نموده ملاحظه شان را در آن نکرده خود در ضمن باعتبار علم و منصب و مقام و ماموریت و حکومت و غیره مفهوم میشود و پوشیده نباشد که در افتتاح مدرسه مبارکه مرحوم عزیزخان سردار کل بریاست مدرسه برقرار و کفایت این امر مهم میفرمود و عبد الحسین خان ولد علینقی خان اجودان از جانب سردار کل نیابت داشت و مخبر الدوله اجودان و کتابدار مدرسه بودند و بعد از مرحوم عزیزخان مرحوم محمد خان امیر تومان چندی این منصب جلیل را دارا بود و در این امتداد مدت نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم باتفاق فحل فاضل عالم اوحد مرحوم آخوند ملا علی محمد اصفهانی که در حساب و ریاضی و علوم غریبه و سایر مراتب علمیه مرد فرید و ثانی اثنین غیاث الدین جمشید بود و در حضرت وزارت علوم محلی منیع داشت غالبا برای امتحان بمدرسه مبارکه آمده عیار و معیار کار را سنجیده و دیده و بجزئی و کلی امور رسیده دستور العمل لازم میدادند و تشیید قواعد را بنیانی نیکو مینهادند تا در سال هزار و دویست و هفتاد و دو از جانب سنی الجوانب همایون یکباره کفایت مهام مدرسه مبارکه بر عهده نواب مستطاب معظم الیه موکول آمد و از آن زمان الی الآن بهترین قانون و اسلوبی مهمات این عمل را کفایت کرده اند

معلمین قدیم و جدید فرنگی

(مسیو اندرنی معلم پیاده نظام) (بارون صاحب آنی اهل سویس که در خدمت دولت اطریش بوده معلم پیاده نظام)

اواسط — قدیم

(دکتر پولاک نمساوی معلم علم طب) (مسیو بهلر فرانسوی معلم علم ریاضی) (مسیو منزل فرانسوی معلم علم هندسه)

قدیم — قدیم — اواسط

(مسیو پشرا ایطالیانی معلم پیاده نظام) (مسیو پتی فرانسوی معلم پیاده نظام) (مسیو بروسکی

قدیم

قدیم

که بمنصب اجودانی و خدمت عسکریه رسیده حالا دارای منصب سرتیپی است معلم زبان فرانسه و جغرافی

و شرح خدمات والد او مسیو بروسکی امیر تومان که از بزرگ زادگان لهٔ بود بیاید

مسیو پارتنا تمساوی معلم علم معدن) (مسیو ریشارخان فرانسوی سرتیپ معلم زبان فرانسه از فضلای

معلمین دار قدیم تا بحال بمعلمی و تالیفات دایقه مشغول و مردی از همه جا آگاه است) (مسیو سانی ایطالیانی معلم
قدیم
علم هندسه) (دکتر شلیمر از فضلای اطبا و حکیمی مجرب صاحب تصنیفات عالمانه
قدیم
(مسیو طبلوه معلم زبان انگلیسی) (مسیو غراف غراجای اطریشی معلم علم تاکتیک) (مسیو فوکتی ایطالیانی
حال قدیم قدیم
معلم علم طبیعی) (مسیو کرشیش نمساوی معلم علم توپخانه) (مسیو گارد پلوا ایطالیانی معلم نقاشی)
قدیم قدیم
(مسیو کنستان معلم نقاشی) (مسیو لمو معلم علم موزیک) (کلنل ماتلانسو معلم پیاده نظام)
حال اواسط
قدیم
(مسیو پش فرانسوی معلم زبان فرانسه) (میرزا ملکم خان اصفهانی معلم علم حساب و هندسه قدیم حالا
قدیم
ملقب بناظم الملک و در لندن وزیر مختار دولت علیه ایران است) (میرزا ماد دوس خان از اهل جلفای اصفهان

در طفولیت بمسکو رفته چند سال تحصیل زبان روسی و فرانسه نموده اینک در مترجمی این دو زبان مهارت

و فرط ذکاوت دارد و در مدرسه مبارکه بمعلمی زبان روسی مشغول است) (مسیو لمر نمساوی معلم سواره نظام)
قدیم
(مسیو نیکولای فرانسوی معلم توپخانه) (نظر آقا اهل ارومی معلم جغرافیا حالا در پاریس وزیر مختار دولت علیه ایران است)

(مسیو دوبله معلم علم معدن) (مسیو هوری بلژیکی معلم زبان فرانسه
حالا قدیم

(معلمین قدیم و جدید ایرانی)

(میرزا احمد حکیمباشی کاشانی معلم علم طب) (میرزا ابو القاسم حکیمباشی از فحول علمای طب معلم علم طب)
قدیم حالا
(میرزا اسدالله مردی فاضل و معلم فارسی و عربی و پیش نماز مدرسه) (ملاحسین معلم فارسی و عربی)
حال اواسط
(مرحوم میرزا رضای دکتر که در علم طب فرنگی عالمی یگانه و دکتری بی نظیر بود و در فرنگستان تحصیل کرده
اواسط
معلم علم طب) (شیخ صالح معلم فارسی و عربی و پیشنماز) (میرزا عبد الغفار نجم الملک والد مرحوم آخوند
قدیم
ملا علی محمد اصفهانی دارای فضایل و علوم غالبه و رتبه منجم باشیگری اعلیحضرت اقدس همایون و منصب

سرتیپی معلم کل علوم ریاضی) (میرزا علی اکبر خان نقاشباشی اعلیحضرت اقدس همایون که مدتی در فرنگستان
اواسط تا حال
بتحصیل و تکمیل علم و عمل نقاشی پرداخته و فی الحقیقه این صنعت بزرگ را بحد کمال دارا است و در علم زبان

فرانسه نیز کامل معلم مشق نقاشی و زبان فرانسه) (میرزا علی دکتر همدانی که پس از تحصیل کلی حکیمباشیگری
حال
حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر را داشت بفرنگستان رفته تکمیل علوم خود نموده

تصدیق مرتبه دکتری از علمای پاریس گرفته بعد از مراجعت در سلک اطبای حضور همایون منسلک معلم

علم طب فرنگی) (علیخان نواده مرحوم رضا قلیخان روح الله روحه که در فنون علم هندسه و غیره متبحر
حال
و چندی در فرنگستان بتکمیل مراتب علمیه خود مشغول و بر درجه تحصیل افزوده معلم توپخانه)
حال

مرتضی کاظم

(میرزا محمد کاظم مدّتی کرده علم طبیعی و شیمی و غیره خلاصه اعصار و یگانه دوار است و با جدّی موفور مدّتی در فرنگستان بتکمیل معلومات مجرّبه خود پرداخته و برتبه عالی رسید، معلّم فیزیک و شیمی) (میرزا محمّد خلیفه تقدیم تا اواسط اواسط تا حال

مترجمین مدرسهٔ مبارکه دار الفنون

(میرزا آقا) (میرزا جعفر) (محمّد حسینخان قاجار) (میرزا رضا) (میرزا زکی خان) (حاجی شیخ محسن خان کرالان ملقّب بلقب معین الملکی و از کفات رجال دولت علیه و مامور سفارت اسلامبول و در آن پای تخت مقیم است

مباشرین مدرسهٔ مبارکه (اسد الله خان کتابدار)

(میرزا اسحق) (میرزا تقی) (میرزا رئیس الکتاب) (میرزا یوسف لشکر نویس)

شاگردان مرتبهٔ اوّل علم هندسهٔ قدیم

(میرزا اسمعیل نوری مدّتی در مدرسه تحصیل کرده بعد خارج شد) (میرزا ابو تراب منسوب بمهندس باشی مدّتی در مدرسه تحصیل نموده بعد خارج شد) (میرزا باقر تبریزی پس از مامور یتهٔ هرات همانجا مرحوم شد) (میرزا باقر ولد میرزا احمد مهندس) (جعفر قلیخان ولد مرحوم رضا قلیخان که شرح حالشان ذکر شد حالا سرتیپ اوّل و رئیس مدرسه مبارکه میباشند) (میرزا جبّار ولد میرزا رضای میرزا آقاسی مشغول خدمات دیوانی است) (میرزا جواد ولد میرزا کاظم پس از مدّتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (ذو الفقار خان ولد رضا قلیخان بمنصب سرهنگی فوج مهندس برقرار و مدّتها مامور سیستان و بلوچستان بود حالا نیز مشغول خدمات دیوانی است) (رضا خان ولد شاهرخ بیک بمنصب سرهنگی نایل و مامور خدمت تلگراف است) (زرو شتیخان ولد عباسقلیخان مامور تبریز و در آنجا مرحوم شد) (شریف میرزا ولد فتح الله میرزا بعد از مدّتی تحصیل در مدرسه خارج شد) (عبد الرسولخان ولد عبد الحسین خان اصفهانی بمنصب سرتیپی اوّل و حمایل و نشان از این درجه رسید مشار الیه در زبان فرانسه و علم ریاضی کامل و بریاست چهل نفر از جوانان معتبر ایران که مامور بتحصیل فرنگستان بودند روانه فرنگ شد و هشت سال توقّف نموده مراجعت کرد و بعد از ماموریتها و حکومت ملایر و نیابت حکومت گیلان در سال هزار و دویست و نود و یک مرحوم شد) (میرزا عباسخان ولد میرزا رضای مهندس باشی بعد از تحصیل مقدّمات در مدرسه مدّت هشت سال تمام در پاریس در مدرسه پلیتکنیک تحصیل علوم ریاضی نموده بعد از مراجعت از فرنگستان ببعضی خدمات سرحدّی مامور و بمنصب سرتیپی درجهٔ دوّم برقرار و حالا بسمت تشریفاتچی نظام و سفرا و معلّم مهندس مخصوص حضور است) (میرزا علی محمّد برادر میرزا زین العابدین مستوفی مدّتی در مدرسه تحصیل نموده بعد خارج شد)

(علیخان قاجار مرحوم شد) (میرزا علی اکبر شیرازی مرحوم شد) (میرزا محمد علی شیرازی بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است) (عباسقلیخان ولد اسفندیار بیگ بعد از تحصیل مدرسه شش سال هم در پاریس تحصیل میکرد و حال در خدمت حضرت اجل اعظم والا نایب السلطنه امیر کبیر است) (میرزا فرج الله ولد آقا غلامعلی مهندس مازندران و بخدمات تفحصات مشغول است) (میرزا محمود ولد میرزا احمد قمی بعد از تحصیل کامل در مدرسه مامور فرنگستان شده علم نجوم را کاملاً معلوم نموده بعد از مراجعت از فرنگ بلقب خانی و منصب سرهنگی سرافراز و پس از چندی بنیابت در تلگرافخانه مبارکه حالا جنرال قونسولگر ابوزان و مقیم آنجاست) (میرزا مهدی قاینی در علم هندسه تحصیل کامل نموده مامور کرمان و سالها در آنجا مشغول خدمت بود دارای منصب سرهنگی و حالا در دار الخلافه است) (میرزا مهدی ولد میرزا کاظم بروجردی بلقب خانی و منصب سرهنگی نایل و حاضر خدمت دیوان است) (محمد میرزا ولد محمود میرزا در علم ریاضی ماهر و در نقشه کشی برادران فایق و بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است) (میرزا منصور ولد میرزا کاظم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا نصر الله ولد میرزا مهدی مستوفی بلقب خانی و منصب سرتیپی سیم برقرار و حاضر خدمت دیوان است) (نجفقلیخان برادر زردشت خان جزو صاحبمنصبان مهاجر است)

(میرزا نصر الله نوری در ماموریت خراسان مرحوم شد)

شاگردان درجه اول هندسه که بعد از طبقه اول بودند

(احمد خان ولد محمد علیخان قاجار مامور خدمات دیوان است) (احمد خان ولد محمود خان ملک الشعرا مشغول خدمات دیوان است) (اسکندر خان ولد میرزا یعقوب خان پس از مدتی تحصیل مشغول خدمات خارج مدرسه شد) (میرزا باقر) (میرزا باقر نوری مرحوم شد) (محمد تقی خان ولد رضا قلیخان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شده غالباً بخدمت نواب والا احتشام السلطنه مشغول است)

(میرزا جواد خان ولد حاجی میرزا جبار ناظم المهام شخصی زیرک و با درایت و سالها بریاست تلگرافخانه آذربایجان برقرار و الحال دارای منصب سرتیپی دویم و رئیس مدرسه نظام آذربایجان و در اینسال که هزار و دویست و نود و چهار میباشد بماموریت کمیسر جنرالی دولت علیه در اکسپوزیسیون پاریس است) (محمد حسن میرزا ولد کیخسرو میرزا بمنصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمات دولت است) (محمد حسین میرزای شاهرخ شاهی در خدمت شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه مامور خدمات شهر طهران است) (حسین قلیخان ولد محمد علیخان قاجار حاضر خدمت دیوان است) (میرزا حسین قمی ولد میرزا اسمعیل مشغول خدمت تلگراف است) (میرزا حسن اصفهانی) (محمد حسن خان ولد محمد رضا خان) (محمد حسن خان ولد محمد باقر خان قاجار حاضر خدمت

دیوان است) (سلیمان خان مسیحی ولد میرزا داود خان حکیم فارغ التحصیل و بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمات
دیوان همایون است) (میرزا سلیمان ولد وقایع نگار در خدمت حضرت مستطاب امجد شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد
گردون مهد دولت علیه مشغول خدمت تلگرافی است) (سلیمانقلی خان ولد حاجی محمد جعفر خان بمنصب سرهنگی سرافراز
و حاضر خدمت دیوان است) (شاهمراد میرزا ولد مرحوم حاجی عباسقلی میرزا مشغول خدمت تلگرافخانه است) (میرزا عباس خان
ولد حاجی میرزا جبار ناظم المهام بلقب خانی و منصب سرهنگی و ریاست تلگرافخانه آذربایجان برقرار است) (علیخان
ولد قاسم خان بعد از تحصیل مدرسه بجهة تکمیل علم و عمل توپخانه در رکاب قدوسی انتساب مبارک بپاریس رفته
از آنجا چون مراجعت نمود بمعلمی توپخانه سرافراز گردید) (میرزا علی اشرف خان تبریزی بمنصب سرهنگی سرافراز
و حاضر خدمت دیوان است) (علیخان ولد محمود خان ملک الشعراء جزو مهندسین فارغ التحصیل در مدرسه
و حاضر خدمت دیوان است) (عباسقلی خان ولد حاجی نجفقلی خان بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت است)
(میرزا علی اکبر ولد میرزا علی حاضر خدمت دیوان است) (عباسقلی میرزا ولد محمد رضا میرزا مشغول خدمت تلگرافخانه است)
(محمد خان ولد نواب ملک ایرج میرزا مامور معلمی مدرسه تبریز است) (میرزا محمد ولد میرزا جعفر خان کاشانی
حاضر خدمت دیوان است) (میرزا محمد اصفهانی و میرزا محمد نائینی و میرزا محمد چند نفر دیگر هم بودند اینک داخل عهد مرحومین اند

شاگردان مهندسی که مشغول تحصیل اند

(اسدالله خان ولد محمد حسن خان مقدم خلیفه درس ریاضی است) (آقاخان ولد شبزاد میرزا خلیفه درس ریاضیات
(میرزا احمد ولد میرزا حسن خلیفه درس ریاضی است) (امان الله میرزا ولد شکرالله میرزا) (احمد میرزا ولد حاجی
محمد میرزا) (اسدالله خان ولد محمد خان) (میرزا اسمعیل ولد میرزا موسی) (حاجی آقا ولد حاجی نوروز)
(میرزا آقا ولد حاجی نجفقلی خان) (محمد باقر خان ولد میرزا احمد) (میرزا تقی ولد میرزا محمود) (محمد حسین میرزا ولد
کیوان میرزا) (محمد حسین میرزا ولد اورنگ میرزا) (سیف الله خان ولد ذوالفقار خان) (عبدالله خان ولد حاجی
محمد جعفر خان) (علیخان ولد محمود خان) (میرزا علی اکبر ولد میرزا صادق) (عبدالرشید میرزا ولد امیر تیمور میرزا)
(عبدالحسین میرزا ولد ایضاً) (عزیز الدین میرزا ولد مرحوم جلال الدین میرزا پس از مدتی تحصیل در خدمت
نواب والا نصرة الدوله فرمانفرما مامور عراق شد) (میرزا غلامعلی ولد میرزا محمود در دار الخلافه بعد از
تحصیل چند ماه بدفترخانه مبارکه رفت) (غلامحسین خان ولد شاهرخ بیک بجهة تکمیل تحصیل بفرنگستان
رفت) (کاظم خان ولد محمد تقی میرزا سرهنگ و اجودان مدرسه) (محمد قلیخان ولد حاجی محمد بیک یاور توپخانه)
(میرزا موسی ولد میرزا اسدالله) (میرزا محمد خان ولد رستم خان) (میرزا ولی ولد میرزا جبار) (میرزا یوسف خان
ولد محمد حسن خان) (میرزا یعقوب ولد میرزا تقی روزنامه نگار)

شاگردان توپخانه

مرتبه اوّل که قدیمی و همه فارغ التحصیل اند

(ابوطالب خان ولد صارم الملک بمنصب سرتیپی مفتخر و در توپخانه مبارکه مشغول خدمت دیوان است) (ابوالقاسم خان ولد ابوالفتح خان بمنصب سلطانی مفتخر و در توپخانه مشغول خدمت است) (اسدالله خان ولد محمد طاهر خان جزو مهندسین وزارت خارجه است) (اکبر خان ولد هادیخان پس از مدتی تحصیل جزو صاحب منصبان تلگرافی و بعد فوت شد) (محمد باقر خان ولد ابرهیم خان بیگلربیگی سابق اصفهان در اصفهان مشغول خدمات حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده ظلّ السّلطان است) (محمد تقی خان ولد محمد حسن خان پس از تکمیل تحصیل در دارالفنون بمنصب سرهنگی سرافراز و در قورخانه مشغول خدمت است) (محمد تقیخان ولد هادیخان پس از مدتی تحصیل جزو صاحب منصبان تلگرافی مقرر و مشغول خدمت است) (حسن خان ولد سپهدار و بعد از منصب سرهنگی توپخانه از نوکری استعفا کرده مجاور عتبات عالیات شد) (محمد حسین خان ولد محمد حسن خان بعد از چند سال تحصیل و حصول مراتب ترقی بمنصب سرتیپی سیّم مفتخر و ناظم مدرسه مبارکه دارالفنون است) (محمد حسن خان مقدم بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد) (حسن خان ولد قاسم خان بمنصب نایب اجودانی سرافراز و پس از چندی مرحوم شد) (ذوالفقار خان محلاتی بمنصب سرهنگی مفتخر و مدتها مامور بخدمت سیستان و بلوچستان و الحال جزو مهندسین حاضر و مشغول خدمات دیوان است) (محمد رضا خان ولد ابرهیمخان پس از تحصیل بمنصب نایب بشیلک اقاسی باشی گری سرافراز و بعد از مدتی مرحوم شد) (رضا قلیخان ولد محمد ولیخان قاجار پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و مرحوم شد) (رحیم خان ولد آقا رضا خان اجودانباشی در اوقات تحصیل مرحوم شد) (محمد صادقخان ولد محمد حسین خان قاجار سرتیپ بمنصب سرتیپی برقرار و ملقب بامین نظام و مشغول خدمات عمل دیوان است) (عباس میرزا ولد اسمعیل میرزا بعد از مدتی تحصیل در توپخانه بمنصب یاوری سرافراز شد) (عباسقلیخان ولد سلیمانخان دنبلی در اوقات تحصیل مرحوم شد) (میرزا عبدالرحیم خان ولد میرزا غفار خان صدیق الملک پس از مدتی تحصیل بمهندس باشیگری خطوط تلگرافی برقرار شد این اوقات در اداره وزارت جلیله خارجه است) (علی اصغر خان برادر قاسم خان صاحب جمع مشغول خدمت تلگرافخانه است) (میرزا فضل الله ولد میرزا محمد حسین دامغانی بلقب خانی و منصب سرتیپی سیّم مفتخر و مامور خدمت تلگرافخانه است) (میرزا فتح الله خان ولد نصیر الملک سرتیپ سیّم و در توپخانه مبارکه مشغول خدمت است) (مصطفی قلیخان ولد مرتضی خان سرهنگ و معلم توپخانه شد بعد ها مرحوم گشت) (محمد خان ولد مرحوم قاسمخان والی بعد از چندی تحصیل در مدرسه مبارکه دارالفنون در باریس بمنصب سرتیپی اوّل برقرار و الحال ملقب بوالی و بحکومت بروجرد برقرار و دارای شئونات و درجات عالیه است

(محمد مهدی میرزا ولد داود شبر میرزا مشغول خدمت تلگراف است) (محمد آقا ولد محمد حسین بیک قاپوچی باشی پس از مدتی تحصیل در مدرسه جزو اجودانهای سپهسالار مرحوم شد و بعد از فوت پدر حالا بمنصب قاپوچی باشیگری دربار همایون سرافراز است) (نصرالله خان ولد خداداد خان سرهنگ و مامور خدمت تلگراف است) (نجفقلی خان ولد شاهرخ بیک یاور دوم باطری توپخانه مدرسه تبریز مامور است) (هادیخان مشغول خدمت تلگراف است)

شاگردان مرتبهٔ دوم

(تهمتن میرزا ولد محمود میرزا در اوقات تحصیل مرحوم شد) (چنگیز میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا بمنصب اجودانی سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد) (محمد جعفر خان ولد محمد ولیخان بیکلربیکی استراباد مشغول خدمات دیوان است) (جلیل میرزا ولد بدیع الزمان میرزا جزو صاحب منصبان تلگرافی مشغول خدمت است) (میرزا حبیب الله ولد کریمخان مامور آذربایجان کردید پس از مدتی فوت شد) (حسین خان ولد قاسمخان پس از مدتی تحصیل بفرنکستان مامور شده چون دربزی آموخت حال بخدمات دیوانی مشغول است) (خلیل میرزا ولد بدیع الزمان میرزا جزو صاحب منصبان تلگرافی مشغول خدمت است) (خلیل خان ولد محمد رحیم خان قاجار پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (داود میرزا ولد اسمعیل میرزا در تلگرافخانه مبارکه مشغول خدمت است) (ذوالفقار میرزا ولد کیکاوس میرزا از مدرسه خارج شد) (رستم خان ولد میرزا اکرم خان نایب اجودانی است) (زین العابدین میرزا ولد شبر میرزا معروف بشاهزاده آخوند مامور خراسان است) (میرزا عبدالله برادر میرزا یوسف لشکرنویس در مدرسه خلیفه درس زبان فرانسه شده بعد از چندی فوت شد) (عباسقلیخان ولد محمد حسنخان پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا علی برادر میرزا صادقخان حکیم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا عباس قمی ولد میرزا حسین پس از مدتی تحصیل مامور خدمت تلگرافخانه شد) (محمد بیک قراجه داغی در تلگرافخانه مبارکه مشغول خدمت است) (مهدیخان ولد محمد حسن بیک یوزباشی بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (مطلب آقا برادرزاده فضان آقا در اوقات تحصیل مرحوم شد) (نصرالله خان ولد قاسم آقای قاجار اوقات تحصیل مرحوم شد)

شاگردان پیاده نظام مرتبهٔ اول

(احمدخان ولد ابراهیم خان از خدام صندوقخانه مبارکه است) (اسدالله خان ولد محمد تقیخان قاجار پس از فراغت از تحصیل مامور مشاق افواج شاملو خراسان و در آنجا مرحوم شد) (آقاخان ولد سلیمانخان پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا بمنصب نایب اجودانی سرافراز است) (اسمعیل میرزا ولد محمد رضا میرزا پس از مدتی تحصیل بمنصب نایب اجودانی سرافراز و بعد فوت شد) (احمدخان خمسه) (میرزا آقای کاشانی

بمنصب نایب اجودانی سرافراز و مشغول خدمت است) (محمد باقرخان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان بلقب
شجاع السلطنه ملقب و بمنصب سرتیپی اول مفتخر و صاحب فوج است.) (بیوک خان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان
بعد از فوت امیر تومان از مدرسه خارج شده در سلک صاحبمنصبان نظامی مشغول خدمت است) (محمد تقی
میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف بشاهزاده اخوند بعد از فراغت از تحصیل بنا بر لیاقت بمنصب سرهنگی
و اجودانی مدرسه سرافراز و برقرار است) (محمد تقی خان ولد علیرضا خان کرمانی اجودان و مشغول خدمات
نظامی است) (محمد حسن خان ولد مرحوم اعتماد السلطنه که بنده مؤلف باشد و از همین تحصیل این مدرسه صبا[دکه]
الآن بنگارش این کتاب نایل است که ذکر شرح حاله مطابق نگاشته نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه
وزیر علوم و معادن از قرار ذیل است

(شرح حال مؤلف)

محمد حسن خان [صنیع الدوله] ولد مرحوم حاجی علیخان اعتماد السلطنه که اماً نواده مرحوم مصطفی خان قاجار قوانلو برادر شاه
شهید آقا محمد شاه قاجار طاب الله ثراه است در اوایل سلطنت همایون بسمت فراشباشیگری مرحوم سلطان
محمود میرزا ولیعهد دولت علیه سرافراز بود بعد از ایجاد مدرسه دار الفنون جزو متعلمین گردید بمدت [دوازده]
سال در مدرسه تحصیل زبان فرانسه و علم پیاده نظام نمود چهار امتحان کرد در ظرف این دوازده سال دو داد
در هریک از آنها علماً و عملاً مرتبه اول بود از مدال مس که در اول امتحان دادند و مدال نقره و مطلا و طلا که
در اخر امتحان داده شد در هر امتحان باو داده شد بعد از فراغت از تحصیل در مدرسه که از درجه وکیلی [رتبه] ترقی
ترقی نموده بود بمنصب سرهنگی برقرار و در جزو ملتزمین محمد قاسم خان مرحوم ولیعهد که بدون عهد دولت علیه
ایران بسمت اجودانی مخصوص یافت بعد از فوت ولیعهد مرحوم در سفر سلطانیه سنه ۱۲۸۵ جزو صاحبمنصبان
بالدوین میرزا محمد خان سپهسالار مرحوم بسلطانیه رفت مرحوم اعتماد السلطنه که بحکمرانی عربستان و لرستان
برقرار شدند از طرف وزارت جنگ مشق و نظم عساکر منصوره متوقفه آن سرحد بعهده صنیع الدوله کردید
بعد از سه سال توقف در آن سرحد که غالباً بسمت نیابت حکومت عربستان و یکسال بسمت نیابت حکومت لرستان
برقرار بود با والد خود که احضار بدار الخلافه شده بود بطهران آمد در ازای خدمات عربستان و لرستان بمنصب
جنرال اجودانی حضور همایون سرافراز و حمایل و نشان سرهنگی یافت در سنه ۱۲۸۰ بسمت نیابت دوم سفارت
ایران مقیم پاریس پایتخت دولت فرانسه مدت سه سال و نیم در پاریس مشغول خدمت دیوان و تکمیل
زبان فرانسه بود در مراجعت از فرنگستان جزو خدام خلوت همایون بسمت پیشخدمتی سرافراز شده در سفر خراسان
ملتزم رکاب بود بعد از چندی علاوه بر پیشخدمتی بسمت مترجمی حضور مبارک را یافته سفر گیلان ملتزم

دکاب مبارک است بعد از مراجعت از فرنکستان بریاست دار الطباعه و دار الترجمه دولتی برقرار و نشان درجه دوم شیر و خورشید باو مرحمت شد در صدارت جناب اشرف امجد حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم بمیل انشان و اجازه وزارت علوم ایجاد مدرسه مشیریه در دار الترجمه نمود که اغلب از بزرکزادکان و اولاد رجال دولت و شاهزادکان در آن مدرسه بتحصیل زبان فرانسه و انکلیس و هندسه و جغرافی مشغول بودند این مدرسه تا زمان صدارت جناب سپهسالار اعظم برقرار بود و دو سه امتحان شاکردان این مدرسه دادند که از طرف دولت قوی شوکت بآنها مدال و امتیازات دیکر عطا شد بعد از استعفای سپهسالار اعظم از صدارت عظمی متعلمین این مدرسه که مقدمتاً تا کاملاً تحصیل نموده بودند تکمیل تحصیل را در مدرسه دار الفنون نمودند
در سفر فرنکستان ملتزم رکاب بظفر انتساب همایون بوده در این سفر بسمت نیابت ایشیک آقاسی باشیکری در دربار دول فرنک معرفی شد و از اغلب دول فرنک موافق تفصیل ذیل دارای نشان است

دولت فرانسه	دولت اتریش	دولت المان	دولت پروس
نشان لژین دانر از درجه	نشان کورن دفراز	نشان کورن از درجه	نشان سنت انا از
درجه سیم	دوم	درجه دوم	چهارم

دولت عثمانی	دولت بلژیک	دولت ایطالیا	جمهوری ونزوئلا
نشان مجیدیه از	درجه سیم	سنت موریس ولازار	بنکی دینا از درجه
درجه دوم		از درجه سیم	دوم

دولت اسپانیول	تونس
درجه سیم	درجه دوم

مراجعت از فرنکستان مدیر باغات و عمارات دیوانی دار الخلافه کردید احتساب شهر مغابر عمده دار الخلافه باو سپرده شد و در دیوانخانه عدلیه بسمت معاونی و وکالت الی اواسط سنه هزار و دویست و نود و چهار برقرار بود نشان و حمایل سرخ از درجه سرتیپی دوم باو مرحمت شد

کتبی که تا کنون ترجمه نموده

انکشاف ینکی دنیا که بطبع رسیده	گرامر فرانسه که بجهة تحصیل متعلمین مدرسه دار الفنون ترجمه نموده بطبع رسیده	مکالمه از فرانسه بفارسی که بحکم دولت جهة مسافرین و سیاحان که بفرنکستان میروند
مختصر جغرافیای عمومی دنیا که بطبع رسیده	ترجمه مسافرت کاپیتن اطراس بقطب شمال کرد در روزنامه بطبع رسیده	ترجمه شرح حال دوبن سون در روزنامه بطبع رسیده

تاریخ ایران از ابتدای وضع سلطنت تاکنون تالیف نموده کتاب مرآت البلدان ناصری که جلد اول در سال گذشته از قرار تحریر مورخین فرنگ و ایران در سالنامه سنه ۱۲۹۲ منتشر شده و جلد دوم اینست که طبع بطبع رسیده میشود

(حسنعلی خان قراجه داغی مشغول خدمات سرحدیه آذربایجان است) (حسینعلی بیک ولد محمود خان قراکوزلو) (محمد حسن میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف بشاهزاده آخوند پس از فراغ از تحصیل بخلیفه‌گی و معلمی شاگردان پیاده نظام مدرسه برقرار و بمنصب سرهنگی سرافراز آمده مامور خراسان شد) (میرزا حسین ولد ولد میرزا عباس مشغول خدمت تلگرافخانه است) (محمد حسن خان ولد جناب جلالتمآب علاءالدوله بعد از چندی تحصیل بمنصب نیفچی باشیگری و فراشباشیگری سرافراز و برقرار است) (محمد حسین میرزا ولد نصرالله میرزا پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (حسن خان ولد محمد رضا خان ساوجبلاغی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (حسین خان برادر حسن خان نیز کذلک) (خان باباخان ولد سید علیخان فیروزکوهی از مدرسه خارج شده اکنون در خدمت حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مشغول خدمت است) (حاجی خان ولد اسکندر خان قاجار پس از مدتی تحصیل خالا خلیفه زبان فرانسه و مواظب متعلمین مبتدی است) (میرزا رضی خان برادر میرزا جعفر خان کردستانی بمنصب سرهنگی نایل و در محاصره هرات کشته شد) (محمد رضا میرزا ولد داود شیر میرزا از مدرسه خارج و مشغول خدمت تلگرافخانه است) (رحیمخان برادر محمد تقی خان حاجب الدوله پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (سنجر میرزا ولد نواب مستطاب اشرف والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و معادن در اوقات تحصیل مرحوم شد) (سلطان محمد میرزا ولد نواب والا عضدالدوله پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا در آذربایجان است) (سلیم خان (میرزا سلیمان ولد میرزا غلامرضا از مدرسه خارج و مشغول خدمت تلگرافخانه است) (میرزا شکرالله ولد میرزا محمد قلی در طهران مشغول خدمات نظام است) (طهماسب قلیخان ولد مصطفی قلیخان سمنانی بمنصب نایب اجودانی سرافراز و پس از چندی خدمت در خدمت سپهسالار مرحوم بلستر اکبر مقتول شد) (عبدالحسین خان ولد مرحوم اعتمادالسلطنه پس از مدتی تحصیل بمترجمی معلم پیاده نظام که کلنل ماترانسو بود برقرار شد مدتی بعد از مرخصی معلم مزبور خود بتخصص معلم علم پیاده نظام و در میدان مشق معلم کل افواج قاهره بود بعد بسرتیپی فوج خلخال سرافراز و بیمنال قبل مرحوم شد) (علیقلی خان برادر محمد حسن خان سردار بسرهنگی فوج سمنان سرافراز و بعد از مدتی خدمت مرحوم شد) (علیمحمد خان ولد ابوالحسن خان قاجار مشغول مشاقی افواج قاهره است) (میرزا علی اصغر برادر حاجی میرزا رضای وکیل الرعایا بمنصب نایب اجودانی سرافراز و مشغول تعلیم افواج قاهره است)

(علی آقا ولد حاجی محمد آقا پس از مدتی تحصیل بجهة تکمیل بفرنگستان شد بعد از مراجعت بمنصب سرهنگی سرافراز بامور
قشون کرمان گشته در امسال مرحوم شد) (محمد علی آقا که حال محمد علیخان است پس از ماموریت فرنگستان بمنصب
سرتیپی سرافراز و مشغول خدمت دیوان است) (عسکر خان شقاقی بمنصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت
دیوان است) (عیسی خان ولد مرحوم میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم بعد از چندی تحصیل مرحوم شد)
(عبدالله خان ولد جناب جلالتمآب علاءالدوله پس از چندی تحصیل الحال بمنصب قوللر آقاسی باشیگری سرافراز و
غلامان خاصه همایون سپرده بایشان است) (عبدالرشید میرزای ملایری ولد شیخ علی میرزای شیخ الملوک پس از مدتی
تحصیل از مدرسه خارج و فوت شد) (میرزا عباس ولد آقا غلامعلی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد)
(عسکر خان ولد محمدعلی خان بعد از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (کریمخان ولد محمد حسین خان فیروزکوهی
پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا بمنصب سرتیپی سرافراز و فوج فیروزکوهی سپرده بایشان است)
(لطفعلی خان ولد فضلعلیخان امیرتومان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (مرتضی قلیخان ولد مرحوم
محمد اسمعیل خان وکیل الملک حالا بلقب وکیل الملکی سرافراز و حکمران کرمان و بلوچستان و دارای شئون عالیه است)
(محمد آقا ولد حاجی شیخ کاظم نایب اول جناب وزیر فواید و سرتیپ فوج طهران است) (مرتضی قلی آقا ولد بهاءالدین آقا
بمنصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت است) (مرتضی قلیخان ولد مصطفی قلیخان سمنانی بمنصب سرهنگی سرافراز
و مشغول خدمت دیوان است) (محمد خان ولد مرحوم حاجی سعدالدوله بمنصب نایب آجودانی سرافراز و پس
از مدتی مرحوم شد) (مصطفی قلیخان ولد حاجی حسن خان قاجار پس از فراغت از تحصیل بمشاقی افواج مشغول است)
(محمود آقا ولد حاجی محمد آقا پس از مدتی تحصیل بجهة تکمیل بفرنگستان رفته بعد از مراجعت بمعلمی پیاده نظام مدرسه
سرافراز و پس از دو سال بسرهنگی فوج خلج مفتخر و بعد مرحوم شد) (آقا سید میرزای کاشانی پس از مدتی تحصیل

که ابتدا بمنصب پیشخدمتی سرافراز بود

و تکمیل بسرهنگی یکی از افواج قاهره منصوره و جنگ خراسان مشغول خدمت بود حال در طهران جزو عساکر منصوره مشغول
خدمت است) (محمد خان قاجار ولد محمد زمان خان در تبریز مشغول خدمت است) (مصطفی خان ولد شریف خان
بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و بعد فوت شد) (مسعود میرزا ولد نواب حاجی محمد ولی میرزا پس از مدتی تحصیل
از مدرسه خارج شد) (نجفقلی خان ولد محمد باقر خان جزو وزارت جلیله امور خارجه است) (نصرالله میرزا
ولد هرمز میرزا در اوقات تحصیل وفات کرد) (منصور خان ولد قاسم خان پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و
بمشاقی افواج قاهره مشغول میباشد) (ولیخان ولد امیر آخور)

شاگردان مرتبه دوم که حاضر مدرسه و مشغول تحصیلند

(آقا سردار ولد محمد خان سرتیپ) (میرزا ابوتراب ولد میرزا کلبعلی) (ابوالخیر میرزا ولد حاجی اسمعیل میرزا)

(میرزا ابراهیم خان ولد میرزا احمدخان) (اسدالله خان ولد محمدعلیخان) (میرزا احمدخان ولد ابوالقاسم خان جزو متعلمین اتاماژور شد) (میرزا احمدخان ولد میرزا عبدالرحیم جزو شاگردان اتاماژور شد) (میرزا ابوالقاسم خان ولد میرزا حسین خان) (میرزا احمدعلی ولد حاجی میرزا جعفر) (میرزا باقر ولد حاجی میرزا حسن) (نقیخان ولد الله شجعلیخان) (حسنخان ولد حاجی کریمخان بدستورالعمل سپو لسو مواظب مشق تحتیان دارالخلافه است) (حسین قلی اقا ولد حسن بیک در مدرسه مواظب مشق شاگردان جدید و در میدان مشق نیز مشتاق است) (میرزا حسنعلی ولد حاجی میرزا جعفر) (حسنخان ولد حاجی دبس) (میرزا حسن ولد میرزا حسین محلاتی)

(امیرزاده محمدحسن میرزا ولد نواب مستطاب اشرف والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و معادن)

(حسنخان ولد محمدجعفر بیک) (میرزا حسین ولد میرزا یعقوب) (حسینقلیخان ولد رضاقلیخان) (میرزا حسین ولد میرزا عباس) (حسنخان ولد حاجی اسمعیل از مدرسه خارج شد) (محمدحسنخان ولد مصطفیخان جزو شاگردان اتاماژور شد) (خداداد خان ولد حاجی مهدیخان) (رحمة الله خان ولد امان الله خان بعد از فوت سیف الملک از مدرسه خارج و بمنصب نایب اجودانی سرافراز است) (سهرابخان ولد علی اکبرخان) (شریفخان ولد محمدخان قاجار چون باید در رکاب مبارک سوار شود از مدرسه خارج شد) (طهماسبخان ولد میرزا ابوسفخان) (میرزا علی اکبر ولد حاجی اقا بیک در مدرسه مبارکه مواظب یکطبقه از شاگردان جدید و در میدان مشق نیز مشتاق است)

(عیسیخان ولد میرزا محمدعلیخان نواب) (میرزا محمدعلی ولد حاجی اقا بیک مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است) (میرزا عبدالله ولد حاجی نوروزی) (عبدالحسین خان ولد علیقلیخان) (میرزا علی اصغر ولد حبیب الله بیک) (محمدعلیخان ولد حاجی نجفقلیخان) (میرزا علی اکبر ولد میرزا علی اصغر) (علیخان ولد علی اکبرخان) (میرزا علی ولد جعفرقلیخان) (میرزا عبدالکریم ولد میرزا محمود) (عبدالحسین خان ولد اقاخان) (میرزا عبدالرحیم ولد میرزا تقی روزنامه نگار) (میرزا محمدعلی ولد میرزا حبیب الله) (علیرضاخان ولد محمدتقی خان جزو متعلمین اتاماژور شد) (غلامحسین خان ولد علیخان قاجار در مدرسه مبارکه مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است) (غلامحسین خان ولد مرادخان) (عفادخان ولد اسدالله خان بمنصب یاوری سرافراز و بمعلمی پیاده نظام مدرسه نیز برقرار است) (فضل الله میرزا ولد شکرالله میرزا) (قزل ارسلان میرزا ولد سنجر میرزا) (کریمخان ولد اقاخان در مدرسه مبارکه خلیفه متعلمین پیاده نظام و مشغول خدمات مدرسه اتاماژور و در میدان مشق نیز مشتاق افواج قاهره است) (کریمخان ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف بشاهزاده آخوند) (لطفعلیخان ولد محمدخان امیرتومان) (مصطفیخان ولد مرتضی قلی میرزا مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است) (محمدخان ولد ابوالقاسم خان) (مصطفیخان ولد ابوالقاسم خان) (محمد اقا ولد محمود اقا) (میرمحمدخان ولد

میرزا صادق خان چون پدرش مامور تبریز بود مرخص و او را که رفته همراه بود) (میرزا مسعود خان ولد سیف الملک
از مدرسه خارج و بمنصب نایب اجودانی سرافراز است) (نصرالله خان ولد علیرضا خان) (فتحی خان ولد شجعلی خان)
(یدالله میرزا ولد شکرالله میرزا) (یحیی خان ولد شریفخان مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است)

اطبا

(میرزا آقا بزرگ ولد آقا مهدی نواب پس از مدتی تحصیل در مدرسه بجهة تکمیل مامور فرنگستان شد و بعد از
مراجعت مامور کرمان گشت اکنون در همانجا مشغول معالجه است) (اسکندر میرزا ولد نواب حاجی محمد ولی
میرزا پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت حالا در اصفهان است) (میرزا اسمعیل کاشانی
مدتی تحصیل کرده بعد از مدرسه خارج و جزو محاسبین و نویسندگان تلگرافخانه شد) (میرزا احمد ولد میرزا
علی پس از مدتی تحصیل علم طب شوقش بعلوم طبیعی زیاد شد و تحصیل عمده در این علوم نموده در صنعت عکاسی
بدون اینکه معلمی دیده باشد کامل کرده اکنون بهمان صنعت اشتغال دارد) (میرزا ابوالقاسم ولد میرزا محمد علی
پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (امان الله خان ولد اسدالله مشغول تحصیل است) (میرزا ابراهیم
ولد حاجی خان پس از فراغت از تحصیل بطبابت مشغول گردیده و حالا خلیفه درس طب مدرسه است) (میرزا
ابوالحسن ولد میرزا عبدالوهاب پس از فراغت از تحصیل همواره مامور خدمات دیوان همایون و حکیمباشی کشیکخانه
مبارکه است) (میرزا اسدالله ولد میرزا محمد تنکابنی بعد از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا ابوالقاسم
ولد میرزا احمد مشغول تحصیل است) (میرزا ابوالحسن ولد آقا یوسف مشغول تحصیل است) (میرزا ابوالقاسم
ولد جناب پس از چندی تحصیل مقدمات بمدرسه اناماثور رفت) (میرزا ابوالقاسم ولد سید تقی چون پدرش
با اهل و عیال بمشهد مقدس رفت نتوانست تحصیل خود را تمام نماید) (میرزا احمد ولد شریف الحکما مشغول تحصیل
مقدمات است) (میرزا ابراهیم ولد میرزا حسین در تحصیل مقدمات است) (میرزا احمد ولد میرزا کاظم در تحصیل
مقدمات است) (میرزا احمد ولد حاجی محمد حسین در تحصیل مقدمات است) (میرزا ابوالحسن عرب مشغول تحصیل است)
(میرزا سید احمد کاشانی مشغول تحصیل است) (محمد باقر خان ولد محمد حسین خان قاجار پس از فراغت از تحصیل
بطبابت عامه مردم پرداخت و اکنون در دارالخلافه مشغول معالجه و حاضر خدمت دیوان است) (میرزا باقر ولد
آقا یوسف پس از چندی تحصیل فوت شد) (میرزا سید باقر ولد میرزا اسدالله در تحصیل مقدمات است)
(میرزا بزرگ ولد میرزا سید محمد در تحصیل مقدمات است) (میرزا تقی ولد میرزا هاشم پس از فراغت از تحصیل چندی تو
بولایات خارج و داخل مامور خدمت شد حال بلقب خانی و نشان و حمایل سرهنگی و حکیمباشیگری حضرت اشرف امجد
والا ظل السلطان سرافراز است) (میرزا تقی ولد میرزا محمد) (شیخ جلیل پس از فراغت از تحصیل و سفر فرنگستان

در خدمت وزارت جلیله علوم مأمور طبابت صاحب منصبان و عمله جات تلگرافخانه بود بعد جزو اطبای دربار برقرار و در رکاب همایون بجاجرود رفته در آب رودخانه غرق شد) (محمد جعفر میرزا ولد داود میرزا پس از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت و اکنون در دارالخلافه مشغول معالجات است) (محمد جعفر خان ولد محمود خان ملک الشعراء پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت و چند نوبت مأمور ولایات گردید حال بمعلمی طب و طبیعی مدرسه تبریز برقرار است) (میرزا جعفر ولد محمد صادق بیک پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و جزو اجزای تلگراف شد) (میرزا حسین ولد میرزا احمد افشار پس از مدتی تحصیل در مدرسه بجهة تکمیل بفرنگستان مأمور شده بعد از حصول اجازه دکتری و مراجعت بحکیمباشیگری حضور مبارک مفتخر و بعد از چندی فوت شد) (میرزا حسین ولد میرزا آقا بزرگ از شاگردان مرتبه اول طب و پس از فراغ از تحصیل در اسفار قشونی مأمور خدمت بوده و حال در خدمت نواب والا معتمد الدوله است) (میرزا حسین ولد میرزا احمد تنکابنی از شاگردان مرتبه اول طب و در طب ایرانی کمال مهارت را داشت پس از فراغت از تحصیل چند سال مشغول خدمات دیوانی بود تا فوت شد) (میرزا حسین ولد میرزا نوروزعلی پس از فراغت از تحصیل بطبابت فوج سوادکوهی مأمور و بعد از مدتی فوت کرد) (میرزا حبیب الله ولد میرزا احمد حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل بحکیمباشیگری همدان مأمور و مدتی در آنجا مشغول معالجه مردم بود حال احضار بدارالخلافه شده است) (میرزا حسین جراح پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و مشغول جراحی است) (میرزا محمد حسین ولد میرزا باقر اصفهانی پس از فراغت از تحصیل همواره مأمور خدمات مرجوعه دیوانی بوده و حال مأمور عربستان است) (محمد حسن خان ولد اسدالله خان پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت پس از آن بطبابت مریضخانه مبارکه مخصوص و حال مشغول خدمت است) (میرزا حسنعلی شیخ الاطباء در طب ایرانی کمال مهارت را دارد مدتها در مدرسه تحصیل طب فرنگی نموده الحال در جرگ اطبای خاص حضور همایون است) (میرزا حسن ولد میرزا ابوالحسن پس از فراغت از تحصیل بطبابت فوج همدان جمعی احمد خان سرهنگ منتخب و مشغول خدمت است) (میرزا حسین ولد میرزا محمد علی از عهده درس طب بر نیامده بمشق نقاشی پرداخت) (میرزا حسنعلی ولد میرزا عباس پس از فراغت از تحصیل و چند فقره مأموریت بولایات فوت نمود) (حیدر میرزای شاهرخ شاهی مشغول تحصیل است) (حبیب الله خان ولد میرزا رضا خان) (میرزا محمد حسین ولد حاجی میرزا نقی کلانتر پس از مدتی تحصیل بر حسب امر حضرت اشرف امجد اعظم والا اتابک السلطنه از مدرسه خارج و بمنصب کدخدائی محله عودلاجان سرافراز گردید) (میرزا سید حسن هندی مشغول تحصیل است)
(میرزا حسین ولد آقا محمد نبی مشغول تحصیل است) (میرزا حسن ولد میرزا ابراهیم در تحصیل مقدمات است)
(میرزا حسین ولد میرزا بزرگ تفرشی در تحصیل مقدمات است) (سید حسن ولد میرزا اسمعیل در تحصیل مقدمات است)

میرزا حسین ولد [illegible] پس از چندی تحصیل بمدرسه [illegible] رفته

(میرزا خلیل ولد میرزا علی نقی مشغول تحصیل است) (میرزا رضای دکتر ولد حاجی میرزا مقیم احوالش جزو معلمین نگاشته شد) (میرزا رضای مازندرانی پس از فراغ از تحصیل در خدمت جناب جلالتمآب علاء الدوله مأمور استرآباد شد و بعد از مراجعت بحکیمباشیگری زنجان و خمسه برقرار است) (رضا خان ولد محمد حسین قاجار مشغول تحصیل است) (میرزا زین العابدین ولد میرزا محمد کاشانی پس از فراغت از تحصیل مدتی مشغول حذاقت محوله بود بر حسب خواهش مرحوم عماد الدوله مأمور کرمانشاهان گردید بعد از چند سال احضار و بدار الخلافه شده در سلک اطبای حضور همایون منسلک و جزء اجزای حافظ الصحه و بتصدیق جناب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در علم و عمل جراحی اول شخص است) (میرزا زین العابدین ولد میرزا محمد فخر الاطبا پس از مدتی تحصیل بتبریز رفته جزو عمله جات حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت علیه گردید) (شهباز خان ولد محمد تقی میرزا در تحصیل مقدمات است) (شاه صفی هراتی مدتی در مدرسه تحصیل کرده مراجعت کرد) (میرزا صادق ولد آقا یوسف همدانی در تحصیل مقدمات است) (میرزا ضیاء ولد میرزا یحیی ندیم باشی در تحصیل مقدمات است) (میرزا طالع پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد)

(میرزا علینقی حکیم الممالک ولد حاجی آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام از متعلمین اول مدرسه است بعد از چند سال تحصیل علم طب در مدرسه دار الفنون در سفارت کبرای مرحوم فرخ خان امین الدوله بسمت نیابت دویم مأمور پاریس گردید بعد از ورود پاریس کارهای رسمی خود را کنار گذاشته بتحصیل علم طب پرداخت بعد از هفت سال اقامت در آن مملکت و دادن امتحانهای متعدده و گرفتن تصدیق از جمیع اطبای فرانسه دکتر و دانشمند علم طب است بایران مراجعت کرده بنیابت مرحوم والد خود سالها برقرار بود و از اطبای خاصه همایونی محسوب میشد کتاب سفرنامه خراسان از تألیفات او ست در جزو وزرای دار الشوری منسلک و بعد از فوت مرحوم حاجی آقا اسمعیل بپیشخدمت باشیگری سلام مفتخر و دارای شئونات و امتیازات مخصوص است چنانکه در ذیل شرح سلطنت سی ساله خواهد آمد

(میرزا عبد الوهاب ولد مرحوم محمود خان احتساب الملک پس از چندی تحصیل در مدرسه جهت تکمیل بفرنگستان مأمور شد و بعد از گرفتن اجازه دکتری و مراجعت بحکیمباشیگری حضرت اشرف اعظم ظل السلطان مفتخر و بعد از مدتی فوت شد) (میرزا سید علی در طب ایرانی کمال مهارت را داشت و بجهت تحصیل طب فرنگی مدتی در مدرسه تحصیل نمود بعد بمعلمی طب ایرانی در مدرسه برقرار و پس از مدتی مأمور بندر بوشهر گردید حالا کنون طبیب حافظ الصحه فارس و صاحب نشان سرتیپی است) (میرزا عبد العلی ولد میرزا محمد حسین دامغانی پس از فراغ از تحصیل

مشغول خدمات دیوان شد اکنون در تبریز است) (میرزا عبدالکریم ولد میرزا اسمعیل در طب ایرانی مهارت
داشت طب فرنگی را نیز در مدرسه تحصیل و تکمیل نموده بعد از فراغت مشغول طبابت و از حذاق اطباست)
(میرزا عبدالجواد ولد میرزا حسین حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت و بعد از
چندی فوت شد) (میرزا علی دکتر باهل معلمین نگاشته شد) (میرزا محمدعلی ولد حاجی محمدرضای خراسانی
پس از مدتی تحصیل بخراسان رفت) (میرزا عبدالله ولد میرزا محمدعلی سرکارات پس از فراغ از تحصیل مشغول
خدمات مرجوعه دیوان بوده و بطبابت اجزای وزارت امور خارجه اختصاص دارد اکنون جهت معالجه یکی
از علمای اعلام مامور عتبات عالیات) (میرزا علی اکبر ولد حاجی میرزا حسن کرمانی پس از فراغت از تحصیل
مدتی خلیفه علم طب در مدرسه مبارکه بود بعد بحکیمباشیگری مریضخانه مبارکه سرافراز شد) (میرزا عزیزالله
ولد میرزا علی اکبر بعلت ضعف بصر از عهده درس طب بر نیامد مخصوص درس زبان شد) (میرزا عبدالحسین
ولد حاجی لطفعلی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا محمدعلی ولد محمدحسن بیک پس از چندی
تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا علیخان ولد محمدخان پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان
بود حالا در مدرسه مبارکه معلم طب افواج وغیره است) (میرزا عبدالمناف دامغانی پس از مدتی تحصیل از مدرسه
خارج شد) (میرزا عباس ولد میرزا نصرالله) (علی آقا ولد کاظم بیک یوزباشی پس از مدتی تحصیل از مدرسه
خارج شد) (میرزا عبدالحسین ولد آقا سید علی) (میرزا عبدالکریم ولد میرزا یحیی نوری) (میرزا محمدعلی
ولد حاجی میرزا تقی کلانتر پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا علی اکبر ولد محمد شیرازی در
تحصیل است) (میرزا علی اصغر ولد حاجی میرزا حسین کرمانشاهانی در تحصیل است) (میرزا سید علینقی
ولد میرزا احمد در تحصیل مقدمات است) (میرزا غفور ولد میرزا یوسف جراح پس از مدتی تحصیل جزو عمله جات
تلگرافخانه شد) (میرزا کاظم ولد میرزا ابوالحسن مشغول تحصیل است) (محمدخان منسوب بقاسم خان از
شاگردان مرتبه اول طب بود و در اوقات تحصیل وفات کرد) (میرزا موسی ولد میرزا عقیل اصفهانی از شاگردان
اول و پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان و چند سال مامور کرمان بود اکنون در اصفهان است)
(میرزا مصطفی ولد میرزا عقیل پس از فراغ از تحصیل بحکیمباشیگری مرحوم جلال الدوله مفتخر و حال بحکیمباشیگری
شهر مشهد مقدس برقرار و مشغول معالجه مردم است) (میرزا مسیح ولد میرزا علی پس از فراغت از
تحصیل مشغول خدمات دیوان و چند سال حکیمباشی نواب محمدعلیخان طاب الله ثراها بود بعد از چندی
فوت کرد) (میرزا محمد ولد حاجی میرزا محمود طبیب پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد بمعالجه مردم
پرداخت و از حذاق اطباست) (میرزا مصطفی ولد میرزا احمد مشغول تحصیل است) (میرزا محمد کرمانشاهانی

(میرزا سید محمد تنکابنی پس از فراغت از تحصیل بطبابت افواج قاهره مأمور گشت اکنون نیز مشغول خدمت است)

پس از چند

پس از چندی بتحصیل مامور کرمانشاهان شد) (میرزا محمد ولد میرزا محمود پس از چندی تحصیل فوت شد)
(میرزا مجید ولد میرزا حسن پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا مؤمن ولد میرزا محمود پس
از فراغت از تحصیل غالباً مامور خدمات مرجوعه دیوان و اکنون مامور کردستان است) (میرزا شیخ محمد
ولد میرزا علی محمد مشغول تحصیل است) (میرزا محمد ولد ملا محمد علی شمیرانی پس از مدتی تحصیل از مدرسه
خارج شد) (میرزا محمد ولد میرزا کاظم از مدرسه خارج شد) (میرزا محمد ولد میرزا محمد حسین تفرشی مشغول
تحصیل است) (میرزا سید محمد ولد آقا سید حسین مشغول تحصیل است) (میرزا مرتضی ولد میرزا محمد
مشغول تحصیل) (میرزا محسن ولد مولا بیک در تحصیل است) (میرزا محمد ولد میرزا غلامعلی در تحصیل
مقدمات است) (نصرالله میرزا ولد نواب حاجی سیف الدوله میرزا از شاگردان مرتبه اول طب و پس از فراغت
از تحصیل بنیابت وزارت علوم مقرر و همواره مشغول خدمات مرجوعه میباشد) (میرزا نصرالله ولد میرزا
احمد تنکابنی حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل همواره حاضر خدمات مرجوعه دیوان بوده بعد بحکیمباشیگری
قسم مامور و بعد از چندی توقف احضار شده و بولایات متفرقه نیز ماموریت حاصل کرده اکنون در طهران
مشغول معالجه عامه مردم و از اطبای حاذق عالم و بخدمات محوله مشغول است) (میرزا نصرالله ولد حکیم
الهی پس از فراغت از تحصیل مدتی بطبابت عامه مردم پرداخته بعد مامور تبریز گشته و در همانجا درگذشت)
(میرزا نصرت ولد محمد صادق بیک پس از فراغت از تحصیل بطبابت مریضخانه مقرر و طبیب مخصوص
مدرسه مبارکه دار الفنون و در جنب مدرسه با حذاقت تمام بمعالجه عموم مردم میپردازد) (میرزا احمد
اصفهانی پس از فراغت از تحصیل غالباً مامور خدمات مرجوعه دیوان اعلی و صاحب نشان و حمایل سرهنگی
و بعد از چندی فوت نمود) (میرزا یوسف ولد میرزا محمود در تحصیل است انتهی

۱۲۶۸

هم در این سال میرزا احمد نایب دویم وزارت خارجه بلقب خانی و نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی
با حمایل سفید نایل گردید میرزا فضل الله بمنصب جلیل وزارت کل نظام سرافراز و روانه آذربایجان گردید
فوج اول خاصه که احضار بدار الخلافه شده بود با محمد علی خان سرتیپ و سایر صاحب منصبان وارد طهران شدند
فوج جدید خلخال با سرهنگی محمد قلیخان جوانشیر نیز وارد دار الخلافه گردیدند سواره افشار قزوین که از خراسان
مراجعت کرده بودند مواجب گرفتند دو دسته غلام چلیپسانلو ابو الحسنی جوادخان و محمود خان مامور نظم طرق
شاهرود و بسطام شدند عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند
هریک بانعام و خلعت همایون مفتخر گردیدند اسکندرخان قراپاپاق بنیابت اول اجودان باشیگری برقرار آمد
عبد الحسین خان و میرزا محمد خان و آقا رضا خان و نریمان خان و لطفعلی خان که مدتی مشغول مشق نظام بودند

برادر جناب صدر اعظم

هریک بمنصب نایب جوبان باشیگری نایل شدند کاظم خان قراپاپاق بسرتیپی سواره قراپاپاق سرافراز و به سیصد تومان اضافه مواجب مفتخر شد حسن خان قراپاپاق نیز بسرکردگی سواره قراپاپاق یافت

۱۲۶۱ هم در این سال بحکم نواب الانصرة الدوله حکمران فارس یانزده باب چاپارخانه در عرض راه این مملکت ساختند ودو نفر از تجار انگلیس که در راه شوشتر شرارت میکردند تنبیه شدند و دویست خروار کشتی تجارتی در بندر محمره لنگر انداخت میرزا نصرالله بلشکرنویسی آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب لشکر آنجا و فتحعلی بیک بنایب اجودانباشیگری رسیدند حکیم کازولانی بحکیمباشیگری کل افواج قاهره سرافراز شد

حکیم داودخان مسیحی که خدمات بدولت علیه کرده بود در ماه ربیع الاول این سال وفات نموده با احترام او را بخاکش سپردند سواره مقدم بسرکردگی علیخان مرخص خانه شدند نواب الانصرة الدوله حکمران فارس بیک ثوب جبه ترمه شمسه الماس خلعت همایون مفتخر گردید نظم سرخس باهتمام عباسقلیخان بیگلربیگی بدرجه کمال یافت در بلوک نایج مازندران تصفیه آهن را بدرجه کمال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان بهتر و باستعمال نزدیکتر و مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده بدار الخلافه آوردند و امر بتشویق و تکمیل این عمل و عاملین شد نیز در مازندران باهتمام مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران و بمباشری استاد عبدالحمید قنادی که استادی قابل است شکر مازندران را در کمال خوبی سفید کردند راه استرآباد بواسطه قراولخانهائی که ساخته اند و مواظبت مستحفظین کمال امنیت یافت

روز هفدهم ربیع الاول که عید مولود مسعود حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله میباشد شرایط احترامات این روز کاملا بعمل آمد شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران باعطای یکثوب جبه ترمه خلعت همایون مفتخر گردید نجفقلیخان پسر محمد طاهرخان وکیل چون خط و ربطی داشت در سلک ارباب قلم منسلک گردید مسیو جان داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت بطرزبورغ گردید بیشتر از این افواج که مرخص خانه میشدند سرتیپان و سرهنگان آنها گاهی در دار الخلافه توقف میکردند این اوقات حکم همایون شد که سرهنگ و سرتیپ هر فوج مرخص شده تا محل موطن حتما با فوج همراه باشند که مایه بی نظمی نشود علیقلیخان ولد محمد طاهرخان وکیل نایب اجودانباشی شد فوج ششم تبریز که دو سال در خراسان مامور و مشغول خدمت بودند مراجعت بدار الخلافه کرده مواجب گرفته مرخص خانه شدند راه زنان ایلات لرستان و پشتکوه باهتمام نواب الاعانه میرزا حکمران عربستان و لرستان تنبیه شدند و مخصوصا نصیرخان جودکی که متعرض قوافل دغابین دزفول و عربستان میشد بسزای خود رسید و از دزفول تا خرم آباد رباطات ساختند

خدمات نواب الاحشمة الدوله حکمران آذربایجان منظور و نظر باثر شده بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مصحوب

نواب شاهزاده ملک قاسم میرزا بافتخار معظم الیه انفاذ تبریز شد حکومت سمنان و دامغان بمیرزا محمدخان کشیکچی باشی و اگذار فرمودند و امامقلیخان از جانب معزی الیه بنیابت یافت و علیخان قراط را حکومت جوین دادند و محمد ولیخان قاجار بحکومت نهاوند برقرار شد شفیع خان چپرچی باشی ملتزم حسن رفتار خیابان گردید عباسقلیخان سرتیپ بازای خدمات کردو خراسان کرده بود باعطای یکرشته حمایل سرتیپی سرافراز شد عبدالقادرخان شکی مامور بجنورد با سواره ابوابجمعی خود حاضر رکاب اعلی گردید میرزا کوچک نهاوندی پدر بلقب خانی و منصب سرهنگی نایل آمد قلیچ خان نافی که مامور خراسان بود با سواره ابوابجمعی خود بدار الخلافه معاودت کرده مواجب گرفته مرخص خانه شدند این اوقات شاهی هزار قبضه تفنگ در جبه خانه دار الخلافه مبسازند پنبه بنگی دبنا کرده او دمی کاشته بودند خوب بعمل آمد کالو صاحب حکیمباشی جهو یاد نخانه خود درس هر آمی داده و مقدمه تکمیل این علم میباشد

هم در این سال که هزار و دویست و شصت و

هشت در دهم جمادی ماه ربیع الاول میرزا

تقی خان که سابقاً امیر نظام و

شخص اول این دولت

ابد انتظام بود

در کاشان

وفات کرد



صورت مرحوم اتابک اعظم میرزا تقی خان فراهانی صدر اعظم دولت علیه ایران

میرهاشم خان حاکم ملایر و تویسرکان بجبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید محمد تقی خان قاجار کرمانی
سرکرده سواره خزل بود مجدداً باین منصب برقرار آمد افواج قدیم و جدید کردستان در تعلیمات نظامی
مهارت کامل بهم رسانیدند در خبوشان برق زده چند باب دکان را سوزانید بعد زلزله شدید شد و
خرابی زیاد کرد خوانسار از شر اشرار باهتمام نواب والا احمد میرزا آسوده شد شوارع کرمان بخراسان
از اهتمام اولیای دولت امنیت یافت

جناب اعتماد الدوله صدراعظم را بیکثوب جبه ترمه قرین مفاخرت فرمودند میرزا محمد علیخان وزیر دول
خارجه نیز باعطای یکثوب جبه ترمه کرمانی مفتخر گردید جناب صدراعظم ببازدید مدرسه مبارکه دارالفنون
رفته بعد از امتحان متعلمین و حصول اطمینان بترقی آنها هر یک را تشویق نمودند یکثوب جبه ترمه برسم
خلعت برای نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان فرستادند عزیز خان آجودانباشی که در تعلیم و نظام
و مشق افواج اهتمامات نموده بود بیکثوب قبای نظامی زردوزی از ملابس خاصه مخلع گردید نبی بیک
نایب سرکرده سواره مقدم بلقب خانی یافت نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپیی بسرهنگی فوج
بندپیی سرافراز شد جوادخان ولد اسکندرخان قاجار حاکم کرمانشاهان را سرهنگ فوج سیم مراغه
فرمودند چرخ منگنه که خارا و سایر اقمشه ابریشمی را موج میدهد در یزد مستعمل نبود و منسوجات ابریشمی
یزد را بکاشان برده منگنه میکردند و اسباب تعویق بلکه تضییع بود میرزا عباس نایب الحکومه یزد چرخ
منگنه تمام نموده در کمال خوبی و اقمشه را بآن موج میدهد که از قماش فرنگی فرق نمیتوان کرد

۱۲۶۸

در این سال خبر دادند که در بلوک رفسنجان کرمان جوانی است نوزده ساله که بر روی شکم و سینه او بشکل آدم
طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آنجوان و سایر اعضای او بر روی شکم جوان میباشد
در هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فروغ بخش ایجاد گردیده موسوم
بمعین الدین میرزا شد میرزا محمد خان کشیکچی باشی باعطای یکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید
روز دوشنبه هجدهم ربیع الثانی میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه مرحوم شد محمد یوسف خان بمنصب
سرتیپی و یکثوب جبه ترمه اعلی سرافراز شد سید احمد نانکلی کرمانشاهان با سواره ابوالجمعی خود از زمان حضور
همایون گذشته سیصد نفر از سواره او منتخب و داخل قشون ظفر نمون برقرار شدند قلیچ خان سرتیپ سواره
مافی که از خدمت خراسان برگشته بود بیکثوب جبه ترمه با مرحمت فرمودند فضلعلی خان سرکرده سواره
شاهسوندی نیز از خدمت خراسان معاودت کرده باعطای یکطاقه شال سرافراز شد میرزا علی اکبر سرهنگ
قورخانه استاد فتح الله آهنگرباشی قورخانه را باسوله برای ساختن آهن تخته فرستاده ده خروار آهن ساخته

بتوپخانه آوردند و از آهن مزبور لوله تفنگ ساختند و بسیار نرم و خوب بعمل آمده حکم شد در معدن
مزبور کار کنند حاجی خان و شیرخان را که دو نفر از اشرار دهخوارقان بودند نواب والا احتشام الدوله حکمران
آذربایجان بسزای خود رسانیدند بحکم نواب معظم الیه چند باب قراولخانه علاوه بر قراولخانهای سابق ساختند
موکب اقدس همایون پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی تشریف فرمای شکار جاجرود گردیدند هم در این سال چون
بعضی حاصل کرمان مورد آفات شده بود محض رعایت رعیت آن ولایت تقریباً شش هزار تومان نقد و سه هزار خروار
جنس با آنها تخفیف مرحمت فرمودند عبدالقادرخان شکّی که از خدمت خراسان معاودت نموده بمنصب سرتیپی
سرافراز و مخلع گردید جعفرقلیخان سرتیپ افواج مراغه که یکسال در رکاب علی بود مرخص آذربایجان شد
ابراهیم آقای سرتیپ ماکوئی که بمنصب سرتیپی فوج شانزدهم شقاقی سرافراز شده بود بجهة نظم فوج مزبور روانه
آذربایجان گردید رحمة الله خان نایب اولباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخلع مامور آذربایجان شد که
عمل فوج مزبور را صورت دهد سواره شاهسون افشار مواجب ششماهه گرفته که روانه خراسان شوند
استاد علی اکبر تفنگساز که حسب الامر بخراسان رفته بود که تفنگ سربازی بسازد این اوقات پانصد ششصد
قبضه تفنگ ممتاز ساخته که همه کس پسند نموده و تشویق او کردند در حوالی شهر کرمان قناتی احداث کردند که
اهل شهر از آب رفاهیت داشته باشند در بلوک شوشتر موسوم بعقیلی نیشکر بعمل آوردند که قد آن سه ذرع و نیم
ذرع از نیشکرهای مازندران بلندتر بود

روز غره جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بمدرسه مبارکه دار الفنون تشریف فرما شده متعلمین را
که در این وقت زیاد ترقی کرده اند سرکشی و تشویق فرمودند میرزا کاظم خان مستوفی ولد جناب صدر اعظم را
بلقب جلیل نظام الملکی و خلعتی خاص قرین اختصاص فرمودند محمد ناصرخان ظهیرالدوله را بمنصب ایشیک آقاسی
باشیگری دربار همایون که از مناصب جلیله است و باعطای عصای مرصع که مخصوص این منصب است مفتخر فرمودند
میرزا محمد سعید مؤتمن الملک بلقب خانی و منصب وزیری مهام خارجه که قایم مقام وزارت دول خارجه است
سرافراز و مخلع گردید حاجی میرزا جبار رئیس تذکره بلقب ناظم المهامی ملقب و خدمت سرحدی که با مور معادن
و کارخانه های بلورسازی و چینی سازی دار الخلافه و غیرها را باو محول داشتند و بخلعت همایون سرافراز شد
رجبعلی بیگ یاور توپخانه بمنصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد این اوقات ماهی یکدستگاه
کالسکه باهتمام معیر الممالک و مراقبت محمد قلی بیگ کالسکه چی ساخته میشود که کمال امتیاز را دارد آقا مهدی
ملک التجار بیک ثوب جبه ترمه مخلع گردید اسدالله خان امیر قاین بیک ثوب جبه ترمه خلعت همایون مفتخر و روانه
خراسان شد جعفرقلیخان میرپنجه که در استراباد و گرگان مامور تنبیه اشرار ترکمن بود رؤسا و ریش سفیدان

طایفه مزبوره را براه انقیاد درآورده و باجازه امنای دولت آنها را با خود بدربار همایون میآورد بعطای یکثوب جبه ترمه مفتخر و مخلع گردید مرتضی قلیخان حاکم شاهرود و بسطام مجدداً بحکومت بسطام و بیکثوب جبه ترمه مخلع و سرافراز گردید

روز چهارشنبه چهاردهم جمادی الاولی محض اظهار عبودیت اشخاص مسطوره در ذیل با عریضه و پیشکش بتقبیل عتبه علیه سرافراز گردیدند (محمد حسین خان برادر کرمداد خان بیگلربیگی هزاره با عریضه کرمدادخان) (سید علی خواجه فرستاده حکومت خان والی میمنه با عریضه والی) (محمد ولیخان پسر مرحوم ابراهیم خان بیگلربیگی سابق هزاره) (اللهیار خان برادرزاده او) (عبدالحمید بهادر فرستاده حسن سردار هزاره پساکوهی با عریضه او) (عبدالکریم بیک فرستاده ابراهیم خان سردار تایمنی با عریضه) (خان میرزا بیک فرستاده ابراهیمخان و اکرم خان فیروزکوهی با عریضه) (شادمان بیک فرستاده نصیرخان جمشیدی با عریضه) (رضا بهادر بوبرمیه) (ارباب خالق ریش سفید طایفه ایجگه) (علی بهادر ریش سفید طایفه فرستلی) (عظیم بیک ریش سفید طایفه قهقهه) (ملاحسین ریش سفید طایفه دهه زنگی) (حکیم کاضولانی حکیم باشی نظام صاحب نشان درجه دویم شیر و خورشید دولت علیه و صاحب نشان درجه دویم سنت استانسلاس دولت روس روز هشتم ربیع الثانی وفات کرد او را باحترام تمام دفن و کفن کردند جبه خانه اصفهان ترقی نموده آلات حرب بسیار ممتاز از قبیل لوله تفنگ و چخماق و سرنیزه و شیپور و غیره میسازند از قرار سید محمد خان حاکم هرات کاشته امیر افضل خان پسر کهندلخان قندهاری با جمعی افاغنه بر سر فراه و سبزوار اطراف این دو شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست در عقیلی بلوک شوشتر تگرگ بقدر گلوله توپ آمده چرخهائی که در صحرا برای مرمت و تنقیه قنوات بوده بکلی خورد کرده است نواب شاهزاده بهرام میرزا که در تشریف فرمائی موکب همایون بسفر اصفهان از جانب سنی الجوانب پادشاهی نیابت داشتند و خدمات نمایان نموده بنشان تمثال بمثال مبارک قرین افتخار گردیدند جناب صدر اعظم بسرکشی کارخانه بلورسازی دفتر عمله جات را انعام داده تشویق کردند و از طرف قرین الشرف ملوکانه نیز باستادان کارخانه بذل مراحم شد میرزا عبدالوهاب پسر مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه بمنصب نیابت درجه دویم وزارت دول خارجه و یکثوب جبه ترمه مخلع و نایل گردید از اصفهان تا منزل مقصود بیک در راه فارس همچنین از اصفهان الی کاشان حسب الامر قراولخانه‌ها در راه ساخته مایه مزید امنیت گردید بطایفه گکلان در استراباد که قشون مأمور آن نواحی خدمت کرده بودند دو هزار تومان تخفیف مرحمت شد میرزا محمد ولی طبیب حکیم باشی کل افواج قاهره گردید اسمعیل میرزا ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنگی یافت فوج پانزدهم شقاقی که از خدمت خراسان برگشته بود از وجوه خزانه مواجب آنها را

داده و مرخص فرمودند که چندی آسوده باشند محمد خان میرپنجه و بیگلربیگی آذربایجان بدار الخلافه
آمده شرفیاب حضور مبارک گردیدند وزیر نظام در آذربایجان در خدمات مرجوعه مساعی جمیله دارد
نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس با سه عراده توپ و چهارصد سوار و دویست نفر سرباز همدانی بنظم
گرمسیرات رفتند و پیش از اینکه خود عازم شوند سه عراده توپ و پانصد نفر سرباز و سه هزار سوار با فضل الله
خان میرپنجه و جعفرقلی بیگ یاور اول توپخانه بگرمسیرات فرستادند این اوقات قلعه سفید را گرفته ساکنین را
در دایره اطاعت در آورده بازای این خدمت جعفرقلی بیگ بلقب خانی ملقب گردید

عبدالله خان صارم الدوله که در کرمان و بلوچستان خدمات کرده بود مورد مرحمت شد فوج خدابنده لو را ابوالجمع
او فرمودند و بیک قبضه شمشیر مرصع سرافراز گردیده مامور شد که کسری فوج ملایر و تویسرکان و قراگوزلو را بگیرد
سید احمد و سید اباذر خان تانکلی کرمانشاهان مخلع گشتند چون آخر سال تنگوزئیل است حسب الامر نشان قشون خاصه
رکاب زاده بدهند این اوقات مبلغی از وجوهی که در هرات باسم همایون سکه زده بودند و عریضه صید محمد خان
با جمعی از معارف هرات بدربار همایون رسید از قراری که ذکر نمودیم چون این اوقات سید محمد و لیخان قندهاری
و خوشدلخان و غلام محی الدین پسر کهندلخان با جمعی مشاهیر دیگر و دو هزار سوار و دو هزار نفر پیاده و هفت عراده
توپ و یک لوله زنبورک بهراه آمده آنجا را تصرف کرده‌اند و محمد صدیق خان پسر کهندلخان نیز در تعاقب آنها با جمعی کثیر
و توپخانه اراده اسفزار دارد و بر سر اسفزار آمده و قریب الوصول است و از قرار مسطور خود کهندلخان نیز بخیال هرات
خواهد آمد لهذا اوضاع هرات قدری مغشوش است و ایلات و عشایر حول و حوش هرات که این بی‌نظمی را دیده
بنای تاخت و تاز گذاشته‌اند و باتفاق بعضی تراکمه بُنه‌شان را چاپیده‌اند در کرمانشاهان باران که زیاد شده
در منزل قهرود پنج روز علی التوالی طوری برف آمده که راه عبور و مرور مسدود بود این ایام در رحمت آباد
گیلان باهتمام میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه قطران زیاد میسازند فوج جدید مراغه ابوالجمعی اسکندر خان سرهنگ
و فوج خلج ساوه جیره و علیق گرفته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ایلات قزوین مامور خراسان شدند
دو هزار و پانصد دست قالسقه که در قورخانه ساخته شده و دو هزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در جبه خانه دار
الخلافه ساخته‌اند بار بسته که بخراسان ببرند هر یک از افواج که کسری دارند حسب الامر کسری آنها گرفته ملبوس
نواب والا حسام السلطنه والی خراسان عباسقلیخان میرپنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه تربت
جام نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم آن صفحات باشند فتحعلی بیگ نایب آجودانباشی را نواب والا حشمة
الدوله حکمران آذربایجان مامور نظم امور نظام مراغه نمودند کتاب قاموس و تاریخ پطر کبیر طبع شده میفروشند
روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش دقیقه از روز گذشته آفتاب عالمتاب از

برج حوت

برج حوت بمحل تحویل نموده و سلام عام در تالار تخت مرمر با شکوه وافر منعقد گردید و قریب سی نفر از اعیان
و ریش سفیدان هزاره و تیمنی و جمشیدی در این سلام مخلع گردیدند شب عید جناب صدر اعظم بیک قطعه
نشان تمثال بی‌مثال همایون مکلل بالماس بریلیان مفتخر شدند و یک ثوب جبه ترمه دوره مروارید دوز یکه ذات
معدلت صفات همایون بعادت جدید تشریف فرما میشدند بجناب معظم الیه مرحمت فرمودند در این ایام
نواب شاهزاده امامقلی میرزا بحکومت کرمانشاهان و خلعت همایون سرافراز گردید خسرو خان والی را خلعت
و حکومت قزوین دادند بعد از آمدن جعفرقلیخان میرپنجه با افواج و قشونی که مامور صفحات گرگان و استراباد
بودند بدار الخلافه معدودی از اشرار ترکمان صفحات را خالی از قشون فرض کرده قصد تاخت و تاز کرده بودند
ولی قراولان آن نواحی ایشان را بسزای خود رسانیدند از غرایب که در کرمان اتفاق افتاده اینکه در دارزوبم
بزی چهل روزه دیوانه شده و سر بچه زاییده که یکی از آنها شباهت ببلنگ داشته بخصوص دست و پای او که خیلی
شبیه ببلنگ بوده است این اوقات باران که زیاده در کرمان شده بعد از باران که وقت عصری صاعقه در سر
گلشن فرود آمده است در خمسه باران زیادی آمد قشونی که از استراباد آمده مواجب سالیانه آنها را داده
مرخص خانه شدند فوج بکشلوی افشار را ابوالجمع عباسقلیخان سرتیپ افواج قدیم و جدید قزوین فرمودند
جمعی از تراکمه که در خراسان بتاخت آمده دوچار محمد رحیم خان شده سه نفر سردار با اسم و بیست نفر دیگر از ایشان
قشون ظفر نمون مقتول نمودند نواب والا مؤید الدوله با بزرگان سیستان گفتگو نموده که در ترشی آب و دره دهنه
بهندان قرار قراولخانه و مستحفظ بگذارند که طرق و شوارع از دست اندازی بلوچها محفوظ ماند قراولخانه‌های
شهر اصفهان تمام شده و سرباز در آن قرار گرفته‌اند و این فقره موجب مزید نظم و انتظام است باران که زیاد در اصفهان
شده روز پنجشنبه دهم جمادی الثانیه که روز سیزده عید بود موکب همایون بعزم توقف چند شبه تشریف فرمای
قصر قاجار گردیدند در دار الخلافه بارانهای بموقع آمد حکومت ساوجبلاغ آذربایجان را بکریمخان مکری محول
فرمودند نواب والا احتشام الدوله باجازه اولیای دولت نجفقلیخان پسر مهدیخان قراپاپاق را مامور سرپرستی
ایل قراپاپاق نمودند این اوقات حکم شد هر کس معدنی در ممالک محروسه پیدا کند بواسطه حاجی میرزا عباس
ناظم المهام بعرض اولیای دولت برساند اذن کار کردن در آن معدن را باو خواهند داد و تا پنج سال
هرچه از آن منفعت حاصل نماید مال خود اوست و هر کس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان میشود
کسر سواره را حسب الامر میگیرند که بدفعات دوازده هزار و پانصد نفر سواره حاضر رکاب اعلی شوند در
شوشتر و دزفول و آن صفحات باران کلی کامل شده نصیرخان از طایفه جودکی لرستانی را که از اشرار و راهزنان
بود نواب والا احتشام الدوله گرفته بسزای خود رسانیدند در قزوین هفت شبانه روز مستمر باران آمد

سواره ایلات قزوین بدار الخلافه احضار شدند کتاب فصول خواند محمد الفاضلیه و حدیقه حکیم سنائی طبع
شده میفروشند چون جمعیت دار الخلافه زیاد شد حکم شد هر که بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید بنابراین
دویست باب خانه تاکنون بنا نموده اند این اوقات باران که در دار الخلافه شد رعد و برق نموده و صاعقه فرود آمد
بادگیر خانه حاجی محمد حسین طهرانی گرفته بقدر گلوله شمخال سوراخ کرده و فرو رفته افواج و سواره که در اصفهان
بودند احضار بدار الخلافه شدند کرمی مار مانند در شکم مرغها در صفحات کرمانشاهان و عربستان پیدا شده مرغ
دیوانه میشود و خوردن گوشت او نیز مضر است نواب والا مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان که بسفر
بلوچستان رفته بودند خوانین و اعیان بلوچستان از قبیل رشید خان و سیف الدین خان و سالار محمد خان
و اعظم خان و غیرهم از روی انقیاد خدمات بنواب معظم نموده اند و مدد علیخان سرحدی نیز مطیع و مامور شده که
سایر بزرگان بلوچ را بخدمت نواب مؤید الدوله بیاورد میرزا محمد علیخان ناظم الملک از جانب نواب والا نصرة
الدوله حکمران فارس بگرمسیرات رفته سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده گرفته و خراب
کرده حاجی ابو الحسن اهرمی را نیز که بواسطه استظهار بر قلاع مزبوره شرارت مینمود بسزای خود رسانید دو سه
قلعه دیگر نیز که در بلوک جویم و بید شهر و در تصرف اشرار بود مستخلص شده آنجا را در نظم یافت طرح اجناس
غیر مرغوب از حکام جهرم و قیر و کارزین و داراب و ایکا و غیره بر رعیت معمول بود حسب الامر موقوف شد
نصر الله خان بیگلربیگی سابق لار و قباد خان شقاقی و احمد خان بهارلو که از حکام سابق روگردان بودند استمالت
شده بخدمت گرویدند در گرمسیرات فارس بارندگی شده تاریخ جهانگشای نادری و کتاب جامی طبع شده میفروشند
حکومت خوی را بشاهزاده محمد رحیم میرزا مرحمت فرمودند حکومت ولایت خلخال را بنواب شاهرخ میرزا مرحمت
فرمودند چون اختیار حکومت عراق را در هذه السنه سیچقان ئیل بجناب مستوفی الممالک واگذار فرموده اند
لطفعلیخان نایب آجودانباشی را حسب الامر از جانب معظم الیه بنیابت حکومت عراق معین و روانه کردید عباسقلیخان
سرتیپ نوری که در خراسان خدمات کرده بود [illegible] حمایل سرخ از مرتبه سرتیپی اول نایل کردید سکه قدیم
در شوش مسکوک بنقش کلمه طیبه لا اله الا الله و آیات شریفه قرآنی پیدا کرده بدار الخلافه آوردند و شرحی میرزا
جعفرخان مشیر الدوله همراه مسکوکات نوشته و ارسال داشته که صورت آن از قرار ذیل است
در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارت
اردشیر دراز دست است که آن عمارت از سی و شش ستون سنگ یکپارچه و فاصله هر ستون هفت ذرع و
بلندی ستونها بعلت افتادن و شکستن معلوم نیست لکن از زیر ستون و سر ستون که اکثر صورت گوساله و غیره
دارد معلوم میشود که ستونها بسیار بلند بوده با وجود اینکه در صحرای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمیشود

در شوش

سی و شش ذرع ستون هم در پیش روی همین عمارت رو بشمال او پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده این
عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است در بعضی از ستونها عبارات بخط سریانی و کلدانی منقور است آجرها
بوزن شصت و هشت من در اینجا کار کرده اند در بالای یک عمارت قدری پول سفید مسکوک بخط کوفی بیرون
آمده معلوم میشود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده اند و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات
و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بوده تاریخ سکه پول سال یکصد و پنج هجری است و تعجب است که چگونه در بیمدت
مدید پولها باین صفا و تازگی مانده شهر خرم اباد که آب جاری نداشت و مردم از آب تنگی میکشیدند و در یک
فرسنگی شهر آثار نهری بود بحکم نواب والا احتشام الدوله نهر را حفر و مرمت نموده بواسطه آن شهر خرم آباد را دارای آب جاری
کردند بلوک عقیلی شوشتر که خرابی داشت بقدر لزوم بوغاهای آن تخفیف مرحمت شد پل شوشتر را مبنا زند
ضرابخانه شوشتر که چندی بود سکه نمیزدند حکم شد دایر کنند نواب بهادر میرزا مرحوم شد مقرب الخاقان میرزا
محمد مستوفی او را بلقب قوام الدوله ملقب فرمودند از دربار دولت روس نشان سنت آنا از مرتبه دویم
دو دوره الماس بحکیم کلو که مرحمت شد قلعه تنگن و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و صاحب منصبان و افراد
قشون بقدر لیاقت مورد مرحمت شدند یکصد نفر سوار افشار ابو الجمع سلیمانخان افشار را داخل سواره نمودند
ششصد نفر سواره افشار شاهسون و سیصد نفر سوار ایلات قزوین مواجب گرفته مامور خراسان شدند
فوج دماوند احضار دار الخلافه شده مواجب گرفته مامور اصفهان شدند هزار و یکصد نفر توپچیان آذربایجان
احضار شده که بسرحدات روانه شوند و توپچیان سابق سرحدات را مرخص کردند کهندل خان که لشکر بهرات
کشیده بود منهزم شده بهرات و اسفزار رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است در چمن قهقهه سرفرسخی
شهر مشهد مقدس شش مرغ بهم رسیده که هر یکی از گوسفندی بزرگتر میباشند باهتمام شاهزاده مصطفی
قلی میرزا شکرهای مازندران را طوری سفید کرده اند که مثل شکر لاهور شده در مازندران باران کامل آمده
عمارات جدید سلطانی در دار الخلافه ساخته مزید بر عمارات قدیم نمودند و حکم شد مریضخانه ما بین قراولخانه
دروازه دولت و دروازه قزوین که جای چهار صد نفر مریض و منزل اطبا و مطبخ وغیره داشته باشد
بسازند وعده توپها چون زیاد شد انبار جدید نیز بپهلوی انبار قدیم ساخته شد و باغات و عمارات بیرون
شهر را از قبیل لاله زار و نگارستان و قصر قاجار در کمال خوبی تعمیر کردند و عمارت جدید سلطانی در قصبه دماوند
بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در دماوند نیز بسازند شفیع خان مصلحت گذار دولت علیه
ایران مقیم لندن این اوقات با اجزای خود بحضور اعلیحضرت پادشاه انگلستان مشرف شد نواب شاهزاده
نصرة الدوله حکمران فارس بنشان مرتبه اول میرپنجگی و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید

ریش سفید بهمراهی نواب معظم الیه در کرمان خدمت کرده بودند هریک مورد مرحمتی لایق گردیدند فوج بهادران سرهنگی اقاخان که قدیمی ونظام دان است در کمال انتظام وانتساق از آذربایجان بدار الخلافه آمدند عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین بجهة گرفتن کسری افواج قزوین وفوج جدید افشار بکشلو روانه قزوین شد یوسفخان سرتیپ افواج خواجه وند وعبد الملکی مامور گرفتن ونظم افواج مزبوره شد خان باباخان پسر عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین بمنصب سرهنگی فوج قدیم قزوین وخلعت همایون سرافراز شد اقاخان سرتیپ نیز بگرفتن کسری افواج ایلات قزوین وسایر امور متعلقه بافواج مزبوره وسواره ایلات بو اجمعی خود بقزوین رفت در اکثر ولایات ممالک محروسه باران کم شده برعایای اصفهان یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند وصنف علاف وخباز اصفهان که از مالیات معاف بودند اما حکام باینها تعدی میکردند قدغن بلیغ شد که کسی متعرض این دو صنف نشود شب پنجم ماه رجب زلزله شدیدی در شاهرود شد مرتضی قلیخان در تنقیه قنوات شاهرود وقلعه وقنات رحمت آباد اهتمام مینماید ابراهیم خان پسر عبد الرزاق خان یزدی بحکومت کاشان وخلعت همایون سرافراز گردید خسروخان کرمانی حکومت قراجه داغ با منصب محالی شد میرزا عبد الرحیم پسر مرحوم میرزا محمد تبریزی اجودان وزارت امور خارجه شد ریش سفیدان ترکمانان گوکلان ویموت که محض سبقت در انقیاد بدربار همایون آمده بودند مخلع ومرخص شدند وبرای سایر ریش سفیدان ترکمان که در اماکن خود بودند خلعت مبذول وانفاذ شد فوج جدید فیروزکوهی ابواب جمعی مصطفیقلیخان میرپنجه بسرهنگی علیرضاخان وارد دار الخلافه شدند وحکم همایون شد که کل صاحبمنصبان قشون کلیجه نظامی وشلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند پیران فوج فدوی از خدمت معاف شدند روز عید نوروز در شیراز تگرگ غریبی باریده که دانه های ان بدرشتی نارنج بوده ویکدانه از آنها بسر یکنفر خورده چشمهای او از حدقه بیرون افتاده ومغز او از هم پاشیده گوسفند ومال ومواشی زیاد در صحراها تلف کرده وبعضی از درشتی دانه های تگرگ چیزها میگویند که باغراق شبیه است دو رشته قنات در بم ونرماشیر احداث کرده اند که باغستان بعمل آرند بعضی ایلات دودانگی وغیره کرمان که متفرق شده بودند استمالت شده قرار دادند باماکن خود برگردند وتا چهار سال از مالیات معاف باشند آب زاینده رود اصفهان زیاد شده ومایه مسرت زارعین است فوج سرباز جدید اصفهان عازم دار الخلافه میباشند

روز پنجشنبه هفتم شعبان بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه ابتدا سوار شده بسرکشی وبازدید مشق افواج قاهره تشریف فرما شدند بعد از ان عزیمت بناوران نموده پس از تماشای آن اماکن عمارت سلطنتی ارک دا مزین داشتند خدمات میرزا فضل الله وزیر نظام منظور نظر اقدس شده یکقطعه نشان مرتبه اول سرتیپی ویکرشته حمایل سرخ مخصوص اینمرتبه مصحوب میرزا مصطفی قلی ولد معزی الیه بافتخار ایشان انفاذ تبریز شد میرزا ابراهیم مسیحی اصفهانی

اصفهانی مترجم سفارت دولت علیهٔ ایران مقیم لندن بلقب خانی سرافراز شد هشت فوج از افواج قاهره را
ابواب‌جمع محمد حسن خان سرتیپ فرمودند و عبدالله خان ولد مشارالیه بمنصب سرتیپ‌چیگی سرافراز شد بیگلرخان
سرهنگ بوچلو که پیرمرد و عازم مکهٔ معظمه بود حسب الاستدعای او منصب سرهنگی او را بعباسقلی خان پسر
او مرحمت فرمودند فوج نجیران شقاقی ابواب‌جمعی قاسم خان قراباغی سرتیپ وارد دارالخلافه شدند فوج شانزدهم
شقاقی که از آذربایجان احضار دارالخلافه شده بود نیز وارد گردید در بلاد دزفول یکروز مقارن غروب انقلاب
غریبی در هوا نمودار شده تگرگ شدیدی با باد و طوری سیل برخاست که اکثر گاو و الاغ که مردم از صحرا بخانه میآوردند
سیل برد و بسیاری از خانه‌ها نیز از لطمهٔ رعد و برق و سیل خراب شد سد بند شهر قزوین که سال گذشته خراب
شده بود خسرو خان والی حاکم قزوین میسازد در ماه رجب بیست دقیقه تگرگ شدیدی در قزوین بارید
که سه روز در زمین باقی بود روز پنجشنبه چهاردهم شعبان ذات ملکوتی صفات مقدس در قریهٔ دربند
شمیران مهمان میرزا محمد خان کشیکچی‌باشی بودند و مشارالیه لوازم پذیرائی مقدم مبارک را کاملاً بعمل آورده
شب پانزدهم که شب عید ولادت باسعادت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه بود در قصر قاجار توقف
فرمودند و آتش‌بازی کاملی شد نواب محسن میرزا را بیک ثوب جبهٔ ترمهٔ لاکی مخلع فرمودند کارخانهٔ بلورسازی در
دارالخلافه ترقی کرده است مشهدی حسن نام صندوق‌ساز تبریزی دو صندوق آهنی ساخته که وزناً دو خروار
و در بستن و گشادن آن صنایع غریبه بکار برده و از قرار تصدیق تجار جز در دو سه کارخانه از کارخانه‌های
فرنگ نظیر آن ساخته نمیشود مورد توجه شده سیصد تومان و یکطاقه شال باو مرحمت فرمودند فوج نجیران
شقاقی بسرتیپی قاسم خان مأمور فارس شد فوج هفتم و هشتم افشار ابواب‌جمع عسکرخان سرتیپ از آذربایجان
برکاب اعلی احضار شدند سواران میرزا ابراهیم خان سرتیپ که احضار رکاب اعلی شده بودند نهصد و پنجاه
نفر در کمال آراستگی میباشند سربازان فوج خرقان مأمور ساخلو یزد شدند که فوج بندپی عوض آنها مراجعت
کنند فوج شانزدهم شقاقی بسرهنگی رحمت الله خان وارد دارالخلافه شده مأمور خراسان شدند نواب امامقلی
میرزا حکمران کرمانشاهان پنجاه سوار بحراست طرق و شوارع آن صفحات برقرار نمودند در خراسان بارندگی کامل شده
در نیشابور یکنفر در بام بوده برق بسر او زده او را هلاک و سقف را شکافته یکنفر را هم در اطاق کشته در قریهٔ جزد
گاودربای استراباد بادی آمده که اغلب خانه‌های آنجا را خراب نموده

موکب همایون روز یکشنبه بیست و چهارم شعبان با شکوهی تمام عزیمت ییلاق فرموده تشریف فرمای قصر نیاوران
شدند قصبهٔ نیاوران رونقی حاصل نموده است در ایام ماه مبارک رمضان بجهت فراغت طبقات مردم
برای عبادت عصرها را موقع شرفیابی بدربار قرار دادند تخم پنبهٔ ینگی دنیائی بزارعین دارالخلافه همچنین

برعایای تبریز داده شد که امتحان نمایند که در کجا خوب بعمل میآید در کرمان باران آمده و هوا معتدل است
سالارخان ترکمان یموت که مصدر شرارت بود در استراباد نزد محمد ولیخان بیگلربیگی آمده اظهار پشیمانی و اطاعت
نمود تگرگ زیاد در همدان بارید امامزاده زید را در این ماه مبارک بانواع امتعه مزین داردند فضلعلیخان
میرپنجه و بیگلربیگی را بمنصب امیرتومانی سرافراز فرمودند عبدالله خان جوانشیر بسرهنگی فوج اول خاصه
سرافراز شد فوج جدید بروجرد و ماربین اصفهان و اجراغعلیخان برکاب اعلی فرستاده نهایت آراسته بودند حکم
شد مشغول مشق باشند کلیه افواج قاهره در ماه رمضان از مشق معاف شدند نادرقلیخان سرکرده سوار
ایلات که مامور خراسان بود با سوار ابوابجمعی خود در کمال نظم بمحل ماموریت رفت زنی در خراسان طفلی
زاییده بعینه میمون ولی دم ندارد خوانین سیستان عریضه نوشته اظهار انقیاد مینمایند علیقلیخان
میرپنجه و عسکرخان سرتیپ و دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه بانتظام صفحات خراسان مامور شدند
امیرعلینقی خان وکیل طبس بحکومت ولایت طبس و خلعت همایون سرافراز شد اسکندرخان زند حکومت
مرند و کرکر یافت شب هفتم رمضان بندگان سرکار اعلیحضرت همایون در منزل جناب صدراعظم افطار
میل فرمودند و جناب معظم له تشریفات را بعمل آوردند میرزا علی اکبر مباشر قورخانه بمنصب سرهنگی و
خلعت همایون و دویست تومان اضافه مواجب نایل گردید میرزا محمد علی سررشته دار اول فوج خاصه
سررشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد ایبوک خان برادر عسکرخان سرتیپ بمنصب سرهنگی فوج
هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور روانه خراسان شد فوج کلپایگانی و برچلو و فوج جدید خلجانی مرخص
خانه شدند

امامقلیخان ملقب

روز شنبه پانزدهم رمضان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه از قصر نیاوران تشریف فرمای شهر شده
بصحن مقدس امامزاده زید توجه فرموده تجار و اهل صناعت که در این زاویه مقدسه بفروش امتعه خود
مشغول اند هر کس متاعی نفیس و مصنوعی ممتاز داشت معروض و ملحوظ نظر انور داشته ذات معدلت
صفات مقدس هر چه را پسند فرموده خریداری شد هرات که چندی بود از تصرف سلاطین ایران
خارج شده بمیل خاطر انقیاد و در تحت تصرف آمده هزار و دویست تومان بر مواجب نواب والا نصرة الدوله
افزودند دنیق سفیدی خلوت و منصب تفنگدار باشیگری دربار همایون را مجددا به آقا محمد حسن مهردار
مرحمت فرمودند چهارصد نفر سوار ترکمن در نواحی استراباد بعزم تاخت قلعه کسا آمده بودند جمعیت بر
سر آنها رفته برخی را مقتول و بقیه منهزم شدند نواب مسعود میرزا حاکم بارفروش شد کارخانه شکر
سازی در میدان ارک ساری تمام شده در اوایل ماه شعبان قند سفیدی از شکر سرخ آنجا بپختند

حکومت

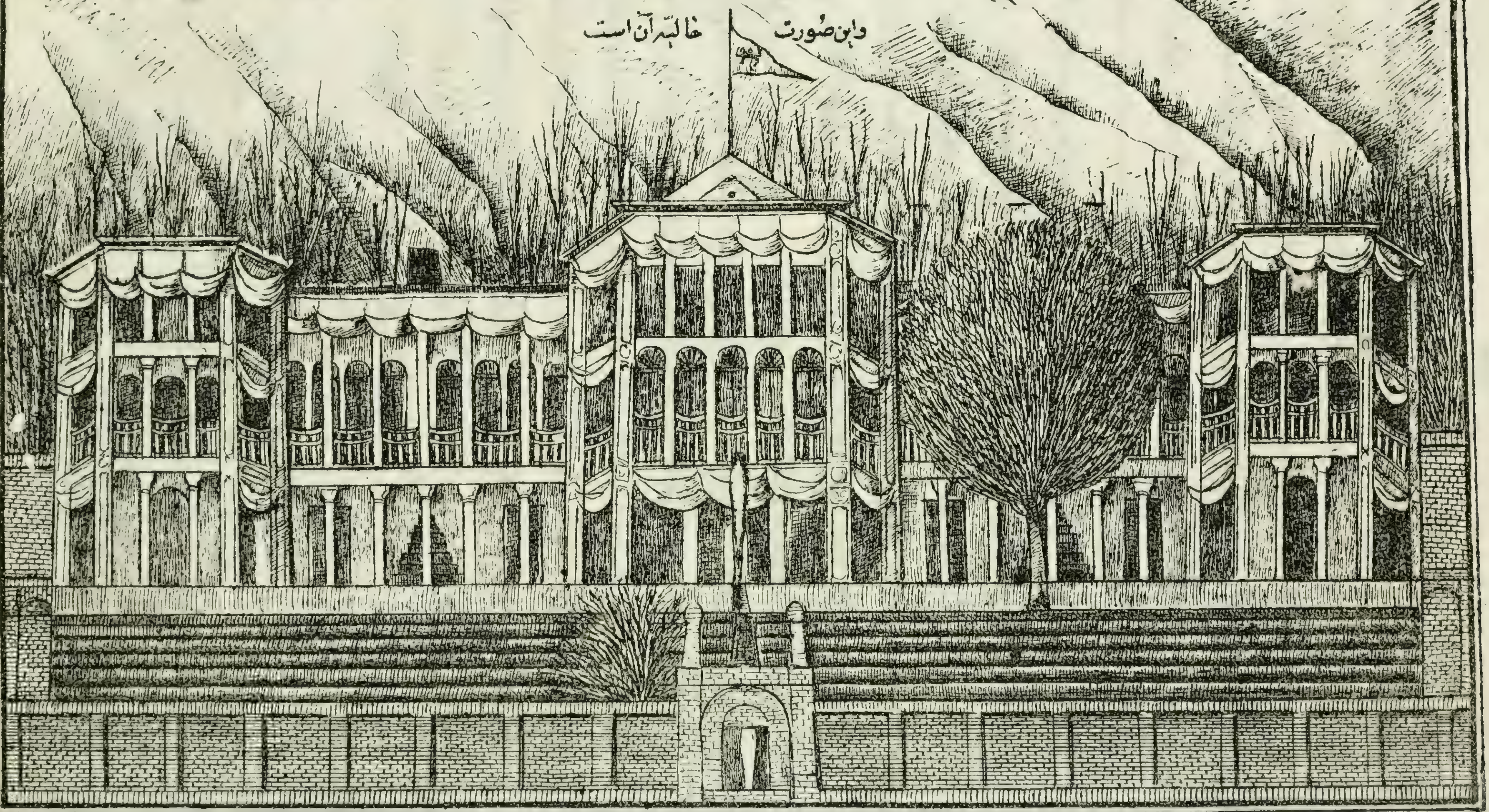
حکومت گلپایگان و خوانسار را با جودانباشی واگذار فرمودند فوج کرّه ابواب‌جمع هاشم‌خان احضار درکاب شد
چون اعراب بادیه‌نشین بغداد تعدّی بزوّار میکردند بصوابدید علمای اعلام رفتن زوّار بعتبات قدغن شد
چون حدود خراسان باهتمام اولیای دولت علیه انتظام یافته عریضه تشکر صید محمّدخان سردار حاکم هرات و
اعیان و اشراف آنجا بمصاحبت عالیجناب ملّا فیض‌الله مفتی بدربار همایون رسید دور قلعه عنایت‌آباد و سپاهی
که در سرحد ترکمان است حکم شد قلعه خندق و شهر حاجی بنا کنند دور حنظل‌آباد از دهات پشتکوه بلوک تبادکان
هم مقرر شد قلعه بسازند فوج قمشه و سمیرم و چهارمحال را آقا علیخان از اصفهان روانه دارالخلافه نمود
عمارات دیوانی کرمانشاه خاصه عرش آئین را نوّاب امامقلی میرزا تعمیر کاملی نموده است
روز دوشنبه غرّه شوّال که عید رمضان است در عمارت جدید بناوران سلام عام منعقد و طبقات خدّام بخاک
پای مبارک مشرف شدند و در این سلام یک قبضه شمشیر مرصع و یک ثوب جبه ترمه مرصع بجناب صدر اعظم
مرحمت فرمودند ساسان میرزا ولد نوّاب بهاءالدوله بلقب نوّاب شاهنشاهزاده معین‌الدین میرزا اختصاص
یافت پرویزخان سرتیپ سواره چهار دولی با سواره خود برکاب اعلی آمد محمّدقلیخان ولد مرحوم حسینخان سردار
که غلام پیشخدمت بود بیوزباشیگری غلامان مامور کرمان برقرار شد دو فوج خمسه را احضار بدارالخلافه فرمودند
در استراباد باران کی زیاد شده است پانصد نفر سوار از سرخس بعزم تاخت وارد خاک جام شده بودند سوار
جامی ایشانرا جلو گرفته و بازدو خورد ایشانرا از خاک جام بیرون نموده خان خیوق که بعزم گرفتن زکات بمرو آمده
در آنجا تمکین نکرده کار بمنازعه کشیده است عباسقلیخان بیگلربیگی که با هزار سوار و هزار نفر سرباز و دو عراده توپ
مامور تعمیر خرابی بروج آق دربند و قراولخانه‌های مزدوران و غیره شده بود آنجاها را تعمیر نموده است در تربت جام
باران کی زیاد شده و بعد تگرگی بیبارد که تخمیناً هر دانه چهار در سیر وزن داشته آمده و چهار پنج روز روی زمین مانده
شنبه ششم شوال موکب همایون از بناوران انتهاض فرموده محض تشویق و بازدید متعلمین و امور مدرسه مبارکه
تشریف فرمای دارالفنون شدند بعدها برای سرکشی افواج قاهره میدان مشق خارج دروازه دولت بمقدم مبارک
آراسته وقت عصر مراجعت به بناوران فرمودند میرزا رفیع خان فورکی نظر بحصانت قلعه فورک که از قلاع محکمه خراسان
است دم از خودسری میزد نوّاب والا حسام‌السلطنه والی خراسان پاشاخان سرتیپ با دو فوج سرباز سمنان و دامغان و
میراسدالله خان حاکم قاینات را با عدّه از سواره و پیاده خراسانی بانتظام آن صفحات مامور کرده آن حصن حصین را
که سه قلعه تو در تو بود مسخر نمودند و مثل سایر قلعه‌جات خراسان ساخلوی در آن گذاشتند میرزا رفیعخان بهرات
رفته صید محمّدخان سردار حاکم هرات را شفیع خود قرار داده شفاعت معزی‌الیه در دربار همایون عز قبول
افتاده تقصیر میرزا رفیعخان معفو و قشون و صاحب‌منصبانی که در گرفتن قلعه فورک جلادت و خدمت کرده بودند

هر یک بقدر استحقاق مورد مرحمت شدند اهالی قلعهٔ کزبک و طاقان از قلاع خراسان نیز ترک خودسری نموده از در
اطاعت درآمدند محمدحسن خان سردار بحکومت کرمان و بلوچستان و یزد سرافراز و بمکتوب جبهٔ ترمهٔ شمسهٔ مرصع
مخلع گردید احمدخان نوائی کارپرداز اول دولت علیهٔ ایران مقیم تفلیس احضار بدار الخلافه شد قاسم خان غلام
پیشخدمت خاصه بجای او رفت علیخان پسر عزیزخان آجودانباشی که بمهمانداری مشیر الدوله و مأمورین دولت خارجه
مأمور بود روانه سرحد شد نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیک قطعه نشان از مرتبهٔ اول سرهنگی و یک رشته حمایل سفید
مخصوص این رتبه نایل گردید خدمات چراغعلی خان نایب الحکومهٔ اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام
مشهود امنای دولت گردیده مورد مراحم شاهانه گردید جناب صدراعظم باغ ارغوانیه را موسوم بدولتیه کرده
در آنجا عمارت بنا نموده و بر وسعت و خوبی آن باغ افزودند میرپنجگی یک فوج از افواج قاهره را بعبدالله خان
ولد محمدحسن خان سردار مرحمت فرمودند در ششم ماه شوال در قلعهٔ نوق از قلاع خراسان سی نفر زن حسب الرسم که
از روز عید تا چند روز بتعیش مشغول اند بمحلی موسوم بمسجد نو که تقریباً نیم فرسخ از قلعه دور است رفته بودند
و مردهای آنها بجمع آوری محصول خود میپرداختند ناگاه چهل و شش نفر ترکمان از طایفهٔ اغالی و تکه طرفی بعزم تاخت
تربت شیخ جام آمده تمام نسوان مسطوره را اسیر کرده بودند که بهدادخان بیگلربیگی هزاره خبر شده با جمعی ده پانزده فرسخ
آنها را تعاقب کرده جمیعا دستگیر و اسرا را رها کردند سید محمد خان حاکم هرات قشون بفراه که قندهاری تصرف
نموده بود فرستاده قلعهٔ کاه را که هشت فرسخی فراه است بیورش گرفته اند خان خوارزم بحدود مرو آمده و در این
اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالور و ساروق پسر او را بجای او خلیفه ساخته با خوارزمی بمجادله
پرداخته اند و آنها را از حوالی قلعهٔ مرو عقب نشانده اند محمدقلی خان سرکردهٔ سوارهٔ شاهسون افشار با سواره
ابوابجمعی خود در چمن کال یاقوتی دو فرسخی مشهد مقدس چادر زده اند

از وقایع معظمهٔ اینسال [۱۲۶۸] آنکه جمعی از اتباع سید علیمحمد باب علیهم اللعنة والعذاب بریاست ملا شیخعلی نام
ترشیزی که خود را ملقب بعظیم نموده نایب باب ضلالت است بنای فساد نهاده جمعی در خانهٔ حاجی سلیمانخان تبریزی
که خود از معتقدین فرقهٔ ضاله بوده جمع و قصد کردند و آسیب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب
وجود رواج و امن و اشاعهٔ عدل و انصاف و برانداختن رسم ظلم و اعتساف است نمودند و دوازده نفر که داوطلب
شدند هر یک بسلاحی مسلح گردیدند که بنیاوران آمده در کمین و منتظر وقت باشند و باقی در خانهٔ سلیمانخان مهیا
بودند که اگر موقع فساد شود بیرون تازند و بنهب اموال و سفک دماء مسلمین پردازند و باضلال عوام و ترویج
عقاید فاسدهٔ باطلهٔ خود کوشند بنابراین روز یکشنبه بیست و هشتم شوال در وقتیکه بندگان اعلیحضرت اقدس
شاهنشاه جمجاه خلد الله تعالی ملکه و سلطانه از قصر نیاوران بعزم شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقهٔ مطرود

کردند

صورت قصر نیاوران



طپانچه و قمه مسلح شده بزی متظلمین و عارضین در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماماً بهم نپیوسته بودند جلو اسب

سواری همایون رو آورده چند طپانچه خالی کردند ولی تیرها خطا کرده مگر یکی از آنها که ساچمه

داشت چند ساچمه آن بعضی از قطعات بدن مبارک را خراشید چاکران از قبیل اسدالله خان میرآخور

و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعاظم و معارف دو نفر از آن سه نفر مطرود ملحد را گرفته و یکی را در میان

هنگامه بضرب تیغ و سنگ و چوب روانه جهنم نمودند بعد از آن سرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه عزیمت

شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیزخان اجودانباشی و حاجب الدوله والد مؤلف و کلانتر و کدخدایان

بتفحص و جستجوی دوستان فرقه ضاله پرداختند و والد غفرالله فراشان شاهی و غیره را بران داشت

که استعلامی نمایند و آنها معلوم نمودند که مسکن و مجمع جماعت مطروده خانه حاجی سلیمانخان است

بدانجا شتافتند و حاجی سلیمانخان را با دوازده نفر از اشرار دستگیر کردند و از این دوازده نفر سایر

رفقای ایشانرا معلوم نمودند و آنها را نیز بگرفتند و از خدمات بزرگ که در این وقت والد مؤلف نمود

بدست آوردن ملا شیخعلی بود و معلوم شد محمد صادق نامی که خود را باسب سواری همایون رسانید و طپانچه خود را

خالی کرد نوکر این ملعون بوده و اسباب و اسلحه حرب را او بآن خبیث داده خلاصه سی و دو نفر از فرقه

مطروده گرفتار شدند و شرعاً و عرفاً وجوب قتل اینها ثابت و عموم اهل ملت کشتن اینها را فرض عین و

وسیله فوز و فلاح و عین مصلحت و صلاح دانسته ملا شیخعلی که خود را حضرت عظیم میخواند و سر منشاء

فتنه بود علما و فضلا او را بجزای خود رسانیدند و باقی را چاکران دربار و اصناف و کسبه و تجار مقتول

و بدار البوار فرستادند و مژده سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران باصقاع بلاد ممالک

محروسه رسانیدند و برای آنکه ذات ملکوتی صفات همایون از این فتنه و خطر محروس ماند عموم اهالی

ایران جشنها گرفتند و شهرها را آیین بسته چراغان کردند و زبان حال جمله از قول مؤلف بدین بیت

لطیف که از کریمه کلام الله مجید اقتباسی منیف است رطب اللسان آمد

یرید المشرکون لیطفؤها — ویأبی الله الا ان یتمّا

بسیاری از سواره و افواج حکم شد حاضر رکاب اعلی شوند و اسب و اسلحه آنها را بازدید مواجب ششماهه

رسیدگی نمایند چون مجدداً محمد ولیخان بیگلربیگی و حکمران استرآباد و حمزه خان انزانی در تدمیر تراکمه

طاغیه شهامت و جلادتی نموده بودند بیگلربیگی بمکتوب جبه ترمه مخلع و حمزه خان باعطای یک قبضه

شمشیر یراق طلا سرافراز شده روز عید قربان سلام عام منعقد و عموم خدم و حشم و غیره بزیارت جمال

مثال مقدس فایز گردیدند محمد خان صاحب جمع وجوه خارجه عراده کالسکه‌ها با اسبهای خوب باتمام

رسانید

رسانیده و محض کرایه است و هر کس هر جا بخواهد برود ساعتی یکقران کرایه میدهد محمود خان کلانتر
بعطای یکثوب جبه ترمه مفتخر گردید محمد باقر خان پسر محمد خان میرپنجه سرهنگ فوج ششم تبریز و مخلع
شد محمد مراد خان سرهنگ فوج بیات زرند بمنصب سرتیپی و خلعت سرافراز شد زنی در تبریز در محله
شتر و مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در پیشانی بود و ابرو نداشت و دو دندان در زیر و دو شاخ در پشت
گوش و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش هم مثل موی سر گاو و از کمر به پائین سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان
بینا و کوچک گردی داشته یکساعت بعد از تولد مرده است تراکمه تکه که بسمت گوکلان رفته بودند جماعت
گوکلان آنها را متفرق و مغلوب نموده اند

روز یکشنبه هجدهم ذیحجة الحرام که روز عید غدیر بود سلام عام منعقد گردید میرزا احمد خان ناظر دیوان
که در ماموریت هرات خدمت کرده بود بیکثوب جبه ترمه مخلع شد میرزا محمد خان کارپرداز حاجی ترخان
چون در مدت ماموریت کفایت خود را ظاهر نموده بعطای یکثوب جبه ترمه مخلع شد میرزا عبدالوهاب گیلانی
بمستوفی گری و سررشته داری گیلان و خلعت همایون نایل گردید عمارات دیوانی یزد را محمد حسن خان سردار
حاکم یزد و کرمان تعمیر مینماید قنات نه گنبد میانه یزد و اصفهان را نیز تنقیه میکنند نادری قلعه شیراز را
حسب الامر بنا نهاده اند در کار تمام کردن آن هستند

١٢٦٨
هم در اینسال در شانزدهم رمضان المبارک در محروسه غباری ظاهر و روز بروز در تزاید بود و چنان
غلیظ شد که اکثر روزها از صبح تا شام آفتاب پیدا نمیشد و بعضی روزها طوری روشنی که بود که در ده قدم
آدم ممکن نبود تشخیص بدهند مگر باواز و صدا اما از دو ساعت از شب گذشته غبار بر کنار رفته و در هوا
جو هوا اعتدالی نمودار میشد ولی با این غلظت غبار و احتباس چون گرمای زیاد نبود چندان مورث صدمه
نشد بجهت اطفال ارامنه تبریز در خیابان کلیسا حکم شد مدرسه بنا زنند میرزا فضل الله وزیر نظام
کرد دو عراده توپ سرپر بلند قد که در تبریز ریخته پیشکش کرد و الحق توپهای خوبی بود بیکثوب جبه ترمه
مخلع و سرافراز گردید حسب الامر مقرر شد تومان بیگی کل افواج قاهره را نمایند و روی بیرقها اسم و عدد
تومان افواج نقش شود و نیز بعضی از افواج قاهره را بمیرپنجه ها سپردند که در انتظام کار آنها ساعی باشند
با آنکه پنجسال است در فارس ملخ خوارگی میشود انواع نعمای الهی در آن مملکت وافر است در جبه خانه
شیراز تفنگهای خوب میسازند در کازرون مولودی متولد شده که سر آن بشکل گربه و بدنش تمام مثل
پلنگ منقش و انگشتها بهم بافته یک پای او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او یک وجب و نیم دندان هم داشته که گاهی
گریه میکرده بعد از یکروز مرده است انجام امور قورخانه و جبه خانه و مدرسه دار الفنون و ملبوس

نظام را بعهدهٔ محمد خان بیکلربیکی و سرپنجه محوّل وموکول فرمودند حاجی مبارک بلقب خانی ومنصب سرتیپی سواره نا نکلی وهداوند وکنکرلو نایل کردید پادری یحیی پیشوای ملت کاتولیکی عیسوی درجلفای اصفهان درکذشت وچون نهایت آدم خوبی بود ارامنه ومسلمان هم متاسف شدند

وقایع عمده که در این سال در ممالک خارجه واقطار عالم اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

در این سال[۱۲۶۷] ایجاد راه آهن مابین کانادا وبستن شد کتابخانهٔ دولتی در این سال آتش کرفت

اسپانیا

وکلای ملت در این سال عزل شدند ناروایز صدر اعظم دولت اسپانیا استعفا نموده موردی بجای او منصب شد ژنرال بلیز که بقصد تسخیر جزیره کوبا از متصرفات ینکی دنیائی اسپانیول بایجاد رفته بود کرفتار شده درهمان پای تخت جزیره کوبا مقتول شد شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیا متولد شد

المان

در این سال[۱۲۶۸] مجسمه فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند ایالات ههن زلرن بمملکت پروس الحاق شد طایفه یهود با عیسویان در حقوق ودرجه مساوات بهم رسانیدند وحال انکه تا انزمان دارای این امتیاز نبودند ارنست اکوست پادشاه هانور درسن هشتاد ویکسالکی درکذشت وژرژ پسرش با انکه کور مادرزاد بود بسن سی ودوسالکی بجای او جلوس نمود

انکلیس

در این سال[۱۲۶۸] در انکلیس قبول کردن از طایفه یهود را بسمت وکالت در هیئت مجلس پارلمان تصدیق کرده بود ولی مجلس لردها قبول نکرده رد نمودند اکسپوزیسیون عمومی در لندن در عمارت بلور درهاید پارک که از باغات بزرک عمومی شهر لندن است افتتاح یافت ومدت پنجماه این اکسپوزیسیون برقرار بود لرد پالمرستن وزیر امور خارجه استعفا نمود در شمال دماغه امید در افریقا که از متصرفات انکلیس است جنک سختی مابین حاکم انجا با طایفه کافر اتفاق افتاده عهدنامه دوستی وتجارتی با جزایر سندویچ بسته شد معدن طلا درکوهستان شرقی استرالی منکشف کردید تلکراف بحری از انکلیس بفرانسه از زیر دریای مانش کرفتند دوور وکاله را بهم وصل میکند امتداد یافت از اهالی ایرلاند مهاجرین زیاد بسمت ینکی دنیا رفتند چنانکه در این سال شصت وپنجهزار خانه انجا بی سکنه بود وتمام اهالی خانه‌های مزبوره به ینکی دنیا رفته بودند لنکارد مورخ فوت شد جمعیت تمام جزایر انکلیس در این سال بیست وپنج کرور ودو بیست وسی وهشت هزار

و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است

پرتغال

در اینسال ۱۲۶۸ مارشال سالدانا که برخلاف رای پرتغال مهبود بزور اسلحه دولت را مجبور کرد که کنت تماد صدر اعظم را معزول کنند و خود بجای او بصدارت منصوب شد

دانمارک

ایجاد مجلس وکلای رعیت و بنیان قانون جدید ازلند که متعلق بدانمارک است

ارستت معلم علم طبیعی در گذشت ما بین دولت دانمارک و ایالتین اسلشویک و هلستن صلح شد

روس

در اینسال دولت روس مصمم است از دشت قرقیز بسمت خیوه قشون کشی نماید

سوئد و نروج

در اینسال ۱۲۶۸ در ایالت نروج طایفه یهود را قبول نمودند

عثمانی

در اینسال ۱۲۶۸ نقاری ما بین دولت عثمانی و اتریش بجهة آزاد کردن کسوت که از اشرار مجارستان بود و پناه بخاک عثمانی برده حاصل شد امیر بشیر از رؤسای لبنان فوت شد در اینسال کسوف آفتاب را عثمانیها بفال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که انرا اثری نیست مردم اعتقاد نکردند

فرانسه

در اینسال ۱۲۶۸ ذوالقعده شان گارنیه از سرداری قشون پاریس معزول شد در پاریس و بعضی دیگر بلاد فرانسه شورشی برپا کردید دو دو شهر پاریس ایجاد راه آهن نمودند برای صاحبمنصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی در حال حیات اند مرسومات تعیین نمودند برای تنبیه طایفه قبیلی که از اعراب الجزایر اند قشون فرستادند مارشال سباستیانی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند راه آهن تور و پواتیه برقرار شد ودایر بنای بازار فروش ماکولات در پاریس نمودند یکصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند وکلای ملت عزل و انتخاب وکلای تازه و تغییر وضع جدید در دولت نمودند بعمل علمای ملت پانزده کرور رعیت فرانسه ملت رضا است لوی ناپلیون رئیس جمهور را ده سال قرار دادند جمعیت فرانسه در اینسال هفتاد و یک کرور و هشتاد و یکهزار و هشتصد و بیست و یکنفر بود ودولت

مصر

ایالت مصر قبول تنظیمات جدیده را نمایند بتوسط کمپانی انگلیس راه آهن از اسکندریه بقاهره ایجاد شد

مکزیک

شورش و انقلاب در اغلب بلاد این مملکت پدیدار آمد دولت انگلیس با کمال تشدد مطالبه طلب خود را مینماید

ینکی دنیای جنوبی

ژنرال اشپنلک در پیرو ریاست یافت عهدنامه مابین منتویدو و بوزیل برقرار گردید

وقایع سال ششم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران روحنا فداه مطابق سال هزار و دویست و شصت و نه هجری

سیچقان ئیل ترکی

توجهات خاطر خطیر همایون شید الله تعالی دعایم ملکه و امنای دولت علیه در اینسال خیرمآل ۱۲۶۹ از بدایت امکان بفراغت عموم رعایای ممالک محروسه و آسایش عباد و معموریت و رونق بلاد بود

هم در اینسال ۱۲۶۹ ارازخان ترکمان با شصت نفر از روسا و ریش سفیدان تراکمه سرخس برای تعهد خدمتگذاری بمشهد مقدس آمده در خدمت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان با حضور علیقلی خان میرپنجه و سام خان ایلخانی و عباسقلی خان دره جزی بیگلربیگی قرار دادند که ارازخان با پنجاه نفر از ریش سفیدان سرخس علی الدوام در مشهد مقدس باشند و پنجاه نفر دیگر از آنها غلام پیشخدمت و غلام بوده اسبهای خود را داغ کنند و همیشه مشغول خدمت باشند و یکصد نفر دیگر از آنها در قراولخانه های انصفحات مستحفظ و مشغول حراست راهها شوند و از جانب نواب معظم والی خراسان نسبت بآنها هرگونه التفات مبذول گردید نسخ لرستانی از لحاظ نظر مهر اثر مبارک گذشته مورد تحسین شد اشرار لرستان را نواب والا احتشام الدوله تنبیه نمودند عمارات مرحوم عبدالله میرزا را در زنجان همچنین دروازه های شهر را که در مقدمه طایفه ضاله بابیه خراب شده بود حسب الامر امیر اصلانخان حاکم خمسه تعمیر مینماید الآن حرب اسباب نظامی را این اوقات در قورخانه و جبه خانه دارالخلافه بهتر از سابق میسازند نیز دو کارخانه بلورسازی و چینی سازی خوب کار میکنند و مخصوصاً در باب این دو کارخانه سفارشات بمحمدخان میرپنجه شد که در ترقی و تشویق عملجات اهتمام نماید صد و پنجاه نفر از تراکمه باطراف خبوشان برای تاخت آمده بودند یزدانوردیخان

برادر سامخان ایلخانی ایشانرا منهزم و چند نفر را نیز مقتول ساخت محمد کریم میرزا از جانب علیخان بسطامی
عریضه خدمت نواب والا حشام السلطنه نوشته که او را بخدمتگذاری دولت علیه قبول کنند و یک بیرق نشان
شیر و خورشید برای سواره او مرحمت شود که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و پس از نجح این دو مرام متقبل
گردید که هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است نظم آن بر عهده او موکول و اگر خلاف نظمی شود مسئول
باشد همچنین کویهادخان بیگلربیگی هزاره دو هزار خانوار هزاره و باخرزی با پسر خلیفه مرو و کدخدایان
ساروق و سالور روانه بطرف ارض اقدس نمود تا خوشی و با از خوی و سلماس بتبریز سرایت کرده
شب پنجشنبه ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه بود در دار الخلافه
و سایر بلاد و ممالک محروسه جشن گرفته چراغان و آتشبازی و سایر لوازم عید را معمول داشتند جمعی
از سرکردگان که از خدمت خراسان مراجعت کرده بودند هر یک بفراخور بانعام و خلعت خسروانه نایل گردیدند
نواب احمد علی میرزا بجوار رحمت الهی پیوست فوج جدید خمسه بسرتیپی میرزا ابراهیم خان خمسه سان داده مقرر
شد تفنگ و فاسقه و اسباب بایشان داده شود که مشغول مشق شوند سرکردگان آذربایجانی که احضار
رکاب عالی شده بودند مخلع گردیدند از غرایب آنکه در مزرعه بوف آباد از توابع هرون آباد من اعمال کرمانشاه
زمینی که پنجاه خروار گندم پاک کرده داشته و صاحبان آن حاضر شده که حمل نمایند یکدفعه مانند سنگ
آسیا بچرخ افتاده بزمین فرو رفته بطوریکه روز دیگر چند ذرع زمین را کندند آثاری فی الجمله از گندم بود
بعد آن آثار هم بکلی محو و معدوم شد و اشخاصیکه حاضر بودند و اینواقعه را دیدند طوری وحشتی و دهشت
بر ایشان غالب شد که یکنفر از ایشان بمرد و باقی مدهوش شدند چاپارخانه در ساری و اشرف میسازند
پنج سیر تخم پنبه دانه ینگی دنیائی در بلوک خوار کاشتند و یکخروار و پنجاه من جوزق بر داشتند و دانه های
جوزق را که در بعضی از بته های او شمرده بودند دویست و پنجاه و دویست و هشتاد بلکه سیصد دانه
جوزق داشته میرزا سعید خان مؤتمن الملک دبیر مهام خارجه بیکقطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه سرتیپی
اول و حمایل سرخ از مرتبه مزبوره سرافراز شد جمعی از تراکمه بتاخت صفحات خراسان آمده بودند محمد رحیم خان
حاکم بجنورد خبر شده ایشانرا منهزم و بعضی را مقتول نمود بعضی از طایفه کاکاوند و خالدوند لرستانی
که مصدر شرارت بودند نواب ایلدرم میرزا بحکم نواب والا احتشام الدوله تنبیه نمود و بعطای یکجبه ترمه
خلعت همایون سرافراز گردید امیرزاده ابراهیم میرزا که در انتظام امور عربستان و ساختن نهر هاشم
و بستن سد و غیره خدمات کرده بود نیز بیک ثوب جبه ترمه خلعت همایون مفتخر گشت حاجی قوام الملک
بعصای مرصع مفتخر گردید مدرسه مبارکه دار الفنون را رونقی زایدا ما کان است متعلمین دانای

سر مرتبه امتحان میکنند و اغلب امتحانات در حضور باهر النور مبارک است شاگردها خوب ترقی کرده اند
عمل جبه خانه دار الخلافه نیز باهتمام حاجی محمد حسین جبه دار باشی بنهایت منظم و ماهی یکهزار قبضه تفنگ
بسیار اعلی در آن ساخته میشود نواب والا امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان را ملقب بعماد الدوله فرمودند
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با یکرشته حمایل سرخ که مخصوص این
رتبه است نایل گردید محال فریدن باهتمام چراغعلیخان انتظام یافته و قلعه علی محمد خان را که حصانت آن
موجب شرارت مشار الیه میشد کوبیدند

موکب همایون روز شنبه هفتم ربیع الاول عزیمت شکار کن و سولقان فرموده چند روز در آنجا توقف
نمودند جناب صدر اعظم ملتزم رکاب میباشد سربازان پشت کوهی را که همه جوانهای رشید خوش اندام
بودند عباسقلیخان پسر احمدخان والی اردلان نظر انور گذرانید زین العابدین خان بیرانوند چهارصد
نفر سرباز جدید از طایفه بیرانوند گرفته از نظر اقدس اعلی گذرانید چند نفر از خوانین بلوچ که انقیادی
نداشتند بوسایط نزد محمد حسن خان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند
امور گیلان باهتمام عیسی خان والی حکمران گیلان منظم است میرزا فرج الله خان آجودان توپخانه حسب الامر
مامور ساختن برجی جدید در انزلی و ریختن نه عراده توپ شده برجی بزرک در کمال خوبی و استحکام بساخت
و دو لوله از توپها را ریخته زاید الوصف پاکیزه و صاف است محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی (جناب
ظهیر الدوله) بیکثوب جبه ترمه مخلع گردیدند میرزا زکی سررشته دار اصفهان نیز بیکثوب جبه ترمه
کرمانی نایل گردید نقیخان پسر حاجی حسنعلی خان بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز و مخلع شد چهارصد
نفر سرباز فوج بهادران باتفاق اصلان بیک یاور مامور بندر بوشهر شدند در شیراز بارانهای
زیاد باریده است نقاره خانه سر در بازارک جدید البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند چند نفر
از ریش سفیدان طایفه آخال تراکمه در ارض اقدس خدمت نواب والا احتشام السلطنه والی خراسان رفته از جانب
کل تراکمه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند بیست و پنج نفر
سوار ترکمان طرفی بعزم تاخت بسمت کلات آمده جعفر آقای کلاتی انها را منهزم و بعضی را مقتول کرد
در ماه ربیع الثانی این سال میرزا سعید خان مؤتمن الملک بمنصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابی
و خلعت همایون سرافراز شد محمد خان مصلحت گذار دولت علیه مقیم اسلامبول مرحوم شده حاجی میرزا
احمدخان نایب دویم وزارت دول خارجه مخلع شده بجای او رفت میرزا بزرک قزوینی که سابقاً پیشکار
مرحوم حاجی میرزا آقاسی بود بمنصب کارپردازی ارزنة الروم برقرار و مخلع گردید میرزا ربیع مستوفی

بوجود یکثوب جبه ترمه کرمانی سرافراز گشت جان محمد خان حاکم ادومی نیز بخلعت همایون سربلند آمد
جناب نظام الملک باعطای یکثوب لباده ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید نواب والا احتشام الدوله باعطاء
یکقطعه نشان مرتبه اول میرپنجگی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه مفتخر گردید احمد خان نوائی کار
پرداز سابق تفلیس بیکثوب جبه ترمه درجه افتخار یافت مریضخانه دایر و مرضی را در آن بخوبی معالجه میکنند
مخصوصاً میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام عده کثیری از مرضای افواج و سایر عساکر منصوره و غیرها را باحذاقت
علاج نموده صاحب منصبان بزرگ نظام حسب الامر روزها بعد از فراغ از مشق بمدرسه مبارکه دار الفنون
آمده نزد کلنل معلم کل علم جنگ میخوانند شیرخان ولد خان خانان (اعتضاد الدوله) بمنصب سرتیپی سواره استراباد و خلعت
همایون سرافراز شد سرکردگی سواره شاهسون مشکین را به بیوک خان ولد قاسم خان کراباغی جق
بمنصب ایلبیگی گری شاهسون مشکین منصوب است مرحمت فرموده مشارالیه مخلع گردید میرزا علی اکبر
خان سرهنگ فوج خاصه باعطای یکطاقه شال سرافراز گردید نواب والا اعتماد الدوله حکمران کرمانشاهان تخم
برنج عنبربوی مازندران را بزارعین کرمانشاهان داده کاشته اند و بسیار خوب عمل آمده است

روز یکشنبه سیزدهم ربیع الثانی بندگان سرکار اعلیحضرت همایون تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون
شده متعلمین در حضور مبارک امتحان دادند و در این امتحان با اینکه مؤلف صغیر السن بوده باطلاقت
لسان امتحان داده مورد مرحمت گردید میرعزیز خان بلقب دریابیگی ملقب و مخلع شد چون ایل شاهسون
از طهماسبقلیخان ایلبیگی شاکی شدند او معزول و رستم خان بخلعت همایون نایل و بجای او منصوب شد قراولخانهای
دار الخلافه سپرده بمصطفی قلیخان و سربازان مشارالیه شد نصرالله خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب الملک
بمنصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز شد ناخوشی وبای آذربایجان رفع گردید در آنجا مازندران
کلوله‌های بسیار خوب ریختند یکصد نفر سواره بلوچ بسر راه یزد و کرمان آمده بودند شیخعلیخان نایب
الحکومه آنها را منهزم و برخی را مقتول نمود دختری در کرمان متولد شد که سر سگ داشت و پاهای آن کج و کف
پای او با پشت پا متصل و فقط یکساعت زنده بود در کرمانشاه کره الاغی متولد شد که یکسر و دو تن داشته و تمام
اعضای دو تن از هم منفصل بوده دارای چهار دست و چهار پا و دو دم ولکن زنده نمانده است محمود خان
قراگوزلو (جناب ناصر الملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت علیه مامور سنت پطرزبورغ که احضار شده
بود نظر بخدمات لایقه باعطای یکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل سرخ سرافراز گردید محمد صدیق
خان پسر یار محمد خان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان و غیره که بدربار همایون آمده بودند بخلاع فاخره
مفتخر گردیدند سلیمانخان سهام الدوله مسیحی که از قدیمی خدمتگذاران دولت علیه بود مرحوم شده

باحترام تمام اورا دفن کردند مسیو بره مامور تعلیم افواج کرمانشاهان چون درست از عهدهٔ این خدمت
بر نیامده احضار شده پیشین صاحب بجای او مامور شد در گیلان ناخوشی وبا بروز نمود هفتاد نفر
رؤسای تراکمهٔ مرو بخراسان آمده استدعای نوکری و خدمت بدولت علیه نموده مستمال مراجعت کردند
روز پنج شنبه بیست و چهارم ربیع الثانی موکب همایون تشریف فرمای جاجرود گردید جناب صدراعظم و خواص
رجال و خدم در رکاب اعلی بودند روز چهارشنبه سلخ موکب ظفر کوکب خسروانه بمقر خلافت عظمی معاودت
فرمود میرزا فتحعلیخان مستوفی بیکثوب جبهٔ ترمه مخلع گردید

روز پنجشنبه سیم جمادی الاولی متعلمین مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون در حضور مبارک امتحان دادند بارون
کومنس صاحبمنصب دولت استریه که دو ساله بخدمت این دولت آمده بود قبل از انقضای وقت مستدعی شد
که او را رخصت معاودت دهند لهذا پانصد تومان انعام و شصت تومان قیمت یکطاقه شال علاوه بر
سایر مراحم در حق او مبذول داشته او را مرخص فرمودند سوارهٔ بختیاری و باجلان را ابوابجمع نور محمد خان
سرتیپ نمودند در این اوان بارندگی زیاده در دار الخلافه شد در سنندج کردستان زوجهٔ سید محمد نام
در حالتی که حامله بود ناخوشی غریبه باو عارض شده باین معنی که از بن موهای سر او خون جاری بود اطبا
از معالجهٔ او عاجز شده حکیم حق نظر ولد حکیم اسمعیل گفت او را فصد کنند بعد از فصد هم رعاف خواهد
کرد و دفع ناخوشی او خواهد شد او را فصد کردند و چنان شد که حکیم مشار الیه گفته بود و شفا یافت
یکثوب قبای نظامی سرتیپی و یکقطعه نشان نقره از مرتبهٔ اول این منصب و یک رشته حمایل سرخ و سفید مخصوص
این مرتبه از طرف قرین الشرف ملوکانه بنواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا صاحب اختیار بروجرد و عربستان و لرستان
و بختیاری مرحمت شد حاجی علیخان حاجب الدوله و المؤلف باعطای یکثوب خرقهٔ ترمهٔ بطانه پوست مفتخر
گردید محمد تقیخان معمارباشی چون در ساختن توپخانهٔ جدید و تعمیر عمارات دیوانی خدمات کرده بود بیکثوب
جبهٔ ترمه مباهی گشت محمودخان سرتیپ نایب اول اجودانباشی (جناب ناصر الملک) مورد مراحم ملوکانه شد
فوج جدید قراگوزلو ابوابجمعی احمدخان ولد معزی الیه و سواره نظام بزرگردی امان الله خان (بهاء الملک) برادر
محمودخان را بمعزی الیه سپردند نور محمدخان قاجار بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع شد زین العابدین خان
بهرانوند که بمنصب سرهنگی سرافراز گردیده بعطای یکطاقه شال مفتخر گردید عبد الحسین خان اشرفی
نایب ایشیک آقاسی باشی شده مخلع گردید مسیو ستانبو طبیب انگلیسی که در آذربایجان مواظبت تمام در معالجه
مرضی نموده بود پنجاه تومان بر مقرری سالیانهٔ سابق او که دویست و پنجاه تومان بود افزودند و صد تومان
هم بعنوان پول دوا قرار شد هر ساله باو مرحمت شود و یکطاقه شال ترمه نیز مخلع گردید یک قبضه تفنگ انگلیسی

بسیار

بانتظام

بسیار ممتاز بسام خان ایلخانی خراسان مرحمت فرمودند نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس حسب الامر بکرمانشاهان
رفتند و حاجی قوام الملک را نیز بسمت دشتستان فرستادند افراسیاب خان نوری با سواره ترکمان که تا
از نصفهانات آمده بودند محاربه کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده دستگیر و بقیه را منهزم کرد نواب والا
عماد الدوله حاکم کرمانشاهان بسرکشی سرحدات رفت چون مامورین تحصیلین بحکام هرز و موجب ایذای اهالی و
آزار و اضرار رعایا بود حسب الامر مامور شدن محصل چه از دربار همایون و چه از حکام ممالک بولایات
ابو الجمعی خود موقوف و ارسال و مرسول احکام قضا نظام مقرر شد بتوسط چاپاران باشد روز یوزدهم
جمادی الاولی جناب کلنل شیل ایلچی وزیر مختار دولت انگلیس از دار الخلافه روانه مملکت انگلیس شد و طامس
صاحب منصب شارژدافری دولت انگلیس در دار الخلافه باهره اقامت نمود میرزا فضل الله وزیر نظام آذربایجان
بدربار همایون آمده بعد از شرفیابی بمراحم مخصوصه و عطای یکثوب جبه ترمه اعلی سرافراز گردید و مقرر شد بعد
از پانزده روز توقف در دار الخلافه نماید و بجهة انتظام امر قشون آذربایجان بان مملکت معاودت کند
ملک الکتاب نیز باعطای یکثوب جبه ترمه نایل و مفتخر گردید میرزا صاحب معلم سواره نظام که هر روزه پانصد
نفر سواره نظام را در میدان در کمال خوبی مشق میدهد بعد از فراغت از مشق سواره مزبوره هر روز بمدرسه دار
الفنون آمده از روی کتاب بصاحب منصبان و چند نفر شاگردان مدرسه تعلیم مشق سواری مینماید چون
در آبادی کرد را وحی ناخوشی وبا بروز کرده اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شدند محض رعایت اهالی چهار هزار
تومان نقد و دویست خروار جنس تخفیف بایشان مرحمت شد ابراهیم خان نوری سرهنگ فوج قزوین که
سالها خدمت کرده بود بمنصب سرتیپی فوج برخوار و ماربین و فریدن اصفهان سرافراز و مخلع گردید
عباسقلی خان را سرتیپ فوج دلفان و پشت کوه فرموده و بعطای خلعت همایون مباهی شد امان الله خان
سرکرده سواره قراگوزلو بخلعت همایون نایل گشت در مازندران و اصفهان و خراسان باران زیاد شده
ماهی هزار من شکر سفید بسیار خوب از مازندران حمل بدار الخلافه میشود مرحوم اعتماد السلطنه والد
مؤلف که در آنوقت حاجب الدوله لقب داشت در این سال مامور ساختن عمارت دوشان تپه گردیده در روی
تپه مزبوره عمارتی بنا نمود و چون در انجام این خدمت مساعی جمیله نموده بود روز یکشنبه دوم ماه جمادی الثانیه
که موکب همایون تشریف فرمای دوشان تپه گردیدند بعد از ورود بعمارت جدید یکثوب کلیجه ترمه پوستی
مبارک را بحاجب الدوله مرحمت فرمودند و از آن اوان الی الان بر عمارات دوشان تپه افزوده شده

وصورت ابنیه و عمارات عالیه

اینست

صورت قصر دوشان تپه



عمارت دوشان تپه حالا بهترین ابنیه از بناهای این دولت ابد آیت است ومرحوم اعتماد السلطنه والد مؤلف غفره الله بامر همایون بنای آنرا نهاده وخیلی برآن افزوده اند وهرچه
بعد برآن افزوده شده در ضمن سنوات آتیه بیاید

هم دران روز موکب همایون از دوشان تپه تشریف فرمای قصر قاجار شدند کل قشون متوقفه دار الخلافه از توپچی و افواج قاهره و سواره نظام در نزدیکی قصر قاجار حاضر بودند و در حضور همایون مشق و حرکت نمودند و سبک و حرکت مشق آنها زاید الوصف پسند خاطر همایون شد اولا یک ثوب کلیجه ملبوس تن مبارک را باجودانباشی مرحمت فرمودند و بعد چون معلمین فرنگی که در فنون مشق قشون ظفر نمون اهتمام کرده بودند یکطاقه شال کشمیری بکلنل مطرات سو معلم کل و یکطاقه شال کشمیری نیز بکربتش صاحب معلم توپخانه و یکراس اسب از اسبهای خاصه بنمبرا صاحب مرحمت فرمودند و نمبرا صاحب یکدست زین و یراق که بجهت نمونه از برای سواره نظام ساخته بود بحضور مبارک آورده پسند افتاد و سواره نظام که بلباس ماهوتی و کلاه برنجی که همان روز بآنها داده شده بود ملبس گردیده با شکوه و آراستگی تمام بنظر آمده مورد تحسین شدند.

این اوقات یکروز جناب صدر اعظم و جناب نظام الملک و آجودانباشی و جمعی از امرا و صاحبمنصبان بزرگ نظام بمجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلیخان معیر الممالک دایر نموده رفتند و پیش از وقت داخل کارخانه کالسکه سازی که بمباشری محمد قلی بیک دران کالسکه های خوب ساخته میشود شدند و پس از ملاحظه خدمات مشار الیه را تحسین و تشویق نمودند پس از آن در کارخانه مجمع الصنایع رسیدگی بصنایع صاحب صنعتان نمودند و در حجره خواجه احمد ساعت ساز یزدی که از مشاهیر صاحب صنعتان ممالک ایران است نشسته چای و شیرینی صرف نمودند و چون حسن صنایع خواجه مشار الیه در نظر جناب صدر اعظم و امنای دولت جلوه زیادی کرده کمال تحسین و تمجید را نموده یکصد تومان بر مواجب او افزودند درین کارخانه اغلب صنایع از قبیل آلیمیت سازی و زردوزی ملبوس نظام و بریدن و دوختن آن و ملیله سازی عمل چین که زرکشی و زردوزی مخصوص ممتاز است و نقاشیهای بسیار اعلی و تفنگ سازی و چخماق سازی و قداره سازی بسیار خوب رونق گرفته و معیر الممالک در ترقی کلیه صنایع مسطوره ساعی میباشند

درین اوقات چون سامخان ایلخانی عزم تقبیل عتبه علیه کرده بود اشرار ترکمن سرحد قوچان را خالی از نوکر فرض کرده قصد تاخت و تاراج آن نواحی نموده بودند یزدان وردیخان خبر شده جلو آنها را گرفته بسیاری را مقتول و باقی را منهزم نمود

شب دوشنبه دهم جمادی الثانیه یکساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب ببرج حمل تحویل نمود و هنگام تحویل سلام خاص در حضور همایون منعقد گردید روز دوشنبه که روز عید نوروز بود سلام عام انعقاد یافت و خاص و عام بزیارت جمال مبارک شاهنشاهی فایز شدند اسکندرخان سردار را بحکومت خوی منصوب فرمودند میرهاشم خان حکومت نهاوند یافت و سرکردگی سواره خزل بمیر مطلب خان

پسر هاشم خان تفویض شد چون سال گذشته پنجاه هزار تومان تخفیف برعایای فارس که بواسطهٔ ملخ خوارگی
خسارت کشیده بودند مرحمت شده بود میرزا عبد الله خان را مأمور فرمودند که بان مملکت رفته رسیدگی
کند که مبلغ مزبور باهل استحقاق رسیده یا نه همچنین تحقیقی از مستمریات و وظایف نماید که بصاحبان آنها
چگونه میرسد همچنین میرزا حسین میرزا بنهاوند مأمور کردند که او نیز رسیدگی بحساب آن ولایت نماید و معلوم
کند تخفیفی که برعایای نهاوند مرحمت شده بارباب استحقاق رسیده یا حیف و میلی در آن شده است
چون در سنهٔ ماضیه در آذربایجان رعایا بواسطهٔ بروز ناخوشی وبا مبتلا بضرر و خسارت شده بودند
محض تفضل دوباره آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته سیچقان ئیل
و ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه اودئیل تخفیف بایشان مرحمت شد نیز یکهزار
تومان باسکندر خان سردار مرحمت فرمودند که عمارات دیوانی خوی را که قریب الانهدام بود تعمیر نماید
خلیفه عبد الرحمن خلیفهٔ مرو پسر خود را با پنجاه نفر از رؤسا و کدخدایان مروی خدمت نواب والا حسام
السلطنه حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد مینماید و مستدعی است حاکمی از برای مرو از جانب اولیای
دولت علیه تعیین شود اردوئی که با عبد الله خان میرپنجه ببلوچستان رفته بود از بمپور و قلعهٔ سرباز
و تمامی خاک بلوچستان تجاوز کرده بقلعهٔ سورمیج حوالی مکران رسیده و در هر جا طایفهٔ بلوچ از
بادیه نشین و غیره متقدم بخدمات پرداخته اند سردار علیخان سیستانی که همیشه انقیاد (اظهار) بکارگذاران
این دولت جاوید شوکت مینماید این اوقات که امیر علم خان قاینی و حسن خان جلیل وند بسیستان
وارد شده اند بیرق دولت علیه را در سر قلعهٔ کوهک که از قلاع معظمهٔ سیستان و محل توقف خود سردار علیخان (است)
نصب کرده و پسر خود را با پسران دوستمحمد خان و ابراهیم خان سیستانی باسم گروی بمیر علم خان سپرده خود را
یکباره در ظل حمایت و ربقهٔ انقیاد این دولت ابد آیت کشیده
چون شاهنشاهزاده اعظم معین الدین میرزا بمنصب و لقب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این اوان رسماً
این معنی انتشار یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند محمد حسن بیک پسر مرحوم محمد خان مصلحت
گذار سابق دولت علیه مقیم اسلامبول بمنصب نیابت مصلحت گذاری اسلامبول سرافراز شد حاجی محمد
رحیم خان را مأمور بندر عباسی و انتظام آن صفحات فرمودند نواب والا مؤید الدوله را حکمرانی ولایت
همدان دادند از غرایب آنکه در بروجرد در اول حوت هوا فوق العاده گرم شده و سه روز بعد نود روز
مانده برف شدیدی باریده که پیر مردان نظیر آنرا بخاطر ندارند و بعد از این برف بارانهای بموقع باریده
مایهٔ اطمینان رعایای آن صفحات شده است در خاک فارس احمد خان تنکستانی که دم از خودسری میزد

بعد از ورود حاجی قوام الملک و آقاجان خان سرهنگ فوج بهادران بدشتستان چون صفدری ندید پناه بر توپخانه مبارکه برده اظهار عبودیت نمود دولتمراد خان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان طایفه ساروقی است با بیست نفر دیگر بارض اقدس بخدمت نواب والا احتشام السلطنه آمده مستدعی است که بخدمتگذاری این دولت علیه قبول شود و چون سایر تراکمه که در خدمات این دولت اند مشغول خدمتگذاری گردد مسیو بیشه معلم قشون که بجهت تعلیم قشون کرمانشاه که در این وقت در سرحد ذهاب میباشند رفته بنهایت در خدمات مرجوعه ساعی است میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری را با اسب و اسلحه بسیار ممتاز از سان مبارک گذرانده با عطای کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردید مبلغ پانصد تومان بر مواجب نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران افزودند نواب شاهزاده جهانگیر میرزا مرخص شد که بزیارت مکه معظمه زادها الله تعالی شرفا و تعظیما مشرف شود کتب طبع شده مجالس المتقین و حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم و سماء عالم جلد چهارم بحار و مجمع البیان و تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و شاهنامه و خمسه نظامی و دبستان المذاهب داود خان بحکومت ارامنه و نصارای سرحدات ارومی و سلماس و خوی سرافراز گردید سلیمانخان چون خدمات بدولت علیه کرده بود بعد از وفات او جهانگیرخان و نریمانخان ولدان او مورد مرحمت شده جهانگیرخان را بمنصب سرتیپی و نریمانخان را بنیابت اول آجودان باشی مفتخر فرمودند حاجی میرزا علینقی باغمیشه بکلانتری تبریز برقرار شد محمودخان سرتیپ نایب اول آجودانباشی مامور سنت پطرزبورغ این اوقات حسب الامر بمحل ماموریت خود روانه میشود صد و دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این اوقات در مریضخانه دولتی باهتمام میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت یافتند گرگ آدمخوار در محالات خمسه همیشه اوقات هست این اوان زیاد شده چنانکه طفلی دوازده ساله را در زنجان گرفته خورده است قشون ظفرنمون که بطرف مکران رفته بودند قلعه مکران را که از قلاع صعبه مستحکم است تصرف نموده و سردار دین محمد خان که مقدم بزرگان بلوچ است بدون اظهار مخالفت و اقدام بخلاف از در تمکین و اطاعت در آمده است تاکنون بصفحات مکران کسی قشون نبرده بود در قلاع و نواحی مکران قریب دویست هزار ایل تمکن دارند روز چهاردهم ماه رجب در میدان اسب دوانی در حضور همایون اسب دوانی بسیار خوبی نمودند سلیم خان و حاجی جابرخان مامور خدمات محمره و آنحدود در ماموریت نظم آن نواحی ساعی میباشند ذوالفقارخان خمسه بسرکردگی سوار خمسه برقرار و مخلع شد در شهر کرمان و حوالی با وصف بودن آب زیاد در غرس اشجار مساهله مینمودند لهذا تبره و تخته در آن بلد کمیاب بود این اوقات محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان غدغن کرده که در شهر و بلوکات اشجار زیاد غرس نمایند

روز سه‌شنبه شانزدهم رجب بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون گردیده
متعلمین در حضور همایون امتحان دادند در دار الخلافه این اوقات بادهای خوب آمده منصب سرتیپی
فوج نهاوندی را بحسن خان پسر حاجی بیژن خان مرحمت کردند مالیات قپان بلدهٔ سبزوار را بکلی بخشیدند
روز دوشنبه هفتم شعبان موکب همایون بعزم توقف چند روزه بر ییلاق امامه که از قرای لواسان میباشد
تشریف فرما گردیدند نواب والا اردشیر میرزا را حکومت دار الخلافه باهره دادند میرزا موسی وزیر دار الخلافه هم
مرض وبا در دار الخلافه بروز کرده است روز سه‌شنبه هشتم دو ساعت بغروب مانده سیلی از کوهستان
شمیران جاری و از قنات مهرگرد داخل ارک و از قنات سنگلج داخل محله سنگلج گردید اما قبل از آنکه بجائی
خرابی کلی رساند او را گردانیده بخندق انداختند چند روز بعد باز سیلی آمده اما خرابی نرساند
شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب در شیراز زلزله سختی شده و خرابی زیاد رسانیده باینمعنی که صدای زمین
که از زلزله مسموع میشد مثل صدای رعد و صدای خراب شدن دیوارها هم زیاد گردیده طوری این زلزله
شدت داشت که بعضی خانه‌ها از جای خود کنده شده و بجای آن آب متعفنی پدید آمده تا چند روز مردم به
بیرون آوردن نعشها مشغول بوده تقریباً زیاده از دوازده هزار نفر تلف شده‌اند صاحبمنصبان و آحاد
و افراد قشونی که بهمراهی عبدالله خان میرپنجه در فتح قلاع کیج و مکران بلوچستان رشادتی کرده بودند هر یک
بفراخور استحقاق بنشان و انعام و خلعت همایون سرافراز شدند چون قاسم آقا یاور فوج قدیم کرمان ابو یحیی
امامعلی خان سرهنگ در همین مقدمه مقتول شده بود علی اکبر خان را بجای او منصب یاوری دادند در یزد
یکروز سه ساعت بغروب مانده بادی از سمت شمال وزیده ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته
و هوا را چنان تاریک نموده که هیچکس جائی و کسی را نمیدیده در بازارها چراغ روشن کردند و چند موضع
از بازار خراب شده و چنار مدرسه خان را از ریشه بیرون آورده در وسط وزیدن باد تگرگ بسیار آمده و بعد
از تگرگ باران باریده از ابتدای وزیدن باد تا آخر دو ساعت طول کشیده است در خلخال و خمسه ناخوشی
وبا بروز کرده آقا اسمعیل تحویلدار عساکر منصوره بخزانه داری کل نظام و لقب خانی سرافراز گردید
چون مردم دار الخلافه بواسطه ناخوشی از شهر بشمیرانات میروند محمد علی خان سرتیپ را بنظم شمیرانات امر
فرمودند و مشار الیه دو چادر مریضخانه در کنار کاشانک زده و یک طبیب معین کرده که هر یک از سربازان و
سکنه دهات شمیران مبتلا بناخوشی میشوند در آنجا مشغول مداوا و معالجه میکردند هوای دار الخلافه
امسال خیلی مختلف است و اغلب باد تندی و رعد و برق و گاهی گرم و گاهی خنک است بهار آذربایجان خیلی
خوب شده و باران زیاد باریده است چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مخلع گردید در آخر سامان دشتی

کتابند

که تا بندر کنگان سه فرسخ است تگرگ غریبی باریده و خرابی زیاد نموده دانه کوچکتر آن ده سیر وزن داشت یکدانه
آن بر سر زنی خورده فی الفور او را هلاک نموده است در بعضی قرای شمیران از قبیل تجریش و جماران و نیاوران
و ازگل نیز و باروز کرده در اواخر شعبان نیز چهار بارندگی سیل از دهات ونک و اوین جاری و بشهر رسید
اما چندان قوتی نداشت مع ذلک بقنوات خرابی رسانید و از اینجهة آب کمتر بشهر میرسید نواب والا اردشیر میرزا
برای تنگدستی مردم از آب چند نفر را گماشته که از آب کرج و بعضی آبهای شمیران بشهر بیاورند که مردم مرفه باشند
علیخان سواد کوهی که قراولی ارک پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک باو مقرر بوده مرحوم شد او را با عزاز دفن
نمودند و خدمات اولاد او را بکلّا رجوع بمیرزا کریمخان سرهنگ فوج سواد کوهی فرمودند معزی الیه بخلعت همایون سرافراز
گردید قضان آقای سرتیپ توپخانه مبارکه با توپچیان متوقف شهر دار الخلافه و فوج فدوی قراگوزلو ابوالجمعی
مصطفی قلیخان میرپنجه قراول قراولخانه های شهر اند وسایر قشون ظفر نمون و افواج قاهره مرخص شده که در اوایل
ناخوشی وبا بجاهای خوش آب و هوا نقل و سکنا کرده اند نصر الله خان سرهنگ فوج کلپایکانی با فوج خود مامور فارس
شد تگرگی در جیرفت از بلوک کرمان آمده که دانه پنج سیر وزن داشته و یک گله گوسفند را در صحرا هلاک نموده
و بعضی مردم را هم ناقص الاعضا کرده است چند راس گاو هم تلف شده بدنه و برج شهر کرمان که خرابی داشت
محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان حکم بساختن آن نموده از غرایب آنکه در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم در آمده
که دو سر داشته در یک سر سه چشم و سه منقار و در سر دیگر نه چشم و نه منقار داشته و سایر اعضای او مستوی الخلقه
و چند روز زنده بوده و دانه میخورده بعد از آن مرده است نهر دولتخانه و نهر کریز در کرمانشهان که خراب بود نواب
والا عماد الدوله حکمران کرمانشهان حکم بتنقیه آن نموده اند که آب از آنها جاری شود و در تابستان اهل شهر کرمانشاه
از آب تنگدستی نکشند مطلب خان تفنگدار خاصه و سرکرده سواره گودرزی و بسطامی مامور بمحافظت زوار
و قوافل راه خراسان در خدمت مرجوعه اهتمام دارد در بعضی دهات سمت لواسان چند نفر بمرض وبا در گذشته اند
اما این ناخوشی در آنجاها شدت نداشته در قم و کاشان و اصفهان و مازندران نیز این ناخوشی هست و مخصوصا
چندی قبل در مازندران کمال شدت را نموده میرزا عزیز خان دریابیگی با عطای یکقطعه نشان شیر و خورشید
از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد این اوقات عمارات مبارکات سلطانی بمعماری محمد تقی خان معمار باشی و اهتمام
حاجب الدوله والد مؤلف تعمیر میکنند و از عمارات جدید البنا که در این روزها ساخته میشود عمارت باغ نواب
امام وردی میرزا است که بطرح خوب ساخته شده و مشغول سفید کردن و گچ بری و نقاشی آن هستند و شهر
دار الخلافه از بابت ابنیه و عمارات دولتی و غیره نسبت بچند سال قبل بکلی فرق کرده و بر آبادی و صفا و
رونق آن افزوده است هزار نفر سوار از تراکمه بعزم تاخت زوار بطرف شاهرود آمده محمد رحیمخان خبر شده

باجمعی سواره و پیاده سر راه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داده

موکب همایون روز هشتم رمضان از امامزاده عزیمت بیلاق لار فرموده مسیو نیمره معلم سواره نظام بعطای یک

قطعه نشان نقره از مرتبهٔ اول با وجه ناپل و سه ماهه مرخص شد که با استر به وطن خود رفته عیال خود را برداشته

مراجعت بدار الخلافه نماید حاجی محمد حسین جبه دار باشی پیوسته تفنگ سربازی خوب تمام میکنند و هر روز ده دسته

دسته بامتحان میرساند تفنگهای فوج قزوین را این روزها از جبه خانه مبارک دادند نواب مصطفی قلی میرزا

حکمران مازندران بخلعت همایون سرافراز گردید کالسکه که بمصاحبت شعبانعلی خان با فتخار صید محمد خان

ظهیر الدوله مرحمت شده بود چون بیکفرسخی هرات رسید معزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را

نموده در کالسکه نشسته داخل شهر هرات شد در حول و حوش قزوین ناخوشی وبا شدت دارد در محال طالقان

هم این مرض هست در قریه امامه نیز بعد از رفتن اردوی همایون وبای شدید بروز نموده در کن و سولقان هم

چند نفری مبتلا باین ناخوشی شدند و چون در میان بعضی افواج وبا افتاده محمد علی خان میر پنجه از طرف

قرین الشرف ملوکانه باحوال پرسی کل قشون که در این نواحی هستند و اظهار تفقدات پادشاهی نسبت با حاد

و افراد مامور گردید و مبلغی خطیر وجه تصدق بفقراء و مساکین بذل فرمودند نواب والا نصرة الدوله حکمران

فارس و بعض اعیان فارس نیز بخلعت همایون مفتخر شدند نواب والا عماد الدوله حکمران کرمانشاهان نیز بخلعت

همایون سرافراز گردید زرگری اسلامبولی در دار الخلافه در کمال خوبی کار میکند و یکقطعه جیقه فرنگی ساز

حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است اوایل ماه شوال نواب والا نصرة الدوله

از حکمرانی فارس استعفا نموده نواب والا مؤید الدوله را بحکمرانی فارس مفتخر فرموده بخلعت همایون سرافراز شد

اسد الله خان امیر اخور بحکومت همدان و خلعت همایون سرافراز گردید جهانسوز میرزا بمنصب امیراخوری مفتخر گشت

محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان بخلعت همایون سرافراز شد زنی در کرمانشاهان با آنکه شوهر نداشته بیک

شکم چهار طفل آورده از پدر اطفال از او سؤال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بود بعد زنانه شده رفته ام

و در آنجا آبستن شده ام بالجمله مادر چهار طفل هیچیک بیش از چهار ساعت زنده نبودند در کرمانشاه چهار ساعت

تگرگ آمد که بدرشتی نصف تخم مرغ بود نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان

و بختیاری بخلعت همایون سرافراز گردیدند و نواب معظم امیرزاده جلال الدین میرزا را نایب الحکومه لرستان نموده

عزیز خان امیر دانیاشی را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند

موکب همایون اواسط ماه ذیقعده عزیمت چمن سلطانیه فرمود ناخوشی وبا که در اردو بود از منزل ضیا

آباد باینطرف بکلی دفع شده در اواسط ذیحجه در دار الخلافه نیز اثری از ناخوشی مزبور نیست نواب والا اردشیر میرزا

حکمران دارالخلافه در رسیدگی بکلیه امور و سرکشی مدرسه مبارکه دارالفنون اهتمام مینمایند میرزا موسی
وزیر دارالخلافه نیز بامور اصناف و ارباب صنایع رسیدگی کامل مینمایند میرزا محمد خان بیگلربیگی شیراز ولد
حاجی قوام الملک مرحوم شده میرزا علیخان ولد او را بجای او بیگلربیگی و مخلع فرمودند نیز بمکتوب جبیره توام
بحاجی قوام الملک خلعت مرحمت شد میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه بلقب خانی نایل گردید سواره شقاقی ابوالجمع
جوادخان از آذربایجان احضار و مامور خراسان شدند سواره کرد و ترک را نواب مصطفی قلی میرزا در
شهرگاه شان دهمه برکاب همایون فرستادند خان خیوه که بر سر مرو آمده بود شکست خورده علاوه بر
اردوی او ناخوشی وبا افتاده بطرف خیوه کوچیده است

اردوی مبارک در چمن سلطانیه وعده ملتزمین رکاب بشصت هفتاد هزار نفر میرسد روز عید قربان سلام
عام با شکوه تمام منعقد گردید و بجناب صدراعظم در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند عزیزخان
سردارکل و اجودانباشی چون قبل از ورود موکب همایون بچمن سلطانیه در نظم اردو خدمات کرده بود
یکراس اسب خاصه چغان از اسبهای خاصه باو مرحمت فرمودند روز هشتم ذیحجه و روز چهاردهم موکب
اقدس اعلی بسر چشمه چمن سلطانیه بتفرج تشریف فرما شدند و در روز آخر جناب صدراعظم و بعضی از خواص
چاکران دربار در رکاب همایون بودند جناب طامسن صاحب شارژدافر دولت انگلیس روانه اردوی پادشاهی
گردید از کارهای خیر که این اوقات باهتمام دکتر پولاک معلم علم طب دایر شده بیرون آوردن سنگ مثانه است
که مشارالیه بناکرده های خود بجوبه آموخته و تقریبا در عرض یکسال خود بیست و سه سنگ مثانه بیرون
آورده که بیست نفر از آنها یعنی کسانیکه سنگ مثانه داشتند از جنس ذکور و سه نفر از جنس اناث بوده اند
و از همه این بیست و سه نفر یکنفر تلف شده است گذشته از این عمل اعمال یدی دیگر از دکتر پولاک بظهور رسیده
که هم در خور تحسین زیاد است در شیراز این اوقات مجددا زلزله شده و خرابی نموده اهل شیراز مشغول
مرمت خرابی زلزله سابق اند

موکب همایون که تشریف فرمای چمن سلطانیه بود از آنجا عزیمت دارالخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم
ذیحجة الحرام از دروازه شمیران شهر طهران را بورود مسعود مزین فرموده بعمارات مبارکات سلطنتی نزول
اجلال فرمودند اهالی دارالخلافه باشوق و شعفی تمام و مسرتی مالاکلام از موکب منصور ابده الله تعالی بنصره
استقبال نموده بتقدیم قربانیها و دعا و ثنای وجود مبارک پرداختند و ذات همایون در تالار تخت مرمر
جلوس فرموده
سلام عام منعقد و قاطبه خدام آستان بزیارت جمال بیمثال خسروانه فایز و سربلند گردیدند حاجب الدوله
والد مولف که در این سفر خدمات شایان نموده بود بعطای یکثوب کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردیدند ندکو

اسلامبولی آپلیت کرا بهائی حسب الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته روز عید غدیر در چمن سلطانیه بحضور
مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره از بابت قیمت پنجهزار تومان قیمت کردند نواب والا حشمة الدوله
حکمران آذربایجان که بچمن سلطانیه رفته برکاب اعلی پیوسته تا قزوین ملتزم رکاب همایون بود از آنجا مرخص شده
بمحل حکمرانی خود رفتند و بر حسب استدعای نواب معظم پانصد تومان بصنف شعرباف تبریز تخفیف مرحمت شد
میرزا احمد خان پسر مرحوم میرزا تقی خان اتابک اعظم نیز در سلطانیه بحضور باهر النور مبارک مشرف شده مورد
مراحم کردید و بعد از رخصت از خاکپای همایون بآذربایجان رفت میرزا مصطفی مباشر مهام خارجه از تبریز
احضار شد و حاجی میرزا محمد خان نایب اول وزارت دولت خارجه بلقب مدیر مهام خارجه و خلعت همایون سرافراز و از
قزوین در خدمت نواب والا حشمة الدوله بآذربایجان رفت قنبر علی خان که بیگلربیگی و حاکم شهر تبریز بود احضار
و احمد خان نوائی که دیوان بیکی اردوی همایون بود بجای او مامور و روانه شد کلب حسین خان نایب اول
آجودانباشی چون اهل آذربایجان از رفتار او رضایت داشتند بلقب امین نظام ملقب و بخلعت همایون سرافراز
شد عیسی خان والی حکمران گیلان که با اعیان و اشراف گیلان در چمن سلطانیه برکاب اعلی مشرف شده بود از
قزوین بمحل حکمرانی خود معاودت نمود امیرزاده علینقی میرزا ولد عماد الدوله (صادم الدوله) که سرباز کلیائی را
در چمن سلطانیه باردوی معلی آورده بود مرخص شده بکرمانشاهان رفت

اخبار وقایعیکه در این سال در ممالک و ولایات خارجه اتفاق افتاده
اتازونی ینکی دنیا

از وقایع این سال [۱۲۶۹] اول کشتی که در ظرف نوزده روز و سه ربع ساعت از نیورک ینکی دنیا بلیورپل بندر انگلیس آمد کشتی
موسوم بر آرتیک بود و این سفر در ماه دلو اتفاق افتاد جمهوری اتازونی در صدد فرستادن جمعی از دانشمندان
بجاک ژاپن میباشند و غرض از این مسافرت انکشاف مسائل جدیده میباشد زیرا که بنادر ژاپن تا آنوقت برای
هیچیک از ملل خارجه باز نبود از اهالی چین چند هزار نفر بجهة کار کردن در معدن طلای کالیفرنی از مملکت
خود باتازونی میآیند در این سال کلیسا از مصارف اتازونی در گذشت فرانسه و انگلیس هر قدر خواستند
اتازونی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نگاهداشتن جزیره کوبا تقویت نمایند قبول نکرد کشتیهای
جنگی اتازونی در این سال سی و شش فروند بود

اسپانیا

در این سال [۱۲۶۹] شخصی بقصد قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت کاستن از مصارف اسپانیا در گذشت
غربای اسپانیا اگرچه رای ادیان مختلفه هستند بموجب حکم شیخت دولت بحسب ظاهر جز بطریقه کاتولیک نمیتوانند

عبادت

عبادت نمایند و وزرای تازه دولت اسپانیا بصدارت رن کالی برقرار شدند و در جزیره کوبا و مانیل زلزله سخت
شد اما تفصیل شخصی که قصد قتل ملکه نموده از قرار ذیل است ملکه بعد از وضع حمل نذر کرده بود بکلیسای
آتشا رفته عبادتی نماید وقت بعد از ظهری بود و هنوز موقع رفتن بآن کلیسا نرسیده در یکی از دالانهای
معتبر عمارت گردش میکرد جمعیت زیادی که باید تا کلیسای مزبور ملکه را همراهی کنند حاضر بودند شاهزادگان
خانواده سلطنت تا ناگذکو همچنین سردارهای بزرگ اسپانیا در دالان در دو طرف ایستاده بودند و چونکه
بجهة حرکت معین شده بود در رسیدن از همین دالان میبایستی بدهلیز عمارت بیایند و از آنجا بکالسکه نشسته
بکلیسا بروند ملکه بشوهر خود گفت ازدحام و جمعیت راه را چنان تنگ کرده که ایلچی حضرت پاپ که باید با من
در ردیف بیاید مجبور است که از عقب بیاید این کلام ملکه تمام نشده شخصی بلباس کشیشان ملبس از پشت سر
سربازها خود را در وسط راه انداخته رو بروی ملکه زانو بزمین زد مثل اینکه میخواهد دست ملکه را
ببوسد سربازها گمان کردند این شخص حامل عریضه ایست که میخواهد در این موقع العریضه را بملکه بدهد
این شخص که موسوم بمارتن مرین بود بمحض اینکه خود را بملکه نزدیک رسانید از بغل خنجر برنده بیرون
آورده بپهلوی راست ملکه فرو برد ملکه فریادی زد و خنجر را بدست خود از پهلو بیرون کشید قاتل خنجر را
برداشته فریاد کرد امروز همین کافیست و کردم آنچه مقصود بود مردم دور ملکه را گرفته و او تکیه بر دیوار
دالان داده خون زیادی از وی جاری میبود مردم فی الفور قاتل را گرفته و میخواستند همانجا او را بقتل رسانند
لکن رجال دولت مانع شده تا از او تحقیقات نمایند قاتل شصت و سه ساله بود و اقرار بخیانت خود کرده و
میگفت اگر مثل من دوازده نفر در روی زمین پیدا میشدند نسل این ظالمها را بر میانداختیم زخم ملکه
منکر نبود و بعد از چند روزی علاج شد

افریقا

١٢٦٩
در این سال بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت نموده بلی بریا که یکی از نقاط افریقاست آمده در این
ناحیه یک جمهوری شبیه بجمهوری ینگی دنیا تشکیل داده اند ناحیه لی بریا را که در اینسال هفتصد هزار سکنه
اصلی دارد که سیاه پوست اند و شانزده هزار از آن سیاهانی هستند که از ینگی دنیا مهاجرت نموده باین
ساحت آمده اند دول اتازونی و انگلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه بیک یک بالت جمهوری افریق شناختند

هزار و دویست و نود و چهار

المان

١٢٦٩
در اینسال اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالکی که در ایطالیا متصرف بود سفر نمود پرنس شوارتزن برگ
صدراعظم اطریش در سن پنجاه و دو سالگی بمرگ فجاءه درگذشت نیز اعلیحضرت امپراطور بمجارستان سفر نمود عهدنامه

تجارتی ما بین این دولت و دولت عثمانی بسته شد صد و شصت کرور فلورن مجدداً در اینسال دولت قرض کرده نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش ببرلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس و هانور وغیره ملاقات نمودند هم در اینسال در لهستان متعلق به پروس وبا بروز کرده و از انجا بمملکت پروس سرایت نمود پادشاه ایالت باد شارل لی اوپلد فردریک بسن شصت و یکسالکی در گذشت پسر بزرك او لوئی که مبتلا بناخوشی صرع میباشد شراکت پسر دویم پادشاه مرحوم فردریک بر تخت سلطنت جلوس نمود کرنل بوس و واکنر از نقاشهای معروف المان وفات نمود جمعیت پروس در اینسال سی و دو کرور پنجاه و پنجهزار و یازده نفر میباشد

انکلیس

در اینسال ۱۲۶۹ ژن روسل صدر اعظم دولت انکلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت باید صد و بیست هزار لشکر چریك بطور ذخیره داشته باشد که هنکام لزوم بانها اسلحه و لوازم جنك بدهند و انها را مجدداً مامور کنند وزرای دسته ویك استعفا کرده وزرای توری برقرار کردید لرد دربی منصب صدارت یافت دلینك تن سردار و وزیر معروف انکلیس در سن هشتاد و سه سالکی وفات کرد و عزای عام در مملکت انکلیس بجهة فوت او کرفتند مجلس پارلمنت بر ضد دسته وزرای جدید است وزرای دسته ویك مجدداً منصوب شدند جنك انکلیس با ایالت کافر در افریق هنوز باتمام نرسیده است دولت انکلیس ببرمان اعلان جنك نموده و عساکر از کلکته و مدرس ببرمان فرستاده و فتوحات در انمملکت نموده است بجهة انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار نفر از انکلیس در مدت یکسال باسترالی مهاجرت کردند کشتیهای جنکی انکلیس که در انوقت موجود میباشد صد و سی و سه فروند است آنچه در کشتی سازخانه دولتی میسازند بیست و یك فروند است در این تاریخ در جزایر انکلیس یازده هزار و صد و پنج هزار ذرع راه آهن دایر است در ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معدن طلا تا انوقت معادل چهل کرور طلا وارد انکلیس شد تماس مور شاعر معروف ایرلندی در اینسال فوت شد

یعنی هزار و صد و پنج کیلومتر

ایطالیا

در اینسال ۱۲۶۹ کونت کوور بوزارت مالیه و بعد بوزارت بحریه و اخر الامر بمنصب صدارت پادشاه پیمن برقرار شد در سارد ین بعضی جاهای دیکر شورش نمودند مجلس شورای مملکتی دوره منعقد کردید کوه آتش فشان اتنا طغیان نمود

پورتوغال

در اینسال بایك کمپانی معاهده نمودند که از لزبن پای تخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنی ممتد نمایند

بلژیك

در اینسال ۱۲۶۹ بلژیك عهدنامهٔ تجارتی بوضعی با فرانسه بست وزرای تازه بصدارت بروکر نام تعیین شدند روزنامه ۸۵
بلژیك را سخت ممانعت نمود که نسبت بشخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن ننویسند و اینفقره بخواهش
دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمیشد ولی اخر موقع قبول یافت

دانمارك

در اینسال ۱۲۶۹ ایالتین اسلشویك وهلستن دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند که دخلی
بوزرا و پارلمنت دانمارك ندارند

روس

در اینسال اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین و با اعلیحضرت پادشاه پروس برادر
زوجهٔ خود در برلن ملاقات نمودند پرنس دلوشتان برك داماد اعلیحضرت امپراطور وفات نمود در اواخر پاییز
در سنت پطرزبورغ و تا برورزکرد راه آهن دولت روس در اینسال سیصد و بیست هزار ذرع است

عثمانی

در اینسال رشید پاشا صدراعظم عثمانی در ظرف سه ماه عزل و نصب شد در شامات دزدی و راهزنی بیحد است
علی پاشا بجای رشید پاشا صدراعظم شد فواد افندی بمنصب وزارت خارجه رسید ابتدای خیال استقراض
دولت از خارجه معادل ده کرور تومان پول ایران و این فقره بواسطهٔ عدم رضایت روس و اطریش و بعضی
از اهالی خود عثمانی انجام نمییابد بالاخره اجازه میدهند که مستقلا از انگلیس قرض کند شورش طایفه
دروز در شامات و شورش اهالی منتنکرو وهرزکوین که مالیات نمیدهند مأموریت عمر پاشا با بیست و
پنجهزار قشون بر تنبیه اهالی منتنکرو وهرزکوین

فرانسه

در اینسال ۱۲۶۹ در بیرقهای فرانسه علامت و تصویر عقاب را که ناپلیون اول اختراع کرده و مدتی متروك بود
برقرار نمودند مسکوکات باسم و تصویر پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهور منقوش خواهد بود ریاست ده ساله
پرنس لوی ناپلیون را عموماً قبول نمودند مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد
برقرار گردید املاك و اموال لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه را اولاد او را حکم بضبط و فروش نمودند
ریاست مجلس سنا بر پرنس ژرم عموی رئیس جمهوری قرار میگیرد قانون دولتی موسوم بقانون ناپلیون میشود
روز پانزدهم ماه اوت که روز مولود ناپلیون بوده جشن میگیرند رئیس جمهوری فرانسه با پالات جنوب

بوردُلین بُردُ و تور سفر نموده و مردم اورا امپراطور خطاب میکنند امیر عبد القادر والی الجزایر که در حبس
فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز اورا از حبس بیرون آورده بروسا از خاک عثمانی میفرستند
ورود رئیس جمهور بپاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنتکلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را بحضور
او و تمنا کردن که قبول ریاست جمهور را مادام العمر نماید بالاخره در ماه قوس اینسال اغلب اهالی فرانسه جمع شد
پرنس لوی ناپلیون را رئیس جمهوری ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژروم عموی لوی ناپلیون را
ولیعهد او قرار دادند مارشال ژراد و مارشال اکزلمان فوت شدند کشتیهای جنگی فرانسه در
این سال یکصد و هشت فروند بود

هُلاند

کشتیهای جنگی هلاند در این سال چهل فروند است

ینگی دنیای جنوبی

بوزیل   ابتدا جبال المرم در حرکت بر روی شط امازن با کشتیهای بخار در این سال بود خرید و فروش
غلام و کنیز در دولت بوزیل بوساطت انکلیس موقوف شد   توضیح انکه شط امازن از تمام شطهای
روی زمین عظیم تر و بزرگتر است حتی از نیل سرچشمه این شط از جبال اندا است بعد از طی پنجهزار و چهار
صد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا بمحیط اتلانتیک میریزد در حوالی سرچشمه در جاها که عرض این
شط خیلی کم است سه الی پنجهزار ذرع است اما نزدیک بدریا عرض این شط دویست و هشتاد و هشت هزار
ذرع میباشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع زیادی آب این شط بحدیست که وقتیکه بمحیط میریزد بمسافت
صد و سی و پنجهزار ذرع در دریا طعم آب بهیچوجه تغییر نکرده شیرین است و مخلوط باب دریا نمیشود اکتشاف
این شط در سنه هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد

یونان

۱۲۶۹
در این سال اهالی یونان تمکین نمیکنند که متابعت کشیش بزرگی که در اسلامبول است نمایند و بواسطه
تکلیفی که دولت با ایشان مینماید در بعضی ایالات شورش میشود در سواحل یونان در اینسال طوفان سخت شد

وقایع سال هفتم سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه مصادف هذه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و دو هجریه ترکی

۱۲۷۰

در این سال خیر مآل کلیه توجهات خاطر خطیر همایون بترتیب و ترقی اهالی ممالک محروسه و امنیت بلاد و آسایش عباد است چون میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی در سفر خیر اثر سلطانیه خدمات کرده بود بیکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز کردید بعضی ولایات خراسان از قبیل مرو و سرخس که بمسافت دور دستی از شهر مشهد مقدس کمد واقع و دار الملک خراسان است بسبب قلت تسلط حکام سابق طوری که باید و شاید نظمی نداشت اما حالا باهتمام اولیای دولت منتظم و اهالی شایق و راغب در عبودیت و خدمتگذاری این دولت ابد آیت میباشند و این ایام حکم همایون شرف صدور یافت که قلعه مضبوطی در مرو ساخته بقدر ضرورت ساخلو قشون در آن گذارده شود خلیفه مرو که عریضه مشعر بر اظهار عبودیت بدربار معدلت مدار فرستاده بود از جانب سنی الجوانب خسروانه فرمان همایون مبنی بر شمول مراحم اعلیحضرت شاهنشاهی هام ملکه خطاب عزی الیه صادر و یکثوب جبه ترمه برسم خلعت و سیصد تومان نقد انعام باقتدار خلیفه مبذول و مرحمت شد و چون خوانین مرو محصول و زراعات آنها را چرانیده و بواسطه کمی غله در صفحات مرو عسرتی حاصل است امر فرمودند هزار خروار غله بآنها بدهند که از این رهگذر آسوده باشند بهادر خان پسر مرحوم عباسقلی خان دره جزی و حسن خان سبزواری که در مرو مشغول خدمت بودند یکثوب جبه ترمه کشمیری در حق بهادر خان و یکثوب جبه ترمه سلسله دار بحسن خان مرحمت فرموده و از سال لشکر هزار و پانصد تومان نیز برسم انعام بعلیقلی خان میرپنجه که در خراسان مشغول خدمت است مبذول فرمودند چون عباسقلی خان جهان بیگلو میرپنجه در سفر سلطانیه مرحوم شد افواج ثلاثه خراسان را بعالیجاه علیقلی خان میرپنجه فرمودند مبلغ سیصد تومان که در سفر خراسان خدمت کرده بود مبذول شد این اوقات فیما بین دولتین روس و عثمانی بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوره مامور آذربایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بینظمی حادث نشود جناب ایت صاحب قنسول دولت انگلیس مقیم دار الخلافه که بمرخصی آمده چندی بوطن خود رفته بود این اوقات مجددا بدار الخلافه مراجعت نمود هادیخان ولد مرحوم عباسقلی خان میرپنجه را بسرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده روانه خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید حیدر علیخان نایب دویم اجودان باشی بسرهنگی فوج ترشیز مفتخر کردید علیخان سرهنگ فوج چهارم تبریز

بعسکر خان شیر

بمنصب سرتیپی و نایب اول اجودانباشیگری سرافراز شد ناخوشی وبا مجدداً در تبریز شدت نموده است
میرزا زین العابدین مباشر و سررشته دار نوکرهای جرو سواره نظام بمنصب لشکرنویسی رسید جبرئیل خان
پسر آقا لرخان کرجی نایب دویم اجودانباشی و خلع گردید علیقلی میرزا پسر نواب والا اعتضاد الدوله حکمران
کرمان نیهان برحسب استدعای نواب معظم بمنصب سرتیپی سرافراز و از جانب نواب عماد الدوله بحکومت کلیائی
رفت

شب ششم ماه صفر که عید سعید ولادت علیحضرت اقدس شاهنشاهی میباشد در دار الخلافه باهره و تمام
ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند و چراغان و آتشبازی کامل نمودند عبدالله خان میرپنجه در ازای خدمات
بلوچستان و تسخیر قلعه بافنان بنشان میرپنجگی سرافراز گشت ناخوشی وبا که در کرمان بروز کرده بود رفع
شده اما هنوز در سیرجان و بم و نرماشیر و شهر بابک باقیست برحسب استدعای اهالی یزد محمد حسن خان
سردار حکمران یزد و کرمان از جانب خود محمد یوسف خان سرتیپ را به پیشکاری میرزا کوچک خان سرهنگ فوج
جدید کرمانی بحکومت یزد فرستاد دو ستاره این اوقات در دار العباده یزد یکی مقارن غروب آفتاب و یکی در
شب ظاهر گردیده و در جو محترق شده و هنگام احتراق روشنائی آنها از ماه بیشتر بوده و بقدر دهنه وانه بنظر
آمده و هر یک تقریباً دو دقیقه ظاهر بوده بعد محترق شده اند ناخوشی وبا که در یزد بود رفع شده سرپرستی
ایل شکاک ارومی را بحسنعلی خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند اسدالله خان حاکم همدان بلقب
معتمد الملکی ملقب و مفتخر گردید ناخوشی وبای مازندران رفع گردیده است بقدر پانصد ششصد
نفر از طایفه ضاله بابیه در نیریز جمع شده و در کوه نزدیک نیریز سنگرها بجهة خود ساخته و با عیال در آنکوه
سر میبردند نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس میرزا نعیم لشکرنویس و حاکم نیریز و لطفعلی خان سرتیپ را
با فوج قشقائی و فوج حومه فارس و چند عراده توپ مامور دفع آنها نموده جنگی سخت با آنها کردند و دویست
سیصد سنگر که در کوه ساخته بودند از آنها گرفتند و تقریباً صد نفر مقتول و باقی دستگیر شده بشیراز
فرستادند و در واقع ریشه فساد آنها از آنحدود قلع گردید میرزا جعفر نایب الصدر در بلوک قهپایه من اعمال اصفهان
امامزاده را مامن خود ساخته و از ایام حکومت منوچهرخان معتمد الدوله دم از خودسری میزد و تمکین حکام نمیکرد
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان او را از در انقیاد در آورد حاجی یوسفخان سرتیپ ایل بیکی مغان شد
عباسقلی خان هشترودی حکومت هشترود یافت ناخوشی وبا که در عربستان شیوعی داشت رفع شده میرزا
ابو القاسم تفرشی بمنصب سررشته داری دفتر استیفا سرافراز و دویست تومان بر مواجب سابق او افزودند
میرزا محمد حسین صدر سفیر مخصوص که بسفارت سنت پطرزبورغ رفته بود معاودت کرده او را با کمال احترام

وارد دارالخلافه کردند قافلهٔ بخارا که عازم مرو و مشهد مقدس بود میر احمد خان جمشیدی با هزار نفر سوار از بلد

و غیره بجلو آنها رفته و قافله مزبوره در چهار جو مانده بهادر خان حسن خان سنبر هادی را با سیصد نفر سوار بدفع میر

احمد خان فرستاده سواره میر احمد خان را منهزم و برخی را مقتول نمودند و قافله مزبوره بدون آسیبی بمرو آمد

برحسب استدعای خلیفه مرو و مرویها علاوه بر قشونی که سابق مامور گشته در این اوقات نواب والا حسام السلطنه والی

خراسان سرفوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با قورخانه روانهٔ مرو نمودند که آنولایت را

از تعرضات ترکمان محروس دارند و نظر بمراتب اهتمامات که نواب معظم الیه در این باب و سایر خدمات خراسان

کرده بودند باعطای یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مباهی گردیدند دو هزار سوار بخارائی و غیره که در

نزدیکی مرو سکنا داشتند و دست اندازی بمال و حال مردم میکردند فرار نموده اند و رعایای آن نواحی آسوده

شده روز چهارشنبه چهاردهم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عز نصره تشریف فرمای

مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون شده متعلمین هر علمی در حضور باهر النور مبارک امتحانی شایان داده هر یک از

معلمین و متعلمین علی قدر مراتبهم مورد مراحم ملوکانه شدند چون مابین شیر علی خان پسر امیر دوست محمد خان

حاکم کابل و سردار کهندلخان سردار قندهار نقاری حاصل شده بود عبدالله خان سیستانی را با فرامین و احکام

مامور نصیحت فرمودند که آنها را براه مودت و اتحاد دلالت کنند و آن نقار را از میانه رفع نماید سردار

سلطانعلیخان پسر سردار کهندلخان که بخاکپای مبارک آمده بود مورد نوازش و مراحم ملوکانه گردیده

این اوقات که رخصت معاودت حاصل نمود او را بلقب مظفر الدوله ملقب و مخلع فرموده بمصاحبت او خلاع

فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندلخان و رحمدلخان و مهردلخان و سایر خوانین مبذول داشتند

و بخود مظفر الدوله نیز بخششهای لایق فرمودند نظر بخدمات خسرو خان والی حاکم قزوین باعطای یکثوب کلیجه

ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید کتاب شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه باهتمام میرزا ابراهیم نواب طهرانی

که از معارف اعیان دار الخلافه و بدایع نگار دولت علیه ایرانست در کمال صحت و امتیاز بطبع رسید

نظر بخدمات میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه معزی الیه را ملقب بعضد الملک فرمودند ناخوشی وبای

تبریز بالمره رفع شده است نواب والا حسام السلطنه والی خراسان چندی قبل دویست نفر سواره ممتاز

و یک بیرق شیر و خورشید قبه طلا از جانب دولت علیه بمصاحبت محمد خان کندبیلی و اما مقلی بیک روانه نموده بودند

این اوقات امامقلی بیک مراجعت کرده اظهار داشت که بطایفه سارق بد میگذشت و بنای تفرقه داشتند

بعد از آنکه سواره و بیرق دولتی رسید بمراحم اولیای دولت علیه مستظهر شده از مرافقت کوچ کردن افتادند

کارملن صاحب حکیمباشی آذربایجان بعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجه اول نایل گردید برحسب صاحب

...روزنامه و مترجم دیوان و میرزا عبدالله روزنامه نویس بخلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی بابا
پسر مرحوم آقا حسین ملک التجار بادکوبه بعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرهنگی مفتخر گردید
کپیتان زطی صاحب منصب مهندس از اهل استریه که در نوکری دولت علیه بود وفات نموده او را باعزاز دفن
نمودند مسیو چارنوطا معلم علم معدن نیز وفات کرده باحترام او را بخاک سپردند قاسم خان صاحب جمع بیک قطعه
نشان سرهنگی از درجه اول و بگوشته حمایل سفید و بکثوب جبه ترمه کرمانی سرافراز شد این اوقات محض دعای
کامل در باب احقاق حقوق رعایا و مزید درستکاری و استقصای اجرای دیوانخانه عدلیه مقرر شد پرده موشح
بتمثال بیمثال همایون در دیوانخانه مبارکه عدلیه عظمی منصوب داشته پرده بر روی آن باشد و در مواقع
اجرای احکام آن پرده را بردارند تا معین گردد عدل و انصاف و مؤید غوررسی منکشف شود دکتر پولاک
معلم علم طب و جراحی کتابی در تشریح بدن انسانی نوشته مصور بصور اعضا و ابعاض و مشغول طبع آن
میباشند بکثوب خرقه ترمه بطانه خز تن پوش مبارک بنواب والا فریدون میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند
امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس چون در غیاب نواب معظم شهر شیراز را خوب
منظم نگاهداشته بود بخلعت همایون سرافراز شد عالیجاه ملا اکرم مستوفی هرات چند راس اسب برسم
پیشکشی از جانب سید محمد خان حاکم هرات بخاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید
عبدالله خان صارم الدوله با فوج مامور فارس شد شاهزاده عباسقلی میرزا حاکم خلخال در نظم آن نواحی مراقبت کامل
مینماید در اطراف خلخال سیلهای زیاد برخاسته اما بکسی آسیبی نرسانیده قشون مامور مرو را جمعیت کلی
از تراکمه سرخس استقبال کرده و شترهای خود متکذاری و از آنها نموده از جمله پیراضخان و پیر صوفی عزدرحمن
قلی بیک و سفرلک آق معادف تکه سرخس نشین هستند سواره خود را برداشته همه جا همراه و از میان مال و اهل سرخس
نشین باسوده گی عبور کرده و ترکمانان همه جا اظهار خوشوقتی نموده و دویست نفر سواره تراکمه سرخس
تا مرو همراه اردو رفته اند ترکمانان طرفی نیز خدمت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم
از جانب دولت ابد مدت همه را مشمول مرحمت نموده اند شیرخان ناظر بلقب جلیل عین الملکی و یکقطعه کل کمر
مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردید جهانسوز خان امیرآخور بیکثوب کلیجه ترمه بطانه خز تن پوش
مبارک سرافراز شد آقا محمد حسن صندوقدار بعطای یکثوب لباده ترمه بطانه پوست مباهی گردید
آقا مهدی ملک التجار حسب الامر در اطاقی از اطاقهای کاروانسرای امیر بعضی روزها مجلسی از اعیان تجار منعقد
نموده در امور تجارتی مذاکره مینمایند ناخوشی وبا که در بادکوبه شدت داشت رفع شده در مازندران
باران زیاد شده در ساری بعضی جاهای کنار دریا نیم ذرع برف آمده محمد علیخان بختیاری هفتلنگ که بدون

دستور

دشرارت معروف بود و در یکی از قلاع صعب آنجا متحصن شده از خودسری میزد نواب والا احتشام الدوله
حکمران عربستان و لرستان و بختیاری و بروجرد امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان را با سوار بختیاری
و باجلان و فوج لرستان بگرفتن او مأمور نموده او را مستأصل کرده اتباع او را دستگیر نمودند و خود او
گریخته پناه بخانه حاجی شیخ جعفر مجتهد برد نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس برای نظم گرمسیرات این مملکت بآن
صفحات رفتند و از جانب نواب معظم میرزا هادیخان مأمور صفحات لارستان و هاشم خان یوزباشی با جمعی غلام
بسرحدات اقلید و آباده و فریدون خان توللی نیز با جمعی غلام بجاده سطرق سرحدات کرمان و شهر بابک رفت
نواب والا حسام السلطنه والی خراسان باقی در بند رفته اند قشون مأمور مرو وارد مرو شده مرویها استقبال
و پذیرائی را از آنها بعمل آورده اند در یکمنزلی مرو یکهزار سوار قراپاپاغ جلو قشون مزبور را گرفته عساکر منصوره
با آنها تاخته برخی را مقتول و باقی را منهزم نموده اند در اواخر ربیع الثانی یکشب تگرگی شدید بید رشتی فندق
بادید ولیچون شب بود بکسی اذیتی نرسانید نظر بخدمات نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس یکقطعه
نشان امیر تومانی و حمایل مخصوص این رتبه و یکثوب جبه ترمه از جانب سنی الجوانب همایون مباهی گردیدند
نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما بحکمرانی خراسان نایل و هادیخان سرتیپ فوج تربت و نیشابور و حیدر علیخان
سرهنگ فوج ترشیز باتفاق نواب معظم الیه عازم خراسان میباشند میرزا فضل الله وزیر نظام را متولی باشی
حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکار امور خراسان فرمودند نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان را منصب امارت نظام مرحمت
فرمودند نواب والا نصرة الدوله بنیابت نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه مأمور بحکومت آذربایجان گردیدند
میرزا صادق مستوفی بلقب قائم مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان سرافراز گردید زمستان کرمان امسال
سخت گذشته در بلوک جیرفت که هرگز برف نمی آمد سه شبانه روز برف باریده و بعضی مال و مواشی از سرما
تلف شده اند سالار محمد خان و ولد ماوک و سالار الله بلوچستانی نزد محمد حسن خان سردار حکمران
کرمان و یزد آمده اظهار انقیاد و خدمتگذاری بدولت علیه مینمایند شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران
مازندران بیکقطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول و حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید چندی قبل که شاهزاده
معزی الیه بمشهد سر رفته بودند از آنجا بمعادن گلوله ریزی نائیج آمده امور گلوله ریزی آنجا را نظم کامل
دادند شال بافی کرمان خیلی ترقی کرده است

شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب ببرج حوت
تحویل نموده سلام خاص در پیشگاه حضور مهرظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد و روز چهارشنبه
بیست و دویم در تالار تخت مرمر ذات ملکوتی صفات مقدس بجهة سلام عام بر سریر مهر مسیر جلوس فرمودند

بندر عباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب دولت علیه بعهدهٔ شیخ یوسف خان محول بود
چون سال گذشته شیخ یوسف خان وفات نمود شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیگر بندر مزبور بخیال
خودسری افتاده سید ثوینی پسر امام مسقط را بر بندر آورده با او عهد و میثاقی کردند و دور بندر خندقی
حفر و آذوقه و توپ و قورخانه و جمعیت از امام مسقط و سید ثوینی دریافت نموده بیست و هفت عراده توپ
بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهائی که در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بوده
بسنگر قشون دولت علیه گلوله میانداختند نواب والا مؤید الدوله امیرزاده ابوالقاسم خان را با توپخانه
و فوج گلپایگانی ابواب جمعی نصرالله خان و فوج قشقائی لطفعلی خان با مصطفی قلی خان یوزباشی و تفنگچی
لاری مامور بمحاصرهٔ بندر عباسی نموده ابتدا سنگرها و خانه‌های شهر را بتصرف در آوردند از طرف هم
سید محمد برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت و زیاده از پنجاه عراده توپ بامداد آنها آمده تا در
روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفرنمون یورش برده بشهر و قلعهٔ شهر را مسخر کردند و قشونی که بکمک
مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شده که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را بمغلبه و جهاز برسانند
و بدریا افتاده غرق شدند

همچنین قلعهٔ کهنز که از قلاع بسیار صعب گرمسیرات کرمان است و بهوای بندر عباس اهالی آن نیز دم از خود
سری میزدند روز ششم همین ماه بتصرف رضاقلیخان عرب و اسمعیل خان که با فوج عرب و فوج کرمانی از جانب محمد
حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان بگرفتن آن قلعه مامور بودند در آمد

جناب صدر اعظم بیکقطعه نشان امیر نویانی اعظم و یکرشته حمایل سبز که اول نشان ابد دولت علیه است و مخصوص
شخص اول و تا کنون بهیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و نیز بیکقطعه
شرابه بند کاغذ مکلل بالماس و مروارید که ریشهٔ آن مرواریدهای بسیار درشت داشت و قبه‌های آن بالماس
برلیان مرصع بجناب معظم الیه مرحمت فرمودند   ماه رمضان امسال در سبزه میدان که تازه در کمال خوبی
ساخته شده دکاکین ترتیب داده و حجرات را باقسام نفیسه و اقمشهٔ ثمینه از ظروف چینی و فرنگی و بلور و آلات
و غیره تزیین نموده اند   حاجی جابرخان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را بشیخ حاکم که محصل مالیات
شط العرب است مفوض نمودند   قیمت گندم در فارس بجهت ملخ خوارگی چند ساله بخرواری پنج تومان
رسیده   جناب مسیو انیچکوف شارژدافر دولت روس روز شانزدهم رمضان وارد دارالخلافهٔ باهره
گردید روز هجدهم باتفاق پرنس دولغاروکی وزیر مختار سابق آن دولت و سایر صاحب منصبان سفارت مخصوصه
بحضور مبارک تشرف جسته همگی مورد مراحم ملوکانه شدند   چندی بعد از فتح بندر عباس شیخ سعید

ابن سالم

این سال که از اشرار مشایخ عرب است با چند کشتی جنگی و چند عراده توپ عازم تسخیر بندر مزبور گردیده قشون ظفرنمون بمحض تیر توپ کشتیهای او را شکسته و او ناچار مخذولا مراجعت کرده است دنبلیس خیزرانی که اطاعت از حکام فارس نمیکرد نواب والا مؤیدالدوله او را گرفته بسزای عمل خود رسانیدند خلعت عیدی برای حکام بلاد و ممالک محروسه فرستاده شد کلاه بلند که معمول بود رو بمتروک شدن نهاده مردم کلاههای خود را کوتاه میکنند

روز عید فطر سلام عام در نیاوران انعقاد یافت حاجی محمد تاجر تبریزی که بر حسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریخته گری و دباغی آهنگری و چلنگری بسنت پطرزبورغ رفته بود این اوقات مراجعت کرده همگی مورد تفقدات اولیای دولت ابدآیت شدند و مقرر شد عجالةً برای دو دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته شود و چرخها را ببندند و یحیی خان (جناب ناصرالملک) مصلحت گذار مقیم سنت پطرزبورغ نوشته‌اند که دو دستگاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال نماید و حاجی مشارالیه از دربار همایون بمازندران رفت که بنای کارخانه شکرسازی را آنجا بنماید و در این اوان شکر سفید از مازندران آورده اند که بهتر از شکر روس بسیار خوب قشنگ بود عباهائی در کاشان از ابریشم بعمل آورده اند که مثل عباهای خوب نجف اشرف و کربلای معلی است و حکم شد از این عباها ببافند دلاورخان فرستاده سردار رحمدل خان برادر سردار کهندل خان سردار قندهار با عریضه این اوقات بدربار همایون آمد حاجی محمد شریف خان قاجار بحکومت ارومی و حیدرعلیخان شادلو بحکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار بحکومت قراجه داغ و یحیی خان ایلخانی بحکومت مراغه نایل گردید در بعضی بلوک اصفهان سن خوارگی شده است وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه را تفویض بمیرزا محمد حسین عضدالملک فرمودند مدرسه دارالفنون رو بترقی و صاحبمنصبان نظام را ترقیات علمی حاصل شده از جمله علیخان سرتیپ قراگوزلو کتابی بسیار خوب در علم نظام تالیف نموده و کلنل صاحب بر خوبی و صحت آن تصدیق نموده محمد ولیخان بیگلربیگی حاکم استراباد بنظم ککلان رفته و بعد از مراجعت باستراباد بخلعت همایون مفتخر گردید گویند در سمنان یک کرک و چند کلاغ دیوانه شده بعد از آنکه چند نفر را آنکرک دریده مردم بتیر تفنگ او را کشته اند اما کلاغها بر عقب مردم گذاشته هر که را دنبال میکرده اند او نیز دیوانه میشده و سی چهل نفر بدین منوال مبتلا بجنون شده بعد از ده دوازده روز کلاغها از آنجا رفته اند سید محمد خان ظهیرالدوله حاکم هرات چند راس اسب بعنوان پیشکش باتفاق سردار صالح خان بدربار همایون فرستاد امیر دوست محمد خان حکمران کابل نیز جعفر قلیخان کابلی را چون با عریضه بدربار معدلت مدار فرستاده بود بعد از شمول مراحم کامله و انعامات شاهنشاهی در حق جعفر قلیخان

وهمراهان او را مرخص فرموده و یکطوب جبه ترمه پولک دوز شمسه مرصع و یکراس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه
با انضمام زین و یراق تمام طلا برای امیر دوست محمد خان و دو طوب جبه ترمه زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمد
افضل خان که در سمت ترکستان است و غلام حیدر خان بمصاحبت جعفر قلیخان انفاذ فرمودند سواره شاهسون
قورت بیکلو مامور خراسان شدند از اول سال تا چندگاه در کرمان عصرها طوری باد گرم میوزید که مردم در
کوچه و بازار آمد و شد نمیتوانستند نمود نواب حشمة الاحتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و
بروجرد و بختیاری را باعطای نشان تمثال بیمثال همایون مفتخر فرمودند این اوقات در کرمان سرای گنجعلیخان را
تعمیر مینمودند در سردابه آن سر دو کله انسان پیدا شد که از سر مردمان این زمان بزرگتر بود شخص زارعی که زیاده از یکصد
سال عمر داشت گوید دو نفر بقال تنومند قوی هیکل قدیم در این محل مشغول بقالی بودند چون شهر کرمان بتصرف قشون
شاه شهید (آقا محمد شاه) طاب الله ثراه در آمد آن دو نفر بقال در آن واقعه مقتول شدند و در اینجا ایشان را دفن کردند
این دو کله از آن دو نفر بقال است حاجی محمد رضای شادلو که از جانب نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما حکمران
خراسان مامور شان سواره و پیاده و خانوار هزاره که سابقاً لاحقاً بشهر نو آمده اند و بنا شد در قراولخانه های جام
و باخرز و خواف و کاریز ساکن شده بود در مراجعت ده دوازده نفر از ریش سفیدان هزاره را همراه خود بخدمت نواب معظم الیه
آورده مورد التفات و مراحم اولیای دولت علیه امیدواری کامل حاصل نمودند این اوقات سالار مهدیخان با عریضه
از جانب خوانین بلوچ نزد محمد حسن خان سردار که در کرمان آمده از جانب ایشان اظهار انقیاد نمود ولی از قرار مذکور
امیر علم خان حاکم درزک جمازه سواری نزد ابراهیم خان ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزاد خان خارانی
جمعیتی جمع کرده که بسر درزک بیاید ابراهیم خان نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته و نوکر را اخبار نموده که اگر این فقره
راست باشد مهیای مدافعه باشند بعضی تنوات منازل عرض راه خراسان را جناب صدراعظم امر بتنقیه نموده اند
محمد حسن خان پسر سردار علیخان سیستانی و شاه پسند خان و میر کمال خان این اوقات از سیستان بدربار همایون
آمده علی قدر مرتبتهم مورد الطاف ملوکانه شدند بعضی خوانین و اشخاصیکه در قلعه بهیرز فارس و قلاع بلوچستان
خدمت کرده بودند این اوقات از قرار ذیل در حق ایشان نشان و خلعت مرحمت شد

میر علیخان ریزکی یکقبضه شمشیر براق طلا

خوانین بلوچ هشت نفر هشت قبضه کارد دسته طلا

آزاد خان خارانی یکقطعه نشان یاوری نقره از مرتبه دوم

ابراهیم خان ضابط بمپور و سرکرده جمازه سوار یکقطعه نشان یاوری

سید علی خان سرکرده نوکر بمپی یکقطعه نشان مطلا

برای

برای فوج کرمانی ابواب جمعی اسمعیل خان نشان یاوری یکقطعه نشان سلطانی سه قطعه نشان نایبی پنج قطعه نشان
نقره چهل و یکقطعه

برای فوج کرمانی ابواب جمعی میرزا کوچک خان نشان یاوری یکقطعه نشان سلطانی دو قطعه نشان یاوری
سه قطعه سایر سیزده قطعه

نشان بجهة غلامان مهاجر هشت قطعه

نشان بجهة توپچیان پانزده قطعه

نشان بجهة سواره خراسانی پنج قطعه

برای خوانین بلوچ سه نفر شال و قبا سه دست

این اوقات حسب الامر اطاقی مخصوص ساخته برای اسلحه و آلات حربیه سلاطین ماضیه انار الله براهینهم کرد و خزانه
دولت علیه بوده و آنچه در این عهد ابد مهد داخل خزینهٔ عامره شده از قبیل تفنگهای رومی و فرنگی که اغلب مکلل و
مزین بیراقهای طلا است و طپانچه ها و قرابینا ها (قرابینه) عمل استادان قدیم و شمشیرهای که اینها که بعضی
از آنها بالتمام مکلل و بعضی دیگر مرصع است با تیغهای جوهری هندی و مصری و خراسانی و قداره های بی نظیر
که مانند آنها در روی زمین کمتر بهم میرسد و زره های مخصوص و کلاه خودها و چهار آئینه ها و قولچاقهای
جوهری که اغلب آنها زیب بر و دوش سلاطین با تمکین بوده و سپرهای مرصع و کرک و غیره و گرزهای دانه نشان
و تبرزینهای مخصوص و بعضی الات حربیه دیگر را با کمال آراستگی و نظم در آن گذارده اند و هر یک از آلات و
ادوات مزبوره مرمتی لازم داشته در نهایت خوبی تعمیر نموده اند

نیز کتب و مرقعات خزانهٔ مبارکه را که بخطوط اساتید بزرگوار است حکم شد در کتابخانهٔ مخصوص علیحده ترتیبی
مناسب و شایسته بگذارند و اطاقی بسیار ممتاز برای این کار ساختند

جناب صدر اعظم با لقاب مخصوص امیر نویانی که بزبان فرانسه الکنس باشد اختصاص یافتند

راه عتبات عالیات برای زوار مفتوح شد یکصد و پنجاه تومان از مالیات ارامنهٔ جلفای اصفهان (جولاهه) را سالیا
بخشیدند نیز با رامنهٔ ساکن بلوک فریدن مبلغی از بابت قیمت جنسی که در عوض مالیات میدهند تخفیف
مرحمت فرمودند

این اوقات طایفه ترکمانیه از دشت سفیدان قلاع و قرا و بدجات تکه اتک نشین باهم همقسم شده پانصد نفر
سواره بعزم تاخت و تاز بقریه افریزه که یکی از قرای سرحدی قوچان است امده اما اهالی قریه مزبوره بمدافعه
پرداخته چون ترکمه از غلبه برابادی مأیوس شده بچرانیدن و سوزانیدن محصولات پرداخته در بین یزدان
دیو دیجان

برادر ساقیخان ایلخانی مخبر شده سواره شمخالچی هرچه ممکن بوده بامداد حاجی خان بیک نایب قوشخانه و اهالی افریزه
فرستاده سواره مزبوره سواره سرحد قوشخانه را نیز جمع کرده بکمک سکنه افریزه رفته و تراکمه بکلّی از گرفتن
قلعه افریزه مأیوس حاصل نموده بسوزانیدن و چرانیدن محصولات قناعت کرده اند اما یزدانوردیخان بفرستادن
سواره شمخالچی مزبور مطمئن نشده قدرت الله آقا را با دسته سواره شمخالچی دیگر از عقب آنها روانه کرده از آن
طرف هم ترکمانان تدبیر نمانده قریب سه هزار سوار با بیل و کلنگ و نردبان بر سر قلعه خیرآباد که در بجنورد
سرحد قوشخانه است آمده و اطراف قلعه را گرفته از نردبانها بالا رفته که قلعه را متصرف کنند مردان این قلعه
چون بکمک اهالی افریزه رفته بودند زنان جلادت در مدافعه کرده پنج را از دست آنها گرفته و سی نفر از آنها
زخمی نموده بعد از مجادله زیاد تراکمه از گرفتن قلعه مأیوس و مراجعت کردند بعد از مراجعت آنها قدرت الله آقا
با حاجی خان بیک و سایر سرکردگان که در افریزه بوده از واقعه مستحضر شده سواره و شمخالچی حاضر را برداشته
جلو آنها را گرفته و با آنکه جمعیت قشون ظفر نمون زیاده از چهارصد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم
و متفرق نمودند نظر باین حسن خدمت یزدانوردیخان بیکثوب جبه ترمه و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و
یکرشته حمایل سفید مخصوص این رتبه از طرف قرین الشرف ملوکانه برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد
نواب محمد تقی میرزا که از جانب نواب والا شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان بحکومت عراق رفته بود مرحوم شد
و میرزا حسن خان برادر مرحوم میرزا تقیخان بنیابت حکومت عراق منصوب گردید حبیب الله خان پسر خسرو خان
کرمانی که دو سه نفر اشرار بلوچ را بدار الخلافه آورده بود بعطای یکطاقه شال ترمه و یکثوب قبای زری مفتخر
گردید یکدسته از ترکمانان آتک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند محمد
رحیم خان نایب الحکومه بجنورد مستحضر شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق کرده و قلعه که ساخته بودند بکلی خالی
مانده ارک و عمارات و ابنیه دیوانی مشهد مقدس را تعمیر میکنند شب پانزدهم ماه شوال زلزله شدیدی
در شیراز شده ولی بحمد الله آسیبی بجائی نرسانده شب بیست و نهم ماه ذیقعده جناب احمد وفیق افندی ایلچی
کبیر دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل کرده وحید افندی مستشار خود را در غیاب خود
بمصلحت گذاری برقرار نمود حاجی علیخان حاجب الدوله والد مؤلف را بیکثوب جبه ترمه تن پوش مبارک مفتخر
فرمودند محمد باقر خان سرهنگ فوج دویم تومان دویم تبریز که چندی فوج قراول ارک و عمارات مبارکات
دار الخلافه بود بیکقطعه نشان سرهنگی و یکطاقه شال سرافراز و یکقطعه نشان یاوری نیز بیاشابیک یاور
فوج مزبور مرحمت شد عباسقلیخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر گردید راه کتل بالای افجه
که بمازندران میرود و از این راه زغال و برنج از مازندران بدار الخلافه میآورند چون راهی صعب بوده هر سال

مال زیاد بلکه در بعضی سنوات آدم هم در راه مزبور تلف میشد چندی است بحکم جناب صدراعظم
انواع امجد بجوی صعبسازند و این اوقات قریب الاتمام است آقا مرزاده لواسان را که در قریه بادان است نیز صعبسازند
در اوایل ماه ذیقعده باد و طوفانی بسیار شدید در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریبا صد
هزار نخل از نخلستانهای فهرو کازرون ولارستانرا از ریشه کنده و هوا طوری تیره و تار شده که روز روشن
مثل شب تاریک گردیده بعد از آن شروع بباریدن تگرگ نموده و سیل در رودخانه ها جاری گشته است
شاهزاده محمد یوسف که نوکر و خدمتگزار این دولت است در نظم حدود جام را باو محول فرموده اند سواره
مزدورانی بدفع تراکمه که قصد تاخت و تاز آن حدود داشتند فرستاده تراکمه را مخذول و متفرق نموده اند
چون جعفر آقای کلاتی چندی بود که بظاهر اظهار انقیاد نسبت باین دولت ابد بنیاد و در باطن مخالفت مینمود
لهذا حسب الامر نواب والا فرمانفرما حکمران خراسان میرزا فضل الله قشون و توپخانه و استعدادی بطرف کلات
فرستاده کلات را متصرف و جعفر آقا با چند نفر از کسان خود فرار کرده و گرفتن کلات که از کارهای بسیار سخت
مشکل است باسانی برای قشون ظفرنمون میسر شد و نواب والا فرمانفرما نیز بعد از فتح کلات بآن حدود
رفته که قرار و نظم درستی در امور آنجا دهند و نظر بحسن خدمات نواب معظم و وزیر نظام خلاع فاخره همایون
از طرف قرین الشرف ملوکانه برای ایشان ارسال شد
روز یکشنبه نهم ذیحجة الحرام موکب اقدس اعلی از نیاوران تشریف فرمای دار الخلافه گردیده از جانب جناب صدراعظم
تقدیم قربانی و پذیرائیهای کامل از مقدم فرخنده شیم همایون بعمل آمد و فردای آنروز که روز عید قربان بود
در دار الخلافه سلام عام منعقد گردید جناب احمد وفیق افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی که رخصت انصراف از آستان
همایون حاصل کرده بود بعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس که از اجله نشانهای دولتی است
با حمایل آبی مفتخر و همراهان او نیز هر یک بعطیه در خور و مقام نایل گردیدند در روز ششم همین ماه از راه بغداد
عازم مقصد گردید سنگ مرمری در کمال صفا و زینت با خطوط خوش بجهة مزار مرتبت آثار خاقان خلد آشیان
(فتحعلیشاه) نور الله مضجعه تمام نموده با تشریفات کامل بمصاحبت میرزا اسد الله وقایع نگار داشتند
اسمعیل خان ولد مرحوم بشیر الدوله چاپارچی باشی دربار و مخلع گردید و مواجب و جیره مرحوم بشیر الدوله را در
حق او برقرار و مواجب اسمعیل خان را بسایر اولاد بشیر الدوله مرحمت فرمودند
روز عید غدیر سلام عام در دار الخلافه منعقد و عموم چاکران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند بهادرخان
و رحیم خان و آقا رضاخان که در فتح کلات خدمت کرده بودند مخلع شدند مستر بید از صاحب منصبان انگلیسی
که خدمات باین دولت ابد آیت کرده بود شب چهاردهم ذیحجة الحرام وفات نموده او را با اعزاز بخاک سپردند

خلیفه طاطاوس که بزرك ملت ارامنه جلفاست بدربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال ولایات نسبت بارامنه چنانکه باید برسم عدل و اعتدال حرکت نمیکنند لهذا فرامین و احکام موکده بحکام ولایات صادر شده که نسبت بجمیع ملل که رعایای دولت علیه اند دقایق کمال عدل و انصاف را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف داده‌اند روز بیست و ششم ذیحجة الحرام موکب همایون از ذاودیه تشریف فرمای شهر گردید

سوانح و وقایعی که در این سال ۱۲۷۰ در تمام ممالک عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاد

توضیح قبل از اقدام بنگارش اخبار اظهار میشود که بعد از این هرجا ذکری از مسئله شرقیه شد مقصود از جنك دولت روس و دولت عثمانی است که در سنه هزار و دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه کرد و صلح منعقد شد و قرار یکه دول متحابه عثمانی در حفظ حدود و ثغور و عدم مداخله دول دیگر بکار داخله عثمانی داده اند و شروطیکه دولت عثمانی نموده است که نسبت برعایای خودش کلیة علی الخصوص بعیسویان بتبعه خود چه قسم رفتار نماید و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع بدولت عثمانی است (همه را مسئله شرقیه مینامند) و از انجا که بنای نگارش اخبار ممالك بر ترتیب حروف تهجی است که در اسم انمملکت رعایت میشود و بنا براینکه این مسئله تعلق کامل بعثمانی دارد بجای حرف عین نگاشته میشود

اتاژونی ینکی دنیا

رئیس تازه جمهوری ژنرال پیرس در صدد وسعت مملکت و آبادی است نقار جمهوری اتاژونی با دولت اطریش بجهة حبس یکنفر از تبعه اتاژونی اکسپوزیسیون عمومی در نیوورك

اسپانیا

فوت دن دکوئس از فصحا و علما که در اینوقت سمت سفارت کبری را در پاریس داشت نارواوژ که جلای وطن یافته بود اجازه مراجعت یافت افتتاح راه آهن از اران ژواز به تانیلیك

المان

فوت ژنرال رادووبدس اهالی شهر میلان ایطالیا که جزو مملکت اطریش است بتحریك مازینی بنای یاغیگری میگذارند یکی از اهل مجارستان خیال قتل امپراطور را میکند بمهاجرین پیمن که در میلان بودند از طرف دولت اطریش کمال سختی میرسد ویکتر امانوئل پادشاه ساردین و پیمن از اینفقره بدول فرنك شکایت میکند قطع مراوده و دوستی مابین اطریش و سویس تاج سلطنت مجارستان و فرقرس اتیتین که یکی از ائمه عیسویان است باغیهای مجار در سه سال قبل از این سرقت نموده پنهان کرده بودند مکشوف میکردد و بدست دولت اطریش میافتد

در مملکت ساکس عروسی پرنس البرت ولیعهد آن دولت

تفصیل قصد قتل امپراطور اطریش از قرار است

و این تفصیلی است که از روی روزنامه معروف کازت دوین در بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه نوشته
اعلیحضرت امپراطور و اجودانش کنت اودنل بالای دیوار شهر وین خم شده پایین میان خندق را تماشا میکردند که یک دسته
قشون در میان خندق مشغول مشق بود بعد از تماشای مشق امپراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش
شد شخصی از اهل مجار علی الغفله بیرون آمده با کارد ضربتی بپشت گردن امپراطور اطریش زد امپراطور شمشیر خود را کشید
که بقاتل بزند کنت اودنل اجودان خود را بر روی ضارب انداخته کارد را از او گرفته بر زمینش افکندند جمعی رعیت
که از آنجا میگذشتند اجودان مزبور را کمک نموده قاتل را گرفتند امپراطور بدست خود دستمال بر زخم نگاه
داشته بود که خون زیاد از او نرود عمارت ارشیدوک آلبرت که در آن حوالی بود امپراطور خود را بآنجا رسانیدند
بعد از آنکه قدری آرام گرفت بکالسکه نشسته بقصر سلطنتی رفت و بعد از دو سه روز کلیته بهبودی یافت
اسم ضارب لیبنی

دولت اطریش یک دسته قشون بسرحد عثمانی مامور میکند که حمایت منتنگرو و هرزگوینها را نمایند در
حالتی که عمر پاشا با منتنگرو و هرزگوین در جنگ است

انگلیس

کنت گرانویل بوزارت خارجه برقرار شد   امتداد خط تلگرافی از مملکت انگلیس بهلاند و بلژیک از زیر
دریا   افتتاح اکسپوزیسیون بزرگی در دوبلین   طایفه کافر که در سمت افریقا با دولت انگلیس در جنگ
بودند طالب صلح شدند   کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ دارد و بود باسم دوک دلنگتن موسوم شد
جنگ با برمان در کمال تشدد و گرمی است   افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی   فوت گلن بورن که از
طرف دولت انگلیس مامور بردن ناپلیون بجزیره سنت هلن بود و بیچی فاتح سند

ایطالیا

سفر برادر پادشاه دوک دژن بپاریس و لندن   جزئی شورشی در تورن پای تخت ردرا است

بلژیک

دوک دبرابان که الحال ولیعهد است بسن بلوغ عرفی که هجده سال باشد رسیده باید خود پادشاه
بلژیک سفری ببرلن و وین و ساکس نمود   آرشیدوشس ماری دختر یکی از شاهزاده های بزرگ اطریش را
بحباله نکاح آورد پادشاه بلژیک و پسر و عروسش بانگلیس سفر کردند

پرتغال

دُنامادی ملکه پرتغال در وضع حمل اولاد هشتم میمیرد پسر بزرك ملکه دُن پدرُ پنجم که شانزده سال دارد بجای مادر پادشاه میکردد

چین

شورشیان از جنوب بسمت شمال حرکت کردند شهر نانکن را کرفتند و رأس رئیس یاغیان تین تِه که خودرا از طایفه معول و از اولاد قبلای قاآن میداند و سلطنت چین را حق خودش فرض مینماید کانتُن شهر دیگررا میکیرد شهر آموی را ضبط میکنند تا حوالی پکن میرانند

دانمارك

بواسطه نداشتن اولاد ذکور پادشاه دانمارك ولایت عهد را ببرادرزاده خود کریتین میدهد

روس

ضبط املاك و بیوتات هستانیها که برضد دولت هستند افتتاح راه آهن از سنت پطرزبورغ الی ورشو بسط مملکت و فتوحات در ترکستان فتح خیوه فرار خان خیوه ببخارا فوت اُتُن زُدُن نویسنده معروف

سوید و نُروج

وبای شدید در نروج علی الخصوص در کریستیانیا پای تخت آن مملکت

سویس

جمهوری سویس مضایقه در قبول تکلیف بعضی دول مینماید که روزنامه نویسان آن مملکت را مانع شوند نسبت بنا بر ملل و سلاطین خارجه بد ننویسند و روزنامه‌ها را آزاد میدانند از برای هنکام لزوم بلیت وهشت هزار قشون حاضر میکنند

عثمانی

ابتدای مسئله شرقیه دولت روس در ایالت سروستان محرك کشتیهای اسلاو است برضد پرنس الکساندر والی آن مملکت استعفای پرنس شیکا والی افلاق بغدان بواسطه بودن عساکر روس در آن مملکت اهالی قراداغ عثمانی در شورش اند برضد دولت دولت اطریش حمایت از آنها میکند سفیری مخصوصا از وین باسلامبول بجهة تکلیف بعضی مطالب که راجع بقراداغ است میرود دولت عثمانی قبول این تکالیف را مینماید دولت روس طالب آزادی و رفاهیت تمام عیسویان تبعه دولت عثمانی است پرنس منچیکف وزیر بحریه روس مامور باسلامبول و حامل نوشته مخفی است برای سلطان عثمانی دولت انکلیس و فرانسه بمحض اطلاع ازین

نوشته

نوشته سخت دولت روس که تهدید بجنگ است سفاین جنگی خود را بخلیج بزیکا که از آنجا باسلامبول سی
وشش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه میدارند پرنس کرشاکف سردار روس از رودخانه پروت که سرحد
روس وعثمانی است تجاوز کرده تابستان اینسال را در خاک افلاق بغدان میشود در وین پای تخت اطریش
مجلس مشاوره دول که عبارت از کنفرانس باشد تشکیل مییابد سفرای کبار پروس واطریش وفرانسه
وانکلیس در مسئله شرقیه کفتکو مینمایند لایحه بطور یادداشت ازین مجلس نوشته میشود تکالیفی که
درین لایحه ضبط بود دولت روس قبول میکند اما دولت عثمانی رد مینماید کشتیهای جنگی فرانسه وانکلیس
که جنگ میانه عثمانی وروس را قریب بیقین دیدند دریا نیز ورود باسلامبول میکنند قشون عثمانی
بسرداری عمر پاشا از دانوب عبور کرده در حوالی اولتنیتزا وتورکانی با قشون روس مقابلی کرده آنهارا شکست
میدهد ودر همانوقت شروع مخاصمه در اناتولیا میشود در بندر سینوپ یک قسمت عمده کشتیهای
جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق میسازند رعایت عیسویها که تبعه عثمانی بودند وروس طالب بود وفی
الواقع میخواست باین اسم آنهارا در تحت حمایت خود درآورد درین قسمت مملکت فرنگستان عثمانی که سی کرور
جمعیت شمرده میشدند بیست ودو کرور آنها عیسوی وباقی مسلمان یا ملل دیگراند پرنس منچیکف در بحریه
روس قبل از ورود باسلامبول در سوستاپل بیست وهفت کشتی جنگی روس را سان دید ومسئله عمده
که اسباب نقار شد واعلان جنگ از طرفین کردند این بود که دولت عثمانی مصر براین بود که قشون روس
از افلاق بغدان خارج شوند ودولت روس اینفقره را نمیخواست قشون عثمانی در سمت اناتولیا چند
شکست خوردند در سمت ازمیر طایفه ینی قاطرچی بنای دزدی وغارت گذاشتند عباس پاشا والی مصر
بر ضد روس وخدمتگذار عثمانی است وقدغن بلیغ نمود که از مصر حبوبات بخارج نبرند دول فرنگ بطلان
این حکم را از دولت عثمانی خواستند که محض تکلیف بعباس پاشا قبول نمود

فرانسه

مزاوجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اژنی صبیه یکی از سرداران وبزرگان اسپانیا بواسطه بدی حاصل
اینسال از اطراف بحکم اعلیحضرت ناپلیون غله زیادی بمملکت فرانسه آوردند سدی که در شربورک هفتاد
سال بود بنا کرده بودند تمام شد در آستانی نود کالدنی بتصرف فرانسه آمد فتوحات ژنرال بسکه وژنرال
ماکماهون در الجزایر

مکزیک

اربیتا رئیس جمهور اضطرارا استعفا نموده از مکزیک خارج میشود سانتا آنا بجای او منصوب وتعیین

جدید ایجاد میکند و قشون را منظم مینماید و تمنای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده و لیعهدی

که باید بعد از فوت بجای او باشد خود معین کند

هلاند

بنادر جزایر ملوک که از متصرفات هلاند است بتجارت جمیع دول باز میشود

یونان

زلزلهٔ سخت در شهر تب میشود

شرح سال هشتم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران شیدالله تعالی دعایم ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و یک هجری پارس ئیل ترکی

چون خاطر الهام ذخایر مقدس همواره متوجه رعایت و آسایش کشوری و لشکری و قاطبهٔ رعیت و کلیهٔ

اهل مملکت است بعد از فتح کلات و سرکشی نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان آن قلعه

و نواحی را حکم همایون شد که سیورسات قشون ساخلوی کلات را که از افواج خمسه و فراهانی و غیره میباشند

در دست بآنها برسانند و همیشه آذوقه پنج ششماهه خود را در آنجا حاضر و آماده داشته باشند و از آذوقه

تنگی نکشند و اهالی کلات را چنانکه باید مشمول مرحمت و توجهات اینه دولت بدایت نموده که آنها نیز از

هر جهة آسوده خاطر باشند برج و باره کرهنان و ارک بم را تعمیر مینمایند نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما

حکمران خراسان که با جمعیت و توپخانه و استعداد تمام بطرف سرخس رفته اند ریش سفیدان و رؤسای تراکمه

سرخسی از طایفهٔ آقتمش و تقتمش که هر طایفه دوازده تیره و هر تیره هزار خانوار اند بخدمت نواب معظم الیه

آمده اظهار انقیاد و استدعای خدمتگذاری باینه دولت علیه را نموده قرار و مدار یکه باید داده راه اطاعت

میپیمایند قلعهٔ رویین در نهاوند را تعمیر کردند نواب سیف الله میرزا بحکمرانی قزوین برقرار گردید

شب عید مولود مسعود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در تمام بلاد ممالک محروسه عموماً و در دار

الخلافه خصوصاً جشن کرفتند و چراغان و آتشبازی کردند و روز عید سلام عام در تخت مرمر اتفاق افتاد

نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران برحمت ایزدی پیوست و نظر بخدمات مرحوم مزبور در ظهور

شایستگی نواب احمد میرزا معززی الیه را بحکومت مازندران و خلعت همایون سرافراز فرمودند و میرزا

اسدالله مستوفی نیز بوزارت وپیشکاری مازندران برقرار ومخلع گردید محمد علی خان سرتیپ فوج
فارسی را بلقب شجاع الملکی وخلعت همایون مفتخر وجمیع قشون فارسی را ابوابجمع مشار الیه فرمودند
میرزا عبدالرحیم اجودان وزارت خارجه بمنصب نیابت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول ولقب
خانی سرافراز ومخلع شده عازم محل ماموریت است قاسم خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم تفلیس اعضای
دربار همایون شده میرزا حسین خان کارپرداز سابق دولت علیه در بندر بمبئی از (جناب مستطاب
اشرف سپهسالار اعظم وزیر جنگ ووزیر امور خارجه) بمنصب جنرال قونسولی مامور تفلیس فرموده باعطای
جبه ترمه از ملابس خاصه همایون سرافراز فرمودند سیف الله خان شاهسون مرحوم وسرکردگی سواره
شاهسون را ببرادر او لطف الله خان مرحمت فرمودند وبخلعت همایون نایل گردید وبرادر کوچکتر مرحوم مشار
الیه هدایت الله خان بمنصب ایل بیکی گری طایفه مزبوره برقرار ومخلع گشت جناب حاجی ملا اسدالله
معروف بحجة الاسلام از علمای معتبر بوجود بمرض مطبقه بجوار رحمت الهی پیوست آقاخان سرتیپ در
انتظام امور سواره ایلات قزوین ابوابجمعی خود مساعی لایقه نموده بود دو فوج سربندی و بزچلو را علاوه
بر سواره مزبوره ابوابجمع مشار الیه فرمودند چون از کمی آب حوض سلطان نقابرین بد میگذشت درآنجا
بحکم جناب صدر اعظم استخرهای آب میسازند عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر مینمایند نواب والا
فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدات جول وحوش کلات بطرف آخال رفته که آنحدود را هم نظم درستی
بدهند حسن خان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید حیدر علیخان سرهنگ
که در سفر خراسان وهرات وغیره خدمات کرده بمنصب نیابت اول اجودانباشی سرافراز ومقرر شد باز در آن
دفتر بخدمات نظامی مشغول باشد

روز شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه تشریف فرمای مدرسه
مبارکه دار الفنون گردیده متعلمین امتحان مفصلی در حضور باهر النور مبارک دادند و هریک مستحق خلعت
وانعام یا مواجب و نشان بودند فی الفور بعطای آن سرافراز گردیدند ومعلمین نیز بقدر استحقاق بخلاع فاخره
وانعامات شاهانه ومناصب فایز گشتند ومحمد خان میرپنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود
بمکتوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید ورضا قلیخان ناظم مدرسه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت
گنبد مطهر حضرت امام زاده عبد العظیم علیه السلام را حسب الامر همایون تعمیر نموده طلا کردند شب هجدهم محرم
در بوشهر زلزله شدیدی شد ولی آسیبی بکسی نرسید نواب والا فرمانفرمای خراسان که بطرف آخال رفته
بودند چون بعشق آباد که اول خاک اتک نشین است رسیدند بعضی سوارهای ترکمان سر راه بر امیرخان سرکرده

سواره قورت بیکلو که پیش قراول بودند گرفته و با جوادخان سرکرده سواره شقاقی جنگ و جدال اتفاق
میافتد عساکر منصوره غالب و ترکمانان فرار میکنند نواب معظم الیه نیز با توپ و سواره و پیاده از عقب
میرسند و در عشق آباد توقف میکنند و روز بعد بهر طرف از اطراف اتک که محل سکنای ترکمانان اتک نشین است
میفرستند احدی از ترکمه یافت نمیشود و کلاً فرار کرده لهذا نواب والا حکم نموده جمیع قلعه جات آنها را که سی
و شش قلعه بوده با آذوقه و اسبابیکه در آنجا داشته اند خراب کرده و سوزانیده اند و بعد از چند روز معاودت
مینمایند و بنابر اهتمامات نواب معظم در آن صفحات یکطوب قبای ترمه تن پوش مبارک و یک قبضه کارد
دسته مرصع مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب والا فرمانفرما مرحمت و ارسال میشود و
از قرار ذیل ملتزمین خدمت و همراهان نواب معظم بعواطف و خلاع فاخره سرافراز شدند

میرزا ابراهیمخان سرتیپ خمسه جبه ترمه ثوب
محمد حسن خان سرتیپ قراهائی نشان و حمایل سرتیپی
امیر حسینخان برادر شاهخان ایلخانی جبه ترمه ثوب
سعادتقلیخان پسر مرحوم سلیمانخان دره جزی فرمان حکومت دره جز و جبه ترمه ثوب
جوادخان سرکرده سواره شقاقی شال طاقه قبا ثوب
صفرعلی بیک یاور توپخانه مبارکه نشان یاوری اول قطعه
یعقوب بیک یاور نشان یاوری دوم قطعه
حسینعلی بیک یاور نشان یاوری دوم قطعه
باقر بیک نایب توپخانه مبارکه نشان مطلای نایبی قطعه

جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد موسی خان سرحد دار بم و نرماشیر مامور سفر بمپور
و بلوچستان با توپخانه و قورخانه بمحل ماموریت خود روانه شد غله که فی الجمله ترقی در دار الخلافه باهره کرده و
اسباب وحشت مردم شده بود یکهزار خروار از انبار دیوان غله بمردم فروختند و از اطراف قزوین و غیره نیز علی
التوالی حسب الامر غله بدار الخلافه میاید و چون یکدو باران هم آمده موجب امیدواری و اطمینان خلق گردید
قافله از هرات بمشهد مقدس میامده و قافله هم از مشهد بهرات میرفته ما بین کوهستان هرات و کاریز جمعی
از سواره قرائی با محمد شیخ بیچو آمده بودند خبر بسرخس رسیده ولیس آنها با پانصد نفر سوار همراه خود برداشته
با باباخان هزاره راه اخبار کرده بود که من بنابر الطاعتی که بدولت علیه دارم کاری بشما ندارم برای محافظت
قافله از تاخت و تاز محمد شیخ میروم قافله که از مشهد میرفته اند در قلعه مشهدک ربوه که از توابع باخرز

ونواب

و نواب والا امر بانفرما انرا امثال تعمیر نموده اند توقف نموده و بابا خان و محمد رضا خان هزاره آنهارا نگاهداری
کرده لکن قافله که از هراه بمشهد مقدس میآمده گرفتار محمد شیخ و اسیر شده اند و خبر بعصید محمد خان ظهیر الدوله
رسیده جمعیتی را باستخلاص ان قافله فرستاده سواره جامی و خوافی و هزاره بامداد جمعیت هراتی رفته
با همراهان محمد شیخ جدال نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اسرا را خلاص نموده فراریها را تعاقب
کردند چون اسرا و گوسفندانی که از ترکمانان پس گرفتند متعلق برعایای دولت علیه بودند نواب والا
فرمانفرما و وزیر نظام بعصید محمد خان نوشته بودند که غدغن نماید سواره هراتی اسرا و گوسفندانرا رد
نمایند از قرار مذکور پنجاه و یک اسیر را در هرات تسلیم گماشته وزیر نظام کرده اند اما بابت پنجهزار
گوسفند که استرداد نموده هنوز پس نداده اند

محمد علیخان بختیاری چهار لنگ که مدتی بود مصدر شرارت شده و در قلعه دز که از قلاع محکم است متحصن گردیده
امیرزاده ابراهیم میرزا بجهة دفع شرارت او استعدادی فراهم آورده با دویست نفر از فوج محمد مراد خان سرتیپ
و خود مشار الیه روانه بجانب قلعه دز شدند و حسینقلی خان بختیاری هم تاکید نموده که از انطرف بیاید بعد
از ورود امیرزاده با فوج و جمعیت بختیاری بدانجا حکم بمحاصره دز کرده تا سیزده چهار روز در پای قلعه مشغول مجادله بودند
و راه رودخانه‌ها را از دست محمد علیخان گرفته و عرصه را براو تنگ نموده اخر الامر یکشب ساعت شش بود شب بدروازه
که محل نشیمن خود محمد علیخان بود برده چند تنی از جمعیت محمد علیخان مقتول و مجروح و خود او چون کار را سخت
دید در همان شب باطناب از قلعه دز پائین آمده فرار کرده فردای انشب امیرزاده چند نفر از عقب او روانه کرده که
او را دستگیر نمایند و امیرزاده معزی الیه بنابر رشادتی که در این خدمت بظهور رسانیده بمکتوب جبه ترمه خلعت
همایون مفتخر گردید چون محمد ولیخان بیگلربیگی حکمران استراباد در انتظام امور آن صفحات مساعی جمیله نموده بود یک
قبضه شمشیر براق طلا کلا مرصع از طرف قرین الشرف ملوکانه بمعزی الیه مرحمت شد جعفر آقای کلاتی که بعد از
فتح کلات فرار بجنوه کرده بود بقراباب شتافته با هزار سوار قراباغی بطرف کلات امده و قصد داخل شدن کلات
داشته سربازان و قراولان خبر شده بنای شلیک را گذاردند و میرزا ابراهیم خان سرتیپ را مطلع مینمایند معزی الیه
دسته سربازی بکمک سربازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت زد و خورد شکست فاحشی بسواره قراباغی
داده با انکه شب بوده انها را مقهور و متفرق مینمایند از قرار مذکور یک برادر جعفر اقا هم زخم گلوله برداشته
دوستمحمد خان و شکور بیک فرستادگان سردار کهندلخان حکمران قندهار با عریضه مشار الیه که در باره همایون
عرض کرده بود بکرمان امده محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان انهارا پذیرائی و مهمانداری نموده عرایض انهارا
بدربار معدلت مدار فرستاده و جواب انهارا دریافت نموده انهارا مقضی المرام با انعام و اخراجات و بذل مسا

تفنگهای آنها را بعضا اودت دادند پل خواجوی اصفهان را تعمیر کرده‌اند شیلات مازندران و استراباد را بمیر علی اکبر خان دریابیگی و میر عبد الصمد خان دادند و مشار الیهما مخلع شدند جناب سیتونس صاحب قونسول دولت انگلیس که سابق مقیم تبریز بود ماموراقامت دار الخلافه کردید میرزا حسن خان نایب الحکومه عراق که کلیه شهر سلطان اباد را مرمت نموده و عمارات دیوانی را تعمیر کرده و از قم و بروجرد و همدان و اطراف از هر قبیل ارباب صنایع باین شهر آورده و سکنا داده است و باغ شاهی بیرون دروازه ارا[ک] را نیز که خرابی داشته اشجار نشانده و آباد کرده سد ناصری حویزه در کمال استحکام و با علی درجه خوبی باتمام رسیده و بقدری آب بحویزه امده که بی زورق عبور از آن ممکن نیست از قاین میرزا محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان خبر دادند که بلوچ زیادی از دو بار سیستان بعزم تاخت و تاز قاینات امده در آنجا کاری نکرده بطرف هفتاد راه شتافته اند معزی الیه فی الفور بهمه دهنه جات آدم فرستاده و خود نیز با جمعی بخبیص که متصل بلوت است رفته و از آنجا جمعی را مامور لوت کرده آنها چند نفری در حوض نادر که در پانزده فرسخی خبیص است کذارده خود تا بکلاربارود و نقاره خانه که بیست و پنج فرسخ آنطرف حوض نادر است رفته و بلوچها را متفرق و اسیر و زخمی کرده اند نظر بخدمات عیسی خان والی حکمران کیلان یک قبضه کارد دسته مرصع و یکثوب کلیجه ترمه تن پوشی مبارک از جانب سنی الجوانب همایون برای معزی الیه فرستاده شد منصب تحویلداری قورخانه را بهاجی میرزا موسی خان واکذار فرموده مشار الیه بیکثوب جبه ترمه کرمانی مخلع کردید در ازای خدمات بندر عباس یکقطعه نشان سرتیپی اول و یکرشته حمایل سرخ و یکثوب جبه ترمه بامیرزاده عبد الباقی میرزا ولد نواب والا موید الدوله و یکقطعه نشان میرپنجی و یکثوب جبه ترمه بعبد الله خان صارم الدوله مرحمت شد همچنین بنا بر مناصب ومنصبها از قرار ذیل بذل مراحم شد

ابدال خان یاور فوج ملایری نشان سرهنکی قطعه شال طاقه قبا ثوب

عبد الحسین خان سلطان فوج ملایری نشان طلای سلطانی قطعه

مصطفی قلی سلطان صوبه دار توپخانه مبارکه نشان طلای سلطانی قطعه شال کرمانی طاقه

سال کذشته رضا قلیخان سرهنک فوج عرب نظر بخدمات او در فتح بندر عباس او را بمنصب سرتیپی سرافراز فرمودند ولیکن بعد از انکه مقرر شد فوج ابو الجمعی او در بندر سا خلو باشند فوج تقاعد و اهمال نمود لهذا حکم شد فرمان سرتیپی را از او پس بکیرند در اینسال چون فوج او مجددا در بندر عباس خدمات نمایان کردند باز رضا قلیخان را بسرتیپی نایل کردید محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج اصفهان چون امیر احمد خان اوزبکی را که از جمله اشرار فارس بود کرفته و قلعه او را خراب کرده بموجب این خدمت کذاری بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون سرافراز کردید فتاح خان قشقائی را که چندی بود براهزنی و شرارت میپرداخت نیز لطفعلی خان سرتیپ قشقائی کرفته دفع شر او را نموده

لهذا سرتیپ مشار الیه نیز بمکتوب جبه ترمه مخلع گردید بعضی ترکمها عزم تاخت و تاز نواحی خراسان داشتند
حکام و سرکردگان آنصفحات بتدبیر و تادیب آنها پرداخته ایشانرا مخذول و پراکنده نمودند شیخ فارس خان
حاکم جعب و مضافات در خدمات دیوان مواظبت کامل مینمایند نواب جهانسوز میرزا بمنصب سرتیپی دو فوج
عرب و عجم نایل و بخلعت همایون مفتخر گردید شاهمراد ایناق از متعلقان خان خیوه با دو هزار سوار و دو
عراده توپ و قوشون پیاده نیز با هزار سوار بر سر مرو آمده نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان احکام
بجمیع ولایات خراسان نوشته اند که سواره و پیاده قشون ظفرنمون در هرجا مستعد باشند که هنگام احضار
بدون معطلی حاضر باشند خان خیوه نیز بقرایاب و از آنجا بمرو آمده لهذا نواب والا فرمانفرمای خراسان محمد
حسنخان سرتیپ افواج فراهان را با دو فوج فراهان و یکفوج گروس و پانصد سوار و دو عراده توپ روانه
آق دربند نموده خود نواب معظم الیه نیز عازم آنصفحات میباشند امّا نظر باینکه این اتفاق خالی از عظمی
نیست فی الجمله ببسط آن میپردازد

ذکر محاربهٔ قشون ظفرنمون با محمد امین خان خان خیوه و کشته شدن خان خیوه

مملکت خوارزم که قاعده و دار الملک سابق آن که کانج مشهور باورگنج بود و شهر مشهور حالیه آن خیوه است
و عرب آنرا معرّب کرده خیوق گویند از طرف جنوب غربی متصل باسترآباد است و از سمت جنوب شرقی بمرو اتصال
دارد و از آنجا که از قدیم الایّام از رود جیحون باینطرف همیشه داخل خاک ایران بوده آنجا نیز در تحت اراده و اختیار
اوامر و نواهی سلاطین ایران بود و حکّام آنجا هم اگرچه از جماعت اوزبکیه بودند لیکن متابعت و انقیاد سلاطین
ایران مینمودند و اگر یکوقتی یکی از آنها باستظهار بعد مسافت و صعوبت راه خیال خودسری میکرد پاداش کفر
خود را میدید چنانکه در عهد سلطان محمد صفوی جلال خان پسر محمد خان اوزبک که حاکم خوارزم بود لوای خودسری
برافراشت و بدست مرتضی قلیخان حاکم مشهد مقدس بقتل رسید و حاکم دیگر در آنجا تعیین کردند همچنین
وقتیکه عبد الله خان سبستانی بخوارزم استیلا یافت حاجی محمد خان حاکم آمده بشاه عباس صفوی پناه آورد
و در سنه یکهزار و شش شاه عباس بخراسان رفته غاصبین آنمملکت را بقتل رسانده حاجی محمد خان و عرب سلطان
پسرش را بحکومت آنجا برقرار کرد و سایر حکام آنمملکت نیز همه در اطاعت پادشاهان ایران بودند تا بعد از عهد
صفویه فترات و انقلابات موجب خودرائی آنها گردید و زمانی که نادرشاه استقلال و اقتداری یافت همّت
بر تنبیه آنها گماشت و حکمرانی خوارزم در آنزمان بالولاد فاضل ایناق و محمد امین ایناق بود نادرشاه در سنه
هزار و یکصد و سه عزیمت آنطرف نموده خان خوارزم را کشته محمد طاهر خان پسر ولی محمد خان اوزبک را حاکم کرد
بعد از نادرشاه در سنه هزار و دویست یازده سردار ایلتذر بن عوض اوبناق بن محمد امین اوبناق حاکم آنجا شد

جنگ کردن لشکر ایران با خان خیوه

و همیشه افتخار ایشان بخدمت و برگزیدگی سلاطین ایران بوده و بعضی واسطه چند سال بود که اولاد سردار ایلتزر
در حکومت آنجا متمکن بودند چنانکه بعد از ایلتزر محمد رحیمخان بود بعد پسرش الله‌قلیخان بود بعد از آن
رحیمقلیخان که در عهد خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه طاب الله ثراه بود و در کمال خدمتگذاری و اطاعت و هرگز
در عرض عرایض و ارسال رسل و انفاذ پیشکش تسامح و فروگذاشتی نداشت بعد از رحیمقلیخان که حکومت
برادرش محمد امینخان رسید در زمان شاهنشاه مبرور ماضی انار الله برهانه اولیای این دولت بوسایط
چندی اعتنائی باو نکرده او نیز فرصت یافته و غنیمت شمرده از خدمت دولت کناره گرفت سهل است پس از چندی
بخیال تصرف مرو که رعیت مخصوص این دولت ابد آیت است افتاده و اسباب تسخیر مرو را فراهم آورده هر دو سه سال
یکمرتبه بمرو میآمد و از آنجا باسم زکات چیزی میگرفت و معاودت میکرد و اولیای دولت و حکام خراسان اعتنائی
نکرده او از بی اعتنائی جری گردید تا در این عهد فرخنده مهد در سنه هزار و دویست و شصت و نه که نواب والا
حسام السلطنه والی خراسان بودند محمد امینخان از خیوه برای اخذ زکوة بمرو لشکر کشید و نواب معظم الیه بحسب
امر همایون چند فوج از افواج قاهره را با توپخانه مأمور مرو نموده بحمایت مروی شکست فاحش باو دادند و او بی‌نیل
مقصود مخذول و منکوب معاودت کرد قشون دولتی هم مدتی در مرو بود اگرچه اولیای دولت علیه خیال ماموریت
قشون برای تنبیه و انتظام آنحدود داشتند لکن بجهة قحط و غلای شدیدی که در مرو بروز کرده بود و ذخیره
و آذوقه بکلی نایاب قشون مزبور را از مرو معاودت داده و تنبیه محمد امینخان بعهده تعویق افتاد و منتهز
فرصت بودند در این بین سودائی بر سر محمد امینخان زده بیست هزار قشون اوزبکی و جنوقی جمع کرده در اواخر سنه
پارس ئیل که فرمانفرمائی خراسان بر عهده نواب والا فریدون میرزا بود بمرو آمده و از آنجا بلاتأمل قشون بسرخس
که رعیت مخصوص و ایل توخان این دولت است فرستاد اهالی سرخس مراتب را بنواب والا فرمانفرمای خراسان
معروض داشتند و استمداد و استعانت جستند نواب معظم الیه نیز باذن و اجازه اولیای دولت قاهره ابتدا
حسنخان سبزواری را با سیصد سوار خراسانی مقدمة الجیش فرستادند و متعاقب آن محمد حسنخان سرتیپ
فوج فراهانی را با دو فوج فراهانی و یکفوج کروسی و چهار عراده توپ و هزار سوار فرستادند که پانصد
نفر از آن سوار را با ایلغار سریعاً بحسنخان سبزواری برسانند و پانصد نفر دیگر را با خود داشته همراه پیاده نظام
و توپخانه ببرد محمد حسنخان سرتیپ نیز بهمین دستورالعمل رفتار کرده و باقی در بند رفت نواب والا فرمانفرما هم
روز هفدهم جمادی الثانیه با افواج و سواره عراقی و خراسانی و ده عراده توپ حرکت کرده بجانب سرخس راندند
در ورود حسنخان سبزواری بسرخس لشکر خیوه خبردار شده دو هزار سوار اوزبک از سرخس گذشته سواره حسنخان را
جلوگیری کردند این سواره با عددی که داشت پای ثبات در میدان جلادت فشرده خصم را شکست فاحش دادند

وبه هیچ آسیبی وارد سرخس شدند روز دیگر آن پانصد سوار متعاقب بسرخس رسید خبر رسیدن سواره
دولتی بسرخس و آمدن محمد حسن سرتیپ با افواج و توپخانه باق دربند بخان خنوق رسید خواست پیش دستی
کند فوراً جمعیت کثیری بامداد قشون سابق خود فرستاده حکم بتسخیر سرخس داد خود نیز متعاقب آنها با قشون زیاد
که قریب چهل هزار نفر بود و از طوایف واوباقات جمشیدی و قرباجی و تیمنی و میمنه و شبرغان و سالور و سایر
طوایف ترکمه حرکت کرده بجانب سرخس روانه شد چند روز قبل از رسیدن او بدور سرخس که سواره وپیاده
او در آنجا جنگ میکردند همه روزه سواره خراسانی و سرخسی بیرون آمده محاربات دلیرانه میکردند و در این
چند روزه چند عراده توپ معتبر و پانصد قبضه شمخال و اسب و شتر بسیار از آنها بچنگ عساکر منصوره افتاد
در دو روز ورود خان خنوق بدور سرخس نواب والا فرمانفرما با قشون ظفر نمون باق دربند وارد شدند
و محمد حسن خان سرتیپ با افواج و توپخانه بشش فرسخی سرخس رسید و چون نواب والا یکروز بعد از ورود
باق دربند که خبر عزیمت خان خنوق و جمعیت او را شنیدند در شب دوشنبه سلخ جمادی الثانیه نواب محمد تقی میرزا و
سام خان ایلخانی و شاهزاده محمد یوسف افغان و امیر خان سرتیپ قورت بیگلو و محمد حسین خان هزاره را با دو
هزار سوار صوبه شبانگاه از آق دربند که تا سرخس پانزده فرسخ خراسانی است روانه ساختند خان خنوق
نیز همان روز دوشنبه با جمعیت عزبور که زیاده از چهل هزار بودند بدور سرخس آمده اقدام بمحاربه نمود که
شاید قبل از رسیدن کلیه قشون و توپخانه دولتی کاری از پیش ببرد و قشون خود را حکم بتسخیر سرخس داد و خود
در سر تلی که مشهور بقانلو تپه میباشد و در سمت شرقی سرخس واقع است و دو هزار قدم تا سرخس مسافت دارد
چادری برافراشته با خواص و اعوان و اصحاب خود در آنجا در قرار گرفت از قلعه سرخس هم اول دهله حسن خان
سبزواری با سواران خراسانی از طرف دروازه جنوبی که غلبه قشون خوارزمی بود بیرون آمده بیش تازی
کرد سرخسی هم غیرت و عصبیت کرده بعلت اجتماع اناقا دکورا بیمی از دروازه جنوبی سرخس و نیم دیگر از دروازه
شمالی بیرون آمده دست بمقاتله و مقابله گشودند و قشون خیوقی را منهزم ساخته قریب سه هزار سر با اسب
و شتر بسیار و شمخال و تفنگ بیشمار و یکعراده توپ هجده پوند بزرگ و شانزده عراده صف شکن و دو بیرق
از آنها گرفته از جانبین جنوب و شمال قشون خیوقی را منهزم ساختند و از تپه که خان خیوق در آن قرار داشت
کذرانیدند و حمله های مردانه کردند خان خنوق را صحرا از سیلاب خون نظر جیحون دید و خود را در غرقاب فنا اسب
خواست که فرار کند و جان بسلامت برد چون یراق اسبش را مکلل بجواهر کرده بود بلکه بقاعده سلاطین کوی
طلا بدم اسب خود استوار کرده شجاعان خراسانی و سرخسی اسب او را شناخته بعقد روبیست سوار بر روی تیغ
تاختند و هنگامیکه خان خنوق تازه بر رکیب قرار گرفته بود خود را باو رسانیدند اصحاب و اعوان که نزد او بودند

محاربه با خان خیوه

هر یک اسب حاضر داشتند و سوار بودند فرار نمودند و آنها که دست رسی باسب نداشتند طعمهٔ شمشیر ابدار شدند و خان خیوه با سی و دو نفر از بنی اعمام و خادم و خواص خود مقتول شدند سر خان را صحت نیاز خان پسر اراض خان که از رؤسای سرخس است از بدن جدا کرد و سر شاهین را دلیران دیگر بریدند و این واقعه در سلخ جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و هفتاد و یک بود و آنچه بتحقیق پیوسته دویست و هفتاد نفر از صاحب منصبان خان کشته شدند و امیر احمد خان جمشیدی زخم کاری برداشت روز چهارشنبه دهم رجب که روز عید نوروز سال همایون فال توشقان ئیل بود سرهای مزبور را بار در خدمت نواب والا فرمانفرمای خراسان آوردند و آن دو هزار سوار که نواب معظم الیه با ایلغار فرستاده بودند در وقت غروب روز دوشنبه سلخ که خان خیوق مقتول و قشون او منکوب و مخذول شده بودند بسرخس رسیدند و بجهة خستگی راکب و مرکوب شب را آرام گرفته صبح بتعاقب قشون شکسته خیوق شتافتند نواب والا فرمانفرما سرها را بمصاحبت رضاقلیخان نایب ایشیک آقاسی باشی بچاپاری روانه دربار همایون نمودند

شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه بود خبر قتل خان خیوق بدار الخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضاقلیخان با سرها وارد گردید روز شنبه نوزدهم در سلام عام بعرض خاکپای همایون رسانیدند ذات ملکوتی صفات مقدس شاهنشاه روحنا فداه پاس خدمات اجداد خان را بسلاطین با تمکین ایران و بزرگزادگی او را منظور فرموده اعضای سر او و کسان او را بحضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند آنها را با کمال احترام تغسیل و تکفین نمایند و در جائی مناسب دفن کنند لهذا سری که سودای خوارزمشاهی چند گاهی در آن تمکن داشت در دل خاک جای گرفت و میرزا محمد علیخان شمس الشعرای اصفهانی المتخلص بسروش در این معنی گفته است

افسر خوارزمشه که سود بکیوان   با سر شه آمد بدین مبارک ایوان

اسامی و تعداد خواص محمد امین خان که کشته شدند از قرار ذیل است

(بنی اعمام خان که مشهور بتوره اند چهار نفر) (قاضی خوارزم) (عبدالله محرم) (داود غر محرم) (خدایارلی که یکی از صاحب منصبان معتبر بوده) (دولت یارلی) (بیک خان دیوان بیگی) (سردار بیگجان) (نیاز قلی بینک باشی) (الله قلی یوز باشی) (حق نظر بینک باشی) (دولت نیاز یوز باشی) (پیر نیاز محمد بای که سابقاً پدرش حاکم مرو بود) (ویس بای آق سقال خیوه) (پیر حکومت خان حاکم سهمنه که با هزار سوار بکمک آمده بود) (پهلوان مراد بای تکه قراباب نشین) (سلطان تکه از رؤسای قراباب) (محمد شیخ سردار که تازه بتاخت خراسان با دو هزار سوار همراه آمد) (پیر عباس بای تکه که از مشاهیر قراباب بود)

نواب والا

نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا که در کلیهٔ امور حکمرانی خاصه در بستن سد ناصری در حویزه مساعی جمیله
مبذول داشته بودند بیک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردیدند   از غرایب اینکه
نخیلات شط العرب امسال دو مرتبه ثمر داده اگرچه ثمر ثانی بحلاوت و رسیدگی ثمر اول نبوده ولی باز خیلی بمصرف
رسیده و بکار خورده زیرا که گندم وجود در آن ولایت تسعیری داشته   حاجب الدوله والد مؤلف که در تعمیر
و طلا کردن گنبد مطهر امامزاده عبد العظیم علیه السلام مساعی وافیه نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردید
دویست هیزه سر و شصت نفر اسیر و دو عراده توپ و یک عراده خمپاره که قشون کرمانی مامور بندر عباس عبد الله
خان میرپنجه هنگام فتح بندر عباس گرفته بودند بدار الخلافه آوردند   عمارات و آبادی دار الخلافه دیوانی و غیره
این اوقات خیلی زیاد شده است و بروج و بدنه ارگ و شهر هر جا خرابی داشته میسازند   در این اوان محض مزید
نظم و انتظام امور قشون دستخطی بقلم معجز رقم همایون شرف صدور یافت که سواد آن زیور این کتاب است

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

جناب صدر اعظم   الزم و اعظم امور ملک و دولت نظم قشون است و قشون ایران بطور دلخواه
و مکنون خاطر ما نظم کامل ندارد و این بی نظمی نیست مگر از عدم تسلط رئیس کل قشون و در حقیقت
تسلط رئیس کل قشون با شماست اگرچه با آن عشقی که شما در انتظام امور کلیهٔ مملکت دارید
هرگز راضی برین بی تسلطی رئیس قشون و بی نظمی امر لشکر نخواهید شد از این جهت میباید شما برای
تسلط سردار کل این فقرات ثلاثه را قرار بدهید که در کار خود تسلط تمام داشته باشد بعد
از این هم مراقب باشید که از این حالت استقلال نیفتد و هر کس تخلف کند فوراً مورد مواخذه
شود و پاداش داده شود   اولاً مواجب قشون را از نظام و غیر نظام و توپخانه و سواره
و پیاده رسیدگی کنند و بدقت برسانند که سرکرده و صاحب منصب و این و آن حیف و میل نکنند
و هر کس از سرکردگان را بفهمند از مال نوکر خورده است حکماً تنبیه کند و مواجب نوکر را که گرفته
برسانند و الا اگر معلوم شود در مواجب نوکر کسی افراط و تفریطی کرده است و سردار از او
مواخذه و تنبیه ننموده است خود سردار مورد مواخذه و عتاب خواهد شد   ثانیاً از دولت
در حقیقت مواجبی که بصاحب منصبان و سرکردگان قشون عموماً داده میشود از اول تا بحال
محض تفضل و رحمت ملوکانه بوده است بامید اینکه در وقت خدمت بکار آیند این مرحمت را
در حق آنها فرموده و میفرمائیم لکن اینها چنان معلوم میشود که خود را بشخصه قابل و مستحق
این مرحمت میدانند و در هنگام ماموریت جزئی توقعات کلی بیجا میکنند اغلب سرهنگان

بمرتبه سرتیپی و سرتیپان بمرتبه میرپنجگی و میرپنجگان بمرتبه امیر تومانی و سرداری حرکت میکنند
و در مشق نظام و درس مدرسه کوتاهی و غفلت دارند و هیچ سعی و تلاش در کار خدمت نمیکنند
بموجب همین دستخط باید سردار کل اینفقره را بکل صاحبمنصبان و سرکردگان خالی کند که بعد
از این مادام که خدمتی از صاحبمنصبان و سرکردگان ظاهر نشود و در جنگ و محاربه با خصم جلادت
و رشادت از آنها بظهور نرسیده باشد ابداً زیادتی مواجب و منصب و نشان و حمایل باحدی داده
نخواهد شد و البته ثانیاً هم اذن نداده اید بدهید مگر مثل صارم الدوله که در تسخیر و فتح بنبل عباس
خود بر جمیع آغایان و افراد قشون سبقت جسته رشادت و جلادت نموده باین طور اگر از کسی
خدمت ظاهر شود مورد عطوفت خواهد شد و الا بعد از این دیگر زیادی منصب و مواجب
در حق احدی مرحمت نخواهد شد ثالثاً در صدور بروات مواجب و سیورسات و احکام
نظام قشون کلاً باید بمهر و مهر سردار کل بگذرد و اگر سردار معلوم کند که از صاحب منصبان
و محررین و مشرفین کسی برات غلط گذرانده است خود تنبیه نماید و از لشکرنویسان اگر
کسی چنین عملی را مرتکب شود و برات غلط صادر کند بشما بگوید یا در حضور عرض کند تا در
مقام مواخذه و تنبیه در آورده البته میباید سردار کل از این قرار در کار خودش تسلط تمام
داشته باشد و امور قشون را من حیث المجموع منتظم و مضبوط نماید تحریراً فی شهر جمادی الثانی

پارس ئیل سنه ۱۲۷۱

روز چهارشنبه دوم رجب یکساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت بحمل
تحویل نمود و ابتدای سال خیر مآل توشقان ئیل شد سلام خاص در کلاه فرنگی عمارت باغ و فردای آنروز
سلام عام در تخت مرمر در پیشگاه حضور باهر النور اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه منعقد گردید
نواب والا علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) بیکقطعه کل کمر مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر
گردیدند میرزا محمد صادق قائم مقام بر حسب ستدعای خود معزی الیه از تبریز احضار شده بود شرفیاب
حضور مهر ظهور مقدس گردید در مازندران باران زیاد آمده میرزا فضل الله وزیر نظام متولیباشی و
پیشکار خراسان چهار زوج در نقره که هر یک دو ذرع طول و یکذرع و سه چارک عرض دارد بجهة اطراف حرم
محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین بنام همایون تمام و نصب نمود در تبریز که مدتی بود باران نیامده بود
بارندگی کامل شد جناب سیوانیچکاف شارژدافر دولت روس مقیم دار الخلافه بیکقطعه نشان درجه الماس
مصور بتمثال بیمثال همایون از جانب سنی الجوانب مقدس سرافراز گردید

در این

تضییق اوقات چون رسماً از سفارت دولت روس فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا را اعلان نمودند و جلوس
اعلیحضرت الکسندر ولیعهد دولت مشار الیها را نیز اظهار داشتند از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
میرزا محمد حسین عضد الملک بسفارتخانه سنیه روس رفته در حالتیکه کل صاحب منصبان سفارت حاضر بودند
بجناب مسیو انیچکوف (انیچکاف) شارژ دافر دولت روس اظهار افسوس از فوت مرحوم اعلیحضرت امپراطور نموده
معزی الیه و صاحب منصبان سفارت را حسب الامر دعوت بحضور مهر ظهور و مبارک کرده باتفاق عضد الملک
شرفیاب حضور همایون شدند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه بعد از اظهار تأسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت
امپراطور تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکسندر را بر سریر سلطنت کل ممالک روس بلفظ گوهر نثار مبارک
ادا فرمودند بعد از تفقدات شاهانه اجزای سفارت را اجازه انصراف دادند   نظر بخدمات میرزا محمد صادق
قایم مقام بیکچام آئینه تمثال همایون که بزرگترین اسباب مفاخرت است معزی الیه را مفتخر فرمودند
در کرمان بارندگی زیاد شده محمد حسن خان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه باغی غرس و
احداث کرده موسوم بباغ ناصریه نموده است   در فارس بارندگی کامل شده باستبانی در بوشهر قرینه چهار
برج مشهور آنجا که دار الحکومه است حسب الامر در نهایت استحکام ساختند   شب سیزدهم رجب که عید مولود
مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد در دار الخلافه چراغان و آتش بازی کاملی نمودند
روز این عید سعید سلام عام انعقاد یافت   در خراسان علی التوالی ده پانزده روز باران آمده   میرزا
شفیع توپیرکانی وزیر کرمان است پل خرابی بر روی رودخانه قزل اوزن که از خاک کروس میگذرد در بود این
اوقات از انجدید در کمال استحکام ساختند   در یزد بارندگی خوبی شده   دکتر پرتلیبی فرانسوی که از فحول
اطباست در سلک چاکران دربار منسلک گردید   بوجیبن صاحب مترجم دولت علیه که مباشر روزنامه دولتی
بود چون علیل شده یکساله مرخص شد که بمملکت انگلیس برود   حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم و میرزا
نصر الله ولد مشار الیه جبه دار باشی و مخلع گردید   فوج جدید حسب الامر از شقاقی گرفتند   بلبست لوله
خمپاره ۶۶ پوند و ۲۴ پوند و ۳۲ و ۲۴ پوند ریخته مشغول سوار کردن آنها میباشند   توپهای
بزرگ و وسط مبدا نوا ایشان را پیاده نموده پرداخت و مرمت کرده دوباره سوار مینمایند چهار صد دست اسباب
توپ کشی سوای اسباب توپ کشی سابق که در انبار بود حسب الامر دوخته تحویل انبار قورخانه کردند
جناب چارلس اکیتی مری وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس که مامور ایند دربار دولت علیه میباشند
با پذیرائیهای معموله از جانب کارگذاران این دولت ابد آیت وارد دار الخلافه گردیده روز بیست و نهم رجب
شرفیاب حضور مهر ظهور همایون و مورد تفقدات خاصه خسروانه آمد   بارندگیهای خوب مایه اطمینان

اهالی دارالخلافه کشته محمد ولیخان بیگلربیگی حکمران استراباد این اوقات روانه گوکلان شده با نوکر اتوانی
وسه عراده توپ در نودیه و رامیان است و از تضیقات انتظام کامل داده مشغول وصول منال مالیات طوایف کوچلت
وایمر و قان و تاتار و دوجی وغیره است و محمد جعفرخان ولد معزی الیه بجای ایشان در استراباد میباشد
میرزا ذکی رشتی وزیر اصفهان است و در نهایت خوبی رفتار مینماید در کل فارس که از نیامدن باران وحشت
داشتند بارندگی زیاد شده در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندر لنگر بواسطه
وزیدن باد قوس و طوفان شدیدی شکسته و غرق شده و تقریبا دویست هزار تومان بتجار خسارت وارد
آمده در کرمانشاهان بارندگی خوب شده میرزا محمد صادق قایم مقام را بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون
مکلل بالماس مفتخر و مرخص فرمودند که باذربایجان معاودت کند میرزا صادقخان ولد مشیرالدوله بسرهنگی
فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید حسن خان سرهنگ فوج اردبیل و مشکین معزول و سرهنگی
فوج مزبور را بحسنعلیخان پیشخدمت خاصه مرحمت فرمودند و مرخص شد با قایم مقام روانه آذربایجان شود
وزیر نظام حوض بزرگی بجهت صحن جدید روضه مطهره حضرت رضوی سلام الله علیه میسازد پل آق دربند را
نیز فرستاده اند که در کمال استحکام بنا زنند عمارت هزار جریب اصفهان را چراغعلیخان نایب الحکومه تعمیر مینماید
طایفه سکوند لرستانی که مصدر شرارت بودند و جمعی دیگر را نیز با خود متفق نموده نواب والا احتشام الدوله
علیقلیخان سرتیپ را مامور نموده آنها را تادیب و تنبیه کاملی نمودند در بروجرد و آن صفحات نزول باران کامل
رفع وحشت مردم نمود متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون امتحان خوبی در حضور همایون دادند بعضی
مستدعیات میرزا محمد صادق قایم مقام در خاکپای همایون قرین نجح و حصول گردید و تفصیل آن از قرار ذیل است

حکومت خوی بنواب محمد رحیم میرزا

حکومت اورومی بنواب سلطان احمد میرزا

حکومت اردبیل بامیرزاده اکبر میرزا

حکومت مشکین بمحمد قلیخان بجنوردی

آقاجانی خان سرهنگ فوج بهادران بمنصب سرتیپی

اسمعیل بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه

اللهیارخان یاور فوج شقاقی بمنصب سرهنگی

مرتضی قلیخان بمنصب سرهنگی

و بعضی مناصب و مواجب و تخفیف

میرزا احمد خان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری ابواجمعی خود را نشان داده چون در کمال شکوه بود باعنایت
یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مفتخر گردید و مسیو بوری معلم غلامان نظام نیز بخلعت همایون سرافراز شد
مواجب محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی سیصد تومان بود دویست تومان بر آن افزودند نظر بخدمات
و مساعی جناب نظام الملک در اتمام دستور العمل سال نو حکام و ولایات یکرشته شرابه مروارید مرصع اویزه
زمرد از طرف قرین الشرف ملوکانه بجناب معزی الیه مرحمت شد و میرزا رحیم پیشخدمت و محصل کل محاسبات
که در این خدمت کمال جهد را نموده بود بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت همایون نایل شد
میرزا فتح الله لشکرنویس باشی را با عطای یکهزار تومان اضافه مواجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند
گل محمد خان از اشرار و متمردین بلوچ قلعه ابرندجان را محکم نموده و در آن متحصن شده دم از خودسری میزد
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان جمعیتی فرستاده قلعه مزبوره را تسخیر نموده متمردین مخذول و مقتول
نمودند اسمعیل خان سرهنگ را نیز سردار معزی الیه مامور خدمات بلوکات اربعه بم نمود نواب والا عبد
الصمد میرزا (عز الدوله) از جانب سنی الجوانب همایون بحکومت قزوین برقرار و حاجی حسنعلی خان خوئی اجودان
باشی سابق را وزارت نواب معظم الیه دادند حکومت ملایر و تویسرکان را بنواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند
مبلغی وجه نقد از دار الخلافه بجهت مواجب نوکریکه در استراباد هستند فرستاده شد عیسی خان والی کلان
که برکاب مبارک آمده بود حسب الامر معاودت بمقر حکومت خود مینمود بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون
و یکثوب جبه ترمه مفتخر گردید محمد علیخان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصه شریفه مجاورت عتبات عالیات
اختیار کرده محمد قلیخان سرهنگ جوانشیر برادر او بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید قاسم خان سرهنگ
فوج اخلاص افشار در ماموریت فارس در بندر بوشهر مرحوم شد و خانلرخان ولد کلبعلیخان افشار بمنصب
سرهنگی فوج مزبور منصوب گردید چشمهای حیاتقلی خان سرهنگ فوج کرند بسبب امراض مزمنه نابینا شده
لهذا منصب سرهنگی او را بملک نیاز خان ولد معزی الیه مرحمت فرمودند چون رعایای دره جز از سعادتقلی خان
حاکم دره جز ولد مرحوم سلیمانخان دره جزی شاکی شدند او را معزول و برادر کوچکتر او اللهیار آقا که بحسن
سلوک موصوف بود بجای او منصوب فرمودند محمود خان سرتیپ و مصلحت گذار سنت پطرزبورغ (جناب
ناصر الملک) بلقب جنابی مفتخر گردید قشون ظفر نمون که در این سال اخیر بالمجدد در فتح بندر عباس خدمت
کرده بودند هریک از سرکرده و صاحبمنصب نیز فراخور استحقاق بمنصبی و عطائی نایل شدند از جمله عبد الله خان سرتیپ
بود که بنشان میرپنجگی اول و حمایل سرخ و سفید سرافراز گردید و از واسطه داشتیم عواطف سنیه دولت در حق سایرین
از این قرار است که در ذیل مرقوم میگردد

اماموقلی خان سرهنگ ماکوئی منصب سرتیپی و نشان از درجه دوم سرتیپی
مسیو سلمبزر حکیم قشون کرمانی نشان درجه دوم سرهنگی و پنجاه تومان انعام استمری
فوج هفتم کرمانی نشان طلای سلطانی ده قطعه نشان مطلا سیزده قطعه نشان نقره صد قطعه
امامعلی خان سرهنگ نشان سرتیپی از مرتبه دوم
غلامان طایفه افشار نشان نقره یازده قطعه
سواره طایفه جبال بارزی نشان نقره شش قطعه
فهیم خان سیستانی فرمان مواجب شصت تومان
امیر سعید خان بلوچ سیستانی کارد دسته طلا قبضه
قاسم آقای یاور کوپه نشان از مرتبه دوم یاوری
سواره مهاجر نشان مطلا چهار قطعه
نوروز علی بیک که سر از بلوچ آورده بود انعام پنجاه تومان شال کرمانی طاقه
خداوردی بیک مهاجر اضافه مواجب چهل تومان
جهانگیر خان جبال بارزی مواجب چهل تومان
شاهسوار خان نشان سلطانی طلا قطعه
کمال خان سیستانی اضافه مواجب بیست تومان
اسدالله خان نایب اول توپخانه نشان سلطانی طلا قطعه
میرزا نصرالله خان یاور فوج کرمانی نشان از مرتبه اول یاوری
اصلان بیک یاور توپخانه مبارکه نشان از مرتبه اول یاوری
سهراب بیک پسر اماموقلی خان سرتیپ لقب خانی و نشان از مرتبه دوم یاوری

چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار تراکمه و ایماقات انضمامات در قراباب جمع شده و در آن اطراف و حول و حوش بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان تاخت و تاز میکردند بعد از شکست لشکر خوارزم و قتل خان خیوه نواب والا مؤید الدوله میرزا فرمانفرمای خراسان که از سرخس بمرو رفته بودند بر سر قراباب رفته اشرار مزبور که قراباب را محکم و سقناقی برای خود قرار داده بودند و بحصانت خود مستظهر چون استعداد قشون ظفر نمون را دیدند دانستند که در مقابله و مقاتله امید سودی نیست از در استیمان در آمدند نواب معظم الیه ایشان را از قتل و نهب امان داده حکم بتخریب قلعه ایشان نمودند و آن جمعیت را از آنجا کوچانیده بمواطن خود معاودت دادند و هشتاد

خانوار با خانه و کوچ از معتبرین مرد کردی گرفته خانوار سلطان هزاره را در آنجا بحکومت منصوب کرده
بمشهد مقدس معاودت نمودند و از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب والا فرمانفرما و همراهان ایشان
از قرار ذیل خلاع و نشان مرحمت و ارسال شد

نواب والا فرمانفرما نشان تمثال همایون مکلل بالماس قطعه جبه ترمه بخیه دار ثوب

میرزا فضل الله وزیر نظام اعضای مرصع عدد جبه ترمه ثوب

شاهمخان ایلخانی جبه ترمه ثوب

شاهزاده محمد یوسف هراتی جبه ترمه کرمانی ثوب

امیرزاده جعفرقلی میرزا جبه ترمه کرمانی ثوب

امیرزاده محمد یقلی میرزا جبه ترمه کرمانی ثوب

محمد حسینخان سرتیپ افواج فراهانی جبه ترمه کرمانی ثوب

امیرخان سرهنگ شاهسون نشان اول سرهنگی با حمایل سفید

محمد حسینخان قوللر اقاسی هزاره جبه ترمه کرمانی ثوب

محمود خان سرهنگ فوج نشابوری شال کرمانی طاقه

کاظم خان سرهنگ فوج ترشیزی شال کرمانی طاقه

محمد نقیخان سرهنگ فوج جدید فراهانی شال کرمانی طاقه

عباس قلیخان کروسی شال کرمانی طاقه

امیر حسینخان برادر شاهمخان ایلخانی شال و قبا دست

حاجی فتح علیخان یوزباشی غلامان خراسانی شال و قبا دست

بهادرخان شال و قبا دست

عبدالباقی خان افغان جبه کرمانی ثوب

محمد رضا خان تیموری شال و قبا دست

سید علیخان خوافی شال و قبا دست

نصرالله خان بجنوردی شال و قبا دست

میر منصور خان خوافی شال و قبا دست

محمد ابراهیم خان قاجار حاکم جوین جبه ترمه کرمانی ثوب

مهدیقلیخان یاور فوج قدیم فراهانی نشان اول یاوری

صفرعلی بیک یاور اول توپخانه نشان اول یاوری

محمدعلی بیک یاور فوج گروسی نشان دویم یاوری

یعقوب بیک یاور فوج قرائی شال کرمانی طاقه

حسنعلی بیک یاور فوج قرائی شال کرمانی طاقه

اولاد عبدالرحیم خان سنگ بستی از بابت مواجب پدرشان مواجب صد تومان

عطا محمدخان برادر کلاه فیجخان فورکی مواجب پنجاه تومان

حسن خان سبزواری که در جمیع محاربات بوده و برکاب همایون نیز آمده بود اضافه مواجب پنجاه تومان انعام پنجاه تومان

نشان یاوری قطعه شال کرمانی طاقه

سیم شعبان در دشتستان تگرک شد یک که هر دانه آن بقدر تخم مرغ بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی

آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نموده دویم شعبان در شیراز برق بخانه صفر سلطان که یکی از سلطانهای

فوج شیراز است زده یکنفر جاریه و دو راس اسب را اهلاک نموده خانه را هم خراب کرده نواب والا مؤید الدوله

حکمران فارس یکفوج از گرمسیر فارس که ششصد نفر آنها تنگستانی وغیره و چهارصد نفر لاری میباشند

بسرهنگی باقرخان تنگستانی گرفته به بندر عباس فرستادند که با فوج عرب ابوالجمعی رضاقلیخان سرتیپ

ساخلو بندر عباس باشند امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندر عباس صفحات شمیل و میناب و سایر

نواحی را خوب منظم نموده است

جناب جنرال بوسیلف که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت روس با نامه مودت ختامه اعلان جلوس اعلیحضرت

امپراطور بتخت سلطنت مامور دار الخلافه بود بهمراهی بارتولمه پولکونیک که او نیز از طرف جناب جلالتمآب

مراد یف جانشین جدید ممالک قفقاز با مراسله مخالصت غازم دربار معدلت مدار میباشد بعد از ورود

بسرحد ایران نواب والا نصرة الدوله حکمران آذربایجان قاسمخان سرتیپ در مهمانداری ایشان مامور و باعزاز

تمام وارد تبریز شدند و علینقی خان سرتیپ از طرف قرین الشرف ملوکانه بمهمانداری معزی الیهما مامور شده

از تبریز الی دار الخلافه مراقبت تمام از جانب سرتیپ مشار الیه و مباشرین و کارگذاران نسبت به مراعات احترام

ایشان بعمل آمد روز یکشنبه هفدهم رمضان چادر دولتی در قریه طرشت زده شد و محمدخان بیگلربیگی و میرپنجه

و محمدرضاخان سرتیپ از جانب سنی الجوانب همایون و خانبابا خان سرهنگ از طرف جناب صدراعظم و میرزا

عبدالغفار خان نایب دویم وزارت امور خارجه و محمودخان کلانتر و کدخدایان شهر و استقبال چی بسیار از غلام

وغیره باستقبال ایشان رفته باحترام تمام وارد باغ دولتی مشهور بباغ میرزا نبی خان امیر تومان که قبل از وقت
برای ایشان منزل معین شده بود گردیدند و احترامات و تشریفات معموله بطور اکمل درحق ایشان بعمل آمد
و در روز دوشنبه بیست و پنجم رمضان محمد حسن خان نایب ایشیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف خسروانه
بمنزل جناب بروسیلوف و همراهان او رفته ایشانرا دعوت بحضور مبارک کرده برسم معمول با تشریفات
متداوله جناب معزی الیه و همه اجزای سفارت و نامه موقت ختامه بحضور باهر النور مبارک مشرف و
مورد تفقدات خاصه شاهنشاهی گردیدند

امیرزاده لطفعلیخان حاکم بهبهان بعضی مفسدین الوار را بواسطه لطفعلیخان سرتیپ فوج ششتری
دستگیر و تنبیه کامل نموده محض رفاه رعایای جزیره خارک وجوه تحویلات آنجزیره را معاف نمودند
نواب والا حشمة الدوله را بحکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر فرمودند و میرزا زکی کیلانی پیشکار
سابق اصفهان کمافی السابق بر پیشکاری نواب معظم الیه برقرار و مخلع گردید عرایض کرده سواری
موکب همایون رعایا و غیره مید هند عباس خان سرتیپ که از امنای دیوانخانه است و در رکاب مبارک بود
مشهود میکرد یکصد تومان بر مواجب میرزا محمد علی سررشته دار توپخانه افزوده شد چون رعایای شاهرود
و بسطام از حاجی سلیمانخان حاکم خود شاکی بودند او معزول و عباسقلیخان پسیان که سابقا حاکم کاشان
بود بجای او منصوب گردید همچنین بنابر سوء سلوک ابراهیم خان حاکم کاشان او را معزول و محمد حسن خان
پیشخدمت را بجای او منصوب نمودند نواب والا فرمانفرمای خراسان این اوقات پانصد نفر سوار دیگر بجهة
ساخلوی مرو فرستادند شیخ فارس خان حاکم محمره مخلع و برادر او شیخ حاکم خان بیک قبضه شمشیر
تر غلاف و کمرملک طلا نایل گردید

بنابر کمال مودت دولتین ایران و روس بعد از جلوس اعلیحضرت امپراطور بر تخت سلطنت روس لازم نمود
سفیری از جانب سنی الجوانب همایون بدربار آندولت مامور و اظهار تأسفات ذات ملکوتی صفات
شاهنشاهی را از وفات اعلیحضرت امپراطور مرحوم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور را ادا نماید لهذا جناب
سیف الملک عباسقلیخان میرپنجه را بعد از اعطای لقب و نشان و حمایل میرپنجگی و خلعت و شمشیر و کمر
مرصع و دیگر مرحمتهای شایان برتبه ایلچی گری کبیر با نامه مهر علامه بدربار آندولت مامور فرمودند قاسمخان
که سابقا برتبه کارپردازی اول دولت علیه متوقف تفلیس بود بمستشاری سفارت کبری با جناب سفیر
کبیر مامور سنت پطرزبورغ شد و علاوه بر مستشاری سفارت کبری معزی الیه را مقرر فرمودند که بجناب
جلالتماب جانشین مملکت قفقاز از جانب سنی الجوانب همایون تهنیت تفویض شد مناصب عالیه و مشاغل عظیمه را

بعهدهٔ کفایت ایشان ادا نمایند

جناب مسیو باره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مامور بسفارت دربار دولت علیهٔ ایران بوده
به بندر بوشهر وارد و از آنجا باتفاق مهمانداران مخصوص از جانب دولت علیه و رعایت شرایط احترامات کامله
از جانب وزیر مختار معزی الیه و اجزای سفارت سنیه عازم دار الخلافه شده شب هجدهم شوال در قریهٔ بخشی آباد
چادر دولتی زده شد و علیخان میرپنج افشار و نصرالله خان سرتیپ از جانب سنی الجوانب همایون و خانباخان
سرهنگ از طرف جناب صدر اعظم و میرزا عبدالغفار خان نایب دویم وزارت امور خارجه و محمود خان کلانتر
و کدخدایان شهر و مستقبلین زیاد از غلام و غیره باستقبال جناب معزی الیه رفته و باحترام تمام وارد سفارتخانه
خود شدند و احترامات لازمه پذیرائی سفرا بطور اکمل بعمل آمد روز بیست و پنجم ماه مزبور محمد حسن خان نوری
نایب ایشیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف ملوکانه بسفارتخانه رفته جناب معزی الیه را با اجزاء سفارت
بحضور همایون دعوت کرده با نامهٔ مودت ختامه شرفیاب حضور مهر ظهور مقدس گردیده مورد تفقدات خاصه
خسروانه گردیدند

در گله دار که بلوکیست در داراب گرمسیرات فارس مرض طاعون بروز کرده ولی بجای دیگر سرایت نکرده در اسد آباد
همدان تگرگ بسیار شدیدی که هر دانهٔ آن بقدر گردوئی بوده آمده و بباغات و محصولات خسارت وارد آمده

امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندر عباس بمنصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز گردید علیقلی خان میرپنج
که در سفر خراسان مشهد و خدمات عمده شده بود باعطای نشان و حمایل از درجهٔ اول میرپنجی و خلعت همایون
مفتخر گشت نواب والا اردشیر میرزا حکمران دار الخلافه و میرزا موسی وزیر دار الخلافه بجهة مساعی جمیله
در امور حکمرانی شهر و توابع مورد مراحم اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه گردیدند پاشاخان سرتیپ با سواره
ابوابجمعی خود مامور خراسان گردیدند فوج بندپئی جمعی نصرالله خان سرهنگ شاملو اصفهان شدند
فوج تخته قاپوی قراجه داغی جمعی محمد علیخان سرتیپ مامور ساخلو فارس گردیدند یازده عراده توپ با قورخانه
مامور فارس شدند که به بندر بوشهر بروند چهار عراده توپ با قورخانه نیز بعربستان مامور گشتند
کلب حسینخان نایب اول آجودانباشی بمنصب سرتیپی قورخانهٔ مبارکه و خلعت همایون سرافراز گردید
جعفر آقای کلانی که منشأ فساد و غالبا او خان خیوه را محرک بتاخت و تاز بود بعد از شکست قشون اوزبکیه
و قتل خان خیوه بخیوه گریخت از قراریکه نوشته‌اند سر او را در خیوه بریده‌اند محمد قاسم خان که سابقا
بکارپردازی اول مامور اقامت تفلیس بوده در هذه السنه بمستشاری وزارت کبری و بعد از آن برتبهٔ
مصلحت گذاری مامور توقف سنت پطرزبورغ گردید این اوقات بیکقطعه نشان سرتیپی از درجهٔ اول با حمایل

سرخ از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و عازم محل مأموریت خود خواهد گردید   بابا بیک افشار در منصب
ملک یاوران توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند   میرزا هاشم خان حاکم سراب و گرمرود
حکومت خلخال یافت   جناب جنرال بروسیلوف ایلچی دولت روس مرخصی از دربار همایون حاصل نموده معاودت
کرد   عمارات مبارکه ارک و غیره را در کار بنائی و تعمیر میباشند و این اوقات بنائی دیوانی و غیره در دار الخلافه
بسیار میشود   فتح علی بیک نایب اجودانباشی بسرهنگی فوج نیشابور و لقب خانی سرافراز شد   و کریمخان سرهنگ
فوج قدیم نصاری را نیز بسرهنگی فوج ترشیزی و خلعت همایون سرافراز گردید   حاجی شکر الله بیک یاور توپخانه
بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه و خلعت همایون نایل گشت   سید نور محمد شاه و سید جمال شاه قندهاری
که از جانب سردار رحمدل خان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش بدربار همایون میآمدند این اوقات
وارد دار الخلافه شدند   امان الله خان والی کردستان در امور ولایات اهتمام مینماید

روز دهم ذیحجه که روز عید اضحی بود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه چون در قریه افچه متعلق بجناب
صدر اعظم تشریف فرما بودند در همانجا سلام عام منعقد شد   ذو الفقار خان ولد جناب صدر اعظم
حاکم قم و محمد یوسف خان سرتیپ نایب الحکومه یزد در امور حکمرانی خود مساعی کامله دارند   کل کری مکلل بالبا
بوبلینان حسب الامر آقا محمد حسن صندوقدار برکردومی دستور العمل داده و ساخته است از قراریکه قیمت
کرده اند دویست هزار تومان ارزش دارد   میرزا علی اکبر اجودانباشی توپخانه بتحویلداری کل توپخانه
مبارکه و اصطبل توپخانه و صد تومان اضافه مواجب نایل گردید   عباس خان زیراهی بمحافظت قلعه زیراه
(از اعمال فارس وصل بشبانکاره) مغرور شده دم از خودسری میزد لهذا جمعیتی بر سر او فرستاده قلعه
او را کوفته و خود او با اتباع مخذولا فرار نمود   دیوار حصار بوشهر را که بسمت دریاست میساختند میرزا
حسنعلی خان دریابیگی بندر بوشهر و محمد باقر خان سرهنگ فوج فریدن و محمد کریم خان یاور را با یک سلطان
و یک دسته سرباز بجزیره خارک فرستاده و قرار داده است قلعه آنجا را تعمیر کنند و یکعراده توپ شش پوند
و پنج قبضه جزایر و بقدر لزوم قورخانه با توپچی و قورخانه چی متعاقبا روانه جزیره مزبوره کرده است
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذیحجه مرحوم شد

روز سلخ ذیحجة الحرام موکب اقدس همایون از ییلاق تشریف فرمای شهر دار الخلافه گردیدند

سوانح و وقایعیکه درین سال در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتازونی ینکی دنیا

کدورت مابین این دولت با اسپانیا بجهت حبس یکی از کشتیهای اتازونی در هاوان بدست کارگذاران دولت

اسپانیا عهدنامه تجارتی با دولت ژاپن دولت اتازونی متعهد است که میان دول متحاربه و روس واسطه شود دولت انگلیس از اهالی اتازونی داوطلب جهت مأموریت جنگل شرقی زمین میخواهد در مجلس شوری گفتگوی سخت جهت آزاد کردن غلامان میشود در ایالت و پوزیتیب نزد خالت وبانیه بهم نیال معادل شش کرور لنگر دکیس پنبه از اتازونی بخارج حمل شده

اسپانیا

تولد دختر از ملکه اسپانیا و فوت او بفاصله سه روز اخراج بلد نمودن اغلبی از سرداران قشون بی پولی دولت بشدت دو هزار سوار یکمرتبه متوقف پای تخت بودند شورش بلوا بسبکی از سردارانی که اخراج بلد شده بودند مجبور بودند شورش در اغلب بلاد سردارها را که اخراج بلد کرده بودند معاودت دادند مادر ملکه را شورشیان جلای وطن دادند روز حرکت او انقلاب در پای تخت شورش زیادی در شهر روی داده بروز وبا در بعضی از شهرها شورش مختصری در مادرید بر ضد دولت شدت وبا در جنوب این مملکت فوت دنکارلس

آلمان

ازدواج اعلیحضرت امپراطور اطریش با الیزابت از نجیب نجبای باویر وزیر جنگ مملکت پروس اتحاد دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول میشود فوت فردریک آگوست چهارم پادشاه ساکس بواسطه زمین خوردن از اسب سلطنت ژان برادر پادشاه بجای او افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مونیخ پای تخت باویر در آخر این سال اعلیحضرت امپراطور اطریش را دختری متولد شد ابتدای راه آهن از مملکت بوهم بمجارستان بتوسط کمپانی فرانسوی

انگلیس

فرستادن یکدسته کشتی جنگی معتبر بدریای بالتیک بسرداری امیرال نپیه اجزای مجلس پارلمان قبول نمیکنند که از طایفه یهود جزو وکلای ملت بشوند مراجعت کاپیتن ماکلور که راهی بدو محیط در سمت شمال و مغرب ینگی دنیا انکشاف کرده بود فوت دکتر بارت و وادنگتن دو مسافر که در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف تازه نموده بودند

ایطالیا

دوک پارم والی آنجا را که موسوم بر دوک دوپارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر کنت شامبر است طفل شش ساله خود را والی نموده و خود بنیابت سلطنت را اختیار میکند تا کبیر شدن او بروز وبا در

ژن وسبن) فوت شاد پادشاه وزن پادشاه بفاصله ده روز و دوک دژن برادر پادشاه بفاصله پانزده روز از شاه فوت جنرال الکساندر مارمارا سردار در سوستاپول بمرض وبا

ناپل (ایطالیا)

بروز وبا و قحطی و دزدی و شرارت و راه زنی بعلاوه تعدی دولت بر رعیت در روم ان طونلی صدر اعظم رامیخواهند هلاک سازند اگرچه پادشاه ناپل کمال بیطرفی را در جنگ روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطنا طرفدار روس است دولت فرانسه و انگلیس کمال ناخرسندی را دارند

پرتغال

پادشاه جوان این مملکت بسیاحت فرنگ میرود در مراجعت چون بسن بلوغ رسیده است خود بدون قیم بامور سلطنت رسیدگی مینماید

بلژیک

شورش مردم در تمام مملکت بجهة گرانی ماکولات علی الخصوص گندم اهالی پای تخت هم در شورش اند مسافرت ولیعهد و زوجه او باطریش و بعد ها ولیعهد تمام فرنگستان را سیاحت نموده الی مصر میرود

چین

یاغیها که برضد دولت بودند در صدد رساندن صدمه بقونسولخانه فرانسه که در شانگائی است برآمدند باین واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده یاغیها را از شانگائی خارج کرده شهر را بتصرف کارگذاران چینی میدهند اهالی کانتون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند

دانمارک

عموی پادشاه پرنس فرد نباند که هم ولیعهد دولت است مغضوب میکردد

روس

فوت اعلیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه حوت اینسال ولد ارشد مرحوم امپراطور الکسندر دویم که ولیعهد بودند قبل از جلوس بر سریر سلطنت وعده اجرای خیالات پطر کبیر و سلاطین عظیم الشان روس را الی زمان سلطنت والد ماجد خود میدهد امر باحضار قشون زیاد از ممالک روس میشود هر هزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید باردوها بفرستند تمام راه آهن روس در اینسال زیاده از هزار و چهل و پنج هزار ذرع شده بود

عثمانی

فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که باید عیسویها هم جزء قشون و سایر ادارات مشغول خدمت باشند دولت عثمانی خیال مسیو لسپس فرانسوی را در حفر نهر مجمع البحرین سوئز قبول نموده و اجازه اینکار را میدهد احمد پاشا والی تونس فوت مینماید

مسئلهٔ شرقیه

کشتیهای جنگی فرانسه و انگلیس در اوایل زمستان وارد قرادنکز میشود در سرحد دانوب عثمانیها بقشون روس حمله میبرند نوشته تهدید امیز انگلیس و فرانسه بروس که حتما افلاق بغدان را خالی نموده بتصرف عثمانی بدهد اعلان جنگ اعلیحضرت امپراطور روس بجمیع ممالک خود اظهار بیطرفی دولت ایران و دول سوئد و دانمارک در این جنگ نوشتجات مخفی که مابین روس و انگلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده بود انگلیسها این نوشتجات را بطبع رسانیده منتشر میکنند عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دول فرانسه و انگلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت برعایای عیسوی خود رفاهیت منظور دارد و دفع ظلم و تعدی از آنها کند و ایجاد قانونی در مملکت عثمانی شود که همه بتعزز و امن و آسوده باشند قطع مراوده عثمانی با یونان ورود یکدسته قشون فرانسه به پیره بندر یونان فرستادن ماموری از طرف شامیل داغستانی باسلامبول قشون روس در افلاق بغدان با کمال تسلط زیست میکنند در محاصره قلعه سلیستره شکست بقشون روس وارد میاید جنرال پسکویچ سردار روس کاری از پیش نبرده جنرال گورچاکف در این سمت دانوب بجای او بسرداری مامور میشود قشون فرانسه و انگلیس که در وارنا متوقف بودند وبای سختی در اردوی آنها افتاده آنها را متفرق مینماید لرد لکران سردار انگلیس و مارشال سنت ارنو سردار قشون فرانسه و انگلیس هستند قشون روس بعد از مهاجرت از افلاق بغدان بمیل دول متحابه و امضای دولت عثمانی یکدسته قشون دولت اطریش موقتا در آنجا متوقف میشوند شکست عثمانی در بایزید و قارص تکلیف صلح

ما بین روس وعثمانی بوساطت دولت اطریش قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را ورود پنجاه هزار قشون فرانسه وانکلیس در اواخر تابستان بقریم فتوحات قشون فرانسه در کنار رودخانه الماکر با پنجاه هزار قشون روس جنکیده فتح کردند سردار قشون روس پرنس منچیکف است فوت مارشال سنت ارنو سردار قشون فرانسه از مرض وبا منصب نزال کان زبر بجای او جنک در بالاخ لوا قتل زیاد سواره انکلیس که با قشون عثمانی متفقا میجنکیدند دو پسر اعلیحضرت امپراطور روس کراندوک میشل وکراندوک نیکلا با قشون تازه که منچیکف دفتر آورده بود در انکرمان با عساکر انکلیس وفرانسه در کمال سختی جنک میکنند فتح قشون فرانسه وانکلیس وشکست روس طوفان سخت در دریا وبیم غرق شدن سفاین جنکی فرانسه وانکلیس دولت پروس هم باطنا با دول فرانسه وانکلیس واطریش که برضد روس اند موافقت میکنند کشتیهای جنکی انکلیس قلعه سخت بمارسوند را که متعلق بروس ودر جزیره الاند در دریای بالتیک واقع است با کمال سختی با کلوله توپ نارنجک ویران مینمایند استحکامات سواستاپل بواسطه تعلیمات توتلبن مهندس روس بقدری سخت است که حمله های پی در پی عساکر روس وانکلیس در شده بیفایده میکردد انعقاد مجلس کونفرانس در وین دولت پروس میخواهند داخل این مجلس شود اما اطریش قبول نکرده میکوید چون عساکر خود را برضد روس باما حاضر نکردی حق ورود باین مجلس را نداری دولت ساردین (ایطالیا) بیست هزار نفر از عساکر خود را بجنک روس وبکمک عساکر فرانسه وانکلیس میفرستد فوت مرحوم امپراطور نیکلا کردر ماه حوت اتفاق افتاده بهیچوجه وضع جنک را تغییر نمیدهد عمر پاشا سردار عثمانی از طرف دولت خود بکمک عساکر دول متحده وارد سواستاپل میکردد در کونفرانس وین دولت اطریش را که مقصود انعقاد مقدمات صلح ما بین دولتین روس وعثمانی بود بواسطه عدم قبول دولت روس که در قرار نکه سفاین جنکی نداشته باشد کونفرانس وین مثمر ثمری نکردید دولت اطریش یکصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص میکند ووضع خود را در انظار طور دیکر جلوه میدهد که مداخله در مسئله شرقیه نمیخواهد بکند جنرال پلیسیه سپهسالار کل عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل میکردد چند سفینه جنکی فرانسه وانکلیس بدریای آزوف ورود میکنند وفتوحات نمایان از آنها معروف میشود اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل در نهایت کرمی است نقاطیکه در تصرف عساکر دول متحده است خیلی نزدیک بقلعه ومجهز بوده مسلط است لورد راکلان سپهسالار انکلیس بمرض وبا که شدت دارد در سواستاپل فوت میشود فتح قلعه معروف بمالاکوف بواسطه عساکر فرانسه بسرداری جنرال بوسکه وجنرال ماکماهون که فی الواقع فتح سواستاپول از همان شد در اوایل پائیز جنرال کورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنکی دولت خود را بواسطه اینکه مبادا بتصرف دشمن

دریا بدغرق میبازد جنرال پلیسیه سردار فرانسه بمنصب مارشالی میرسد قلعه‌جات وسنکرها واستحکامات
که در سواستاپل بود تماماً معدوم و با زمین مساوی کشت درکامشا که یکی از قلعه‌جات روس واسفاین
جنکی انکلیس و فرانسه خراب میکنند والی دهند رود آموو میتازند در مملکت فنلاند متعلق بروس قلعه را
بضرب نارنجک متصرف میکردند امپراطور جدید روس اعلیحضرت اسکندر دویم بر ینی کلایف میاید
زمستان بهار سخت امسال بجهة عساکر متحده دول اسباب کمال زحمت است فوت امیرال فرانسه برواد ربا
از مرض وبا موراویف سردار روس قلعه قارص را که مهندسین انکلیس محکم ساخته اند محاصره نمود ماموریت
عمر پاشا بطرف باش آچق فتح قارص در اوایل زمستان بدست سردار روس اتحاد دولت سوئد و
نروژ با دول انکلیس و فرانسه

فرانسه

بجهة مصارف جنک دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض میکند وملت زیاده
از صد کرور تومان حاضر میکند مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان
پول ایران است مخارج دولت که وکلا معین کرده اند که باید از انقرار باشد سیصد و دوازده
کرور و کسری تومان پول ایران است هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت بمصارف مقرره کرده
وصیت نامه ناپلیون اول است در جزیره سنت هلن میرسانند شدت مرض وبا در پاریس اعلیحضرت
ناپلیون وامپراطریس بلندن بنازدید پادشاه انکلستان میروند شخص ایطالیائی که در پاریس در
صدد قتل ناپلیون است بچنک آمده مقتول میشود

تفصیل این مقال انکه شخص مزبور را نام پیانوری و مدتی در پاریس بود عصر روز بیست و هشتم آوریل
اعلیحضرت امپراطور در خیابان شانزلیزه با دو نفر از اجودانهای خود کردش میکردند شخصی ملبس بلباس
هزوبیه غفلتاً از میان مردم بیرون آمده دو تیر طپانچه بطرف ناپلیون خالی کرد و هیچ یک از کلولها بناپلیون
نخورد ناپلیون با اشخاصی که بواسطه این مقدمه نزدیک آمده بودند با کلاه و دست سلام داده بارامی
اسب خود را میرانند تا با امپراطریس که در کالسکه بود رسیدند شخصی که مرتکب این عمل شده بود حکم بقتل
او صادر شد در نطق افتتاح مجلس اعلیحضرت ناپلیون اظهار نارضائی از رفتار دولت اطریش در مسئله
شرقیه مینماید پادشاه ساردین (ایطالیا) با وزیر اعظم خود کونت کاوور بپاریس آمده
در عمارت طویلری ناپلیون آن پادشاه را پذیرفتند افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس
که پنج ماه امتداد داشت در پاریس کمپانی بجهة حفر مجمع البحرین سوئز مصر تشکیل یافت

مصر

عباس پاشا والی مصر بجهت قساوت قلب و میلی که بخونریزی داشت دو نفر از غلامهای او او را خفه میکنند عموی او سعید پاشا که بزرگترین اولاد محمد علی پاشا و در فرنکستان تربیت شده بود در انوقت بجای او والی مصر میشود

مکزیک

در حوالی ماتاموروسان لوی قشون بدولت یاغی شده شورش مینمایند فرار رئیس جمهور قرار وضع دولت موقتی

هلاند

منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق باین دولت است عهدنامه تجارتی با دولت ژاپن

ینکی دنیای جنوبی

افتتاح راه آهن جدید در برزیل از جزایر کوچک شنکاس که متعلق بمملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیور دریائی انجا سکنا داشته فضلات (فضولات) خود را آنجا ریخته بودند و تا انزمان فرنگیها این انکشاف نکرده بودند و تمامی اراضی انجزایر بچندین ذرع قطر از طیور بحری است از برای شوره زمین خیلی ثمر ثمر میباشد در اینسال انکشاف کرده کشتی کشتی ببلاد فرنگ و سایر بلاد ینکی دنیا بردند افتتاح راه آهن از شاکرالی پاتاما بعد از پنج سال از شروع هشتاد هزار ذرع با هفت کرور تومان پول ایران مخارج شورش شدید در مونت ویدو

ینکی دنیای مرکزی

در شهر سان سالوادر که در برزیل واقع است زلزله سختی شده خرابی زیاد وارد میآورد

یونان

دزدی و راهزنی شدت در این مملکت وزیر جنگ که با دولت روس عداوت دارد به پادشاه خود که دوست روسها است کلمات مستهجن میگوید

شرح سال ششم سلطنت قاهره اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه صاحبقران دام ملکه و عمره و نصره مطابق هزار و دویست هفتاد و دو هجری توشقان ئیل ترکی

موکب اقدس همایون شهریاری روحنا فداه در دار الخلافه بمهام ملکی و دولتی توجه میفرمایند و کلیه بلاد
و عباد را بشمول عدل و نصفت آسوده و مرفه میدارند جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران
مامور سنت پطرزبورغ که در نوزدهم ذیحجه وارد تبریز شده دوازدهم محرم از تبریز با اجزای سفارت
سنیه روانه مقصد گردیدند حکومت استراباد را بجعفرقلیخان ایلخانی مرحمت فرمودند و بمکتوب جقه
ترمه کشمیری خلعت همایون سرافراز گردید و میرزا اسمعیل خان که سابقاً در استراباد مباشر مهام خارجه
بود بعلاوه این منصب بر پیشکاری استراباد و خلعت همایون نایل گشت عبدالله خان میرپنجه ولد مرحوم محمد
حسن خان سردار از کرمان بدربار معدلت مدار آمده بخلعت التفات مفتخر گردید روز هفدهم محرم جناب
سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه مامور سنت پطرزبورغ وارد سرحد شده صاحبمنصبان دولت
فخیمه روس یعنی کاخانوف سرهنگ توپخانه و بوره شوف مترجم و بارطانوف نایب و مراجانوف حاکم
نخجوان و کلبعلیخان پسر احسان خان و ژدوکوف و مرتیس حکیمباشی و جمعی سالدات و سواره و صاحب منصبان
دیگر با ده عراده کالسکه و ده عراده درشکه چند روز قبل وارد شده منتظر ورود جناب مشار الیه بودند
بعد از ورود باینطرف رود ارس جمعی صاحب منصب بمبارکباد ورود فرستاده کمال توقیر و احترام
بعمل آوردند روز دیگر که باینطرف رود ارس رفتند صاحبمنصبان مزبور بدیدن آمده نهایت پذیرائی و
احترام مرعی داشته جناب سیف الملک نیز با هریک بمخالصت تمام و مودت کامل برخورد کرده روز نوزدهم
روانه سنت پطرزبورغ شدند چون صید محمد خان ظهیر الدوله حکمران هرات بنای سوء سلوک با اهالی
هرات گذاشته اعالی و ادانی را از خود رنجانیده از جمله کریمدادخان هزاره را بیموجبی بقتل رسانیده و از
سفرقوات که برگشته توپ ببروج و بدنه شهر بسته بسبب این حرکت را از او پرسیده بودند گفته بود
میخواهم بدانم هرات را با توپ میتوان خراب کرد یا نه نتیجه این اعمال آنکه اهالی آنولایت هزاره را بشهر کشیده و
صید محمد خان را گرفته و در جزو شاهزاده محمد یوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نوشتند که خود را
بتعجیل بهرات برساند مشارالیه نیز بوصول این خبر فوراً بدون اینکه کسیرا خبر نماید با اینکه نواب والا فرمانفرما

حکمران

حکمران خراسان مطلع شود بهرات شتافته واهالی شهر از افغان وهزاره وغیره اورا بحکومت خود تعیین کردند والان مشغول حکومت آنولایت است دوستعلیخان سلطان بیاوردی توپخانه مبارکه سرافراز گردیده مامور ساخلو عربستان شد حاجی ملا محمود نظام العلما برحمت ایزدی پیوست مرض وبا در دار الخلافه طهران بروز کرده است نادر قلیخان مافی از جانب حکومت آذربایجان بحکومت ارونق وانزاب مامور شد محمد قلیخان ایلخانی فارس در انتظام ایلات ساعی است

شب پنجشنبه ششم صفر که عید مولود همایون اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره میباشد در تمام ولایات وایالات ممالک محروسه جشن گرفتند وروز عید سلام عام در داوتیره در حضور مبارک منعقد گردید محمد علیخان شجاع الملک را باعطای یکقطعه نشان از مرتبه سیم میرپنجگی سرافراز فرمودند روز چهاردهم ماه صفر موکب همایون از داوتیره تشریف فرمای نگارستان گردید میرزا اسمعیل خان پیشکار استراباد ومباشر مهام خارجه آنولایت بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید میدان توپخانه ونقاره خانه کرمانشاهان از نواب والا عماد الدوله در کمال خوبی مرمت مینمایند میرزا نصرالله اردبیلی مشهور بمصدق الممالک در کرمانشاهان مرحوم شد روز ورود جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بتفلیس انواع تشریفات کامله وپذیرائیهای شایان واعزاز واحترامات نمایان کارگذاران مملکت قفقاز نسبت بجناب معزی الیه منظور داشتند نصرالله خان خالوی اعلیحضرت اقدس شهریاری دام ملکه بمنصب نظام العلمائی وخلعت همایون سرافراز گردید میرزا فضل الله وزیر نظام را از خراسان بدربار همایون احضار ومیرزا محمد قوام الدوله را بوزارت خراسان برقرار ومخلع فرمودند آقاخان سرتیپ ایلات قزوین بمنصب میرپنجگی وخلعت همایون مفتخر گردید میرزا محمد حسین عضد الملک بمنصب متولی باشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه نایل ومخلع گردید عباسقلیخان میرپنجه مامور گرفتن یکفوج جدید امیریه است فرمان همایون که بسرافرازی اراضخان وسایر ترکمانان سرخس شرف صدور یافته بود نهایت مایه امیدواری آنها گردیده پنج شش هزار خانوار باصداقت بانقیاد واطاعت وخدمتگذاری دولت علیه میباشند حکیم کلوکه فرانسوی که در دربار همایون منصب حکیم باشیگری داشت وفات یافته حکیم پولاک بجای او بمنصب حکیمباشیگری حضور همایون برقرار وبیک کمر الماس ویکطاقه شال کشمیری سرافراز شد محمد تقی بیک پیشخدمت بلقب خانی نایل گردید

روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندگان سرکار اعلیحضرت اقدس همایون تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون شده متعلمین هر علمی امتحان خوبی در حضور مبارک دادند ومقرر شد شاگردان جدید بجهة توپخانه مبارکه معین شود وشاگردان دواساز علمی که در علم دواسازی آموخته بودند بمنصه ظهور رسانیدند

بانعام شاهانه سرافراز گردیدند چند نفر از شاگردان توپخانه نیز که مواظب ساختن سنگر بودند مورد انعام شدند یکطاقه شال هفت رنگ بقیمت صد و پنجاه تومان و طاقه دیگر سفید و آبی بقیمت صد تومان بدستور العمل مرحوم محمد حسن خان سردار در کرمان بافته بودند بدار الخلافه آورده با شالهای خوب کشمیری که بهمین قیمت است هیچ فرقی ندارد در قم و کاشان و بروجرد ناخوشی وبا بروز کرده محمود خان کلانتر بلوکشه حامل سفید از مرتبه اول سرهنگی و یکثوب جبه ترمه سرافراز شد محمد قلیخان نوری غلام پیشخدمت بحکومت تربت حیدریه برقرار گردید جمعی سوار افاغنه تاخت و تاز بتابنات رفته بودند میر علیخان پسر امیر قاین انها را شکست داده و سر و اسیر از انها گرفته لهذا امیر قاین مخلع و میر علیخان بنشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد در شهر سلطان آباد یکروز دو مرتبه زلزله شدید شده اما خرابی بجائی نرسانیده غلامحسین خان سپهدار را بحکومت کرمان و مضافات و یکثوب جبه ترمه دو زنجیره و یکثوب قبای ترمه از ملابس خاص مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکارات را نیز بوزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند چون سواره اوصانلوی خوار بجهة بی مبالاتی جلیل خان سرکرده سواره مزبوره چنانکه باید منظم نبودند انها را ابوالجمع محمد حسین خان پسر میرزا فتحعلیخان مستوفی کردند مطلب خان سرکرده سواره و پیاده کوداری و بسطامی را احضار درکاب اعلی فرموده عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسر برادر عباسقلیخان حاکم شاهرود و بسطام را بسرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند بموجب روزنامجات خراسان امیر دوست محمد خان سردار کابل بتحریک همسایگان قشون بسر قندهار کشیده انجا را متصرف شده و اراده تصرف هرات را دارد و اولیای دولت علیه استقلال حکومت هرات را اگر از حکام کابل و قندهار بانجا دست اندازی نشود بجهة حفظ انتظام داخله خراسان بلکه نظم بلوچستان و کرمان لازم دانسته لهذا لابد باید قشون مستعد بجهة دفاع و تنظیم داخله و سرحدات خود بهرات فرستند و انمملکت را از تطاول امیر دوست محمد خان محفوظ دارند و حکومت هرات را نگذارند بدست غیر انتقال یابد

میرزا عبدالله خان را بمنصب جلیل استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند میرزا آقاجانی لشکرنویس مرحوم و میرزا باقر برادرزاده او بجای او بمنصب لشکرنویسی برقرار و مخلع شد آقا جبار پیشخدمت بلقب خانی نایل گردید شخصی در فهرج نرماشیر ناخوش بود در حالت نزع وصیت کرد که بعد از مردن شکم مرا بشکافند جانوری در ان هست بعد از فوت او شکم او را شکافتند جانوری بترکیب چلپاسه که تخمینا سه چهار بیک وزن داشت از شکم او بیرون آمد میرزا فتح الله لشکرنویس باشی که بعتبات عالیات رفته بود در کرمانشاهان مرحوم گردید میرزا محمد علی آبادی وزیر کرمان بمنصب استیفای دیوان اعلی سرافراز گردید که

مادام

مادام مامور یت و بعد از ان در سلک مستوفیان باشد فرخ خان صندوقدار وجوه خاصه بیکقطعه کل کمر مکلّل بالماس سرافراز گردید شیخ ابو تراب امام جمعه شیراز که از اجلّه علما بود در ماه ربیع الاولی در شیراز برحمت الهی پیوست

بندی از بندهای بلوک کربال در فارس که از بناهای عضد الدّوله دیلمی است و بمرور خرابی بهمرسانید چهل پنجاه پارچه دهکده بی آب و لم یزرع مانده بود نوّاب والا مؤیّد الدّوله حکمران فارس مخارج ساختن از ا داده در کمال استحکام ان بند را میبندند چون جمعیّت دار الخلافه با هر روز بروز زیاد میشود و برای متوطّنین بجهة ضیق مکان صعوبت حاصل است محض توسعه منزل و مقام آنها از قلعه دار الخلافه بعضی اراضی خالصه باغات را که تقریباً چهل هزار ذرع میشود و معروف بباغ خسروخانی و باغ قورخانه و باغ امان الله خانی است با کلّ ما یتعلّق بها بمحمّد تقی خان معمار باشی واگذار کردند که هر کس از ان اراضی بخواهد از مشار الیه ابتیاع نماید نوّاب والا فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که مریض بودند در شانزدهم ربیع الثانی در ارض فیض قرین مشهد داعی حق را لبیک اجابت گفتند و ایالت حکمرانی مملکت خراسان از طرف قرین الشرف ملوکانه بنوّاب والا حسام السّلطنه مفوّض و بیکثوب خرقه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردیدند شمس الشّعرا میرزا محمّد علی متخلّص بسروش بلقب خانی و خلعت همایون مفتخر گردید شیخ مشکور مجتهد نجفی که از اجلّه علما بود و بجوار رحمت الهی پیوسته در دار الخلافه فاتحه خوانی مجلّلی برای آنمرحوم اعلی الله مقامه گذاردند هفتصد خانوار باخرزی که در از منه سابقه بهرات رفته و در انجا ساکن شده بودند این اوقات بوطن خود معاودت کردند میرزا محمّد خان دبیر مهام خارجه باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اوّل سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید نوّاب شاهزاده لطف الله میرزا بحکومت مازندران و بکثوب جبّه ترمه و دو زنجیره از ملابس خاصه مفتخر فرمودند ایلچی میرزا حسن از اجزای سفارت کبری ماموره سنت پطرزبورغ (جناب معاون الملک) بلقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا عبّاس منشی اوّل وزارت امور خارجه باعطای لقب خانی و یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اوّل سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید میرزا عبد الرّحیم خان اجودان وزارت خارجه که بنیابت اوّل سفارت اسلامبول مامور شده بود بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اوّل یاوری سرافراز گردید حاشیه ترمه در کرمان بافته اند که بعینه مثل حاشیه عبد العظیم خانیست محمّد خان میرپنجه که در خدمات مرجوعه خاصه انتظام امور مدرسه مبارکه دار الفنون اهتمام کامل نموده بمنصب امیر تومانی و جنرال اجودانی خاصه همایون سرافراز شد که همواره مهمات اهل نظام را عموماً بعرض خاکپای همایون برساند روز نوزدهم ربیع الاول جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیّه ماموره سنت پطرزبورغ با اجزای

سفارت سنیه وارد مسکو شده جنرال کنیازی که از جانب اعلیحضرت امپراطور مأمور پذیرائی سفارت
کبری بود با حاکم و قلعه بیگی مسکو و جنرالها و اعیان شهر از جناب معزی الیه استقبال کرده شرایط اعزاز
واحترام و تشریفات را کاملا منظور داشتند روز بیستم ماه مزبور امان الله خان از اجزای سفارت کبری در
مسکو مرحوم شد روز بیست و هفتم ربیع الاول جناب سفیر کبیر از مسکو وارد سنت پطرزبورغ گردیده
بتوسط راه آهن و پذیرائیهای لایقه کاملا بان پای تخت رسیده روز بیست و نهم با جناب غراف نسلرود
صدر اعظم دولت روس ملاقات نموده و بعدها بحضور اعلیحضرت امپراطوری تشرف جسته از جانب اعلیحضرت
همایون رسوم تعزیت و تهنیت را ادا نموده اعلیحضرت امپراطور کلمات مودت آیات نسبت با علیحضرت همایون بیان
فرمودند امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و حمایل و یکثوب
جبه ترمه سرافراز گردید ولیخان سرتیپ فوج سیلاخوری مرحوم شد و رستمخان پسر او بمنصب سرهنگی فوج
مزبور و خلعت همایون نایل گردید عباسقلیخان پسیان که بحکومت شاهرود و بسطام مامور بود روز بیست
وهفتم جمادی الاولی از شاهرود ببسطام میرفته جمعی از اشرار غفلةً دو تیر با وخالی کرده او را مقتول نمودند
لهذا میراغعلیخان نایب الحکومه سابق اصفهان بحکومت شاهرود و بسطام مامور و مخلع گردید و مقرر شد
قاتلین عباسقلیخان را دستگیر نموده بدربار همایون بفرستند تا قصاص و سیاست شوند عمارت جدید بطرح
تازه در جنب عمارات اندرونی سلطنتی در دار الخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتانی و فوقانی در کمال
شکوه و امتیاز حسب الامر ساختند و انجام این خدمت چون بر عهده حاجب الدوله والد مؤلف غفره الله مقرر گردیده
و مساعی جمیله نموده بود مورد عواطف مخصوصه شاهنشاهی گردید میرزا ملکم سرهنگ مهندس تاماذر
و مترجم دولت علیه که در خدمات مرجوعه کفایت خود را ظاهر ساخته و هنگام انعقاد عهد نامه مبارکه فیمابین
دولتین علیتین ایران و فرانسه از اجزای محاوره و اسباب انعقاد معاهده بود با عطای یکقطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات آمد باروطکوبخانه قزوین که سابقاً خرابی
بهم رسانیده بود حاجی حسنعلیخان پیشکار قزوین از نو مرمت کرده و یکصد خروار باروط تاکنون در آن ساخته اند
بعد از رفتن جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس از دار الخلافه بقدری بعضی سوانح در افغانستان
اتفاق افتاده که ضرر کلی بجهة داخله خراسان وارد و بر اولیای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ انضباط
حکومت قندهار و هرات چنانکه موافق قرار داد سابق خودشان بود تدابیر لازمه بکار برند که هم دفع
آن فتنه ها بشود و هم آن دو ولایت بحالت حکومت علیحده برقرار بماند بی مداخله احدی
اما تفصیل سوانح مزبوره اینکه بعد از فوت سردار کهندلخان سردار قندهار بجهة ریاست و حکومت آنجا

بتمامی

فیما بین اخوان و اولاد او خشونتی فی الجمله ظاهر گردید اولیای دولت علیه منظور داشتند بجهة نیکی
کامل که مرحوم مزبور بدولت علیه داشت برای تسلیت آنها و دفع خشونت ما بین و اصلاح مأموری روانه
نمایند در این بین امیر دوست محمد خان خبر وفات کهندلخان و اغتشاش هرات را شنیده فرصت یافته بهانه
تعزیت و اصلاح ذات البین خود را بقندهار رسانید آنها هم چنان دانستند که محض دلسوزی و اخوت است
و باز مغاودت خواهد کرد لهذا او را اکرام و استقبال نمودند لکن امیر دوست محمد خان با قشون و استعداد
زیاده از حد قدرت که همیشه مشاهده میشد آمده لدی الورود بجمیع دروازه ها قشون خود را گذاشته
و در مقام تصاحب قندهار بر آمده و اخوان و اولاد و کسان سردار کهندلخان را بی دخل و بری نموده متواری
ساخت و هر یک بطرفی رفته در جائی سکنا گرفتند و از آنها محمد خان و میر افضل خان و محمد صدیق خان و
محمد عمر خان و سلطانعلیخان مظفر الدوله که دو سال قبل بسمت نوکری بدربار همایون آمده بلقب مظفر
الدولگی و منصب سرتیپی سرافراز شده و غلام محی الدین خان و عبدالله خان و خوشدلخان و یحیی خان
و صاحبزاده و محمد علم خان و فتح محمد خان و سایر وابستگان او عریضه بحضور اقدس شاهنشاهی نوشته
و از تطاول و دست اندازی امیر دوست محمد خان بخانواده آنها اظهار تظلم نموده بجهة دفع تعرض امیر دوست محمد خان
و بقای حالت حکومت و محل حکومت خودشان باحوال سابق استغاثت از اولیای دولت علیه جستند و امیر
دوست محمد خان بعد از تصاحب و تصرف قندهار عزیمت هرات را تصمیم نموده از شاهزاده محمد یوسف و عموم
رؤسا و علما و اعیان هرات نیز عریضه جات متعدده باولیای دولت رسیده در مقام تظلم بر آمدند و کم
مانده بود که هرات بشکنند و از اینطرف هم سردار علیخان از سرکوه سیستان خالی اینده دولت عریضه بدربار
همایون بتعجیل فرستاده که امیر دوست محمد خان یکی از پسران خود را بتاخت و تاز سیستان و بلوچستان فرستاده
چون اولیای دولت علیه این حرکات ناشایسته امیر دوست محمد خان را دیدند و ملاحظه اینکه نزدیک است
اوضاع آنصفحات و داخله خراسان منقلب شود لهذا قشونی مأمور هرات نمودند که بجهة محافظت هرات و نظم
خراسان قشون دولت هم در آنصفحات بوده متوجه حفظ و حراست هرات و تأمین اهالی آنجا باشد که امیر دوست
محمد خان هوس عزیمت هرات و آمدن آنصفحات را ننماید و بسرداری کابل که داشت قانع شود و از مداخله در
کار هرات و قندهار درگذرد چون این اوقات قشون بسمت هرات رفت بعد از این هم در باب قندهار و
حفظ اولاد کهندلخان و نظم حکومت ایشان مذاکره خواهد شد

قاتلین عباسقلیخان پسیان را که از اشرار نوکر کوزادی بودند چراغعلیخان حاکم شاهرود و بسطام دستگیر
کرده بدار الخلافه باهره فرستاده سیاست شدند محمد رضا خان سرتیپ بمنصب اجودان خاصه‌کی و بکوشته

حمایل قرمز و یکقطعه نشان اول سرتیپی سرافراز شد عبدالعلی خان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی توپخانه دیگر و خلعت همایون مفتخر گردید شغل برات نویسی و عمل کل اصطبل توپخانه مبارکه را بمیرزا محمد علی سررشته دار کل توپخانه مبارکه و اصطبل توپخانه واگذار نمودند اصطبل توپخانه مبارکه را باصلان بیک یاور اول توپخانه واگذار نمودند در بیرون شهر سمنان در موضعیکه مشهور بستاده است قریب هزار ماردر پشته که در آنجا واقع است بیرون آمده اهالی آنجا بتماشا رفته اطفال و غیره آنها را بسنگ و چوب هلاک میکردند ولی مارها بکسی اذیت نمیرسانده و بالاخره از کثرت اذیت اطفال متواری شدند امیر اصلانخان را بحکومت گیلان مفتخر و یکثوب جبه ترمه دوزنجیره از ملبوس خانه خاص بامیر الامراء معظم الیه مرحمت فرمودند محمد ابراهیم خان سرتیپ بیکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه سرافراز گردید شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران علیخان مهندس را بفرح آباد فرستاده مکان برج بلند و غیره آنجاها را تشخیص داده و معمار و بنا و عمله و مصالح کار مهیا نموده و بحفر خندق و نهر زاغ مرز و اصلاح خندق حسین آباد و حفر خندق جنب قلعه مبارکه ناصرآباد رفتند وزارت همدان را بحاجی میرزا عزیز تفویض فرموده بخلعت همایون سرافراز گردید قرار طبع روزنامه ملتی در دار الخلافه داده‌اند چراغعلیخان حاکم شاهرود و بسطام بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و یکثوب جبه ترمه سرافراز گردید مرو یها و سرخسیها کمال خدمتگذاری را نسبت باولیای دولت علیه مینمایند و از قرار مذکور کار او رگنجها بسیار پریشان است و برادر خان خیوه که بجای او در اورگنج حاکم شده بود طایفه یموت ترکمان مقتول نموده و بالفعل یموت بجماعت اورگنجی فایق و عرصه را بآنها تنگ کرده اند

از اتفاقات حسنه اینکه عید نوروز فیروز امسال و عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در یکروز است لهذا شب پنجشنبه سیزدهم رجب که شب عید بن سعید بن است در دارالخلافه جشن گرفته چراغان و آتشبازی نمودند و روز پنجشنبه قبل از ظهر سلام مخصوصی بجهة عید مولود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انعقاد یافت و چون شش ساعت و پنجاه و چهار دقیقه از روز مزبور گذشت آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود سلام خاص تحویل منعقد شد و فردای این روز سلام عام عید نوروز در تالار تخت مرمر با شکوهی تمام اتفاق افتاد

جناب صدراعظم را باعطای یکقطعه قلمدان مکلل بالماس بسیار ثمین ممتاز اعلی که علامت بزرگ شخص اول صدارت ایران بود شرف اختصاص عنایت فرمودند شجاع الملک در فارس غرس اشجار توت نموده که ابریشم بعمل آورد چراغعلیخان حاکم شاهرود و بسطام را طلبیدند که بحکومت خمسه مامور نمایند

میرزا حسن علیخان

میرزا حسنعلیخان دریابیگی بندر بوشهر بیکقطعه نشان از مرتبهٔ دویم سرتیپی سرافراز گردید نواب والا عماد الدوله حکمران
کرمانشاهان باعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید حکومت نهاوند را بمحمد رحیمخان
نسقچی باشی (جناب علاء الدوله) مرحمت فرموده و بیکثوب جبهٔ ترمهٔ معزی الیه مفتخر گردید وسواره خزل را نیز
بعبدالله خان ولد ایشان ابوابجمع داشتند میرزا محمد صادق قایم مقام از آذربایجان بدربار همایون آمد
در اصفهان بارندگی زیاد شده سیل زاینده رود بحدیست که کمتر باینطور دیده میشود
در ماه شعبان اینسال نواب والا علیقلی میرزا را ملقب باعتضاد الدوله فرمودند و بیکثوب قبای ترمهٔ تن پوش
نواب معظم الیه مفتخر گردیدند حاجب الدوله والد مؤلف بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس
از درجهٔ سیم سرافراز شد محمد قلیخان یوزباشی که باصد و پنجاه نفر غلام بهمراهی چراغعلیخان مامور بسطام شده بود
و در گرفتن مقصرین و قاتلین عباسقلیخان خدمت کرده بیکطاقه شال کشمیری و بیکثوب قبای پولک دوز
سرافراز آمد یحیی خان (جناب معتمد الملک) بمنصب سرتیپی و ریاست فوج خاصه برقرار گردید حاجی بایرخان
سرهنگ فوج فریدن و میرزا عبدالله خان سرهنگ فوج سردهی بنشان سرهنگی از درجهٔ دویم نایل گردیدند
جمعی ترکمانان از خوارزم بعزم خدمتگذاری این دولت ابد آیت میآمدند طایفهٔ تکه در سر راه بممانعت آنها
برخاسته جعفرقلیخان ایلخانی حکمران استراباد خبر شده با سواره چکنی و بجنوردی و بسطامی و نردینی و بموتهٔ گوکلان
بر سر طایفهٔ تکه رفته تنبیهی کامل و سزا از آنها نمود عبدالله خان صارم الدوله بمنصب میرپنجگی و بثوب کلیجه از ملابس
خاص مفتخر شد امیر اصلانخان حاکم گیلان بلقب عمید الملکی ملقب گردید معادن گلوله ریزی مازندران
خوب کار میکنند و اهل آنولایت نیز در کاشتن نی شکر و عمل آوردن شکر اهتمام مینمایند جانمحمد خان قاجار
بحکومت شاهرود و بسطام و خلعت همایون سرافراز گردید چون تکمیل هر علمی منظور نظر انور همایون است مقرر
فرمودند تواریخ ایرانرا از جائیکه تاریخ روضة الصفا ختم نموده و خاتمه در زمان سلطان حسین بایقرای
کورکانی بوده و از آنوقت تاکنون سیصد و هفتاد و دو سال گذشته تاریخ اینمدت را رضاقلیخان ناظم مدرسه
مبارکه دارالفنون که از اجلهٔ امرا و در تواریخ سلف و حوادث ایام و سنوات تتبع تام و تمام دارد در سه جلد نگاشته
ضمیمهٔ هفت جلد روضة الصفا نماید و فهرستی بر طبقات انبیا و سلاطین الی الآن قرار دهد که تاخر و تقدم
طبقات و عدد و زمان ملک ایشان بسهولت معین و واضح باشد و یکهزار نسخه از ینکتاب که موسوم بروضة الصفای
ناصری گردید و عبارت از ده جلد است یعنی هفت جلد سابق و سه جلد لاحق بمجلس طبع در آوردند میرزا ملکم خان
سرهنگ اتاماژور و مترجم مخصوص دولت علیه مامور بسفارتخانهٔ این دولت قوی شوکت در اسلامبول گردید
چراغعلیخان حاکم خمسه بیکقطعه نشان از مرتبهٔ سیم میرپنجگی مفتخر شد مبلغی تخفیف برعایای گیلان مرحمت فرمودند

محمد ابراهیم خان یزدی بحکومت خوانسار و کلپایگان و خلعت همایون سرافراز گشت در ساوه انقلاب هوائی فوق العاده شده رعد و برق نمود و باران طوری نزول نموده که در نیمساعت سیل عظیمی برخاست و یکصد و پنجاه باب خانه در خود ساوه خراب کرد و بسیار خانه‌ها نیز از سیلاب پر شد طفلی در دار الخلافه متولد نمود که سر سر داشت بکسر بصورت متعارفی انسانی که همه چیزش در دست مکو یکچشم نداشت که بجای چشم بود و بی تخم چشم و در دو دندان و زبانی زبرو کوچک مثل زبان خروس داشت سر دیگر بقدر نارنج بزرگی بود و بی مو و بدون هیچ آثار علامت سر پشم بقدر رهند و انهم قرا باغی و آنهم بی آثار و علامت دستها یش پیچیده مثل دست و پاهایش نیز پیچیده و در دستها چهار ده انگشت داشت و آلت رجولیت نداشت ولی خصیتین داشت مقعد ولش سوراخ کوچکی بود آواز مانند آواز جوجه خروس بیست و چهار ساعت زنده بود بعد فوت شد
(جناب وکیل الملک)
مرتضی قلیخان ولد محمد اسمعیل خان نوری (مرحوم وکیل الملک) بمنصب سرهنگی سرافراز کردید روز عید سعید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافته عموم چاکران آستان سپهر نشان همایون بزیارت جمال مهر مثال مقدس سرافراز گردیدند میرزا محمد صادق قائم مقام بیک حلقه انگشتری الماس گرانبها و یک ثوب جبه ترمه از ملابس خاص و حمایل و نشان امیر تومانی مفتخر و مرخص شد که معاودت بآذربایجان نماید فرخ خان صندوقدار خاصه بلقب جلیل امین الملکی و بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا صادق کاشانی بلقب خانی و درجه سیم سرهنگی و منصب نیابت اول کارپرداز خانه بمبئی سرافراز گردید جعفر قلیخان قاجار سرتیپ افواج مراغه بمنصب میرپنجگی مفتخر گردید در ذهاب من اعمال کرمانشاهان تگرگی بارید که از قرار مذکور هر دانه بقدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده محمد تقیخان پسر حاجی محمد هاشمخان امیر دیوان فارس بسرهنگی فوج خومه شیراز برقرار گردید سلطانعلیخان مظفر الدوله پسر سردار کهندلخان حاکم قندهار که سابقاً برکاب مبارک آمده بود بعد از تعرضات و سوء سلوک امیر دوستمحمد خان که اولاد سردار کهندلخان مرحوم متواری و فراری شدند و آنچه داشتند از ایشان گرفتند معزی الیه با برادرش سردار عبدالله و جمعی خوانین افغانی با اهل و عیال با امید واری تمام پناه باین دربار معدلت مدار آورده مقرر فرمودند که در خراسان جا و مسکن شایسته بجهة خود و عیالشان معین نمایند و از نقد و جنس بجهة اخراجاتشان مرحمت شد چون قورخانه شیراز کوچک و مختصر بود حسب الامر نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس قورخانه خوبی بنا نمودند محمودخان قراگوزلو (جناب ناصر الملک) بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا جعفرخان پاور توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه نایل و مخلع گشت آخوند ملا کاظم که از جمله فقها و مجتهدین دار الخلافه بود در اواخر ماه شوال داعی حق را لبیک گفت نواب والا اردشیر میرزا حکمران

دار الخلافه باهره بمکتوب جبه ترمه زمردی خاشیه دار و میرزا موسی وزیر دار الخلافه بعصای مرصع بجواهر مفتخر گردیدند علی آقا نایب اجودانباشی بمنصب سرهنگی سرافراز گردید میدان نقش جهان اصفهان حسب الامر بتعمیر میکنند

چون مابین سلاطین با تمکین دول اروپا معمول است که معتبرترین نشانهای دولت خودشان را بجهة دلیل وعلامت کمال اتحاد باهم بیکدیگر اهدا مینمایند وبنابر مودت کامله مابین دولتین ایران وفرانسه این اوقات اعلیحضرت ناپلیون امپراطور ممالک فرانسه اعظم نشانهای دولت خودشانرا از درجه اول (لژیون دونر) مرصع بالماس با لوازم آن بانضمام نامه مهر علامه نزد جناب مسیو بوره وزیر مختار وایلچی مخصوص دولت فرانسه مقیم دربار دولت علیه ارسال وجناب معزی الیه را مامور بتبلیغ آن بانجمن حضور سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی داشتند روز هفتم ماه ذیقعده جناب معزی الیه در قصر نیاوران باتفاق مسیو لژن نایب سفارت که مخصوصاً از سفارت حامل نشان شده واجزای سفارت بحضور همایون تقدیم نموده واز جانب اولیای دولت علیه شرایط احترامات وتشریفات چنانکه شاید وباید بوجه اکمل در قبول این هدیه سنیه بعمل آمد روز یازدهم ذیقعده موکب همایون از ییلاق نیاوران بسمت دماوند وفیروزکوه تشریف فرما شدند

هم درین روز جناب امین الملک فرخ خان که بوصف ایلچی گری کبیر از طرف قرین الشرف ملوکانه مامور بدربار دولت فرانسه بود با نامه مهر علامه همایون از دربار معدلت مدار مرخص شده عازم صوب مقصد گردید نیز بجناب امین الملک ماموریت مخصوص وجداگانه دادند که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شهریاری بعضی مکنونات خاطر همایون که شفاهاً با یلچی کبیر القا شده بلا واسطه در اسلامبول بحضور اعلیحضرت سلطان عثمانی تبلیغ نماید ذوالفقار خان حاکم قم وساوه بمنصب جلیل استیفا سرافراز گردید مهر علیخان شجاع الملک بیک قطعه نشان از درجه اول میرپنجگی مفتخر شد عیسی خان بیگلربیگی قاجار بحکومت ملایر وتویسرکان وخلعت همایون نایل گشت عمارت علی قاپی اصفهانرا که معظم عمارات است شکستگی در تالار او بهم رسیده حسب الامر نواب الاحتشام الدوله حکمران اصفهان تعمیر مینمایند عبدالحسین خان برادر مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام ودرس زبان مدرسه دار الفنون بود بمنصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز گردید ویکصد تومان بر مواجب سابق او افزودند جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه از پطرزبورغ با تشریفات کامله که از جانب دولت روس در حق معزی الیه بعمل آورده اند با اجزای سفارت بتفلیس مراجعت کرده واز تفلیس نیز از راه خدا آفرین رود ارس عازم دار الخلافه باهره شده اند

در این ایام در اصفهان بدون اینکه ابری ظاهر شود روشنی برق مانند تابیده چنانکه تمام شهر را روشن کرده دیگر چیزی معلوم نشد بعد از دو سه روز طرف عصر صدای مهیبی مثل آواز توپ در آسمان ظاهر و پس از آن مثل شعله آتش که بسیاری از اهالی شهر عیان دیدند و آن روشنی سه پارچه شده دو پارچه آن طوری بزمین فرو رفته که اثری از آنها ظاهر نشده یکپارچه را که بقدر دو ذرع بزمین فرو رفته بود بیرون آوردند و آن پارچه سنگی بود بوزن چهار من تبریز میرزا محمد زمان بمنصب امارت دیوانخانه و خلعت همایون سرافراز شد طوایف تکه جمعیتی کثیر جمع و قصد تاخت و تاز نمودند جعفرقلیخان ایلخانی حکمران استراباد با جمعی از قشون ظفر نمون بر سر آنها رفته شکست فاحشی بآنها داده نظر بجلادت و رشادتی که از معزی الیه بظهور رسیده بیک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردید محمد شاه خان سبی و نادر شاه خان پسرش قلعه سبی را در بلوچستان حصین شمرده نظر باینکه بیست و شش خشت بدنه و سی و دو ذرع ارتفاع دیوار قلعه سبی است که بیست ذرع خاکریز دارد از خودسری سر پیچیده سپهدار حکمران کرمان آقا علیخان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی و خلج وغیره مأمور بلوچستان نموده آن قلعه را محاصره و یک بدنه آن قلعه را بضرب توپ ویران و نقب بزیر برج زده آتش زدند و قلعه را مسخر و محمد شاه خان را با نادر شاه خان و اتباع آنها دستگیر کردند پاشاخان پیشخدمت خاصه همایون بلقب امیر تومانی قشون نظام و غیر نظام ملقب گردید میرزا محمد تقی مستوفی متخلص بسپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی کتاب ناسخ التواریخ را که مشحون بر احوال انبیاء علیهم السلام و جمیع سلاطین روی زمین و عموم علما و حکما وغیره است تألیف نموده نیز کتاب موسوم ببراهین العجم را در قواعد شعر فارسی که از قرون ماضیه مستور مانده نگاشته از طرف قرین الشرف همایون ملقب بلسان الملک گردید شب عید قربان جناب صدر اعظم را باعطای جبه شمسه دار سنگین و عصای مرصع مباهی فرمودند میرزا صادق لشکرنویس آذربایجان و میرزا احمد مشرف توپخانه آذربایجان که احضار بدربار همایون شده بودند مخلع گردیده مرخص و روانه آذربایجان شدند در بندر بوشهر از پانزده بدنه برجی که حسب الامر مقرر شد بسازند هشت بدنه را تاکنون ساخته و مشغول باقی هستند اصلانخان یاور توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید

موکب همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجة الحرام از ییلاقات افجه و لواسان تشریف فرمای نیاوران گردیدند

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام روی زمین و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتازونی ینگی دنیا

مجادله شدید در مجلس مابین وکلائی که مایل بآزادی غلامها بودند و آنهائیکه نبودند انتخاب بوکانان

نام برپا ست جمهوری که طالب عدم ازادی غلامان سیاه اند که در بعضی ایالات اتازونی بطور وحوش
وچهارپایان باانها رفتار میشود وبزخم تازیانه وزجر بیرحمانه انهارا بکارهای پر زحمت وا میدارند
وبوجه مملوك انهارا مبایعه مینمایند برقرار کردید

اسپانیا

شورش دراغلب از نقاط مملکت علی الخصوص درمادرید پای تخت انتشار کلمات مستهجنه نسبت
بمادر ملکه ضبط املاك مادر ملکه وبعد از چندی رد کردن بروز شورش درمالاکا

افریقا

فوت سلطان مسقط سعید نام که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنکبار اینشخص مملکت عمانرا
درعربستان از دست تطاول طایفه وهابیه انتزاع داد وبادول انکلیس وفرانسه واتازونی ینکی دنیا
معاهدات تجارتی بست

المان

تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار مسافرت اعلیحضرت امپراطور وامپراطریس باپطالیا در
ایالت بادعروسی برادر والی که بواسطه عدم لیاقت برادر بزرك ولایت باو تعلق کرفته است با شاهزاده
خانم لویز دختر برادر پادشاه پروس که الحال امپراطور المان است

انکلیس

خبر مصالحه روس وعثمانی را تمام مملکت انکلیس باکمال میل ورغبت پذیرفتند دوك دکامبریج از
منسوبان پادشاه انکلستان که درجنك سواستاپول حضور داشته بمنصب سپهسالاری کل عساکر
انکلیس برقرار شد مسافرت شاهزاده فردریك پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) بانکلیس
بخواستکاری دختر بزرك پادشاه انکلستان درهندوستان پادشاه مملکت اود را دولت انکلیس از
سلطنت خلع نموده انجارا متصرف شد جنرال اطرام بحکومت انجا مامور کردید جمعیت این ایالت
هشت کرور است اعلان جنك با دولت ایران در اول نوامبر پانزده واین مطابق است با اوایل سنه هزار
دویست وهفتاد وسه وشرح آن بنا باید لونکستن مسافر وسیاح انکلیس بعد از سیاحت کامل درداخله
افریقا صحیح وسالم بجزایر موریس معاودت میکند

ایطالیا

ساردین شش کرور تومان دولت مجهته مخارجیکه درجنك سوستاپول نموده استقراض میخواهد

کنت کاوور وزیر اعظم دولت در مجلس کونکره پاریس از برای دولت خود بعضی امتیازات مطالبه میکرد
(توضیح انکه مقصود از کونکره که از زبان لاتین اقتباس شده بمعنی انعقاد مجلس بجهة شوری در امور
معظمه است اجزاء این چنین مجالس یا یک شخص سلاطین یا سفرای کبار ایشان که اقوال و اعمال ایشان همان اثر
اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون مختصری در روم جمعی قصد قتل پادشاه
ایطالیا نموده اند رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود بدست آمده مقتول شد

پرتغال

شورش و ازدحام سخت در لیزبن پای تخت این دولت بجهة گرانی نان   افتتاح راه آهن از لیزبن
بکاردکاد طرف سرحد اسپانیا

چین

زلزله شدید در یوچنك   عمارت سلطنتی واقعه در پیخچر سیخی پای تخت یکی از اولاد خاقان که در آنجا
متوطن بود بر آوار رفته تلف میشود

روس

فوت پرنس پیسکویچ معروف در ورشو در زمستان   حکومت پرنس کرچاکف در لهستان بجای پسکویچ
که حاکم بود کنت ادلف بمنصب صدارت برقرار میشود کنت نسلرود از وزارت خارجه استعفا نموده
پرنس الکساندر کورچاکف بجای او منصوب میشود   جشن تاج گذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در
ماه عقرب قرار داد با یک کمپانی معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نماید اول از ورشو بطرزبورغ
دوم از مسکو به نیژنی نوکرد سیم از مسکو بکافا چهارم از کورسك بسمت کورلاند

سود و نروج

افتتاح راه اهن از نوی برادبرد   ازادی مذهب در این مملکت

سویس

گفتگوی سخت مابین ایالت جمهوری سویس با دولت پروس بجهة جنك طرفین   دولت وورتن برك
و اطریش مایل باین جنك نیستند

عثمانی

انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که مشتمل بر بیست و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان تبعه خود
مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان کمال نارضائی را دارند و در سمت اسپاخانه عثمانی اذیت زیاد بعیسویها

از مسلمانان میبینند اهالی ملداوی و والاشی (مقصود افلاق بغدان است) طالب اند که یکی با یك شوند در مصر راه آهن از اسکندریه بقاهره افتتاح مییابد مهندسین که بجهة حفر نهر مجمع البحرین سویز بمصر آمده بودند اینطور مقرر داشتند که از بندر سویز واقعه در ساحل بحر سفید الی بلوز که در ساحل بحر احمر است نهر مستقیمی بدون اعوجاج حفر نمایند در جزیره قندی زلزله سخت روی نمود

مسئله شرقیه

دولت انکلیس مشغول تدارکات زیاد است که از دریا به بندر کورشتتاد حمله برود شورای عسکریه دول متفاهده در عمارت طویلری باحضور اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم در فقره جنك با دولت روس بروز مرض تیفوس در میان عساکر دول متفاهده دولت اطریش که ابرام زیاد در مصالحه داد دولت روس را بر این داشت که مقدمات شروط مصالحه را قبول کند انعقاد مجلس کونکره در پاریس وحضور تا جزای مجلس از این قرار بود کنت والفسکی وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم با او قرار گرفت از طرف دولت اطریش کنت بوئول و بارون هوبنر از طرف دولت انکلیس لرد کلاراندون و لرد کولی از طرف دولت روس بارون برونف و کنت ارلوف از طرف دولت ساردین و ایطالیا کنت کاوور از طرف دولت عثمانی عالی پاشا و مورد دولت پروس بعد از جنك قبول شد ابتداء حضور نداشت انعقاد مصالحه ما بین دول متفاهده و عثمانی در یکطرف و دولت روس از طرف دیگر در دار اواسط بهار دولت عثمانی از این بعد در تحت حمایت دول معظم فرنك خواهد بود قرار دیگر بجهة تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد در تابستان قشون متفاهده سواستاپل را تخلیه کرده شهر را بکارگذاران دولت روس دادند و از طرف عساکر روس قارص را بتصرف عثمانی عزل عالی پاشا و نصب رشید پاشا دول انکلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید بر این میکنند که اگر آزادی بر عایای خود ندهند سفاین جنگی ایشان و دولت بزودی ورود بناپل خواهند نمود دولت روس در این تهدید متفق شد

فرانسه

افتتاح مجلس پارلمان که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلیون که امید بصلح میدهد سبب خوشحالی عامه گردید با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول احضار رکاب شدند تولد پسری از امپراطریس فرانسه در بهار سرداری که بمنصب مارشالی برقرار شدند جنرال کان ربر بوسکه راندن که این اخیری حاکم الجزایر بود انعقاد مصالحه ما بین دولت روس و عثمانی باطلاع و وساطت دول متفاهده در اواسط بهار کنت ارلوف سفیر کبیر روس با علیحضرت

امپراطور ناپلیون رسماً جلوس علیحضرت الکساندر دویم را بتخت سلطنت روس اظهار میدارد

اتحاد و مراوده دوستی ما بین دولت روس و فرانسه سفارت کنت مرنی در مملکت روس بجهة تهنیت کور

اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس نود و پنجهزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سوستاپل از زخم

و چه از امراض مختلفه بهلاکت رسیدند دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان ایران باشخاصی وعده میدهد

که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و حاضر از برای هر نوع

زراعت نمایند و هر کس در این فقره اختراعی کرده باشد که باسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند

علاوه حقی هم داده خواهد شد کتابچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریباً سیصد و سی

و نه کرور تومان پول ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرور طغیان رودخانه‌های رُن و لُوار

در اوایل تابستان و خرابی زیاد ایالاتی که در سواحل این رودخانه‌ها واقع شده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون

بشخصه بسرکشی این ایالات میرود سفر اعلیحضرت امپراطور بندرهای شمال نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلیون

با امپراطریس زوجه ایشان است قشون فرانسه کلیتاً از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود میشوند

قریب سیصد هزار نفر قشون فرانسه در سوستاپول و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ با روس حاضر بودند

مارشال پلیسیه که قلعه مالاکف سوستاپول را فتح کرده بلقب دوک دمالاکف برقرار و دهزار تومان هم ساله مواجب

خواهد داشت در الجزایر زلزله سخت علی الخصوص در شهر فلیپ ویل

ینکی دنیای جنوبی

برزیل تعداد نفوس پانزده کرور دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر

یونان

کوشش دولت برای دفع راه زنان و اشرار

شرح سال دویم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و سه هجری لوی ئیل ترکی

از بدو این سال خجسته مآل ذات ملکوتی صفات مقدس رای صواب‌نمای همایون را متوجه مهام امور سلطنتی و جلب منافع و دفع مضار کشور و لشکر مصروف نمودند و هر یک از چاکران را باندازه لیاقت مشمول عواطف و مکارم خسروانه میداشتند حاجی قوام الملک که در صفحات فارس خاصه در انتظام بندر بوشهر خدمات لایقه نموده بود بیک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید دهه عاشورا تکیه مبارکه دولتی را که در جنب قصر نیاوران بنا نموده‌اند در کمال شکوه بستند و در آنجا تعزیه‌داری و روضه‌خوانی مینمایند نواب والا مؤید حکمران فارس حسب الامر بقعه متبرکه امامزاده شاه میرحمزه علیه السلام و عمارات تکیه خواجه حافظ علیه الرحمه و شاه داعی و باباکوهی را تعمیر مینمایند حاجی محمد علی جراح نظام جراحباشی نظام شد

موکب همایون روز پنجشنبه بیست و چهارم محرم چون میزان داخل شده و هوای دار الخلافه اعتدال یافته از ییلاق نیاوران تشریف فرمای قصر نگارستان گردیدند میرزا رفیع وکیل نواب والا احتشام الدوله بمنصب جلیل مستوفی‌گری نایل گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران که به پطرزبورغ رفته بودند مراجعت کردند و باعزاز تمام وارد دار الخلافه شده جواب نامه اعلیحضرت همایون را که اعلیحضرت الکسندر دویم امپراطور روس انفاذ داشته بودند تبلیغ نمودند میرزا عبد الغفار خان نایب وزارت امور خارجه بیک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل این رتبه سرافراز گردید محمد قلیخان ایلخانی فارس بیک قبضه کارد مکلل بالماس مفتخر شد میرزا ابو الحسن خان مشیر الملک وزیر فارس بخلعت همایون نایل گشت محمد خان ولد مرحوم محمد حسن خان سردار بمنصب جلیل میرپنجگی و یکهزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد و یوسف خان سرتیپ و حاکم بروجرد ولد دیگر مرحوم مشار الیه نیز بهشتصد تومان مواجب و ایضا ابو الفتح خان و عبد الحسین خان ولدان مرحوم سردار هر یکی بهفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند باد بسیار گرمی در خراسان وزید و جمعی تلف نمود سردار سلطان علیخان مظفر الدوله پسر مرحوم سردار کهندلخان با خانه و عیال از قندهار بعزم خدمتگذاری این دولت جاوید آیت بارض اقدس آمد محمد اکرم خان رئیس و بزرگ اچکزائی را برکاب مبارک فرستاده مشار الیه بخلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفر الدوله و برای سایر ریش سفیدان اچکزائی هم

خلاع مرحمت شد و اخراجات آنها را نیز قرار دادند که در ارض اقدس به هند و هم بجا مشغول خدمتگذاری باشند تیمورقلیخان هزاره نیز با چند نفر از ریش سفیدان طایفه خود بدربار معدلت مدار آمده قرار نوکری آنها را اولیای دولت علیه داده بخلعت و انعام ملوکانه نایل و از آستان مبارک رخصت بطرف اصل خود نمودند

میرزا عنایت الله امین لشکر بیکقطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید

سید سعید خان امام مسقط که به بندر عباس آمده مشمول عنایت اولیای دولت ابد مدت شده معاودت به بندر مسقط کرده و روز ورود به آن بندر را محض مسرت از ظهور مرام امنای دولت علیه بر خود عید سعید قرار داده و مباهات کلیه و تقدیم بعضی خدمات نموده است جناب سیف الملک میرپنجه که در ماموریت سفارت کبری سنت پطرزبورغ در تشیید مبانی مودت و مخالصت دولتین ذی شوکتین لازمه کفایت را بظهور رسانیده بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید جناب مسیو بوره ایلچی مخصوص و وزیر مختار بعد از حصول اجازه موقتاً بفرانسه معاودت کرد در ماه صفر زلزله شدیدی در تبریز شد ولی بجائی اذیت نرسانید معصوم خان یوزباشی غلامان شهریاری مرحوم و شکرالله خان نوری بجای او بمنصب یوزباشیگری سرافراز گردید در استراباد زلزله شدیدی شده و بعد از آن باد شدیدی وزیده همان روز ناخوشی وبا بروز نمود محمدخان پسر حاجی جابرخان بمنصب سرهنگی سرافراز و مامور گرفتن فوج جدید عرب گردید

شب عید مولود مسعود همایون در دارالخلافه باهره و تمام ولایات جشن گرفتند و شرایط روز عید نیز بعمل آمد جناب امین الملک فرخ خان ایلچی کبیر دولت علیه بدرخانه دولت عثمانی رسیده کمال پذیرائی و احترامات را درباره او مبذول داشته اند

روز دوشنبه چهاردهم ربیع الاول مژده فتح هرات را معروض خاکپای همایون نمودند و تفصیل آن از قرار ذیل است

محاربه و محاصره عساکر منصوره هرات را و فتح آن بلد و جاهای دیگر که بدست قشون ظفر نمون بسرداری نواب والا حسام السلطنه والی خراسان

سابقاً اشاره از سوء سلوک سید محمد خان ظهیرالدوله و شوریدن اهالی هرات بر او و طلبیدن شاهزاده محمد یوسف ابن شاهزاده قاسم ابن فیروزالدین که سالها در خدمتگذاری ابد دولت جاوید شوکت در خراسان بود و بجای ظهیرالدوله برقرار کردن نموده ایم شاهزاده محمد یوسف همینکه بجای سید محمد خان برقرار شد عریضه بدربار معدلت مدار شاهنشاهی عرض کرده تشکرات از نعمای ولینعمت کل ممالک محروسه نموده نیز عریضه که محمد حسن قاضی و امین محکمه شرع و محمد عثمان قاضی و فیض الله مفتی و میرزا ابوالقاسم صوفی ابن صوفی اسلام کرخی و قاضی ابوالخیر و شیخ مرتضی وکیل افاغنه و فیض محمد مدرس و سردار علیمی خان بردرانی

وجمعی

وجمعی علمای هرات نوشته و مهر نموده که ظهیر الدوله را امراض صلعی و ماتمکیر است و ما تمکین بحکومت شاهزاده محمد یوسف داده‌ایم مستدعی امضای همایون و تشریف و منشور مهر ظهور اعلی در باره معزی الیه میباشیم استدعای آنها موقع قبول افتاده حسب الامر الاقدس فرمانفرمای خراسان خلعت و فرمان خاکه هرات را بر عباسقلیخان کروسی داده روانه داشتند و شاهزاده محمد یوسف مجید خان سردار سرحد غوریان را با پانصد سوار یکعراده توپ باستقبال خلعت همایون فرستاد و بعد از ورود بکوهستان هرات میرزا محمد علیخان هروی باستقبال آمد و چون قدری بهم نزدیکتر شدند خود شاهزاده محمد یوسف با ده هزار پیاده و سوار آراسته استقبال کرده و در بقعه عبد الرحمن جامی خلعت پوشیده شرایط احترامات و تعظیمات را بعمل آوردند و بهرات مراجعت کرده در حکمرانی هرات استقلال تمام یافت و بتقدیم بعضی خدمات پرداخت ولی نسوّلت نفسانیه بعد از آن او را بکارهای شنیع بداشت اولا ظهیر الدوله را بکشت بعد از آنکه قاتل کامران است و ثانیا برخلاف شرع بدون بسر بردن مدت عده زوجه ظهیر الدوله را شب دیگر در حباله نکاح خود در آورده و با او هم بستر شد ثالثا دو خواهر ظهیر الدوله را نیز با مادر پیری بیگناه بقتل آورد و چندان نکذشت امیر دوستمحمد خان امیر کابل قصد قندهار نموده آنرا متصاحب کرد و بتسخیر فراه و سبزوار کس فرستاده خاطر در فتح هرات بست شاهزاده محمد یوسف متوحش شده عریضه بدار الخلافه عرض کرده مستدعی اعانت شد و مخصوصا سامخان ایلخانی را بخواست و استدعای او قبول شده و سامخان با هزار سوار و پانصد شمخالچی روانه هرات گشت و مقرر شد که اگر لشکر کابل رو بهرات نهد با زاد و قشون ظفرنمون بسرداری والی خراسان بامداد بدانصوب شتابند و مدافعه نمایند امیر دوستمحمد خان که خبر ورود سامخان را شنید و دانست عساکر منصوره اهتمام نصرت اهل هرات نموده اند دانست که در منصوبات کاری از پیش او نخواهد رفت لهذا خیال و تدابیر اندیشید و بعضی افاغنه را بوعد و وعید مستمال نموده و اعاظم ایشان را با سامخان ایلخانی بد دل کرده و او را از نزول بارک هرات عذر خواسته بباغ شاه منزل دادند و در آنجا نیز بتوقف رضا نداده بقلعه سلک که در دو فرسنگی شهر هرات است روانه اش نمودند چون بدانجا رفت جمعی را بقتلش کماشتند و بخارج شدن از خاک هرات مجبورش کردند و اظهار عدم احتیاج بمعاونت اهل دولت نمودند چون سامخان ایلخانی بشکیبان در رسید عریضه بنواب والا الاحتشام السلطنه فرمانفرمای خراسان نوشته که افاغنه در راه و بیراهه قصد قتل من دادند اگر ممکن باشد مرا ازین کروه برهانید نواب معظم الیه پاشاخان سرتیپ را با جمعی سوار بالغار روانه شکیبان نمودند و سامخان را با همراهان او مستخلص ساختند ولی در غوریان باز جمعی بو مرداه ایلخانی و پاشاخان آمدند و بنای مجادله گذاشتند این خبر بنواب والا الاحتشام السلطنه که در جام بودند رسید با جمعیتی که همراه داشتند عزیمت آنصوب نمودند مقارن اینحال عریضه از

فتح هرات

سردار علیخان سیستانی از سر کوه سپید که امیر دوست محمد خان یکی از فرزندان خود را بتسخیر و غارت سیستان
فرستاده اینحرکات امیر دوست محمد خان که قبل ازین داعیه عرایض و عهدنامه بدربار معدلت مدار همیشه فرستاده اولیای
دولت را مایه حیرت شده نیز حرکت افاغنه در هرات سبب شد که امنای دولت جاوید شوکت حکم
فرمودند که نواب والا احتشام السلطنه والی خراسان دفع این مفاسد را بمحاصره هرات پردازند و قشون
ظفر نمون مامور خراسان مشرفی کردیدند و افواج و سواره مزبور از قرار ذیل است
(فوج نصرت بسرتیپی محمد رضا خان کرکری تبریزی) (فوج مخبران شقاقی جمعی قاسم خان) (فوج خوئی
بسرهنگی باقر آقا) (فوج جدید مراغه ابواجمعی اسکندر خان سرهنگ) (فوج شقاقی جمعی ابو الفتح خان
(فوج شقاقی بسرتیپی رحمت الله خان) (فوج جدید افشار ارومی جمعی یوسفخان سرتیپ) (فوج جدید طهران
ایضا جمعی محمد رضا خان کرکری) (فوج بزچلو جمعی عباسقلی خان سرهنگ) (فوج قدیم قزوین متعلق
بعباسقلی خان سیف الملک) (فوج جدید قزوین جمعی خانبابا خان سرهنگ پسر مشار الیه) (فوج افشار تکلو
بسرهنگی فرج الله خان) (فوج قدیم و جدید خمسه جمعی میرزا ابراهیم خان سرتیپ) (فوج ششم تبریز بسرهنگی
باقر خان ابن محمد خان امیر تومان) (فوج جدید خدابنده لو بسرهنگی جعفر قلیخان) (دو فوج عرب و عجم بسطام
بسرتیپی نواب جهانسوز میرزا) (آقا خان میر پنجه و امیر علم خان سرتیپ و میر حسن خان و حسن خان با سواران
خراسان و پیاده فوج ترشیزی و فوج قرائی و فوج نیشابوری خود در خراسان حاضر بودند) (از توپچیان
زیاده از هزار نفر بسرتیپی عبد العلیخان و الله ویردی خان سرهنگ) (سواره خمسه جمعی ذو الفقار خان
ابن حسینقلی خان خمسه) (سواره شاهسون افشار جمعی محمد تقی خان) (سواره شاهسون دوبرن جمعی
لطف الله خان) (جماعت قزاق جمعی پاشا خان) (سواره افشار تکلو جمعی محمد صالح خان) (سواره
افشار اینانلو جمعی صفر علیخان) (سواره قراکوزلو و ادینه وند و عبدلوند و سواره غلام پیشخدمتان
جمعی ابو القاسم سرتیپ) (غلامان خراسانی) (از تربیت یافتکان دار الفنون که در علم توپخانه و
هندسه و سایر متعلقات عسکریه استعدادی داشتند چند تن) (توپ قورخانه و لوازم بقدر یکه
باید) این جمله از نقاطی که متوقف بودند براه افتاده بزودی ملحق باردوی نواب والا احتشام السلطنه
شدند و در این وقت اردوی والا در غوریان بود و چنان اتفاق افتاد که روز نهم رجب اطلاع قراولان
قورخانه آتش بقورخانه افتاده یکصد بار باروط و گلوله یکباره آتش گرفت روز سه شنبه یازدهم
الله ویردیخان سرهنگ توپخانه با چند عراده توپ و هفتاد بار قورخانه از مشهد مقدس روانه غوریان
شد از آنطرف شاهزاده محمد یوسف سردار احمد خان قلعه کاهی را با دو هزار سوار افغان باتفاق شاهزاده

محسن درانی بمحاربه قشون ظفر نمون فرستاد این خبر بسمع والا رسید شاهرخان ایلخانی را با سواره
خراسانی دو هزاره و صفر علیخان سرتیپ شاهسون و فوج ترشیزی و دو عراده توپ باستقبال افاغنه فرستاد
روز دیگر دو سپاه در کنار قلعه زنده جان تلاقی کرده سپاه افغان را شکستی فاحش داده وتا دو فرسخ
هرات تعاقب کردند و این اول فتح عساکر منصوره بود و از آن پس فتوحات متواتر یافتند و نواب والا حسام
السلطنه حکم بمحاصره غوریان دادند روز بیست و یکم رجب حسنعلی خان سرتیپ گروس (وزیر فواید) با فوج
خود بلشکرگاه پیوست و کار بر قلعگیان سخت شد سردار مجید خان افغان که حاکم غوریان و داماد
سرتیپ عیسی خان کارگذار هرات بود چون راه چاره را مسدود دید با خضوع و لابه از در استیمان در آمد
و امان یافت و غوریان بتصرف قشون نصرت نمون در آمد و چون این خبر بهرات رسید تزلزلی در ارکان
خیالات بزرگان افاغنه افتاده بسیاری باردوی والا آمده اظهار انقیاد کردند و باماکن و قبائل خود رفتند
روز بیست و ششم رجب اردوی والا از کنار غوریان بطرف هرات کوچ کرد و امیر حسینخان برادر شاهرخان
با پانصد سوار خراسانی و دو عراده توپ بر منقلای سپاه و هزار و دویست تن سواره عراقی با یک عراده
توپ بر ساقه لشکر مامور شدند روز دوشنبه غره شعبان نواب والا یک فرسنگی هرات نزول کردند
و ذهن مصلی را لشکرگاه قرار دادند روز چهارشنبه سیم شعبان شاهرخان ایلخانی با پانصد سوار خراسانی
و اکراد و پاشاخان مکری با دو فوج سمنانی و دامغانی و سواره کرد و ترک و چهار عراده توپ تا چمن سنگ
سفید که تیر پرتابی بشهر مسافت دارد رفتند و با سپاه افاغنه که در تلال و وهاد آن محل کمین کرده بودند
جنگ در گرفت نواب والا حسام السلطنه خبر شده با سایر قشون ظفر نمون بدانصوب شتافته پس از ساعتی
قتال افاغنه را شکست داده و فراریان را تعاقب کرده بسیاری از هزیمت یافتگان از بیم جان خود را بخندق
انداختند (زن و فرزند شاهزاده محمد یوسف که تا این اوان بمشهد مقدس بودند پناه بحرم رضوی
شرفها الله تعالی برده بستی شدند و میرزا محمد حسین عضد الملک متولیباشی مستحفظ گماشته که از آن
محل فرار نکنند) چون شاهزاده محمد یوسف کار را سخت دید بنواب والا پیامی عرضه کرده که من پرورده
نعمت اولیای دولت علیه ایرانم و از ذلتی که رفته پشیمان و برانم که شاهزاده محمد رضا را با وجوه اعاظم هرات
برسم گروی باردوی والا فرستم استدعا آنکه این لشکر از کنار هرات بغوریان حرکت نماید و ترک محاصره
کند تا خود از قفای اردو بمقصود والا تشرف جویم و بدار الخلافه قدوم و اوامر اعلیحضرت شاهنشاه ایران را منت
روز سیزدهم شعبان شاهزاده محمد رضا با گروهی انبوه از بزرگان هرات بیرون آمده دو عراده توپ که یکی را هنگام
محاصره هرات از لشکر شهریار صبر و ماضی طاب الله ثراه هرویان برده بودند و دیگری را نواب والا حشمت الدوله

فتح هرات

بظهیر الدوله یار محمد خان داده بودند با برقی که درین ایام از برق دار نیشابوری گرفته بودند انفاذ داشته
و روانه اردوی والا شدند و درباب استدعای شاهزاده محمد یوسف الحاح نمودند نواب والا که غرضی
درینباب جز حفظ مصالح دولت علیه نبود آنمسئول را قبول وار دو را حرکت داده هفت فرسنگ بازپس
آمده در چمن شاه ده قرار گرفتند اما شاهزاده محمد یوسف غدر کرده بود و بوعده وفا ننمود و بجد تمام تهیه
کارزار و حصانت دادن بحصار کوشید و در اینوقت سردار محمد خان داماد عیسی خان سرتیپ ملتزم
خدمت والا بود کس بهرات فرستاد و بر حسب امر والا از عیسی خان تقدیم این خدمت بخواست وی معروض
داشت که اگر اردوی والا بغوریان بازپس رود من شاهزاده محمد یوسف و برادر زاده او شاهزاده محسن و
سایر مفسدین را بند برنهاده بلشکرگاه فرستم که با اعیان هرات برسم گروی در دار الخلافه بمانند لهذا
نواب والا بده فرسنگی غوریان نزول کردند و منتظر وعده وفای سرتیپ عیسی خان بودند از انطرف شاهزاده
محمد یوسف استشمام رایحه مطلب سرتیپ عیسی خان کرده با حاجی غلامخان مواضعه درباب قتل سرتیپ
مزبور نمود و روز بیستم شعبان حاجی غلامخان با جماعتی از طایفه خود بخانه سرتیپ عیسی خان رفته که
کار او را تمام کنند سرتیپ نیز مردم خود را جمع داشت دو جماعت بهم ریخته حاجی غلامخان را پس از چند زخم
منکر گرفته حبس کردند و روی بسرای شاهزاده محمد یوسف نهادند و او را و شاهزاده محسن و حاجی غلامخان
افغان و پیر محمد خان را دست بسته بدستیاری نیازخان و سواری چند داده باردوی والا آورده محبوس
نمودند ولی بعد ازین مقدمه سرتیپ عیسی خان رایت استبداد برافراشت و بهوس حکمرانی هرات در حفظ
برج و باره اهتمامی میکرد و بدوستمحمد خان ازین کار مژده داد چون مطلب معلوم نواب والا احتشام السلطنه
شد و دانستند که عیسی خان باغوای دوستمحمد خان خیال خودسری دارد اردوی والا را بظاهر هرات
نزول دادند و بیورش و جنگ عرصه بر شهریان تنگ کردند و مردم چندانکه توانستند از شهر هرات فرار
و بینادی گرفتار سپاه منصور شدند از جمله شب چهارشنبه چهاردهم ذیحجة الحرام الله قلیخان برادر
عبدالله خان جمشیدی با پانصد تن از جمشیدی و فیروزکوهی و بردرانی بر اسب اسیر نشسته فرار میکردند
که دوچار قشون ظفر نمون گشته بسیاری از آنها کشته و بعضی دستگیر شده خود الله قلیخان با چهار سوار
جان بدر برده و وصول این خبر بهرات خاطر شهریان را آشفته نمود و بحکم والا رحمة الله خان و امیر علم خان قاینی با
سپاهی در خور بفتح اسفزار مشهور بسبزوار مامور شدند و سردار علیخان سیستانی نیز با آنها همراه شده قلعه
لاش را بگرفتند و خیرالله خان که از جانب امیر دوستمحمد خان حکومت فراه داشت برای رحمة الله خان پیام
داد که اگر با معدودی سپاه بدینسو گرائی فراه را بتو سپارم و تابع و خدمتگذار دولت ایران شوم لهذا

رحمة الله خان و امیر علم خان آهنگ قلعه تجک که پنج فرسخی فراه است نمودند و این قلعه را مسخر کردند نیز
نواب والا احتشام السلطنه آقا خان میرپنج را با پنجهزار کس بسبزوار فرستاده اهل سبزوار تسلیم شدند میر
علم خان و رحمة الله خان نیز بسبزوار آمدند بعد از آن نواب والا حکومت سبزوار را بمحمد عمر خان پسر سردار
کهندلخان واگذاشتند و میر علم خان را بتوقف نزد او امر نمودند روز پنجشنبه نوزدهم ذیحجه شاهزاده
محمد یوسف و شاهزاده محمد رضا و حاجی غلامخان افغان را بهمراهی بهادرخان جامی و جمعی سوار نواب والا
بمشهد مقدس فرستادند و هرات در بند محاصره بود و امیر عباسخان هراتی که قبول خدمت این دولت

ذکر فتح هرات

ابد آیت کرده بود مساعی جمیله بظهور میرسانید و نایره جدال اشتعال داشت و میرزا احمد مهندس
که از تربیت یافتگان مدرسه دار الفنون و بدانجا مأمور بود بواسطه خدماتی که از او بظهور رسید
منصب سرهنگی یافت و اخر الامر سرتیپ عیسی خان دست خود را از دامن چاره دور دید و دانست که
عساکر منصوره بقهر و غلبه شهر را مسخر خواهند نمود لابد عریضه خدمت نواب والا احتشام السلطنه نوشته
اظهار انقیاد نمود چون این بار بر خلاف سابق راستی سخن او آشکار بود گوش بمطالب او دادند و ایلخانی
بهرات رفته پس از مفاوضات سرتیپ عیسی خان را مطمئن نموده روز شنبه بیست و پنجم صفر سرتیپ عیسی خان
و عبدالله خان جمشیدی بیگلربیگی و فتح الله خان فیروزکوهی بمرافقت سامخان ایلخانی روانه اردوی والا
شدند و نواب والا امیدی برای ایشان نمود و چون سرتیپ عیسی خان شرفیابی حاصل کرد نوشتجاتی که امیر
دوست محمد خان در باب نگاهداری هرات باو نوشته بود بنظر والا رسانید و سپرد و مورد اشفاق شایسته گردید
روز دیگر خوانین هرات از قبیل محمد خان و خان محمد خان و امان نیاز ترکمان و سایر اعیان و اشراف بخدمت
نواب والا پیوستند و کمر اطاعت بستند روز جمعه غره ربیع الاول سنه هزار و دویست و هفتاد و سه
دو ساعت بغروب آفتاب مانده نواب والا احتشام السلطنه و قوام الدوله و سران لشکر و چهار فوج افشار و
مراغه و قزوین و خوی و ششصد سوار از دروازه قندهار داخل شهر هرات شدند و در ارک قرار گرفتند
و بزرگان و اعاظم هرات را بنواختند و بعواطف اعلیحضرت شاهنشاهی مستظهر نمودند و سامخان ایلخانی
و حسینخان یوزباشی بجامع هرات در آمده خطیب بمنبر صعود کرد و خطبه بنام همایون خواند و حضار
بدعا و ثنا پرداختند روز دیگر نواب والا بعمارت موسوم بچهار باغ که در میان شهر است آمده بر مسند
ایالت نشستند و اهالی هرات هر یک در خدمت ایشان بمقام خود قیام نمودند و خطبه بنام اعلیحضرت
ظل اللهی خواندند و میرزا فتح الله بسطامی متخلص بذوقی که از بلغاء شعراء و مترسلین است قصیده
در فتح هرات انشاد نمود و میرزا سرخوش هروی نیز قصیده در تهنیت این فتح است که مطلع آن اینست

فتح هرات

کوچه شد فتح هری ز برای حسام السلطنه   عاقبت گردید قسمت برای حسام السلطنه

و بملاحظه دیر و تسخیر که مجهول و معلوم است باید گفت حسن معانی بقبح قافیه ارزد بالجمله پس از آنکه هرات
مفتوح سپاه منصور گردید نواب الاحتشام السلطنه حسن بیک صندوقدار خود را با عریضه بدربار معدلت
مدار فرستادند و او در چهارم ربیع الاول بدار الخلافه رسید روز دیگر امیر حسینخان زعفرانلو رسید
و مژده ضبط و تصرف شهر را آورد و چون بعد از فتح هرات مبلغی خطیر بلا فاصله دنانیر در دار الضرب هرات
باسم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی سکه کردند حسینخان یوزباشی حامل آن زر مسکوک گردیده با مجیدخان
روانه دار الخلافه شد و سرتیپ عیسی خان عریضه ضراعت بدرگاه آسمان جاه عرض کرد

روز پنجشنبه هفتم ربیع الاول در دار الخلافه باهره جشن گرفتند و چراغانی کردند روز هفتم سلام عام در تالار
تخت مرمر منعقد گردیده عریضه نواب والا حسام السلطنه را میرزا محمد تقی مستوفی ملقب بلسان الملک در پیشگاه حضور
مهر ظهور خسروانه قرائت کرد خطابات ملهمات بجناب صدر اعظم از خدمات نواب الاحتشام السلطنه
سلطانمراد میرزا والی مملکت خراسان و قوام الدوله و سامخان ایلخانی و سایر سرکردگان سپاه فرمودند و میرزا
محمد علیخان اصفهانی ملقب بشمس الشعراء و متخلص بسروش قصیده در تهنیت این فتح عرض کرده بود و مطلع از اینست

شهر هری مسخر شاه و ستاره یار   ای لعبت ستاره بدین مژده می بیار

و بنظر انور رسید بپاس خدمات جناب صدر اعظم که درکار این جنگ کرده بودند بمکتوب کاتبی مسرور و منضمه چهل بند
بینادا اعلی کمربند های آن مرصع بجواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون بجناب معظم مرحمت و اظهار مراحم
کامله فرمودند و پاشاخان پیشخدمت امین حضور (امین الملک) که ابتدا مژده ورود چاپار حامل فتحنامه را بعرض
خاکپای مبارک رسانیده بهزار تومان انعام ملوکانه نایل گردید و سه هزار تومان با جمله علما و سادات دار
الخلافه و بعضی از قاجاریه مرحمت شد و علاوه بر ده هزار تومان که سابقا بجناب آقا شیخ عبد الحسین مجتهد برای
تعمیر عتبات عالیات داده بودند ده هزار تومان دیگر مبذول فرمودند و یکقبضه عصای مرصع بنواب والا
حاجی محمد ولیمیرزا مرحمت شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهره یاب گشتند

دو روانه فرموده دربین دو

میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویس نظام بمکتوب جبه ترمه کشمیری
و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید میرزا عباسخان
منشی اول وزارت امور خارجه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت

ذکر انفاذ خلعت و انعام از دار الخلافه برای نواب والا احتشام السلطنه و سرکردگان سپاه

پس

پس از آنکه شرحی بلفظ گوهربار مبارک اظهار مراحم نسبت بنواب والا احتشام السلطنه وسران سپاه عموماً فرمودند
برای هریک خلاع فاخره از ثیاب تنبه خاص ونشان ومنصب ومواجب وانعام ولقب معین ومرحمت شد
چنانکه برای نواب والا احتشام السلطنه والی خراسان یکقطعه کل کمر مرصع بجواهر گرانبها ودشنه با نیام
زرین وقبائی زربافت وچهار هزار تومان انعام مبذول داشتند ومیرزا محمد قوام الدوله ولد مرحوم میرزا
محمد تقی قوام الدوله وزیر خراسان وسام خان ایلخانی خراسان را بخلاع قیمتی مفتخر فرمودند وسام خان
ملقب بشجاع الدوله گشت ودو هزار وسیصد وپنجاه قطعه نشان طلا ونقره بیاوران وسلطانهای افواج
وسربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد وامیر حسینخان برادر سام خان ایلخانی وحسینخان یوزباشی (حسین خان یوزباشی که بمنصب سرتیپی رسید بعدها در مدارج ترقیات کامله بود تا بلقب شهاب الملکی نایل وحکومت کرمان یافت واواخر الامر ملقب بنظام الدوله شد ووالی خراسان گردید سالی دو میباشد که مرحوم شده است)
که بحضرت دارالخلافه آمده بودند مرسوم ومواجب مضاعف گردید وحسینخان یوزباشی بمنصب سرتیپی
مفتخر گردید وحسن بیک فرستاده نواب والا احتشام السلطنه بمنصب سرهنگی ولقب خانی وخلعت همایون
سرافراز شد وعلاوه بر خلاع ومناصب ونشانها که بسرکردگان مبذول شد نیز خوانین وسرداران هرات
وصاحبمنصبان وفضلا وقضاة جداگانه بخلعتها ونشانها سربلند شدند وهفتاد هزار تومان وجه نقد
بجهة مخارج وانعام ومساعده مردم هرات وسپاه مامور بهرات انفاذ شد وحامل اینوجه حسین خان یوزباشی
بود که منصب سرتیپی یافت وچون بخراسان رسید فوجی دو با جمعی سوار با خود همراه برد ودر نواحی جام
سواران سرخسی وقرایب وآخال سر راه براو گرفتند وقصد دستبرد داشتند قشون همراه حسین خان
با آنها مجادله نموده انجمعیت کثیر را متفرق ساخته بلکه بعضی مال وحشم واسیر که نهب کرده بودند مسترد نمودند
تا مسافت زیادی ایشانرا تعاقب کردند وبسیاری از تراکمه مقتول ومجروح شدند وروز هفدهم جمادی
الاول حسینخان با خلاع شاهنشاهی ووجوه مزبوره وارد هرات شد نواب والا احتشام السلطنه وبزرگان
لشکر واعاظم شهر تا یکفرسنگی شهر خلعت مهر طلعت همایون را استقبال کردند ودر باغ شاه خارج شهر
جشنی عظیم برپا داشتند وهریک پیکر خود را از خلعتهای گرانبها قرین افتخار واعتبار داشتند وبعد
از رتق وفتق بسیاری از امور ولایت نواب والا در هرات بماند وقوام الدوله با نیمی از عساکر منصوره بمشهد
مقدس مراجعت نمود وچون بعضی از تراکمه گمان کرده بودند که مشهد مقدس ونواحی آن این اوان خالی
از قشون است رو بدینسمت نموده که درانموقع از چپو وغارتی منتفع شوند چندتن از صاحبمنصبان
سپاه منصور با چند دسته قشون ظفر نمون بر سر آنها تاخته بعضی اسیر وگوسفند که بغارت برده بودند
از آنها مسترد ساخته برخی را مقتول وباقی منهزم شدند

تذییل

سابقاً اشاره رفت که شاهزاده محمد یوسف حکمران هرات را بمشهد مقدس و از آنجا روانه دار الخلافه داشتند
چون بدار الخلافه رسید بنا بر اینکه منشاء تقصیرات بزرگ شده بود و مقرر بود که او را بحضور معدلت
ظهور شاهنشاهی حاضر و بمؤاخذه اعمال و سزا رسانند خوی وی او را سیاست کنند ولی روز ششم صفر
المظفر که روز عید میلاد سعادت بنیاد همایون است جناب صدر اعظم در پایه سریر معدلت شفاعت
کشوده الحاح نمودند و ذات ملکوتی صفات مقدس بنا بر سجیت کریمانه جرایم او را عفو فرمودند ولی چندی
نگذشت که ورثه مرحوم محمد خان ظهیر الدوله او را بقصاص خون ظهیر الدوله و خواهران و مادر ظهیر الدوله
در آمیختن او بمحارم ظهیر الدوله بدون ملاحظه شرعیه بسرای دیگر فرستادند و رخت بدیار عدم کشید
نیز از وقایع ملالت انگیز امسال که در چهاردهم ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده
معظم ولیعهد دولت ابد مهد علیه معین الدین میرزا بشاخسار جنان پرواز نمود
جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس قرین مفاخرت
گردید حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه نیز بخلعت همایون سرافراز شد عمارات دیوانی و توپخانه
و قورخانه استراباد را تعمیر کردند روز جمعه هفدهم شهر صفر جناب سفیر کبیر دولت علیه امین الملک با
اجزای سفارت کبری وارد اسلامبول گردیدند و از جانب دولت عثمانی پذیرائیها و تشریفات که بجهة ورود
ایلچیان کبیر دول معظمه معمول است بوجه اکمل و اتم درباره جناب سفیر کبیر معزی الیه بعمل آوردند نواب والا حشمة
الدوله حکمران اصفهان بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردیدند و میرزا زکی
مستوفی وزیر اصفهان نیز مخلع گردید یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب معتمد الملک) بمنصب
آجودان صدارت عظمی نایل گردید شیخ عبد الله با عریضه و پیشکش از جانب سید سعید خان امام مسقط
وارد شیراز شد میرزا داود خان ولد جناب صدر اعظم بمنصب وزارت لشکر و خلعت همایون مفتخر گشت
چون تمثال شمایل مبارک حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که در عصر آنحضرت از روی چهره
مبارک آن بزرگوار ساخته اند از خزاین ملوک سلف بخزینه این دولت جاوید عدت انتقال یافته بود حسب الامر همایون
میرزا ابو الحسن خان نقاشباشی که در صنعت وحید اعصار و فرید ادوار است از روی آن تمثال عدیم
المثال ساخته بجواهر آبدار ترصیع کردند و بلآلی شاهوار علاقه بستند روز چهارشنبه بیست و هفتم
ربیع الاول نظر بحسن عقیدت و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی فرو آویختند
و جشن و سروری با شکوه و سلام عام منعقد گردید و بخششهای ملوکانه فرمودند
هم در این سال نظر بکدورتی که فیمابین دولتین ایران و انگلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی کشتیهای

جنگی

جنگی انگلیس بخلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و چند گاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر
و کارگذاران آن دولت از خاک ایران بیرون رفتند و علم دولت خود را خوابانیدند و در هشتم این ماه مهر
علیخان شجاع الملک از شیراز با چند فوج و چند عراده توپ روانه بندر بوشهر گردید و میرزا محمد خان
کشیکچی باشی ولد مرحوم امیرخان قاجار سردار نیز از دار الخلافه باهره مأمور فارس شده روز پنجشنبه چهارم
جمادی الاولی روانه گردید و چند فروند جهاز جنگی انگلیس نیز بمحمره رفت و اعتنا کرده دولتین مشغول
تهیه شدند و چندی نگذشت که رفع منازعه شده جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در
پاریس بخواهش اعلیحضرت ناپلیون سیم بتاریخ هفتم رجب همین سال گفتگوی مصالحه را بپایان رسانیدند
و صورت عهد نامه جدیده در جلد اول کتاب مرآت البلدان ناصری در ذیل لغت بوشهر ثبت و ضبط شده است
در شیراز گنبد شاه چراغ علیه السلام و محراب صحن را که از زلزله خراب شده نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس
حسب الامر مرمت میسازند جناب غراف کینوشار ژدافر دولت فرانسه که بدار الخلافه باهره آمده بود با ترتیب و
شرایط معموله و اعزاز شایان بحضور معدلت ظهور شاهانه تشرف حاصل نمود رضا قلیخان سرتیپ
فوج عرب بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و خلعت همایون مفتخر گردید حاجی
میرزا احمد خان مصلحت گذار دولت علیه مقیم اسلامبول بمنصب وزیر مقیمی در دربار دولت عثمانی برقرار
گردید کتاب موسوم بنوادر ناصریه در علم حکمت و طبابت از مصنفات میرزا محمد حکیمباشی کل طبع شده بفروش میرسد
کتاب جراحی که رساله در کحالی ضمیمه دارد از مصنفات حکیمباشی خاصه دکتر پولاک نمساوی بطبع میرسد
فوج چهار محال اصفهان را نیز بمحمد ابراهیم خان سرتیپ افواج فریدن و سرده و هی ابوابجمع فرمودند فوج کرد را
بعلی آقای سرهنگ خارج از فوج و نایب آجودانباشی ابوابجمع فرموده مأمور کرمان نمودند بند تیمور را در عراق
میرزا حسن خان حاکم عراق بست آقا رضا خان نایب دوم آجودانباشی بمنصب نیابت اول آجودانباشی
نایل گردید حاجی عبد الله کاشی امام مسقط با پیشکش و هدایا که از جمله یکرشته تسبیح مروارید اعلی بود
و دو راس اسب بسیار ممتاز عربی و غیره بدربار همایون آمد شیخ دین محمد خان حاکم مکران وفات یافته
شیخ عبد الله خان پسرش بجای او حکومت دارند کلنل سند لاکو سفیر دولت استریه از جانب اعلیحضرت
امپراطور دولت استریه بدار الخلافه باهره آمده و از و پذیرائی کامل نمودند و بحضور همایون با اعزاز وافر
تشرف حاصل نمود و از جمله تحف و هدایائی که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت استریه تبلیغ و تقدیم حضور
باهر النور اعلیحضرت شاهنشاهی نمود یکقطعه نشان تمثال مکلل بالماس اعلیحضرت امپراطور آستریه و یکجلد کتاب
تصویر اعلیحضرت امپراطور و معظم الیها و خانواده سلطنتی و اکابر دولت و چار بزرگ بلور بلند شاخه

د نگین که انواع صنعت و نظافت دران بکار رفته و بعضی اشیاء نفیسه دیگر بود میرزا شفیع وزیر یزد بمنصب جلیل استیفای خاصه و خلعت همایون مفتخر گردید حسنعلی خان افشار سرهنگ فوج اردبیل و مشکین بمنصب سرتیپی سرافراز شد قورخانه و جبه‌خانه اصفهان خوب کار میکنند مرتضی قلیخان سرحددار انزلی بمرض فالج مبتلا شده برادر مشار الیه جعفر قلیخان بسرحدداری انزلی برقرار گردید میرزا اسمعیل خان میزان آقاسی شیلات گیلان وفات یافته محمود خان پسر او بمباشری شیلات مقرر شد آزاد خان افغان نوکر ارجمند دولت جاوید شوکت بیک ثوب جبه ترمه تمام زنجیره و یک قبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید میرزا محمد تقی مشرف دار النظاره بنیابت نظارت خانه مبارکه مفتخر گردید

میرزا ابو الحسن خان نقاشباشی غفاری که در فن نقاشی درجه مهارت را بسر رسانیده و از اجله صاحب صنعتان این زمان و وحید عصر و فرید و یگانه دهر خود میباشد در تصویر تمثال حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام حد صنعت و استادی را بکار برده یک جعبه رنگ نقاشی طلا که در وسط گل الماس دارد و بسیار کار اعلا و ثمین است بمعزی الیه مرحمت فرمودند میرزا محمد رضای متولیباشی حضرت معصومه سلام الله علیها مرحوم شده جناب میرزا سید حسین ولد آن مرحوم بجای پدرش بمنصب متولیباشیگری بقعه متبرکه سرافراز شد میرزا محمد صادق قایم مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا در آذربایجان بود مجددا مامور آن مملکت گردید نواب محسن میرزا امیر آخور بخلعت همایون سرافراز گردید جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی با اتباع سفارت کبری وارد پاریس شده بود با آنها که از جانب دول متحابه نسبت بوزرای مختار و ایلچیان بزرگ دول معظم معمول است از جانب دولت فرانسه نسبت بجناب معزی الیه بوجه اکمل بعمل آمد روز پنجم ورود بنزهة با شرایط و رسوم معینه بحضور اعلیحضرت ناپلیون سیم مشرف شده نامه مهر ختامه اعلیحضرت همایون را تسلیم کرده اعلیحضرت ناپلیون نهایت اظهار شعف از مودت کامله اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه از عهدنامه تجارتی که فیما بین دو دولت ایران و فرانسه بسته شده نمودند و هدایای اعلیحضرت همایون را که عبارت از تمثال بیمثال المبارک برای اعلیحضرت ناپلیون و تصویر کردن بند برای علیا حضرت امپراطریس و شمشیر مرصع برای نواب ولیعهد بود جناب سفیر کبیر تبلیغ و تقدیم نمودند آقا علی اشپانی پیشخدمت خاصه محصل وجوه خاصه بخلعت همایون مفتخر گردید

شب شنبه بیست و چهارم رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده سلام خاص تحویل در پیشگاه آسمان جاه همایون منعقد و فردای آنروز که عید نوروز بود سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت امیر اصلان خان عمید الملک حکمران گیلان بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس

سرافراز گردید جناب کنیاز باراتنسکی تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بجانشینی مملکت قفقاز منصوب
گردید جنرال کنیاز ملیکوف را که با هفده نفر از صاحبمنصبان محترم و جمعی دیگر بدربار دولت علیه روانه نموده
که مأموریت خود را اظهار دارد جناب معزی الیه بدار الخلافه باهره آمده از جانب اولیای دولت پذیرائیهای
شایان معمول بعمل آمد سردار علیخان حاکم سیستان بعزم عتبه بوسی آستان مبارک بدار الخلافه آمد
مهر علیخان شجاع الملک بنشان امیر تومانی و یک رشته حمایل وسطائی کناره قرمز و یکقبضه شمشیر مرصع بالماس
مفتخر گردید محمد قلیخان ایلخانی فارس بنشان از مرتبه سیم میرپنجی و خلعت همایون سرافراز شد علیخان
سرتیپ قراگوزلو بنشان از مرتبه سیم میرپنجی و محمد قلیخان سرتیپ بنشان از درجه اول سرتیپی و عبد الله
خان سرهنگ فوج خاصه بنشان از درجه اول سرهنگی و حمایل همین رتبه و محمد طاهر خان سرهنگ فوج تبریزی
بنشان از مرتبه دویم سرهنگی و میرزا علی محمد خان ولد حاجی قوام الملک بنشان از مرتبه اول سرهنگی و
حمایل سفید مفتخر گردیدند و لطفعلیخان سرتیپ فوج شقاقی بیکقبضه شمشیر یراق طلا و انگشت
همچنین ابو الفتح خان سرتیپ فوج شقاقی و پرویز خان سرتیپ سواره چهار دولی هر یک بیکقبضه شمشیر
یراق طلا سرافراز شدند احمد خان نوائی نایب ایشیک آقاسی بحکومت بندر بوشهر برقرار گردید
عزیز خان سردار کل معزول شد نواب غفران مآب والده حضرت شهریار مبرور ماضی (محمد شاه)
انار الله برهانه روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال المکرم از این سرا بغرفات جنان انتقال نمود نواب والا
رکن الدوله بحکمرانی آذربایجان سرافراز گشتند و نواب والا محمد تقی میرزا بحکمرانی دار الخلافه بر
قرار گردیدند نواب والا عبد الصمد میرزا حکمران قزوین میباشند در یزد ناخوشی وبا بروز کرده
کاروانسرای موسوم بکاروانسرای شاه بلده ساری را حسب الامر مرمت میکنند جناب مستر مورد
وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست و یکم ذیقعده با اجزای سفارت خود
بدار الخلافه باهره آمد حسنعلیخان سرتیپ فوج اردبیل و مشکین که بقراولی و ساخلو دیوانخانه مبارکه
و حرمخانه در تهران بر قرار بود مرخص و عباسقلیخان سردار لاریجانی باینخدمت سرافراز گردید در قزوین
زلزله سختی شده است احمد خان نوائی حاکم بندر بوشهر بلقب دریابیگی بحر فارس و نشان از درجه اول
سرتیپی و حمایل سرخ از این مرتبه سرافراز شد محمد خان امیر تومان بیکقبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و
هزار تومان انعام نایل گردید چراغعلی خان حاکم خمسه عمارات دیوانی آنجا را حسب الامر تعمیر میکنند
حکم همایون شد که جمیع ملل که در تبعیت دولت ابد آیت اند کاملا در رفاهیت و امنیت باشند و اگر
اجامره با آنها دست تعرض و صدمه دراز کنند تنبیه شوند جناب حیدر افندی شارژدافر دولت عثمانی

که موقتاً از آن دولت اجازه معاودت بمملکت خود حاصل نموده شرفیاب حضور باهر النور مبارک شده رخصت انصراف حاصل نموده مورد مراحم ملوکانه گشته یکقطعه نشان تمثال همایون از درجه دوم مکلل بالماس بمعزی الیه مرحمت شد جناب توفیق افندی بجای جناب حمید افندی بشارژ دافری برقرار است مسیو جان داود خان مترجم اول دولت علیه بنشان سرهنگی اول و حمایل سفید مخصوص این رتبه و خلعت همایون نایل گردید جناب مسیو لاغوفسکی شارژ دافر دولت روس را یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول و حمایل سبز مخصوص آن مورد مراحم خاص فرمودند فرستادگان ولات و سرداران کابل و قندهار و اتالیغ بیک والی قندز و کیخسرو خان حاکم سابق تاشقرغان با عرایض ارادت آمیز خدمت نواب والا حسام السلطنه آمدند آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام بیکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی با یکرشته حمایل سفید مخصوص این رتبه سرافراز گردید محمد علی بیک یاور فوج دماوندی بمنصب سرهنگی و خطاب خانی سرافراز گردید هادیخان سرتیپ بیکقطعه نشان سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه مفتخر گشت عسکرخان سرتیپ افشار ارومی مرحوم و یوسف خان برادرش بجای او بمنصب سرتیپی رسید فرنمانخان نایب اجودانباشی حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس بدرجه سرتیپی رسید و چون از اجزای سفارت کبری مامور پاریس است روانه محل ماموریت خود گردید کیناز ملیکوف و سایر صاحب منصبان دولت روس که از جانب جناب کیناز باراتنسکی جانشین جدید قفقازیه بدربار همایون آمده بودند اجازه انصراف حاصل کرده یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول بکیناز ملیکوف مرحمت فرمودند و سایر صاحب منصبان که همراه معزی الیه بودند بهریک علی قدر مراتبهم نشان بموجب فرمان همایون مبذول شد میرزا عباس خان منشی اول وزارت امور خارجه بمنصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز گردید

جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران از پاریس بلندن رفتند و در انجا پذیرائیهای شایان که از سفرای مختار و ایلچیان بزرگ دولت معظم رسم است نسبت بجناب معزی الیه بوجه اکمل از جانب دولت انگلیس بعمل آمد روضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها را حسب الامر ذو الفقار خان حاکم قم تعمیر مینماید و سد رودخانه قم را میسازد و سد پل دلاک و خود پل دلاک و کاروانسرای آنجا را و کاروانسرای حوض دام مرمت میکنند و کاروانسرای حوض سلطان و حوض بزرگی تازه ساخته میشود

الله وردیخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید بعضی اشرار تراکمه سرخسی قراباب با سوار زیاد بعزم تاخت نواحی نیشابور آمده بودند قشون مامور سرحد آنها را شکسته و بیست

از آنها را کشته معدودی فرار کردند نواب والا شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه حسب الاشاره علیه
کتاب تاریخ افغانستان را در بهترین سبکی حاوی فنون فضایل تصنیف نمودند آقا محمد حسن
مهردار بیکقطعه نشان تصویر مبارک مکلل بالماس مفتخر گردید کتاب شرح قاموس فارسی را در
نهایت امتیاز میرزا عبدالله طبرسی منشی دیوان اعلی طبع نموده بفروش میرسد نواب والا اردشیر
میرزا حکمران دارالخلافه بلقب رکن الدوله ملقب گردید محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان
بلقب بهام الملکی و خلعت همایون مفتخر گردید خسرو خان والی [illegible] مرحوم شد میرزا حسن برادر
میرزا حسین سررشته دار قورخانه مبارکه بمنصب جبه دار باشیگری و مباشری جبه خانه مبارکه سرافراز
شد سردار علی خان سیستانی بمصاهرت نواب والا بهرام میرزا (معز الدوله) مباهی گردید میرزا زمان
امیر دیوان بیکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این منصب
و خلعت همایون مفتخر گشت امسال در دارالخلافه باهره چه از جانب دیوان اعلی و چه از طرف امنه
دولت علیه و سایر خلق بنائی زیاد میشود روز بروز جمعیت دارالخلافه رو بتزاید است و در بیرون
دروازه دولت و دروازه شمیران عمارات خوب ساخته اند مسجد جامع قزوین را مرمت کرده اند

۱۲۷۳
سوانح و وقایع عظیمه که در این سال در تمام عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاد

اتازونی ینگی دنیا

قحط و غلای سختی در ایالت شیکاگان در شهر نیورک منازعه سخت و خونریزی ما بین قشون دولت
و اعتصاب شهری کمی پول بحدیکه بانک نیورک و بستن از دادن پول برات را مضایقه نمودند

اسپانیا

شورش سختی در مالاکا بدست آوردن جمعی از شورشیان در مادرید پایتخت در ایالت سویل
ایضا شورش عزل ناروائز صدر اعظم و نصب امیرال ادنیر تولد پسری از ملکه در پاییز موسوم
بالفنس توپخانه ابرو را دولت در صدد است که بعرض و عمقش بیفزاید تا کشتیهای بزرگ باسانی
در آنجا سیر نماید جمعیت تمام اسپانیا در این سال سی و دو کرور و سیصد و چهل هزار نفر میباشد

آلمان

ایجاد قانون تجارتی بجهة تمام ممالک آلمان هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالک ایطالیه
متصرفی خود جنرال رادتسکی سردار پیر کرفی الواقع فتوحات این ایالات بدست او شده بود از منصب

حلم رانی استعفا نموده و حکومت ایالات متحده منتقل به ماکسی میلین برادر امپراطور میگردید
در مملکت پروس طایفه یهود را منع میکنند که قانون دولت تحصیل نمایند افتتاح راه آهن از میلان
به رونیز اعلیحضرت پادشاه پروس که بشدت ناخوش اند اختیار سلطنت را موقتاً سه ماهه به برادر کهتر
خود که شصت و دو ساله کوچکتر است و ولیعهد میباشد واگذار میکنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید یافت

انگلیس

عزل وکلای ملت بواسطه اختلافی که با خیال دولت داشتند تعیین وکلای جدید که اغلب با لورد
پالمرستن صدر اعظم خیالشان مطابق است فرمان اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد
که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه بعد از این مخاطب به پرنس شوهر خواهد بود گفتگوی مصالحه ما بین جناب
امین الملک فرخ خان و لرد کولی سفرای کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس شورش عسکر انگلیس
در بنگاله بواسطه دخالت دولت در طریقه ملتی و مذهبی آنها این شورش با غلب نقاط هندوستان سرایت
نموده قتل و غارت زیاد بیحد و حساب نسبت باهالی انگلیس میشود در دهلی یاغیها یکی از اولاد سلاطین
کودکانه خودشان را بپادشاهی بر میدارند افواج انگلیس را در کلکته یراق چینی میکنند قشون مملکت
عود و گوالیور بدولت انگلیس میشوند در ناحیه گاونپور علی الخصوص ننه صاحب رئیس آنها کمال وحشی
گری را نسبت باهالی انگلیس مینمایند جنگ سخت یاغیها در حوالی اگره در بمبئی طایفه سیک از طوایف
هند نسبت بانگلیسها نمیشوند شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در
این جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد پادشاه دهلی که نود ساله بود در حین فرار دستگیر شده دو
پسرش اسیر و مقتول گردیده و اغلب شاهزاده های خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند تصرف
دولت انگلیس جزیره پریم را در دریای احمر ما بین عدن و مخا موافق عهدنامه که با دولت عالیه بسته شد
ایند دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله مملکت انگلیس قونسول روانه کند کشتیهای جنگی
انگلیس در این سال هشتاد و چهار فروند بوده است

ایطالیا

قشون اطریش بعد از هشت سال توقف در ایالت پارم بیرون رفتند در شهر لیورن مردم بنای شورش
دارند محرک جمیع شورشیان مازینی است مسافرت حضرت پاپ بفلورانس شروع بکندن دالان
از زیر کوه منسینی بجهت عبور راه آهن از خاک فرانسه با ایطالیا در افتتاح این کار بزرگ پادشاه
ساردن و کنت امانول و پرنس ناپلیون برادرزاده امپراطور فرانسه حضور داشتند زلزله سدید در ایالت سالرن

پرتوغال

اعلیحضرت پادشاه پرتوغال بشخصه افتتاح مجلس پارلمان میکند و این سال اول است که این پادشاه جوان خود بشخصه افتتاح مجلس میکند در کرزن پای تختهای بزرگ حصیره با نیت همراهنده جمعیت زیادی را میکشد

بلژیک

عروسی دختر اعلیحضرت پادشاه شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسیمیلین

چین

کشتیهای جنگی این دولت با وجود عدم استحکام بعد از استقامت در مقابل سفاین جنگی انگلیس و فرانسه کلی دستاپندن با آنها بالاخره شکست یافتند جزیره هوتانزاد در محاذی کانتن مامورین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و شهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای خارج شهر را متصرف شدند

دانمارک

طایفه اسکاندیناو که بیشتر اهالی سود و نروج و دانمارک از این طایفه هستند میل به اتحاد دول ثلثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سود را بجهت اینکار انتخاب نمودند وحشت پادشاه دانمارک از این فقره و نوشتجات رسمی بدربار دول فرنگ فرستادن و اظهار وحشت نمودن اجزای مجلس شورای ایالت اسلشویک وضع قانون ایالت خود را بسبک المان طالب اند و مضایقه دادن مالیات بدولت دانمارک مینمایند بهم زدن حاکم اسلشویک بحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را مطالبه مالیات از رعیت نزود دول اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند دولت روس با پادشاه دانمارک مساعد و حامی است

روس

اعلیحضرت امپراطور روس در صدد آزاد کردن رعایای روس است که نسبت بنجبا و ملاک و اربابان خود حالت عبودیت و مملوکیت داشتند شروع اینخیال بزرگ ابتدا از ایالت لیتوانی شده و تا دوازده سال تمام مقرر شد از این تاریخ بعد منقضی حال این حالت مذموم از میان اهالی روس منتزع شود برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحری دارد به بنادر نظامی دول فرنگ بسیاحت رفت علی الخصوص در تولن و شربورک بنادر جنگی و نظامی فرانسه ملاقات شاهزاده معزی الیه با اعلیحضرت پادشاه انگلستان عهدنامه تجارتی با ژاپن عروسی گراندوک میشل برادر کهتر اعلیحضرت امپراطور با شاهزاده خانم سیسیل دختر والی باد افتتاح راه آهن از پطربورشو

سوئد

پادشاه اینمملکت بواسطه سوء مزاج قدرت بسلطنت نداشته پسر خود را که ولیعهد بود بنیابت سلطنت مقرر داشت

سویس

جنگ با پروس بواسطه میانجیگری فرانسه مبدل بصلح شد جمیع دول فرنگ در مجلس گفتگوی این مصالحه که در پاریس واقع شد مامور فرستادند اعلیحضرت پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نفشاتل که متعلق بسویس است دست کشیده حتی تنخواهی را که از سویس مطالبه مینمودند از آن تنخواه هم صرف نظر نمودند عهدنامه بامضای طرفین و بامضای جمیع دول فرنگ در تابستان امسال در پاریس منعقد گردید

عثمانیه

در مصر تغییر وضع وصول مالیات سفر والی مصر بسمت سودان تعیین مخارج معین برای شخص والی والی مصر باین راضی نشد که یکدسته از علمای انگلیس و فرانسه و المان که بجهة انکشاف سرچشمه نیل بمصر آمده بودند خیالات خود را در اجرای اینعمل بانجام رسانند در تونس قتل یکنفر یهودی که بدین اسلام بی احترامی کرده بود والی قدیم ملداوی شیکا که درینوقت در پاریس بود خود را میکشد عیسویان هرزکوین و بسنی و البانی که از طرف مسلمانها با انها صدمه میرسید میشوند

بقیه مسئله شرقیه

الحاق بالت ملداوی بولگراد را واگذاشتن بدولت عثمانی جزیره ماران را و اختیار مصب رود دانوب را بقرار نگیرند بدولت عثمانی تخلیه قشون اطریش از ایالات افلاق بغدان موافق عهدنامه که موسوم بعهدنامه پاریس است حد روس و عثمانی در سمت آسیا و پای عرب خواهد بود سفیر بلژیک در دربار دولت عثمانی متهم باین شد که اهالی افلاق بغدان را محرک شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را بسلطنت خود اختیار نمایند عزل رشید پاشای صدراعظم صدارت عالی پاشا قطع مراوده ایلچیهای فرانسه و انگلیس و اطریش و روس با وزارت خارجه عثمانی بطور کدورت دول انگلیس و اطریش عهدنامه مخفی میبندند مسافرت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون فرانسه بانگلیس و ملاقات ایشان با اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر آزبون تجدید مراوده سفرای مذکوره بفاصله چهارده روز با وزارت خارجه عثمانی ملاقات اعلیحضرت ناپلیون فرانسه و اعلیحضرت امپراطور روس در اشتتگارد پای تخت مملکت وورتنبرگ در عمارت سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اطریش در وایمار

۲ مقیم

فرانسه

قتل کشیش بزرگ پاریس سیبور نام بدست یکی از کشیشهای دیگر ورژه هنگام عبادت در کلیسای سن اتین ایجاد قانون جدید نظامی صد هزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح موجود خواهد بود هر سی و پنج هزار از رعایای فرانسه حق فرستادن یک وکیل بدار الشوری دارند در لندن مازینی نام ایطالیائی محرک جمعی است که اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه را بقتل رسانند دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شد پرنس ناپلیون بسمت میانجی گری به برلن پای تخت پروس میرود آمدن برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین و آمدن پادشاه باویر بپاریس فوت جنرال کاوینیاک فجاةً دو هزار تومان دولت فرانسه باشخاصی که در الجزایر چوب پنبه بعمل آورده اند انعام داد ماموریت بیست و پنج هزار قشون برای ماکماهون بجنگ طوایف صحرانشین قبیلی امتداد سیم تلگراف بحری از مارسیل بالجزایر جمعیت فرنگی که در الجزایر است صد و شصت و هفت هزار و ششصد و هفتاد نفر قلمداد شده است در جزیره ماداگاسکر فرانسه‌ها را از پای تخت آن جزیره اخراج میکنند عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام خیال ساختن راهی از زیر دریای مانش مابین فرانسه و انگلیس فوت شاعر معروف الفرد موسه تعداد نفوس جمعیت فرانسه به هفتاد و دو کرور و سی و نه هزار سیصد و شصت و چهار نفر رسید

مکزیک

شورش سخت در بین ایالات علی الخصوص در وراکروس

ینگه دنیای جنوبی

شدت مرض تب زرد در منت ویدو

وقایع سال یازدهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله تعالی ملکه و دولته مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و چهار هجری نبویه

ئیل ترکی

در ابتدای این سال خیریت مآل کما فی السابق کلیه توجه خاطر خطیر همایون بانتظام امور کشور و لشکر و اشاعه عدل

وانضمام درمیان جمیع ملل رعایای این دولت ابد آیت تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه بنا و دایر
میشود میرزا اسمعیل خان منشی مهام خارجه استراباد باحضار بدار الخلافه شده میرزا محمد که سابق مسبوق
باین خدمت بود بجای او منصوب و باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرهنگی سرافراز
و باتفاق جعفرقلیخان حکمران استراباد روانه محل ماموریت خود گردید چون میزان سابق تبریز کوچک
بود حسب الامر میزان و سبجی با انبارهای بزرگ ساختند علیقلیخان بمنصب بیگلربیگی گری تبریز سرافراز
شد عمارت دیوانی تبریز را میرزا فضل الله وزیر نظام تعمیر مینماید قلعه خرم آباد و باغ سروستان علی آباد
که بمرور دهور خرابی بهمرسانیده بود حسب الامر مجدداً آباد و اشجار غرس نموده اند حسن خان سرکرده سواره
قرایاپاق که در تدمیر ترکمانان فیمابین خواف و غوریان و بعضی نواحی دیگر خراسان رشادت زیادی نموده بود
بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی و حمایل سفید مخصوص آن رتبه سرافراز گردید حرم مطهر
حضرت رضوی علیه السلام را حسب الامر آئینه کاری مینمایند یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از درجه
اول با حمایل آبی مصحابت میرزا جان داود خان سرتیپ مترجم اول این دولت علیه از جانب سنی الجوانب همایون
با نامه مهر علامه برای جناب ایالت نصاب کنیاز الکسندر باراتنسکی که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس
بجانشینی مملکت قفقاز و سپهسالاری قشون قفقازیه ماموریت شده اند انفاذ شده عمارات دیوانی
اصفهان خاصه میدان نقش جهان و میدان چهار حوض را حسب الامر تعمیر مینمایند در غیاب جعفرقلی خان
ایلخانی حکمران استراباد و توقف او بدار الخلافه ترکمان نواحی را خالی از قشون و کمان موقع مناسبی از
برای تاخت و تاز کرده آقا محمد سردار رئیس اینها با زیاده از چهار هزار نفر بسمت بجنورد میآیند سبحانقلیخان
نایب الحکومه و برادر ایلخانی حکمران خبر شده با سیصد و پنجاه نفر سوار و یکصد نفر شمخالچی بمقابله رفته اتفاق
با اینها جنگ انداخته ترکمان را منهزم و بسیاری از آنها مقتول میشوند
شب ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه میباشد در دار الخلافه
ناصریه و سایر بلاد ممالک محروسه جشن بزرگی برپا نموده و روز عید سعید سلام عام در دیوانخانه منعقد
کردید حاجی جابرخان حاکم محمره بمنصب جلیل میرپنجگی و پانصد تومان اضافه مواجب و خلعت همایون
سرافراز گردید راه خیابان مازندران را حسب الامر تعمیر مینمایند میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان
بیکقطعه نشان لهمایون سرافراز گردید غلامحسین خان سپهدار حکمران کرمان نیز بیکقطعه نشان
تمثال بیمثال همایون مفتخر شد علیقلیخان میرپنج بمنصب جهودانباشی گری کل عساکر نظام و غیره
برقرار آمد محمد اسمعیلخان چاپارچی باشی ملقب بمشیر الدوله شد میرزا سید محمد پسر میرزا صادق

لشکرنویس بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد در اوایل عشر دوم ربیع الاول نواب مستطاب شاهنشاهزاده امجد اعظم امیر محمد قاسم خان را ولایت عهد این دولت ابد مهد عنایت فرمودند و از شب چهاردهم تا شب هفدهم که شب عید مولود مسعود حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله میباشد در دار الخلافه باهره جشن بزرگ گرفتند تراب خان نایب اجودانباشی بمنصب سرهنگی سواره نظام مفتخر گردید یکقطعه فیروزه درشت خوب بیعدیل و نظیر از معدن فیروزه نیشابور پیدا کرده بقیمت نازلی یعنی صد و هشتاد تومان بآقا سید میرزا حاکم نیشابور فروخته و مشار الیه نیز بقوام الدوله پیشکار خراسان بهمان قیمت فروخته قوام الدوله آنرا بدربار معدلت مدار فرستاده داخل جواهر نفیسه خزانه مبارکه گردید میرزا حسنخان حاکم عراق بیکقطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی و یکرشته حمایل سرخ و سفید که مخصوص آن رتبه است سرافراز گردید یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با انضمام یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه بنواب محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند میرزا بزرگ کارپرداز دولت علیه مقیم ارزنة الروم بلقب خانی و خلعت همایون برقرار شد آقا محمد حسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم شد موسی خان پسر جناب صدر اعظم که بزیارت عتبات عالیات روانه شده در ملایر مرحوم شد بعد از مرحوم شدن آقا محمد حسن مهردار مناصب او را از مهرداری و غیره بآقا عبدالله رختدارباشی ولد آنمرحوم مرحمت فرمودند و منصب رختدارباشیگری را بآقا ابراهیم برادرزاده آنمرحوم واگذار نمودند در خوی زلزله شدیدی اتفاق افتاد چون حسینقلیخان سرهنگ فوج عجم در ماه محرم فوت شد این اوقات محمد علیخان ولد ارشد آنمرحوم بسرهنگی فوج عجم سرافراز شد میرزا علی پسر مرحوم میرزا ابو القاسم قائم مقام بمنصب استیفای دیوان همایون مفتخر گردید ریاست کل مدرسه مبارکه دار الفنون را در ماه جمادی الاولی بنواب والا اعتضاد السلطنه واگذار و نواب معظم الیه را بخلعت همایون سرافراز فرمودند میرزا عبدالله مستوفی میزان که سابقاً مامور آذربایجان بود بلقب ناظم میزان ممالک محروسه ملقب و مخلع گردید علیخان سرتیپ افواج قراگوزلو بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر گردید جعفرقلیخان ایلخانی بیگلربیگی استرآباد در تنبیه اشرار ترکمانیه و بجعفربای ترکمان مساعی جمیله نموده بیکقبضه شمشیر مکلل بالماس سرافراز شد نشان تمثال همایون که برای سید ثوینی امام مسقط فرستاده بودند حین ورود بمسقط سید ثوینی در محل صحار که از علاقه جات عمان است بوده سید محمد بن سالم که قائم مقام او در مسقط بود لوازم استقبال و تکریم را بعمل آورده بیست و یک تیر توپ شلیک کرده خود امام مسقط نیز بمجرد استماع قشونی که برای استیصال سید ترکی برادر کوچک خود جمع کرده بود در صحار و عمان گذاشته بتعجیل بمسقط آمده لوازم جشن و توقیر و احترام نشان مهرلمعان

همایون پرداخته آن بوده پیکر افتخار خود نمود و مخالفتی هم که میان معزی الیه و صبیه ترکی بود از قرار رقم
والا نواب مؤید الدوله حکمران فارس باصلاح انجامید جناب مسیو دبنشون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت
فرانسه مامور باقامت دربار دولت علیه از اول ورود بخاک ممالک محروسه از طرف آذربایجان همه جا جناب
معزی الیه را مامورین مخصوص این دولت ابد مدت چنانکه باید پذیرفته باعزاز و لوازم معموله و شرایط
مقرره وارد دار الخلافه کردند جناب مسیو قنبو شارژدافر دولت فرانسه که بیکقطعه نشان تمثال همایون
مکلل بالماس مفتخر گردیده بود بر حسب احضار دولت متبوعه خود از حضور مهر ظهور همایون مرخصی
حاصل نموده مقارن روانگی بموطن خود نیز بیکقطعه نشان از درجه اول اعاجم با حمایل سبز و یکطاقه شال رضائی
دست اعلی بمعزی الیه مرحمت فرمودند چند قبضه تفنگ سربازی سبک که در قورخانه دار و بسیار خوب کار جبه خانه
اصفهان بدار الخلافه آورده مقرر شد عجالة هشتصد قبضه از این تفنگ بسازند در درشت اجناس
تسعیری داده میرزا عبدالوهاب خان شیرازی (جناب نصیر الدوله) بخلعت همایون سرافراز و داخل در
دیوان وزارت امور خارجه گردید میرزا عبدالله مستوفی ناظر گمرک چون حسب الامر روانه آذربایجان گردید
میرزا سعید دهی که مشغول سررشته داری گمرکخانه های ممالک محروسه باو مفوض بود بنیابت معزی الیه
برقرار گردیدند رکن الدین میرزا امیر توپخانه در ماه رجب مرحوم شد
در این اوقات بر حسب اشاره علیه حکمی نظامی جناب صدر اعظم بجهة تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل
نظام مرقوم نموده صدر آن موشح بدستخط جهانمطاع همایون گردید و صورت آن حکم نظامی از قرار ذیل است

جناب میرزا عبدالوهاب خان نصیر الدوله که از بزرگ تجار ممالک ... بود برقرار و مستقل ... پدر او از بزرگ تجارکان فارس هستند گذاران این دو با معید ... ملتها و همواره در مدت ... ثروتهای کامله بوده در اکثر مقامات و شئونات عالیه میباشند

چون منظور نظر اکسیر اثر و مکنون ضمیر منیر مرحمت تخمیر سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه
عالمیان پناه روح العالمین فداه تنظیم لشکر و تربیت کافه نوکر است تا هر یک از طبقات نوکر را حدی و مقدار
باشد و بدان رسم و سلوک رفتار نمایند و ارباب قلم را از اصحاب سیف امتیاز باشد و کافه لشکر از حیثیت
لباس و اساس از دیگران ممتاز آیند و نظر باینکه این البسه متداوله ایران خاصه کلاه های بلند از صلابت
و سطوت و مهابتی که خاصه لشکریان است دور و بلطافت و نظافت که مخصوص اصحاب طاق و رواق است
نزدیکتر بود و برای شئون و ارباب مناصب ملبس باین لباس مناسب نبود و تاسیس این اساس و مزید از مراقبت
میمنت مآل اینکه مایه تفرقه خواص و ضبط ایشان بود بدین هیئت که باید خواص ارباب مناصب جمع تنظیم سپاه
باشند برین منوال تقطیع کلیجه و کلاه لهذا امر و مقرر فرمودند که غازیان عساکر منصوره از ملتزمین رکاب ظفر
انتساب همایون و مامورین و متوقفین ممالک محروسه از ارباب مناصب و تابین از این پس قرار کلاه و لباس نوکر و سپاهی بعد از این

خود را

خود را ازین قرار بگذارند و اندازه کار و اخراجات خود را مرعی دارند بموجب همین حکم نظامی که بر حسب امر قدر قدر مرقوم شده است

قرار لباس غازیان مفصله

آقایان قاجار و خوانین قاجار اهالی کتابخانه عموماً از غلام پیشخدمت و غلام و غیره

نسقچیان و چارچیان و یساول و عمله حضور فراشان و چاپاران و عمله اصطبل

عساکر منصوره از امیران و میران پنجه و سرتیپان و سرهنگان و صاحب منصبان و سرکردگان از توپخانه و زنبورکخانه و قورخانه و سرباز و سوار عموماً از نظام و غیر نظام و معلمین و متعلمین مدرسه دار الفنون و نایبان اجودانباشی و غیره

کلاه جمیع اشخاص مفصله فوق باید دو رویه باشد مثل کلاه خراسانی از صاحب منصبان و رؤسا از دو تومان و پنج هزار دینار زیادتر قیمت نداشته باشد کمتر را مختارند از تابین و احاد افراد از دو تومان باشد الی سه هزار دینار

کلیجه زمستانی و بهاری کلاً باید ابره آنها غیر از برک و ماهوت چیز دیگر نباشد بکلی کلیجه ترمه کشمیری و کرمانی را موقوف داده‌اند تابین کلیجه قدک و لنگه بپوشند لاغیر

قبای صاحب منصبان و رؤسا دارائی و صوف یزدی و قدک در تابستان و در زمستان ماهوت و برک باشد لاغیر از تابین عموماً قدک باشد مگر ملبوس نظامی ماهوت که از دیوان اعلی داده میشود

قرار چادر نوکر

چادر پوش از میر پنجه بپائین کسی نباید در اردو بردارد امیر تومان و میر پنجه با کسی که در سلک شمشیر بند شان میر پنجگی داشته باشد مختار است سرتیپان چادر بی پوش سرتیپی مثال ابره چیت یا قلمکار یا دارائی هر چه بکنند مختار است لکن پوش نباید داشته باشد و سرهنگ هم چادر سرهنگی بکسر طبل میانش و ابره هر چه بکند مختار است این در صورتیست که سرتیپ و سرهنگ همراه اردوئی سفر کنند که تابع ان اردو باشند لکن اگر سرتیپ اردوئی اردو کنند یا قشونی باو بسپارند و بجائی مامور کنند که یکنفر از ان در آن اردو و قشون نباشد در آن صورت از دیوان اعلی چادر پوش باو داده خواهد شد که بعد از مراجعت از سفر بچادرخانه مبارکه پس بدهد امیر تومان و میر پنجه در برداشتن چادر پوش مختارند خواه با اردوی بزرگ یا منفرد باشند سرتیپها میتوانند در روی چادر بکسر طبل خود شان پوش کوچکی بی هنگ و بچه عرقچین طور علاوه نمایند که تمیز میانه سرهنگ و سرتیپ داده باشد و هم حفظ باران و سرما کند و اگر هم نگذارند مجبور نخواهند بود

از امیران تومان و میران پنجه و سرتیپان و سرهنگان و صاحب منصبان قرار قراول انها این است که هریك بقدر فوجی که ابواجمعی دارند از هر فوجی دو نفر اردل داشته باشند مثلا سرتیپ دو فوج دارد چهار نفر اردل داشته باشد و سرتیپ یکفوج دو نفر علی هذا زیاده از این اردل در جلو خود نبندازند و نوکرهم در شهر در کوچه و بازار و غیره زیاده از قرار تفصیل ذیل همراه خود نبرند

امیر تومان	میر پنجه	سرتیپ	سرهنگ	یاور
هشت نفر	شش نفر	پنج نفر	چهار نفر	دو نفر

نایب اجودان باشی از مرتبه اول و دوم و سیم مثل سرتیپ و سرهنگ و یاور است زیاده از این نباید نوکر همراه خود برداند و سایر نوکران شمشیربند هم از بنقرار موافق شان هریك از درجات که هستند میتوانند با خود برداند زیاده از این برندارند مجبور اند لاکن در کثرت مختارند

قرار مفصله مزبوره فوق از حال تحریر الی غایت مدت یکماه در جمیع ممالك محروسه معمول و مجری دارند و دقیقه از دقایق انها را مهمل و متروك نگذارند عالیجاه مقرب الخاقان امیر الامراء العظام عباسقلیخان سیف الملك میر پنجه مینا به حسب الامر تا مدت یکماه این خدمت را انجام داده قرار لباس و چادر و نوکر هرکس از چاکران دربار همایون برنهج مقرر گذارد و صورت این حکم محکم را مقرب الخاقان سیف الملك بجمیع ولایات وارد و حاکرقشون جمع هستند و جمیع سرحدات بتوسط و مصاحب چاپار بفرستد و التزام عدم تخلف این حکم محکم را بیاورند و محتسبین دار الخلافه و سایر ممالك محروسه مامورند که هریك از بنقرار تخلف و تجاوز نماید معروض دارند تا بمعرض مواخذه و عتاب درآید و اگر آن مقرب الخاقان نیز در اجرای احکام مرقومه تعلل و تسامح نماید مورد مواخذه و عقوبت قهرمانی خواهد بود تحریرا

فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۷۴

نواب والا احتشام السلطنه حکمران خراسان با قشون ظفر نمون در سه فرسخی مرو و مفسدین ترکمانان سرخس و مرو که سابقا منشا شرارت بودند تنبیه شدند و در راه دوستی و منادی هستند

شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از شب گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده مجلس تحویل با شکوهی تمام در دربار همایون منعقد گردید و فردا سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت

شب پانزدهم شعبان که شب عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه میباشد و

این عید سابقاً معمول نبود و سال گذشته بامر همایون دایر گردید جشن بزرگی در دار الخلافه گرفتند
محمد رضا بیگ یاور اول توپخانه پسر مرحوم ذبیل بیگ یاور افشار که در جنگ هرات بصدمه گلوله توپ مقتول
گردید نظر بحقوق او و لیاقت محمد رضا بیگ معزی الیه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز شد
نواب والا حشمة الدوله حکمران اصفهان را احضار بدربار همایون نموده عیسی خان والی را بحکمرانی
اصفهان مامور و سرافراز نمودند نواب والا نصرة الدوله را بحکمرانی عراق مفتخر فرمودند میرزا
ذو الفقار خان مستوفی حاکم قم بیک قطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی بانضمام حمایل سرخ و سفید
این رتبه سرافراز گردید و میرزا ابو القاسم خان ولد معزی الیه بانشاء دیوان اعلی برقرار شد
اختیار حکومت خلخال و شاطرانلو را بمیرزا فضل الله وزیر نظام مرحمت فرمودند میرزا هاشم خان
حاکم سابق خلخال بحکومت سراب و گرمرود و شقاقی برقرار آمد مکتب خانه اطفال ارامنه تبریز باهتمام
میرزا عباس منشی رونقی داده و شاگردان آن مدرسه که مشغول تحصیل زبان فرانسه و فارسی و عربی و
جغرافی وغیره میباشند ترقی نموده اند سیل شدیدی در قزوین آمده و قدری خرابی کرده است
نواب والا اعتماد الدوله حکمران کرمانشاهان که احضار بدربار معدلت مدار گردیده بودند این اوقات مرخص
شده بمحل حکمرانی خود معاودت مینمایند باعطای یک قطعه کل کمر مکلل بالماس مفتخر گردیدند و برای
هر یک از آقایان و اعاظم کرمانشاه خلاع ثمینه مرحمت شد نظم عمل چاپارخانه های ممالک محروسه را بمحمد خان
سرتیپ محول فرمودند چند عراده توپ که در سنه ماضیه ریخته بودند آجودانباشی و فضلان آقای
میرپنجه توپخانه مبارکه آنهارا امتحان نموده نهایت خوب و بی عیب بودند سیل شدیدی در اردبیل
جاری شده بعلاوه از چاههای خانه ها آب در فوران آمده و روان گردیده

نمونه از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله زار باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه و مراقبت
مسیو کرشیش معلم توپخانه که متصدی بنای تلگراف در دار الخلافه بوده بمترجمی میرزا زکی باتمام رسانیدند
لهذا معلم مشار الیه بیک رشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید حسینقلی خان
بختیاری بیک ثوب جبه ترمه و یک قبضه شمشیر با غلاف طلا مفتخر گردید شیخ سلطان حاکم رامهرمز
که بدربار همایون آمده بود نیز مخلع گردید روز بیست و دویم شعبان حسینعلی خان معیر الممالک
داعی حق را لبیک اجابت گفته منصب خزانه داری و معیر الممالکی را که از جمله مهام دولتی است به
دوستعلی خان ولد آنمرحوم مرحمت فرمودند امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ حاکم سنقر و کلیایی
بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص این منصب سرافراز شد باقرخان

سرهنگ تنکستانی بخلعت همایون وحسن خان ولد او بیک قبضه شمشیر با غلاف طلا مفتخر گردیدند

چون مناصب مرحوم آقا محمد حسن صندوقدار از قبیل صندوقداری و مهرداری و رخت داری و تفنگ دار باشیگری و ریش سفیدی عمله خلوت و سیدکی امور جواهرخانه و زرگرخانه را برآقا عبد الله ولد آنمرحوم مفوض فرمودند مشار الیه را باسم پدر او آقا محمد حسن نامیدند اشرار تراکمه سرخس کردم از خودسری میزدند نواب والاحشام السلطنه حکمران خراسان باعساکر نصرت نشان مامور تنبیه آنها شد چون از توجه نواب معظم الیه باخبر شده سرخس را خالی و بمرو رفته حصاری کرده بودند نواب والا آنها را تعاقب و در مرو محصور کرده چندی بحصانت حصار و سورت سرما و قلت آذوقه قشون ظفر نمون استظهاری داشتند آخر الامر مایوس شده از در استیمان درآمدند و امان یافتند و نواب والا حشام السلطنه حکمران خراسان بعد از نجح مرام بمقر حکمرانی خود معاودت کردند نواب والا رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان بیک قطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی و یکرشته حمایل سبز و قرمز که مخصوص این درجه است و بیکهزار تومان اضافه مواجب سرافراز شدند میرزا فضل الله وزیر نظام وزیر آذربایجان نیز بیک قطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی و یکرشته حمایل سبز و قرمز و یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مفتخر گردیده از رکاب اعلی مرخص و معاودت بآذربایجان نمود میرزا مصطفی قلی مستوفی دیوان و پیشکار محاسبات آذربایجان بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل قرمز و خلعت همایون نایل گردید صنف خباز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند میرزا فضل الله نایب ایشیک آقاسی باشی بمنصب بیگلربیکی تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت میرزا نصیر کدخدا باشی سابق تبریز بمنصب مستوفی گری آذربایجان برقرار شد میرزا ذوالفقار خان حاکم قم و ساوه بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه سرافراز شد صبوکوشی معلم و سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی نایل گردید دو دسته سواره ترکمانیه تکه و قاری قلعه که یکدسته آنها ششصد نفر بوده بتاخت بعضی نواحی خراسان آمده محمد رحیم خان آنها را مخذول و متفرق نمود

روز یکشنبه غره ذیقعدة الحرام چون هوای شهر دار الخلافه گرم شده موکب همایون تشریف فرما بییلاق نیاوران گردیدند مجدداً ششصد نفر از تراکمه عزم تاخت و تاز بعضی محالات خراسان داشتند در چشمه کیلک سواره سردار شاه دولتخان و سواره شاهسون و چهارصد نفر از فوج فوج دویم مقدم و چهارصد نفر از فوج طهران آنها را کاملا تادیب و متفرق نمودند میرزا محمد علی باشی

امور خارجه گیلان بیک قطعه نشان از درجه دویم سرهنگی وخلعت همایون سرافراز شد روز سه شنبه هجدهم ذیقعدة الحرام طاهر روح نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان ولیعهد دولت علیه پرواز بخلد برین نموده در زاویه سقدسه حضرت امامزاده عبد العظیم علیه السلام بقعه مخصوص برای ضجیع آن کوهر تابناک اختیار شد وانرا بعدها بنا ساختند ودر اندک وقتی با نواع تزیینات مزین کردند جناب فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه که بسفارت کبری بدربار دول دو یاد فته بودند باسلامبول مراجعت کرده چندی بسمت سفارت کبری در ین پای تخت خواهند بود موکب همایون درین اوقات تشریف فرمای دود بار وشمیرستانات کردیده یک راس اسب عربی خاصه با یراق مرصع مکلل بجواهر بجناب صدر اعظم مرحمت فرمودند حاجی حسین خان بروجردی بنیابت اول ایشیک اقاسی باشی کری وخلعت همایون سرافراز شد

وقایع وسوانحی که در این سال در تمام کره ارض واقطار عالم اتفاق افتاده
اتازونی ینکی دنیا

اختراع وضع تلکراف جدید بتوسط دکتر مرس از اهل اتازونی که باسم همان شخص این تلکراف الحال موسوم است دولت انکلیس چهل هزار تومان حق السعی وانعام باین شخص میدهد

اسپانیا

اختلاف آرا ما بین وزرا اعلیحضرت پادشاه انکلستان باکمال سختی با دولت اسپانیا در خرید وفروش سیاهان کفتکو دارد افتتاح راه آهن از مادرید به الیکانت

افریقا

در شمال دماغه امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنک علی الخصوص هلاندیها در سواحل رودخانه ترانس وال سکنا کرفتند وبیست ودو سال بود دولت انکلیس لاینقطع با آنها در منازعه بود بلکه آنها را جزء دماغهای خود که در افریقا دارد نماید ممکن نشد تا درین سال دولت انکلیس این جمهوری مختصر را شناخت بجمهوری ترانس وال بسهف نام هلاندی بانتخاب عامه اهالی ترانس وال مدت هفت سال بریاست با تفاق

المان

فوت مارشال رادتسکی قرض دولت اطریش درینسال معادل هزار ودویست کرور تومان پول ایرانست تولد پسری از امپراطور اطریش در میلان ایطالیا متصرفی دولت اطریش اهالی بنای شورش کذاشتند اشکال سلطنت اعلیحضرت ویکتر امانوئل پادشاه ساردن را طالب اند پسر اعلیحضرت پادشاه پروس دختر بزرک اعلیحضرت

اعلیحضرت پادشاه انگلیس را بازدواج خود درآورد افتتاح راه آهن از کیبیر پولت شمس پرده من البهرنید
دویم پرنس گیوم برادر اعلیحضرت پادشاه پروس مستقلا بدون تردید بلدیه تعیین وقتیکه
سلطنت بواسطه سوء مزاج اعلیحضرت پادشاه که برادر پرنس است با نیابت برقرار شد

انگلیس

عزل وزراء ویگ و نصب وزرای طایفه توری بریاست لرد دربی پادشاه اود که وجد علی را انگلیس عیسائی بجزیره آندمان سفر میکنند حکومت در فرمانفرمائی هندوستان که تا آن زمان بتصرف کمپانی بوده به اختیار دولت لرد پالمرستن در اواخر صدارت و لرد دربی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف بدولت میکنند که این وضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را یکی از ایالات معتبره سلطنت انگلیس تصور نمایند و بیک وزیری بسمت وزارت هند و دسته وزرا مقرر شود سر کالین با مداد راجه نیپال با پنجاه هزار قشون شهر لکهنوی هندوستان را بتصرف در آورد و بیست و پنج هزار از یاغیها بسمت نیپال فرار کردند بجهت فتوحات نمایان کالین سپهسالاری هند و لقب لرد کلید ی از طرف دولت انگلیس باو داده میشود لرد استنلی کاننگ که از طرف کمپانی حکومت هند داشت بسمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شد در جزیره نول کالدونی متعلق بانگلیس معادن طلای خیلی با مکنت منکشف شد مجلس لردها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه یهود در مجلس پارلمنت بسمت وکالت و عضویت حضور بهم رسانند روچیلد صراف معروف یهودی در مجلس قبول شد دیو نام از اهالی آلمان ایجاد روزنامه تلگرافی عمومی نمود

ایطالیا

کاوور صدر اعظم ساردنی (ایطالیا) مصر براین است که باید با فرانسه اتحادی داشت

برزیل

ابتدای راه آهن جدیدی موسوم براه دن پدر

پرتوغال

ازدواج اعلیحضرت پادشاه با یکی از شاهزاده خانمهای پروس

بلژیک

دولت در صدد ساختن قلعه محکمی در بندر آنورس برآمد

چین

حاکم ایالت کانتن یه نام و سپهسالار چین از طایفه تاتار بدست عساکر انگلیس محبوس گردید حاکم
مزبور که بکلکته بحبس فرستاده میشود معترف باین است که درین چهار سال که از طرف دولت چین مامور
بحکومت اینولایت است شصت هزار نفر ادم از یاغیها را بقتل رسانیده است مامورین فرانسه و انگلیس
بامید اینکه بلکه بتوانند با دربار پکن گفتگو نمایند تا کیانگ سو میروند گفتگوی در مصالحه بیفایده بعد از
ناامیدی از مصالحه عساکر فرانسه و انگلیس در خلیج پت شلی وارد میشوند درین خلیج رودخانه پیهو که
یک شعبه اش از میان شهر پکن پای تخت میگذرد چینیها در ساحل این خلیج و دهنه این
رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم دارند بعضی از قلعه جات انها را که صد و سی و هشت توپ بزرگ
داشتند عساکر متفقه گرفتند دهنه رودخانه بدست آمده بالا رفته شهر تین سین را متصرف
شدند مامور روس در تین سین عهدنامه دوستی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را
از برای سفاین روس باز و آزاد دانسته در سمت رود آمور تقریبا پانصد میل مسافت از سرحد سیبریه ضمیمه
مملکت روس شد بعد عهدنامه دوستی چینیها در تین سین با فرانسه و انگلیس بستند سفرای انگلیس
و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود ده کرور تومان پول ایران
خسارت دولت چین بدولت انگلیس خواهد داد و سه کرور پول ایران بفرانسه مسافرین و سیاحان فرنگ
و چین ازاد خواهند بود که در تمام ممالک چین گردش کنند مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم خواهد
بود تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود

روس

انعقاد مجلسی بحکم اعلیحضرت امپراطور بجهة ازاد نمودن رعایا در مملکت روس بجهة تعداد امده صد و ده
هزار ارباب است از یکصد هزار و چهارصد نفر از هزار الی ده هزار رعیت دارند که این رعایا بمنزله
مملوک هستند و خرید و فروش میشوند و فی الواقع اعلیحضرت امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل
و یک کرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود ازاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک بحکم امپراطور ازاد شدند

ژاپن

عهدنامه تجارتی با المانی و انگلیس و روس و فرانسه

سوئد

بواسطه باران سختی قسمت عمده از پای تخت میسوزد

سوئیس

افتتاح راه آهن از ژنو به نوآن

عثمانی

خیال اتحاد ایالتین والاشی و ملداوی (افلاق بغدان) در تحت یک حکومت چون از برای اقتدار روس درین نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود با نواسطه با ذا بین روس و عثمانی نزدیک ترک مراوده شد لهذا مجلس شورای مجددی در پاریس از مامورین جمیع دول منعقد گردید بعضی قرارهای جدید بکار در عمل اتحاد افلاق بغدان و قراداغ عثمانی و بعضی جاها گذاشته شد سرهانری بلور بسفارت انگلیس در دربار عثمانی بجای لورد ریکلیف برقرار شد فوت رشید پاشا فجاةً شورش سخت در ایالت هرزگوین و منتنگرو در بسنی فتوحات عمر پاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد بادیدن باران سخت در شامات و خرابی رسانیدن در جزیره کاندی جهت زیادی مالیات اهالی شوریدند مسلمانها عیسویها زیاد در این جزیره بقتل رسانیدند در بندر جده فرنگی زیاد بقتل رسید من جمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس بضرب گلوله نارنجک خرابی زیادی بجده وارد میاوردند دولت عثمانی جمعی را بجهت تحقیق اینفقره مامور بجده نموده ده نفر از مقصرین که محرک مردم بودند درین تنزل و نهب بدست آورده میکشند ایجاد مجلس وکلای ملت در بلگراد و سروستان وکلای ملت این ایالت عزل قادارژ از ش ژوبش را طالب اند که از طرف دولت عثمانی والی بوده وابرنوبچ ولیعهد مصر احمد پاشا پسر ابرهیم پاشا در نیل غرق شده هلاک میگردد در تونس ایجاد بک بانک ایجاد اول راه اهن در خاک عثمانی از ازمیر بر آیدن

نصب

فرانسه

جمعی از اهالی ایطالیا که رئیس ایشان ارسینی نام بود قصد قتل اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه کردند و شبی در مدخل تماشاخانه بزرک سه نارنجک بسمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول و با امپراطور نیز جزئی زخمی وارد امد و تفصیل این سانحه ازینقرار است ارسینی که شخص مؤسس این فتنه بود بلیت و هفت سال تمام بود که در جمیع انقلابات و حوادث عمده که در ایطالیا روی میداد داخل بود در بن او اخراو را اخراج بلد نموده بانگلیس فرستاده بودند و او با سه نفر همدست از راه بلجیک بقصد قتل امپراطور بخاک ورود کرد نارنجکی اختراع کرده بود از آهن بزمین که میزدند اجزائی که پنجاه مرتبه حدتش زیادتر از باروط است بهمان خوردن نارنجک بزمین مشتعل شده نارنجک را ترکانده پارچه های او را باطراف متفرق میکرد شبی که مرتکب اینعمل میشده صبح آن سه نفر

فرانسه

کهباو

که با او آمده بودند خواسته آنها اظهار داشت که امشب ناپلیون بتماشاخانه خواهد رفت و کار او را باید ساخت بدست هر یک از آن سه نفر یک نارنجک و خود دو نارنجک برداشت مقارن غروب با [illegible] براه افتادند دو ساعت از شب رفته که کالسکه‌های درباری رسیدند در کالسکه اول بعضی صاحب‌منصبان بودند و گذشتند در کالسکه دوم اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس نشسته بودند همینکه بمحاذی ایشان رسیدند نارنجک را بزمین زد و بصورت اعلیحضرت امپراطور چنانکه مذکور شد زخمی رسید و خود ارسینی که نارنجک انداخته بود زخمی شد دو نفر از آن چهار نفر بدست آمدند و دو نفر دیگر فرار اگرفتار شدند بعد از آنکه تحقیقات بعمل آمد حکم قتل این چهار نفر صادر شد شبی که صبحش ارسینی را میبایست سیاست کنند عریضه باعلیحضرت ناپلیون نوشت که وطن من که ایطالیا است بعد ترین وضعها گرفتار است مگر اعلیحضرت شما همتی بکنید و دولت ایطالیا را دولتی بسازید موافق فرمان اعلیحضرت امپراطور ناپلیون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نیابت سلطنت با امپراطریس خواهد بود جنرال شانگارنیه و جنرال بدو که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجازه یافتند که وارد شوند سفارت کبرای دولت [illegible] بانگلیس از برای زینت شهر پاریس در ظرف ده سال دولت مقرر داشت سی و شش کرور تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرور دولت کمک خواهد کرد ما بقی را اهل شهر فوت مادر کنت دوپاریس نوه لوی فیلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انگلیس وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در خارج از مملکت فرانسه مالک است به پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور مقرر شد حکومت جنرال ماکماهون بر الجزایر مملکت سیام قبول قونسول فرانسه نمودند جزئی کدورتی با دولت پرتغال ترضیه خواستن دولت پرتغال و عفو دولت فرانسه بجهت حفر مجمع البحرین سوئز کمپانی این عمل در پاریس افتتاح استقراض کرد آمدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان بشربورغ بر بندر فرانسه و ملاقات نمودن با اعلیحضرت امپراطور فرانسه فوت راشل بازیگر معروف

ینگی دنیای جنوبی

شورش سختی در جمهوری پرو و دفع آن

ینگی دنیای شمالی

بعد از دو مرتبه تلاش بیهوده در مرتبه ثالثه مابین والانتیا شهر ایرلند انگلیس و سنت ژان شهر ینگی دنیا امتداد سیم تلگراف بحری شد اول مخابره تلگرافی تهنیت مابین رئیس جمهوری اتازونی و اعلیحضرت پادشاه انگلستان بود وقتیکه در ساعت شهر والانتیا دو ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود

انگلیس — در شهر سنت ژان ظهور اختلاف فوق باین قدر اما بزودی این سهم بحری پاره و قطع مراوده ما بین پروس و ینگی دنیا کرده‌اند

یونان

ایجاد موزه در آتن پای تخت این دولت بروز زلزله در آتیک خرابی شهر کرنت بواسطهٔ زلزله
جزیره کورفو را دولت انگلیس مایل بتصرف است لیکن اهالی جزیره زیاد ترمیل دارند که جزو یونان باشند

شرح سال دوازدهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه
خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و دولته مطابق
سنه هزار و دویست و هفتاد و پنج
یونت ائیل ترکی

در این سال خیر مآل ذات ملکوتی صفات اقدس اعلی بنفس نفیس مبارک غور و تعمق در کلیهٔ امور دولتی و توفیه اعاده و انتزاع خدم و حشم و جمیع طوایف و ملل که رعایای این دولت جاوید شوکت‌اند میفرمایند تعزیه خوانی دولتی در تکیهٔ مبارکه بنا و دوان بر پا است متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون را در مدت یکماه امتحانی بدقت نموده شاگردان خوب ترقی کرده‌اند جناب مسیو انیچکوف که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بسمت ایلچیگری و وزیر مختاری مامور بدربار معدلت مدار همایون بودند از اول ورود بخاک ایران جمیع شرایط پذیرائی و اعزاز و مهمانداری و استقبال و احترامات معموله درباره سفرای مختار دول بزرگ درباره معزی الیه بوجه اکمل بعمل آمده روز یازدهم محرم وارد دار الخلافه باهره گردیدند و روز چهاردهم محرم از قریه زرکنده که منزل ییلاقی سفرای مختار دولت روس است دعوت بحضور با سرور مبارک شده در قصر نیاوران تشرف جستند و مورد عواطف مخصوصه گردیده بتبلیغ نامه مودت ختامه اعلیحضرت امپراطور روس را نمودند میرزا ذکی معلم توپخانه که بمنصب یاوری توپخانه سرافراز بود در امتحان اخیر مدرسه مبارکه دار الفنون بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر گشت بتاریخ شنبه بیستم شهر محرم الحرام دستخط جهان مطاع مبارک خطاب بجناب صدر اعظم شرف صدور یافت و با وجود صورت آن دستخط مبارک حاجت بتفصیل و نگارش نیست

سواد دستخط مبارک



جناب مستطاب اشرف ارفع افخم اعتماد الدوله صدر اعظم دولت علیه

میرزا اقا خان نوری

سواد دستخطهای مطاع

جناب صدراعظم چون شما جمیع امورات دولتی را بعهده خود که شخص واحد بوده بلاشریک وسهیم خود قرار نمیداده‌اید معلوم شد قوه یک شخص شما از جمیع خدمات ما برنیامد و در این بین خبطها و خطاها اتفاق افتاد و کم کم امورات دولت معوق ماند و شما البته در دولتخواهی راضی نمیشوید که ما در این حالت مجبور باشیم و امورات را غیر منتظم ملاحظه فرمائیم لهذا امروز که روز بیستم محرم الحرام است شما را از منصب صدارت و نظام الملک و زیر لشکر را از مناصب خود معزول فرمودیم در خانه خود آسوده باش در نهایت اطمینان و امنیت از جانب ما یقینا بجز التفات در حق شما ها ابدا کاری نخواهیم کرد التفاتهای زبانی و اطمینان ما هم آنچه لازم بود و مکنون قلب ما بحاجب الدوله فرمودیم که بشما بگوید

عهده

سنه ۱۲۷۵

چون رای صواب نمای همایون چنین اقتضا فرمود که مشاغل و مهام عظیمه دولتی مثل سابق راجع بفرد و شخص واحد نباشد لهذا محض نظم و انتظام و امکان رسیدگی تام و تمام بامور مملکتی و توجه از عموم اهالی ممالک محروسه مهام و مشاغل را تجزیه نموده شش وزارت خانه حسب الامر الاقدس الاعلی ترتیب یافت اول وزارت داخله دویم وزارت خارجه سیم وزارت جنگ چهارم وزارت مالیه پنجم وزارت عدلیه ششم وزارت وظایف و اسامی و اشخاص وزرا و حدود و تکالیف و القاب هریک از قرار ذیل است جناب میرزا محمد صادق قایم مقام ملقب بامین الدوله شده بوزارت داخله سرافراز شدند وزارت خارجه کماکان بعهده کفایت جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان است جناب میرزا محمد خان کشیکچی باشی بلقب جلیل سپهسالاری و وزارت جنگ مفتخر گردید وزارت مالیه بعهده کفایت جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک مفوض آمد جناب عباسقلیخان والی جوانشیر ملقب بمعتمد الدوله شده وزارت عدلیه بعهده کفایت ایشان محول گشت وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه تعلق بمیرزا فضل الله نصیر الملک یافت و میرزا عنایت الله امین لشکر کماکان مشغول ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود و وزرای عظام مزبوره هریک در کارهای مخصوص خود کمال استقلال را دارند و اگر مهمی از مهام دولت پیش آید کل وزرا و امنا با هم شوری نموده گفتگو در مصالح آن امر نمایند و در همه حال امضای کل امور با نفس نفیس مبارک است و بدون استیذان و اجازه از جانب مستغنی الجوانب همایون حکمی نفاذ نمییابد

وچون حاجب الدوله والده مؤلف را از مناصب و خدمات خود معزول فرمودند حاجی محمد خان پیشخدمت

خاصه را

خاصه داروز بیست و سیم محرم بلقب حاجب الدولکی و منصب فراشباشیکری سرافراز و ساپرخدماتی که بر عهده والد بود تفویض بمعزی الیه شد چاپارخانه‌های خوی و عرض راه را تعمیر میکنند منصب ریاست مجلس شورای را بمیرزا جعفرخان مشیرالدوله مرحمت فرموده دستخط مبارک در اینباب شرف صدور یافت و صورت آن از قرار ذیل است

صورت دستخط مبارک

چون مشیرالدوله را در صداقت و دولتخواهی بارها ازمایش فرموده ایم و کمال وثوق و اعتماد بکفایت و کاردانی او داریم و او را خیرخواه و مخلص میدانیم علی هذا ریاست شورای دولت را که از امورات معظمه است بعهده کفایت او محول میفرمائیم که در این امر روز بروز صداقت و دولتخواهی و غیرت خود را بعرصه ظهور رساند و بدان واسطه التفات و مرحمت ما را در حق خود بیفزاید ششم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۵

حساب یزد و بروجرد نیز بر عهده میرزا رفیع مستوفی برقرار و مقرر شد که با شال و کلاه بعد از این بسلام مشرف شود یحیی خان (جناب معتمدالملک) که آباً عن جدٍ بخدمات جلیله این دولت مفتخر و سرافراز بوده بمنصب اجودان مخصوص و مترجمی حضور باهرالنور و خلعت همایون سرافراز گردید در شب ششم شهر صفر که شب عید مولود مسعود همایون میباشد در دارالخلافه باهره و سایر بلاد ممالک محروسه جشن گرفته روز عید سلام عام در قصر نیاوران اتفاق افتاد محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلیخان یاور توپخانه و میرزا فتح‌الله پسر نصیرالملک و عسکرخان برادر صاحب جمع بجهة گرفتن کوه دماوند رفته از آب گرم لاریجان بکروز اول طلوع آفتاب روانه کوه دماوند شده در کمال صعوبت تا سه ساعت بغروب مانده قریب دو فرسخ بالا رفته در روی سنگی که مشهور ببارگاه است و فی الجمله وسعتی دارد توقف نموده شب را در آنجا بسر بردند و پهلوی آن سنگ بخار ابی بقدر سه چهار سنگ جاری بود یکساعت بغروب مانده بخار بان عظمت منجمد گردید و چون از این معنی غفلت داشتند شب را بی آب گذرانیده با کداخته برف و یخ سرکردند و باد شدید که هبوز ید مانع طبخ و تحصیل روشنائی بود فردا اول طلوع فجر بسمت مقصد حرکت کرده بعد از طی نیم فرسخ با اول برف رسید از آنمکان بقدر یکفرسخ بالا رفته بجائی که مشهور به بند حکیم صاحب است رسیده و این بند باسم حکیم صاحب از آنجهة معروف شده است که چهار سال قبل یکی از حکمای فرنگ بعزم سیاحت بآنمکان رفته و از آنجا تجاوز نتوانسته است بنا بر این در آنجا دو سه نفر از بلدهای همراه بدحال شده نتوانستند دیگر

ارتفاع

مجمع وزرائیکه بعد از عزل مرحوم میرزا آقاخان اعتمادالدوله



جناب مستطاب اجل آقای میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله و مالیه که الحال
نیز بهمین منصب مفتخر هستند



نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم و معارف که الحال
نیز بهمین منصب مفتخر هستند



مرحوم میرزا فرخ خان امین الدوله وزیر حضور همایون و وزیر مختار و ایلچی کبیر سابق
دولت علیه



مرحوم میرزا جعفر خان مشیر الدوله رئیس دار الشورای کبری و وزیر مختار و ایلچی
کبیر سابق دولت علیه

صدر اعظمی و مستوفی شدن شخص واحد و اشتغال بمهام دولت برقرار شد



مرحوم میرزا محمد خان قاجار سپهسالار اعظم وزیر جنگ که بعد منصب صدارت عظمی برقرار شد



جناب جلالتمآب میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه سابق که الحال متولی باشی حضرت رضوی علیه السلام



مرحوم میرزا صادق نایب مقام که چندی ملقب بامین الدوله برقرار شد



مرحوم معتمد الدوله عباسقلیخان جوانشیر وزیر عدلیه عظمی

ابوتراب غفاری

مراجعت کنند ازینجا بامداد هفت نفر دیگر همچنو بود مسافتی طی کرده بمکان مشهور به باماشی بند رسیده درجه ارتفاع این محل را که تعیین کردند پنجهزار و چهارصد و شصت ذرع مرتفع تر از سطح شهر طهران یافتند ازباماشی بند بقدر هزار قدم باستراحت بالا رفته باول دود کوه میرسد و در آنجا تپه مانند جائی است وبخار و قبقی متصاعد است و ارتفاع آن بقدر سیصد قدم میباشد و از آن حد با الا معدن گوگرد است ودر اخر دود کوه زاغه ایست کم وسعت بقدر سه قدم گود وبفاصله صد قدم دورتر زاغه دیگری هست از زاغه اول بزرگتر و از هر دو بخار متصاعد است پشت زاغه دوم گودالیست حوض مانند که از اطراف آن برف آب شده درمیان آنحوض جمع میشود و آبش ترش مزه وقدری گوگرد نیز دارد و درمیان آن آب کرمهای سفید نازک هم میرسد و بالای کوه جائیست وسیع و وسط آن گودالی است بزرگ و پر از برف وعمق گودال را کسی تاکنون ندیده سرسمت قله برف دارد ویکسمت که معدن گوگرد است بخار دارد از دور پیدا ودر اینجا زیاده از پنج دقیقه زیستن اینها را میسر نشد و حالت انقلاب بایشان دست داد و سه نفر از بلدیها را امر بکندن گوگرد نموده مراجعت کردند و اعمال دیگر بجهت وزیدن باد شدید ممکن نشد دو ساعت بغروب مانده بقریه گوناکر درپای کوه است وارد شدند و مختصر ارتفاع قله دماوند از سطح طهران پنج هزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا شش هزار و ششصد و سیزده ذرع است بموجب تشخیص اشخاص مسطوره

روز یکشنبه هفدهم صفر که هوا تعدیلی یافته بود موکب خسروانه از ییلاق نیاوران بعزم عمارات سلطنتی شهر نهضت فرما گردیدند و در بین راه بکارخانه ریسمان ریسی که قدری بالاتر از قصر قاجار در اراضی مینا تشریف فرما شده سرکشی و بازدید فرمودند بنا و عمله زیاد در اینجا کار میکنند و اینکارخانه نزدیک باتمام است نواب الاجل تقی میرزا حکمران دارالخلافه بخلعت همایون نایل شد حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی وابستگان خود که بدربار معدلت مدار همایون امده بود بعد از انکه رخصت انصراف حاصل نمودند از قرار ذیل بمناصب و مراحم شاهانه سرافراز شدند (حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک بحمایل میرپنجگی و خلعت همایون) (میرزا حسنعلی خان ولد قوام الملک دریابیگی سابق بندربوشهر بمنصب استیفای مملکت فارس و خلعت همایون) (میرزا علی محمد خان ولد قوام الملک بمنصب وکالت رعایای فارس و خلعت همایون) (میرزا علیخان ولد میرزا محمد خان بیگلربیگی فارس به خلعت همایون سفیر بسمت شارژدافری دولت بلجیک باشرایط بدرایتهای معموله واعزاز بدارالخلافه باهره امد میرزا ابراهیم خان سرتیپ بمنصب سرتیپی اول وحمایل و نشان مخصوص این رتبه سرافراز شد

میرزا حسن الله باشی بمنصب ریش سفیدی در جمیع حرمخانه و خلعت همایون سرافراز شد مصطفی قلیخان
حاکم سبزوار بخلعت همایون و یکقبضه شمشیر تیر غلاف طلا نایل گردید قوانین لازمه بجهت رونق تجارت
و زراعت و صناعت و معادن ممالک محروسه معین و برقرار فرمودند جناب شیخ عبدالحسین مجتهد
که در عتبات عالیات مشغول دعاگوئی و تعمیرات از جانب سنی الجوانب همایون هستند یکثوب عبای
ترمه از جامه خانه خاص برای جناب معزی الیه انفاذ داشتند نیز برای جناب حاجی سید جواد امام جمعه
کرمان یکقبضه عصای سر مرصع ارسال فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان مخلع گردید
جانمحمد خان سرهنگ فوج خلج ساوه بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد حسینخان نظام الدوله بمنصب
جلیل امیر تومانی و خلعت همایون سرافراز شد جناب فرخ خان امین الملک مامور بسفارت کبری
و معاقده عهد مودت با بعض دول اروپا بعد از اتمام ماموریت مراجعت نموده در ماه ربیع الاول
وارد دار الخلافه شده بزیارت خاکپای همایون سرافراز و از انواع فخر و شرف بهره یاب گردیدند و هنگام
ورود بدار الخلافه حسب الامر استقبالی شاهان از جناب معزی الیه نمودند و یکقطعه کلکه مرصع بجواهر
گرانبها و یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار دوز نجیره از ملابس خاص بشال مرحمت فرمودند
میرزا شفیع شیرازی بمنصب استیفا و خلعت همایون سرافراز گردید دیوانخانه های عدلیه در ولایات
برقرار فرمودند بعضی از شاگردهای مدرسه دار الفنون که ترقی کلی نموده و تحصیل خود را کامل کرده
و نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم تصدیق داده مقرر شد جناب سپهسالار بقدر علم و عمل
و شایستگی منصب دهند و دسته دیگر شاگرد از نجیب زادگان انتخاب کرده در مدرسه مبارکه بجای
آنها بگذارند یحیی خان اجودان مخصوص و مترجم حضور همایون بیکرشته حمایل سفید از مرتبه سرهنگی
سرافراز شد بعضی از صاحبمنصبها جناب فرخ خان امین الملک از فرنگستان برای بعضی از خدمات
دولت علیه همراه آورده اند میرزا ملکم خان سرهنگ اتاماژور مترجم مخصوص دولت علیه و اجودان
حضور همایون که منصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک باروپا مامور شد بمنصب سرتیپی
و نشان شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی با حمایل سرخ مخصوص مفتخر گردید نواب والا شاهزاده
بهرام میرزا را بلقب معز الدوله مفتخر و بصاحب اختیاری مملکت آذربایجان و یکقطعه نشان مکلل
بالماس از مرتبه امیر تومانی و یکرشته حمایل سبز و سرخ که متعلق باین منصب است سرافراز فرمودند
و عزیزخان سردار کل را بنشان و حمایل و خطاب اتابکی سابقا داشت مجددا برقرار فرموده رشته کلیه
و نظم امور مملکت و قشون آذربایجان را بعهده معزی الیه موکول و بخلعت همایون سرافراز فرمودند

کرد و خدمت نواب والا معز الدوله روانه آذربایجان شوند میرزا ابوالقاسم مستوفی بلقب معین الملک ملقب گردید میرزا عباسخان نایب وزارت خارجه بمنصب نیابت اول و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز شد که بموجب دستور العمل اولیای دولت علیه مستقلا بمهام خارجه آذربایجان رسیدگی نماید امیر الامراء العظام عیسی خان والی حاکم اصفهان باعطای لقب جلیل اعتماد الدولگی سرافراز گردید و محمود خان میرپنجه بلقب نبیل ناصر الملکی مفتخر گشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب همایون بمعزی الیه تفویض شد

نواب والا حشمة الدوله را بحکمرانی خراسان و باعطای یکثوب قبای مفتول دوز نظامی تن پوش مبارک و یکرشته حمایل سبز و آبی که مخصوص منصب سرداری است سرافراز فرمودند نواب عبدالله میرزا را بحکومت تربت و نواب پرویز میرزا را بحکومت نیشابور و محمد رحیمخان قاجار را بحکومت ترشیز مفتخر فرمودند میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان بیکرشته حمایل سبز و قرمز از مرتبه امیر تومانی نایل گردید میرزا جعفرخان مشیر الدوله را بعطای یکقبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند میرزا محمد منشی اول . خاصه وزارت امور خارجه بریاست دفترخانه وزارت خارجه سرافراز و بنشان درجه اول سرهنگی و حمایل مخصوص ان مفتخر گردید شیخعلیخان سرهنگ که نسبت بفوج خلج الی بی اعتدالی کرده بود معزول و سرهنگی اینفوج را بعبد الحسین خان برادر مؤلف مرحمت فرمودند محمد آقا سرهنگ سابق فوج قرائی بسرهنگی فوج هومه شیراز برقرار گردید جناب میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان بحکومت یزد مفتخر آمد میرزا صادقخان که سابق نایب اول کارپرداز خانه دولت علیه مقیم بمبئی بود بمنشی گری مهام خارجه گیلان سرافراز و باعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن و خلعت همایون نایل گردید سر فوج قزوین که سابقا سپرده بعباسقلیخان بود بمحمد خان امیر تومان مرحمت فرمودند یوسف خان سرتیپ افواج افشار ارومی بیکقطعه نشان از مرتبه دوم سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص انمرتبه مفتخر گشت هنگام مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه و دول متحابه امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهر النور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عز وصول یافت و از انجمله یکحلقه انگشتری الماس گرانبها میباشد که وسط نگین آن تصویر اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه است و یکجلد کتاب شاهنامه که در پاریس بزبان فرانسه ترجمه شده است محمد ولیخان قاجار بیکلربیکی سابق استراباد بمنصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید و سیصد و بیست نفر غلامان قراول خراسان را

ابو الجمع محمد هاشم خان پیشکار الیه فرمودند میرزا احمد خان پسر مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر بمنصب
سرتیپی اول سرافراز گردید فوج ملایر را میرزا تقی قلیخان (جناب وکیل الملک) سپردند
جناب فرخ خان امین الملک بوزارت حضور و منصب مهرداری مهر مبارک و ریش سفیدی و ریاست
عمله خلوت برقرار گردید و دستخط جهانمطاع مبارک شرفصدور یافته صورت آن از اینقرار است

صورت دستخط همایون

منصب مهرداری که از اجله مناصب دولت است و ریاست عمله خلوت که هم از مناصب عمده دولت است
با لقب وزارت حضور که از القاب عمده ایران است بامین الملک التفات فرمودیم که در کمال
سرافرازی مشغول خدمات حضور و فرمایشات ما باشد فرمان صادر شود ۱۵ جمادی الثانیه ۱۲۷۵

نشان مجیدیه از درجه کوماندر بجناب

میرزا حسین خان وزیر مختار دولت علیه در اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی مرحمت شده
باجازه اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه قبول آن نشان نمودند میرزا علیخان ولد میرزا مصطفی خان
افشار بمنصب سرهنگی سرافراز شد نظر بموالات و اتحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور
روس یکقبضه شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نموده جناب مسیو انیشکوف وزیر مختار
و سفیر مخصوص دولت روس بالوازم تشریفات لایقه بحضور باهر النور مبارک رسانیدند
فوج نهاوندی را بمحمد رضا خان سرتیپ تکنه سپردند نواب والا معز الدوله بهرام میرزا بحکومت
آذربایجان سرافراز شدند میرزا هدایت الله پسر نصیر الملک بمنصب استیفای وظایف ممالک محروسه
برقرار گردید حاجی میرزا عبدالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان بمنصب استیفای
دیوان همایون سرافراز شد

روانه آذربایجان گردیدند

در ماه رجب اینسال حکم شد سیم تلگراف از دار الخلافه باهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز
بکشند نواب والا اعتضاد السلطنه که مدرسه مبارکه دار الفنون سپرده بایشان است مشغول
انجام این خدمت میباشند و این اول تلگرافی است که در ایران کشیده میشود و بمرور به
سرحدات خواهند کشید چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران انتخاب شده اند که در مدارس علیه
پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند حسنعلیخان جنرال اجودان خاص حضور همایون سرتیپ
بمنصب وزیر مختاری و ایلچی کبری مخصوص دولت علیه ایران مامور باقامت در دربار دولتین
انگلیس و فرانسه و حامل نامجات دوستی علامات گردیده بخلعت مهر طلعت همایون سرافراز شد

حاجی محسن خان سرهنگ بنیابت اول و میرزا صادقخان بنیابت دویم و نظر آقا بمترجمی اول و میرزا یوسف منشیگری سفارت مزبوره برقرار گردیدند و شاگردان مزبوره که باید در پاریس مشغول تحصیل شوند سپرده بجناب حسنعلیخان وزیر مختار گردیدند که پس از ورود بپاریس قرار تعلیم و تعلم آنها را بدهند میرزا عبدالرحیم خان که در اوقات توقف اسلامبول بطور کفایت حرکت کرده بود بمنصب کارپردازی اول دولت علیه منصوب و باقامت تفلیس مامور گردیده باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل و خلعت همایون سرافراز شد و میرزا عبدالوهابخان بمنصب نیابت اول کارپردازخانه تفلیس برقرار گردید نصرالله خان سرتیپ بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد اسمعیل خان سرتیپ فوج کرمان در حبس مرحوم شد این اوقات مقرر شد که پنج هزار قبضه تفنگ خاندار از کارخانجات بلجیک بخرند حکومت کرمان نواب کومرث میرزا و وزارت کرمان بمحمد اسمعیل خان مفوض فرموده اوایل شهر شعبان بمحل حکمرانی خود میروند

جناب میرزا حسین خان (جناب اشرف سپهسالار اعظم) بمنصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت خاص همایون سرافراز گردیده اجزای سفارت کبری که با جناب معظم الیه روانه میشوند از قرار ذیل است

(نومانخان سرتیپ مستشار سفارت) (میرزا سلیمانخان پسر مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب اول) (میرزا حسن نایب دویم) (میرزا زمانخان بسمت قنسول جنرالی مامور باقامت مصر) (میرزا مهدی بمنصب کارپردازی ارزنة الروم) (میرزا حسین بمنصب کارپردازی مامور باقامت طرابزن) (حاجی میربهاء الدین بمنصب کارپردازی شام) (یحیی خان پسر جناب حسنعلیخان وزیر مختار بسرهنگی فوج اول گروس سرافراز و سرپرستی افواج گروس را بنیابت جناب حسنعلیخان معظم الیه واگذار فرمودند نواب اعتضادالدوله بیکقطعه نشان امیر تومانی و حمایل سبز و آبی که مخصوص این منصب است سرافراز گردیدند قوام الدوله وزیر خراسان نیز بیکقطعه نشان امیر تومانی مفتخر گشت الله ویردیخان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی سیم توپخانه برقرار گردید حسنعلیخان سرتیپ افشار بیکقطعه نشان درجه دویم سرتیپی و حمایل سرخ مخصوص این درجه نایل گشت محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید مباهی شد علیمرادخان پسر اسدالله خان سرتیپ فوج گوران چون این اوقات اشرار ان سامان پدرش را غفلةً بقتل رسانیدند و قاتلین او را گرفتند خود او بمنصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد عزت الله خان شاهسون بمنصب ایلبیگی گری شاهسون

شاهسون دویرن نایل آمد مصطفی خان یوزباشی ولد مرحوم عباسقلیخان بسرهنگی فوج قوانی
برقرار گردید امان الله خان والی کردستان را بیکقطعه کل کمر مرصع بالماس مفتخر فرمودند
شاهزاده احمد میرزا بحکومت کلپایگان وخوانسار رفت حکومت ملایر و تویسرکان نیز بنواب
والا نصرة الدوله حکمران عراق مرحمت فرمودند حاجی حسنخان قاجار یوزباشی قزوین منصوب گردید
میرزا اسدالله مستوفی بمنصب وزارت دار المرز سرافراز گردید تحویلداری جنس انبار غله دیوانی
بمیرزا نصرالله متصدی خالصجات دیوانی واگذار نمودند میرزا محمد رضای نوری لقب خانی یافت
کاظم خان سرهنگ فوج ناصریه بمنصب سرتیپی سرافراز گشت ایل حاجی علیلو قراجه داغ را هم بمعزی
الیه واگذار فرموده مقرر شد پنجاه نفر سوار رشید خوب هم از ایلات قراجه داغ بگیرد و ابواجمع
او باشد سواره سنجابی را نیز ابواجمع میرزا احمد خان زنگنه نمودند
روز دوشنبه شانزدهم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل
نمود سلام خاص در وقت تحویل در کلاه فرنگی بود فردای آنروز سلام عام در تالار تخت مرمر اتفاق
افتاد نواب والا نصرة الدوله را بحکومت دار الخلافه سرافراز فرمودند چون موکب همایون عازم
سلطانیه است در ایام غیبت اردوی معلی ریاست قشون متوقفه دار الخلافه و قورخانه و جبه
خانه مبارکه را بجناب ناصر الملک تفویض فرمودند میزان آذربایجان را بمیرزا عبدالرحیم
میزان اقاسی واگذار شد جلس در تبریز شعری

دارد

روز دوشنبه بیست وهشتم

شهر شعبان نواب اشرف

والا شاهنشاهزاده

امجد افخم

کامران

میرزا

(نایب السلطنه امیر کبیر) را بنیابت سلطنت کبری وخلافت عظمی سربلند فرمودند



حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم والا نایب السلطنه امیر کبیر حکمران دار الخلافه باهره وغیره

حکمرانی فارس را بنواب الاحتشام السلطنه تفویض داشتند مسیو پشن ایطالیائی معلم افواج قاهره
حاضر بدار الخلافه میباشد مقارن انتهاض اردوی همایون از دار قم بسلطانیه دستخطی با افتخار نواب والا
نصرة الدوله شرف صدور یافت که صورت آن از اینقرار است

صورت دستخط مبارک

نصرة الدوله باید کمال استقلال را داشته باشد و هیچیک از نوکران مامور و متوقف طهران نباید
از کرده و صوابدید شاهزاده تخلف کنند هرکس تخلف کند مورد سیاست خواهد بود در حقیقت نصرة
الدوله در غیاب ما در امورات محوله بخود کمال اختیار و تسلط را دارد دستور العمل نصرة الدوله از اینقرار است
که نوشته شده است همه مامورین دار الخلافه باید آنچه از خدمات دیوانی غفلت نکنند و نصرة الدوله شب
و روز باید مراقب نظم دار الخلافه و نواحی باشد در حقیقت نظم ممالک اطراف هم با نصرة الدوله است
و باید مواظب باشد ۲۷ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۷۵

روز بیست و نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقر خلافت عظمی بعزم زیارت حضرت معصومه سلام الله
علیها و تشریف فرمائی بسلطانیه انتهاض فرموده یافت آباد محل نزول اردوی معلی گردید محمد رحیمخان
نسقچی باشی (جناب علاء الدوله) پیوسته مشغول حفظ و حراست و تنظیم و آراستگی اردو شده و میرزا علیقلیخان
اجودانباشی مامور نظم قراولان سراپرده شاهانه و حراست شب است روز جمعه چهارم رمضان آوه دان قریه
که جدید بمخصوص همایون ابتیاع شده از جمله قراء معظم است و عمارت خوب سلطانی دارد مخیم اردوی همایون
شد حاجی میرزا احمد خان دبیر مهام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه بجهة انجام خدمات مقرره و تسویه
قرار دادهائی که فیمابین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته بسمت
ماموریت مخصوصه مامور گردید و در ضمن اراده انتظام امورات تبعه دولت علیه که در عراق عرب ۲ بغداد
اقامت و عبور مینمایند من حیث المجموع بعهده معزی الیه واگذار و مخلع گردید و میرزا علیخان پسر او
بمنصب منشیگری وزارت امور خارجه و اعطاء مواجب سربلند و باتفاق مشار الیه روانه عراق عرب شد
میرزا محمد صادق امین الدوله که بوزارت امور داخله سرافراز بود مزاجش علیل شده هنگام عزیمت سفر
سلطانیه ایشانرا از منصب مزبور معاف فرمودند شاگردهای مدرسه مبارکه دار الفنون که مامور
پاریس بودند و سپرده بجناب حسنعلیخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه روز پنجم شهر رمضان
روانه آذربایجان شدند و عبد الرسولخان نواده مرحوم صدر اصفهانی را ایلچی اینهاست سیم تلگراف
که باید تا سلطانیه کشیده شود الی سلطانیه شش فرسخی دار الخلافه امتداد یافته و گفتگو مینماید

و نواب والا اعتضاد السلطنه اهتمام دارند که قبل از ورود موکب همایون بسلطانیه سیم مزبور بانجام رسیده
باشد امان الله خان والی کردستان بیک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی با حمایل مخصوص این رتبه
سرافراز گردید شب چهارشنبه نهم رمضان منزل حوض سقر موکب همایون بود قناتی که در منزل حوض
جهت آسایش عابرین احداث نموده‌اند زاید الوصف موجب رفاهیت قوافل و اهل اردو است نواب والا
حسام السلطنه بیکقطعه نشان مکلل بالماس از درجه دویم امیر نویانی و یکرشته حمایل سبز و آبی و خلعت
همایون سرافراز گردیدند جناب فرخ خان امین الملک را بلقب امین الدوله‌گی ملقب و علاوه بر مناصب
سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور
مبارک دارد و عزل و نصب حکام و ولایات ممالک محروسه هم بمشاورت و صوابدید ایشان باشد

روز پنجشنبه دهم رمضان موکب همایون تشریف فرمای قم گردیدند و بعد از فوز زیارت حضرت معصومه
سلام الله علیها از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند میرزا زمانخان که بسرپرستی تبعه دولت علیه
مامور اقامت قاهره مصر بود بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد

روز بیست و سیم رمضان محلات محل نزول اجلال موکب معلی گردید و هفت روز در انجا توقف فرموده
بعد روانه همدان شدند سرپرستی طایفه مجوس یزد را محول بجناب معتمد الدوله فرمودند که آن طایفه
کاملاً آسوده باشند امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب والا ناصر الدوله بمنصب سرهنگی خارج از فوج
برقرار گردید مدد سرنظام تبریز باهتمام محمد صادقخان سرهنگ رونق کاملی دارد جمعی از تراکمه بعزم
تاخت و تاز نواحی بجنورد آمده بودند کسان جعفر قلیخان ایلخانی حکمران استراباد سر راه بر انها گرفته
جنگ شدیدی نموده یکصد نفر از انها را کشته و باقی را منهزم و متفرق نمودند نواب والا احتشام الدوله
حکمران خراسان روانه سرخس شدند امیرزاده ساسان میرزا بمنصب سرهنگی نایل و بیگلربیگی تبریز شد
بعضی اجناس در مازندران تسعیری دارد موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای سنندج شده
سه روز در انجا توقف فرمودند و عمارات والی نشین انجا را مقرر شد تعمیر نمایند و چون از عهد سالها
در این ولایت معمول و لا بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه در ملک و ما یملک خود چنانکه باید
نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا نسلاً بعد نسل مالک تام
اموال موروثی خود باشند و شرح فرمان همایون را در مسجد دار الاحسان قرائت و در سنگ مرمر بزرگی و مکتوب
نقش و بر سر در مسجد مزبور نصب نمودند و موکب معلی از سنندج انتهاض فرموده بیلاقات کوروس
و در بیجار نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده در منزل چنگ بازکه

اول

اول خاک خمسه است چراغعلی خان حاکم خمسه برکاب اعلی مشرف گردید روز دوم ماه ذیحجه سلطانیه
مخیم اردوی کیوان شکوه خسروانه گشت واردوی نظامی که حسب الامر در سلطانیه منتظر ورود
مسعود همایون بود بزیارت جمال مهرمثال مبارک نایل آمد وجناب سپهسالار وامین لشکر وحسینخان
نظام الدوله ومحمد خان امیرتومان وسلیمانخان افشار وعبد العلی خان سرتیپ توپخانه مبارکه و
سایر سرکردگان مورد مراحم مخصوصه گردیدند روز ششم ماه ذیحجه چون علفچرهای اطراف سلطانیه
تمام شده غیر از پنج هزار سوار که باید ملتزم رکاب همایون باشند سایر عساکر منصوره را بعد از سان
دادن مرخص فرمودند

چون حسب الامر مقرر بود تا ورود موکب معلی بسلطانیه سیم تلگراف از دار الخلافه الی سلطانیه امتداد
یابد با وجود ضیق وقت نواب الاعتضاد السلطنه ببیست و ششم رمضان برای انجام اینکار بیرون
از دار الخلافه بیرون آمده تا ورود موکب مسعود انرا بسلطانیه رسانده بودند و روز نهم ذیحجه بنفس نفیس
همایون از سلطانیه بدار الخلافه [2] مخابرات شاهانه فرمودند ونواب الاعتضاد السلطنه را مورد
مراحم خاصه فرموده بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس گرانبها ویکهزار تومان انعام مفتخر فرمودند
ومنصب ولقب وزارت علوم را نیز بنواب معظم الیه مخصوص داشتند ومقرر شد از سلطانیه بزنجان
نیز بزودی سیم تلگراف را امتداد دهند ومسیو فوکتی که در خدمت تلگرافخانه اهتمام کرده بود مورد
مرحمت و خلعت گردید

[2] بواسطه تلگراف

روز دوشنبه دهم ذیحجه که عید اضحی بود در عمارت سلطانیه سلام عام انعقاد یافت و در این سلام
چهل هزار نفر از عساکر نظام وغیر نظام حاضر بودند قاسم خان وزیر مقیم دولت علیه متوقف سنت
پطرزبورغ بمنصب ایلچی مخصوص ووزیر مختاری سرافراز گردید نواب الاحتشام الدوله خانلرمیرزا
بحکومت اصفهان ونواب الاعتضاد الدوله سلطان احمد میرزا بحکومت بروجرد سرافراز شدند
حکومت لرستان را ضمیمه حکومت کرمانشاهان نموده بنواب الاعماد الدوله مرحمت فرمودند والد مؤلف
حاجی علیخان را بلقب ضیاء الملک ملقب و بحکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند نظر بارتباط امور
حکومتی مازندران واستراباد حکومت این دو ولایت را بنواب شاهزاده کیومرث میرزا ایلخانی ایل
جلیل قاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب بملک آرا نمودند ونیابت این ایالت با شاهزاده
هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد محمد مهدی خان پسر جناب سپهسالار بمنصب کشیکچی باشیگری
مفتخر گردید بالجمله [illegible] الملک حکمران گیلان که شرفاندوز خاکپای مبارک در سلطانیه آمده

بلقب مجد الدوله کی ملقب کردید پاشاخان سرتیپ اول شجاع الملک لقب یافت نواب والاحشمه الدوله حکمران خراسان که مامور سرخس و تعمیر قلعه قدیم انجا بودند چون باقاعده هندسی کردرین وقت توقف کرده و تکمیل یافته قلعه قدیم موافق بنود باجازه علیه جدید قلعه بدی محکم و بزرگ بقاعده مقرره هندسه بنا نموده اند و بقدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکنای آن قلعه معین شده است

اقطار

سوانح و وقایعیکه درین سال در تمام عالم و کره ارض واقع کردید ۱۲۷۵

اتائونی ینکی دنیا

شورش سیاههای برده در ایالت ورژینی که تقریبا بیست و پنج فرسخ تا پای تخت مسافت دارد اختلاف سخت مابین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی برضد شورش سیاهها در ایالت سنتلوی بکنن جمهور مساعد طرفی است که آزادی برده ها را طالب نیستند

اسپانیا

افتتاح راه آهن از مادرید بر سارا کش میل عام مردم بجنگ با دولت مرقش سرداری اودنل درین جنگ جنک سخت مابین قشون اسپانیا و مرقش اتلاف قشون اسپانیائی بواسطه امراض و بائی فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مرقش در اوایل زمستان هنکام مناذعه اسپانیا با دولت مرقش دولت انکلیس با اسپانیا شرط مینماید که بندر تتان ژزرا بعد از فتح آنقدر نکاهدارد که امضای عهدنامه صلح بشود

افریقا

فوت مولوی عبدالرحمن سلطان مرقش در سن هشتاد سالکی و بعد از سی و هفت سال سلطنت پس از ین سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مرقش را دارند جنک داخله

المان

تزلزل دولت اطریش از بروز جنک در اوایل این سال مابین این دولت و ایطالیا و فرانسه فرستادن اطریش یکدسته قشون بسر حدات خاک عثمانی ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه و اطریش و کلمات سخت اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بدولت اطریش در اول ژانویه بتوسط سفیر اطریش دولت اطریش تهیه جنکی در ایالات متصرفی خود در ایطالیا مینماید گفتگوی سخت مابین

دولت

دولت اطریش و ایطالیا دولت روس از برای رفع غایله بدول فرنک تکلیف انعقاد مجلس کنگره مینماید
و قبول نمیشود دولت اطریش اعلیحضرت ویکتر امانوئل پادشاه ساردن (ایطالیا) را تهدید میکند
که بطور حتم تهیه جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت باو میدهد دولت
فرانسه از این تهدید متأثر شده سرداران خود را بجانب ساردن بسرحدات ایطالیا مامور میسازد شروع
منازعه ما بین فرانسه و اطریش در مملکت ایطالیا کمک بعضی ایالات کوچک ایطالیا بدولت اطریش و
بیطرفی بعضی بیطرفی حضرت پاپ درین جنگ روس و پروس تهیه قشون میبینند بدون مداخله
در جنگ مهیا بجنگ گری دولت انگلیس که بیطرف شد نطق اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه که مقصود از
جنگ اتحاد و آزادی ایطالیا است حرکت اعلیحضرت ناپلیون از پاریس در اواسط ماه بسمت میدان جنگ
و ورود ایشان بژن شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را اعلیحضرت ویکتر امانوئل
پادشاه ساردن بنیابت اعلیحضرت ناپلیون درین جنگ مقرر است گاری بالدی درین جنگ دخالت
دارد شکست قشون اطریش در والان زا توپی که از فرانسه آورده بودند و گلوله او دو هزار و ششصد
ذرع میرفت سبب فتح شد جنگ سخت چیالدینی سردار اعلیحضرت ویکتر امانوئل در مرتوا فتح
ماژانتا و شکست سخت قشون اطریش بدست قشون فرانسه رشادت جنرال ماکماهون درین جنگ
بیست هزار مقتول و هفت هزار اسیر و چهار توپ و دو بیرق درین جنگ نصیب قشون فرانسه شد
در همین جنگ جنرال ماکماهون بمنصب مارشالی و لقب دوک دو ماژانتا برقرار گردید ورود اعلیحضرت امپراطور
اطریش باردوی خود در وران تهیه جنگ پروس که دویست و پنجاه هزار قشون حاضر میکند شکست
یافتن قشون فرانسه و ایطالیا بدست اعلیحضرت امپراطور اطریش جنگ سخت بزرگ در سلفرین
قشون اعلیحضرت امپراطور اطریش صد و هفتاد هزار و قشون اعلیحضرت ناپلیون فرانسه و پادشاه ساردن
صد و چهل و پنج هزار و در گرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول کشید و قشون فرانسه فتح کرد
و سه بیرق و سه توپ و شش هزار اسیر بدست قشون فرانسه افتاد از عساکر فرانسه درین جنگ
پانزده هزار و از عساکر ساردن پنج هزار و پانصد نفر تلف شد جنرال نیل سردار قشون فرانسه بمنصب
مارشالی برقرار شد فرستادن چند کشتی جنگی بسمت ونیز اهالی المان از این فتوحات فرانسه هیجان
مشغوف نیستند شورش در مجارستان بر ضد دولت اطریش دولت پروس انگلیس و روس را بمیانجی
گری میان فرانسه و اطریش میطلبند متارکه قشون فرانسه و اطریش ملاقات اعلیحضرت امپراطور
فرانسه و اعلیحضرت امپراطور اطریش در ویلا فرانکا و گفتگوی مصالحه عمده شروط مصالحه این بوده است

ورود اعلیحضرت امپراطور و ویکتر امانوئل بمیلان در اوایل تابستان شکست سردار اطریش میزدک شکست قشون اطریش از هر نقطه

که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لومباردی ایطالیا دارد واگذار باعلیحضرت ناپلیون فرانسه نماید و ناپلیون نیز سلطنت لومباردی را باعلیحضرت ویکتر امانول پادشاه ساردن تفویض نماید جمیع دول فرنگ خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که با وجود فتوحات پی در پی اعلیحضرت امپراطور فرانسه را چه براین داشت که بتعجیل در مصالحه نماید خود اعلیحضرت امپراطور باین عذر معتذر شدند

بواسطه

که حرارت هوا و امراض وبائی و بعضی جهات دیگر من جمله شراکت کردن جمهوری طلبان ایطالیا با ما در این جنگ بود من نخواستم امتدادی در این جنگ بدهم علاوه براین چون جمیع دول فرنگ در ابتدای جنگ بوجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند و بعضی مضامین گفتند خواستم بعد از ظاهر نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دولت دیگر مصالحه نمایم اضطراب دولت انگلیس از اینکه مبادا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب نقار ما بین فرانسه و انگلیس گردد پنجاه هزار عساکر فرانسه با مارشال وایان سردار متوقف ایطالیا خواهند بود صلح ما بین فرانسه و اطریش و ایطالیا (ساردن) در زوریک منعقد شد عزل کنت دبوال و نصب دشبرک بجای او بی پولی شدید در مملکت اطریش استقراض سی کرور تومان پول ایران فوت وزیر بزرگ پولیس مترنیخ در تابستان بسن پیری تولد پسری در پروس از پسر نایب السلطنه فوت الکساندر همبلت عالم متبحر در برلن فوت کارل ریتر جغرافی دان معروف

انگلیس

مسافرت نواب ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ الی جزیره مالت تعیین پنجاب بچهارم ایالت هندوستان در این ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی در جزو این ایالت شمرده میشود چهل و چهار کرور رعیت انگلیس دارد عزل وزرای توری نصب وزرای ویک وصدارت لرد پالمرستن شورش عمله جات در لندن منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سربازان مقصر را با شلاق نقار جزئی با اتازونی ینکی دنیا مسافرت ماکلنتک بقطب شمال و انکشاف دریای قطبی و تعیین بر فوت فرانکلن سیاح قطبی که در سنه هزار و دویست و شصت و پنج بقطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تاکنون

نمود

دولت انگلیس در جستجوی او بود تا اینوقت که یقین بفوت او و همراهان او فوت هلام مورخ و برونل مهندس اهالی جزیره کرفو با وجود اصرار دولت انگلیس در الحاق انجزیره بمملکت خود دارد قبول ننموده تبعیت یونان را اختیار کردند

ایطالیا

قبول نمودن اعلیحضرت ویکتر امانوئل سرداری قشون خود را در جنگ اطریش جمهوری طلبان ایطالیا
گاری بالدی را برپاست و سرداری خود اختیار کردند ملکه پارم (ایطالیا) پسر خود را برداشته
بسمت سویس فرار میکند والی مُدِن نیز مملکت خود را گذاشته فرار میکند و از جانب اعلیحضرت
ویکتر امانوئل حاکم آنجا تعیین میشود ایالت تُسکان نیز جزء مملکت ساردن شد فوت پادشاه
ناپل فردینان دوّیم در سن چهل و نه سالگی که مدتها مریض بود و جلوس پسر این پادشاه فرانسوای دویم
که یکی از خواهرهای ملکه اطریش را در حباله نکاح دارد استعفای کنت دکاوور از صدارت و نصب
کنت دِ آرِز که یکی از دوستان اعلیحضرت ناپلیون فرانسه است ورود فتح آمیز پادشاه و ویکتر امانوئل امپراطور
بشهر میلان تظلّم پیر والی تُسکان در دربار فرانسه و قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور ناپلیون
فرانسه تظلم او را اهالی ایطالیا عموماً سلطنت جسمانی حضرت پاپ را مانع اند جمیع ایالات ایطالیا
سکه و بیرق پادشاه ساردن اعلیحضرت ویکتر امانوئل را قبول کردند اخراج نمودن حضرت پاپ ایلچی
ویکتر امانوئل را از رُم اغتشاش سخت در ایالت رُم ازدواج شاهزاده خانم کِلُتیلد با پرنس ناپلیون
عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانسه ده کرور تومان ایران دولت ساردن استقراض نموده برای تهیه
جنگ با اطریش احضار کنت دکاوور صدر اعظم اعلیحضرت ویکتر امانوئل بپاریس و گفتگو و دستور
العمل اعلیحضرت امپراطور ناپلیون فرانسه با او در اوایل بهار

پروس

اعلیحضرت امپراطور روس از شهر ورشو بشهر برِسِل آمده با نواب نایب السلطنه پروس خالوی خود
ملاقات کرده عهدی مخفی بین دولتین با کمال سختی منعقد میگردد

پرتوغال

فوت علیاحضرت ملکه در تابستان

بروزیل

مسافرت ششماهه اعلیحضرت امپراطور بداخله مملکت بروزیل

بلژیک

تولد پسری از نواب ولیعهد این مملکت موسوم بکنت دِهِن گفتگو در مجلس شوری در استحکام آنوِرس

چین

فوت حاکم کانتن که اسیر انگلیسها بود در کلکته خفت دادن بسفرای انگلیس و فرانسه و سنکی دینا

درین مملکت و هند بر فتن اعلیحضرت خاقان چین ایشانرا در حضور بود

روس

عهدنامه جدید دولت روس با چین حسب شامل با چهارده فقره از مریدها بدست پرنس پادیاتنکی

ژاپن

جز بندر یوکوهوما از برای ورود سفاین ملل فرنگ باز نبود هنوز بر پای محبت ورود نکردند

سوئد

فوت اسکار پادشاه این مملکت جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سن سی و سه سالگی

عثمانی

اهالی افلاق بغدان معاً پرنس کوزا را بریاست خود منتخب کردند مشار الیه وعده میدهد که از روی قانون حکومت کند دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود در سرویستان میلش پیر میلش بولایت منصوب برقرار شد فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق بجای او قانون جدید عثمانی که حکم بقتل در حق مقصرین پولتیکی نخواهد شد و بجلای وطن تنها اکتفا میشود اول شخصی که بجلای وطن رفت عمر پاشای معروف است عزل قبرسلی پاشا صدر اعظم که بنا داشت در مخارج حرمخانه و دربار میخواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ میدارد میل دارد کم و کسر کند در مجلس کنفرانس پاریس که بجهت گفتگوی افلاق بغدان منعقد شده بود ایلچی عثمانی صراحةً گفت که دولت عثمانی موقتاً پرنس کوزا را بوالیگری در ایالت میشناسد

فرانسه

بعد از ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون فرانسه با دختر اعلیحضرت پادشاه ایطالیا دویست و بیست هزار تومان مواجب در حق او برقرار میشود عزل پرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوب لوبا دولت یکصد کرور تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود همینکه ملت میل دولت را در استقراض دید متجاوز از پانصد کرور وجه نقد بجهت دولت حاضر شد در زمان غیبت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایطالیا بود علیاحضرت امپراطریس زوجه ایشان بنیابت سلطنت مقرر و پرنس ژروم عموی اعلیحضرت ناپلیون بمستشاری علیاحضرت امپراطریس برقرار گردید جشن اهالی پاریس در مراجعت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از جنگ ایطالیا توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است در نول گالدونی از متصرفات فرانسه باغوای سه نفر

انکلیس اهالی بدولت فرانسه شوریدند معاهدهٔ دوستی و تجارتی باژاپن مامور بتامریز نیخ نزد پرنسه
اعلیحضرت ناپلیون فرانسه در آبهای معدنی پیرنه اعلیحضرت پادشاه بلجیک بواسطه نسبتی که با خانوادهٔ
سلطنت اطریش دارد در بند دبیارا پنس با اعلیحضرت ناپلیون فرانسه ملاقات نموده در استحکام مؤتی
دولتین فرانسه و اطریش کمنکو مینمایند

ماچین

قشون دولت فرانسه و اسپانیا سواحل رودخانه تورانرا متصرف شده حو و انیز تصرف کردند

مکزیک

ژوارز رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط میکند جنگ واغتشاش سخت بود اخله

ینکی دنیای جنوبی

خرابی شهر کیت بیك زلزله سخت شورش در ونزوئلا و در شیلی منازعه اهالی پلاتا و اوروانیتن

وقایع سال بیستم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران شید الله تعالی ارکان ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و شش هجری

قوی ئیل ترکی

موکب ظفر کوکب همایون در اول محرم الحرام در سلطانیه بالیمن والسعادة اقامت دارد و تعزیه داری
دولتی در اینجا در زیر چادری بزرگ با شکوهی تمام بعمل آمد روز جهاردهم محرم بعزم تشریف فرمائی
آذربایجان انتهاض فرموده روز پنجشنبه بیست و نیم وارد چمن اوجان شدند چراغعلیخان خالو
خمسه بلقب سراج الملکی مفتخر گردید و از منزل آق کند مرخص شده بمحل حکومت خود رفت
روز ورود موکب مسعود همایون باوجان دوازده فوج از افواج قاهره و هزار سوار و ده عراده توپ
در اینجا اردوی منظمی داشتند سردار کل عساکر منصوره عزیزخان مورد مراحم خاصه گردیده موکب
همایون پنج شب در اوجان توقف فرمود حسنعلیخان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود
بیک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و یکقبضه شمشیر یراق طلا مفتخر گردید محمد صالح خان

کرد بچه نیز که باتفاق سردار علیخان سیستانی بسیستان رفته و در نظم آنجا خدمات نموده بمنصب
سرتیپی و خلعت همایون نایل شد جناب مستوفی الممالک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس
سرافراز شدند جمعی از اعاظم سیستان که در سلطانیه بخاکپای مبارک مشرف شده بودند مرخص و روانه
دار الخلافه گشتند موکب همایون غرّه شهر صفر المظفر از اوجان انتهاض فرموده روز سیم ماه تشریف
فرمای تبریز گردیدند نواب والا معتمد الدوله حکمران آذربایجان و معین الملک و میرزا عباسخان معاون
وزارت مهام خارجه در نزدیکی باسمنج بتقبیل رکاب اعلی مستسعد شدند اهالی تبریز در ورود موکب
مسعود نهایت جان فشانی نموده شب ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود همایون بود جشن بزرگی
گرفتند چون هوای شهر تبریز باقتضای فصل قدری گرم است باغ شمال که نهایت باصفا و وسیع است
در محلات واقع در بیرون شهر میباشد از روز دهم صفر محل توقف بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه
میباشد رضا قلیخان که حسب الامر مراقب نظم مدرسه مبارکه دار الفنون میباشد این اوقات نیز در عمل
تلگراف لازمه خدمتگذاری را بعمل آورده بنیابت وزارت علوم برقرار گردید و علیقلیخان پسر رضاقلیخان
(جناب مخبر الدوله) بمنصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد جعفرقلیخان پسر دیگر رضاقلیخان بمنصب کتابداری
مدرسه مبارکه دار الفنون نایل گردید و بعضی دیگر از شاگردان فارغ التحصیل مدرسه در خدمات تلگراف
هریک بمنصبی مناسب حالت خود رسیدند سیم تلگراف باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم
بزنجان رسیده و حکم شد تا سه ماه دیگر تا تبریز امتداد دهند دوستعلیخان معیر الممالک باعطای
یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه سرفراز شد
درب طلائی حسب الامر برای روضه مقدسه رضوی علیه السلام عضد الملک متولیباشی تمام نموده نصب
کرد چون غله در تبریز تسعیری داد یکهزار خروار گندم بوزن هزار مثقال فرمودند بفقرا بدل شود
سردار کل عساکر منصوره بیکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید و میرزا احمدخان سرتیپ اول توپخانه مبارکه
بلقب مساعد الملکی ملقب و مخلع گردید

روز بیست و دویم صفر موکب ظفر کوکب اعلی از تبریز بسمت مراغه توجه فرموده روز بیست و ششم تشریف
فرمای مراغه گردیدند میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه بیکقطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی
و یک رشته حمایل سرخ سرافراز گردید مهمانخانه ذوارود مشهد مقدس چون کوچک بود حسب الامر میرزا محمد
حسین عضد الملک متولیباشی مهمانخانه وسیع بسیار خوبی ساخته آب انبار ممتازی هم نزدیک آن بنا نهاده اند
لوازم مهمانخانه را نیز از مطبخ و شربتخانه وغیره وسعت داده اند میرزا نصرالله لشکرنویس بمنصب لشکرنویسباشیگری
آذربایجان

آذربایجان وخلعت همایون سرافراز شد میرزا عبدالوهابخان شیرازی (جناب نصیرالدوله) منشی
خاصه وزارت خارجه بمنصب نیابت وزارت امور خارجه وخلعت همایون سرافراز گردید

روز دوم ربیع الاول موکب مسعود همایون از مراغه نهضت فرموده از راه هشترود تشریف فرما گردیده
روز بیست و دوم دار الخلافه باهره بمقدم بهجت شیم مبارك مزین گردید نواب والا نصرة الدوله حکمران
دار الخلافه بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس ویکثوب قبای ترمه نظامی دور کلابتون تکمه طلا سرافراز
گردیدند مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است
(نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله حاکم دار الخلافه وعراق وملایر وتویسرکان)
(جناب سپهسالار) (جناب اقای مستوفی الممالك) (جناب معتمد الدوله عباسقلیخان جوانشیر وزیر عدلیه)
(جناب امین الدوله) (جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (سپهدار) (مشیر الدوله) (جناب
ناصر الملك وزیر تجارت وصنایع) (جناب دبیر الملك) چون آب اهالی قم کم بود مقرر فرمودند جهان
سوزخان حاکم قم بکرشته قنات احداث وجاری بشهر نماید وآن قنات جاری وبا آب زیاد داخل شهر میشود
عین الملك بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی ویکرشته حمایل سرخ وسفید سرافراز گردید حسینخان سرتیپ
که چاپارخانه های ممالك محروسه سپرده باو میباشد بلقب شهاب الملکی ملقب گردید علاوه بر مجلس
شورای دولتی حسب الامر مجلس مصلحتخانه برای امور دولت ترتیب یافته عیسیخان اعتماد الدوله را
بریاست انجلس برقرار ومقرر فرمودند که هر روزه از صبح تا چهار ساعت بغروب مانده در مجلس مخصوص
اجزای مسطوره درذیل بنشینند وگفتگو در مهام کشور ولشکر نمایند وانتظام کلیه امور وآسایش
رعیت وآبادی مملکت وترقی دولت را در مد نظر داشته باشند وصورت اجزای مصلحتخانه از قرار ذیل است
(عیسیخان اعتماد الدوله رئیس مجلس)
(میرزا موسی وزیر دار الخلافه) (اسکندرخان) (حسینخان نظام الدوله) (مجد الاشراف)
(ملك الکتاب) (ملاباشی) نسقچی باشی (جناب علاء الدوله) (میرزا تقی سپهر لسان الملك)
(میرزا غفارخان) (میرزا مصطفیخان) (شهاب الملك) (رضاقلیخان رئیس مدرسه دار الفنون)
(میرزا رضای مهندس باشی) (احمدخان نوائی) (محمد ابراهیم خان یزدی) (میرزا عبد الوهابخان)
(جناب نصیر الدوله) (بدایع نگار) (میرزا محمد وزیر سابق کرمان) (میرزا اسدالله مستوفی) (میرزا
محمدعلی سرکارات) (حاجی میرزا احمدخان طسوجی) (شاطرباشی) (حاجی میرزا جبار ناظم المهام
نواب والا امیرزاده میرزای نایب الایاله بیکقطعه نشان میرپنجکی ویکرشته حمایل مخصوص آن رتبه سرافراز شدند

آقا اسمعیل پیشخدمتباشی ... احکام شاهنشاهی مصلحتخانه

محمود خان احتساب آقاسی بلقب احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا علی اکبر جودابناشی بلقب خانی و خلعت همایون نایل گردید چون غلّه در تبریز کم شده حسب الامر قنبر علی خان که ملقب بسعد الملک گردید روانه تبریز شد که هزار خروار از غلّه دیوان در شهر تبریز بفروشد و از ولایات خمسه و گروس هر چه ممکن شود حمل بتبریز کند و هر کس نیز گندم احتکار کرده باشد حکماً بیرون آورده بمردم بفروشند میرزا عنایت الله امین لشکر بیکقطعه نشان از مرتبه اوّل امیر تومانی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید جناب محمود خان ناصر الملک وزیر تجارت و صنایع بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلّل بالماس از مرتبه دوّم سرافراز گردید پاشاخان پیشخدمت خاصه و امین صرّه بیکقطعه نشان از مرتبه اوّل سرتیپی و یکرشته حمایل زرد و قرمز که در غیر نظام مخصوص باین رتبه است مفتخر گردید میرزا عبد الرحیم منشی باشی دیوانخانه مبارکه بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا جان داود خان سرتیپ و مترجم اوّل دولت علیه که یکسال قبل برسالت از جانب سنی الجوانب همایون مامور دربار دولت نمسه و حامل نامه مودّت ختامه مبارکه و نشان تمثال همایون باعلیحضرت امپراطور دولت نمسه بود بعد از ورود بدربار آن دولت لازمه احترام و پذیرائی را نسبت بمشار الیه نموده ماموریت خود را بطور شایستگی بانجام رسانیده مراجعت نمود و روز بیستم شهر ربیع الثانی باعزاز وارد دار الخلافه شده روز بیست و یکم شرفیاب حضور باهر النور مبارک شده جواب نامه همایون را با یکقطعه نشان اوّل فرانسواژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور دولت مشار الیها تبلیغ نمود محمّد خان پسر قاسم خان وزیر مختار دولت علیه مقیم پطرزبورغ بنیابت سفارت مزبوره برقرار گردید شهر جدید که در سرخس بنا نمودند باتمام رسیده و تراکمه طرق و الامان که در حوالی و نواحی مشهد دشرارت بودند نوّاب والا حشمة الدوله حکمران خراسان آنها را تنبیه درستی نموده اند و بعد از اتمام شهر مزبور چهار فوج عرب و عجم و نیشابوری و ترشیزی را با پانصد نفر سوار خوافی در آنجا گذاشته محمّد ولیخان سردار خراسان را بریاست آنجا برقرار و از قرار ذیل خلاع و انعامات شاهانه مصحوب حاجی طالب بیک تفنگدار برای هر یک انفاذ انسامان گردید

(نوّاب والا حشمة الدوله حکمران خراسان قمه مرصّع و جبّه ترمه پولک دوزتن پوش مبارک

(قوام الدّوله وزیر خراسان خز فز ترمه تن پوش مبارک) (محمّد ولیخان سردار خراسان شمشیر کل مرصّع و خلعت همایون) (جعفرقلی خان سرتیپ اوّل مراغه لقب نصرة الملکی و شمشیر کل مرصّع و خلعت همایون) (لقب فوج مظفّر در حق فوج قدیم مراغه و دویست تومان انعام) (یوسفخان سرتیپ افشار منصب

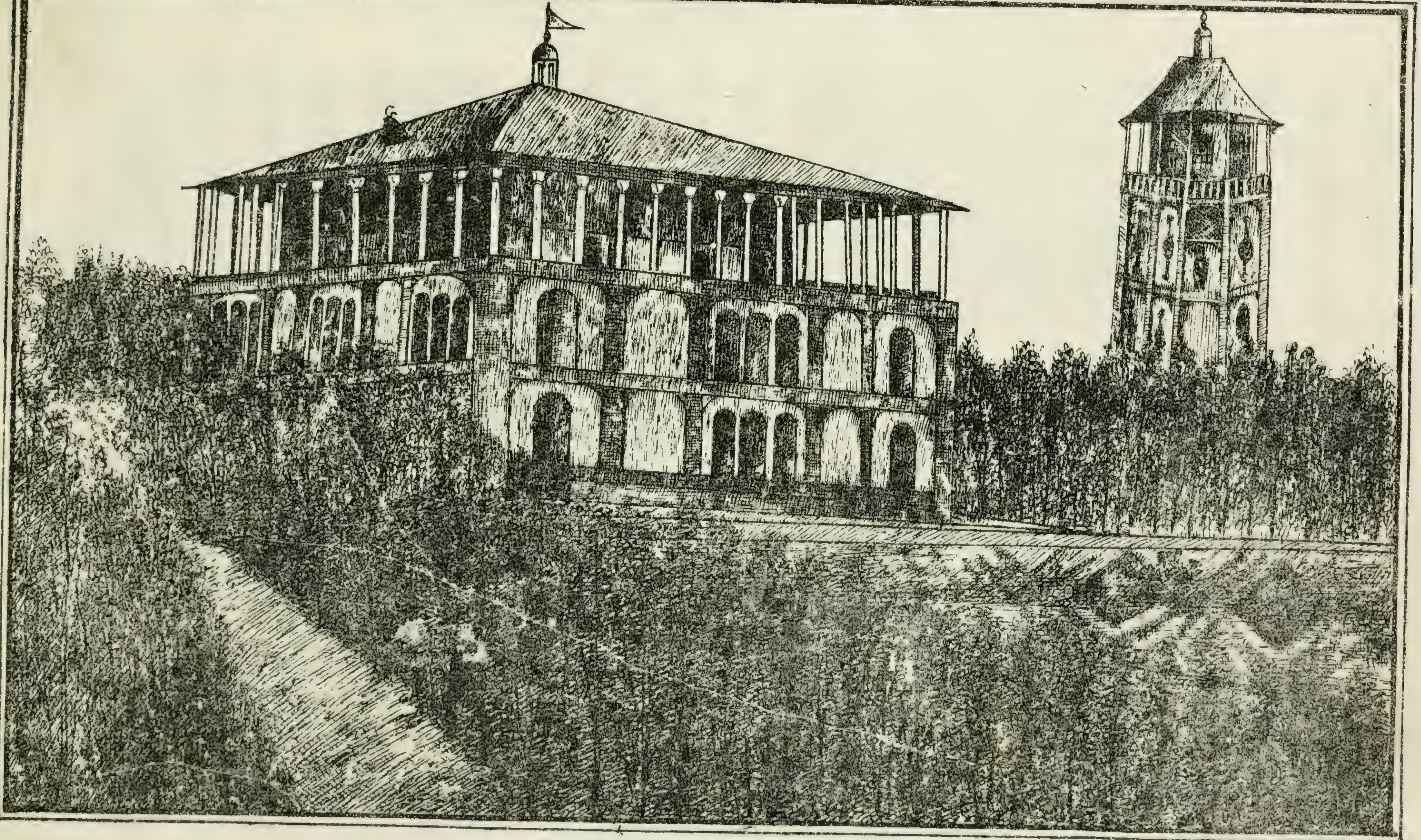
سرتیپی دویم و خلعت همایون) (افواج افشار لقب افواج هیبت و دویست تومان انعام) (حسنعلی خان
سرتیپ فوج اردبیل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی و خلعت همایون) (خداداد خان
سرهنگ فوج مراغه حمایل و نشان سرهنگی و خلعت همایون) (جعفرقلیخان سرهنگ فوج افشار
نشان و حمایل سرهنگی و خلعت همایون) (حاجی عسکر آقا سرهنگ توپخانه حمایل و نشان سرهنگی و خلعت
همایون) (فتحعلیخان سرکرده سواره بغدادی حمایل و نشان سرهنگی و خلعت همایون) (میرزا محمد
مهندس منصب سرهنگی خارج از فوج و خلعت همایون) (حیدرقلیخان سرتیپ فوج نیشابوری نشان
و حمایل سرتیپی سیم و صد تومان انعام) (عباسخان سرتیپ فوج ترشیزی نشان و حمایل سرتیپی سیم و صد
تومان انعام) (بهادرخان بیگلربیگی نشان و حمایل سرهنگی و خلعت همایون) و سایر صاحبمنصبان و افواج
و توپچیان نیز بخلاع و انعامات شاهانه نایل گردیدند جناب سپهسالار بیکقطعه نشان
امیر تومانی از مرتبه اول و یکرشته حمایل سبز مخصوص این منصب سرافراز فرمودند عبدالعلیخان پیشخدمت
خاصه برادر مؤلف بلقب ادیب الملکی و خلعت همایون مفتخر گردید وجه شاهی اشرفی عید از بابت مالیات
که قبل از عید بحکام ولایات حواله میشد قدغن سخت در برانداختن و متروک داشتن این رسم نمودند
جناب جنرال رُلِنسُن وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با نامهٔ مهر علامهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان
بعد از تقدیم جمیع شرایط معموله و پذیرائیهای شایان در خاک ایران روز پنجشنبه دوازدهم جمادی الاولی
باعزاز تمام وارد دار الخلافه گردید محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم که در خراسان و ایام مأموریت مرو
محمود آباد خدمات کرده بود بیکقطعه نشان از مرتبه سیم سرتیپی و یکرشته حمایل قرمز و سفید مخصوص این
رتبه سرافراز شد و صاحبمنصبان فوج او نیز بمناصب و انعامات مناسب حال خودشان نایل گردیدند نواب
شاهزاده احمد میرزا حاکم کلپایگان ملقب بمعین الدوله گردید میرزا محمد ابرهیم بدایع نگار وقایع ده سال
عهد جاوید مهد را کتابی نموده موسوم بعقد اللآلی و نهایت مطبوع طبع اقدس اعلی و بجز تاریخ بدایع دولت
که مشغول است تاریخ دیگر مبسوط از ابتدای دولت قوی شوکت شروع نموده در کمال فصاحت و سلاست
و چند جزو آنرا بنظر انور ملوکانه رسانده مقرر فرمودند که آن تاریخ را نیز مشغول باشد و بملاحظه علم
و فضل مشارالیه بمنصب نیابت اول وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا اسد الله نوائی
ولد مرحوم میرزا محمد لشکرنویس منشی مخصوص وزارت امور خارجه بمنصب منشیگری اول وزارت امور خارجه
و اعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید قصر نیاوران که در شمیران بنا شده اگرچه از هر حیثیت
نهایت امتیاز را دارد و چشم انداز جنوبی آن باعلی درجه صفا ولی چون در دامنه کوه البرز واقع است شمال آن

بعلت ارتفاع کوه مزبور مسدود میباشد بنابرین منظور نظر بلند همایون این بود که در شمیران عمارتی سلطنتی بنا شود که از هر طرف باز و در صفا و دلگشائی از سایر عمارات ییلاقات ممتاز باشد و جلگه نزدیک بقریه رستم آباد برای مکان این بنای مبارک منتخب شده بود و از دو سال قبل معماران قابل و مهندسین لایق اقدام بساختن این عمارت مبارکه نموده این اوقات عمارت بیرونی آن باتمام رسیده و مقرر شد که در سمت شرقی این عمارت حرمخانه بزرگی نهایت عالی ساخته شود و از اطراف و اکناف و ولایات اقسام و انواع گل و ریاحین و اشجار مثمر بیاورند و در باغ این عمارت غرس کنند و این بنای همایون موسوم بسلطنت آباد گردید

جانمحمد خان سرتیپ بیکرشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی درجهٔ دوم سرافراز شد آقا رضا خان نایب اجودانباشی بمنصب اجودانباشیگری اردوی خراسان و خلعت همایون سرافراز شد عزیز خان سردار کل از اجزای شورای وزرا گردید چون جانکی گرمسیر متصل بشوشتر بود حکومت آنرا نیز بوالد مؤلف ضیاء الملک مرحمت و ضمیمه حکومت عربستان فرمودند میرزا یوسف خان کارپرداز دولت علیه مقیم حاجی ترخان باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید سرتیپی از درجهٔ سیم با حمایل زرد و سرخ سرافراز شد شامخان شجاع الدوله ایلخانی ایل زعفرانلو یکفوج جدید از ایل زعفرانلو گرفته امیر حسین خان برادر معزی الیه که منصب و مواجب سرهنگی داشت و فوج نداشت بسرهنگی این فوج برقرار فرمودند یکدسته قشون مامور خراسان شد و صورت دسته جات مامورین از اینقرار است (دو فوج فراهان بسرتیپی محمد حسن خان فراهانی) (سواره تورت بیگلو شاهسون بسرکردگی رضا قلیخان پسر امیر خان مرحوم) (توپ چهار عراده) (قورخانه و چادر و ملبوس سربازی سیصد و پنجاه بار) (پول نقد چهل هزار و دویست تومان) و این یکدسته قشون همراه حسین خان شهاب الملک مامور گردید) حاجی مطلب خان تفنگدار بسرکردگی سواره خوی و سرپرستی ایلات توابع خوی و سلماس سرافراز شد اللهیار خان حاکم دره جز بجهة بی اعتدالی معزول و بهادر خان دره جزی که از همان سلسله و بدرستکاری موصوف است بجای او منصوب گردید حریربافی کارخانهای کاشان ترقی و رونقی دارد یکدسته دیگر قشون مطابق تفصیل ذیل مامور خراسان شد

(عبد[illegible] علیخان سرتیپ توپخانه با ده عراده توپ و سیصد نفر توپچی و قورخانه) (فوج نهم خوی جمعی جمشید خان سرتیپ بهمراهی تقی خان سرهنگ) (فوج سرباز جمعی ابو الفتح خان سرهنگ سربندی) (پانصد نفر سواره چهاردولی بسرکردگی پرویز خان سرتیپ) بفاصله سه روز دسته دیگر مامور خراسان شدند از اینقرار (پاشاخان مکری شجاع الملک با فوج بهادران و فوج قهرمانیه جمعی خود و چهار عراده توپ مزبور ند) (پانصد نفر سواره ایلات قزوین ابوالجمعی محمد رحیم خان زند) علیقلیخان ماکوئی که

ابنیه و عمارات مبارکه سلطنت اباد در این سنوات فرخنده ایات خیلی بیش از این است این صفحه فقط صورت کلاه فرنگی و برج خوابگاه همایون میباشد



سالها در مدرسه مبارکه دار الفنون مشغول بتحصیل بوده بسرهنگی فوج فریدن برقرار شد زین العابدین خان خاکرکوس بیکقطعه نشان سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید دسته دیگر قشون
از قرار تفصیل ذیل مامور خراسان شد (فوج شقاقی جمعی محمد صادقخان سرتیپ پسر مشیر الدوله) (سواره
مکری هفتاد نفر) (سواره بختیاری صد و هفتاد نفر) (سواره شاهسون شیخانلو پنجاه نفر) (توپ
چهار عراده با قورخانه و سایر لوازم) (پول نقد سی هزار تومان مصحوب قهرمان بیک تفنگدار خاصه و چهل
نفر غلامان خاصه رکابی) حاجی محمد خان حاجب الدوله بیکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص
این رتبه سرافراز گردید میرزا محمد علیخان نایب اجودانباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان که بعد از فوت والد
خود مامور کارپردازی بغداد بود بمنصب کارپردازی بندر بمبئی و یکقطعه نشان سرهنگی اول و یکرشته
حمایل سفید مخصوص این رتبه و خلعت همایون مفتخر گردید و میرزا عبد الرسول نویسنده وزارت امور
خارجه بنیابت و منشیگری کارپردازخانه بمبئی برقرار شد کتاب حل ما لا ینحل در جواب مسائل لا ینحل
آخر خلاصة الحساب مرحوم شیخ بهائی رحمة الله علیه میرزا عبد الغفار که از متعلمین مدرسه مبارکه و ولد
جناب آخوند ملا علی محمد اصفهانی که از اجله علمای ریاضی و صاحب ادب و غیره میباشد تالیف نموده و
بطبع رسیده است در این اوان چون ضیاء الملک والد مؤلف بحکومت عربستان مشغول بود بنده مؤلف
بنیابت حکومت شوشتر را داشت عمارت اسب و الی سابقا محقر بود امثال حسب الامر عمارتی عالی و جدید
در کمال استحکام در همان محل بنا نمودند نواب والا رکن الدوله اردشیر میرزا بحکومت گیلان و مضافات مفتخر
گردیدند و میرزا ذکی دشتی مستوفی نیز بوزارت این ولایت برقرار شد عبد الحسین خان غلام پیشخدمت
که سابقا تحویلدار وجوه خزانه اصفهان بود بتحویلداری کل گیلان سرافراز آمد اعتماد الدوله علیخان
والی بحکومت ولایت یزد نایل و بخلعت همایون مباهی گشت مجد الدوله امیر اصلانخان را حکومت ولایت
خمسه مرحمت فرمودند کارخانه برای ساختن تفنگ خاندار حسب الامر بنا شد از ماه ذیقعده الحرام
مقرر است که ماهی یکهزار قبضه تفنگ خاندار زنکی در کارخانه مزبوره بسازند و تفنگ جمیع افواج
خاندار باشد عمل باروط سازی نیز تکمیل شده قرار شد باروطها که سابق در قورخانه مبارکه است دوباره
بسبک جدید بکوبند حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمه عربستان نموده جزو حکمرانی ضیاء الملک
والد مؤلف نمودند اراضی ری را با سررشته قنات آن که خاصه دیوان اعلی بود بدبیر الملک سپرده
مقرر فرمودند که بحلیه آبادی در آورد در این جهانسوز میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم بیکقطعه
نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل مخصوص سرافراز گردید میرزا بزرگ خان کارپرداز سابق از دنته الروم

(در طهران)

(شهر)

(این رتبه)

بکار بود آمد

بکارپردازی اول و مخصوص این دولت ماموراقامت بغداد گردید بنابر اتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه نشان اول و مخصوص سلطنتی خود شانرا با حمایل خاصه و نامه مبارک برای اعلیحضرت سلطان عظیم الشان عثمانی نزد جناب میرزا حسینخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص این دولت مقیم اسلامبول اهدا فرمودند که بمحفل سلطانی موصول نمایند و چون محض احترام نشان سلطنت عظمی باید یکی از خواص چاکران دربار همایون حامل آن باشد یحیی خان اجودان حضور مبارک مامور این خدمت روانه اسلامبول گردید و یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول مکلل بالماس با حمایل سبز مخصوص نیز برای جناب فواد پاشا ناظر امور خارجه انفاذ داشتند اسدالله خان معتمد الملک حاکم همدان مرحوم و محمد حسینخان پسر مرحوم را بجای او بحکومت همدان برقرار فرمودند جناب مسیو بارون وزیر مقیم دولت پروس در دربار دولت علیه از اول ورود بممالک ایران همه جا شرایط اعزاز و احترام مرسومه درباره سفرای دول بزرگ را کارگذاران و مامورین مخصوص این دولت جاوید شوکت درباره جناب مشارالیه بوجه اکمل بعمل آورده روز پانزدهم شوال وارد دارالخلافه شد و تفصیل هدایائی که بمصاحبت مسیو بارون اعلیحضرت پادشاه پروس بجهة حضور همایون اهدا نموده بودند از قرار ذیل است (تصویر نواب نایب السلطنه دولت پروس در پرده بزرک با چارچوبه و اسباب شایسته) (گلدانهای چینی بزرگ و کوچک منقش که بسیار امتیاز دارد) (نشان سلطنتی دولت پروس) (میرزا احمد خان نایب وزارت امور خارجه بلقب نیابت اول وزارت خارجه و نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا بمنصب جلیل سرتیپی اول در افواج نظام و خلعت همایون مفتخر گردید حکومت بروجرد و اضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بنواب الاحتشام الدوله خانلر میرزا مرحمت فرمودند و نواب والا عضد الدوله حکمران سابق بروجرد را بحکومت ملایر و تویسرکان مامور فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان بلقب امین دیوانی و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید سردار کل عساکر منصوره عزیزخان بیکقطعه نشان امیرنویانی مکلل بالماس با حمایل مخصوص این رتبه سرافراز و این علامت افتخار از دربار همایون بآذربایجان برای معزی الیه انفاذ داشتند رستم خان و فرضی خان ایل بیکیان ایل شاهسون اردبیل و مشکین که حسب الامر در تخته قاپو کردن ایلات و عشایر شاهسون اردبیل و مشکین خدمات کرده بودند بمواجب سرتیپی و نشان و حمایل سرتیپی سیم نایل شدند میرزا ابوالقاسم معین الملک پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه مبارکه بیکقطعه نشان سرهنگی از مرتبه اول با حمایل مخصوص آن مفتخر گردید محمد اسمعیل خان

وزیر کرمان بلقب وکیل الملکی ملقب اند چون بعضی از تراکمه که در بعضی از قطعات خراسان و کرگان هستند بنا بر عادت و جبلت اغلب بتاخت و تاز و قصد مینمایند و در این ایام مروشاه جهان را محکمه و محل اجتماع خود قرار داده اند حسب الامر قشونی به تنبیه ایشان مامور خراسان شد و نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان و سردار قشون این مملکت با قشون بطرف مرو حرکت نمود و در هر یک از ولایات ممالک محروسه حسب الامر مجلس مصلحت خانه بر قرار و گفتگو در مصالح ولایتی مینمایند

وقایع و سوانحی که در این سال که تمام عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتائونی ینکی دنیا

در دوره سفر ثانی بوا شنکتن نصب ابراهیم لنکلن بریاست جمهور و عزل بوکانان که مدت ریاست او باتمام رسیده بود دیگر مجلس جمهوری تازه آزادی غلامان را طالب است بعضی ایالات که غلامان بسیار داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرکه ایالات متحده اتائونی خود را خارج کنند از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجد بر این هستند که نگاهداشتن غلام از واجبات است کارولین جنوبی است اهالی این ایالت بعضی امکنه که مخصوص دولت بود از جبه خانه و چاپارخانه و قورخانه و گمرک خانه متصرف شدند و بنای شورش گذاشتند

اسپانیا

منازعه سخت اینه دولت با مرقش سردار قشون اسپانیول ادنل است فتح شهر تتوان از شهرهای مرقش بدست سردار مذکور ملاقات بمقابله سردار مذکور با برادر پادشاه مرقش برای صلح حرکت قشون اسپانیا بسمت تانژر اضطراب اهالی مرقش و عجله در صلح و قبول ادای بیست کرور تومان ایران و قبول بندر بوانی بکنفر ایلچی اسپانیا در فز پای تخت مرقش شورش و فتنه اشخاصیکه طالب سلطنت دن کارلس که یکی از بنی اعمام علیا حضرت ملکه اسپانیا است حبس بعضی از معارف که باطنا با دن کارلس مراوده داشتند محبوس نمودن پنج نفر از کشیشهای پروتستانی مذهب که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند مسافرت علیا حضرت ملکه با یالات شرقی افتتاح راه آهن از والادلید به بورغس طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد رسانیدن جمعیت اسپانیا در این سال سی و یک کرور و صد و هفتاد و سه هزار و پانصد و سی و شش نفر است اینه دولت بعد از فتوحات نمایان که در مرقش کرده بتوسط دولت فرانسه میخواهند جزو دول اول فرنگ شمرده شود لیکن دولت انگلیس از ترس اینکه مبادا بعد از امضای این مسئله

دیگر امانوئل پادشاه پیمون نیز همین داعیه را داشته باشد قبول نمیکند

افریقا

اغتشاش داخله در مملکت حبش منازعه مابین تقوسیه پادشاه واقعی و تادرس شخص اجنبی که داعیه
سلطنت دارد ورود دوسیل نام از صاحب منصبان بحری فرانسه بداخله حبشه و صحیح و سالم مراجعت کردن

المان

نواب نایب السلطنه پروس در افتتاح راه آهن ساربروک حضور بهم رسانیده در مجلس جشنی که از برای اینکار
منعقد شده صراحةً اظهار داشت که ملت المان متفقاً و تماماً راضی بر این نمیشوند که بقدر یک بند انگشت
از دولت المان بتصرف خارجی در آید بعد از مقدمه پیش و ساوا اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بمملکت
بادن رفته با نواب نایب السلطنه پروس و سلاطین باویر و ورتنبرک و بادن و ساکس و هانور ملاقات مینماید
و اظهار دوستی میکنند ملاقات اعلیحضرت امپراطور پروس و اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور
اطریش با یکدیگر و ملاقات نواب نایب السلطنه پروس با اعلیحضرت پادشاه انکلستان در اکس لاشاپل
ایضاً ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در ورشو اظهار عداوت نمودن پادشاه باویر با ویکتر
امانوئل وحشت پروس از اتحادیکه دولت فرانسه و [۲] در نظر دارند در مجلس وکلاء دولت بعضی تکالیف که راجع
بقشون است مینماید و تمام این تکالیف مقبول میشود ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین المان و
گفتگوی اتحاد در میان آوردن ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش با نواب نایب السلطنه پروس وحشت
اهالی المان از دولت فرانسه و تدارک جنگ دیدن اتحاد مابین دولت اطریش و باویر افتتاح راه آهن از
وینه پای تخت اطریش بمونیک پای تخت باویر فوت نونسیده معروف مجار اس زشینی و عزای عمومی در
این مملکت استقراض سیصد کرور تومان ایران از برای بعضی مخارج لازمه اطریش عزل وزیر مالیه
بارن بروک اتهام این وزیر بتقلب و بعد از اشتهار این خبر بلافاصله خود را هلاک میسازد حکومت
جنرال بندک بمجارستان قرض دولت اطریش در اینسال دو هزار و سیصد و سی و یک کرور تومان ایران
بوده است اهالی مجار طالب خودسری و آزادی اند انقلاب و شورش در مجارستان در اواسط پائیز بوده است
عزل جنرال بندک از حکومت مجارستان و نصب او بحکومت وینه فوت بارن استین که عالم بالسنه شرقیه

[۲] روس و

انکلیس

اتهام ایلچی انکلیس لرد کولی که مامور در دربار فرانسه بود بدوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن
بعضی اسرار دولتی را اگر تکلیف او اظهار اینها بدولت متبوعه خود بود محض دوستی با دولت فرانسه

اعضا را و بلند شدن و جواب دادن در مجلس وکلا میرلورد تومانی که او را متهم ساخته بود و مجاب نمودن
لورد تومانی و مجدداً معاودت بدولت فرانسه نمودن بهمان سمت سفارت هفتاد هزار نفر داوطلب
حاضر خدمت دولت انگلیس میشود اختراع توپ جدید دور زن در مملکت انگلیس موسوم به
ویت ورث شان دیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان داوطلبان جدید را و یکی از باغات لندن
ازین حاضر شدن داوطلبان و گفتگوهای در مجلس قدری استشمام کدورت مابین دولتین انگلیس
و فرانسه میشود اهالی منچستر نقار دولت انگلیس را با فرانسه صلاح نمیدانند مسافرت نواب
ولیعهد انگلیس بجزیره سفید و مراجعت نمودن بانگلیس و مجدداً در ظرف همین سال سفر کردن بکانادا
ینکی دنیا و اتاونه مالیات بستن بر تنباکو و نمک در هندوستان سفر اول کشتی بزرگ معروف
به میر اعظم از سوت هامتن بندر انگلیس به ینکی دنیا در تابستان فوت امیرال ناپیر
لورد دالهوزی که فرمانفرمای هند بود وکلای ملت انگلیس بر ضد این خیال هستند که دولت
فرانسه نیس و ساوا را که جزو مملکت ایطالیا بوده در صدد الحاق بمملکت خود است اگر چه در افتتاح
پارلمنت فرانسه اعلیحضرت ناپلیون فرانسه بالتصراح الحاق این ایالت را بمملکت فرانسه اظهار مینماید
ازین الحاق دولت پروس نیز متغیر است و دولت اطریش و روس ساکت و بیطرفاند دولت
سود با انگلیس و پروس شریک است

ایطالیا[1]

مسیو کاوور صدر اعظم و وکلای ملت پیمون و لمباردیا در یک مجلس جمع مینمایند بجدایی رم با پاپ
متفق اند و استقلال جسمانی او را طالب اهالی تسکان تبعیت پادشاه ایطالیا را طالب اند حکومت
پورتی گاردی بنا از اقوام پادشاه با ایالت تسکان[2] لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصی را که در صدد
گرفتن مملکت روم از او هستند گاری بالدی از اعلیحضرت ویکتر امانول بواسطه واگذاشتن
نیس و ساوا بفرانسه رنجید و دو پادشاه ساردن قلوانش در بهار جنرال لامرسیر از سرداران
فرانسه که در جلوس اعلیحضرت ناپلیون بسلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری
عساکر پاپ را میکند پادشاه ناپل ویکتر امانول را متهم براین مینماید که گاریبالدی بتحریک
او بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل گذاشته پادشاه ناپل از دول فرنگ طلب اعانت و حمایت میکند
ولی اضطراراً بتوسط دولت فرانسه قبول تبعیت ویکتر امانول را مینماید و رنگ بیرق این پادشاه را
قبول نموده بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنگ ویکتر امانول افراشته شد شورش و انقلاب

اغتشاش[2] در مملکت ناپل

مجدد

سمت در ایالت ناپل در شهر ناپل علی الخصوص محارم و هواخواهان پادشاه ناپل و رانها کذاشته
بسمت ویکتور امانوئل میروند حتی عموی پادشاه کنت سیراکوس گاریبالدی را زفی اولی باستقبال
و دوستی با قلم تمام ایالت ایطالیا را بشورش و انقلاب وا دارند یکی از اعمام پادشاه ناپل کنت داکیلا با تمام اهنکر
با گاریبالدی مراوده داده پادشاه او را از مملکت ناپل بعید رانده نزدیک شدن گاریبالدی بحوالی
شهر ناپل و فرار پادشاه از راه دریا و ورود گاریبالدی با لدی فاتح و ظفر در اوایل پائیز بشهر ناپل و خطبه
بنام اعلیحضرت ویکتور امانوئل پادشاه تمام ایطالیا خواندن اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه باطنا
مایل باینست که مملکت ناپل که در زمان سلطنت ناپلیون اول از آن پرنس مورا شوهر همشیره
ناپلیون اول بود حالا نیز بحسب ارث باولاد او تعلق کیرد اضطراب دولت ایطالیا ازین خیال
تهدید نمودن عساکر ایطالیا حضرت پاپ را اکر قشون ملل خارجه را از رم اخراج ننماید گاریبالدی
اعلان میکند ما دامیکه پادشاه ایطالیا در عمارت کیرینال که یکی از عمارات حضرت پاپ است در
شهر رم جلوس ننماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع باتحاد مملکت ایطالیاست نخواهد شد.
و ازین کلام چنین مفهوم میشود که گاریبالدی میل تصرف رم دارد و از هیچ چیز متألم نیست مکر
از سلطنت جسمانی پاپ و الحاق نیس و ساوا بمملکت فرانسه فرستادن دو فوج جدید از مملکت
فرانسه بجهة حفظ حضرت پاپ بروم رنجش دولت فرانسه ازین کلمات و احضار سفیری که در ایطالیا
داشت پناه جستن پادشاه ناپل در شهر گائیت مغلوب شدن عساکر پاپ بسرداری جنرال
لاموریسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن جنرال لعزبو و بدست سردار ایطالیا گاریبالدی وعده
میدهد که هر کس فرانسوای دوم پادشاه ناپل را مقتول نماید مبلغ کزافی هر سال بعیال و اولاد او
داده خواهد شد عساکر ایطالیا تا یکفرسخی شهر رم تاختند و بواسطه بودن قشون فرانسه در
شهر رم تجاوز از آن مکان را صلاح ندیدند در یکی از جنکهای با پادشاه ناپل شخص پادشاه با پنج
هزار مرد با گاریبالدی جنکید سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در
گائیت گذاشته در رم نزد پادشاه رفتند ورود فتح آمیز ویکتور امانوئل بشهر ناپل پادشاه ناپل
بجمیع سلاطین فرنک اظهار تظلم مینماید ولیکن این تظلم بی فایده میشود محاصره شهر گائیت توسط
چالدینی سردار ایطالیا کاغذ اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بپادشاه سابق ناپل که زیاده
برین در صدد منازعه با پادشاه ایطالیا بر نیامده جان خود را در تحت حمایت فرانسه دانسته با کشتیهای
فرانسه دور از مملکت خود شود پادشاه ناپل قبول ننموده در شهر گائیت متوقف میشود ورود

مادر

گاری بالدی وقشون داو طلبی که مطیع او بودند بسیسیل حرکت گاری بالدی بسمت ناپل
قشون فرستادن فرانسه در رم بجهة حفظ حضرت پاپ احضار دولت روس ایلچی خود را از ایطالیا

بلژیک

رضایت مردم از پادشاه خود وعید جلوس او را با کمال شکوه بر پا داشتن

چین

منازعه ما بین چین و دول انگلیس و فرانسه دوازده هزار قشون انگلیس بسرداری امیرال هُپ و جنرال گرانت و یکدسته قشون فرانسه بسرداری جنرال منتُبان در بهار امسال شروع بجنگ مینمایند و در میمن بین باغهای تی پنگ بعضی از ایالات چین را قتل و غارت مینمودند و تا حوالی شانگای راندند فتح قلعه پیتانگ بدست قشون متفقه یورش بقلعه جات پیهو فتح قلعه جات پیهو و بدست آوردن توپخانه زیاد فتح شهر تین سین که سیصد هزار جمعیت دارد حرکت قشون متفقه بسمت پکن پای تخت شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار و موسوم بسان کو لن بود فتح پالی کاو و در یکفرسخی پکن شکست چهل هزار چینی در این نقطه فرار خاقان چین بسمت مکدن ورود قشون فرانسه بشهر تنگچو که چهار صد هزار جمعیت دارد غارت نمودن یکی از عمارات ییلاقی سلطنتی ورود قشون متفقه بحوالی پکن مصالحه ما بین دولت چین و دول فرانسه و انگلیس در پکن در این مصالحه تین سین مفتوح از برای تجارت دول مزبوره خواهد بود و از این تاریخ ببعد دول فرانسه و انگلیس حق داشتن ایلچی در شهر پکن خواهند داشت مطالبه خسارت جنگ گزاف دول متفقه از چین جنرال اگناتیف مامور روس از برنس کنگ برادر خاقان که سمت صدارت[2] بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت

داشت[2]

دانمارک

جمعیت این مملکت در این سال سه کرور و صد و پنج هزار نفر است

روس

افتتاح راه آهن از پطربورغ تا بودنا بود که هفتصد هزار ذرع فوت مادر اعلیحضرت امپراطور در سن شصت و دو سالگی دولت روس پنجاه هزار قشون بساحل پروت سرحد عثمانی روانه میکند عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال مینماید دولت فرانسه دولت عثمانی را تهدید میکند که قوانین جدیده

دردناحیت

دررفاهیت علیسویان تبعهٔ خود را ایجاد سازد

ژاپن

قتل یکی از ترجمین سفارت انگلیس در روز هفدهم نفر نایب السلطنه حمله برده بدن او را مجروح میسازند

[illegible]

عثمانی

انعقاد مجلس بریاست محمد پاشا صدر اعظم بجهة قرار دادلازم که علیسویان تبعهٔ عثمانی در رفاهیت
وآسودگی باشند در کوه لبنان شام منازعه سخت مابین طایفهٔ دِرُوز ومارُونیت در روزها که مسلمانه
هستند دهات مارونیتها را که علیسوی هستند میسوزانند واهالی را قتل مینمایند قشون دولتی نیز
در اینعمل شنیع با انها شریک است در صعیدا و بیروت و دمشق و دیر القمر نسبت بعلیسویها قتل وغارت
سختی واقع میشود نسبت بقونسولهای دول فرنگ نیز بی احترامی سخت وارد مینماید در شهر دمشق
مدت پنج روز متوالیا مسلمانها هر کجا علیسویها را اگر میبا[ف]تند بقتل میرسانیدند حتی قونسول هلاند
مقتول و قونسول ینگی دنیا مجروح کردید قشون دولتی عثمانی رفع غایله نکرده بلکه کمک مینمایند
امیر عبد القادر الجزایری که در دمشق مسکن داشت جمعی از علیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود
نگاه میدارد اعلیحضرت سلطان بمحض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فواد پاشا را مامور دمشق
مینماید دولت فرانسه جدّاً در صدد تحقیق اینعمل است و دول فرنگ را با خود شریک میسازد ورود
فواد پاشا در بیروت وحبس جمعی از اشرار وقتل بعضی از انها علی الخصوص خورشید پاشا والی شام که متهم
باینعمل است محبوس میشود بعضی از سردارهای بزرگ و مشیرهای معتبر که هفتاد نفر تقریبا میشدند
بحکم فواد پاشا بسیاست میرسند ورود عساکر فرانسه از راه دریا بر بیروت مامورین دول فرنگ از برای
تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش میکنند بالاخره بعد از تنبیه اشرار خساراتی که بطایفهٔ مارونیت
وارد امده است علی التخمین بشکرور تومان ایران مقرر میدارند که چهار کرور دولت عثمانی از خزانه
و دو کرور طایفهٔ دروز بدهند از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار و دویست نفر
بیشتر سبب شرارت وقتل بودند اینمبلغ را این هزار و دویست نفر باید بدهند شورش در بالتیسبانی
قتل والی منتنگرو دانیل مضبب برادرزاده او در سن نوزده سالگی بجای او فوت والی سِرْوی میلُس
وولایت پسرش میشل بجای او ایجاد قانون در مملکت تونیس افتتاح راه آهن بطرسبورغ کسوف شمس بالتمام
در هیجدهم ژولیه اوایل تابستان که عثمانیها این را دلیل شومی دانستند اما تفصیل قتل علیسویان
لبنان از اینقرار است

در کوهستان لبنان دو طایفه سکنا دارند یکی دروز و دیگری مارونیت و لااصل و نسب اینطایفه از بنی قرامت
دروز یکی از طوایف شام که در سمت شمال عکه در ناحیه که ممتد است از بعلبک به آرنون در ساحل بحر
سفید سکنی دارند و علی التحقیق جمعیت دروزها یکصد و بیست هزار نفر میرسد چهل هزار نفر از اینها
قابل حمل اسلحه و جنگی هستند جنگجو و مهمان نواز میباشند مذهب اسلام را تبعیت دارند لیکن الحاکم بامر الله
مصری را پرستش میکنند و عقیده ایشان اینست که خداوند تبارک و تعالی در جسم الحاکم بامر الله حلول کرده
بود و باین لباس بهدایت مردم آمده بود و بعضی عقاید ملل متفرقه را نیز دروزها جزو دین خود کرده اند
و در لبنی اینطایفه در دیر القمر سکنی دارد اینها را دروز باینجهة میگویند که دروز نام که از خواص الحاکم بامر الله
بود سمت اجتهاد باینها داشت و در تحت لوای همین دروز اینطایفه از مصر مهاجرت کرده بکوهستان لبنان
پناه جستند مدتها بدولت عثمانی یاغی بودند تا در سنه هزار و پانصد و هشتاد و هشت مسیحی مطابق
نهصد و نود و هفت هجری سلطان مراد سیم اینها را ایل نمود

مارونیت یکی از طوایف شام که در سمت طرابلس شرق سکنی دارند و با دروزها همکوش اند و صد و پنجاه
هزار نفر تحقیقاً عدد این طایفه است اطاعت بیک امیری که در بیکلس سکنی دارد مینمایند در سنه ششصد
و سی و چهار مسیحی مطابق سنه سیزده هجری در زمان خلافت خلیفه دوم وقتی که قشون عرب فتح شامات را
کرد یوسف نام که از اعیان بیکلس بود و عیسوی مذهب با تبعه خود بکوه لبنان پناه جست و از آنوقت
تاکنون در آنجا سکنی دارند و کاتولیکی مذهب و تابع پاپ هستند

تا سنه هزار و هشتصد و چهل مسیحی مطابق هزار و دویست و پنجاه و شش هجری رقابت دو طایفه مزبوره
چندان معلوم نمیشد و ظهوری نداشت چراکه هر وقت مخاصمتی در میان اینها رومیداد شاهزاده بشیر که
آنوقت ریاست مودوثی باینها داشته در صدد دفع و رفع آن برمیآمد تسلط و ریاستش بر عیسویها
و مسلمانهای آنجا یکسان بود و دولت عثمانی را نمیگذاشت که در مقام تقویت مسلمانها برآید و بطایفه طرف مقابل
اذیت برساند تا در سنه هزار و هشتصد و چهل و چهار مسیحی مطابق هزار و دویست و شصت هجری دول
متعهد علی رغم دولت فرانسه دوباره شام را از محمد علی پاشای مصری انتزاع نموده جزو دولت عثمانی
کردند دولت عثمانی ایالت لبنان را جزو شامات نمود تا اخراج گذار بواسطه نشود و بنفسه ایالتی شمرده نشود
و اینکار را برای این کرد که بطایفه دروز محض همدینی دغابتی بکنند و از اینها تقویت نماید فی الواقع در الحاق
کردن لبنان بشام پولتیکی منظر داشت این پولتیک عثمانی آخر کار بجائی منجر شد که ایالت لبنان منقسم
بدو قائم مقام نشین یکی قائم مقامی مارونیت که عبارت از عیسویان واقعه در سمت شمال کوههای لبنان باشد

و دیگری

و دیگری قایم مقامی دروز که عبارت از مسلمین واقعه در طرف جنوب جبال مزبوره باشد قایم مقامی
مارونیت با وجود یکه در سنه هزار و هشتصد و چهل و یک علیسوی و در سنه هزار و هشتصد چهل
و پنج بخونریزی عیسویان پرداخته بودند مجدداً در سنه هزار و هشتصد شصت زاید بر دو دفعه سابقه
اقدام باینعمل شنیع نمود طایفه مارونیت پس از انکه بیچاره ماندند و از هر طرفی از انها میکشتند و تا تلسا
دولت عثمانی بهیچوجه مواخذه و سیاست نمیکرد ملجا شده در بیروت مجلسی از علیسویان برای دادرسی
خود ترتیب دادند ولی غافل از اینکه اعتنائی بمدلول خواهش مجلس مزبور نمیشود پس از اینکه در چند جا عثمانیها
بعیسویان مارونیت تاختند وانها را بقتل رسانیدند و دهات انها را غارت کرده و آتش زدند طایفه
مزبوره همینکه خود را ذلیل و بیچاره و از خانه و زندگانی آواره دیدند اضطرارا بداخله مملکت رفتند که
بلکه در امان باشند باز در صعیدا دیدند که ترکهای عثمانی و طایفه دروز اتفاق کرده در صدد قتل
انها بر میایند بالاخره عثمانیها محض تقویت و همراهی بطایفه دروز دو شهر حسبیه و راشبه را با آنها
واگذار نمودند و آنها را در تسخیر شهر زاهل که طایفه مارونیت مستوا نستند حفظ و حراست نمایند حمایت
کردند در دیر القمر بکلی عداوت دروزها و عثمانیها بخونریزی طایفه مارونیت واضح کشت
عیسویها ئیکه در اینجا محصور بودند چون آذوقه و مایحتاج انها بانتها رسید و بقول و قرار داد و اطمینان
طاهر پاشای سرتیپ مطمئن شده تسلیم شدند پس از تسلیم بچنگ طایفه دروز و قشون عثمانی افتاده
بقتل رسیدند و تقریبا سه ربع از اموال منهوبه انها نیز قسمت و نصیب طایفه دروز و قشون کشت
ابتدا عثمانیها قدری جبن کردند که مبادا فقره قتل و نهب عیسویان در تمام ولایات شام منتشر بشود ولی
در آخر اعتنائی در این کار نکردند در دمشق نیز مسلمانها بعیسویان تاختند و در مدت ده روز شش
هزار نفر از انها بقتل رسانیدند و با وجود یکه احمد پاشای مشیر و سردار اکرم انجا بود بهیچوجه در مقام
ممانعت بر نیامد دوازده هزار نفر از عیسویان را امیر عبد القادر الجزایری که انوقت در دمشق
ساکن بود نجات داد امیر مزبور هزار و دویست نفر از اهل الجزایر در اینجا محکوم داشت همه را مامور
میکرد که دسته دسته در کوچه ها و برزنهای دمشق گردش کنند و عیسویانرا از چنگ مسلمانها نجات
بدهند بالمآل حالت غیظ و طیش مسلمانها بدرجه رسید که بفرنگیها هم تاختند و معابد و کلیسیاها
و قونسولگریهای انها را غارت نموده آتش زدند

(قشون فرستادن دولت فرانسه در سنه هزار و هشتصد و شصت تا سنه هزار و هشتصد و شصت و یک
و منظم ساختن ایالت لبنان در سنه هزار و هشتصد و شصت و یک)

پس از انکه خبر قتل و غارت عیسویان شام و دمشق منتشر شد اسباب افسردگی تمام دول فرنکستان کشت
اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه معجلاً از سلطان عثمانی ترضیه و جبران انکار را خواست و چون بلیا
باز قتل و غارت مجددا شد اینمرتبه دولت فرانسه بعثمانی و بر پنج دولتی که مصالحه منعقده در پاریس را
امضا نموده بودند اظهار کرد که قراری در این باب بکذارند چون برای نظم و نسق شام و دمشق لازم بود
قشونی از فرنکستان برود و باتفاق مامورین دولت عثمانی در اخذ و تنبیه مرتکبین بکوشند و قرار نظم
انجا را بدهند لهذا دولت فرانسه متعهد شد که چنین قشونی را از خود مامور سازد ولکن دولت عثمانی
بملاحظه دولت انکلیس که هیچوقت راضی نمیشود که قشون فرانسه در سمت شرق ظاهر شود در مقام طفره
برآمد اعلیحضرت ناپلیون سیم بمیو پرسینگی وزیر مختار دولت خودش که مقیم لندن بود نوشته
در انکا غذ او را واداد برفع سوء ظن انکلیس در بمقام نمود او نیز حسب الامر اعلیحضرت امپراطور کار را از
پیش برده در چندین مجلس انکلیس غلبه کرد تا اینکه در قرار مامورین قشون اطمینان حاصل کرد
در سیم ماه اوت سنه هزار و هشتصد و شصت جمیع دول فرنکستان قرار دادند که قشونی که مرکب از دوازده
هزار نفر باشد بشام فرستاده شود نصف قشون مزبور را فرانسه بدهد و نیز قرار دادند که مجلسی که اجزایش
وکلای دول فرنکستان باشد تشکیل داده قرار حکومت ایالت لبنان را بدهند و در تغییر و تبدیل
قرار دادها و احکامی که در سنه هزار و هشتصد و چهل و دو در لبنان مقرر شده بود بکوشند قشونی
که دولت فرانسه برای مامورین بشام معین کرده بود جزوی از قشون اردوی شالون بود در زمانیکه
قشون حرکت میکرد اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خطاب بانها کرده مضمون ذیل را ادا نمود
شما که مامور باین خدمت هستید چندان جمعیت و عدد نفوس زیادی ندارید ولی رشادت و جرئت
و حسن نیت شما شما را در انصفحات خیلی عظیم در نظرها جلوه خواهد داد قشون فرانسه در شانزدهم
ماه اوت سنه هزار و هشتصد و شصت وارد بمملکت شام شده و بتنهائی و خودی خود مامورین دولت
عثمانی را همراه باخذ و قید و تنبیه و سیاست اشرار و مرتکبین قتل عیسویان شدند در هفدهم ماه ژوئیه
فواد پاشا که با تسلط بلانهایه و اختیار تامه از اسلامبول برای اصلاح امور عیسویان و قلع و قمع قاتلین
انها مامور شده بود از کشتی بیرون امده و در بیست و نهم ماه ژوئیه داخل دمشق شد سه هزار نفر
نیز از قشون و غیره بهمراه داشت لدی الورود هفتصد نفر از اشرار دمشق را که زیاده از دیکران بانی
قتل عیسویان شده بودند دستکیر نمود احمد پاشای مشیر و حکمران دو شهر حسبیه و راشبیه را نیز بیچ
کردند بموجب تصدیق وکلای دول فرنکستان دو هزار و چهارصد و نود و یک نفر از طایفه دروز را

باشند

بطرابولی فرستادند که تا مدت پنج سال در انجا در زنجیر مرتکبین از تمام انها را نیز بجزای عملشان بحبس فرستادند
و در حق هر یک بفراخور تقصیر تعیین نفی و مدت حبس کردند · میان طایفه دروز اشخاصی از
رؤسای انها که بیش از همه مرتکب شرارت شده بودند و زیاده سیاست را مستوجب بودند فرار کردند
و از سیاست و مؤاخذه جستند · ژنرال دبوفور انها را تعاقب کرد تا در میانه تنگنای جبال موطن
خودشان انها را احاطه نمود لیکن غافل از این بود که قشونی را که همراه خود آورده عثمانی میباشند
و انها بر حسب هم مذهبی راضی بدستگیری مقصرین نیستند و از قشون فرانسه هم که همراه نداد و علاوه
قشون عثمانی صف نظامی خود را گشوده و انها را راه فرار دادند که بوادی غیر ذی زرع حوران فراری شوند
و همین کار را هم کردند · مامورین دول فرنکستان با زحمت و گفتگوی زیاد دولت عثمانی را مجبور کردند
که مبلغ چهار کرور و بیست و پنج هزار تومان تقریبا پول ایران در عوض ضرر و خسارت و خونبهای طایفه
مارونیت و سایر عیسویان دمشق و غیرها بدهد · دول فرنکستان در مقام امداد و اعانت عیسویان
شرقی عثمانی بر آمدند از جمله دولت فرانسه مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان پول ایران وجه اعانه بانها
داد همینقدر شد که طایفه مارونیت دوباره خانه های مخروبه خود را بر پا کردند و اسباب کسب و فلاحت

دوبران

خود را فراهم آوردند · بی اعتنائی مامورین عثمانی اسباب تعویق اصلاح امور شد و تا پنجم ماه ژوئن
سنه هزار و هشتصد و شصت و یک طول کشید و معاودت قشون فرانسه را زیاده بر شش ماه بتعهد
تاخیر انداخت · دولت فرانسه در کمال میل حاضر بود که دایما قشونش را در سمت شرق عثمانی نگاه دارد
لیکن باب عالی بصوابدید انکلیس که دایما سوء ظنی در ظهور و توقف قشون فرانسه در سمت شرق
داشت در صدد قبول قرار داد و همه تکالیف وارده بر او بر آمد و مراجعت قشون فرانسه را خواهش
نمود · مسیو توونل وزیر امور خارجه فرانسه در جواب باب عالی نوشت چون قشون ما از جانب همه
دول فرنکستان مامور بشام شده است باید زمان و روز مراجعتش را نیز همه دول تعیین نمایند و بعد
از ان دولت فرانسه آزاد میشود و بخودی خود تکلیف خود را معمول خواهد داشت · بالاخره پس از قرار
داد و اصلاح امور آنسامان قشون فرانسه از شام حرکت کرده معاودت نمود · کلیه مقصود دولت
فرانسه هم رفاه و فراغت لبنان بود و مقصود داشت که یکی از خود اهالی لبنان را بریاست ایالت مزبوره
والی نماید در مجلس وکلای دول فرنکستان چنین صلاح دیدند که این والی را از باب عالی تعیین نماید
و باید والی مزبور عیسوی باشد تا سه سال هم معزول نگردد و نیز قرار دادند که جزء اعظم از سکنه
لبنان عیسوی باشند · قرار مجلسی نیز در مرکز ایالت مزبوره دادند که مرکب از دوازده نفر باشد و هر چند

نفر از اینها از جانب طایفه و قبیله وکیل باشند همه ایالت لبنان را منقسم بشش محال کردند و هر محالی را
منقسم بچند کدخدائی نمودند و در هر کدخدائی از هر طایفه یک کدخدا قرار داد نمودند و باینها اختیار
رسیدگی بامور دادند دیر القمر را مقر حکومت و والی نشین کردند والی که ابتداء بوالیکری آنجا
نامیده شد یکی از ارامنه کاتولیکی مذهب موسوم بداود پاشا بود این والی را بموجب تعیین دولت
فرانسه از باب عالی ماموریت داده بودند پس از انقضاء سه سال مجدداً والیکری بخود پاشای مشار الیه
تفویض کردید خلاصه کلام ایالت لبنان بحالت اول آمده و اهلش باهم تجدید اتفاق نموده بزندگانی
و تحصیل معیشت مشغول شدند انصافاً اهالی لبنان باید خیلی ممنون و مرهون دولت فرانسه باشند
چرا که در میان جمیع دول فرنکستان فقط دولت فرانسه در هیچ جهة قصور نکرد و از پولتیکی که در سنه
هزار هشتصد و شصت بخرج دادند استحاصل ننمود

فرانسه

استعفای مسیو والفسکی از وزارت خارجه و نصب تُوونِل که سابقا در اسلامبول سفیر کبیر بود بجای او
ورود داخر دسته قشون فرانسه بپاریس از ایطالیا باتفاق مارشال واپان فوت کراندوشس استفانی
از اقوام مادری اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم که دختر خوانده اعلیحضرت ناپلیون اول بود فوت پرنس
ژرم برادر اعلیحضرت ناپلیون اول و عموی اعلیحضرت ناپلیون سیم در سن هفتاد و شش سالگی مسافرت
اعلیحضرت امپراطور به نیس و ساوا و جزیره کرس و به الجزایر ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور ایجاد قانون
ملمع در الجزایر که هم ملت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان در سنگال که پادشاه
آنجا بدست برادرزادگان خود مقتول میشود و پسر آن پادشاه منصوب شد قاتلین پدر را بدست
آورده بسزا میرسانند این قتل و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه نمیکاهد عهدنامه تجارتی
با بیرمان فتوحات در ماچین فوت خواهر علیاحضرت امپراطریس دوشس دالب مسافرت الیها
بانگلیس و پذیرفتن اعلیحضرت پادشاه انگلستان او را در وندزر موقوف داشتن تذکره عبور مابین
انگلیس و فرانسه منافع و مداخل شهر پاریس تنها در این سال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایران است

اعلیحضرت

در این مدت

ینگی دنیای جنوبی

سلطنت یکی از تبعه فرانسه آنتوان نام در ایالت اروکانی که خود را بآن توان اول موسوم
کرده بود

شرح سال چهاردهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت پیچی ئیل ترکی

در ابتدای این سال خجسته مآل جمیع توجه خاطر خطیر همایون باشاعه عدل و انصاف و رسیدگی بعرایض وزرا و رؤسای ادارات و آسوده داشتن کل رعایا و برایا است تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه بنا و راست مصطفی قلیخان حاکم سبزوار فوج جدیدی از سبزوار گرفته و محمد هاشمخان ولد معزی الیه بسرهنگی فوج مزبور برقرار گردید حسب الامر نواب ملک آرا حکمران مازندران و استراباد با بعضی از قشون مامور استراباد تراکمه داز را تنبیه سختی نموده ولی محمدخان یلوه افواج خمسه که تا مسافت زیادی ترکمانها را تعاقب کرده بود مقتول شد بعد از آن شاهزاده ملک آرا آتا قتلو که بجوحه ترکمن است رانده تدمیری بسزا از اشرار اینطایفه بعمل آمده است میرزا رضا و میرزا حسین از شاگردانی که مامور تحصیل در پاریس بودند خوب ترقی کرده و معلمین فرنگ بآنها اجازه طبابت داده اند محض رسیدگی کامل بعرایض ملهوفین و متظلمین و احقاق حقوق و مزید آسایش آنها روزهای یکشنبه را قرار دادند سفرا حضرا در جائی مخصوص بدیوان مظالم ذات ملکوتی صفات مقدس بنفس نفیس همایون جلوس فرمایند و بار عام بعارضین از هر صنف و هر رتبه دهند و دستخط جهانمطاع مبارک مبنی بر شرح این قانون معدلت نمون شرف صدور یافته که صورت آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

دستور العمل و قاعده و وضع عارضین عموم مردم از بزرگ و کوچک هر کس که باشد در روزهای یکشنبه از صبح زود الی غروب که ما خود بنفسه گوش بعرض آنها خواهیم داد از اینقرار است

در روزهای یکشنبه نباید وزرا و غیره عرض خارجی بکنند از قبیل نوشتجات ولایات و غیره و غیره و غیره این روز مخصوص است از برای رسیدگی عرایض و مطالب عموم مردم مگر امور بسیار واجب و در هذا الیوم باید بعرض برسد

و در این روز نایبان ایشیک آقاسی باشی کلا و نسقچیان و نایبان هم باید حاضر درب خانه باشند با ایشیک آقاسی باشی

معتمد الدوله و نایب الصدر باید در این روز از صبح زود در حضور حاضر باشند که احکام عارضین را بمعتمد الدوله بفرمائیم و نایب الصدر ثبت عرایض و حکم را بر دارد و بخصوصه یک کتابچه سفید باید معتمد الدوله همراه داشته باشد که نایب الصدر در آنجا عرض و جواب هر یک را ثبت کنند

نظم آوردن عارضین بحضور و بردن بیرون بعهده محمد رحیم خان نسقچی باشی و حاجب الدوله و اجودانباشی است
کرده‌اند آن روز هر سه از اول صبح باید در بخانه حاضر باشند

وضع آمدن عرضچیان بحضور آنها باید در نزدیکی در بخانه اجتماع کنند باید اگر در شهر است یا در میدان یا
در توپخانه و اگر شمیران و ییلاق است در صحرا باشند و یک یک و دو دو بیایند در بخانه عرضچی اگر عددش
از دو نفر بالاتر است باید از حریم اولی تجاوز نکنند و یکنفر از جانب خودشان وکیل کرده بحضور بفرستند اگر
عددش از دو نفر بالاتر نیست همان دو نفر ماذون هستند بیایند حضور و عرضشان را بکنند و در حضور
همینکه یکی شد که عبارتشان دو نفر باشد عرضش با تمام رسید و مرخص شد بعد از رفتن آنها عرضچی مجدد
بیاید نه اینکه عرض تمام نشده دسته دیگر حاضر حضور باشند

در این روز فوج قراول در بخانه باید با لباس خوب از اول صبح الی تمام عرض عارضین حاضر باش کرده بایستند
با ترتیب با سرهنگ همان فوج و یکدسته قراول مخصوص سوادکوهی با سلطان آن دسته زیر پله عمارت بایستند
با لباس خوب و بیست نفر تفنگدار زیر بالا در عمارت بایستند و فراش خلوتیان و پیشخدمتان کشیک آن روز
هم باید حاضر باشند و همچنین صد نفر فراش با نایبان در بخانه حاضر باشند

اگر عرضچیان در محل اجتماع قال و قیل شود مورد تنبیه سخت خواهند شد باید اعلام کرد با آنها که در وقت
اجتماع و عرض و غیره ساکت باشند

غرض از رسیدن بعرض عارضین دفع ظلم از مظلوم است نه اینکه هر کس بخیال خود شبها فکر کرده در آن روز
عرض کند مثلا خواهش مواجب و اضافه مستمری و تیول بی معنی باید اعلام کنند هر کس اینگونه عرضی کند همان
در حضور مورد تنبیه خواهد شد

چون منظور نظر مبارک غور رسی و دفع ظلم و اجحاف از ضعفا و مظلومین است لهذا هر کس در ولایات بعیده
باشد و دسترس بدربار همایون نداشته باشد باید عرض خود را در عریضه نوشته سرش را بسته سر بمهر
بضابط چاپار همان ولایت بسپارد و کذا و هم بی آنکه کسی مطلع شود سربسته عریضه آنکس را بچاپار بدهد که در جزو
نوشتجات ولایات بعرض خاکپای همایون برسد موافق عدل و انصاف حکم شود انتهی

چندی میرزا حسین مستوفی به پیشکاری دار الخلافه برقرار بود ولی این اوقات مجدداً وزارت دار الخلافه را بمیرزا
موسی مرحمت فرمودند

شب ششم صفر که شب عید مولود مسعود همایون اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه میباشد در تمام ولایات ممالک
محروسه جشن گرفتند و روز این عید سعید سلام عام در قصر نیاوران منعقد گردید رؤسای دار الطباعه

دولتی و طبع روزنامجات را بمیرزا ابو الحسن خان نقاشباشی غفاری که مقدم اساتید و یگانه زمان است تفویض
فرمودند و روزنامه دولتی مصوّر شد بعد از مأموریت نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان و قوام الدوله وزیر
آن ایالت با عساکر منصوره بمرو همینکه نزدیک بقلعه شهر قدیم مرو موسوم بقلعه محمد نیاز خان میرسند
ترکمه بکمربند در جلو آمده و در آمده و لیکن چون مقاومت با قشون ظفر نمون را فوق قوت و طاقت خود می بینند
بعد از یکفقره شکست عیال و اطفال و احمال و اثقال خود را برداشته در تاریکی شب از قلعه بیرون می آورند
فردای آن روز سپاه منصور وارد قلعه شده آنجا را خالی از سکنه دیده و لیکن آذوقه بسیار در آنجا بوده که نصیب
قشون نمون گردیده بعد از آن عزم تسخیر یلاتان کرده آن قلعه را نیز مسخر کرده و طایفه سالور را منقاد نموده اند نصرت
صفر علیخان سرتیپ سواره اینانلو را نیز با هشتصد نفر سواره ابواجمعی خود و یکعراده توپ تنخواهی بجهة عساکر
اردوی مرو از دار الخلافه میبرد مشار الیه بمنصب سرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز گردید عباسقلی
خان معتمد الدوله بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون سرافراز گردید شاهزاده جلال الدین میرزا بمنصب
آجودانی مخصوص حضور مبارک سرافراز گردید را بنا و ان که حکومت عربستان و لرستان با ضیاء الملک والد
مؤلف است این بنده نایب الحکومه عربستان می باشد مسیو روس در دار الخلافه تفنگهای شش خان بسیار
خوب ساخته همچنین در دار الخلافه چاشنی خیلی ممتاز برای این تفنگها میسازند طرفه نیز برای توپ مسیو
روس اختراع کرده که دیگر احتیاج بفتیله و مهتاب و آتش ندارد یکپارچه سیمی بطرفه وصل کرده و در سماله
بان سیم متصل و در دست توپچی است محض حرکت طرفه آتش میگیرد و در کمال سهولت توپ را آتش
میدهد نواب والا حشمة الدوله و قوام الدوله را از خراسان احضار فرمودند و نواب والا حسام السلطنه
بحکمرانی خراسان مامور و محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی را بلقب ظهیر الدوله ملقب و بسمت پیشکاری و سرداری
آنجا مقرر فرمودند و محمد ابراهیم خان پسر جناب ظهیر الدوله را بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی دادند نواب
والا مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب گردیدند محمد ابراهیم خان سرتیپ اول افواج خمسه بلقب مظفر الدوله
سرافراز گردید در مشق خانه خاصه و زرادخانه حسب الامر قانونی برای نظم کلیه قشون و جبه خانه و توپخانه
وغیره نوشته میشود حسین خان حاکم همدان بخلعت همایون نایل شد نواب کیومرث میرزا حکمران کرمان
ملقب بعمید الدوله گردید جناب شیخ عبد الحسین مجتهد که از جانب سنی الجوانب همایون مامور بساختن
و وسعت دادن صحن مقدس و تعمیر گنبد مطهر حضرت سید الشهدا علیه السلام می باشند بقدر هزار ذرع
زمین از خانهای نزدیک بصحن خریده و خراب کرده و بر صحن مقدس افزوده در جمیع اطراف آن حجرات تحتانی

وفوقانی

فوقانی ساخته که بجهت زوار محل سکنی باشد و گنبد مطهر را نیز بخوبی تعمیر کرده همچنین بقعه منوره حضرت عباس را مرمت
نموده اند در دارالخلافه باهره و در اصفهان جنس و غله تسعیر دارد و از سایر ولایات ممالک محروسه باین دو ولایت گندم
و برنج و غیره حمل مینماید میرزا غفارخان صدیق الملک نایب اول وزارت امور خارجه بمنصب وزیر مختاری و ایلچی
مخصوص این دولت سرافراز و مامور اقامت سنت پطرزبورغ گردید بیکقبضه شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل
گشت میرزا جوادخان ولد مشارالیه مامور رسیدگی امور تجارتی دول خارجه که محول بصدیق الملک بود
شد میرزا رضای نامه نگار با اعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی و یکرشته حمایل زرد قرین مباهات آمد حاجی
نور محمد آقای تاجر تبریزی بلقب مشیر التجاری مفتخر گشت میرزا نصرالله لشکرنویس باشی با اعطای یکقطعه نشان
سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه مباهی گردید میرزا رضا پسر مرحوم میرزا مقیم مستوفی که در پاریس مشغول
تحصیل علوم طبی و جراحی بود تصدیق دکتری گرفته بدارالخلافه مراجعت نمود میرزا محمد حسین دبیرالملک
بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید یحیی خان آجودان مخصوص سرکار اعلیحضرت همایون
که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجه اول مجیدیه برای امنای
این دولت جاوید شوکت ابلاغ نمود و امنای مسطوره از شاهزادگان عظام نواب والا نصرة الدوله و
نواب والا اعتضاد السلطنه و از وزرا جناب آقای مستوفی الممالک و جناب عباسقلیخان معتمد الدوله
و جناب سپهسالار و جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه بودند سیم تلگراف که حسب الامر مقرر بود از
دارالخلافه الی تبریز کشیده شود باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم در ماه رجب این سال باتمام
رسیده است و نواب معظم الیه با اعطای یکثوب جبه ترمه تن پوش مبارک و یکقبضه قمه مفتخر گردیدند
میرزا محمد حسین پسر مرحوم میرزا احمد طبیب افشار بعد از مدت پنجسال تحصیل علوم طبیه در پاریس تصدیق دکتری از
حکمای فرانسه گرفته بدارالخلافه باهره معاودت نمود علیقلیخان رئیس کل تلگرافخانه ممالک محروسه نایب
دویم وزیر علوم بنشان و حمایل سرهنگی از درجه اول و خلعت همایون مفتخر گردید و سایر صاحبمنصبان
تلگرافخانه بمناصب خلاع و انعامات شاهانه نایل شدند والد مؤلف ضیاء الملک حکمران عربستان و لرستان
با اعطای یکقطعه نشان و یکرشته حمایل از درجه امیرتومانی و یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مباهی گردید
نواب والا حسام السلطنه که بحکمرانی خراسان منصوب گردیده بودند روانه محل حکمرانی خود شدند حاجی
قاسم تاجر طهرانی که چند سال است در ارض اقدس رضویه سکنی مینماید بمنصب ملک التجاری خراسان برقرار گردید
در ماه شعبان این سال هشت شبانه روز در سنندج لاینقطع برف آمده و باختلاف مواضع از هشت ذرع

حاجی

جناب

مرتضی

الی سه ذرع برف در اماکن نشسته و راه عبور و مرور مردم بکلی بسته شد روز هشتم رمضان وقت غروب آفتاب ابتدای برج حمل تحویل شد

حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ... میرزا ملقب ... بحکومت ... و ایالت ... استرآباد منصوب گردید

حضرت مستطاب اشرف امجد اکرم شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی

عین الملک ... بیک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید میرزا ذکی ... بمنصب مستوفیگری دیوان اعلی و وزارت خمسه سرافراز گردید

دوستعلیخان معیر الممالک بیک قطعه نشان تمثال همایون قرین مفاخرت آمد میرزا ابوالقاسم معین الملک بمنصب لشکرنویسی ... سرافراز گردید

سال چهاردهم

روز شنبه نهم شوال سه ساعت بغروب مانده در دار الخلافه بنای بارندگی شد بدرجه‌ای که در یکساعت
و نیم سیلی عظیم برخواست جمیع صحرا و دشت را گرفت شهر دار الخلافه بواسطه خندق محروس ماند ولی
محلات بیرون شهر خرابی رسانید و محض اینکه سیل بعد ها بشهر طهران صدمه نرساند حسب الامر
مقرر شد در بالای شهر سد محکمی بربندند که مانع سیل باشد

میرزا مصطفی خان افشار بوزارت مازندران و استرآباد برقرار گردید امان الله خان والی
سابق کردستان مجددا بایالت کردستان و یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید حسنخان
شهاب الملک بمنصب اول سرتیپی و اعطای یکقبضه شمشیر مرصع مفتخر آمد

حضرت اجل اعظم والا شاهنشاه زاده افخم کامکار مظفر الدین میرزا بایالت آذربایجان منصوب
و عزیز خان سردار کل عساکر منصوره را بپیشکاری حضرت معظم الیه برقرار فرمودند

و حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه و حکمران دار الخلافه را باهره مامور فرمودند محمد
حسنخان سرهنگ فوج کلهر با اعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن رتبه سر
افراز شد حسب الامر سیم تلگراف از دار الخلافه بشمیران کشیدند وزارت تجارت و صنایع و معادن را
علاوه بر وزارت علوم و اختیار مدرسه نظام و تلگرافخانه های مبارکه تفویض بنواب والا اعتضاد
السلطنه فرمودند

موکب همایون بعد از گرم شدن ییلاقات شمیران بجانب لار تشریف فرما گردیدند و چون هوای لار بسیار
سرد بود از آنجا عطف عنان بجانب دماوند فرمودند

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتازونی ینگی دنیا

هفده ایالت از ایالات اتازونی که جمعیت ایشان بر روی هم سی و هفت کرور میشد و از این سی و هفت کرور چهار کرور
غلام و کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس جدید اتازونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در
مملکت این هفده ایالت از سایر ایالات خود را مجزی کردند و ایجاد دولت صوفی از برای خود بریاست یکرئیس کردند
که ریاستش شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت ژفرسن داویس است که از سردارهای با علم و تجربه اتازونی
میباشد رئیس تازه اتازونی را که ابراهیم لنکلن باشد بعضی از معاندین در شهر مارلان میخواستند بقتل رسانند
ایالات اتازونی منقسم شدند بجنوبی و شمالی جنوبی آنها که اصل مذهبشان غلام و کنیز دارند شمالی آنهائیکه میل بآزادی
غلام و کنیز دارند هفتاد و پنجهزار قشون ایالات شمال از برای صاف نمودن ایالات جنوب تهیه می بینند ایالات

جنوب که یاغی هستند پنجاه هزار و این ایالات جنوبی از طرف خود ایلچی بمملکت انکلیس و فرانسه روانه میسازند
و پای تخت خود را در ریشمن قرار میدهند قشون ایالات شمالی اگرچه از حیثیت عدد زیاده‌تر هستند ولیکن احاد
و افراد این قشون که غالب تجار و کسبه هستند بی ربط از استعمال اسلحه میباشند بر خلاف عساکر جنوبی
استعداد توپخانه و قورخانه شان کامل و صاحب منصبان مجرب دارند ابراهیم لنکلن از مجلس وکلا چهار صد
هزار مرد و چهار صد کرور تومان ایران کمک میطلبد ابتدای جنگ بین طرفین در حوالی بولرون در نزدیکی
واشنگتن شکست عساکر جنوب صدور حکم ابراهیم لنکلن بنادری که متعلق بجنوب میباشد بستن از خروج بایالات
و دخول سفاین ملل روی زمین باشد جنگهای سخت خونریزی در اغلب نقاط بطرفی تمام دول فرنگ بسر این جنگ

اسپانیا

فوت دو نفر از اولاد دنکارلس مدعی سلطنت کم و فوت زوجه اش بلا فاصله فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت
ورود سفیر کبیر مراکش بمادرید   پای تخت این سفیر برادر سلطان مراکش بود و در رئیس سابق مکزیک میرامن
بمادرید افتتاح راه آهن از مادرید باسکوریال

افریقا

تادرس یاغی در حبشه بقوسیتر پادشاه جوان را مقتول و خود بجای او بسلطنت حبشه جلوس کرد فوت ملکه جزیره
ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس پسرش راکت که بعد از ماداما دوم موسوم کردید که دوست
فرانسه‌ها و عیسویها بود در مراکش پاشای تطوان سید محمد الخطیب که از طرف پادشاه مراکش مامور مراوده با دول
عیسوی مذهب بود با فرانسه‌ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست و شصت و هشت
هجری عداوت ورزید و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری
با اسپانیولی معزول شد

المان

فوت پادشاه پروس فردریک گیوم چهارم در سن شصت و پنج سالگی در زمستان جلوس برادر او گیوم اول بعضی از وکلای ملت
پروس در صدد اتحاد ممالک المان و سلطنت یک امپراطوری در المان هستند که بهمه جهت از اهل المان باشد یکی از
طلاب لیبزیک که طالب اتحاد المان بود در مملکت باد طپانچه بپادشاه پروس خالی میکند چون کلوله بپادشاه
نمیخورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر میکند تاج گذاری پادشاه پروس در شهر کینیزبرک اهالی
مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته با القاب خود پادشاهی
مجارستان را الحاق نماید   داک نام از اهالی مجار راضی بر این نیست که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس

جلوس نمایند شوئی دیز آنکه افتتاح مجلس پرلمنت وین در بهار صد و چهل و چهار نفر از وکلای
ایالات بکر در افتتاح مجلس حضور بهم نرسانیدند اهالی مجار اصرار دارند که سلطنت مجار مجزی از امپراطوری
اطریش باشد عزل وزیر مجارستان داخلی و نصب بارون فرانش بجای او و در بوهم اذیت بطایفه جهود علی الخصوص
معابد آنها نفرستادن اهالی کروات وکلا بمجلس پارلمنت وین ملاقات اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه
ساکس و باد با حضور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش تاکسی مبلغین مجلس پارلمنت المان بقصد و بسبب عماره
نوپیه متیب باده کره فلوت ابتیاع نموده از برای حد و ثغور مملکت المان لازم میدانند قشون
المان بر دیم چهار صد و پنجاه و دو هزار خواهد بود فرستادن ایلچی از طرف اعلیحضرت پادشاه پروس
بایران مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر فقره موضوع سفارت تحقیقات بعضی مسائل علمی است

انگلیس

بجهة بی و برشانی عمله جات کارخانهای ریسمان ریسی که بواسطه نیامدن پنبه از ینگی دنیا در تعطیل و بیکار
مانده اند روزنامهای انگلیس بعضی طرف دار رئیس جمهوری اتازونی و بعضی بر ضد او هستند آنچه دیدن
انگلیسان برای جنگ بحری وزیر مالیه کرده در امسال که ... حساب دخل و خرج دولت را که بمجلس
اظهار نمیاید بمصارف عساکر بحری و بری انگلیس در سال پنجاه و شش کرور و دو و بیست و هشتاد
و پنج هزار لیره است و هر لیره معادل بیست و پنج هزار ایران میباشد فوت لرد ... کامبل در سن هشتاد
سالگی که رئیس مجلس لردها بود فوت پرنس البرت شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در پایتخت تعداد
نفوسی که در این سنه شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کرور و دو و سی و پنج هزار و صد و
شصت و چهار نفر ایجاد نشان موسوم بستاره هند از راجه‌ها هند یکی که از این نشان داده شد
نظام حیدرآباد مهاراجه گوالیر مهاراجه کشمیر نواب رامپور گفتگوی لرد پالمرستن در مجلس وکلا بر ضد
دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز زاده کوبا را منع نکرده است دولت انگلیس خطاب پادشاهی
تمام مملکت ایطالیا را که بویکتور امانوئل پادشاه پیمن داده بودند میشناسد اضطراب در مملکت انگلیس که مبادا
جزیره ساردن را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد

ایطالیا

حکومت پرنس کاری نیان از اقوام سلطنت ناپل بوزارت بنکرا قصد پرنس گاریبالدی و مازنی ونیز را
محاصره گائت که پادشاه ناپل در او بود بتوسط اعلیحضرت امپراطور فرانسه مدت شش روز بتعویق افتاد
چون پادشاه ناپل از آن شهر خارج نشد و تسلیم نکرد بمدت دا بعد از شش روز جزء الجبال حکم بود ش
دادستان جنگی فرانسه که در سمت دریا بجهات و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین نمودن او بر

ایطالیا

مضایق دولت فرانسه نزاع کشیده رفته امیرال پرسان امیر بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی از سمت دریا بندر گائت را محاصره نمودند زوجه پادشاه ناپل که خواهر ملکه اطریش است با وجود جوانی با شوهر خود در تنگنای محاصره گرفتار است محصورین پانزده روز متارکه خواستند قبول نشد ناخوشی تیفوس (اسمی از مطبقه حاده است) در شهر گائت غلبه داشت و دارد بالاخره شهر گائت بعد از نود روز مقاومت تسلیم شد قشونی که در این شهر بود و مرکب از یازده هزار نفر بود تسلیم کرده بند آذوقه و تدارک زیادی از هر قبیل آنجا موجود بود من جمله هفتصد توپ و شصت هزار تفنگ پادشاه ناپل فرار از گائت به رم پناه برد قلعه مسین که یکی از قلاع

قلاع

مستحکم بود نیز تسلیم شد و این آخر قلعه بود از پادشاه ناپل که بتصرف سرداران ایطالیا درآمد اول دولتی که ترک مراوده با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود افتتاح مجلس پارلمنت تمام ایالات ایطالیا در تورن با حضور اعلیحضرت پادشاه ایطالیا ویکتر امانوئل و وکلای ملت از طرف تمام اهالی ایطالیا اعلیحضرت ویکتر امانوئل را بخطاب پادشاهی تمام ممالک ایطالیا مخاطب و اولاد او را نسلا بعد نسل بهمین خطاب میشناسند مسیو کاوور هیچ از صرافت تصرف رم نیفتاده است لوسین مورا داعیه سلطنت ناپل که پدرش در زمان اعلیحضرت ناپلیون اول آنجا پادشاه بود مینماید تفتین و اغتشاش سخت در ناپل و بعضی ایالات متصرفه گاریبالدی که بجزیره کاپرا رفته و میل بمداخله در کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا او را بعقوق نسبت بخود متهم میسازد فوت مسیو کاوور صدر اعظم در تابستان بعد از فوت کاوور بارن ریکازلی که از معارف و متمولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود افتتاح راه آهن از میلان به پیاچنزا طغیان کوه آتش‌فشان وزوو در اوایل پائیز

پرتوغال

فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالگی جلوس برادرش لوئی اول بجای او

بلژیک

ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ اهالی بلژیک از شناختن دولت ویکتر امانوئل را بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند

چین

بعد از فرار از پکن هنوز اعلیحضرت خاقان وارد پای تخت نشده است نفوذ و اقتدار شاهزاده پرنس کنگ برادر خاقان و ورود سفرای کبار فرانسه و انگلیس به پکن در بهار انگلیسها در صدد این هستند که از تبت راهی بهند باز کنند لیکن تلاش اینها بیفایده میشود فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاط یکی که یاغیها بودند بخصوص در ایالات پچلی شو و سو و یاغیگری در ایالات جنوبی چین زیاد است در حوالی نینگبو

فوت خاقان در شهر تهل جلوس پسر هفت ساله او بر تخت سلطنت چین بجهة طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متفقا سلطنت چین میکنند پرنس کنگ اکرچه جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان جدید او را بسمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولتی سند است

دانمارک

دولت هیچوجه راضی نیست که قانون مملکت المان در اسلسویک و هلستین چنانکه اهالی المان شایق بر این هستند رواج بکیرد دول فرانسه و انکلیس و روس به دولت دانمارک تکلیف میکنند که با اهالی ایالتین مهربانی کنند

روس

انقلاب و اغتشاش سختی در ورشو لهستان حاکم لهستان پرنس میشل کرچاکف عاجز از نظم مملکتی است تغیر اعلیحضرت امپراطور نسبت با اهالی هر سو لهستان فرستادن قشون بجهة نظم لهستان در ورشو منازعه رعیت با قشون دولتی و قتل معددی از طرفین قشون مامور ورشو هستند و بجهة از رسید و مخارج این امدادت توقف مجبورا اهالی ورشو باید متقبل شوند مختصر شورشی در ایالت قازان فوت میشل کرچاکف حاکم ورشو و نصب جنرال سوخوزانت بجای او جلبس هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که موسس شورش بودند در لهستان بعضی را بسبیر و بعضی را بقلاع دیکر بحبس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو ولادمیر

ژاپن

قتل یکنفر از هلاندی که مترجم و واسطه انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن و ینکی دنیا و انکلیس و پروس بود بدست بعضی از اشرار دربک بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انکلیس بودند

عثمانی

انقلاب و اغتشاش سخت جون ریز در ایالت هرزکوین کمک اهالی قرا داغ آنها را متهد یک عمر پاشا سردار عثمانی با عیان را منازعه مابین اهالی قرا داغ و عثمانی در کنار دریاچه اسکوتاری در سرویستان شورش مردم به دولت بواسطه سکنی دادن طایفه تاتار قریم در بلغارستان که نزدیک بآنها است والی تونس سید صادق ایجاد قانون جدید که در مملکت خود من جمله جزئیات ذن در حرم خود نخواهد داشت مأمورین دول فرنک در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند سعید بیک رئیس طایفه دروز را که جلبس نموده بودند در مجلس مردود در بیر القمر من بعد از این بیجا کم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت داود افندی

[illegible] تحویل حوت بحمل از برج آفتاب غروب وقت رمضان هشتم روز [illegible] عبور [illegible] نشستند [illegible] فروغ [illegible]

حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا السلطان [illegible] مسعود میرزا ملقب به یمین الدوله ملقب به ظل السلطان [illegible]

حضرت سلطان اشرف امجد اکرم شاهنشاهزاده اعظم ظل السلطان دام اقباله

[illegible] شاهزاده [illegible] همایون مفتخر گردید میرزا ذکی [illegible] بمنصب مستوفیگری دیوان اعلی و وزارت [illegible]

[illegible] همایون [illegible] میرزا ابو القاسم معین الملک بمنصب لشکر نویسی [illegible]

سال چهاردهم

روز شنبه نهم شوال سه ساعت بغروب مانده در دار الخلافه بارانی بارید که شدید کنار ده در یکساعت و نیم سیلی عظیم برخواسته جمیع صحرا و دشت را گرفت شهر دار الخلافه بواسطه خندق محروس ماند ولی محلات بیرون شهر خرابی رسانید و محض اینکه سیل بعدها بشهر طهران صدمه نرساند حسب الامر مقرر شد در بالای شهر سدی سنگی ببندند که مانع سیل باشد

میرزا مصطفی خان افشار بوزارت مازندران و استرآباد برقرار گردید امان الله خان والی سابق کردستان مجدداً بایالت کردستان و یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید حسنخان شهاب الملک بمنصب اول سرتیپی و اعطای یکقبضه قمه دسته مرصع مفتخر آمد

حضرت اجل اعظم والا شاهنشاه زاده افخم کامکار مظفر الدین میرزا بایالت آذربایجان منصوب و عزیز خان سردار کل عساکر منصوره را به پیشکاری حضرت معظم الیه برقرار فرمودند

و حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه را بحکمرانی دار الخلافه باهره مامور فرمودند محمد حسنخان سرهنگ فوج کلهر را باعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن درجه سرافراز شد حسب الامر سیم تلگراف از دار الخلافه بشمیران کشیدند وزارت تجارت و صنایع و معادن را علاوه بر وزارت علوم و اخبار مدرسه مبارکه نظام و تلگرافخانه های مبارکه تفویض بنواب والا اعتضاد السلطنه فرمودند

موکب همایون بعد از گرم شدن ییلاقات شمیران بجانب لار نهضت فرموده و چون هوای لار بسیار سرد بود از آنجا عطف عنان بجانب دماوند فرمودند

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام روی زمین و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

هفده ایالت از ایالات اتازونی که جمعیت ایشان بر روی هم سی و هفت کرور میشد و از این سی و هفت کرور هشت کرور غلام و کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس جدید اتازونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت این هفده ایالت از سایر ایالات خود را مجزی کردند و ایجاد دولتی از برای خود برپا ساختند که رئیس کل آن شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت ژفرسن داویس است که از سردارهای با علم مجرب اتازونی میباشد رئیس تازه اتازونی را که ابراهیم لنکلن باشد بعضی از معاندین در شهر ماریلان میخواستند بقتل رسانند ایالات اتازونی قسمت شد بجنوبی و شمالی جنوبیها که میل به بندگی غلام و کنیز دارند شمالیها که میل بآزادی غلام و کنیز دارند هفتاد و پنج هزار قشون ایالات شمال از برای ممانعت ایالات جنوب تهیه می بینند ایالات

جنوب که یاغی هستند پنجاه هزار و این ایالات جنوبی از طرف خود ایلچی بمملکت انگلیس و فرانسه روانه میسازند
و پای تخت خود را در ریشمن قرار میدهند قشون ایالات شمالی اگرچه از حیثیت عدد زیادتر هستند ولیکن احاد
و افراد این قشون که غالب تجار و کسبه هستند بی ربط از استعمال اسلحه میباشند بر خلاف عساکر جنوبی
استعداد توپخانه و قورخانه شان کامل و صاحبمنصبان مجرب دارند ابراهیم لنکلن از مجلس وکلا چهار صد
هزار مرد و چهار صد کرور تومان ایران کمک میطلبد ابتدای جنگ بین طرفین در حوالی بولرون در نزدیکی
واشنگتن شکست عساکر جنوب صدور حکم ابراهیم لنکلن بنادری که متعلق بجنوب است میبایست بسته از خروج
و دخول سفاین ملل سوی ممنوع باشد جنگهای سخت خونریز در اغلب نقاط بین طرفین تمام دول فرنگ در این جنگ

بایالات

اسپانیا

فوت دو نفر از اولاد دن کارلس در مدت کم و فوت زوجه اش بلافاصله فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت
ورود سفیر کبیر مرقش بمادرید پای تخت این سفیر از سلطان مرقش بود ورود رئیس سابق مکزیک هیرامن
بمادرید افتتاح راه آهن از مادرید باسکوریال

افریقا

پادشاه یاغی در حبشه تفوسیه پادشاه جوان را مقتول و خود بجای او بسلطنت حبشه جلوس کرد فوت ملکه خوبجو
جزیره ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس پسرش راکت که برادامای دوم موسوم کرده بود که دوست
فرانسه‌ها و عیسویها بود در مرقش پاشای تانژر سید محمد الخطیب که از طرف پادشاه مرقش مامور بمراوده با دول
عیسوی مذهب بود با فرانسه‌ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست و شصت و هشت
هجری عداوت ورزید و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری
با اسپانیولی معزول شد

المان

فوت پادشاه پروس فردریک گیوم چهارم در سن شصت و پنج سالگی در زمستان جلوس برادرش ولیم اول بعضی از وکلای ملت
پروس در صدد اتحاد ممالک المان و سلطنت یا امپراطوری در المان هستند که همه جهت از اهل المان باشد یکی از
طلاب لیپزیک که طالب اتحاد المان بود در مملکت باد طپانچه بپادشاه پروس خالی میکند چون گلوله بپادشاه
نمیخورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر میکند تاج گذاری پادشاه پروس در شهر کنیگزبرگ اهالی
مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته بالقاب خود پادشاهی
مجارستان را الحاق نماید داک نام از اهالی مجار راضی بر این نیستند که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس

جلوس نمایند   شوینی بیراك   افتتاح مجلس پرلمنت پروس و بیست و دو چهارصد و چهل و چهار نفر از وکلای
ایالات دیگر در افتتاح مجلس حضور بهم نرسانیدند   اهالی مجار اصراری دارند که سلطنت مجار مجزی از امپراطوری
اطریش باشد   عزل و نصب وزرای مجارستان و نصب نایب فرمانفرمایی مجار و در بهم آمدن طایفه جمهوری علی الخصوص
عجایب آنها نفرستادن اهالی کروات وکلا بمجلس پارلمنت وین ملاقات اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه
ساکس در باد باحضور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش ماکسیمیلین مجلس پارلمنت المان نهصد و بیست عراده
توپ بقیمت پیاده کرور فلورن ابتیاع نموده از برای حدود و ثغور مملکت المان لازم میدانند   قشون
المان بر روی هم چهار صد و پنجاه و دو هزار خواهد بود   فرستادن ایلچی از طرف اعلیحضرت پادشاه پروس
بایران مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی امور رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است

انگلیس

بجهة بی‌پریشانی عمله‌جات کارخانهای ریسمان ریسی که بواسطه نیامدن پنبه از ینگی دنیا در تعطیل و بیحرکت
مانده اند روزنامهای انگلیس بعضی طرف داری رئیس جمهوری اتازونی و بعضی بر ضد او هستند تهیه دیدن
انگلیس از برای جنگ بحری وزیر مالیه که در امسال گلادستون است حساب دخل و خرج دولت را که بمجلس
اظهار میداشت بمصارف عساکر بحری و بری انگلیس در سال پنجاه و شش کرور و دویست و هشتاد
و پنجهزار لیره است و هر لیره معادل بیست و پنج هزار ایران میباشد فوت لرد هربرت کامبل در سن هشتاد
سالگی که رئیس مجلس ادها بود فوت پرنس البرت شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در باب تعداد
نفوس که در این سنه شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کرور و دویست و پنجهزار و صد و
شصت و چهار نفر است ایجاد نشان موسوم بستاره هند از راجه‌ها هند بکسی که از این نشان داده شد
نظام حیدرآباد مهاراجه گوالیر مهاراجه کشمیر نواب رامپور گفتگوی سخت لرد پالمرستن در مجلس وکلا بر ضد
دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا منع نکرده است دولت انگلیس خطاب پادشاهی
تمام مملکت ایطالیا را که به ویکتور امانوئل پادشاه پیمونت داده بود نمی‌شناسد اضطراب در مملکت انگلیس که بعد از
جزیره ساردن را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد

ایطالیا

حکومت ریس کاری بیان از اقوام سلطنت ناپل بوناپارت بنگرا   محض نفرین گاریبالدی و مارین و سیزدها
محاصره گائت که پادشاه ناپل در او بود بتوسط اعلیحضرت امپراطور فرانسه مدت شش روز بتعویق افتاد
چون پادشاه ناپل از آن شهر خارج نشد و تسلیم نکرد بعد از انقضای شش روز جنرال جیالدینی حکم بود ش
داد سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا بجهت رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین نمودن او بر

ایطالیا

مضایق دولت فرانسه تراع کشیده رفتند امیرال پرسان امیر بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی از سمت دریا بندر گائت
را محاصره نمودند زوجه پادشاه ناپل که خواهر ملکه اطریش است با وجود جوانی با شوهر خود در تنگنای محاصره
گرفتار است محصورین پانزده روز متارکه خواستند قبول نشد ناخوشی تیفوس (اسمی از مطبقه حاده است)
در شهر گائت شیوع دارد بالاخره شهر گائت بعد از صد روز مقاومت تسلیم شد قشونی که در این شهر بود
و مرکب از پانزده هزار نفر بود تسلیم گردید آذوقه و تدارک زیادی از هر قبیل آنجا موجود بود من جمله
هشتصد توپ و شصت هزار تفنگ پادشاه ناپل فرار از گائت بروم پناه برد قلعه مسین که یکی از قلاع

قلاع

مستحکمه بود نیز تسلیم شد و این آخر قلعه بود از پادشاه ناپل که بتصرف سرداران ایطالیا درآمد اول
دولتی که ترک مراوده با دولت ناپل کرد دولت انکلیس بود افتتاح مجلس پارلمنت تمام ایالات ایطالیا
در تورن با حضور اعلیحضرت پادشاه ایطالیا ویکتر امانول وکلای ملت از طرف تمام اهالی ایطالیا اعلیحضرت
ویکتر امانول را بخطاب پادشاهی تمام ممالک ایطالیا مخاطب و اولاد او را نسلا بعد نسل بهمین خطاب ملقب نمودند
مسیو کاوور هیچ از صرافت تصرف رم نیفتاده است لوسین مورا داعیه سلطنت ناپل که پدرش در زمان
اعلیحضرت ناپلیون اول آنجا پادشاه بود مینماید   تفتیش و اغتشاش سخت در ناپل و بعضی ایالات متصرفه
گاریبالدی که بجزیره کاپره رفته و میل بمداخله در کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا او را بحقوق
نسبت بخود متهم میسازد فوت مسیو کاوور صدر اعظم در تابستان بعد از فوت کاوور بارن ریکازلی
که از معارف و متمولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود افتتاح راه آهن از میلان بپلزانس
طغیان کوه آتش فشان وزوو در اوایل پائیز

پرتوغال

فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالگی جلوس برادرش لوئی اول بجای او

بلژیک

ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ اهالی بلژیک در شناختن دولت ویکتر امانول را
بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند

چین

بعد از فرار از پکن هنوز اعلیحضرت خاقان وارد پای تخت نشده است تفویض وزارت خارجه به پرنس کنک
برادر خاقان ورود سفرای کبار فرانسه و انکلیس به پکن در بهار انکلیسها در صدد این هستند که از تبت
راهی بهند باز کنند لیکن تلاش آنها بیجا ثابت میشود فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاط ملکه اغتشاش
بودند بخصوص در ایالات پچلی شورش و یاغیگری در ایالات جنوبی چین زیاد است در حوالی تین‌تسین

فوت خاقان در شهر ژهل جلوس پسر هفت ساله او بر تخت سلطنت چین بجهة طفولیت خاقان هشت
نفر از اعیان و معتبرین چین متفقا سلطنت چین میکنند پرنس کنک اگرچه جزو این هشت نفر نیست
ولی مادر خاقان جدید او را بسمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولتی سند است

دانمارک

دولت پروس چندان راضی نیست که قانون مملکت المان در اسلسویک و هلستین چنانکه اهالی المان سابق براین
هستند رواج بگیرد دول فرانسه و انگلیس و روس به دولت دانمارک تکلیف میکنند که با اهالی ایالتین
مهربانی کنند

روس

انقلاب و اغتشاش سختی در ورشو لهستان حاکم لهستان پرنس میشل کرچاکف عاجز از نظم مملکتی است
تغییر اعلیحضرت امپراطور نسبت باهالی ورشو لهستان فرستادن قشون بجهة نظم لهستان در ورشو منازعه
رعیت با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفین قشون مامور ورشو هستند و پنجهزار رسید و مخارج این را مدت
توقف مجبوراً اهالی ورشو باید متقبل شوند مختصر شورشی در ایالت قازان فوت میشل کرچاکف حاکم ورشو
و نصب جنرال سوخوزانت بجای او حبس هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که متوسل
شورش بودند در لهستان بعضی را بسبیر و بعضی را بقلاع دیگر محبس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو
و ولادیمیر

ژاپن

قتل یکنفر از هلاندی که مترجم و واسطه انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن و ینگی دنیا و انگلیس و پروس
بود بدست بعضی از اشرار در یدو بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند

عثمانی

انقلاب و اغتشاش سخت خون ریزی در ایالت هرزکوین کمک اهالی قرادلغ آنها را انهدام عمر پاشا سردار
عثمانی با عیان را منازعه مابین اهالی قرداغ و عثمانی در کنار دریاچه اسکوتاری در سرحد [illegible] شورش
مردم بدولت بواسطه سکنی دادن طایفه تاتار قریم در بلغارستان که نزدیک بآنها است والی تونس سید
صادق ایجاد قانون جدید که در مملکت نمود من جمله جز یک زن در حرم خود نخواهد داشت مامورین دول
فرنک در بیروت سند رسام اجماع کرده بودند سعید بیک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند
در مجلس مرد در دیر القمر من بعد از این بیک که عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت داود افندی

که از عیسویان کاتولیکی مذهب است به لبنان فوت اعلیحضرت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت
سالگی در اییل تابستان جانشین سلطان مرحوم از سیزده اولادی که از او باقی مانده بود که پسر ارشدش بیست ساله بود
نیست برادر سلطان مرحوم عبدالعزیز که در هزار و هشتصد و سی مسیحی مطابق هزار و دویست و چهل
و شش هجری متولد شده سلطان مملکت عثمانی گردید وزارت خارجه فواد پاشا صدارت عالی پاشا
وزارت علیه کیامیل پاشا در مصر تنبیه سرباز با چوب موقوف گردید طغیان آب زیاد نیل و خراب نمودن
اغلب پالات

فرانسه

حکم اعلیحضرت ناپلیون امپراطور که یک دسته از قشون فرانسه بجهت حفظ حضرت پاپ می باید همیشه در شهر رم
متوقف باشد نصب مسیو دمرنی بریاست مجلس پارلمنت فرانسه شناختن اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه
اعلیحضرت ویکتر امانول را بسلطنت ایطالیا معاهده تجارتی با دولت بلژیک بواسطه عدم باران حاصل
نقدر کفایت مملکت فرانسه ابتیاع حبوبات از خارج مینماید ورود سفرای سیام به فرانسه و پذیرفتن
اعلیحضرت امپراطور آنها را در عمارت فونتن بلو قریب دویست سال بود که ایلچی سیام بمملکت فرانسه نیامده بود
فوت مارشال بسیکه در سن پنجاه سالگی فوت اسکریب شاعر معروف تعداد نفوس در این سال سی و شش
و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دو هزار و دویست و بیست و پنج نفر که از این عدد ششصد و شصت
و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساوا هستند که تازه الحاق بمملکت فرانسه شده است جمعیت
پاریس بتنهائی یک کرور و دویست و شصت و هفت هزار و هشتصد و چهل و یک نفر است انعقاد مجلس
کنفرانس در پاریس در آن مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ طایفه عیسویان شامات مدتی
باید در شامات توقف کنند انگلیس و اسپانیا بدولت فرانسه تکلیف میکنند که قراری در استقلال جسمانی
پاپ در مملکت رم و سایر متصرفات او گذارده شود دولت فرانسه مضایقه از این تکلیف میکند اعلیحضرت
پادشاه تازه سوئد شارل پانزدهم با برادر خود اسکار و اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه هلاند
بدیدن اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه به پاریس وارد شدند معاهده مابین انگلیس و فرانسه و اسپانیول
و اینها معاً متفق بر این شدند که بر ضد ژوارز رئیس جمهوری مکزیک قشونی مامور نمایند بعضی مطالب تجارتی و
پولیتیکی که معوق مانده است بود و اسلحه قراری در آنها داده شود و نیز در این معاهده که جز حل و عقد بعضی
مطالب لازمه دیگر در امور داخله مکزیک وجهاً من الوجوه مداخله نکرده اهالی آنجا را مجبور نسازند و
تغییری در وضع دولت خود بدهند یا قبول پادشاهی بکنند قشونی که اسپانیول موافق نفرات نامه

خواهند فرستاد سه هزار نفر فرانسه دو هزار و پانصد نفر انکلیس تنها بهمان کشتیهای جنکی اکتفا خواهند نمود

ماچین

جنك سخت قشون فرانسه با عساکر دولت آنام فتوحات بعضی از نقاط مملکت آنام علی الخصوص سیقون
هنوز عده قشون فرانسه و اسپانیول در این نقطه بدرجه نرسیده است که بر هوه پای تخت یورش برند

مکزیك

فرار رئیس سابق میرامون بسمت هاوان ضبط و آرتیس بر پا استطاع ژوارس رئیس تازه در موقوفات معابد
و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیك منافع تنخواه استقراضی از دول فرنك را ندهند در پای
تخت مکزیك اشرار در صدد قتل سفیر فرانسه ۲ از اعیان انکلیس هستند اخراج نمودن با کمال بی احترامی
سفیر اسپانیول را از مکزیك چون در مملکت مکزیك جمعیت بسیاری از تبعه فرانسه و اسپانیول هستند
اینحرکات بی ادبانه رئیس تازه مکزیك سبب انعقاد عهدنامه لندن ما بین دول انکلیس و فرانسه و اسپانیول بر
ضد دولت مکزیك کردید تهدید بجنك نمودن فرانسه و انکلیس بتوسط سفرای خود بر ژوارس ورود
قشون اسپانیول بسرداری جنرال پریم در وراکروز و تصرف شهر و قلعه سنت ژانت

۲ و بعضی

یونان

شورش بعضی از صاحبمنصبان نظامی یکی از طلاب قصد قتل ملکه نمود در زمانیکه اعلیحضرت پادشاه بالمان
سفر کرده بود اهالی کرفو و جزایر یونان مایل بملحق شدن بیونان هستند و با عساکر انکلیس
در جزیره زانت نزاع سخت خونخوار
نمودند

شرح سال سیزدهم سلطنت شهریاری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی صانه الله تعالی ملکه عن التناهی مطابق هزار و دویست و هفتاد و شش هجری تخاقوی ئیل ترکی

در اینسال خیریت مآل عموم خدام آستان معدلت بنیان و قاطبه رعایای دولت جاوید نشان مشمول عواطف و توجهات خاصه ملوکانه میباشند. در دهه عاشورا چون موکب همایون بجهة شدت حرارت هوا تشریف فرمای شمیرانات است اگرچه در حضور مبارک تعزیه خوانی شد ولی مثل سنوات سابق لوازم این رسم و کار بزرگ بعمل نیامد تا آنکه موکب معلی بسلطنت آباد تشریف فرما شد چون تکیه جدید نیز در این محل ساخته و ضمیمه بنا ابنیه سلطنتی نموده اند در عشر دویم ماه صفر در این تکیه جدید البنا با تزیینات مناسب تعزیه خوانی کردند. میرزا هاشم خان تحویلدار وجوه صرف جیب مبارک بلقب امین خلوت ملقب گردید

شب عید مولود مسعود همایون در تمام بلاد ممالک محروسه جشن گرفتند. در روز عید در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد گردید. حسب الامر مقرر شد راه سلطنت آباد را هر جا که سنگلاخ و دیگزار است مسطح و هموار نمایند که کالسکه بخوبی و سهولت از آن عبور کند و همچنین نمونه راه سازی برای سایر ولایات بدست آید و مسیو کاستگر مهندس نمساوی و یک دو نفر از شاگردان مدرسه مبارکه دار الفنون بدستور العمل نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم باینکار پرداختند. چون عمل زراعت و تجارت تریاک در اصفهان باهتمام آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی رونقی گرفته مشارالیه را رئیس کمپانی تریاک اصفهان فرمودند که از تقلب مصون ماند و تریاکی که بتجار بولایات میفرستند باستحضار آقا محمد مهدی و مُهر و نمره او را داشته باشد. نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس پل بسیار معتبر محکمی بر روی رودخانه سنوید در هشت فرسخی شهر شیراز میکشند. حاجی محمد شریف خان سرتیپ بلقب مستشار لشکری سرافراز شد. نواب والا احمد میرزای معین الدوله را بحکومت ولایت استراباد سرافراز فرمودند که در اطاعت حضرت شاهنشاهزاده امجد کامکار یمین الدوله بوده باشد. در دار الخلافه ناخوشی وبا بروز نموده. بعضی ترکمنها که در نواحی خراسان شرارت میکردند نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان حیدر قلیخان ایلخانی شادلو را با سواره حاضر در مشهد و قوچانی و بجنوردی و دره جزی مامور نموده ترکمنها را تنبیه کرده اند. میرزا اسدالله خان

بهمین‌ها نیکه چنان خود سر نگهداشت نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس او را گرفتار نموده اند چون
بعضی عمارات در بنادر فارس در ایام زلزله خرابی بهم رسانیده بود شش هزار تومان بنواب مؤید الدوله
حکمران فارس مرحمت فرمودند که بمصرف تعمیر آن عمارات برسانند بعد از انتقال مرحوم سلطان عبد المجید خان
سلطان عثمانی در هفدهم ذی حجه سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت و جلوس اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان
بر تخت سلطنت آن دولت دو طغرا نامه مودت ختام از جانب اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان یکی مشتمل
بر واقعه حزن آمیز و بهجت انگیز و دیگری مشعر بر تجدید ابقای ماموریت حیدر افندی وزیر مختار
و ایلچی مخصوص آن دولت در دربار همایون اهدای حضور باهر النور ملوکانه نموده وزیر مختار مشارالیه
مراتب را رسماً بوزارت امور خارجه اعلام کرد میرزا هاشم خان امین خلوت همایون روز شنبه بیست و پنجم
ربیع الاول بسفارتخانه دولت مشارالیها رفته بعد از اظهار تأسف از جانب سنی الجوانب ملوکانه وزیر
مختار مشارالیه را دعوت بحضور موفور السرور مبارک نمود باتفاق بدربار معدلت مدار همایون تشرف جسته
وزیر مختار معزی الیه مورد عواطف خسروانه گردیده شفاهاً بلفظ گوهر بار مبارک تعزیت رحلت سلطان
مرحوم و جلوس اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان را ادا فرمودند و برای اظهار تسلیت از رحلت و تبریک
و تهنیت از جلوس اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان محمد رحیم خان نسقچی باشی را که از چاکران معتمد دربار
سپهر آثار و حامل نیل و تبرزین مرصع و صاحب نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرتیپی و از اجزاء و رؤسای
مصلحت خانه مبارکه و رئیس سواره نظام و ناظم اردوی همایون و ناظم دیوان مظالم حضور واقدس اعلی میباشند
برسم سفارت کبری مأمور بدربار دولت عثمانی نموده و باعطای یک قبضه شمشیر مرصع و یک قطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ و سفید آن از بند درجه و لقب نبیل علاء الدوله سرافراز
فرمودند نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران اصفهان یک نفر استاد قابل برای جستن زغال سنگ
روانه جوشقان نموده معدن زغال سنگ و گوگرد و مس و زرنیخ پیدا کرده اند قورخانه و توپخانه مبارکه را
چون در کنار شط ساخته بودند در بهار بواسطه مد آب بکلی خراب شده بود حسب الامر ضیاء الملک حکمران
عربستان والدوله مؤلف بجنوبی بعد گاه میسازد صحرای دوشان تپه که بسیار وسیع و مستعد و هیچ قسمت آب نداشته
بهر سال قبل حکم شده بود یک رشته قنات احداث شود امسال آب قنات جاری شد بلکه اولا از قوت
شش پول واسطه شده بود در کارخانه خان بکشند با اینکه اول کار استادان بود در کمال خوبی خان کشیدند
تلگرافخانه این ایام با جمیع ولایات عرض راه آذربایجان تا تبریز گفتگو مینماید تلگرافچی و باد تبریز بودند کرده
و شفقت داده یک نفر باغبان ماهر برای تربیت بعضی ریاحین و نباتات از پاریس احضار فرمودند

غلّه‌های خالصه‌جات دیوانی را حسب‌الامر بانبار دولتی میاورند وجمعی رحمت‌الله خان غلام پیشخدمت
خاصه است ناخوشی وبای بسیار جزئی در مشهد بروز کرده وبزودی رفع شده است جناب ناصرالملک را
مامور در اتمام ساختن راه گیلان فرموده وبنواب والا رکن‌الدوله وشهزاده میرزا حکمران گیلان نیز در
انجام این خدمت تاکید فرموده‌اند فی‌الجمله ناخوشی وبا در مازندران بروز نموده است همچنین در
کرمانشاهان ناخوشی مزبور جمعی کثیر را تلف کرده است ضیاءالملک والدوله حکمران عربستان و
لرستان بشدت مریض شده لهذا سلیمان خان سرتیپ افشار را مامور این دو ایالت فرموده که معاون
ضیاءالملک باشد که در آن نواحی بی‌نظمی نشود ومیرزا حسین دکتر مامور وروانه بمعالجه ضیاءالملک شد
روز شنبه نهم ربیع‌الثانی بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار
الفنون گردیده امتحان کاملی از متعلمین در حضور همایون بعمل آوردند وچون از هر جهت رونق وترقی کامل
در مدرسه حاصل شده بود نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر
تومانی با یکرشته حمایل مخصوص آن مرتبه داخل نظام سرافراز شده مبلغ یکهزار تومان درباره نواب
معظم الیه مرحمت فرمودند ونواب والا فرهاد میرزا نایب‌الایاله که در امتحانات مدرسه حاضر بودند وکمال مواظبت را
نموده‌اند بدین امتحان باعطای یکقطعه نشان طلا از مرتبه اول مدرسه ویکرشته حمایل امیر تومانی خارج
از نظام سرافراز گردیدند رضاقلیخان رئیس مدرسه بخلعت همایون وجعفرقلیخان ولد رضاقلیخان
باعطای یکقطعه نشان سرهنگی ویکرشته حمایل از درجه اول سرهنگی خارج از نظام وخلعت همایون وبیست
تومان انعام سرافراز شد محمدحسین خان اصفهانی که تحصیل کاملی در مدرسه کرده بود بمنصب اجودان باشی
مدرسه واعطای نشان طلا وهفتاد تومان اضافه مواجب بنسبت تومان انعام مفتخر گردید وسایر
اجزای مدرسه مبارکه از معلمین وصاحب‌منصبان وغیرهم نیز هریک بقدر ترقی واستحقاق خود بانعام ونشانها
وخلعت همایون سرافراز شدند هزار نفر سواره تکه مروی بسرداری امان سعید محمد شیخ از قراولخانه
قلعه سرخس گذشته بتاخت فریمان وجلگه زاوه وباخرز آمده بودند نواب حسام‌السلطنه که با قشون
واستعداد مهیای حرکت بسرخس وسرحدات بودند وعازم تنبیه تراکمه این خبر را استماع نموده باجمعی
سواره شصت فرسخ ایلغار کرده در آخر خاک زاوه به تراکمان رسیده جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر
تراکمان را مقتول واسیر نموده‌اند تفنگهائیکه حسب‌الامر بخراسان ابتیاع نموده‌اند پنج هزار آن وارد مشهد شده
قلعه شهر طهران حسب‌الامر میرزا موسی وزیر دارالخلافه مشغول مرمت شده ویکسمت شهر را از بیرون
واندرون از برج ودیوار وخندق بسیار خوب تعمیر نموده بقیه را انشاءالله خواهند ساخت [illegible]

طایفه بموت شدت دارد هوای بندر بوشهر امسال طوری گرم بود که هیچکس بخاطر ندارد و از شدت گرما چند نفر کسبه سکته کرده و هلاک شده اند عباسقلیخان جوانشیر معتمد الدوله وزیر دیوانخانه عدلیه اعظم داعی حق را در ماه جمادی الاولی لبیک اجابت گفت محمد ابراهیم خان برادر مرحوم بوزارت دیوانخانه مبارکه و لقب امیر دیوانی سرافراز گردید پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید امان الله خان والی حکمران کردستان بیکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و حمایل قرمز و سفید مخصوص این رتبه نایل گردید جبه خانه بسیار عالی تازه بنا نموده اند و باتمام رسید حسینخان حاکم همدان را احضار فرموده محمد حسن خان پیشخدمت خاصه بحکومت آن نواحی سرافراز شد میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود بپاریس رفته بود کار خود را انجام داده معاودت نمود یک لوله توپ خانداری جهت نمونه از فرانسه ابتیاع شده با تفنگهائی که ابتیاع شده بود بدار الخلافه میآوردند که از روی همان توپ توپهای خاندار مستعد در دار الخلافه بسازند جبه خانه و قورخانه دار الخلافه رونقی دارد و مسیو دوس بجهة تسهیل عمل کارگران راه آهنی از کوره توپ ریزی تا کارخانه توپ سوراخ کنی ساخته که لوله توپ از این کارخانه تا کارخانه دیگر در کمال سهولت حمل میشود و محتاج بحمل عراده و کار کردن و زحمت کارگرها نیست نیز مسیو دوس مشغول ساختن قپق است که با قاطر حمل میشود و این قپقها در سفرها و جنگها بسیار با فایده است در چاشنی سازخانه نیز مشغول ساختن چاشنی تفنگ هستند و قرار شده در کارخانه طهران سالی ده کرور چاشنی ساخته شود کارخانه ریسمان ریسی و شماعی و کاغذ سازی و بلور سازی وغیره باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم نهایت رونق دارد و شکر ریز در کارخانه شکر ریزی مازندران ساخته اند نهایت خوب و قندهائی که عمل آورده اند تفاوتی با قند روسی ندارد نواب والا رکن الدوله حکمران گیلان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز و نواب معین الدوله حاکم استراباد بیکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی با حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید چون جناب علاء الدوله بسفارت کبری در دربار عثمانی مامور شده اند امورات نیابت رخدمات مرجوعه بجناب معزی الیه را بعلامعلیخان نایب نسقچی باشی رجوع و واگذار فرمودند چون از شهر رشت تا منجیل که چند منزل است راه همیشه بشدت گل و لجن است و در اوقات بارندگی ادم و مال زیاد تلف میشد ساختن این راه را بعهده جناب مدبر الملک محول فرمودند بعد از آنکه محمد شیخ و امان سعد از رؤسای تراکمه از قشون ظفر نمون در نواحی خراسان گریزان شده خود را بماهنی رسانیدند در تانی بخیال افتادند که بی الجه و غنیمتی معاودت ننمایند محمد شیخ بر خود محرز کرد که با دویست نفر سوار زبده

در دار الخلافه

باخته

بتاخت و تاز جلگه مشهد مقدس بپاید اگرچه امانسعد در صدد منع او برآمد او منهزم گردید پس از
تصمیم این عزم خبر بمحمد ولیخان سردار قشون خراسان رسید بدفع شر او پرداخته و برای جلوگیری او
با جمعی سوار روانه شدند و یکدسته از عساکر منصوره بتراکمه برخورده آنها را منهزم و پنج فرسخ تا [illegible]
تعاقب کرده اخرالامر محمد شیخ که نهایت شرور بود بدست سواران شاهسون اینانلو مقتول و دو نفر دیگر
از رؤسای تراکمه و سه نفر از برادرزادگان محمد شیخ با جماعتی از تراکمه همراهان آنها نیز کشته شده باقی راه
هزیمت پیش گرفتند عیسی خان اعتماد الدوله حکمران یزد که بدربار معدلت مدار همایون آمده بود بجهة
عارضه ناخوشی در ماه جمادی الثانیه این سال مرحوم شد حسینقلی خان پسر بزرگ آنمرحوم که نایب الحکومه
یزد بود بحکومت یزد مفتخر گردید بعد از فتح هرات امیر عطاءالله خان تیموری با دو هزار نفر ایل خود
کوچیده در کوه سرخ و ربع شامات از صفحات سبزوار من اعمال خراسان که از جانب اولیای دولت مشخص شده
بود سکونت اختیار نموده و مشغول خدمتگذاری گردید این اوقات امیر عطاءالله خان با چند نفر سوار
جمعی خود بتقبیل رکاب اعلی مشرف و مورد مراحم شاهانه آمد چنانکه در سایر دول رسم است این اوقات
در دولت علیه نیز مقرر داشتند احکامیکه شرف نفاد مییابد و بامضای همایون مقرون میگردد کلیه
از فرمان و ملفوفه فرمان و دستخط همایون و سایر احکام وغیره روی ورقه دولتی نوشته شود و نشان
مخصوص ورقه دولتی سپرده بامین شورای شد اصطبل توپخانه را بمیرزا علی اکبر اجودانباشی توپخانه سپردند
کاغذ کارخانه دارالخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز میسازد جناب آقا محمد مهدی پسر مرحوم حاجی محمد
ابراهیم کرباسی که از اجله علمای اصفهان بود بجوار رحمت الهی پیوست پل شوشتر را که از طغیان آب
خراب شده ضیاءالملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بخوبی تعمیر نموده است میرزا نصرالله لشکر
نویسباشی آذربایجان بنیابت لشکرنویسباشی ممالک محروسه و خلعت همایون مفتخر شد نواب والا
رکن الدوله حکمران گیلان حسب الامر مقرر داشته اند کارگذاران انزلی مناره سرحد (فانوس بحری)
در آنمحل بسازند جناب ناصر الملک نیز مراقبتی دارند که در گیلان نیشکر بعمل آورند قشون و سرداران
که در تنبیه اشرار تراکمه خدمت کرده بودند مورد عواطف ملوکانه گشته از قرار ذیل بخلعت و منصب
و انعام همایون سرافراز گردیدند

(محمد ولیخان سردار انعام هزار تومان جبه ترمه زنجیره دار پولک دوز توپ) (زین العابدین خان سرتیپ
سواره دوبون منصب سرتیپی اول و جبه ترمه) (صفر علیخان سرتیپ سواره اینانلو نشان و حمایل سرتیپی اول)
(محمد تقی خان سرکرده سواره افشار شاهسون نشان از مرتبه دویم سرهنگی) (محمد خان سرکرده سواره

چلبیانلو لشان از مرتبه سیم سرهنکی) معین الملک لشکر نویس باشی با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون از مرتبه سیم سرافراز شد محمد باقرخان پسر ظهیر الدوله بسرهنکی فوج عرب و عجم برقرار کردید مصطفی قلیخان معلم توپخانه بسرهنکی خارج توپخانه مفتخر کشت هشتاد نفر از فوج اصفهان حسب الامر سپرده مسیو بنزاک میباشند و همه روزه انها را با بیست نفر از شاکردان خود که مسیو بنزاک انتخاب کرده در خارج شهر بتعلیم فنکان و قلعه سازی فوری میدهد و عنقریب هریک ازین سربازان درین علم سمت معلمی خواهند داشت راه کیلان که در حکومت مجد الدوله ابتدا شده بود این اوقات باهتمام ناصر الملک مشیر حضور باتمام رسید میرزا محمد علی کارکذار مهام خارجه فارس بلقب خانی سرافراز کردید میرزا مهدی همدانی منشی مهام خارجه بلقب خانی و ناظمی مهام خارجه بندر بوشهر و سایر جزایر بحر العجم و خلعت همایون نایل کشت زین العابدین خان حاکم کروس که با سرکردکی افواج کروس مامور ساخلوی کلات بود مرحوم شد و علیرضا خان پسر انمرحوم بحکومت کروس و خلعت همایون مباهی کردید اقا محمد حسن صندوقدار خاصه مبارکه بلقب اعتماد الملکی و خلعت همایون سرافراز امد میرزا مصطفی لشکر نویس بلقب و کیل لشکری و خلعت همایون مفتخر شد اقا محمد مهدی کمپانی توپ اصفهان عمل توپ انصفحه را کمال نظم داده است این اوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب بمجد ابراهیم خان امیر دیوان شرف صدور یافت که صورت ان تیمنا در ذیل نکاشته میشود

دیلمی

صورت دستخط مبارک بافتخار محمد ابراهیمخان امین دیوان

چون استحکام مبانی و نصفت و پیشرفت قواعد دیوان عدالت پیوسته منظور نظر انور همایون است و اموراتی که محض دولتخواهی باکمال صدق و حق مرحوم معتمد الدوله کذرانیده و حکم داده است باید مجری و ممضی باشد و تغییر و تبدیلی نپذیرد لهذا امر و مقرر میفرمائیم که اکر کسی بخواهد خلاف انقرار در احکام صادره انمرحوم نموده تغییری بدهد انمقرب الخاقان بالصراحه بعرض خاکپای همایون رسانده دفع تصرف و تغییر احکام صادره سابقه را بکند و همچنین امور اتیکه راجع بانمرحوم و مخصوص دیوان عدلیه بوده و تا بحال ناتمام مانده ان مقرب الخاقان بدون مداخله غیر باتمام رسانده صورت انجام عمل را بخاکپای مبارک عرض نماید و در امورات حال و استقبال دیوانخانه که انجام ان رجوع بانمقرب الخاقان است احدی نباید مداخله بکند و اکر کسی بنای دخل و تصرف داشته باشد و با مساهله و مماطله در اجرای احکامیکه حسب الامر الاقدس الاعلی از دیوان عدلیه اعظم ابلاغ میشود بنماید هرکس باشد انمقرب الخاقان مأذون است که فی الفور معروض و خاطر همایون را اطلاع دهد که نهایت مواظبت در احکام و احقاق حق عارضین بشود

شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۲۷۸

جناب میرزا جعفرخان مشیر الدوله که دو سال قبل بسمت سفارت کبری مامور دولت انگلیس کردید
و در بین راه در خاک هر دولتی کمال پذیرائی و اعزاز و اکارگذاران ان دولت درباره مشار الیه بوجه
اکمل بعمل آوردند و در اسلامبول بحضور سلطان عبد المجید خان مرحوم مشرف و مورد تلطفات شاهان
کردید و اورا باعطای نشان مجیدیه از درجهٔ اول قرین اختصاص داشتند بعد از ان بلندن رفته بحضور
اعلیحضرت پادشاه انگلستان شرفیاب و بعد از ادای ماموریت نامه مهر علامر اعلیحضرت همایون را تسلیم نمود
و از جانب اعلیحضرت پادشاه انگلستان شرایط تفقدات نسبت بانسفیر کبیر معمول شد و مدتی دران پای
تخت اقامت نمود و صنایع و بدایع و رسوم و آداب انمملکت را برای العین دید هم چنین بتماشای شهر پاریس رفته
باتفاق جناب حسنعلیخان[۲] بحضور اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه مشرف شدند و از جانب اعلیحضرت
ناپلیون اظهار مودت و یکانکی نسبت باعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه و بذل تلطفات درباره سفیر کبیر
مشار الیه شد و مجددا بلندن مراجعت کردند بعدها باز با تشریفات کامله معاودت باسلامبول نموده و
از آنجا قدری راه را منحرف کرده شهر اتن پای تخت یونان را نیز سیاحت نموده بحضور پادشاه یونان نیز
تشرف جستند پس از ان از راه تفلیس عازم ایران شدند و در این اوان باحترام و اعزاز شایان بدربار معدلت
همایون مشرف و باعطای یکقطعه نشان امیر نویانی با حمایل مخصوص آن رتبه جناب معزی الیه را مفتخر فرمودند
و علیخان نایب دوم سفارت کبری بمنصب نیابت اول سفارت برقرار کردید و میرزا اسحق خان منشی بمنصب
کارپردازی مهام خارجه استراباد مامور کشت حسنعلیخان سرتیپ افشار بمنصب جنرال اجودانی حضور
مبارک و خلعت همایون سرافراز شد راه پیوزن و راه شریف اباد بمشهد مقدس که هر دو بجهة کوه و کتل
سختی داشت و زوار در هنکام عبور در تعب بودند باشاره علیه میرزا محمد حسین عضد الملک متولیباشی
حاجی مصطفی قلی بیک دربان باشی را بهموار نمودن این دو راه کماشته مشار الیه این خدمت را بخوبی انجام
داد نواب الا فرهاد میرزا نایب الایاله بحکومت عربستان و لرستان مامور کردیدند میر عطاء الله خان
تیموری بمنصب سرتیپی سرافراز آمد محمد رحیم خان علاء الدوله ایلچی کبیر دولت علیه که برای ادای تعزیت
انتقال مرحوم سلطان عبد المجید خان و جلوس اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان مامور دربار دولت
عثمانی بودند روز سه شنبه بیستم شهر جمادی الثانیه وارد لنکرکاه اسلامبول شده از جانب کارگذاران
دولت عثمانی تمام تشریفاتی که درباره سفرای بزرگ دول معظمه رسم و معمول است از اول ورود جناب
سفیر کبیر بخاک عثمانی تا وصول بپای تخت اندولت درباره ایشان بوجه اکمل معمول داشتند و جناب

[۲] وزیر مختار دولت علیه مامور اقامت پاریس

احضار

علاء الدوله را با اعزاز تمام دو روز بعد بحضور اعلیحضرت سلطان عثمانی نموده ابلاغ نامه مهر علامه اعلیحضرت
همایون را نموده اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان کمال بشاشت را از مودت اعلیحضرت شاهنشاهی دام
ملکه نموده وجناب ایلچی کبیر را بتلطفات خاصه مخصوص نمودند وجناب معزی الیه بعد از انجام این سفارت
کبری بطور شایستگی وکفایت معاودت نموده روز ششم رمضان المبارک وارد دار الخلافه شدند
در ماه شعبان اینسال موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار
شست مبارک شد قنبر علیخان سعد الملک بمنصب سرتیپی اول وخلعت همایون سرافراز گردید میرزا
سید تقی تفرشی سررشته دار سابق آذربایجان بمنصب لشکرنویسی وخلعت همایون نایل آمد حاجی
میرعلی اصغر شیخ الاسلام تبریز برحمت ایزدی پیوسته میرزا ابوالقاسم ولد مرحوم بمنصب شیخ الاسلامی
منصوب ومخلع گردید میرزا اسحق منشی که از اجزای سفارت کبرای لندن بود وبعد از انجام ماموریت
خود بمنصب مباشری مهام خارجه استراباد نایل گردید با عطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل
مخصوص این رتبه وخلعت همایون سرافراز شده بمحل ماموریت خود روانه گشت بجهة نظم ایصال اقساط

خطاب

صاحب جمعان دیوانی که از جانب وزیر مالیه معین میشود دستخطی مبارک بدوستعلی خان معیر الممالک
شرف صدور یافت که صورت آن بعینه نگاشته میشود

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

معیر الممالک قرار سنه جدید اینست اینک که در باب تنخواه ولایات مقرر فرموده ایم از اینقرار است که
حکم میشود وباید تخلف نشود هر صاحب جمعی خود نباید تنخواه ابواب جمعی خود را از اول سال الی آخر سال
که دوازده ماه تمام است وصول کند که دیناری عقب نمانده بسال نو نرسد وقسط خود را در وقت وموقع
وصول کرده بمخارج لازمه دولتی بدهد که از آنجمله قسط ابواب جمعی خزانه است که باید اهتمام کرده هر قسمیکه
خود صلاح بداند در انجام دادن ووصول کردن قسط خود باشد وهیچ عذری از حکام وغیره نشنود
اگر کوتاهی در وصول قسطهای خود نماید کمال مواخذه از تو خواهد شد سواد این دستخط را برای
جمیع حکام بفرستند وبوکلای حکام که در پای تخت حاضر اند بنمایند تحریرا فی شهر رمضان آخر تخاقوی ئیل
جناب مسیو کوبینو کربمنت وزیر مختار از جانب دولت فرانسه مامور دربار دولت علیه بود
واز راه گیلان عزیمت دار الخلافه نموده از اول ورود بخاک ایران تا وصول بدار الخلافه جمیع شرایط
معمول که درباره سفرای بزرگ ووزرای مختار دول متحابه بعمل میآید درباره جناب معزی الیه
بعمل آمد دعوت بحضور باهر النور اعلیحضرت شاهنشاهی شده ابلاغ نامه اعلیحضرت ناپلیون امپراطور

وانم

فرانسه را نموده مورد نوازش و تلطفات خاص خسروانه گردید میرزا علیخان پسر دبیر مهام خارجه که با حداثت سن در اکثر علوم از فرط ذکاوت با ربط شده و خط را در کمال خوشی و بطرز استادان کامل مینویسد بخلعت همایون سرافراز و مقرر شد سفراً حضراً در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد

شب بیستم رمضان قریب شش ساعت از شب گذشته افتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانه منعقد گردید حاجی میرزا محمد رضای مستوفی خراسان بمنصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد میرزا جعفرخان مشیرالدوله و رئیس دارالشوری را با ابقای ریاست دارالشوری بمنصب متولیباشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز فرمودند نواب والا احتشام الدوله حکمران اصفهان که بدربار معدلتمدار آمده بود مریض شده مرحوم گردید جناب ظهیرالدوله ایشیک اقاسی باشی بحکومت استراباد سرافراز شد میرزا عبدالوهابخان نایب اول وزارت امور خارجه بلقب نایب الوزارگی ملقب و اداره انتظام مهام خارجه آذربایجان را بایشان تفویض و بخلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز فرمودند میرزا هاشمخان امین خلوت بیکقطعه نشان سرتیپی اول مفتخر گردید نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت ترشیز برقرار گردید محمد قاسم خان وزیر مختار سابق سنت بطرزبورغ بحکومت گیلان و لقب والی گری ملقب و سرافراز گردید شاطورخان مسیحی سرهنک و اجودان مهام خارجه باعطای یکقطعه نشان طلا از درجه اول مدرسه سرافراز گردید نصرالله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا که از تربیت یافتکان مدرسه مبارکه دارالفنون است بنیابت وزارت علوم برقرار و بخلعت همایون سرافراز و بهمراهی نواب والا احتشام السلطنه حکمران خراسان مامور اتمملکت گردید حاجی علی اکبر تاجر طهرانی که در کار معادن جدید و قدیم ممالک محروسه جد کافی بعمل آورده بود بلقب امین معادن ملقب گردید نواب الاشاهنشاهزاده اجل امجد سلطانحسین میرزا الملقب جلال الدوله ملقب و بحکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوام الدوله به پیشکاری شاهنشاهزاده وزارت معظم الیه سرافراز شد علیخان قراکوزلو سرتیپ اول بلقب نصرة الملکی مفتخر گردید یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفرالدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آنمملکت فرمودند شرحی در قواعد نشان شیر و خورشید باشاره علیه همایونی نگاشته شده و صورت آن بعینه از قرار ذیل است

بسم الله تبارک و تعالی

قواعد نشان شیر و خورشید دولت ابد آیت که بحکم اراده سنیه سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ظل الله و لینعمت کل ممالک محروسه ایران خلد الله تعالی ملکه در این سال خجسته فال اینئیل ابجاد و

میرزا علیخان مذکور در متن جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل خاصه و لد جناب مجدالملک وزیر وظایف کل ممالک محروسه میباشد که از سنه مسطوره الی الان پیوسته در معارج ترقی صعود نموده دارای نشان تمثال بیمثال همایون و لقب جنابی ابدالاثار والان بسمت ایلچی کبری دولت علیه در دربار ایطالیا مامور ابلاغ تعزیت و تسلیت از انتقال اعلیحضرت ویکتر امانوئل مرحوم و جلوس اعلیحضرت هومبر پادشاه جدید ایطالیا میباشند

برقرار شده است و قوانین محکم آن انشاءالله الی الابد در دولت علیه حسب الارادة الخاقانیه انشاءالله تعالی
بفرخندگی معمول خواهد شد مشتمل بر مقدمه و چهار باب و خاتمه است

مقدمه

نشان در دولتها موضوع است در ازاء یک امر معنوی که حاصل میشود برای اشخاص از مجاهدات بلیغه ایشان در کسب مراتب لیاقت و شرف و چون امور معنوی را جنبه شهود و عیان در نظرها نیست لهذا خواسته اند که بواسطه نصب علایم حسیه هریک از آن مراتب معنویه را در انظار محسوس نمایند تا از صورت بمعنی پی برده شود و آن فخر و شرف که شخص در تحصیل آن عمری تلف کرده است در اسم و وجود او پاینده و باقی ماند پس اراده علیه همایون بر این قرار گرفت که این نشان همایون بکسی داده نشود مگر باستحقاق حقیقی و موجود بودن شرایط مقرره در این قانون و شرط اعطای این نشان مبارک و امتیازات مرتبه آن در ضمن خاتمه بیان خواهد شد

باب اول

اقسام و اسامی این نشان مبارک که منقسم بسه قسم است و موسوم است باسامی محترمه مفصله نشان اقدس نشان قدس نشان مقدس و اوصاف هریک از اینها ذکر میشود

باب دوم

نشان موسوم باقدس و تمثال مکلل بالماس شد داده نخواهد شد مگر بسلاطین عظیم الشان که مابین اعلیحضرت شاهنشاهی و ایشان عهد مودت و یگانگی بدرجه کمال و از طرفین شرایط یگانگی بمنصه شهود و عیان رسیده باشد در اینصورت حمایل این نشان آبی روشن خواهد بود که مخصوص شخص وجود همایون است و از برای عزت و احترام این قسم از نشان همایون همان قدر کافی است که بجز پادشاهان عظیم الشان احدی دست رس بمقام رفیع آن نخواهد داشت و نیز همین نشان موسوم باقدس داده نخواهد شد مگر بوزرای عظام که اول این مقام خدمت را فایض شده اند حکمرانهای بزرگ ممالک عظیمه را نیز از خانواده سلطنت و سایر که ولات و حکام بزرگ در زیر حکم آنها باشند راه اعطای آن مسدود نیست مشروط باینکه در دولت بدرجه وزارت عظمی مفتخر شده باشند در خارجه نیز وزرای عظام دول دوست اهل و شایسته اینمقام خواهند بود و حمایل این نشان عبارت از حریر سبز است که خط باریک آبی از طرفین آن قرار داده باشند و فرقی میان قسمین این نشان اقدس ملاحظه نشده است مگر آنکه مخصوص شخص وجود همایون و سلاطین عظیم الشانرا مکلل بالماس بودن حتم و لازم است و حمایل آن آبی روشن بضمیمه لزوم صورت تاج و جیقه در صدر آن

نشان موسوم بقدس داده نخواهد شد مگر باشخاصیکه در درجهٔ منصب انها تا الی مرتبهٔ وزارت عظمی بالمره
سفرای کبار و ایلچیان مخصوص و سرداران بزرگ نیز اهلیت اعطای این نشان خواهند داشت حمایل
ان عبارت از حریر سبز است که منطبا دیلک سرخی در طرفین ان قرار داده باشند

نشان موسوم بمقدس داده نخواهد مگر باشخاصیکه یکدرجه بیشتر فاصله میان مرتبهٔ آنها و درجهٔ وزارت
عظمی نباشد وزرای مقیم و امرای تومان و حکام ولایات در حالتیکه بدرجهٔ امیر تومانی رسیده باشند
نیز شایسته و سزاوار این موهبت عظمی خواهند بود حمایل ان عبارت از حریر سرخی است که طرفین ان بخط
بادیلک سبز معلم شده باشد

باب سیم

اداره نظم این نشانهای مقدس در کف کفایت رئیس واحد خواهد بود که اراده علیهٔ همایون بانتخاب آن
قرار گرفته باشد و هر وقت یکی از احاد محترمه طبقات مسطوره در منظمهٔ اتحاف یا بذل یکی از عواطف مقرره
بر آید محول بتصدیق و تشخیص آن رئیس خواهد بود که حالت او را بسنجد و در مطابقت این عطایای عظیمه
با اهلیت آنشخص غور و امعان بلیغ نماید تا چنین موهبت دولت بغیر اهل نرسیده باشد

باب چهارم

هرگاه یکی از اشخاص طبقات فوق دلایل استحقاق نیل یکی از درجات نشانهای مقدسه اقامه نمود از جناب
سنی الجوانب اقدس همایون اشاره بیکی از وزارت خانه‌های دربار یکه مناسبت بحالات آنشخص داشته باشد
خواهد شد و از ان وزارتخانه نیز ابلاغ مکتوبی مشتمل بر ادلهٔ استحقاق شخص رئیس مزبور خواهد گشت بعد
از انکه دلایل مزبوره در نزد رئیس موجه و بشرایط مقرره مطابق افتاد بعد از امضای همایون فرمان همایون و
نشان و حمایل را از آن تاریخ تا یکهفته حاضر و بان وزارتخانه که ابلاغ فرمایش کرده بود خواهد فرستاد

خاتمه مشتمل بر چند مقاله (اولی)

در بیان شرایط استحقاق دارندگان نشانهای مبارکه است چون سلسله سلاطین با تمکین بواسطه عظم
شان و جلالت قدر دخلی بناس ندارند و ایشان خود مالک منع و اعطا هستند کسی را نمیرسد که در حق
ایشان سخن گوید هیچ قدر که اراده یکی از ایشان باهدای نشان خود بنیاد شاهی یا اجداد قرار گرفت کافی خواهد بود
اما سایر این شرط اعطای نشان اقدس در داخلهٔ دولت بیکی از وزرای عظام انستکه ان وزیر بعد از انکه
بعلاوه خدمات مختصی بواسطهٔ یک تدبیر بزرگی نیز در دایرهٔ متعلقه بخود خدمت نمایانی بدولت نماید که
از ان خدمت ترقی و فزایش شایسته نسبت بحالت دولت حاصل اید و در نظر اقدس همایون و امنای دولت

محسوساً واضح و آشکار شود که این تدبیر وسعت و پیشرفت امور دولت را زیاده بر آنچه بود باعث افزونی
شد در اینصورت آن وزیر استحقاق حقیقی برای اعطای آن نشان خواهد داشت و امتیازات آن در ضمن
مقاله چهارم بیان خواهد شد و در خارجه آنستکه آن وزیر دولت خارج نیز شرایط مقرره را ظاهر سازد
اعم از آنکه آن شرایط نسبت بدولت متبوعه او که دوست این دولت است باشد یا نسبت باین دولت علیه
باشد بطوریکه فواید عمده بر آن مترتب آید در اینصورت میتوان این نشان جلیل الشان را بتصدیق سفیر
این دولت علیه بر آن وزیر نیکخواه عطا و عنایت نموده

مقاله ثانیه

شرط اعطای نشان قدس بیکی از سرداران بزرگ آنستکه در مقام لشکرکشی و جنگ با دشمن منشاء
فتح بزرگ فوق العاده برای دولت متبوعه خود باشد مشروط بر اینکه درجات نشانها را که در قانون نظام
مقرر است مشروحاً بعد از فتوحات و خدمات نمایان حایز و نایل شده باشد در اینصورت نظر بظهور فتح
نمایان و طی مراتب نشانهای نظامی مستحق اعطای این نشان جلیل خواهد بود و در حق حکام و ولات
بزرگ آنستکه بعلاوه ادای تکالیف عادیه حکومتی اعم از ادای منال دیوانی و سرپرستی آحاد و افراد
ناس که بدست اختیار او سپرده شده اند و دفع ظلم و بدعت و تامین طرق و شوارع و استرضای خاطر
عامه خلق بحکم تدبیر وافی و عقل کافی مصدر کار بزرگی شده باشند که بدانواسطه توفیر کلی در حاصل مملکت
و ازدیاد نفوس خلایق و مالیات دیوانی حاصل شود و اینمعنی در نظر اقدس همایون بدلایل موجهه ثابت
و مبرهن آید در چنین صورت آنشخص اهلیت واقعی باعطای این نشان هم خواهد رسانید و امتیازات
مرتبه بر آن در ضمن مقاله چهارم بیان خواهد شد و در حق ایلچیان بزرگ و سفرای مخصوص آنستکه
علاوه تحصیل رضا و خشنودی خاطر اقدس همایون از طرز سلوک و مجاهده خود شان در حفظ و ازدیاد
روابط دوستی و الفت میان دول علیه و دولت متبوعه خود شان و ابراز دلایل حسن نیت بی غرضی
مابین دولتین که لازمه تکلیف سفارت ایشان است مصدر یک خیرخواهی شایسته در دوستی نسبت
بدولت علیه شده باشد که فواید مخصوصه و محسوسه بر آن مرتب شود در چنین صورت مستحق
دارای این نشان خواهد بود

مقاله ثالثه

شرط اعطای نشان موسوم بمقدس در نظام و غیر نظام در داخله و خارجه همان شرایط مشروحه در ضمن
مقاله دویم است بملاحظه نسبت میان تکالیف ایشان و اشخاص رتبه سابقة الذکر

مقاله رابعه

امتیاز اول هر یک از طبقات سابقه که خود را بعد از مجاهد موفوره و مساعی مشکوره بمقام دارائی یکی از نشانهای مبارکه مسطوره برساند و باین افتخار و عز نایل شود وقتاً من الاوقات از آن درجه نازل نخواهد شد و آن عزت مکتسبه را مفقود نخواهد کرد مگر العیاذ بالله در صورت ظهور خیانت ثابته غیر مشکوکه از او نسبت بدولت علیه در محضر چهل نفر از امرا و اعیان و رؤسای هر یک از دستگاههای متنوعه در نادی بعد از انعقاد سر مجلس متوالی و مراتب خیانت از ینقرار است مثلاً با دشمن دولت بسازد یا حق بزرگ یا ملک دولت را ضایع نماید و قس علی ذلک نه هر خلافی که ابهام در صورت ظهور و ثبوت سزای دیگر خواهد داشت که دخل باینمراتب ندارد

امتیاز دویم دارای نشانهای مبارکه را هر وقت از اوقات اجازه استعفای از خدمت ارزانی و قبول خاطر همایون استدعای او خواهد بود بی آنکه از شان و احترام او ذره کاسته شود

امتیاز سیم اگر کسی برخلاف احترام سابق حرکتی با او نماید همان سزا که در صورت ظهور اینحرکت نسبت بیکی از وزرا و چاکران مشغول خدمت در حق مرتکب جاری میشود اجرا خواهد شد

امتیاز چهارم مواجب مقرری که در حالت اشتغال داشته نصف آن در حالت اعتزال باو بوجه احسن مرحمت و اعطا خواهد گشت

امتیاز پنجم هر وقت میل خدمت نماید همان شغل سابق یا مرتبه آن بی تفاوت و با نبودن مانع موجه وجهه آشکار باو محول خواهد امد

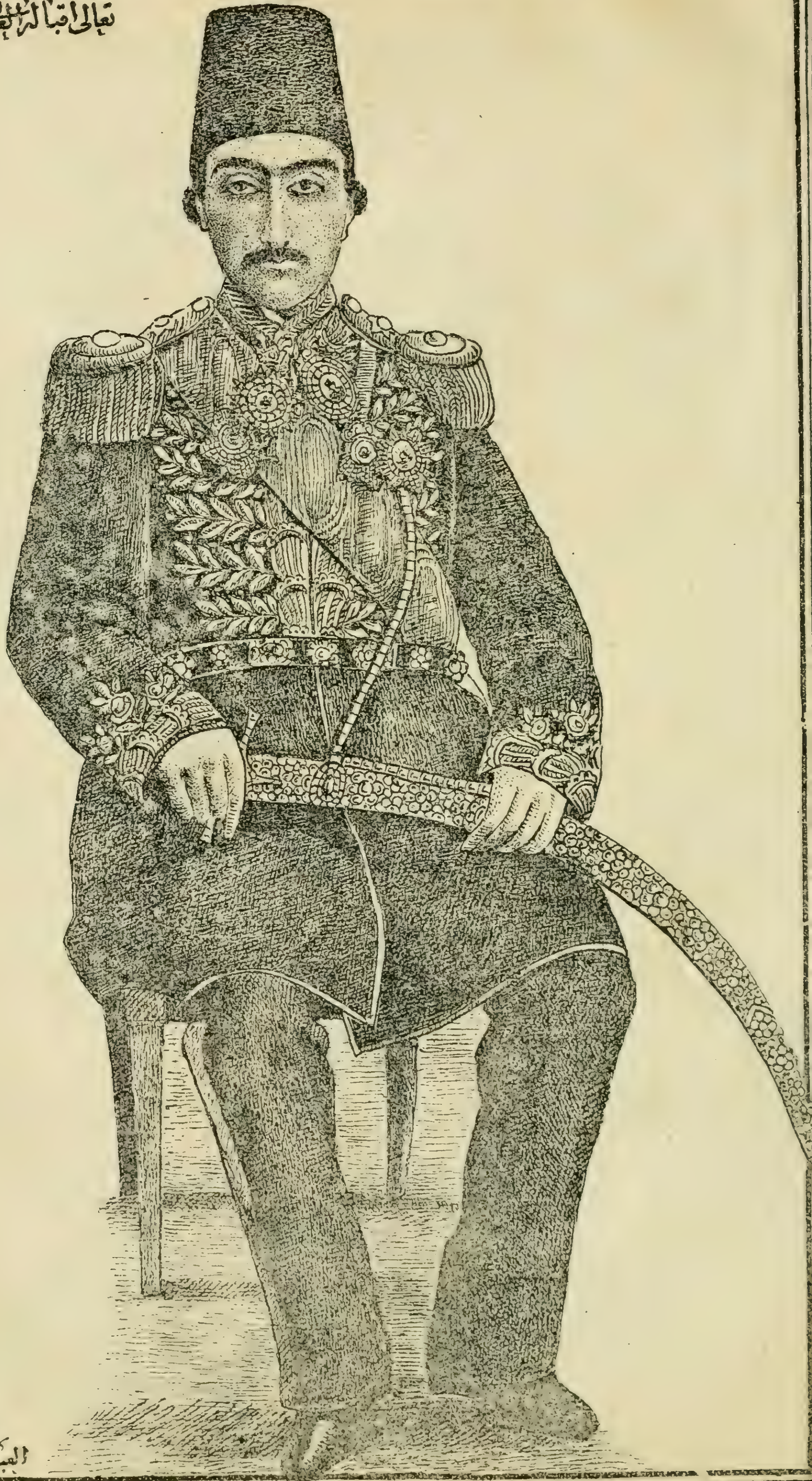
امتیاز ششم جای او در سلام حضور همایون در روزهای رسمی از هم منصبان او برتر خواهد بود چنانکه در ضمن باب سیم مذکور شد که اداره نظم این نشانها محول بیکنفر کفایت رئیس واحد خواهد بود تا بشرایط مقرره در طی این قواعد قیام و اقدام نماید

اظهار و اعلام میشود که اراده علیه اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاه و لنعمت کل ممالک محروسه ایران خلد الله ملکه و سلطانه چنین قرار گرفت که پاشاخان امین شوری که متصف بصفات کفایت و حاوی مراتب صدق و امانت و محل اعتماد خاطر اقدس همایون است بضمیمه سایر خدمات محوله بعهده خود از امانت دار کشیکخانه کبری و تقدیم خدمات مخصوصه حضور همایون با داره و نظم این خدمت نیز بکمال دقت و مواظبت اشتغال نموده بواسطه نظم کامل که در خدمات مرجوعه از خود بمنصه ظهور خواهد رسانید مراتب الطاف خاطر مهر اتصاف همایون را از اول علی ما سبق در حق خود کامل و شامل دارد و بعد از این رجوع شواهد متعلقه باینکار بمعزی الیه خواهد بود

نواب والا عبد الصمد میرزا بلقب عز الدوله ملقب و بحکومت همدان منصوب گردید و حاجی میرزا عبد الله خان که سابقاً در قزوین بوزارت نواب معظم برقرار بود مجدداً بوزارت و پیشکاری آن ولایت سرافراز شد نواب والا حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلک اجزای دار الشوری منسلک و مخلع گردید نواب والا حشمة الدوله بحکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شدند ضیاء الملک والد مؤلف که از عربستان بدربار معدلت مدار آمده در سلک وزرای عظام و اجزای دار الشوری داخل و بخلعت همایون مباهی آمد و بعد از آن بوزارت عدلیه اعظم منصوب گردید و محمد ابراهیم خان امیر دیوان بلقب معتمد الملکی سرافراز شد محمد مهدیخان کشیکچی باشی بیکقطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر گردید نواب والا نصرة الدوله حکمران عراق و ملایر بسرداری افواج و قشون عراق برقرار گردید مرتضی قلیخان (وکیل الملک) سرهنگ فوج ملایر بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد بیوک خان پسر محمد خان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز شد و فوج مزبور ملقب بفوج اقبال گردید میرزا محمد علیخان نایب آجودانباشی و کارپرداز اول مخصوص دولت علیه مقیم بمبئی بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص آن مفتخر آمد میرزا پطروس مترجم وزارت خارجه باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن مفتخر گردید و مامور گیلان شد

در این اوان سعادت اقتران که اواخر ماه ذیحجة الحرام است حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده کامکار مظفر الدین میرزا حکمران آذربایجان و مضافات و ولیعهد این دولت جاوید شوکت سرافراز و بیکقطعه نشان تمثال بیمثال اقدس نشانه ولایت عهد و بکثوب جبه ترمه کشمیری دو مروارید موشح بلآلی و جواهر گرانبها قرین افتخار و اختصاص فرمودند و وزارت مخصوصه حضرت مستطاب معظم الیه را بعزیزخان سردار کل عساکر نظام و غیر نظام تفویض و واگذار کردند و یحیی خان آجودان مخصوص حضور مبارک حامل این نشان و خلعت آفتاب طلعت گردیده روانه آذربایجان شد

حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده امجد افخم والا ولیعهد دولت علیه ایران دام الله تعالی اقباله العالی



نواب والا فرهاد میرزای نایب الایاله حکمران عربستان و لرستان بلقب جلیل معتمد الدوله سرافراز کردید

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام اقطار عالم و کره ارض واقع کردیده

اتائونی ینکی دنیا

جنک ما بین اهالی شمال و جنوب بکمال تشدد بود در ایالات کارلین و ورژینی علی الخصوص بعضی از ایالاتیکه داشتن برده در اینها رسم بود لیکن نشوریده با ایالات جنوبی بوده ابراهیم لنکلن رئیس بر اینها ستاده بودند رئیس مزبور غلامهای اینها را آزاد و یک مبلغی باسم خسارت باینها عوض داد جنک سختی که معروفست بجنک پیریس بورک در حوالی شط میسیسیپی فتح شمالیه در این جنک فتوحات بعضی قلعه جات شمالی بدست جنوبی شکست یافتن عساکر شمالی در نول ارلئان نسبت بتبعه هلاند و انکلیس و فرانسه کمال بی احترامی و صدمه از عساکر جنوبی وارد میاید و تا این زمان که یکسال از ابتدای جنک کذشته بود شمالیه بر تنها سیصد و پنجاه کرور تومان ایران مخارج کرده بود ایجاد راه آهن از سان فرانسیسکو بکالیفرنی استملاک و اموال اشخاصیکه اصلاً از ایالات شمالی اند ولیکن عساکر جنوبی مشغول خدمت اند ضبط میشود تلاش بیهوده دول فرانسه و انکلیس و روس که اقلاً شش ماه بین الجانبین متارکه باشد کشتی آلاباما که در انکلیس ساخته شده و از آن ایالات جنوبست بسواحل شمال کمال خسارت را وارد آورد وحشیهای سیوکس که از سکنه اصلیه ینکی دنیا هستند جنک داخله را غنیمت شمرده عداوت دیرینه را با فرنکیها آشکار ساخته در ایالات مجاور خودشان قتل و غارت نمودند در اینوقت عساکر مرتبی ابراهیم لنکلن بهشتصد هزار رسیده بود و سفاینی که تغییر وضع در آن داده بودند و از وضع تجارتی بحالت جنکی آورده از شراعی و بخاری بسیصد و بیست و سه فروند رسیده بود

اسپانیا

در مجلس شورای این دولت وکلاء رجال دولت را متهم بر این میکنند که در فقره مکزیک اتحادی که با دولت فرانسه داشتند بچه جهة بهم زدند

افریقا

در سودان مرکزی حاجی عمر که در سنکال فرانسه ها او را دوانیده بودند ممالک تنبکتو کارتا و تمام سواحل رود نیژر را کرفته بود جنک سختی ما بین پادشاه دهمه و پادشاه ابوکوتا

المان

عهدنامهٔ تجارتی پروس با فرانسه شناختن دولت پروس ویکتر امانول را بسلطنت تمام ایطالیا
استقراض دولت از برای تهیهٔ جنگ وکلای ملت در این مسئله مساعد با دولت نیستند مقاربات
پادشاه و وکلای ملت ونود مسیو بیزمارك سفیر پروس که در این وقت مامور فرانسه بود و قبل بهمین
سمت در سنت پطرزبورغ بود در جرکه وزرای دولت وزیر مالیه و وزیر خارجه هر دو بعد از ورود
بیزمارك بمجمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند روز مسیو بیزمارك بمنصب صدارت
برقرار کردید ایجاد وزیر بحری در مملکت اطریش تمام سفاین جنگی اطریش از شراعی و بخاری مرکب از
صد و بیست و نه کشتی است که دارای نهصد و نود و شش توپ و هجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمله کشتی
و قشون بحریست ایجاد پلی در روی رودخانه رن در حوالی نانسی بجهة عبور راه آهن

انکلیس

در ینسال بهمه جهات پارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور لیره قیمت داشت زیاده از مملکت
انکلیس بخارج برده نشد در صورتیکه سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور لیره کارخانجات
انکلیس پارچه پنبه بخارج میفروخت و این نبود مگر بواسطه جنگی که در ینکی دنیا واقع شده بود که بقدر
لزوم حمل پنبه از ینکی دنیا بانکلیس نمیشد در ایرلاند بعضی از ملاکین که نسبت برعایای خود ظلم میکردند دولت انگلیس بشراکت
مقتول شدند بواسطه شورش رعایا اکسپوزیسیون عمومی در حوالی لندن در بعضی مجالس عمومی لندن دول فرانسه در خیال
کرازدهام کلی میشد اهالی لندن بر گاری بالدی تمجید و تهنیت فرستادند و اهالی انکلیس بدین خوب حضور اصلاح مجاهدین ینکی دنیا بود لیکن این وساطت
قشون فرانسه را در رُم نمی نگرند مخارج زیاد دولت در ینسال بجهة اداره قشون لُرد الژن بفرمانفرمائی دهلی بجای کنیک بهمان منصوب شد
هند
منصوب شد عدد قشون هندوستان که در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود بصد و بیست
و پنج هزار قرار دادند و عدد قشون انکلیسی که از انکلیس فرستاده میشد و نود هزار بود بهفتاد هزار قرار
دادند فوت پادشاه دهلی در رانگون مسافرت نواب ولیعهد انکلیس باسلامبول و یونان عروسی دختر دوم
اعلیحضرت پادشاه انکلستان شاهزاده خانم آلیس با شاهزاده هِس فوت سر جُن رُز مسافری که در قطب
شمال چندین دفعه سفر کرده بود

ایطالیا

اصلاح بیهوده دولت فرانسه ما بین حضرت پاپ و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا فوت پرنس کابو یکی از
اعمام پادشاه سابق ناپل ملاقات والی مصر با پادشاه ایطالیا در ناپل ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور
اعلیحضرت پادشاه خیال راه آهن بناپل استقراض دولت مبلغی بجهة مخارج اینکار از صرافان رجل

نقار گاری بالدی

شورش در بعضی نقاط بجهة هواخواهان گاری بالدی با اعلیحضرت پادشاه خطبه حضرت پاپ برضد اعلیحضرت پادشاه ایطالیا شناختن دولت روس اعلیحضرت ویکتر امانوئل را بسلطنت تمام ایطالیا گاری بالدی آشکارا میگوید پامرك پادُم و اینکلام گاری بالدی برضد دولت فرانسه و برضد پادشاه جدید ایطالیا است که اولی محارست رُم را در عهده گرفته و ثانی عهد کرده است که در رُم مداخله ننماید

وحبس

زخمی شدن کاری بالدی در یکی از جنگها که با قشون پادشاه ایطالیا کرد و اسرا و در اسپیزیا مدت چهار ماه گلوله که بر پای او خورده بود بیرون نیامد بالاخره بسعی نلاتن جراح فرانسوی آن گلوله خارج شد و بعد از بهبودی یافتن او را بجزیره کاپورا فرستادند این رفتاری که نسبت بگاری بالدی شد از جوان مردی پادشاه ایطالیا در انظار اهالی ایطالیا کاسته شد عروسی دختر دویم اعلیحضرت پادشاه ایطالیا با پادشاه پرتوغال افتتاح راه آهن از ناپل برُم

پرتوغال

شورش در بعضی نقاط بجهة گرانی حبوبات

برزیل (ینکی دنیای جنوبی)

نقار با دولت انکلیس که بعد مبدل بصلح میشود

چین

در حوالی شانکای جنگ سخت مابین یاغیهای تای پنگ و عساکر فرانسه و انکلیس شکست یاغیها زخمی شدن امیرال پروتیر سردار فرانسه که بهمان زخم هلاك گردید و عقب نشاندن یاغیها را تقریبا سی فرسخ

دانمارك

دولت دانمارك مسلح شده تهیه جنگ میبیند وحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس بر ایالتین واسلیشویك و هلستین و بدول فرانسه و انکلیس و روس و سود شکایت مینماید از وضع و طرزی که دولت پروس پیش گرفته است

روس

فوت صدر اعظم کنت نسلرد استداد سیم تلکراف از لندن به سن پطرزبورغ که در ظرف چهل و دو ساعت از سنت پطرزبورغ به برلن پای تخت پروس بتوسط راه آهن میشود رفت تفویض حکومت لهستان بگراندوك قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور در ظرف یکسال چهارده هزار و هشتصد و سی و سه نفر از متمردین لهستان محبوس شدند حکومت گراندوك میشل برادر کهتر امپراطور بمملکت قفقاز

ژاپن

تعدی نسبت بانگلیسها خروج سفرای خارجه از پای تخت ورود ایشان به یکهاما و توضیح خواستن از دولت ژاپن

سوئد

ملاقات سلاطین سوئد و دانمارک

عثمانی

صدارت فؤاد پاشا وزارت خارجه عالی پاشا شورش در حلب دنبلی طایفه بدروز در حوران خالد بیک از ادای مالیات مضایقه دارد و دزدی و شرارت را تا بدروازه امتداد میدهد افتتاح مجلس پالیتین ملداوی و والاشی بدست پرنس کوزای والی جنگ عمر پاشا با اهالی قراداغ کمک بعضی از اتباع دولت اطریش بقراداغ شکست سخت قشون قراداغ و متارکه خواستن والی آنجا دولت روس میانجی صلح است در بلگراد پای تخت سرویستان بجهت نقاریکه ما بین عساکر عثمانی و اهالی شهر روی داده بود عساکر عثمانی در ارک متحصن شده شهر را گلوله باران کردند از شش قلعه که عثمانی در سرویستان داشت دو قلعه را دول فرنگ بسرویه واگذار کردند و چهار قلعه را عثمانی خود متصرف است مجلس کنفرانسی از دول در اسلامبول تشکیل میشود و اصلاح میان عثمانی و سرویه میکنند معاهده تجارتی عثمانی با روس و با اغلب دول فرنگ والی مصر سعید پاشا بسیاحت فرنگ میرود در حفر نهر مجمع البحرین اهتمامی کامل بعمل میآورند و عمله جات جداً مشغول کار هستند

فرانسه

مواجب جنرال منتبان سردار فرانسه که در چین فتوحات کرده بود بر پنجهزار تومان مقرر شد که نسلاً بعد نسل باولاد ذکور او داده شود ایجاد مالیات جدید علاوه بر معمول بر کالسکه و اسب و نمک غدغن اکید بوزرا که علاوه بر مواجب مرسومی که هنگام وزارت مقرر است خرج نکنند در مجلس وکلا از قشون کشی بسمت مکزیک گفتگو شد وکلای دولت جواب دادند که مقصود از فرستادن قشون بقای نام و حفظ آبروی فرانسه است و قراری در تنخواهی که اهالی مکزیک استقراض از فرانسه نمودند ملقب شدن مسیو دمرنی بلقب دوک (دوک بمنزله امیرالامراست) نصب درون دلوئیس بوزارت خارجه شیخ عثمان از طایفه طوارق با دو نفر از مشایخ دیگر بشهر الجزائر آمده قبول تبعیت فرانسه نموده بعد بپاریس سفر نمودند این مشایخ متعهد بر این شدند که مال التجاره فرانسه را از داخله صحرای لم یزرع افریقا عبور

داده بسودان برسانند کارخانجات پنبه ریسی فرانسه بواسطه نرسیدن پنبه از ینکی دنیا معطل و
صاحبان کارخانه متضرر گردیدند آزادی نانواها در فروش نان لیکن بیان حد معین

مکزیک

عساکر انگلیس و اسپانیا و فرانسه که با هم متفق بودند در مسئله تغییر وضع دولت مکزیک تباینی مابین
دول ثلاثه پیدا شد با اینکه ژوارز رئیس جمهوری مکزیک در همان وقتیکه قشون اسپانیولی در خاک مکزیک
آمده بودند بالنسبه برعایای اسپانیولی کمال تعدی را نموده دو کرور تومان از او جریمه گرفته جمعی از آنها را
باتهام جزئی بقتل رسانده با وجود این سردار اسپانیولی جنرال پریم اتفاق با فرانسه ها را مصلحت ندید
تنها قشون فرانسه را در مخمصه انداخته دوچار مجادله با ژوارز بتنهائی نموده سرداران اسپانیول و انگلیس
بکشتی نشسته باوطان خود مراجعت نمودند و از آن بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیک را
دولت امپراطوری نموده ماکسی میلیین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد
جنگ سخت قشون فرانسه که زیاده از هفت هزار نبودند با قشون ژوارز در حوالی پوابلا ورود قشون
فرانسه بسرداری جنرال دوا بر بند در وراکروز مکزیک تلف شدن بیشتر از قشون فرانسه از تب زرد
عدد قشون فرانسه بر بیست و پنجهزار مرد و پنج هزار اسب رسید

یونان

شورش در نپلی که توپخانه دولت آنجا واقع شده است جنگ قشون دولتی با یاغیان شورش در اغلب
نقاط مملکت بر ضد سلطنت شورش سخت بر ضد خانواده سلطنت اجماع مردم در عزل پادشاه که از
شاهزاده های باویر بود اتحاد قشون با شورشیان استعفای پادشاه اتون از سلطنت ایجاد دولت
موقتی تردید در انتخاب پادشاه جدید پرنس الفرد پسر دوم اعلیحضرت پادشاه انگلستان داعیه سلطنت
دارد که قبول نمیشود دوک دلیشتنبرغ از شاهزاده های روس که داعیه سلطنت دارد او هم رد میشود
پدر پادشاه پرتوغال فردیناند که باو نیز تکلیف سلطنت مینمایند او نیز قبول نمینماید خزانه دولت
خالی است انقلاب و اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی نظم و بی سردار

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
٥	٢٠	سیف‌الملك	سیف‌الملوك	١٨	٢٢	مریدها	مرویها
١٨	٢٤	ده‌جزی	دره‌جزی	٢٥	١٢	سالر	ساکر
٢٧	١٤	ولبن	لبن	٣٩	١٤	ولی‌چای	دلی‌چای
٤١	٢	شب‌اسودیم	شب‌را سودیم	٧٥	١٣	یزنیان	بونینا
٤٣	١٨	ووزبای	ووزرای	٧٠	٢٥	سبزوار	سبزار
٧٢	٤	نخی	نخعی	٧٢	١٤	پامانا	پاناما
٧٣	٢٣	شال	شارل	٧٤	١٠	پرتیل	بریل
٧٤	١٤	توئی	تونلی	٧٤	١٨	لسکان	لُسکان
٧٥	٤	شانیل	شامبل	٧٥	١٠	سوز	سوئد
٧٥	٢٠	لورمانی	نورماندی	٧٥	٢٣	ژوهم	ژرم
٧٥	١٤	سید محمد	صمید محمد	٨٣	٩	اجودان	اجودان باشی
٨٤	٤	ماتلانو	ماتراتسو	٨٤	١٠	لمر	نمرو
١٠٤	١٣	بعقلی	بعقیلی	١٠٩	٨	عقلی	عقیلی
١١٣	١٤	اق‌ودربند	آق‌دربند	١٥١	١٧	لنلتن	ولنگتن
١٥٢	٢٠	کشتهای	کشیشان	١٧٤	١٤	اگوت	اگوست
١٨١	٧	محمدعلیخان	مهرعلیخان	١٨٤	٣	امان‌الله خان	امان‌الله خان سیف‌الملك
٤	٢١	جر	جز	٩	٨	تیز	نیز
١٣	١٩	مکزیکه	مکزیك	٢٣	١٩	عبدالحسین میرزا	میرزا عبدالحسین
٢٤	٣	واکربرادر	برادر	٣٠	١٨	کشت	برکشت
٣١	٨	بمغاونت	بمعاونت	٣٣	١٤	چیله	حیله
١٥٠	٢٤	فرقه	خرقه	١٣٢	١٢	جهانسوز میرزا	جهانسوز خان

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۵	۱۱	بنا گردند	در شیراز بنا گردند	۷۵	۲۳	ژددم	ژدُدم
۸۱	۵	مسیو م	مسیو نمیرو	۸۱	۶	چارتوطا	چارتوتا
۸۴	۲	سانی	ساتی	۸۴	۵	کاژدیلو	کاژدیلو
۸۴	۷	پش	پشن	۸۴	۱۰	لمر	نمیرو
۱۴۱	۲۲	روانه نموده	روانه مرو نموده	۱۴۳	۹	یکشب تکرکی	یکشب تکرکی در شتستان
۱۵۶	۱۸	حاجی میرزا باقر	زوجه حاجی میرزا باقر	۱۷۲	۲	باره	بوده
۱۸۷	۶	اعتضاد الدوله	اعتضاد السلطنه	۱۸۹	۱۰	همایون تقدیم	همایون مسیو فت تقدیم
۱۸۹	۲۱	تاراو	تالاراو	۱۹۹	۱۹	ابوالقاسم	آبوالقاسم خان
۲۰۵	۱۰	غواف کینو	کنت دوکوبنو	۲۱۵	۱	اویل	اوایل
۲۱۵	۱۴	لمشدی	شدیدی	۲۱۶	۱۹	وسلوك	سلوك
۲۲۵	۱۹	ژاشل	راشل	۲۲۵	۶	فرارا	فردا
۲۳۲	۱۴	اذربایجانرا	اذربایجان	۲۴۱	۲۴	ملك را	ملك ارا
۲۵۱	۱۱	بلقب ادب الملکی و خلعت	بلقب ادیب الملک و خلعت	۲۵۸	۹	نه نیر اعظم	به نیر اعظم
۲۵۹	۵	نافتح	بافتح	۲۶۱	۶	مازعه	منازعه

۱۲۹۵

۱

تقویم سال السنہ میمونہ بارہ سو بارہ ترکی ہزار و دو صد و نود و پنج ہجری

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ربیع الثانی	[illegible]	[illegible]	ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جمادی الاولی	[illegible]	[illegible]
جمعه	۱	۱۵	۵		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۵	۳		[illegible]	[illegible]
شنبه	۲	۱۷	۶		۱۹		[illegible]	۲	۱۶	۵		۳۶	۳۷
یکشنبه	۳	۱۸	۷	شرف شمس	۲۰		[illegible]	۳	۱۷	۵		۳۹	
دوشنبه	۴	۱۹	۸		۲۱	۳	[illegible]	۳	۱۹	۷		۴۹	
سه‌شنبه	۵	۲۰	۹		۲۲		[illegible]	۵	۱۹	۸		۵	۳۶
چهارشنبه	۶	۲۱	۱۰		۲۳		[illegible]	۶	۲۰	۹		۵۱	
پنجشنبه	۷	۲۲	۱۱		۲۴	۲۱	جمعه	۷	۲۱	۱۰		۵۲	
جمعه	۸	۲۳	۱۲		۲۵		[illegible]	۸	۲۲	۱۱		۵۸	۲۹
شنبه	۹	۲۴	۱۳	ابان ماه رومی	۲۶		[illegible]	۹	۲۳	۱۲		۵۳	
یکشنبه	۱۰	۲۵	۱۴		۲۷		[illegible]	۱۰	۲۴	۱۳	ایار ماه رومی	۵۵	۳
دوشنبه	۱۱	۲۶	۱۵		۲۶		[illegible]	۱۱	۲۵	۱۴		۵۵	
سه‌شنبه	۱۲	۲۷	۱۶		۲۹	۳۲	[illegible]	۱۲	۲۶	۱۵		۵۶	۳۱
چهارشنبه	۱۳	۲۸	۱۷		۳۰	۳۸	[illegible]	۱۳	۲۷	۱۶		۵۷	۳۲
پنجشنبه	۱۴	۲۹	۱۸		۳۲		جمعه	۱۴	۲۹	۱۷		۵۶	
جمعه	۱۵	۳۰	۱۹		۳۸		[illegible]	۱۵	۳۹	۱۸		۵۶	
شنبه	۱۶	۱	۲۰	اردیبهشت ماه، اول ثور	۳۳		[illegible]	۱۶	۳۰	۱۹		۵۹	
یکشنبه	۱۷	۲	۲۱		۳۰		[illegible]	۱۷	۱	۳۰	خرداد ماه جلالی	[illegible]	۳۳
دوشنبه	۱۸	۳	۲۲		۳۴		[illegible]	۱۸	۲	۲۱	اول جوزا	۱	
سه‌شنبه	۱۹	۴	۲۳	اذر ماه قدیم	۳۷	۳۳	[illegible]	۱۹	۳	۲۲		۲	
چهارشنبه	۲۰	۵	۲۳		۳۶		[illegible]	۲۰	۳	۲۸	دی ماه قدیم	۲	
پنجشنبه	۲۱	۶	۲۵		۳۹		جمعه	۲۱	۵	۲۳		۳	
جمعه	۲۲	۷	۲۶		۳		[illegible]	۲۲	۶	۲۵		۳	
شنبه	۲۳	۸	۲۷		۴۱	۳۵	[illegible]	۲۳	۷	۲۶		۴	۳۵
یکشنبه	۲۴	۹	۳۰		۴۲		[illegible]	۲۳	۶	۲۷		۵	
دوشنبه	۲۵	۱	۲۹		۴۳		[illegible]	۲۵	۹	۲۶		۵	
سه‌شنبه	۲۶	۱۱	۳۰		۴۳		[illegible]	۲۶	۱۰	۲۹		۴	۳۹
چهارشنبه	۲۷	۱۲	۱	مہر ماه فرانسیسی	۴۴	۴	[illegible]	۲۷	۱۱	۳۰		۴	۳۷
پنجشنبه	۲۸	۱۳	۲		۴۵		[illegible]	۲۹	۱۲	۳۱		۷	
جمعه	۲۹	۱۳	۳		۴۷	۴	[illegible]	۲۹	۱۳	۱	ژون ماه فرانسیسی	۷	
							[illegible]	۳۰	۱۴	۳		۷	۳۱

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ربیع الاول	[illegible]	[illegible]
جمعه	۱۶	۱	[illegible]	فروردین ماه جلالی، اول حمل	[illegible]	[illegible]
شنبه	۱۷	۲	۲	مولود حضرت رسول ﷺ	۲	
یکشنبه	۱۸	۳	۲۳		۳	
دوشنبه	۱۹	۳	۲۳		۳	۲۳
سه‌شنبه	۲۰	۵	۲۵		۵	
چهارشنبه	۲۱	۵	۲۵		۷	
پنجشنبه	۲۲	۷	۲۷		۶	
جمعه	۲۳	۶	۲۶		۹	
شنبه	۲۳	۹	۲۹		۱۰	۱۶
یکشنبه	۲۵	۱۰	۳۰		۱۱	۱۰
دوشنبه	۲۶	۱۱	۳۱		۱۲	
سه‌شنبه	۲۴	۱۳	۱	اور یل ماه فرانسیسی	۱۳	
چهارشنبه	۲۶	۱۳	۲		۱۳	
پنجشنبه	۲۹	۱۳	۳		۱۵	۳۹
جمعه	۳۰	۱۵	۳		۱۵	۳۹

ایام هفته	ماه عربی	ماه رومی	ماه افرنجی	جمادی الثانیه	نصف النهار	بین طلوع عین
دوشنبه	غره	١٥	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٢	١٦	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	٣	١٧	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٤	١٨	[illegible]		[illegible]	[illegible]
جمعه	٥	١٩	[illegible]		[illegible]	
شنبه	٦	٢٠	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	٧	٢١	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	٨	٢٢	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٩	٢٣	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	١٠	٢٤	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	١١	٢٥	[illegible]	حزیران ماه رومی	[illegible]	
جمعه	١٢	٢٦	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	١٣	٢٧	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	١٤	٢٨	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	١٥	٢٩	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	١٦	٣٠	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	١٧	١	[illegible]	تیر ماه جلالی هفته حزیران		
پنجشنبه	١٨	٢	[illegible]			[illegible]
جمعه	١٩	٣	[illegible]			
شنبه	٢٠	٤	[illegible]	اول سرطان		
یکشنبه	٢١	٥	[illegible]	اول چله بزرک تابستان		
دوشنبه	٢٢	٦	[illegible]			[illegible]
سه شنبه	٢٣	٧	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	٢٤	٨	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٢٥	٩	[illegible]			[illegible]
جمعه	٢٦	١٠	[illegible]		[illegible]	
شنبه	٢٧	١١	[illegible]			
یکشنبه	٢٨	١٢	[illegible]			
دوشنبه	٢٩	١٣	[illegible]	ذوبت ماه فرانسه	[illegible]	[illegible]

ایام هفته	ماه عربی	ماه رومی	ماه افرنجی	رجب المرجب	نصف النهار	بین طلوع عین
سه شنبه	غره	١٤	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	٢	١٥	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٣	١٦	[illegible]		[illegible]	
جمعه	٤	١٧	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	٥	١٨	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	٦	١٩	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	٧	٢٠	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	٨	٢١	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	٩	٢٢	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	١٠	٢٣	[illegible]		[illegible]	
جمعه	١١	٢٤	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	١٢	٢٥	[illegible]	تموز ماه رومی	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	١٣	٢٦	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	١٤	٢٧	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	١٥	٢٨	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	١٦	٢٩	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	١٧	٣٠	[illegible]		[illegible]	[illegible]
جمعه	١٨	١	[illegible]	مرداد ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
شنبه	١٩	٢	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	٢٠	٣	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	٢١	٤	[illegible]	اسفند ماه قدیم	[illegible]	
سه شنبه	٢٢	٥	[illegible]	اول اسد	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	٢٣	٦	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٢٤	٧	[illegible]		[illegible]	
جمعه	٢٥	٨	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	٢٦	٩	[illegible]	بادخنك دزدی	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	٢٧	١٠	[illegible]	یوم المبعث	[illegible]	
دوشنبه	٢٨	١١	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	٢٩	١٢	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	٣٠	١٣	[illegible]		[illegible]	[illegible]

ایام هفته	ماه عربی	ماه رومی	ماه افرنجی	شعبان المعظم	نصف النهار	بین طلوع عین
پنجشنبه	غره	١٤	[illegible]	اوت ماه فرانسه اول چله کوچك	[illegible]	[illegible]
جمعه	٢	١٥	[illegible]		[illegible]	
شنبه	٣	١٦	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	٤	١٧	[illegible]	ولادت امام حسین	[illegible]	
دوشنبه	٥	١٨	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٦	١٩	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	٧	٢٠	[illegible]	ابادخنك اشكار	[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	٨	٢١	[illegible]		[illegible]	[illegible]
جمعه	٩	٢٢	[illegible]		[illegible]	
شنبه	١٠	٢٣	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	١١	٢٤	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	١٢	٢٥	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	١٣	٢٦	[illegible]	ابانماه رومی	[illegible]	
چهارشنبه	١٤	٢٧	[illegible]		[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	١٥	٢٨	[illegible]	مولود حضرت قائم	[illegible]	
جمعه	١٦	٢٩	[illegible]		[illegible]	[illegible]
شنبه	١٧	٣٠	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	١٨	١	[illegible]	شهریور ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
دوشنبه	١٩	٢	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	٢٠	٣	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	٢١	٤	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٢٢	٥	[illegible]		[illegible]	
جمعه	٢٣	٦	[illegible]	اول سنبله	[illegible]	
شنبه	٢٤	٧	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	٢٥	٨	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	٢٦	٩	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	٢٧	١٠	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	٢٨	١١	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٢٩	١٢	[illegible]		[illegible]	[illegible]
جمعه	٣٠	١٣	[illegible]	منوتركوما	[illegible]	[illegible]

ایام هفته	ماه رمضان المبارک	[illegible]	[illegible]	ماه رمضان المبارک	نصف النهار	[illegible]	ایام هفته	شوال المکرم	[illegible]	[illegible]	شوال المکرم	نصف النهار	[illegible]	ایام هفته	ذیقعده الحرام	[illegible]	[illegible]	ذیقعده الحرام	نصف النهار	[illegible]
شنبه	غره	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	یکشنبه	غره	[illegible]	[illegible]	عید فطر	[illegible]	[illegible]	دوشنبه	غره	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	۲	[illegible]	[illegible]	سپتامبر ماه فرانسه	[illegible]		دوشنبه	۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	سه‌شنبه	۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	۳	[illegible]	[illegible]		[illegible]		سه‌شنبه	۳	[illegible]	[illegible]	اکتبر ماه فرانسه	[illegible]		چهارشنبه	۳	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]		چهارشنبه	۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]		پنجشنبه	۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	پنجشنبه	۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	جمعه	۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]		جمعه	۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]		شنبه	۶	[illegible]	[illegible]	ولادت امام حسن نومبر ماه فرانسه	[illegible]	
جمعه	۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]		شنبه	۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]		یکشنبه	۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]		یکشنبه	۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]		دوشنبه	۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]		دوشنبه	۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]		سه‌شنبه	۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	۱۰	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	سه‌شنبه	۱۰	[illegible]	[illegible]		[illegible]		چهارشنبه	۱۰	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه‌شنبه	۱۱	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	چهارشنبه	۱۱	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	پنجشنبه	۱۱	[illegible]	[illegible]	ولادت حضرت رضا	[illegible]	
چهارشنبه	۱۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]		پنجشنبه	۱۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]		جمعه	۱۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	۱۳	[illegible]	[illegible]		[illegible]		جمعه	۱۳	[illegible]	[illegible]		[illegible]		شنبه	۱۳	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	۱۴	[illegible]	[illegible]	ایلول ماه رومی	[illegible]		شنبه	۱۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]		یکشنبه	۱۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	۱۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	یکشنبه	۱۵	[illegible]	[illegible]	تشرین الاول رومی	[illegible]	[illegible]	دوشنبه	۱۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	۱۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	دوشنبه	۱۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]		سه‌شنبه	۱۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	۱۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	سه‌شنبه	۱۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]		چهارشنبه	۱۷	[illegible]	[illegible]	تشرین الآخر رومی	[illegible]	
سه‌شنبه	۱۸	[illegible]	[illegible]	مهر ماه جلالی	[illegible]		چهارشنبه	۱۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]		پنجشنبه	۱۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	۱۹	[illegible]	[illegible]	لیالی قدر	[illegible]		پنجشنبه	۱۹	[illegible]	[illegible]	ابان ماه جلالی	[illegible]	[illegible]	جمعه	۱۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	۲۰	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	جمعه	۲۰	[illegible]	[illegible]		[illegible]		شنبه	۲۰	[illegible]	[illegible]	آذر ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
جمعه	۲۱	[illegible]	[illegible]	لیلة القدر	[illegible]		شنبه	۲۱	[illegible]	[illegible]		[illegible]		یکشنبه	۲۱	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	۲۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]		یکشنبه	۲۲	[illegible]	[illegible]	خرداد ماه قدیم	[illegible]		دوشنبه	۲۲	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	۲۳	[illegible]	[illegible]	اول میزان لیلة القدر	[illegible]	[illegible]	دوشنبه	۲۳	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	سه‌شنبه	۲۳	[illegible]	[illegible]	تیر ماه قدیم	[illegible]	
دوشنبه	۲۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]		سه‌شنبه	۲۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]		چهارشنبه	۲۴	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه‌شنبه	۲۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]		چهارشنبه	۲۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]		پنجشنبه	۲۵	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	۲۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]		پنجشنبه	۲۶	[illegible]	[illegible]	اول عقرب	[illegible]		جمعه	۲۶	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	۲۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	جمعه	۲۷	[illegible]	[illegible]		[illegible]		شنبه	۲۷	[illegible]	[illegible]	اول قوس ابتدای سرما	[illegible]	
جمعه	۲۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]		شنبه	۲۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]		یکشنبه	۲۸	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	۲۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	یکشنبه	۲۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	دوشنبه	۲۹	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]

ذی الحجه الحرام	محرم الحرام	صفر المظفر	ربیع الاول
	غرۂ سال ترکی		
		نفس دزد	
		ولادت امام محمد باقر ع	
		عید مولود شاهنشاه	
دسمبر ماه فرانسه		ولادت امام موسی ع	
	۱۷۸۹ ثانوبر فرانسه		مارس ماه فرانسه
		اول چله کوچک	
یوم غدیر		فوریه ماه فرانسه	
عید اضحی	عاشورا		
		نفس اشکار	
			اول برد العجوز
		شهادت امام رضا ع	
کانون الاول رومی			
	کانون الاخر رومی		اذار ماه رومی
جلالی دیماه	جلالی بهمن ماه	شباط ماه رومی	
		اسفند ماه جلالی	خمسه جلالی
			ابتدای ...
			ختم السنه
اول جدی و چله بزرگ	اول دلو	اول حوت	

فهرست اسامی سلاطین قاجاریه

السلطان	ولادت	جلوس	مدت سلطنت	رحلت	عمر	مدفن
فتحعلی خان	سنه ۱۰۹۷	سنه ۱۱۳۳	شش سال	سنه ۱۱۳۹	چهل و دو سال	خواجه ربیع در مشهد مقدس
محمد حسن شاه	ولادت سنه ۱۱۲۷	جلوس سنه ۱۱۶۴	مدت سلطنت هشت سال	رحلت سنه ۱۱۷۲	عمر چهل و پنجسال	مدفن حضرت عبدالعظیم
حسینقلی شاه ملقب بجهان سوز شاه	ولادت سنه ۱۱۶۴	جلوس سنه ۱۱۸۴	مدت سلطنت هفت سال	رحلت سنه ۱۱۹۱	عمر بیست و هفت سال	مدفن استراباد
آقا محمد شاه مرحوم	ولادت سنه ۱۱۵۵	جلوس سنه ۱۱۹۳	مدت سلطنت هجده سال	رحلت سنه ۱۲۱۱	عمر پنجاه و شش سال	مدفن نجف اشرف
فتحعلیشاه مبرور	ولادت سنه ۱۱۸۵	جلوس در طهران سنه ۱۲۱۲	مدت سلطنت سی و هشت سال و پنجماه	رحلت سنه ۱۲۵۰	عمر شصت و چهار سال و چهار ماه	مدفن در قم
نایب السلطنه عباس میرزای مرحوم	ولادت سنه ۱۲۰۳			رحلت در خراسان سنه ۱۲۴۹	عمر چهل و پنجسال و شش ماه	مدفن در مشهد مقدس
محمد شاه طاب ثراه	ولادت سنه ۱۲۲۲	جلوس سنه ۱۲۵۰	مدت سلطنت چهارده سال و سه ماه	رحلت سنه ۱۲۶۴	عمر چهل و یکسال و یازده ماه	مدفن در قم

سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان و الخاقان
ابن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه**
صاحبقران ابن محمد شاه ابن ولیعهد عباس میرزا
ابن خاقان فتحعلی شاه بن حسینقلی شاه ابن سلطان
محمد حسن شاه بن سلطان فتحعلی خان بن امیر شاه قلی
خان ابن محمد قلی خان ابن مهدیخان بن محمد قلی خان
قاجار خلد الله تعالی ملکه و دولته

تولد همایون

شب سه شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه یکهزار
و دویست و چهل و هفت من الهجرة المقدسة النبویة

جلوس همایون بر تخت سلطنت

یوم یکشنبه هجدهم شهر شوال المکرم سنه یکهزار
و دویست و شصت و چهار در دار السلطنه تبریز

جلوس مبارک بر تختگاه سلطنت در دار الخلافه ناصری

در شب شنبه بیست و دوم شهر ذیقعدة الحرام سنه
هزار و دویست و شصت و چهار که الحال سی و
یکسال تمام است که با لاستقلال مع الشوکة و
العظمة و الاجلال سلطنت و جهانبانی میفرمایند

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد
دولت جاوید مهد مظفر الدین میرزا
تولد جمعه چهاردهم شهر جمادی الثانیه سنه یکهزار
و دویست و شصت و نه من الهجرة المقدسه

نواب اشرف والا ظل السلطان سلطان مسعود میرزا
تولد یوم بیستم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و
دویست و شصت و شش من الهجرة

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر کامران میرزا
تولد روز نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام سنه یکهزار
و دویست و هفتاد و دو من الهجرة

بنات سلطنت

نواب علیه عالیه فخر الملوک تولد در سنه ۱۲۶۲
نواب علیه عالیه عصمة الدوله تولد در سنه ۱۲۷۲
نواب علیه عالیه افسر الدوله تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب علیه عالیه والیه تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب علیه عالیه ضیاء السلطنه تولد در سنه ۱۲۷۲
نواب علیه عالیه افتخار الدوله تولد در سنه ۱۲۷۳
نواب علیه عالیه تومان آقا تولد در سنه ۱۲۷۸
نواب علیه عالیه توران آقا تولد در سنه ۱۲۷۹

اخوان سلطنت

نواب والا عباس میرزا ملک آرا نواب والا عز الدوله
عبد الصمد میرزا نواب والا رکن الدوله محمد تقی میرزا

اخوات سلطنت

نواب علیه عالیه عزة الدوله نواب علیه عزیز الدوله
نواب علیه عفة الدوله

اعمام سلطنت

نواب والا معز الدوله بهرام میرزا نواب والا بهمن میرزا
نواب والا حاجی معتمد الدوله نواب والا حسام السلطنه
فرهاد میرزا سلطان مراد میرزا

نواب والا معین الدوله احمد میرزا نواب والا نصرة الدوله فیروز
میرزا نواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا نواب
والا شعاع الدوله لطف الله میرزا

اولاد خاقان مغفور

نواب والا اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم نواب
ملک ایرج میرزا رئیس الاطباء نواب سلطان سلیم میرزا
نواب محمد امین میرزا نواب عضد الدوله سلطان احمد میرزا
نواب محمد هادی میرزا نواب امان الله میرزا نواب
جهانسوز میرزا امیر تومان

اولاد محمد علی میرزای مرحوم

نواب والا مؤید الدوله طهماسب میرزا نواب نصر الله
میرزا والی نواب محمد رحیم میرزا

امیرزادگان کرام و غیره

حاجی سیف الدوله میرزا ولد مرحوم ظل السلطان
عمید الدوله کیومرث میرزا ابوالفتح میرزا ولد حسام
السلطنه احتشام الدوله سلطان اویس میرزا
حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا ناصر الدوله سلطان
حمید میرزا ابوالنصر میرزا ولد حسام السلطنه
محمد حسن میرزا ولد وزیر علوم محمد حسن میرزا ولد مرحوم
اسد الله میرزا اعتضاد الدوله محمد مهدیخان احتشام
السلطنه ابراهیم میرزا حاجی بهاء الدوله ساسان میرزا
حاجی حسین میرزا ولد مرحوم جهانگیر میرزا حاجی مسعود
میرزا ولد مرحوم ایضاً محمد علی میرزا پسر خسرو میرزا
اسمعیل میرزا اسحق میرزا عبدالله میرزا مرتضی قلی
میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد
مرحوم ایضا کامران میرزا محمد باقر میرزا داراب
میرزا پسر مرحوم ضیاء الدوله سلیمان میرزا
عبدالعلی میرزا نایب الایاله اکبر میرزا هوشنگ
میرزا انوشیروان میرزا حاجی محمد طاهر میرزا
حاجی فریدون میرزا مهدیقلی میرزا شعاع
السلطنه ذبیح الله میرزا شمس الشعرا سام میرزا
سلطان محمد میرزا جمشید میرزا ولد مرحوم بهاء الدوله

خوانین و آقایان قاجار یلخانی کری

جناب عضد الملک خوانسالار خاقان مهر آثار

طایفه قوانلو

امیرزادگان و غیره که در جزو طایفه و خوانین قاجار
منظور شد

حاجی سیف الدوله میرزا ادریس میرزا سلطان
حسین میرزا اسمعیل میرزا محمد میرزا ۲ اکبر میرزا
محمد شریف میرزا محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا

۲ یونس میرزا

اولاد مرحوم سلیمانخان امیر

محمد ولیخان محمد تقی خان محمد رضاخان محمود خان
بلغرخان عبدالله خان هادیخان محمد حسنخان

بنی اعمام

محمد رحیم خان رئیس غلام حسین خان حاجی لشکر اصلان
خلیل الله خان

طایفه مهدیقلی خانی

حسینقلیخان نجفقلیخان رئیس نجفقلیخان ولد
حاجی محمد علیخان حیدرقلیخان علیخان محمد قلیخان

طایفه قزل ایاغ

محمد رحیم خان رئیس امان الله خان نور الله خان
احمد خان سلیمان خان احمد خان
غلامحسین خان محمد صادق خان

طایفه دولو

حاجی محمد حسین خان رئیس محمد تقی خان علی خان
حاجی محمد رضا خان فتحعلی خان محمد خان
حاجی حسینعلی خان حاجی قلیخان محمد قاسم خان
محمد خان محمد صادق خان علینقی خان
خانلر خان حبیب الله خان عباسقلی خان

طایفه عز الدینلو

آقاخان رئیس محمد جعفر خان حیدر خان ولد
حسین خان محمد قاسم خان

طایفه شامبیاتی

حاجی محمد رحیم خان رئیس محمد حسین خان قاسم خان
امامقلی خان محمد حسن خان محمد محسن خان
محمود خان خلیل الله خان حاجی حبیب الله خان
حاجی اللهقلی خان رئیس باباخان آقا

طایفه سپانلو

حاجی مشهدی

محمد تقی خان رئیس محمد حسین خان اسد الله خان

محمد طاهر خان حسینقلی خان

شاه بوداقلو

محمود خان رئیس علی محمد خان حاجی محمد زمان خان

طایفه قایجلو

محمد صادق خان

طایفه داسلو

محمد مهدی خان

طایفه فراموشی لو

خانلر خان

طایفه زیادلو

احمد خان

طایفه خزینه دارلو

محمد قلیخان رئیس محمد ولیخان

طایفه کهنه لو

بهرام خان رئیس حاجی محمد علی خان

طایفه کرلو

محمد خان رئیس محمد رفیع خان

سایر خوانین

امیرخان یساولباشی
سایر خوانین دویست و سی و هشت نفر

اسامی وزراء عظام

جناب اجل آقا وزیر اعظم کشور و مالیه — جناب اشرف سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه

سایر

نواب والا معزالدوله وزیر عدلیه عظمی — نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و معادن

جناب عضدالملک خوانسالار ایلخانی ایل جلیل قاجار — جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم

و خازن مهر مهر آثار همایون

جناب نظام الملک	جناب وزیر دفتر استیفا
جناب ناصرالملک مشیر حضور همایون	جناب حاجی دبیرالملک
جناب امین الملک وزیر رسائل خاصه حضور همایون	جناب نصیرالدوله وزیر تجارت و زراعت
جناب معاون الملک	جناب حسینعلی خان وزیر فواید عامه
جناب وزیر لشکر	جناب محب الملک وزیر وظایف و اوقاف
جناب امین لشکر وزیر گمرک	جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف

ادارهٔ خاصهٔ جناب اجل آقا وزیر اعظم کشور و مالیه

جناب معاون الملک — حاجی میرزا رضا منشی مخصوص

منشیان و اجزاء وزارت جناب معاون الملک که مربوط بکلیه نوشتجات و احکام دولتی است

میرزا صادق خان منشی — حاجی میرزا عبدالله — میرزا مهدی گیلانی — میرزا حسین

میرزا محمد ساوجبلاغی — میرزا علی محمد کاشانی — میرزا علی — میرزا قاسم

وزارت جلیله جنگ

جناب اشرف مشیر الدوله سپهسالار اعظم رئیس کل قشون از توپخانه و قورخانه و زنبورکخانه و افواج قاهره سواره و پیاده نظام و خارج نظام

جناب وزیر لشکر میرزا موسی

مجالس نظامی

مجلس شورای عسکریه بریاست نواب معین الدوله

نواب معین الدوله مصطفی خان امیر تومان مرتضی خان شهاب الدوله حاجی محمد قلیخان حسام الدوله نصر الملک صمصام الدوله وکیل لشکر

میرزا مسعود خان نایب اجودانباشی

مجلس خزانه نظام بریاست امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار نظام

امیرزاده وجیه الله میرزا خزانه دار حاجی میرزا علی نقی محاسب و ضابط اسناد خرج نصر الله خان سررشته دار و ناظم صندوق نظام میرزا محمد علی فهرست نویس

خزانه نظام

ارباب قلم دفتر لشکر و سایر ولایات داراینخلافه

ملتزمین

رکاب مبارک از بابت لشکر نویسان و سررشته داران و منشیان و غیره

لشکر نویسان

میرزا مصطفی وکیل لشکر میرزا شفیع لشکر نویس میرزا یوسف میرزا اسمعیل میرزا محمد تقی میرزا علی میرزا زینل میرزا محمد علی میرزا زین العابدین

میرزا علی میرزا اشرف میرزا عبد الحمید میرزا رفیع میرزا حبیب الله میرزا محمد تقی میرزا ابو القاسم میرزا عبد الله خان میرزا حبیب الله خان میرزا حسینعلی میرزا محمد قلی میرزا علی اصغر میرزا عبد الحسین میرزا مهدی نوری میرزا اسد الله حاجی میرزا اشرف میرزا سید علی میرزا ابو القاسم تفرشی میرزا مهدی گجوری میرزا زمان میرزا محمد علی

سررشته داران دفتر لشکر و محررین و غیره

دفتر لشکر

میرزا ابو القاسم میرزا محسن میرزا بنی میرزا محمد میرزا حسین میرزا علی اشتیانی میرزا امامقلی میرزا آقا میرزا احمد میرزا هادی میرزا اسمعیل میرزا محمد علی میرزا محمد علی میرزا زکی میرزا عبد الکریم میرزا باقر میرزا علینقی میرزا ابو تراب

سررشته داران توپخانه و قورخانه و غیره

توپخانه و اصطبل

میرزا محمد علی اصفهانی میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل توپخانه میرزا نصر الله میرزا اسمعیل

قورخانه

میرزا ولیقلی میرزا رضاقلی میرزا اسد الله میرزا فضل الله

میرزا ربیع

میرزا سید تقی میرزا حسن میرزا آقا

زنبورکخانه

میرزا هادی سررشته دار

مهاجر

میرزا لطفعلی سررشته دار

منشیان

میرزا محمد خان منشی باشی میرزا کلبعلی میرزا مهدی میرزا ابوالحسن حاجی میرزا عبدالکریم میرزا احمد خان میرزا سید رضا میرزا شفیع میرزا علی میرزا عبدالرحیم خان میرزا داود میرزا اسمعیل روزنامه نویس میرزا هدایت روزنامه نویس

غرب باشی و غربان دفتر لشکر

میرزا محمد علی غرب باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل میرزا اسمعیل میرزا جعفر میرزا حسن میرزا علی اصغر

مامورین

آذربایجان

لشکرنویسان

میرزا غلامعلی ناظم دفتر لشکر میرزا محمود خان منشی نظام میرزا علیرضا حاجی میرزا یوسف میرزا علی اشرف میرزا سید مرتضی میرزا احمد حاجی میرزا محسن میرزا حبیب الله میرزا محمد میرزا احمد

سررشته داران

میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا قربانعلی میرزا احمد

سایر ولایات

خراسان

میرزا سید محمد لشکرنویس باشی میرزا یوسف سررشته دار

فارس

میرزا علی محمد خان لشکرنویس باشی

کرمانشاهان

میرزا حسینعلی لشکرنویس

کرمان

میرزا حسین لشکرنویس میرزا عبدالله سررشته دار

اصفهان

میرزا محمد حسین میرزا محمد سررشته دار

عربستان

میرزا رضای لشکرنویس

عراق

میرزا محمد تقی سررشته دار

مازندران

میرزا غلامحسین لشکرنویس

استراباد

میرزا مقیم لشکرنویس

همدان

میرزا محمد لشکرنویس

بسطام

میرزا احمد سررشته دار

اهل نظام

امراء تومان

نواب معین الدوله نواب جهانسوز میرزا

جناب

جناب ناصر الملک جناب وزیر فواید امیر الامرا العظام مصطفی خان امیر الامراء سلیمانخان
حشمت الملک میر علیخان

سرتیپان

سرتیپان اول

احتشام الدوله ناصر الدوله انوشیروان میرزا حاجی بهاء الدوله عبدالله میرزا شهاب الدوله حسام الدوله سهام الدوله نصر الملک سارى اصلان صارم الدوله وکیل الملک اعتماد السلطنه اقبال الدوله مظفر الدوله صمصام الدوله محمدخان والی اللهیارخان اجودانباشی جهانگیرخان اجودان باشی ساعد الدوله شجاع السلطنه مصطفی قلیخان علیخان نایب الوزاره سیف السلطنه صمصام الملک میرزا یوسفخان مستشار محمد آقا حسینقلیخان افشار حسین قلیخان قورسیکلو
عبدالحسین خان ولد مرحوم اجودانباشی

سرتیپان دوم سوای اشخاصیکه در جزو افواج و سواره نوشته ملشود

حشمة السلطنه عالمشاه میرزا عبدالحسین خان امیر نظام اکبرخان نریمانخان حاجی ترابخان

سرتیپان سیم سوای سرتیپانیکه در جزو افواج وسواره نوشته ملشود

عبدالعلی میرزا نایب الایاله سلطان محمد میرزا داراب میرزا سلیمان میرزا کامران میرزا

حاجی یوسفخان بهاء الملک حاجی هادی خان مهدیقلیخان دملی لطفعلیخان قراگوزلو حبیبخان ولد مرحوم آصف الدوله امامقلیخان محمدعلیخان نظمیه ابوطالبخان عطاالله خان حاجی غلامحسین خان حیدرقلیخان غلامحسین خان لاریجانی عباسخان هراتی عباسقلیخان پوشتکوهی حسین قلیخان پشتکوهی رضاقلیخان میرزا رضاخان میرزا احمدخان مهدیخان قاجار حاجی اسمعیل پاشاخان
حسینعلیخان قاجار محمدعلیخان

سرهنگان

خارج از فوج

محمدحسن میرزا رحمت الله خان محمودخان کرکری عظیم آقا علی قلیخان جوانشیر جعفرخان عبدالکریم آقا آقاخان ماکوئی فتح الله خان عبدالله خان شیراوی کاظمخان شقاقی علی رضاخان خداوردیخان علی قلیخان قراباغی احمدخان زین العابدین خان افشار علی قلیخان آقاخان آقاسید میرزای کاشانی مرتضی قلیخان میرزا یوسفخان عسکرخان شقاقی حاجی اسدالله خان محمدحسین خان زند محمدعلیخان زند میرزا نصرالله خان محمدتقی خان علی اکبرخان افشار اسدالله خان ماکوئی
محمدعلیخان علی اکبرخان کرمانی بیوکخان
میرزا علی اصغر میرزا سید محمدحسنخان محمدقلیخان محمودخان مرتضی قلی میرزا خانلرخان علینقی خان

غلامرضاخان

غلام رضا خان ثانی کلبعلی خان علی اکبر خان قراگوزلو
میرزا آقا ذوالفقار خان کلب رضا خان کل محمد خان
محسن خان ولد مرحوم مشیخعلی خان آقا لو خان ولد
مرحوم قاسمخان علینقی خان گروسی ابوالحسن خان افشار
عبدالعلی خان اسدالله خان علی اشرف خان
محمد تقی خان افشار حسینعلی میرزا حاجی محمد میرزا مهندس
ابراهیم میرزا احمد خان مهندس افشار میرزا محمد علی
مهندس محمد حسن میرزا مهندس موسی خان قاجار
یحیی خان باقر خان افشار غلامعلی خان دوبرن
محمد حسن خان ایضا حسن خان ولد اجودانباشی

نایبان اجودانباشی

محمد صادقخان نقی خان کرمانی ۲ احمد خان میرزا
بزرگ خان نصرخان ولد قاسمخان قزوینی یزدان
بخش میرزا محمد حسین خان تبریزی عسکرخان
محمد حسین خان لواسانی باقرخان محمد علی بیک
عبدالعلی خان میرزا یوسفخان ولد امین لشکر هاشمخان
اسکندر خان میرزا مسعود خان ولد سیف الملک
میرزا مسعود خان فیروزکوهی علی بیک نجفقلی خان
حیدرقلیخان مصطفی قلی خان قاجار رستمخان
گرجی مصطفی قلیخان همدانی غلامرضا خان بسطامی
حسن خان ولد نصرالله خان محمد آقا احمد میرزا ولد
کیقباد میرزا حسین خان ولد وزیر نظام احمد
میرزا ولد تیمور میرزا حسین خان ولد جارچی باشی
جبرئیل خان مسیحی میرزا عبدالله خان نائینی
محمد علی خان ولد امیرالامراء میرزا یوسف خان کرجی

غلامحسین خان هادی خان زرندی حسنخان
قزوینی رحمت الله خان نواده سیف الملک ۳
قاسم خان ملایری صادقخان محمد مرادخان گروسی
عباسقلی خان اسدالله خان ولد خانلرخان
حاجی فیروز میرزا سید حسنخان فیروزکوهی حاجی
عباسقلیخان علی آقا حسینقلی خان برادر اجودانباشی
میرزا محمود اسمعیل خان ده ملائی علیمراد خان کرمانشاهی

معلمین

فرنگی و ایرانی و غیره

فرنگی

مسیو طلر پرنت اندری صاحب مسیو لمر
موزیکانچی باشی مسیو اسشلی مسیو مشن
مسیو لسو مسیو انجیل طبال باشی

معلمین ایرانی و غیره

معلمین

عبدالحسین میرزا محمد آقای حبیب الاسلام
کریمخان حسن آقا میرزا عبدالوهاب پیاده نظام
علیخان قاجار

مترجمین

عباسقلی خان میرزا محمد علی محمد خان

توپخانه

سرتیپان

اللهویردیخان حاجی جعفرعلی خان شهاب الملک
تیمور پاشا خان میرزا علی اکبر اجودانباشی

نایبان اجودانباشی

۳ تیموث خان
معتمد الملک برادر
دبیر الملک

۲ مهدیخان

میرزا اسمعیل خان احمد خان میرزا ابراهیم خان

افواج

فوج بهادران
جمعی اللهویردی خان سرتیپ

فوج اول بهارلو
جمعی صفر علی خان سرتیپ

فوج دویم تبریزی
جمعی حاجی شکور خان سرتیپ

فوج سیم ارونقی
جمعی فرج الله خان سرهنگ

فوج چهارم مرندی
جمعی نعمت الله خان سرهنگ

فوج پنجم خوئی
جمعی تقی خان سرتیپ میرزا تقی آجودانباشی

فوج ششم ملک
جمعی میرزا فرج الله خان سرهنگ

فوج هفتم شقاقی
جمعی جلیل خان سرهنگ

فوج هشتم خلخالی
جمعی میرزا فتح الله خان سرتیپ

فوج مخبران مقدم
جمعی محمد صادق خان امیر نظام

فوج بهادران افشار
جمعی حاجی رجبعلی خان سرتیپ

فوج اول افشار
محمدرضا خان سرتیپ محمد صادق خان سرهنگ

فوج دویم خمسه
جمعی لطف الله میرزا سرهنگ

فوج سیم قزوینی و قراگوزلو
جمعی میرزا شفیع خان سرهنگ

فوج چهارم افشار بکشلو و کرمانشاهانی

فوج پنجم همدانی و نهاوندی
جمعی حاجی حمزه خان سرتیپ

فوج ششم گروسی
جمعی علیرضا خان سرهنگ

فوج هفتم کرمانی و بسطامی و شیرازی
جمعی عبدالحسین خان سرتیپ

فوج هشتم سیلاخوری
جمعی رستمخان سرهنگ

فوج مخبران خرقانی
جمعی اصلان خان سرتیپ

قورخانه
جهانگیر خان سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه

سرهنگان
حاجی موسی خان محمد علی خان باقر خان
میرزا عبدالله خان عبدالله خان

یاوران
هفده نفر

زنبورکخانه

زنبورکخانه

نصرالله خان سرتیپ عبدالحسین خان سرهنگ

علی محمد بیک یاور اول محمد علی بیک یاور دوم

افواج

فوج بهادران

شجاع السلطنه سرتیپ اول ابراهیم خان سرهنگ

فوج اول خاصه

حسام الدوله سرتیپ اول حاجی بغدعلیخان سرهنگ

فوج دویم خاصه

حاجی میرزا صادقخان سرتیپ حسنخان سرهنگ

فوج دویم نصرت

رحیم خان سرتیپ احمد خان سرهنگ

فوج سیم مظفر مراغه

پاشا خان مظفرالدوله سرتیپ اول فرج الله خان سرهنگ

فوج چهارم مرندی

عبدالحسین خان سرتیپ باقرخان سرهنگ

فوج پنجم ایلات قراجه داغ

علینقی خان سرتیپ رحیم‌دل خان سرهنگ

فوج ششم قراگوزلو

حسام الملک سرتیپ فضل الله خان سرهنگ

فوج هفتم افشار

جمعی اقبال الدوله اردشیرخان سرتیپ خسروخان سرهنگ

فوج هشتم افشار

اقبال الدوله سرتیپ اول لطفعلیخان سرهنگ

فوج مخبران شقاقی

صادم الدوله سرتیپ اول رضا خان سرهنگ

فوج بهادران نهم خوئی

شیخ علی خان سرتیپ ابوالحسن خان سرهنگ

فوج اول هنم خوئی

محمد جعفر خان سرتیپ علی خان سرهنگ

فوج دویم ششم اقبال

جمعی شجاع السلطنه بسرهنگی یوسفخان

فوج سیم جدید مراغه

قاسم خان سرتیپ فتح الله خان سرهنگ

فوج چهارم تخته قاپوی قراجه داغی

جمعی جعفرخان سرهنگ

فوج پنجم شقاقی

جمعی صادم الدوله

فوج ششم شقاقی

جمعی محمد آقا بسرهنگی مرتضی قلی آقا

فوج هفتم خلخالی

میرزا علی خان سرتیپ علی خان سرهنگ

فوج مخبران ماکوئی

هلولا آقای سرتیپ محمد پاشا خان سرهنگ

فوج بهادران قهرمانیه

فوج اول گروس

جمعی وزیر فواید بسرهنگی حسن خان

فوج سیم جدید افشار

جمعی اقبال الدوله بسرتیپی میرزا علی خان

فوج چهارم جدید مراغه
جمعی فضلعلی خان سرتیپ
فوج پنجم امیریه
محمد آقای سرتیپ احمد آقا سرهنگ
فوج ششم اردبیل و مشکین
جمعی میرزا زکی خان سرتیپ
فوج هفتم شقاقی
عبدالرزاق خان سرتیپ فضلعلی خان سرهنگ
فوج هشتم منصور
جمعی حسام الملک
فوج مخبران قراگوزلو
جمعی احمد خان سرتیپ
فوج بهادران کامران
ناصر الدوله سرتیپ اول محمد طاهر خان سرهنگ
فوج اول جدید طهران
جمعی وجیه الله میرزا
فوج دویم خلج قاهر
سیف السلطنه سرتیپ اول دوست محمد خان سرهنگ
فوج سیم زرچلو
جمعی محمد خان سرتیپ
فوج پنجم سیلاخوری
جمعی ناصر الدوله بسرهنگی رضا خان
فوج ششم سربندی
جمعی سلطان محمد میرزا بسرهنگی مصطفی خان
فوج هفتم سواد کوهی

جمعی امین السلطان بسرهنگی میرزا موسی خان
فوج مخبران کزازی
علینقی خان صمصام الملک سرتیپ اول ذوالفقار خان سرهنگ
فوج بهادران حشمت سمنان
جمعی مصطفی خان امیر تومان بسرهنگی محمود خان
فوج دویم ملایری
جمعی عسکر خان سرتیپ
فوج سیم لاریجانی
جمعی خان باباخان سرهنگ
فوج چهارم کمره
جمعی عبدالله میرزا علی خان سرتیپ علینقی خان سرهنگ
فوج پنجم کلپایگانی
جمعی شهاب الدوله بسرهنگی کاظم خان
فوج ششم قدیم خمسه
جمعی نصر الملک بسرهنگی مظفر الملک
فوج هفتم جدید خمسه
جمعی نصر الملک بسرهنگی علینقی خان
فوج مخبران بهادر جنگ بیات زرند
جمعی سهام الدوله بسرهنگی حسن خان
فوج بهادران اخلاص افشار
جمعی سلیمان خان صاحب اختیار بسرهنگی علی خان
فوج اول قدیم قزوین
جمعی نصر الملک بسرهنگی امان الله خان
فوج دویم جدید قزوین
جمعی نصر الملک بسرهنگی مصطفی خان

فوج سیم افشار بکشلو

جمعی اللهیار خان اجودان باشی سرهنگی آقا جان خان

فوج چهارم فریدنی

جمعی صمصام الدوله سرهنگی مصطفی قلیخان

فوج ششم چهار محال

جمعی صمصام الدوله سرهنگی ابوالقاسم خان

فوج هفتم عرب و عجم

جمعی جان محمد خان سرتیپ

فوج مخبران فیروزکوهی

جمعی اسمعیل خان سرهنگ

فوج بهادران دماوندی

علینقی خان سرتیپ علی محمد خان سرهنگ

فوج اول خلج قم

جمعی اسحق خان سرتیپ

فوج دوم نهاوندی

جمعی علی اکبر خان سرهنگ

فوج سیم بهبندی

جمعی عبدالحسین خان سرتیپ

فوج ششم خرقانی

جمعی اجودان باشی سرهنگی علی محمد خان

فوج هفتم قدیم کرمانی

جمعی وکیل الملک سرهنگی نقی خان افشار

فوج هشتم شوکت کرمان

جمعی وکیل الملک سرهنگی سلیمان خان

فوج نهم جبلی کرمان

جمعی وکیل الملک سرتیپی ابراهیم خان

فوج مخبران درجزین

جمعی عبدالله میرزا سرهنگی خسرو خان

فوج بهادران کوران قلعه زنجیری

فوج اول کرندی

عباسقلی خان سرتیپ نصرالله خان سرهنگ

فوج سیم کلهر

جمعی محمد حسن خان سرتیپ

فوج چهارم زنگنه

جمعی محمد رضا خان ظهیر الملک

فوج مخبران کردستان

جمعی محمد علی خان سرهنگ

فوج بهادران قراگوزلو

جمعی اعتماد السلطنه سرتیپ اول عبدالله خان سرهنگ

فوج امرائی لرستان

جمعی سلطان محمد میرزا سرتیپی برخوردار خان

فوج بیرانوند

جمعی سلطان محمد میرزا سرهنگی اسد خان

فوج چهارم سرهدی

جمعی صمصام الدوله سرتیپی میرزا عبدالوهاب خان

فوج مخبران تفرشی

مصطفی قلیخان سرتیپ اول مهدیخان سرهنگ

فوج بهادران قرائی

جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ

فوج دو

فوج اول قائینی

جمعی میر علیخان حشمت الملک میر اسمعیل خان سرتیپ حاجی [illegible] خان سرهنگ

فوج سیم تنکابنی

حبیب الله خان ساعد الدوله سرتیپ اول ولیخان سرهنگ

فوج سربازان کوچک

جمعی حاجی بهاء الدوله

فوج مهندس ملایری

جمعی ذو الفقار خان سرهنگ

موزیکانچیان

جمعی امیرزاده وحید الله میرزا

صاحب منصبان

شکر الله خان موزیکانچی باشی محمد حسن خان سرهنگ

صفر علی خان یاور غلام حسین بیک یاور

دستجات

دسته ارنکدرو باری دسته لورانی شهرستانکی

دسته موزیکانچیان توپخانه دسته موزیکانچیان

زنبورکخانه دسته موزیکانچیان ارامنه

دسته موزیکانچیان حضرت ولیعهد دسته

موزیکانچیان اصفهانی دسته موزیکانچیان

سیلاخوری دسته موزیکانچیان کزازی

دسته موزیکانچیان شمس اقبال دسته

موزیکانچیان سمنانی دسته موزیکانچیان خلج ساوه

سواره

آذربایجانی وغیره

آذربایجان

سواره افشار وغیره

جماعت افشار رضاین قلعه

جمعی عباسقلی خان سرکرده

جماعت افشار ارومیه

جمعی باقرخان سرهنگ

جماعت چهاردولی

نوروزخان سرتیپ سلیم خان سرکرده

جماعت چلبیانلو

محمود خان سرکرده رحیم خان سرکرده

جماعت خوئی

امین بیک سرکرده عباسقلی خان سرکرده

جماعت شاهسون اردبیل و مشکین

باقرخان سرکرده قربانعلی خان سرکرده

جماعت شقاقی

جمعی علیخان سرکرده

جماعت کلیبری

جمعی باقرخان سرکرده

جماعت ماکوئی

جمعی نصرالله خان سرکرده

جماعت مکری

جمعی حاجی آقا بیک سرکرده

جماعت مقدم

جمعی محمد صادقخان سرکرده

سواره نصرت ومهاجر

سواره نصرت

ابراهیم اقای کهنک میر هدایت خان سرکرده
میرزا زین العابدین خان سرکرده علیقلی خان سرکرده
حسین خان سرکرده اسکندرخان سرکرده
سلیمان خان سرکرده نایب سرکرده هشت نفر

سواره مهاجر جمعی شجاع الملک

عبدالقادرخان شجاع الملک حسنعلی خان سرتیپ جوانشیر
حسن خان سرتیپ قبه اسمعیل خان سرتیپ
محمدعلی خان سرتیپ اسکندرخان سرهنک
علی محمدخان سرهنک حسن خان سرهنک

خراسانی

جماعت درجزی
اللهیارخان سرکرده جان مرادخان سرکرده

جماعت بجنوردی
جمعی یارمحمدخان سرکرده ایلخانی

جماعت خوافی
جمعی میرلطفعلی خان سرکرده

جماعت باخرزی
جمعی عبدالباقی خان سرکرده

جماعت سیبزکی
جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت میامی
جمعی مصطفی قلیخان سرکرده

جماعت پشتکوهی
جمعی محمدرحیم خان سرکرده

جماعت جامی
جمعی نصرالله خان سرکرده

جماعت خورده ایماق
جمعی یارمحمدخان سرکرده

جماعت اردلان
جمعی محمدخان سرکرده

جماعت تیموری
علی مرادخان سرتیپ میرعطاالله خان ایلخانی میرزا شکرالله خان سرکرده

جماعت قوچانی
جمعی امیرحسین خان

جماعت مزدورانی
جمعی محمدجعفرخان سرکرده

جماعت درفانی
جمعی ملاعلی عرب سرکرده

جماعت سرجامی
جمعی حسین خان و حسنخان

جماعت بارروشک وچولائی
جمعی سلیمان خان سرکرده

جماعت غیاث ابادی
جمعی صمد محمدخان سرکرده

جماعت پشتکوهی
جمعی سعادتقلی خان سرکرده

جماعت قرائی
جمعی محمدخان سرکرده

جماعت افشار
جمعی مرتضی قلیخان سرکرده

جماعت سرداری

غفار خان سرکرده سفاقلی خان سرکرده عبدالعلی خان سرکرده امان الله خان سرکرده

حاجی میرزا افضل الله سرکرده

جماعت خورده ایماق سبزواری

جمعی حیدر خان سرکرده

جماعت عرب

جمعی باباخان سرکرده

جماعت مروی

علی مرادخان سرتیپ محمد شریفخان سرکرده

محمد حسنخان سرکرده صید محمد بیك سرکرده

جماعت کوهستانی

جمعی آزادخان سرکرده

جماعت بهتائی

جمعی گل محمد خان سرکرده

جماعت ترشیزی

جمعی محمد حسین خان سرکرده

جماعت نیشابوری

باقرخان سرکرده حاجی خانلرخان سرکرده

جماعت جامی

جمعی علیرضا بیك قراول باشی

جماعت قائینی

جمعی علی اکبرخان سرکرده

جماعت تیموری

جمعی زین العابدین خان سرکرده

جماعت جمشیدی

جمعی اللهیارخان و محمد امین خان

جماعت هزاره

یوسفخان سرتیپ اسمعیل خان سرهنگ سرکرده چهار نفر

جماعت هرانی

میرزا مسعود خان سرکرده محمد حسن خان سرکرده

استرابادی و غیره

استرابادی

جماعت استرابادی

جمعی علیخان آقای یوزباشی

جماعت نردینی

جمعی افراسیاب خان سرکرده

جماعت بسطامی

جمعی علی اکبرخان سرهنگ

مازندرانی

جماعت کرد و ترك

خدامرادان خان سرکرده فتح الله خان سرکرده

موسی خان سرکرده عباس خان ایضا

ابراهیمخان ایضا ذوالفقارخان ایضا هاشم خان ایضا

حسن خان ایضا محمد حسین خان ایضا

جماعت خواجوند و عبدالملکی

محمد قلیخان سرکرده طهماسب قلیخان سرکرده

قلی خان سرکرده حسن خان سرکرده

اسدالله خان سرهنگ عبدالملکی جعفرقلیخان سرکرده ایضا

جماعت کرکان رود کیلان

جمعی نصرالله خان سرتیپ

عراقی

جماعت بختیاری

جماعت بختیاری

جمعی اسفندیار خان سرتیپ

جماعت اردستانی

جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ

جماعت افشار اسدآباد

جمعی کریمخان سرکرده

جماعت شاهسون افشار

جمعی یوسفخان سرکرده

جماعت خمسه

جمعی ذوالفقار خان سرتیپ

جماعت شاهسون دویرن

جمعی وحید الله میرزا

محمد حسین خان سرهنگ غلام علی خان سرهنگ

غلامرضا خان سرکرده و لیمجد خان ایضا یوسفخان یاور

جماعت شاهسون اینانلو

جمعی عزیز الله خان سرتیپ بسرهنگی حاجی لطف الله خان

جماعت شاهسون بغدادی

جمعی فتحعلی خان سرتیپ

جماعت شاهسون قوزنیکلو

جمعی حسینقلی خان سرتیپ اول

جماعت خرقانی

جمعی اللهیار خان اجودانباشی

جماعت پیرانوند

جمعی حسنخان سرکرده

جماعت آق صانلو

جمعی یوسفخان سرکرده

جماعت قراچورلوی خوار

جمعی عزیز محمد خان سرکرده

جماعت افشار ساوجبلاغ

جمعی حسنخان سرهنگ

جماعت کرد بچه

جمعی نصر الله خان سرتیپ زنبورکخانه محمد طاهر خان سرکرده

جماعت هداوند

جمعی رحیم خان سرکرده

جماعت شاهسواری

جمعی نصر الله خان سرتیپ زنبورکخانه

جماعت بلات

جمعی نصر الملک بسرتیپی محمد نظر خان

جماعت افشار بکشلو

جمعی اجودانباشی بسرکردگی محمد کاظم خان

جماعت چگنی

جمعی نصر الملک بسرکردگی صادقخان

جماعت لحمدوند و بهتوئی

جمعی حسنقلی خان سرکرده

جماعت نانکلی کرمانشاهان

جمعی خدامراد خان سرکرده

جماعت نانکلی شهریار

جمعی جمشید خان سرکرده

جماعت کرنزه بر

جمعی علیخان سرکرده

جماعت عرب ناصری

جمعی محمد حسن خان سرکرده

جماعت بختیاری

اصلان خان سرکرده

پیاده

خراسانی و کرمانی

دسته خراسانی

شمخال چیان جمعی حسنعلی خان سرهنگ

دسته کرمانی

جمعی محمد رحیم خان سرکرده

دستجات استرابادی

دسته فندرسکی

جمعی میرزا تقی خان سرتیپ

دسته کتول

جمعی آقا خان سرکرده

دسته مقصودلو

جمعی عبدالصمد خان سرکرده

دسته استراباد رستاقی

جمعی شیخعلی خان سرکرده

دسته بالا شاهکوهی

جمعی آقا هادی بیك سرکرده

دسته پائین شاهکوهی

جمعی آقا کاظم سرکرده

دسته سدن رستاقی

جمعی محمد صادق خان سرکرده

دسته انزائی

جمعی محمد علی خان سرکرده

دسته بسکبی

جمعی نوروز خان سرکرده

دسته ساوری

جمعی جعفرقلیخان سرکرده و آقا رضا

دسته سیل سپر

جمعی اسدالله خان سرکرده

دسته بلوچ

جمعی میرزا بیك سرکرده

دستجات گیلانی

دسته اسالمی

جمعی نصرة الله خان پسر کردکی اللهیار خان

دسته طالش دولابی

جمعی جعفرقلیخان سرکرده

دسته ماسالی

جمعی جواد خان سرکرده

دسته شاندرینی

جمعی

دسته سالیانی

جمعی میرزا یوسفخان سرکرده

دسته شفتی

جمعی نعمت الله خان سرکرده

دسته انزائی جمعی جبار قلیخان سرکرده

غلامعلی خان نایب سرکرده علینقی خان ایضا محمد قلیخان ایضا

مازندرانی وغیره

مازندرانی وغیره

اجزاء مکتب جدید البنای اتابک

ماژندرانی

ابراهیم خان سرتیپ نجفقلی خان سرهنگ لطفعلی خان سرهنگ حبیب الله خان سرکرده

اشرف توابعی

رضاقلیخان سرتیپ کلبادی عباسقلی خان سرکرده علی اکبرخان سرکرده مهدی خان سرکرده

عربستانی

حمی شیخ عیسی خان سرهنگ

میرزا عباس خان مهندس مخصوص حضوری مدیر مدرسه مسیو لاسو معلم کرنجان مترجم حسن خان غفارخان خلیفه مدرسه

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام وسواره نظام و توپخانه وغیره

یکصد وپنجاه هزار نفر

ذخیره

پنجاه هزار نفر

وزارت دفتر استیفا که جزو وزارت عظمی کشور است

جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر استیفا

مستوفیان

حاضر رکاب

جناب معاون الملک میرزا علی قائم مقام منشی الممالک وقایع نگار لسان الملک میرزا نکی نایب حاجی میرزا نصرالله حاجی میرزا شفیع آقا میرزا حسین میرزا اسدالله میرزا محمود وزیر میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل صدیق الدوله میرزا محمد ولی میرزا ابراهیم میرزا محمد علی خان میرزا ذوالفقارخان میرزا رضا ولد مرحوم معین الملک میرزا حسینقلی خان

میرزا عبدالوهاب خان میرزا محمد حسین مستوفی خزانه میرزا سید احمد میرزا سید محمد میرزا محمد مستوفی نظام حاجی رشیدخان میرزا ابوالقاسمخان نوری میرزا سید کاظم مستوفی صندوقخانه میرزا علی اکبر حاجی میرزا سید حسین میرزا ربیع میرزا اسدالله خان نوری میرزا علیرضا میرزا باقر میرزا حسینعلی ولد مرحوم میرزا زمان میرزا عبدالله میرزا عبد الوهابخان پسر جناب نظام الملک میرزا زین العابدین خان میرزا عبدالله خان میرزا علی محمد خان میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا محمد

میرزا زکی نوری میرزا محمود صاحب دیوان میرزا سید رضی احتساب الملک میرزا رضا مهندس باشی میرزا طاهر میرزا کاظم خان للدرباشی میرزا حسن ولد جناب وزیر لشکر میرزا عبد الرحیم خلخالی میرزا محمد ولد مرحوم میرزا هادی میرزا رضا البرز میرزا محمد رضای تویسرکانی میرزا حسن بلور میرزا حسن پسر میرزا زکی نایب میرزا رفیع میرزا علی میرزا محمد ولد حاجی میرزا عبد الله میرزا عبد العلی میرزا حسن پسر میرزا ابراهیم میرزا حسنعلی ولد مرحوم میرزا نظر علی میرزا هدایت پسر لسان الملک میرزا محمد حسین پسر وقایع نگار میرزا شکر الله پسر نصیر الملک میرزا جعفر

مامورین

جناب صاحب دیوان وزیر نظام مشیر الملک علاء الملک مستشار الملک ضیاء الملک میرزا رضای بیان الملک میرزا حسن خان کرکانی میرزا حسین خان پسر جناب صاحب دیوان میرزا مسیح میرزا شفیع خان کرکانی میرزا شفیع مستوفی نواب حسام السلطنه میرزا محمد حسین نایب الحکومه کاشان میرزا محمد حسین سراج الملک میرزا سید ابراهیم میرزا رضا قلی

وزارت جلیله امور خارجه

جناب اشرف مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه

دفتر مخصوص جناب اشرف

محمد حسن خان صنیع الدوله مقدم السفراء محمد ابراهیم خان بدایع نگار میرزا نصر الله خان نایب اول وزارت امور خارجه میرزا حسنخان سررشته کتابت اسرار و منشی مخصوص میرزا محمود خان منشی مخصوص میرزا رضا منشی مخصوص میرزا جواد خان منشی میرزا محمود منشی رموز میرزا علی اکبر خان مترجم میرزا سید امین منشی میرزا محمد رضا منشی

اداره میرزا محمد رئیس کل دفتر وزارت جلیله خارجه که واسطه مابین ادارها و جناب اشرف است

میرزا محمد رئیس کل دفتر وزارت خارجه که واسطه رجوع کل اجزای آنند و جناب اشرف است محمد طاهر میرزا نایب وزارت خارجه میرزا سلیمان خان نایب وزارت خارجه نجفقلی خان پسر مرحوم حاجی محمد باقر خان بیگلربیکی

حاجی رشید

حاجی رشید خان مستوفی میرزا عبد الوهاب خان
نایب وزارت خارجه حاجی میرزا علی اکبر خان
نایب وزارت خارجه میرزا شکر الله نامه نگار
میرزا عبد الرحیم خوش نویس میرزا محمد علی خان منشی
مخصوص وزارت خارجه میرزا علی مصطفی خان
داروغه دفتر میرزا نصر الله منشی میرزا محمد
حسین پسر رشته دار وبرات نویس میرزا علی

غرب دفتر

اداره منشآت و تحریرات

سفارتخانه‌های دول متحابه در دربار همایون

تحریرات و نوشتجات راجعه بسفارت دولت علیه روس در دار الخلافه طهران

میرزا عبد الله خان مدیر میرزا محمد قلیخان
معاون میرزا آقا منشی میرزا صادق سررشته دار
میرزا محمد حسین پسر مرحوم نجفعلی خان

تحریرات و نوشتجات راجعه بسفارتخانه دولت انگلیس

میرزا ابو طالب مدیر میرزا رحیم منشی شیرازی
میرزا حسین خان منشی پسر مرحوم میرزا شفیع خان
میرزا نجفعلی محرر

نوشتجات و تحریرات راجعه بسفارتخانه دولت علیه عثمانی

حاجی میرزا سید رضی مدیر میرزا ابو القاسم معاون
میرزا مسیح محرر میرزا عبد الوهاب محرر
میرزا مطلب

دفتر وزارت خارجه

میرزا مصطفی ناظم مأمور اسلامبول میرزا رضی دفتر دار
میرزا محمد حسین دفتر دار میرزا اسد الله کتابچه نویس
میرزا عبد المطلب

تحریرات و نوشتجات راجعه بسفارتخانه دولتین اطریش و فرانسه

میرزا حسینخان نایب وزارت خارجه مدیر میرزا حسین
خان نایب وزارت خارجه معاون میرزا اسحق
خان منشی میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا
اسمعیل خان میرزا علی محمد محرر

اداره رجوعات تجارتی و محاکمات

میرزا جواد خان نایب وزارت خارجه حاجی میرزا
حسن منشی حسینعلی میرزا پسر مرحوم حاجی محمد خان
میرزا

اداره پیغامات جناب اشرف بسفرای دول متحابه مقیمین طهران

میرزا مهدیخان مدیر میرزا ابو طالب منشی
پسر کاظم بیک غلام باشی

طبقات صاحب منصبان که هر وقت اقتضا نماید بخدمات مقتضیه مأمور خواهند شد

طبقه اول

حاجی میرزا زمان خان میرزا یوسف خان
مرتب اول مأمور تبریز اسمعیل خان قاجار
نوه آصف الدوله مرحوم

میرزا بزرگ خان سرتیپ اول مامور مجلس مذاکرات
و تحقیقات خالصجات دولتی در دربار همایون
محمد علیخان سرتیپ دوم عبد الحسین خان
سرتیپ دوم نجفعلی آقا میرزا ناظر خان
مامور قنوات میرزا غلامحسین میرزا
ابو القاسم خان

طبقهٔ دوم

اللهیار خان علیخان پسر ملک الشعراء زکی خان
محمد حسنخان غلام پیشخدمت مامور مازندران
میرزا کاظم میرزا ابو القاسم منشی میرزا محمود خان
مامور بحر العجم میرزا حسین خان پسر مشار الیه

طبقهٔ سیم

احمد علیخان شاه محمد خان محمد حسن بیک
داراب بیک جواد بیک اسمعیل خان

طبقهٔ مترجمین

میرزا رضا خان سرتیپ رئیس مترجمین اجودان مخصوص
میرزا علیخان مترجم فرانسه و انگلیس و نمسه
میرزا هارطون مترجم فرانسه و انگلیس و روس
میرزا مهدی مترجم فرانسه میرزا پطروس خان
مترجم روسی مامور به سرپرستی نصارای ارومی
میرزا غلام حسین مترجم روسی و اجودان وزارت خارجه

طبقهٔ اجودانهای جناب اشرف

حاجی عبد الله خان سرهنگ اسمعیل خان ماکوئی
رئیس کل اردلهای جناب اشرف محمد خان
میرزا مسعود خان فیروزکوهی

طبقهٔ مهندسین

میرزا عباس خان سرتیپ مخصوص حضور و نشر لفایح
وزارت خارجه رئیس مهندسین میرزا عبد
الرحیم خان محمد تقی خان سرهنگ مقدم
اسد الله خان میرزا علی اشرف خان سرهنگ
میرزا حسین نقاش

طبقهٔ اطبّاء

میرزا ابو القاسم حکیم باشی میرزا عبد الوهاب
میرزا عبد الله مسیو بکمز

سفرا و مامورین دولت علیّهٔ ایران در دول متحابهٔ خارجه

سفارتخانهٔ اسلامبول

حاجی محسن خان معین الملک وزیر مختار
میرزا محمد علی ناظم مامور مجلس قمسیون ترجمان
مستشار میرزا جواد خان مترجم اول
احمد آقا مترجم میرزا آقا منشی حاجی میرزا
نجفعلی مترجم ترکی جورجکی افندی ترجمان
تجارت میرزا محمد علی مترجم دکتر پاپادوکا
حکیم سفارت مامور در مجلس صحیّه
حاجی آقا بیک ترجمان ضبطیه

سفارتخانهٔ لندن

میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار
میرزا میکائیل خان نایب میرزا علی نایب
و منشی مستر لنج جنرال قونسول

سفارتخانهٔ پطربورغ

میرزا عبد الرحیم

میرزا عبدالرحیم خان ساعد الملک وزیر مختار موقتاً
احضار شده میرزا اسدالله خان شارژدوفر در
پطربورغ میرزا علینقی منشی حکیم قاده

سفارتخانه پاریس

نظر آقا وزیر مختار میرزا احمد خان نایب و منشی
فرهاد خان مترجم دکتر بیار مسیو اپیهام
جنرال قونسول مسیو هرهال وکیل کارپردازی
در پاریس مسیو کاردالو کارپرداز در شهر بردو
مسیو دوبلد در شهر مارسیل مسیو دلامار کار
پرداز در شهر دوال

کارپردازخانه بغداد

میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز اول
میرزا طهماسب علی عزیز افندی کاتب ترکی
میرزا محسن منشی میرزا احمد منشی

نواب نجف اشرف و کربلای معلی

نجف اشرف

میرزا محمد بیک نایب

کربلای معلی

حاجی میرزا ابوالقاسم نایب کربلای معلی میرزا
اسمعیل ترجمان میرزا علی محمد کاتب ترکی

سایر اماکن مشهوره و غیره

نایب کاظمین حسن افندی نایب سامره میرزا ابوالقاسم
نایب خانقین محمد اسمعیل بیک نایب مسیب حاجی محمد
نایب یعقوبیه حاجی عباسعلی نایب عماره اسکندر بیک
نایب بصره حاجی ملارضا نایب حله یوسف خان
نایب مندلیج علی بیک نایب سلیمانیه عباس آقا
نایب قصر شیرین حسنخان نایب غزل رباط محمد جعفر بیک
مشهدی کاظم امیر السفر وکیل کارپردازی بغداد
و بمبئی و ابوشهر و اصفهان و کیلان

کارپردازی مصر

میرزا احمد خان کارپرداز اول دعنا افندی نایب
میرزا رضی منشی ولیس قونسول در اسکندریه
یعقوب افندی دفتردار

کارپردازخانه ارض روم

میرزا علی اکبر خان کارپرداز میرزا محمد حسین
نایب و منشی

کارپردازی شام

حاجی محمد صادق خان کارپرداز شام

کارپردازخانه طرابزن

میرزا محمود خان سرهنگ کارپرداز علی بیک مترجم

قونسولها و مامورین در خاک دولت عثمانی

آقا محمد قونسول ازمیر میرزا شکرالله قونسول حلب
حاجی محمد باقر وکیل التجاره جده میرزا هادی وکیل
التجاره بیت المقدس محمد آقا وکیل التجاره بروسا
محمد بیک وکیل التجاره صامسون میرزا عیسی وکیل
التجاره ادنا و طرسوس حاجی حبیب بیک ولیس
قونسول وان موسیو اینیا وکیل التجاره انطاکیا

کارپردازخانه تفلیس

میرزا اسدالله خان کارپرداز میرزا محمود خان
وکیل میرزا مصطفی نایب میرزا معصوم مترجم

میرزا اسمعیل منشی میرزا محمد بیک دفتردار

کارپردازخانهٔ حاجی طرخان

میرزا احمد خان سرتیپ و کارپرداز میرزا موسی منشی مترجم میرزا علی اکبر خان قونسول پطرسکی

کارپردازخانهٔ بمبئی

میرزا فضل الله خان کارپرداز میرزا سید علی منشی

مترجم انکلیسی

بلجیک

مسیو بونسلر جنرال قونسول در شهر بروسیل

مسیو کلی کیرهاکینه کارپرداز در شهر لیژ

مسیو مستداه کارپرداز در شهر قان

وینه

میرزا حسن ویس قونسول

مامورین و کارکذاران مهام خارجه در ممالک محروسه

اذربایجان

علیخان سرتیپ اول کارکذار حاجی میرزا صادق نایب اول میرزا حسن خان نایب حاجی میرزا باقر نایب

حاجی میرزا معصوم منشی اول قلیخان اجودان

میرزا محمد خان وقایع نکار میرزا ابراهیم خان

منشی مهام خارجه میرزا الفعلی منشی

میرزا مهدی ایضا میرزا محمود ایضا

میرزا محمد علی ایضا ساطور خان مترجم

عباسعلی خان امین الوزاره رئیس امنای تذکره

اذربایجان

کرمانشاهان و کردستان

کرمانشاهان

میرزا محمد حسین منشی و نایب میرزا پطروس خان سرپرست نصارای و ارامنه و یهود ارومی و سلماس

مسیو درمی نایب و مترجم

میرزا هادیخان کارکذار میرزا تقی خان نایب

کردستان

میرزا سید رضا کارکذار میرزا علیخان نایب

میرزا احمد خان منشی

کیلان و استراباد و مازندران و غیره

کیلان

میرزا معصوم خان سرتیپ میرزا حبیب الله امین تذکره

استراباد

میرزا اسحق خان حاجی میرزا طاهر نایب و منشی

مازندران

میرزا مهدیخان کارکذار

بندر جز

میرزا علینقی وقایع نکار

مشهد سر

میرزا عبد الوهاب امین تذکره

فارس و غیره

حاجی میرزا صادقخان کارکذار میرزا محمد خان نایب میرزا محمد خان کارکذار خارج بوشهر میرزا عبد الله خان کارکذار بندر عباس میرزا اقا وقایع نکار لنکه محمد حسین بیک امین تذکره محمره

اصفهان

اصفهان

محمد جعفرخان کارگذار اسمعیل خان نایب

کاشان

میرزا فرج الله خان کارگذار

یزد و کرمان

ملا کیخسرو سرپرست زردشتی

سفرا و مامورین دول متحابه خارجه در دربار دولت علیه و سایر ولایات محروسه

از انگلیس در طهران

جناب وزیر مختار ولیم طیلر طامسن صاحب رانلد طامسن
صاحب منشار سفارت ولیم دکسن صاحب نایب اول
مگرده صاحب نایب دوم مستر هربرت قونسول
برجوز ف دکسن حکیم سفارت محمد حسن خان
نواب منشی اول میرزا جان منشی میرزا سید محمد منشی
میرزا اسمعیل منشی چهارم

در تبریز

ابت جنرال قونسول میرزا علی اکبر خان منشی

در رشت

چرچیل صاحب قونسول میرزا نصرالله منشی

در سایر ولایات

مستر آقا نور وکیل التجاره در اصفهان میرزا حسن علی
خان در شیراز میرزا عبدالله خان در خراسان آقا
حسن در کرمانشاهان آقا سید حسین در همدان
محمد قلی داد در استراباد

بندر بوشهر

کلونل راس بالیوز کپیتان پرید و جانشین بالیوز
موقتی مستر ادواردسن مستر لوکس حکیم دارنس
مستر ماریزوس نویسنده مستر هیود نویسنده
مستر کانسند ایضا مستر اوید ایضا

از فرانسه در طهران

جناب مسیو ملینه وزیر مختار و ایلچی مخصوص مقیم طهران
موسیو ماری نایب موسیو سرسه لبستر و اجزای سفارت
مسیو برنه مترجم اول مسیو لوره مترجم دوم دفتردار
میرزا یوسف منشی اول

دارالسلطنه تبریز و غیره

مسیو امرا قونسول مسیو برتوان دفتردار [illegible]
کارگذاری دولت فرانسه بقونسولگری روس سپرده

از روس در طهران

جناب [illegible] اسطاطسکی ساودنیک مسیو
زینایوف ایلچی مخصوص و وزیر مختار نادوورنی
ساودنیک مسیو شپانوفسکی نایب اول نادوورنی
ساودنیک مسیو بطروف نایب دوم و خزانه دار سفارت
تی تولارنی ساودنیک مسیو غریغوریچ مترجم اول و
دوم سفارت کالژسکی سکرتر مسیو فیلیپوف صاحب
منصب سفارت مسیو پاخیتونوف صاحب منصب سفارت
کالژسکی ساودنیک مسیو کوزمینسکی حکیم باشی سفارت
مسیو بلوبولکونیک طاشنه میلیشر میرزا عبدالمجید
خان منشی اول سفارت میرزا عبدالله منشی دوم
میرزا ابوالقاسم خان منشی سیم
جنرال قونسول لکری در تبریز

و مترجم

۲ صاحب

کالژ

کالزسکی ساودنیك مسیو کربل جنرال قونسول

نی تولاری ساودنیك مسیو شولتز فسکی نایب جنرال

قونسول کری کالزسکی سکرتر مسیو کاخانو فسکی

مترجم جنرال قونسولکری کالزسکی سکرتر مسیو

یونانی دین صاحب منصب جنرال قونسول کری

میرزا عبدالکریم منشی جنرال قونسولکری میرزا

علی اشرفخان منشی جنرال

قونسولکری رشت

کالزسکی آسه سور موسیو بورد قونسول کالزسکی

سکرتر مسیو ولاسوف نایب و مترجم قونسولکری

میرزا عبدالوهاب منشی

قونسولکری استراباد

نادورنی ساودنیك مسیو باقولین قونسول کو

برنسکی سکوتر مسیو اشپحلکو نوف صاحب منصب

میرزا محمود منشی

از آستریه و مجارستان در طهران

جناب توچینسکی شارژدفر مسیو پشان رئیس

ضرابخانه دولت علیه ایران مسیو ریدر رئیس

پستخانه دولت علیه ایران میرزا محمد حسین منشی

از عثمانی در طهران

جناب اسمعیل افندی شارژدفر فؤاد بك آتشه ملیتر

منشی اول میرزا حسنخان

باش شهبندری تبریز

علی محجت بك باش شهبند میرزا حاجی آقا منشی

کرمانشاهان

احمد عزت افندی شهبند

بوشهر

خالد افندی شهبند میرزا حسین منشی

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهبند

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهبند

خوی

یمنی افندی شهبند

خلوت همایونی

ارباب مناصب

جناب معتمد الملک وزیر مخصوص امین خلوت ریش سفید خلوت همایونی حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام امین السلطنه جامه دار خاصه غلام حسین خان خازن رکیب خانه

سایر

مهدیقلیخان وجیه الله میرزا خزانه دار نظام ادیب الملک حاجب الدوله امین حضور محمد حسنخان محقق محمد حسنخان پیشخدمت فراشباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه سلطانحسین میرزا فرخ خان میرزا احمد خان میرزا عبدالله خان جبار خان آقا علی امین صره عمید الملک ناظم خلوت

دار النظاره خاصه مبارکه وغیره

جناب عضد الملک خوانسالار ایلخانی وخازن مهر مهر آثار همایون محمد قلیخان پیشخدمت و نایب ناظر میرزا زین العابدین سررشته دار میرزا جانی مشرف حاجی قاسم شربتدار باشی میرزا محمد رضا تحویلدار

صندوقخانه مبارکه

بریاست حاجی رحیمخان خازن الملک سلطانحسین میرزا نایب صندوقخانه مبارکه میرزا حسین مشرف

دار الترجمه خاصه همایونی

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون مسیو دیشار خان سرتیپ مترجم زبان فرانسه و انکلیسی میرزا محمد رضا مترجم زبان فرانسه میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انکلیسی میرزا عیسی خان سرهنگ مترجم مخصوص زبان فرانسه مادروس خان مترجم زبان روسی و فرانسه

اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیمباشی ملک الاطباء میرزا کاظم شیخ الاطباء میرزا حسینعلی تیمور میرزا میرزا زین العابدین کاشانی میرزا لقمن ولد ملک الاطباء مسیو هیدنر دندانساز

فراشخلوت و قاپوچیان درب اطاق همایونی

غلامعلیخان قاپوچی مخصوص درب اطاق همایون میرزا محمد کروسی ایضا میرزا کریم محمد خان فراش خلوت

قهوه خانه مبارکه

حسنخان قهوه چی باشی آقا جبار قهوه چی

تفنگداران خاصه

بریاست امین خلوت تفنگدار باشی رضا قلیخان محمد زمان خان رستم خان مصطفی قلیخان میرزا ابو الفتح خان علی اکبر خان شیرازی آقا خان قراباغی حاجی نقیخان عیسی خان میرزا باقر خان جلیل خان اسمعیل خان فرخ خان اسد الله خان حسنخان پسیان حاجی نصر الله خان محمد کریم خان قهرمان خان

خواجه سرایان

حاجی آغا جوهر خواجه باشی آغا محراب حاجی آغا فیروز آغا حسن حاجی غلامعلی حاجی سرور آغا سید اسمعیل آغا بهرام آغا فتح الله آغا فرج

وزارت دربار اعظم

جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم

میرزا احمد سررشته دار مخصوص وزارت دربار

کشیکخانه مبارکه

عبدالله خان قوللر اقاسی باشی وکیل لشکر مباشر

محاسبات کشیکخانه ولشکر نویس میرزا رضا سررشته دار

میرزا محمد علی سررشته دار

یوزباشیان از حاضر رکاب وغیره

محمد حسن میرزا رستمخان عباسقلیخان عبدالله خان

حیدرقلیخان کلبعلیخان محمد حسینخان هاشمخان

محمدقلیخان عزت الله خان خانلرخان طهماسب قلیخان

مامور آذربایجان محمد قاسمخان مامور آذربایجان سعدالله

خان مامور آذربایجان محمد حسن خان

غلام پیشخدمتان

حسینعلیخان غلام پیشخدمت باشی مرتبه اول ده نفر

مرتبه دوم بیست وپنج نفر مرتبه سیم هجده نفر

مرتبه چهارم هفتاد ودو نفر

ایشیکخانه مبارکه

ریاست علیخان ایشیک اقاسی باشی

نایبان

محمد امین خان قاجار محمد خان قاجار حسینقلیخان

ولد نواب حاجی صاحبقران میرزا جعفرقلیخان قاجار

مصطفی قلیخان قاجار محمد حسن خان رضاقلیخان

قزوینی امان الله خان قاجار حاجی حسینخان بروجردی

محمد علیخان نوائی محمد علیخان برادر شهباز خان ابو

الفتح خان برادر ایضا عباسقلیخان ولد مرحوم شهباز خان

غلام حسین خان محمد خان نوائی ولد مرحوم عمید الملک

مهدیقلیخان نوائی ولد میرزا فضل الله خان

فراشخانه مبارکه

محمد حسنخان فراشباشی محمد اقا قاپوچی باشی

اقا سید حسین حمام باشی میرزا علی اکبر مشرف

نایبان چهل ودو نفر

سرایدارخانه مبارکه

محمد ابراهیمخان سرایدار باشی نایبان سرایدارخانه هشت نفر

غلامان مهدیه

ریاست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

یوزباشیان وغلامان

اقاجان خان پاشاخان حاجی حسینخان میرزا

تقی خان جهان شاه خان

نسقچیخانه مبارکه

محمد حسنخان نسقچی باشی

نایبان

عباسخان قاجار هادیخان قاجار یوسف خان

محمد زمان خان قاجار میرزا اقا تبریزی خان بابا خان

ابوالقاسمخان قاجار میرزا حسین مشرف محمد رضا

خان قاجار میرزا محمود علی اصغر بیک

جارچیان

محمد هاشمخان جارچی باشی حسنخان نایب

یحیی خان ایضا ابراهیم خان ایضا غلام حسین خان ایضا

شاطران

بریاست حاجی محمد قلیخان صادم الملک فضلعلیخان شاطرباشی

اداره باغات و عمارات و قنوات و خیابانهای دولتی

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون

حاجی میرزا حسین ممیز حاجی ابوالحسن معمار مخصوص

آقا سید جعفر مقنی باشی

اداره باغات

محمد باقر بیک باغبان باشی کریمخان میرزا سید علی

مشرف باغبانان و سرایداران میرزا عبد المجید

نایب سلطنت اباد

اداره احتساب و خیابانها و معابر دولتی

محمد تقی بیک نایب ابری نایب قلی

میرزا ابو القاسم مشرف

وزارت جلیله مالیه و اداره خزانه عامره که جزو وزارت عظمای کشور تبیه است

امیر دیوان محمد خان معیر الممالک رئیس خزانه عامره

میرزا محمد حسین مستوفی خزانه عامره

میرزا شفیع سررشته‌دار و ضابط اسناد

آقا محمد علی تحویلدار خزانه عامره

میرزا محمد مشرف خزانه

صرافان خزانه عامره دو نفر

وزارت علوم و معادن و غیره

نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن و غیره

اجزاء وزارت علوم

جعفر قلیخان سرتیپ اول و رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون

نایب وزارت علوم میرزا اسد الله خان نایب وزارت

علوم میرزا سید باقر محاسب میرزا مسیح منشی

اجزاء مدرسه مبارکه دار الفنون

رؤسا

محمد حسینخان سرتیپ ناظم مدرسه محمد تقی میرزا

سرهنگ و اجودان مدرسه محمد ابراهیم خان

سرهنگ و تحویلدار مدرسه میرزا اسحق سررشته‌دار

میرزا جعفر خان ناظم مدرسه اسد الله خان کتابدار

میرزا علی نویسنده کارخانه میرزا تقی روزنامه‌نویس

معلمین و غیره

ایرانی

میرزا ابو القاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی میرزا علی

دکتر معلم طب فرنگی میرزا عبد الغفار نجم الملک معلم

علوم ریاضی میرزا کاظم معلم علوم فرنگ و شیمی

میرزا علی اکبر خان نقاشباشی معلم نقاشی ملا اسد الله

معلم فارسی و عربی استاد حیدر علی نجارباشی

میرزا رضا مؤذن

فرنگی

میرزا رضا خان معروف بمسیو ریشار سرتیپ معلم

آقا میرزا محمد علیخان طلوعی باشی وزارت علوم

زبان فرانسه مسیو پرویسکی سرتیپ معلم شاگردان
خارج وداخل مدرسه مسیو طلر معلم زبان انگلیس
مادروس خان معلم درس زبان روس مسیو ولیر
معلم علم معدن مسیو لمر معلم علم وعمل موزیك

خلفاء یازده نفر

میرزا جعفر خان خلیفه نقاشی میرزا حسین خلیفه
ایضا سایر خلفاء نه نفر

شاگردان

دویست وچهل وپنج نفر
شاگردان داخل مدرسه دویست وبیست نفر
داخل وخارج بیست وپنج نفر

اجزای مجلس کمیسیون حفظ صحت

اطبای ایرانی

میرزا کاظم ملك الاطباء میرزا سید علی حکیم باشی نظام
میرزا ابو القاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا
علی دکتر معلم علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین
کاشانی طبیب حضور همایون میرزا سید علی طبیب حضور
همایون میرزا علی اکبر خان حکیمباشی مریضخانه
حاجی میرزا ابو الفضل ساوجی

اطبای فرنگی

دکتر طولوزان طبیب مخصوص حضور همایون حکیم کاستالدی
طبیب سفارت دولت علیه عثمانی حکیم دکسون طبیب
سفارت دولت بهیه انگلیس حکیم کوزمی لسکی طبیب
سفارت دولت بهیه روس حکیم بیکر طبیب سفارت
دولت بهیه انگلیس حکیم بکمن

اجزای مریضخانه

میرزا علی اکبر خان حکیمباشی رئیس مریضخانه میرزا علی
خان طبیب میرزا نصر طبیب حسن خان طبیب
میرزا ابو القاسم طبیب میرزا نصیر دواساز
میرزا محمد طبیب میرزا علی اکبر طبیب میرزا حسین
طبیب مؤذن وپیش نماز یکنفر مباشر دونفر
فراش وعمله جات بیست نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

میرزا عباسخان سرهنگ رئیس مدرسه آقاخان ناظم
ومعلم درس زبان فرانسه محمد جعفر خان معلم علم طب
محمد میرزا معلم علم هندسه غفار خان معلم پیاده نظام
نجفقلی خان معلم توپخانه میرزا فتحعلی خان سررشته دار
میرزا عباسقلی ناظر معلم فارسی یکنفر ده باشی وفراش چهار نفر
عمله کارخانه دونفر متعلمین داخل وخارج چهل نفر

اجزای مجلس تالیف کتاب رجال

آقا میرزا سید علی حاجی میرزا ابو الفضل
آقا میرزا حسن آقا شیخ مهدی مترجم ملا آقا مترجم
میرزا محمد حسین رئیس الکتاب مدیر میرزا مهدی
منشی میرزا طاهر کاتب پیشخدمت وفراش وقهوه چی چهار نفر

اجزای وزارت معادن

حاجی علی اکبر امین معادن میرزا عبد الکریم سررشته دار و
منشی حاجی علی اصغر مباشر حاجی میرزا عبد الکریم
مامور خراسان شیخ عباس معدنچی

معمار خانه

بریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم
محمد ابراهیم خان معمار باشی میرزا زین العابدین خان مستوفی
میرزا حسین سررشته دار حاجی ابو الحسن معمار مخصوص

وزارت

وزارت عدلیه عظمی که جزو وزارت جلیله کشور است

نواب والا امیر الدوله وزیر عدلیه عظمی
میرزا محمد علی صدر دیوانخانه مبارکه حاجی محمد خان اعتماد
الملک حیدر قلیخان قاجار میرزا حسن مستوفی دیوان
حاجی میرزا علی رئیس میرزا علی مستوفی میرزا عبد
الحسین احکام نگار

منشیان

میرزا محمد حسین منشی نوری میرزا ابراهیم منشی فرنگی
میرزا ابو القاسم منشی شیرازی میرزا علی منشی گیلانی
میرزا علیرضا منشی نوری میرزا محمد حسین منشی نوائی
میرزا عبد الغنی کتابچه نویس میرزا محمد حسین منشی
میرزا جواد منشی میرزا محمد علی منشی میرزا فضل الله
منشی میرزا عبد الرحیم منشی میرزا علیخان منشی
حاجی میرزا زین العابدین منشی میرزا اسد الله منشی

دیوان مظالم

حاجی حسینخان رئیس میرزا موسی منشی میرزا اسمعیل
و میرزا غلام حسین ولدان میرزا موسی میرزا حسین
منشی نوری میرزا حسن اسیر میرزا موسی منشی ۲ میرزا
محمد منشی میرزا محمد حسین تفرشی منشی میرزا رضا
منشی میرزا محمد علی منشی میرزا احمد
میرزا حسن داروغه

۲ میرزا عبد الغنی
میرزا باقر منشی

وزارت وظایف و اوقاف که جزو وزارت عظمی کشور مدار است

جناب مجد الملک وزیر وظایف و اوقاف
میرزا مهدی نایب الوزاره حسام السادات نایب وزارت
وظایف و اوقاف میرزا نصر الله سررشته دار
میرزا مصطفی خان منشی میرزا محمد علی منشی

اسامی مأمورین ولایات از وزارت وظایف و اوقاف

دار الخلافه طهران	میرزا علی قلیخان
آذربایجان	میرزا عظیم مستوفی و وزیر وظایف
فارس	میرزا اشرف مستوفی
خراسان	میرزا حسن
اصفهان	میرزا اسلیمانخان
یزد	میرزا سید حسین ناظم العلماء
کرمان	میرزا محمود
کرمانشاهان و کردستان	علی اصغر خان
سمنان و دامغان	میرزا محمد علی
شاهرود و بسطام	میرزا نقی
قزوین	میرزا محمد حسین
زنجان	میرزا یوسف
مازندران	میرزا عیسی
گیلان	میرزا هاشم
استرآباد	میرزا مهدی
دماوند و فیروزکوه	میرزا طهماسب
کاشان	میرزا غیاث
قم	میرزا آقا
همدان	میرزا محمد حسین

عراق میرزا محمود

کلپایگان و خوانسار

میرزا زین العابدین

ملایر و تویسرکان میرزا علی

نهاوند میرزا محمد علی

وزارت فواید عامه که جزو وزارت کشوریه است

جناب حسنعلی خان امیر تومان وزیر فواید عامه

میرزا زین العابدین نایب دوم میرزا

بزرک منشی میرزا ابوالقاسم

دفتردار

وزارت تجارت که جزو وزارت عظمای کشوریه است

جناب نصیر الدوله وزیر تجارت

امراء وزارت تجارت

نواب نصر الله میرزا نایب اول وزارت تجارت ممالک محروسه

حاجی میرزا کاظم سررشته دار آقا میرزا اسمعیل منشی

آقا میرزا سید ابراهیم سررشته دار آقا میرزا علی اکبر سررشته دار

میرزا حبیب الله خان منشی میرزا محمد صادق منشی

حاجی میرزا محمد علی نایب وزارت تجارت ممالک محروسه

رؤسای تجار دار الخلافه

حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک محروسه حاجی میرزا نقی

آقای تبریزی آقا محمد صادق ارباب قزوینی آخوند ملا

محمد حسین تبریزی حاجی احمد آقای تبریزی حاجی علی اکبر

شیرازی حاجی سید ابراهیم کاشانی آقا سید محمود پسر مرحوم

حاجی سید حسین حاجی علینقی کاشانی حاجی محمد حسن اصفهانی

حاجی محمد حسین تبریزی حاجی محمد حسین کاشانی آقا محمد

امین طهرانی آقا عبد الباقی طهرانی آقا محمد ابراهیم

طهرانی معروف بکرمانی آقا محمد ابراهیم طهرانی معروف

بحاجی قاسم بیکی حاجی عبد اللطیف شیرازی

حاجی علی اکبر دهدشتی حاجی محمد حسین ارباب طهرانی

آقا محمد حسن ارباب طهرانی آقا علی مقدم قزوینی حاجی آقا موسی

ارباب طهرانی آقا محمد حسین ارباب طهرانی حاجی شیخ ابو الفتح

طهرانی آقا عیسی ارباب طهرانی حاجی محمد صادق کاشانی

حاجی آقا محمد کاشانی آقا محمد حسین اصفهانی معروف بحاجی سمیع

وزارت کمرک که جزو وزارت کشوریه است

جناب امین السلطان وزیر کمرکخانهای ممالک محروسه کل

میرزا نجفعلی سررشته دار میرزا علی اکبر ایضا آقا علی محمد ولد

معین التجار معاون حاجی محمد حسن مرحوم میرزا شفیع منشی باشی

آذربایجان

مدیر کل میرزا شکر الله سایر شش نفر

بوشهر و شیراز

مدیر کل محمد رضا خان بیکلربیکی سایر دو نفر

اصفهان

رئیس کل رحیم خان بیکلربیکی نایب کریم خان

کرمانشاهان

رئیس نبی خان دارنده مرحوم اسمعیل خان یزد رئیس

اسد الله خان سایر دو نفر کرمان رئیس مرتضی قلی میرزا سایر دو نفر

بروجرد رئیس موسی خان همدان رئیس میرزا احمد سررشته دار یکنفر

قزوین حاجی نعمت الله سررشته دار یکنفر خمسه رئیس میرزا علی آقا

یوسف وزنامه نویس کاشان آقا میرزا جان دار الخلافه مباشر میرزا

[margin:] پنجم ... یکنفر — هادی ... دو نفر

وزارت تلگراف که جزو وزارت عظمای کشوریه است

جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف

اجزاء تلگرافخانه مبارکه دارالخلافه طهران

صاحب منصبان

حسینقلی خان ناظم میرزا فضل الله خان سرتیپ

نصرالله خان سرهنگ رضاخان سرهنگ میرزا

حسن سرهنگ خداداد خان سرهنگ جلیل میرزا

تحویلدار اسمعیل خان

ارباب قلم

میرزا سلیم سررشته دار منشی و محرر دوازده نفر

تلگرافچی بیست نفر غلام و فراش بیست نفر

خط فارس

قم

محمد مهدی میرزا رئیس میرزا نفر فراش نفر

کاشان

علیمی خان رئیس میرزا نفر تلگرافچی نفر فراش نفر

اصفهان

میرزا ابوالقاسمخان رئیس میرزا دو نفر تلگرافچی هشت نفر

فراش چهار نفر

اباده

میرزا حسین یاور فراش نفر

شیراز و کازرون

نصرالله خان سرهنگ رئیس میرزا نفر تلگرافچی پنج نفر فراش نفر

ابوشهر

عبدعلیخان سرهنگ رئیس تلگرافچی نفر فراش دو نفر

خط آذربایجان

قزوین و منجیل

محمد مهدی میرزا رئیس میرزا نفر تلگرافچی پنج نفر

غلام چهار نفر فراش دو نفر

زنجان

آقاخان رئیس میرزا نفر تلگرافچی سه نفر غلام

هفت نفر فراش دو نفر

خط خراسان

حضرت عبدالعظیم

تلگرافچی نفر فراش نفر

ایوان کیف

تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

خوار

میرزا محمد علی تلگرافچی غلام دو نفر فراش نفر

سمنان

حاجی باباخان رئیس تلگرافچی نفر غلام چهار نفر فراش نفر

دامغان

عبدالحسین خان رئیس تلگرافچی نفر غلام چهار نفر فراش نفر

شاهرود و میامی و غیره

میرزا موسی خان سرهنگ رئیس میرزا نفر تلگرافچی

چهار نفر فراش چهار نفر غلام یازده نفر

سبزوار و عباس آباد و غیره

عباسقلی خان سرهنگ رئیس میرزا نفر تلگرافچی سه نفر

فراش چهار نفر غلام سیزده نفر

نیشابور

میرزا عبدالوهابخان رئیس تلکرافچی نفر میرزا نفر فراش دو نفر غلام چهار نفر

مشهد مقدس

میرزا حیدرعلیخان سرتیپ و رئیس میرزا نفر تلکرافچی سه نفر غلام و فراش چهار نفر

استراباد

میرزا صادقلی تلکرافچی فراش دو نفر غلام چهار نفر

خط خانقین

خان اباد

تلکرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

نوبران

تلکرافچی نفر غلامان سه نفر فراش نفر

زره

ابراهیم خان فراش نفر

همدان

محمد صفی میرزا سرهنگ رئیس میرزا نفر تلکرافچی سه نفر غلام و فراش ده نفر

کنکاور

میرزا طاهر غلام دو نفر فراش نفر

کرمانشاه و سرحدات

میرزا جعفرخان سرهنگ رئیس عبدالحسین خان سرهنگ

میرزا نفر تلکرافچی شش نفر فراش چهار نفر غلام هفت نفر

ملایر

سیف الملوک میرزا رئیس میرزا نفر تلکرافچی نفر فراش و غلام چهار نفر

عراق

حبیب میرزا رئیس تلکرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

بروجرد

حاجی مهدیخان رئیس تلکرافچی نفر میرزا نفر فراش و غلام چهار نفر

کردستان و قزوه

علی اصغرخان رئیس تلکرافچی دو نفر غلام چهار نفر فراش سه نفر میرزا نفر

خرم اباد و فرازان

میرزا حسین نایب رئیس تلکرافچی نفر غلام شش نفر فراش سه نفر

مامورین راه عربستان

تلکرافچی وغیره هفت نفر سیم کش نفر غلام نفر

صاحبمنصبان خارجه

مامورین راه عربستان و کردستان وغیره

مسیو شنلر سرتیپ مسیو باطال

مسیو کاستالدی مسیو کرباس بطر

دار الخلافه

مسیو شارل سرهنگ دفتردار خارجه

سایر ادارات

اداره جناب امین السلطان

موزه مبارکه

میرزا علی اکبر مستوفی اطاق موزه اقا باقر اقا محمد مهدی ساعت ساز اقا یوسف خان سلطان عمله ده نفر

ابدارخانه مبارکه

آقا یوسف سقاباشی آقا محمد علی ابدارباشی آقا حسینعلی
ابدار مخصوص مرتضی خان ابدار حاجی حسن ابدار
آقا ابوالقاسم ابدار میرزا لطیف مشرف سقا و عمله
ابدارخانه پنجاه نفر

وجوهات مخصوص

آقا حسینعلی تحویلدار آقا باقر تحویلدار میرزا فضل الله
سررشته دار

زاویه مقدسه حضرت عبد العظیم

میرزا علیخان نایب الحکومه حاجی سید آقا بزرگ متولی باشی
آستانه مبارکه میرزا هدایت نایب التولیه حاجی سید علی فراش باشی
سایر خدام و کلیدداران معرفی آستانه مقدسه بیست و شش نفر

انبار مبارک

تحویلدار کل آقا یوسف سقاباشی میرزا حسن سررشته دار
میرزا ربیع برات نویس میرزا ابوطالب روزنامه نویس
کربلائی اسدالله تحویلدار

متفرقه

نایب الحکومه تجریش فتح الله خان
یوزباشیان ایلبیگی کل ایلات دار الخلافه مرکه سواد شاهسون سه هزار
و پانصد و شصت و پنج خانوار و بیست و سه هزار و چهار بیست و پنج نفر جمعیت
نایب الحکومه سوادکوه حاجی جعفرقلی خان
نایب کوره پزخانه حاجی محمد خان
نایب دهات لشکر نشاء گیلان اکبرخان سرهنگ
نایب خوار محمد خان
دهات مرحوم مجد الدوله باغلام رضا بیک

شترخانه و قاطرخانه و شتران کلائی و آقا میرخان
تخت روان و تخت خانه و شتران رسوم راست
میرزا سید کاظم مستوفی آقا علی صاحب جمع میرزا هاشم
مشرف کلائی میرزا علی محمد مشرف قاطرخانه میرزا
محمد علی مشرف تخت خانه میرزا علینقی مشرف بونه بارشی
تخت روان چهل سی نفر
صاحب منصب و عمله جات شترخانه و قاطرخانه
و کلائی یکهزار و سیصد نفر

سواره

سواره خواجوند

سرهنگ علی اکبرخان نوری
سرکردگان چهار نفر
حسینخان محمد قلیخان فتح الله خان نعمت الله خان
ایلبیگی خواجوند حاجی اسمعیل

سواره لاک و غیره

سوار چهارصد نفر
خانوار خواجوند و هزار خانوار و ده هزار نفس

سواره اصانلو و غیره

سرهنگ سوار آقا رضا خان

سواره اصانلو

سرکرده نجف الله خان سوار یکصد نفر

قراچورلو

سرکرده عزیز محمد خان سوار یکصد نفر

سواره هداوند

سرکرده رحیمخان سوار یکصد و پنجاه نفر

اصطبل خاصه مبارکه

امیرزاده محمد حسین میرزا امیرآخور اصطبل مبارک

میرزا رضا قلی سررشته دار حاجی میرزا رضا مشرف

میرزا مهدی مشرف

نایبان

رستم خان میرزا ابراهیم خان حاجی نایب

سایر نایبان بیست نفر

سایر اجزاء و عمله جات از جلودار و غیره صد و پنجاه و شش نفر

چاپارخانه کل ممالک محروسه

ضرابخانه جدید البنای فرنگی بریاست جناب امین الملک

وزیر رسایل خاصه حضور همایون

میرزا رحیم نایب جناب امین الملک

اداره پستخانه کل ممالک محروسه

مسیو ریدرر رئیس کل اداره پستخانه های ممالک

محروسه مسیو نیکلا سمینو نایب اول و مختار

کل اداره آقا میرزا محمد علی قاجار منشی باشی محمد میرزا محرر ممالک

میرزا محمد علی رئیس اطاق پستخانه دار الخلافه سرهنگ سایر اجزاء ۲۵ نفر

ضرابخانه جدید البناء

مستر ... خان رئیس کل ضرابخانه اسدالله خان مترجم

اجزاء و اصحاب غیر عمله پنجاه نفر

ضرابخانه قدیم

بریاست امیر دوستمحمد خان معیر الممالک

خزانه صرف جیب و عکاسخانه مبارکه

آقا رضا اجودان مخصوص خازن صرف جیب و مدیر عکاسخانه

مبارکه و سایر عکاسخانه های دولت علیه

میرزا هاشم سررشته دار صرف جیب میرزا زین العابدین

آقا غلامحسین تحویلدار صرف جیب میرزا حسینعلی

عکاس عکاسخانه همایونی

کالسکه خانه مبارکه

بریاست معیر الممالک رسولخان کالسکه چی باشی

حاجی چراغعلی بیک نایب نایبان جز و هشت نفر

میرزا یعقوب مشرف کالسکه چیان یکصد و سی و نه نفر

میرشکار و اتباع

حاجی مصطفی قلیخان میرشکار حبیب الله خان

سایر اتباع معروف نه نفر

زرگرخانه مبارکه

بنیابت استاد ابراهیم زرگرباشی

اداره دار الطباعه مبارکه و روزنامجات دولتی و سایر باسمه خانهای ممالک محروسه

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون

اداره روزنامه ایران

میرزا سید حسن مستوفی روزنامه و دار الطباعه — میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصحح روزنامه ایران

میرزا علی محمد ناظم اداره روزنامه — میرزا ابو القاسم منشی

میرزا عباس نقاش و استاد مخصوص مباشر باسمه خانه صنا دکره و غیره — میرزا سید ولی مرتب حروف فرنگی و ایرانی

میرزا کوچک مرتب مخصوص حروف روزنامه ایران — سایر مرتبین و نویسندگان سه نفر

شاگردان حروف چین پنج نفر — عمله طبع ده نفر — فراشان هشت نفر

یوزباشی نفر — سایر هفت نفر

مترجمین دار الطباعه

میرزا محمد رضا مترجم فرانسه — میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انگلیس

میرزا عیسی خان سرهنگ مترجم فرانسه — مادروس خان مسیحی مترجم فرانسه و روسی

اداره روزنامه علمی

میرزا سید حسن مستوفی و مباشر روزنامه علمی

میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصحح روزنامه علمی

میرزا علی محمد ناظم اداره

میرزا محمد علی کاتب روزنامه

میرزا عباس استاد طبع

فراشان و محصل اخبار دو نفر فراشان روزنامه دو نفر

باسمه خانهای آذربایجان بریاست میرزا عباسخان سرهنگ رئیس تلگراف

ولایت محروسه
دار الخلافه طهران

نواب اشرف والا شاهزاده نایب السلطنه امیر کبیر حکمران دار الخلافه و غیره

میرزا محمود مستوفی کرکانی وزیر دار الخلافه

علما

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه جناب صدر العلماء

جناب آقا سید صادق جناب حاجی ملا علی

جناب آقا میرزا صالح عرب جناب حاجی ملا هادی

جناب حاجی ملا محمد جعفر جناب حاجی سید حسین

جناب ملا محمد تقی جناب آقا شیخ جعفر ولد مرحوم حاجی شیخ محمد

جناب حاجی ملا آقا میرزا جناب حاجی آقا محمد

جناب میرزا احمد شیخ الاسلام

اعیان و اشراف و امرا و خوانین از رجال دولت و غیرهم

جناب میرزا محمد خان نظام العلما حاجی شریف خان مستشار الدوله

اعتماد الدوله حیدرقلیخان ولد آصف الدوله آقا سردار

ولد سپهدار عین الملوک محمد قلی میرزا ولد اعتضاد الدوله

عباس میرزا ولد ایضا فتحعلی خان ولد ایضا محمود خان

ملک الشعراء آقا شیخ علی جناب نایب نظام العلماء میرزا

جعفر حکیم الهی سلیمان خان ولد مرحوم حاجب الدوله

حسینعلی خان ولد مرحوم اعتماد الدوله رضاقلیخان

عباسعلی خان ولد مرحوم سلیمان خان محمد تقی خان ولد

سهراب خان اسمعیل خان بشیر الدوله میرزا محمد خان

غلامحسین خان میرزا صادق خان ولد مرحوم میرزا حسن خان

وزیر نظام محمد خان ولد مرحوم احمد خان عمید الملک

محمد حسن خان ولد ایضا حاجی حسینخان ولد ایضا

اولاد مرحوم محمد باقرخان بیکلربیکی و غیرهم

حاجی علیخان محمد مهدیخان عباسخان محمد هادیخان

عبدالله خان پیشخدمت باشی نواب اشرف والا نایب السلطنه

سلطان حسین میرزا ولد پیر وزیر میرزا امان الله خان

امیر اصلان خان غلامحسین خان سلیمان خان

فضل الله خان محمد ابراهیم خان برادرزاده حاجی آصف الدوله

محمد جعفرخان ولد مرحوم عیسی خان بیکلربیکی حسین خان

محمد کاظم خان هدایتخان زین العابدین خان

اللهقلیخان علی اکبرخان نجفقلیخان محمد باقرخان

احمدخان امیر اصلان خان اسمعیلخان ولیخان

محمد حسنخان ولد مرحوم معتمد الملک عباسخان ولد مرحوم ایضا

اجزاء حکومت دار الخلافه

صدیق الدوله مباشر خالصجات حاجی میرزا تقی کلانتر

کدخدایان محلات

میرزا سید یوسف کدخدای سنگلج میرزا سید احمد کدخدای محله بازار میرزا بزرگ کدخدای چالمیدان میرزا حسن کدخدای بیرون دروازه شمیران و توابع میرزا حسین کدخدای محله عودلاجان

سررشته داران

میرزا جعفر سررشته دار میرزا حسین ایضا

منشیان

میرزا هاشم خان میرزا محمد میرزا علی نقی خان

ادارهٔ مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنه

حاجی بهاء الدوله سرتیپ و پیشکار مخصوص محمد خان
میرزا اسمعیل آقاسی باشی جناب ملا باشی محمد حسین خان
خان فراشباشی و پیشکار ساوه و زرند و غیره
حاجی نصرالله میرزا امیر آخور جمشید میرزا صاحب جمع
عبدالله خان پیشخدمت باشی امیرزاده آقا سردار پیشخدمت
خاصه عباسعلی خان مترجم و صندوقدار میرزا عباسعلی پیشخدمت باشی
خاصه اکبرخان ناظر

مستوفیان پنج نفر

نجف میرزا علی نقی سایر چهار نفر

منشیان سه نفر

میرزا محمد حسین کاتب السلطان میرزا علی اکبر منشی باشی و غیره یک نفر

کشیکچیان

محمد اسمعیل خان کشیکچی باشی
رضا قلی خان یوزباشی عبدالله خان تفنگدار باشی
هدایت خان شاطر باشی
رجبعلی سلطان ده باشی خلوت

سایر ممالک و ولایات محروسه

مملکت آذربایجان

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت
گردون مهد صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان
میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار
مملکت آذربایجان
عمید الدوله کیومرث میرزا حکمران خوی و سلماس

دار السلطنه اصفهان و بروجرد و بختیاری

و گلپایگان و خوانسار و توابع
نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکمران
و صاحب اختیار دار السلطنه اصفهان و بروجرد و بختیاری
و گلپایگان و خوانسار
رحیم خان بیگلربیگی اصفهان

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله والی مملکت خراسان و سیستان
جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان متولی باشی
حضرت رضوی علیه السلام
حاجی مستشار الملک مستوفی و پیشکار خراسان

مملکت فارس و توابع

نواب والا حاجی معتمد الدوله فرمانفرمای مملکت
فارس و توابع

ایالتین کرمانشاهان و کردستان

نواب والا حسام السلطنه حکمران و والی کرمانشاهان
و کردستان و سرحدار عراقین
امیرزاده ابو الفتح میرزا نایب الایاله کردستان

ایالتین عربستان و لرستان

نواب والا حشمة الدوله والی و حکمران عربستان
و لرستان
نایب الایاله لرستان عبدالله میرزا

مملکت کرمان و بلوچستان

حاجی شهاب الملک حکمران مملکت کرمان و بلوچستان

دار المرز مازندران

جناب معتمد الملک وزیر مخصوص حکمران دار المرز مازندران

میرزا مسیح مستوفی وزیر و نایب الحکومه

دار المرز استراباد

نواب جهانسوز میرزا امیر تومان صاحب اختیار و حکمران استراباد

دار المرز گیلان

جناب ضیاء الملک میرزا زکی مستوفی والی دار المرز گیلان

کاشان و قم و ساوه و زرند و غیره

بحکومت کارگذاران نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر

کاشان

میرزا محمد حسین مستوفی حکمران

قم

میرزا سید مهدی

ساوه و زرند

محمد سعید خان حکمران

شاهسون بغدادی

میرزا محمود خان حکمران

میرزا موسی پیشکار و وکیل میرزا محمد حسین حکمران کاشان

خمسه

نواب کامران میرزا ملک آرا حکمران ولایات خمسه

دار السلطنه قزوین

نواب عضد الدوله حکمران دار السلطنه قزوین

یزد

جناب محمد خان والی حکمران ولایت یزد

عراق و کمره

بحکومت نواب والا نصرة الدوله

ملایر و تویسرکان و نهاوند

بحکومت نواب والا موتمن الدوله محمد مهدی میرزا نایب الحکومه

همدان و درجزین

جناب ایلخانی اللهقلی میرزا حکمران

سمنان و دامغان

حسینخان اعتضاد الملک حکمران سمنان و دامغان

شاهرود و بسطام

میرزا عبد الله خان علاء الملک حکمران

گروس

بحکومت جناب حسنعلی خان وزیر فواید عمر خان حکمران

اسد آباد

بحکومت خانبابا خان پسر سلیمانخان صاحب اختیار

کنکاور

بحکومت رحمة الله خان ساری اصلان

محلات

بحکومت کسان جناب معتمد الملک وزیر مخصوص

طارم

بحکومت نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم

میرزا علی اکبر خان حکمران

نطنز

بحکومت نواب والا حسام السلطنه میرزا تقی حکمران

ممالک المغرب
اروپ

دولت اتریش و مجارستان

امپراطور فرانسوا ژوزف در سنه ۱۲۴۶ هجری متولد شد
ولیعهد ارشی دوك رودلف فرانسوا شارل ژوزف
پای تخت وین وزیر اعظم کنت اندراسی
مذهب دولتی کاتولیك و پروتستان هم دارد
جمعیت هفتاد و دو کرور

دولت اسپانیا

پادشاه آلفونس دوازدهم سنش بیست و یکسال
وزیر اعظم کانواس دل کاستیلو
مذهب دولتی کاتولیك جمعیت سی و سه کرور
و سیصد سی و پنجهزار نفر پایتخت مادرید

دول معتبره المان

جمعیت کلیه هشتاد کرور و مذهب دولتی پروتستان
و بعضی هم کاتولیك هستند

اولاً باد

فرمانفرما فردریك گیلیوم لوی
سنش پنجاه و دو سال ولیعهد فردریك
گیلیوم لوی لئوپلد اگوست سنش بیست و یکسال
پای تخت کارلسرو مذهب پروتستان

باویر

شاه لوی دوم ابن فردریك گیلیوم سنش سی
سه سال پای تخت مونیك
مذهب کاتولیك

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریك گیلیوم اول امپراطور
المان و پادشاه پروس در سنه ۱۲۱۲ هجری تولد شده و
در سنه ۱۲۹۹ با امپراطوری المان برقرار کرده بید
سنش هشتاد و یکسال است
ولیعهد فردریك گیلیوم نیکلا شارل سنش چهل و هفت سال
وزیر اعظم پرنس بیزمارك مذهب دولتی
پروتستان و بعضی هم کاتولیك هستند
پای تخت برلین

ساکس

شاه البر فردریك اگوستن انطوان فردینان لئوپلد
شارل ماری باتیست نپوموسن گیلیوم گزاویه ژرژ
فیدل سنش پنجاه سال
پای تخت درزد
مذهب دولتی پروتستان و قدری هم کاتولیك

ورتمبرغ

شاه شارل اول فردریك الکساندر سنش پنجاه
و پنج سال پای تخت ستوتگارت
مذهب دولتی پروتستان و قدری کاتولیك

دولت انگلستان و ایرلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش پنجاه و
هشت سال ولیعهد پرنس البرت ادوارد پرنس
دو گال سنش سی و هفت سال

وزیر اعظم لرد دیزرائلی پای تخت لندن
جمعیت تمام این مملکت از انکلیس و ایرلند و اسکاتلند
شصت و سه کرور و سیصد و چهل و پنج هزار نفر
مذهب دولتی پروتستان و مذهب مملکت ایرلند کاتولیک
فرمانفرمای هندوستان لرد لایتون

دولت ایطالیا

پادشاه ویکتر امانوئل
ولیعهد امبر اول رینه شارل سنش سی و پنج سال
وزیر اعظم دپرتیس مذهب کاتولیک
جمعیت پنجاه و چهار کرور و چهارصد و هشتاد و دو
هزار نفر (پای تخت رم)

دولت بلژیک

پادشاه لوی فلیپ ماری ویکتر لئوپلد دوم سنش
چهل و سه سال پای تخت بروکسل
جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر
مذهب دولتی کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پیر سنش چهل سال
ولیعهد شارل فردیناند لوی ماری
وزیر اعظم دفنتس پریرا دملو پای تخت لیزبن
جمعیت در اروپ نه کرور و یکصد هفتاد و هفت هزار نفر
خارج از اروپ شش کرور و دویست و هشتاد و یک
هزار نفر مذهب کاتولیک

دولت یونان که هلاند نیز نامند

پادشاه گیلیوم سوم الکساندر پل فردریک لوی
سنش شصت و یک سال
ولیعهد گیلیوم نیکلا الکساندر فردریک شارل
هانری سنش سی و هشت سال
پای تخت لاهه جمعیت هفت کرور و سیصد و نه هزار
نفر مذهب دولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کرستیان نهم سنش شصت سال
ولیعهد کرستیان فردریک گیلیوم شارل سنش سی و چهار سال
وزیر اعظم یعنی رئیس وزراء استروپ
پای تخت کپنهاگ مذهب دولتی پروتستان
جمعیت سه کرور و چهارصد و سه هزار نفر

دولت روس

امپراطور الکساندر نیکلاویچ دوم در سنه ۱۲۳۴ هجری متولد شد
سنش شصت سال
ولیعهد الکساندر الکساندرویچ سنش سی و سه سال
وزیر اعظم پرنس کورچاکف
جمعیت صد و هفتاد و سه کرور و هشتاد و شش هزار نفر
مذهب ارتودکس یونانی و مذاهب متفرقه هم دارد
پای تخت سنت پطرزبورغ

دولت عثمانی

سلطان عبد الحمید خان سنش سی و شش سال
ولیعهد هنوز معین نشده
وزیر اول صفوت پاشا پای تخت اسلامبول
مذهب دولتی مسلمان سنی و عیسوی و غیره نیز دارد
جمعیت از قرار سنه ماضیه چهل و سه کرور و دو صد و چهل

و هشت هزار رعیت دپنجاه و سه کرور و صد و سی و
شش هزار نفر زیر حمایت دارند که مجموع نود و شش کرور و
دویست و هشتاد و سه هزار میشوند که در تحت
حمایت هستند

دولت فرانسه

رئیس جمهوری مارشال ماکماهون پای تخت پاریس
مذهب دولتی کاتولیک جمعیت هفتاد و دو کرور
و صد و دو هزار نفر

دولت یونان

پادشاه ژرژ اول
ولیعهد قسطنطین پای تخت آتن
جمعیت دو کرور و چهار صد و شصت هزار نفر
مذهب عیسوی یونانیست
رئیس شوری دلی ژرژیس

آسیا

دولت چین

امپراطور گوانک سو سنش هفت سال
وزیر اعظم شاهزاده کنک پای تخت پکن
مذهب دولتی بودا مذهب هستند مسلمان و غیرهم
دارد جمعیت کلیه هشتصد و شصت کرور و هفت
جمعیت رعیت هشتصد و نه کرور و چهار صد
و چهل و شش هزار و صد و چهارده نفر
جمعیتی که زیر حمایت هستند پنجاه و هفت کرور

دولت ژاپن

امپراطور موتسوهیت
ولیعهد هیکانشی فوسیمی میا
وزیر اعظم سانجو پای تخت یدو
مذهب بودا مذهب
جمعیت شصت و شش کرور و صد و دو هزار نفر

دولت سیام

پادشاه فرا بادسمدیج فرا پارمانو
وزیر اول شو پیافرا پای تخت بانکک
مذهب بودا مذهب
جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس که جزو سلطنت عثمانی است
والی محمد صادق پاشا بیک ولیعهد که برادر والی است
سید علی پای تخت تونس جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور که نگوس مینامند اسمش ژان
پای تخت گندار جمعیت دوازده کرور.

دولت زنکبار

سلطان حمکش بن سعید

پای تخت بندر زنزیبار جمعیت جزیرهٔ زنکبار

یکصد هزار نفر اغلب تمام رعیت آن مسلمان هستند

جزیرهٔ ماداکاسکار

پادشاه ملکه رانا والهٔ دوم

پای تخت تانا ناریو جمعیت پنج کرور

دولت مراکش

سلطان مولای حسن

پای تخت فاس جمعیت دوازده کرور

ایالت مصر که جزء سلطنت عثمانی است

خدیو اسمعیل پاشا

پای تخت قاهره مذهب اسلام سنی

جمعیت تمام مصر سه و شش کرور

ینکی دنیای شمالی امریکا

جمهوری اتازونی

رئیس جمهوری های

پای تخت واشینتن مذهب اغلب پروتستان

جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیک

رئیس جمهوری سباستین لرد تخادا

پای تخت مکزیک مذهب کاتولیک

جمعیت هیجده کرور دویست و هفتاد و شش هزار نفر

ینکی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری رفائل زولدیوار

پای تخت سان سالوادر جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا

پای تخت سان ژوزه

جمعیت سیصد و پنجاه هزار نفر

جمهوری گواتمالا

جمهوری ژزه روفینو باریاس

پای تخت گواتمالا جمعیت سه کرور و صد هزار نفر

مذهب کاتولیک

جمهوری نیکاراگا

رئیس جمهوری دن پدرو شامرو

پای تخت ماناگا

جمهوری هندوراس

رئیس جمهوری مرکواریل یوستو

پای تخت کومایاگا

ینکی دنیای جنوبی

جمهوری ارژانتین

رئیس جمهوری سنگلا اولاندا

پای تخت بوانس ایر جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکوآتو

رئیس جمهوری این سیو وانتیلا پای تخت کیتو

جمعیت دو کرور و چهار هزار و سیصد و هفتاد و یک نفر

جمهوری

جمهوری اوروگوی

رئیس جمهوری دون لورنزو لاتر

پای تخت منت ویدیو

جمعیت چهارصد هزار نفر

برزیل

امپراطور دون پدرو دوم

پای تخت ریودوژانورو

جمعیت بیست کرور و دوصد و هشت هزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری دون توماس فریاس

پای تخت چوکی ساکا

جمعیت چهار کرور

جمهوری پاراگوی

رئیس جمهوری دون ایکینو اوعیارت

پای تخت اسمپسیون

جمعیت قبل از سنوات سابقه دو کرور نفر

جمهوری پرو

ریاست جمهوری با موسیو پاردو

پای تخت لیما

جمعیت پنج کرور

مذهب کاتولیک

جمهوری شیلی

ریاست جمهوری با انیبال پنتو

پای تخت سانتیاگو جمعیت چهار کرور

جمهوری دول متحده کولومبیه

رئیس جمهوری آکیلیو پارّه

پای تخت بگوتا

جمعیت کل دول متحده کولمبی دوازده کرور

جمهوری ونزوئلا

رئیس جمهوری دون لینارس الکنطره

پای تخت کاراکاس

جزایر

جزیرهٔ ساندویچ

پادشاه لت کامهامها (خامس) پنجم

پای تخت هونولولو

جزیرهٔ سن دومنگ

رئیس جمهوری بوانتورا

جمعیت چهارده هزار نفر

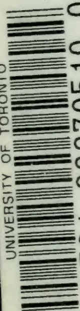
جزیرهٔ هایتی

رئیس جمهوری جنرال بنسا رسارت

پای تخت پاپرنس

جمعیت هشتصد هزار نفر




UNIVERSITY OF TORONTO
3 1761 00370510 0